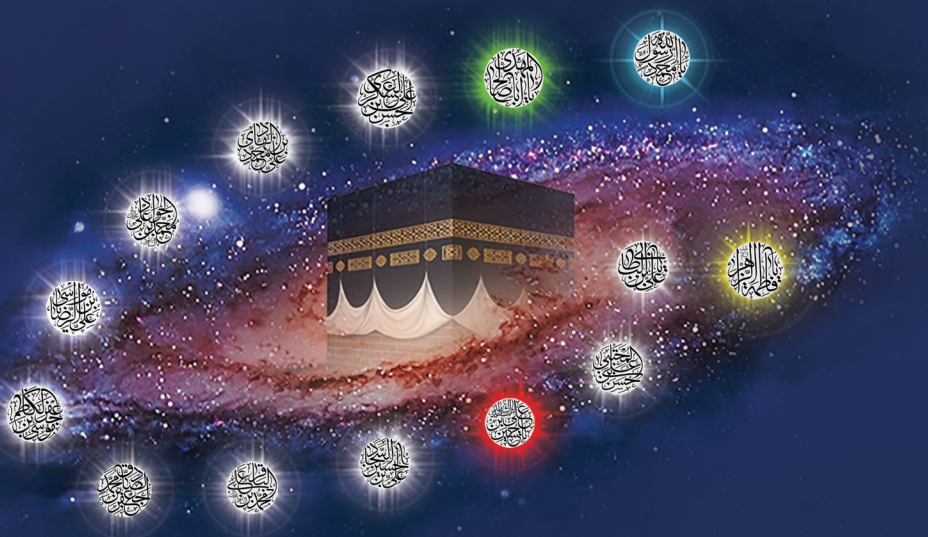




مجموعه مقالات همایش ملی
(علمی - پژوهشی)

امامت پژوهی در دنیای مدرن

دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و فناوری پردیس

بهمن ماه ۱۴۰۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مجموعه مقالات اولین همایش ملی
امامت پژوهی در دنیای مدرن
بهمن ماه ۱۴۰۳

جمعی از نویسندگان

مجموعه مقالات اولین همایش ملی امامت پژوهی در دنیای مدرن

جمعی از نویسندگان / ناشر: نجم الهدی
به سفارش: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و فناوری پردیس
ویراستار علمی: دکتر ابوطالب مختاری هاشم آباد
طراح جلد و ویراستار ادبی: عاطفه خاتمی
نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۴ / تیراژ: ۱۰۰ نسخه
قیمت: ۵۵۰,۰۰۰ تومان / شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۸۷۵۸۰-۸-۴
کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است
مراکز پخش:
تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و فناوری پردیس
www.pardis.iau.ir
قم، انتشارات نجم الهدی: ۰۹۲۰۰۹۳۶۸۸۳
www.najmolhoda.com



سرشناسه: جشنواره علمی، فرهنگی و هنری امامت و مهدویت.
استان تهران (چهارمین: ۱۴۰۳). عنوان و نام پدیدآور: مجموعه مقالات
اولین همایش ملی امامت پژوهی در دنیای مدرن بهمن ماه ۱۴۰۳ /
جمعی از نویسندگان؛ ویراستار علمی ابوطالب مختاری هاشم آباد.
مشخصات نشر: قم: نجم الهدی، ۱۴۰۴. مشخصات ظاهری: ۵۶۰ ص:.
جدول. شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۸۷۵۸۰-۸-۴. وضعیت فهرست نویسی:
فیپا. یادداشت: کتاب حاضر به سفارش دانشگاه آزاد اسلامی.
واحد علوم و فناوری پردیس است. موضوع: امامت -- کنگره ها.
Imamate. شیعه -- عقاید -- کنگره ها -- Doctrines -- Shi'ah
Congresses. رده بندی کنگره: BP۲۲۳. رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۵۲.
شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۰۸۵۲۴۷. اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا



نمای سرگودشتی

فهرست مطالب

سخن آغازین.....	۱۱
مقدمه رئیس دبیرخانه همایش.....	۱۵
مقدمه دبیر علمی همایش.....	۱۷

فصل اول: مقالات کامل

بخش اول: امامت و نقش تمدن ساز آن در جامعه

واکاوی عناصر تمدن ساز در منابع تفکر شیعه.....	۲۳
محمد معرفت.....	۲۳
ظرفیت سنجی مولفه های امامت در ایجاد انسجام تمدنی.....	۴۳
جعفر علی نقی.....	۴۳
تحلیل نقش اجتماعی امام در جهان مدرن بر اساس مفاهیم جامعه کبیره.....	۶۳
محمد جواد حسن زاده مشکانی.....	۶۳
امامت و توحید در تشیع و تکفیر با تأکید بر تمدن نوین اسلامی.....	۸۳
مریم احمدپور.....	۸۳

بخش دوم: آموزه های معرفتی - کاربردی اهل بیت (علیهم السلام) در عصر حاضر

بررسی رابطه فسخ عزائم و معرفت فطری خدا در حکمت ۲۵۰ نهج البلاغه با تکیه بر پاسخ.....	۱۱۳
کامران اویسی.....	۱۱۳
کارکرد سیره اقتصادی - تربیتی حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) در عصر مدرن از رهگذر تحلیل محتوا....	۱۳۱
فرشته معتمد لنگرودی.....	۱۳۱

- بررسی کارکرد سیره اخلاقی - تربیتی از منظر نهج البلاغه برای تحقق نظام مشارکتی اجتماعی ۱۵۷
- علیرضا عبدالحسین زاده..... ۱۵۷
- واکاوی و تبیین مفهوم فرهنگ در سیره معصومان (ع)..... ۱۷۵
- حمیدرضا صافی..... ۱۷۵
- تاثیر امام شناسی بر سلامت معنوی و سعادت انسان..... ۱۹۱
- اکبر هوشیاری..... ۱۹۱
- عوامل موثر بر تربیت اخلاقی در سیره نبوی..... ۱۹۹
- ساراسادات کارگر، فهیمه معتضدیان..... ۱۹۹
- تاثیر امام شناسی بر سلامت معنوی و سعادت انسان..... ۲۲۱
- سیده مریم بازیار..... ۲۲۱
- سیره اخلاقی اهل بیت (ع) در دنیای مدرن راهی برای دستیابی به آرامش و تربیت انسان ... ۲۳۵
- مونا کمیجانی..... ۲۳۵
- سلامتی روان - شیوه‌های زندگی سالم در معارف اهل بیت (ع)..... ۲۴۳
- زینب شاهمرادیان..... ۲۴۳

بخش سوم: ارتقای امام شناسی با تأکید بر مفاهیم زیارت جامعه کبیره

- باز اندیشی مبانی امام شناسی براساس زیارت جامعه کبیره..... ۲۶۳
- فریبا عباس پور..... ۲۶۳
- بررسی مفهوم و مصادیق همراهی با امام با تکیه بر تعالیم زیارت جامعه کبیره..... ۲۸۱
- نوید ابوطالبی..... ۲۸۱
- بررسی نقش اهل بیت (ع) در جامعه؛ از منظر کلام امیرمومنان (ع) در خطبه ۱۰۰ نهج البلاغه . ۲۹۵
- عطیه خاکشورنیا، فاطمه دهقان مهدی آبادی..... ۲۹۵
- تاملی بر جایگاه دوازده امام (ع) در معارف امامیه و تفاوت آن با دیدگاه اهل سنت و مسیحیت . ۳۰۷
- رضا مختاری هاشم آباد..... ۳۰۷
- برداشتی آزاد از مبانی امام شناسی بر اساس زیارت جامعه کبیره با استناد موضوعی به ... ۳۱۹
- احمد سلطانی..... ۳۱۹

شاخصه‌های اخلاق متعالی ائمه هدی در زیارت جامعه کبیره و تاثیر آن بر سلامت روان و ... ۳۳۹..

فهیمة فهیمة نژاد؛ فاطمه اشتري لركی..... ۳۳۹..

ضرورت و فواید زیارت حجج الهی با تاکید بر زیارت جامعه کبیره..... ۳۵۱

وحید کميجانی..... ۳۵۱

بخش چهارم: امامت پژوهی با تاکید بر مباحث مهدویت

نگرش قرآنی ائمه در زیارت جامعه کبیره به امام مهدی عج..... ۳۶۷

مریم السادات طباطبایی حسنی..... ۳۶۷

واکاوی معنای عدالت در حکومت مهدوی بر اساس آموزه‌های علوی..... ۳۸۱

مهرانگیز میرزایی، ابوطالب مختاری هاشم آباد..... ۳۸۱

نقش تاثیرگذاری زنان در ترویج نسل مهدوی..... ۴۰۳

کبری آذرnia کرکری، خدیجه صفری..... ۴۰۳

ویژگی‌های یاران امام مهدی عج و ماموریت آن‌ها..... ۴۱۵

بهجت السادات معاون افشاری..... ۴۱۵

نگاهی بر مدعیان دروغین مهدویت در عصر معاصر..... ۴۳۳

فهیمة معتضدیان، سارا السادات کارگر..... ۴۳۳

بخش پنجم: امامت، علوم، فنون و شرایط عصر جدید

موعودباوری در سینما؛ نقد و بررسی فیلم‌های دوگانه تل ماسه ۱ و ۲ (۲۰۲۲ - ۲۰۲۴)..... ۴۵۱

عارفه گودرزوند چگینی..... ۴۵۱

گونه‌شناسی دشمنان آخرالزمانی جمهوری اسلامی ایران در مسیر زمینه‌سازی برای ظهور ... ۴۶۹

محمود مطهری نیا..... ۴۶۹

کارکرد فنون فضای مجازی در ترویج امامت و مهدویت..... ۴۹۱

سید محمود اسماعیلی..... ۴۹۱

اهدای نوشتاری ارزشمند از امامت پژوه ارجمند به همایش در آستان نهج البلاغه..... ۵۰۵

عبدالحسین طالعی..... ۵۰۵

فصل دوم: چکیده مقالات

- ۵۲۳..... یاری و نصرت اهل بیت علیهم السلام؛ معنا و شیوه‌ها.
- ۵۲۳..... الینا عزیزی، محمد مهدی علی‌نژاد.
- ۵۲۴..... جایگاه امامت و امام شناسی در دین اسلام.
- ۵۲۴..... وحیده مزینانی.
- ۵۲۵..... آثار یاری ائمه در زندگی.
- ۵۲۵..... مبین نوری، عباس لاهوتی نیا، پیام طباح خیریه.
- ۵۲۶..... امامت و مردم‌شناسی: پیوندی میان دین و جامعه.
- ۵۲۶..... علی اصغر احسان فر.
- ۵۲۷..... امامت، علوم قرآنی و تفسیر: بررسی نقش امامان معصوم علیهم السلام در تبیین و تفسیر قرآن کریم
- ۵۲۷..... سامان شمس.
- ۵۲۸..... احادیث امام حسن مجتبی علیه السلام به عنوان رسانه‌ای قدرتمند در اخلاق و زندگی.
- ۵۲۸..... آناهیتا تاجیک
- ۵۲۹..... تأثیر امام شناسی بر سلامت معنوی و سعادت انسان.
- ۵۲۹..... یاس مهدی پور.
- ۵۳۰..... تحلیل چگونگی اعطای عصمت از جانب خدا به پیامبران و امامان.
- ۵۳۰..... ایمان عباسی
- ۵۳۱..... بررسی و نقد فیلم‌های جدید با محوریت فیلم تلماسه.
- ۵۳۱..... ریحانه زند، صبریه دلفانی گودرزی.
- ۵۳۲..... کارکرد فنون فضای مجازی در ترویج امامت و مهدویت.
- ۵۳۲..... لیلا حیدری، محمد علی حیدری.
- ۵۳۳..... فایده امام غائب در عصر غیبت.
- ۵۳۳..... فرهاد روغنگران یزدی.
- ۵۳۴..... تفاوت نبوت و امامت (مقایسه ویژگی‌های پیامبران و امامان).
- ۵۳۴..... مریم ناظم زاده، سارا یاری

- جایگاه امامت و امام شناسی در دین اسلام..... ۵۳۵
- زهراماهروبی، هستی رضایی، گندم قدر..... ۵۳۵
- جایگاه واقعه غدیر خم در اثبات امامت..... ۵۳۶
- رامتین مدنی فر، علی کارآموزیان..... ۵۳۶
- جریان شناسی مدعیان دروغین مهدویت در دنیای مدرن..... ۵۳۷
- آیدا افروز، نرگس وقری، حنانه براتی..... ۵۳۷
- حقوق بشر در زیارت جامعه کبیره..... ۵۳۸
- حانیه وحیدی مطلق، آتنا وفایی سرشت..... ۵۳۸
- دلایل موفقیت امام حسین (علیه السلام) و اصحابش در امتحان بزرگ عاشورا..... ۵۳۹
- نگین صفری، کوثر معینیان، مینا الهی پور، شبنم روشنایی..... ۵۳۹
- راهکارهای ترویج فرهنگ زیارت در میان مردم..... ۵۴۰
- ارشیا شهابی..... ۵۴۰
- روانشناسی و امامت..... ۵۴۱
- سینا عباسی ورنکش..... ۵۴۱
- زندگی امام محور و کسب آرامش..... ۵۴۲
- یاسمن افشار، نفیسه غفاری..... ۵۴۲
- نقش امامان اهل بیت در هدایت و تربیت جامعه اسلامی..... ۵۴۳
- محمد رضا وحیدی کهن..... ۵۴۳
- نقش محبت ائمه (علیهم السلام) در زندگی انسان..... ۵۴۴
- عارفه بیقرار عارفی..... ۵۴۴
- نقش پیشوایان الهی در هدایت جامعه..... ۵۴۵
- امیر حسن جاویدپور..... ۵۴۵
- نقش پیشوایان الهی در هدایت جامعه..... ۵۴۶
- ریحانه ناصرالاسلامی، ستاره کیاشمشکی، سوگند رجبی..... ۵۴۶
- وظایف منتظران ظهور در عصر غیبت امام مهدی (علیه السلام)..... ۵۴۷
- علی اصغر زردی، رضا خسروی..... ۵۴۷

- چالش‌ها و شبهات اعتقاد به امامت در دنیای مدرن..... ۵۴۸
- بیتا عیوضی..... ۵۴۸
- کارکرد سیره اخلاقی و تربیتی اهل بیت (علیهم‌السلام) در دنیای مدرن..... ۵۴۹
- هانیه دلبش، ستایش علیون، مریم میرزائی..... ۵۴۹
- زندگی امام محور و دستیابی به آرامش..... ۵۵۰
- آتنا فروغی..... ۵۵۰
- زیارت جامعه کبیره و هدایتگری اهل بیت (علیهم‌السلام) «اسناد زیارت جامعه کبیره در بین منابع ...» ۵۵۱
- محمد جواد سعیدیان..... ۵۵۱
- زیارت مشاهد مشرفه..... ۵۵۲
- مریم شکوفه نژاد، نازنین کریمی، مرضیه آقامحمدی..... ۵۵۲
- علامه امینی و کتاب الغدیر..... ۵۵۳
- پارسا مروجی..... ۵۵۳
- فایده امام غائب در عصر غیبت..... ۵۵۴
- عطیه خسروجردی..... ۵۵۴
- مرجعیت علمی اهل بیت (علیهم‌السلام) در دنیای مدرن..... ۵۵۵
- مهدیه میرکاظمی حسینی، مرضیه پیرزاده، فاطمه علیدوست..... ۵۵۵
- مرجعیت علمی اهل بیت (علیهم‌السلام) در دنیای مدرن..... ۵۵۶
- مبینا خالقی فر، عسل پادگانه، یکتا ملافضل..... ۵۵۶
- زندگی امام محور و کسب آرامش..... ۵۵۷
- عطیه ورمزیار، رضوانه گلشنی، شهرزاد رحمانی اصل، زهرا نصراله کاشانی..... ۵۵۷
- ارتباط میان علم و دین و علم دینی؛ مروری بر سیر تحول علم و فلسفه علم با استفاده از ۵۵۸
- مسیح سبحانی، علی باهک..... ۵۵۸
- تاثیر زیارت اربعین بر ترویج باورداشت امامت در جهان..... ۵۵۹
- امیرعلی غلامی..... ۵۵۹

سخن آغازین

أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ (يونس / ۳۵)

آیا کسی که به حق و حقیقت رهنمون گردد سزاوارتر است که پیروی شود یا کسی که هدایتگر نیست مگر اینکه به او راهنمایی شود؟! چه شده شما را چگونه حکم می‌کنید؟

در آموزه‌های اسلامی به دلیل ختم نبوت مباحث مربوط به جانشینی پیامبر ﷺ با عنوان «امامت» از اهمیت محوری برخوردار است. دانشگاه آزاد اسلامی بر اساس رهنمودهای عالمانه ریاست عالی آن جناب آقای دکتر محمد مهدی طهرانچی با عنایت به اینکه گفتمان سازی و ترویج فرهنگ سه موضوع امامت، مهدویت و انتظار نیازمند بستری برای شناخت و شناساندن است و این مهم با بهره‌مندی از ظرفیت‌های علمی، فرهنگی و هنری جامعه دست یافتنی خواهد شد، برگزاری جشنواره علمی فرهنگی و هنری امامت و مهدویت را از سال ۱۳۹۹ به صورت سالانه در دستورکار خویش قرار داده است. بی تردید این تصمیم و اقدام گسترده با الهام از رهنمودهای مقام معظم رهبری و اهداف گام دوم انقلاب و در راستای برنامه علم‌یاتی سند تحول و تعالی دانشگاه آزاد اسلامی و اعتلای فکری نسل جوان و دانشگاهی صورت پذیرفت تا مفاهیم ناب امامت و مهدویت با استفاده از ظرفیت مناسب‌های ماه مبارک رجب و ماه مبارک شعبان و بهره‌مندی از قالب‌های هنرمندانه امکان ترویج، تعمیق و ماندگاری بیشتری پیدا نمایند.

این جشنواره سالانه در سطح واحدهای دانشگاهی با مدیریت، برنامه‌ریزی و پیگیری مجدانه و خالصانه مدیر عامل و عوامل اجرایی موسسه بنیاد علمی فرهنگی و هنری امامت و مهدویت دانشگاه آزاد اسلامی با ایجاد دبیرخانه در واحدها و مراکز استانی دانشگاه آزاد اسلامی در چهار دسته برنامه موضوعی شامل: علمی، فرهنگی، ادبی و هنری برگزار شده است.

خدا را شاکریم که دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و فناوری پردیس نیز به لطف پروردگار عزیز و عنایات اهل بیت (علیهم‌السلام) توانست در چهارمین دوره از جشنواره امامت و مهدویت که در ایام

دی و بهمن سال ۱۴۰۳ مصادف با ایام ۱۳ رجب تا ۱۵ شعبان ۱۴۴۶ هـ.ق انجام شد، برای نخستین مرتبه در کنار ده‌ها واحد دانشگاهی و مراکز آموزشی در شمار برگزارکنندگان این جشنواره در سطح ملی باشد. این واحد دانشگاهی در میان برنامه‌های موضوعی عهده‌دار جشنواره علمی - پژوهشی در موضوع امامت بود که بر این اساس همایش ملی علمی - پژوهشی با عنوان «امامت پژوهی در دنیای مدرن» را با افتخار برگزار نمود.

مخاطب این برنامه علمی استادان، کارمندان، دانشجویان، دانش‌آموزان و جمیع امامت پژوهان از سراسر کشور بودند و بیش از هزار اثر پژوهشی شامل مقاله یا مقاله کوتاه به دبیرخانه همایش واصل شد. پس از برگزاری پنج پیش‌نشست در موضوعات مرتبط با محورهای اصلی همایش، آیین اختتامیه همایش در روز ۲ بهمن ماه ۱۴۰۳ برگزار شد و از میان آثار رسیده از ۲۳ اثر برتر شامل ۶ مقاله از استادان، ۲ مقاله از کارمندان و ۱۵ اثر از دانشجویان تقدیر شد. به لطف پروردگار این جشنواره علمی با اینکه اولین حضور را تجربه می‌کرد از میان پنجاه واحد مجری چهارمین دوره جشنواره علمی فرهنگی و هنری امامت و مهدویت در سراسر کشور در شمار چهارده برنامه برتر انتخاب گردید و حائز رتبه سوم در این جشنواره شد.

مجموعه پیش‌رو دستاورد مشارکت علمی امامت پژوهان ارجمند از سراسر کشور است؛ شامل ۶۷ مقاله که بعد از ارزیابی و بررسی آثار رسیده به دبیرخانه همایش توسط کمیته علمی و هیات داوران موفق به دریافت پذیرش شدند: ۲۹ مقاله به‌طور کامل و چکیده ۳۸ مقاله که تقدیم جامعه علمی فرهنگی و ایمانی کشور می‌گردد. برپایی این همایش در گرو تلاش‌های همه جانبه و خالصانه فرهیختگانی است که از روزهای نخست برنامه‌ریزی تا به ثمر رسیدن دستاورد همایش به شکل‌های گوناگون با دبیرخانه همایش همکاری و مشارکت داشته‌اند که از جمله آنان اعضای محترم شوراها و کمیته‌ها به شرح ذیل است:

شورای سیاستگذاری

۱. حجت‌الاسلام والمسلمین سید حسین حسینی، امام جمعه شهرستان پردیس
۲. سید جواد جعفری احمدآبادی، مدیرعامل موسسه فرهنگی و هنری امامت و مهدویت دانشگاه آزاد اسلامی
۳. دکتر مسیب داوری، مدیر کل امور برنامه‌ای و مشاور قائم مقام دانشگاه آزاد اسلامی در امور تقریب مذاهب اسلامی و مهدویت
۴. دکتر حسین اصغری شیوایی ریاست دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و فناوری پردیس
۵. حجت‌الاسلام والمسلمین حسین خانی معاونت نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و فناوری پردیس

کمیته علمی و شورای داوری همایش

۱. حجت الاسلام والمسلمین دکتر کامران اویسی (دانشیار دانشگاه معارف اسلامی، دبیر کمیته علمی)
۲. حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسن طارمی راد (دانشیار و معاون علمی بنیاد دائرة المعارف اسلامی)
۳. حجت الاسلام والمسلمین محمد قیصریان (دبیر دبیرخانه مهدویت دانشگاه آزاد اسلامی در سال ۱۴۰۳)
۴. دکتر صالح رحمتی (دانشیار و معاون آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و فناوری پردیس)
۵. دکتر محسن احتشامی نیا (دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی)
۶. دکتر عبدالحسین طالعی (عضو هیات علمی دانشگاه قم)
۷. حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد معرفت (عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال و مدیر کل امور اساتید معارف و تأمین محتوا نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه آزاد اسلامی)
۸. دکتر سجاد فضلعلی (عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد پردیس)
۹. دکتر ابوطالب مختاری هاشم آباد (عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد پردیس)
۱۰. دکتر افسانه فهیمی (عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد پردیس)
۱۱. دکتر سمیه خلیلی آشتیانی (عضو هیات علمی واحد تهران غرب)
۱۲. دکتر سمیرا مهدی نژاد (عضو هیات علمی واحد تهران شمال)
۱۳. دکتر صغری رادان (عضو هیات علمی واحد یادگار امام ره)
۱۴. دکتر محمود مطهری نیا (عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران)
۱۵. دکتر محمدعلی دزفولی (مدرس دانشگاه و مهدویت پژوه)
۱۶. دکتر حسین فتح اللهی (عضو هیات علمی و معاون فرهنگی دانشجویی دانشگاه آزاد اسلامی واحد پردیس)
۱۷. دکتر فرزاد چراغپور (عضو هیات علمی و معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد پردیس)
۱۸. دکتر مریم اقبالیان (استاد گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد پردیس)
۱۹. دکتر سید مرتضی میرسراجی (استاد گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد پردیس)
۲۰. ثریا سقا (دانشجوی دکتری دانشگاه قرآن و حدیث، مدرس دانشگاه و پژوهشگر)
۲۱. بهجت السادات معاون افشاری (استاد گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد پردیس)

کمیته اجرایی همایش

۱. دکتر ابوطالب مختاری (عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد پردیس، دبیر کمیته اجرایی)
۲. دکتر سجاد فضلعلی (عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد پردیس، معاون کمیته اجرایی)
۳. دکتر افسانه فهیمی (عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد پردیس، مسئول دبیرخانه)
۴. دکتر حسین بدیعی (عضو هیات علمی و معاون توسعه و مدیریت منابع واحد پردیس)
۵. دکتر حسین فتح اللهی (عضو هیات علمی و معاون فرهنگی و دانشجویی واحد پردیس)
۶. دکتر صالح رحمتی (عضو هیات علمی و معاون آموزشی واحد پردیس)
۷. دکتر فرزاد چراغپور (عضو هیات علمی و معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد پردیس)

۸. حجت الاسلام و المسلمین مؤمن قربانی (مسئول دفتر امام جمعه ارجمند شهرستان پردیس)
۹. آقای حسین آرمودیان مقدم (معاونت سیاسی امنیتی و انتظامی فرمانداری شهرستان پردیس)
۱۰. آقای مهندس محمد غرقابی (مسئول حراست دانشگاه آزاد اسلامی واحد پردیس)
۱۱. آقای مهندس رضا آریانا (مسئول اداره فناوری و اطلاعات دانشگاه آزاد اسلامی واحد پردیس)

کارشناسان اجرایی همایش

۱. حجت الاسلام و المسلمین مهدی نائبزاده
۲. جناب آقای محمد امیری
۳. جناب آقای محمد غلام نیا
۴. جناب آقای ابوالفضل بابایی
۵. جناب آقای ابوالفضل سیری
۶. جناب آقای محمد علیپور شیرسوار
۷. جناب آقای احمد سلطانی
۸. جناب آقای وحید احمدی
۹. جناب آقای سید قربان علوی
۱۰. جناب آقای احسان جعفری نیا
۱۱. جناب آقای مهدی فرهنگ
۱۲. جناب آقای محسن ادبی فیروزجاهی
۱۳. جناب آقای محمد مهدی دودانگی

دبیرخانه اولین همایش ملی «امامت پژوهی در دنیای مدرن» از مساعدت‌ها و زحمات جناب آقای دکتر علی سروری مجد قائم مقام ارجمند رئیس دانشگاه آزاد اسلامی و به طور ویژه از جناب آقای سید جواد جعفری مدیر عامل موسسه فرهنگی هنری امامت و مهدویت و همکاران بزرگوار ایشان و نیز از قرارگاه فرهنگی شهرستان پردیس و به طور خاص دفتر امام جمعه ارجمند و مردمی شهرستان پردیس، فرماندار محترم شهرستان پردیس، مسئولان گرانقدر شهرداری پردیس، شهرداری بومهن و شهرداری سعید آباد و نیز از تلاش‌های نویسندگان محترم مقالات علمی و همه عزیزانی که به نحوی در برپایی این همایش همکاری داشته‌اند، تشکر نموده و از خدای کریم سلامتی و موفقیت بیشتر آنان را خواستار است.

اللهم عجل لولیک الفرج

دبیرخانه اولین همایش ملی امامت پژوهی در دنیای مدرن

پیش‌گفتار یکم

مقدمه رئیس دبیرخانه همایش

در میان فرقه‌های اسلامی، امامیه با باورداشت امامت دوازده امام معصوم و انتخاب شده از سوی خدا و معرفی شده توسط پیامبر ﷺ به عنوان یکی از اصول مهم دین اسلام بیش از دیگر گروه‌ها به معرفی حقیقت امامت، شرایط و صفات امام، شئون گوناگون امام، ملکوت شناسی امامت، امامت و سیاست و پاسخ به شبهات پیرامون امامت به شکل ویژه و تخصصی پرداخته است.

مطالعات امامت با تمرکز بر رهبری و هدایت در سنت اسلامی، در دنیای مدرن اهمیت قابل توجهی دارد. پژوهشگران اسلامی بر اساس تخصص و نوع مخاطبان خویش با رویکردهای مختلف همچون تفسیری، روایی، کلامی، فلسفی، عرفانی، تاریخی، فقهی و میان‌رشته‌ای به بررسی جهات مختلف امامت دست یازیده‌اند.

تأثیر امامت بر باورهای دینی، سلامت معنوی و روانی، ارزش‌های اخلاقی و اعمال و تعاملات اجتماعی انسان‌ها از سویی و پیشرفت علوم و تکنولوژی و رواج بحران‌های معنوی در جهان کنونی از سوی دیگر سبب شد تا دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و فناوری پردیس که در سال جاری اولین حضور خود را در جشنواره علمی، فرهنگی و هنری امامت و مهدویت دانشگاه آزاد اسلامی تجربه می‌کرد در میان رشته‌ها و رویکردها، شیوه علمی — پژوهشی را برگزیند و همایشی ملی با عنوان «امامت پژوهی در دنیای مدرن» را پی‌ریزی، آغاز و اجرا نماید.

خدا را شاکریم که این همایش ملی به سبب برخورداری از تلاش مجدانه شورای سیاست‌گذاری همایش و با راهنمایی‌های ارزنده امام جمعه عالی‌قدر و مردمی شهرستان پردیس حجت الاسلام والمسلمین سید حسین حسینی و همکاری صمیمانه قرارگاه فرهنگی شهرستان و همچنین تلاش‌ها و پیگیری‌های همکاران ارجمندم به خصوص دبیران محترم علمی و اجرایی حجت الاسلام والمسلمین دکتر کامران اویسی، دکتر ابوطالب مختاری و دکتر

سجاد فضلعلی و همراهی عالمانه استادان گروه معارف اسلامی به ویژه سرکار خانم دکتر فهیمی مورد استقبال خوبی قرار گرفت و بیش از هزار اثر شامل: مقاله یا مقاله کوتاه از استادان، دانشجویان و عموم پژوهشگران به دبیرخانه همایش ارسال شد. بر خود لازم می‌دانم از تمام این بزرگواران کمال تشکر و قدردانی را داشته باشم.

اقبال قابل توجه پژوهشگران و به ویژه دانشجویان به نگاشتن مقالات میان رشته‌ای و به خصوص رابطه امامت با علوم جدید و فنون فضای مجازی و فیلم‌ها و آثار هنری جهانی از نقاط جالب این همایش بود.

به هرحال موارد یادشده و توجه به سفارش مؤکد پیامبر ﷺ بر انتقال پیام واقعه غدیر به آیندگان و ضرورت ترویج فرهنگ صحیح امامت و مهدویت در جای جای جهان و آسان شدن ارتباطات علمی با پیشرفت علم و فناوری ما را بر ادامه این فعالیت علمی و فرهنگی در ادامه مسیر مصمم نموده است. انشاءالله

از فرهیختگانی که در این همایش شرکت نمودند یا به هر نحوی یاریمان کردند، تشکر می‌کنیم و مشتاق نظرات ارزشمند استادان گرامی و امامت‌پژوهان ارجمند کشور عزیزمان ایران هستیم.

حسین اصغری شیوایی

رئیس دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و فناوری پردیس

و رئیس دبیرخانه همایش

پیش‌گفتار دوم

مقدمه دبیر علمی همایش

إِنْ ذَكَرَ الْخَيْرُ كُنْتُمْ أَوْلَهُ وَأَصْلَهُ وَفَرَعُهُ وَمَعْدِنُهُ وَمَأْوَاهُ وَمُنْتَهَاهُ.

اگر از خیر و خوبی یاد شود، آغاز و ریشه و شاخه و سرچشمه و جایگاه و نهایت آن شما اهل بیت علیهم‌السلام هستید. (زیارت جامعه کبیره)

همایش امامت‌پژوهی در دنیای مدرن آن هم با محوریت زیارت جامعه کبیره، دارای نظام موضوعی متنوعی است. مانند پژوهش در بستر اعتقادی چون تبیین عقلی و نقلی آموزه امامت و مهدویت و پاسخ به شبهات اعتقادی با تأکید بر زیارت جامعه کبیره؛ مطالعه در قالب اجتماعی مانند: کارکردهای اجتماعی امامت و مهدویت و بررسی جریان‌های انحرافی معاصر؛ فرهنگی مانند: نقد فیلم‌های مرتبط با امامت و مهدویت؛ علوم تربیتی و روانشناختی، مانند: آثار تربیتی شناخت امام معصوم علیه‌السلام در سبک زندگی و کسب آرامش. همایش حاضر در دو سطح استادی و دانشجویی مقاله پذیرفته است.

جایگاه زیارت جامعه کبیره در شناخت ویژگی‌های امام و نقش آن در نظام هستی و تحلیل رابطه بین مأموم و امام معصوم علیه‌السلام به ویژه با نگاه به دنیای مدرن از جمله اهداف این همایش بوده است. این نکته نیز شایان ذکر است با نشان دادن عمق و وسعت مطالعاتی در این حوزه، می‌توان به اصل بودن بحث از امامت و نه بسندگی به فقهی بودن آن به عنوان یک مقوله فرعی اذعان نمود. توضیح اینکه دانشمندان مسلمان، در بحث از مسأله امامت، حداقل دو روی‌آورد کلی دارند که یکی از اختلاف‌های اهل تسنن و شیعه در مسأله امامت، به همین امر بر می‌گردد. دانشمندان اهل تسنن در بحث از امامت، رویکرد فقهی و جزئی‌نگری به آن را اخذ کرده‌اند، در حالی که از نظر شیعه، اخذ این رویکرد، اگر مغرضانه نباشد، تفسیری ناقص از امامت به دست می‌دهد. در صورتی که امامت که در متن حدیثی متواتر چون ثقلین، به شکل عترت و

اهل بیت (علیهم السلام) نمود دارد، همتراز کتاب الله؛ یعنی قرآن معرفی شده است.^۱ نکته دیگر که حاصل مطالعات در چارچوب محورهای همایش حاضر است، نشان از گستره شئون امام معصوم (علیه السلام) در نظام هستی دارد. توضیح اینکه یکی از شئون رسول خدا (صلی الله علیه و آله) عبارت

۱. متن حدیث تقریباً با مضمونی واحد اما گاه با اختلاف در الفاظ در منابع حدیثی نخستین شیعه و اهل تسنن نقل گشته است؛ به عنوان نمونه کلینی به سند خود از امام صادق (علیه السلام) در حدیثی، یک سری نصوصی که پیامبر درباره امام علی (علیه السلام) و ائمه پس از او آورده، این حدیث را نیز نقل نموده است: «وَقَالَ: إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ أُمُورِينَ إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا: كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَ أَهْلَ بَيْتِي عِثْرَتِي؛ أَيُّهَا النَّاسُ، اسْمَعُوا وَ قَدْ بَلَغْتُ، إِنَّكُمْ سَتَرُدُّونَ عَلَى الْحَوْضِ، فَأَسْأَلُكُمْ عَمَّا فَعَلْتُمْ فِي الثَّقَلَيْنِ، وَ الثَّقَلَانِ كِتَابُ اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ وَ أَهْلُ بَيْتِي، فَلَا تَسْبِقُوهُمْ؛ فَتَهْلِكُوا، وَ لَا تَعْلَمُوهُمْ؛ فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ.» (کلینی، الکافی: ۲/ ۲۵) همچنین امام باقر (علیه السلام) در آموزش خطبه‌های نماز جمعه، آورده است: «وَقَدْ بَلَغَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ الَّذِي أُرْسِلَ بِهِ، فَالْزُمُوا وَصِيَّتَهُ وَ مَا تَرَكَ فِيكُمْ مِنْ بَعْدِهِ مِنَ الثَّقَلَيْنِ: كِتَابِ اللَّهِ، وَ أَهْلِ بَيْتِهِ، الَّذِينَ لَا يَضِلُّ مَنْ تَمَسَّكَ بِهِمَا، وَ لَا يَهْتَدِي مَنْ تَرَكَهُمَا؛ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ، سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ، وَ إِمَامِ الْمُتَّقِينَ، وَ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.» (همان: ۶/ ۷۲) شیخ صدوق نیز در معانی الأخبار، بابی را به حدیث ثقلین اختصاص داده است. (ابن بابویه، معانی الأخبار: ۹۰ — ۹۱) در میان اهل تسنن نیز برخی از منابع این حدیث را نقل کرده‌اند. مثلاً احمد بن حنبل به سند خود از ابوسعید خدری از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آن را نقل نموده است: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ، أَحَدُهُمَا أَكْبَرُ مِنَ الْآخَرِ: كِتَابُ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ، وَ عِثْرَتِي أَهْلُ بَيْتِي، وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ» (ابن حنبل، مسند الإمام أحمد بن حنبل: ۱۷/ ۱۷۰) دارمی نیز در مسند خود از زید بن ارقم از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آورده است: «عَنْ زَيْدِ بْنِ أَرْقَمٍ، قَالَ: قَامَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ يَوْمًا خَطِيبًا فَحَمَدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ، ثُمَّ قَالَ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ يُوْشِكُ أَنْ يَأْتِيَنِي رَسُولُ رَبِّي فَأُجِيبُهُ، وَ إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ: أَوَّلُهُمَا كِتَابُ اللَّهِ فِيهِ الْهُدَى وَ النُّورُ، فَتَمَسَّكُوا بِكِتَابِ اللَّهِ، وَ خُذُوا بِهِ، فَحَثَّ عَلَيْهِ وَ رَعَبَ فِيهِ، ثُمَّ قَالَ: «وَ أَهْلُ بَيْتِي أَذْكُرُّكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي ثَلَاثَ مَرَّاتٍ» (دارمی، سنن الدارمی: ۴/ ۲۰۹۱) مسلم نیشابوری نیز در صحیح خود از زید بن ارقم از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) این حدیث را نقل کرده است: «وَ أَنَا تَارِكٌ فِيكُمْ ثَقْلَيْنِ: أَوَّلُهُمَا كِتَابُ اللَّهِ فِيهِ الْهُدَى وَ النُّورُ فَخُذُوا بِكِتَابِ اللَّهِ. وَ اسْتَمْسِكُوا بِهِ» فَحَثَّ عَلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ رَعَبَ فِيهِ. ثُمَّ قَالَ «وَ أَهْلُ بَيْتِي. أَذْكُرُّكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي. أَذْكُرُّكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي. أَذْكُرُّكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي.» فَقَالَ لَهُ حَصَيْنٌ: وَ مَنْ أَهْلُ بَيْتِهِ؟ يَا زَيْدُ! أَلَيْسَ نِسَاءُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ؟ قَالَ: نِسَاءُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ. وَ لَكِنْ أَهْلُ بَيْتِهِ مِنْ حَرَمِ الصَّدَقَةِ بَعْدَهُ. قَالَ: وَ مَنْ هُمْ؟ قَالَ: هُمْ آلُ عَلِيٍّ، وَ آلُ عَقِيلٍ، وَ آلُ جَعْفَرٍ، وَ آلُ عَبَّاسٍ. قَالَ: كُلُّ هَؤُلَاءِ حَرَمِ الصَّدَقَةِ؟ قَالَ: نَعَمْ.» (نیشابوری، الجامع الصحیح: ۴/ ۱۸۷۳).

است از دریافت و ابلاغ و تعلیم وحی؛^۱ اما در امام معصوم علیه السلام گرچه دریافت وحی حداقل به صورت قرآنی و به عنوان عبارت های کتابی آسمانی وجود ندارد؛ اما تبیین همان وحی رسالی بر امام لازم است. به ویژه که در مباحثی که امکان دارد پیامبر در طول حیات خویش به تبیین آنها نرسیده باشد یا هنوز چنین مسئله ای برای طرح برخی مباحث به سبب عدم اتفاق یا پرسش یا فرهنگ بدوی و ... به وجود نیامده باشد، از شئون امام است که باید آن وظیفه تفسیری و تبیینی را استمرار بخشد.^۲

شیعه بر این باور است که منصب مرجعیت علمی و دینی به واسطه تبیین و تفسیر با ریشه و منشأ وحیانی که از مأموریت ها و مناصب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده است، به امامان پس از او تفویض و از جمله شئون امام بر شمرده شده است^۳؛ زیرا آنان نیز به سبب عصمت و ارتباط با عالم غیب، از طریق وحی غیر رسالی^۴ یا الهام، می توانند تبیین و تفسیر معارف دینی و احکام را انجام دهند.^۵

امید است که این قدم هر چند اندک در دفاع از مقام امام معصوم علیه السلام و جایگاه او از تمامی دست اندرکاران این همایش مورد پذیرش صاحب آن یعنی امام عصر علیه السلام و ذخیره قبر و قیامت و سرای آخرت آنان و بنده کمترین قرار گیرد.

کامران اویسی دانشیار دانشگاه معارف اسلامی و دبیر علمی همایش

۱. ر.ک: بقره/۱۵۱؛ نحل/۲۴.

۲. محمدی ری شهری، *دانشنامه قرآن و حدیث*: ۶/۴۳۳.

۳. قدردان قراملکی، *پاسخ به شبهات کلامی: دفتر چهارم: امامت*: ۴۱.

۴. مانند وحی بر حضرت مریم علیها السلام. (علوی مهر، *مسئله وحی و پاسخ به شبهات آن*: ۴۲) از وحی غیر رسالی یا غیر قرآنی به صورت وحی تبیینی و وحی غیر قرآنی نیز نامبرده شده است. (ر.ک: خسروپناه، *کلام نوین اسلامی*: ۲/۳۳۲-۳۳۴)

۵. شئون امام به عنوان وظایفی که یک امام باید در حیطه آنها انجام دهد، توسط غالب متکلمان شیعه مورد اشاره قرار گرفته است؛ به عنوان نمونه، می توان در عبارات و کتب شیخ مفید به این نتیجه رسید که او به دو شأن کلی تکوینی؛ ناظر به ولایت مطلقه در عالم ماده (مفید، *تصحیح الاعتقاد*: ۱۳۳-۱۳۴)، سرای آخرت و قیامت (مفید، *الامالی*: ۱۶۸) و تشریعی ناظر به تبیین و تفسیر دین و اجرای آن برای امام قائل است.



فصل اول: مقالات کامل

بخش اول: امامت و نقش تمدن ساز آن در جامعه

واکاوی عناصر تمدن ساز در منابع تفکر شیعه

محمد معرفت^۱

چکیده

شکل‌گیری تمدن در هر جامعه‌ای، بیانگر ترقی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، و نشانه پیشرفت، رشد و توسعه در تمام زمینه‌های فعالیت آن جامعه است. هدف اصلی این مقاله شناخت و تحلیل عناصر تمدن ساز در منابع تفکر شیعه است. در این مقاله، به روش توصیفی تحلیلی، و جمع‌آوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای، به دنبال پاسخ به این سؤال هستیم که عناصر تمدن ساز در منابع تفکر شیعه کدامند و چه نقشی در تمدن اسلامی ایفا می‌کنند؟ یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد در منابع تفکر شیعه شاهد سفارش‌های زیادی بر عناصر تمدن ساز هستیم. عناصری همچون تولید فکر و اندیشه، تعقل و عقل‌گرایی، عدالت‌محوری، امنیت همگانی، نهادینه‌سازی قانون و نظم، تعهد به اصول اخلاقی، نگرش فراقومیتی، تساهل و مدارا، تولید ثروت و سرمایه، قدرت و اقتدار، همبستگی و مشارکت همگانی و توجه به شهرنشینی و معماری، عناصر تأثیرگذار برای ایجاد تمدن به شمار می‌روند. ضرورت و اهمیت این پژوهش، در دفع اتهام‌های ناروا درخصوص شکوفایی و گسترش تمدن اسلامی و ایجاد خودباوری برای شیعیان در حل مسائل مختلف و ایجاد تحول در جامعه است.

کلمات کلیدی

تمدن، تمدن اسلامی، عناصر تمدن ساز، تفکر شیعه، منابع تفکر شیعه.

۱. عضو هیأت علمی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران.

مقدمه

تمدن يك مقوله اجتماعی می باشد که حاصل تفکرات و اندیشه های پنهان در ورای آن است. افتخار هر جماعتی به پیدایش تمدن های متعدد در دوره تاریخی آنان می باشد. ساختن تمدن در هر گروهی نشان گر پیشرفت و ترقی آن گروه است. برای تمدن سازی، وجود اندیشه و تفکر تمدن ساز اجتناب ناپذیر و ضروری است (ر.ک: دورانت، ۱۳۶۷: ۵/۱-۳).

در این نوشتار با روش توصیفی — تحلیلی و گردآوری مطالب به صورت کتابخانه ای، سعی شده به این سؤال پاسخ دهیم که عناصر تمدن ساز در منابع تفکر شیعه کدامند و تحلیل آن ها چگونه است و چه نقشی در تمدن اسلامی ایفا می کنند؟

نویسنده این سطور معتقد است منابع تفکر شیعه به ویژه قرآن کریم و معارف معصومان (علیهم السلام)، به جهت برخورداری از توان و قابلیت های گران بها و ارزشمند، می توانند تمدنی متناسب و هماهنگ با احتیاجات بشر معاصر ایجاد کنند؛ همان گونه که این توانایی و قابلیت را در گذشته از خود به نمایش گذارده اند.

تمدن از ریشه «مدن» به معنای پذیرفتن نظم و قانون، پذیرفتن شهرنشینی، مأنوس شدن و عادت کردن به اخلاق و آداب شهریان و همکاری افراد اجتماع در مسائل گوناگون از جمله مسائل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی می باشد (دهخدا، واژه «مدن»؛ معین، واژه «مدن»؛ عمید، واژه «مدن»).

از نظر ویلیام جیمز دورانت (۱۸۸۵-۱۹۸۱م)، تمدن به شکل کلی آن، نظامی است اجتماعی که به دنبال آن، نوآوری و ابتکار فرهنگی ممکن می شود و تداوم می یابد (دورانت، ۱۳۶۷: ۳/۱). او چند مؤلفه اساسی را برای تمدن ها نام می برد: ۱. پیش بینی در امور اقتصادی؛ ۲. داشتن سازمان سیاسی؛ ۳. رعایت آداب اخلاقی؛ ۴. کوشش در راه شناخت و معرفت و گسترش هنر. ویل دورانت معتقد است ظهور تمدن وقتی ممکن است که ناامنی و نابسامانی خاتمه یافته باشد؛ زیرا فقط در چنین زمانی است که ترس از بین رفته و در نتیجه آن، کنجکاوی و نیاز به اختراع و ابداع به کار می افتد؛ بنابراین، انسان تسلیم سرشتی می شود که او را به طور طبیعی به راه حصول معرفت و دانش و فراهم کردن وسایل تعالی زندگی، هدایت می کند (همان).

رهبر معظم انقلاب علاوه بر «تمدن» و «تمدن اسلامی»، تعبیر جدید «تمدن نوین اسلامی» را به کار برده اند. از نظر ایشان، تمدن نوین اسلامی به معنای پیشرفت همه جانبه است؛ به عنوان یک مصداق عینی و خارجی برای شناخت مفهوم تمدن نوین اسلامی می توانیم بگوییم هدف

ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی، ایجاد تمدن نوین اسلامی است. ایشان می‌فرمایند: از یک نگاه، تمدن اسلامی همان تمدن نوین اسلامی است؛ اما از نگاهی دیگر که ما تمدن نوین اسلامی را معنا کردیم، پیشرفت همه جانبه، دو بخش اصلی دارد: یک بخش، بخش ابزاری است، و بخش دیگر، بخش اصلی و اساسی است. بخش ابزاری، همین ارزش‌هایی که ما امروز به عنوان پیشرفت کشور مطرح می‌کنیم: علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ؛ این‌ها همگی بخش ابزاری تمدن است؛ یعنی وسیله هستند؛ اما بخش دوم، همان بخش اصلی است؛ یعنی آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد که همان سبک زندگی است. این بخش، بخش حقیقی و اساسی تمدن مثل مسأله خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن و نوع لباس است که متن زندگی انسان هستند (khamenei.ir مورخ ۱۳۹۱: ۲۳ مهر).

با مراجعه به آثار تدوین شده در موضوع مقاله حاضر چنین به دست می‌آید که کار پژوهشی جامع و منسجمی در زمینه تحلیل عناصر تمدن ساز در منابع تفکر شیعه صورت نگرفته و آثاری همچون «ظرفیت‌های تمدنی اسلام» به قلم حمید فاضل قانع، «نقش شیعه در فرهنگ و تمدن اسلام و ایران» از علی اکبر ولایتی، «بافتار کوشش‌های شیعی در تمدن اسلامی در دوره مغول» نوشته محمد باغستانی کوزه‌گر، «تمدن‌زایی شیعه» تألیف اصغر طاهرزاده، «نقش امامان شیعه در شکل‌گیری و توسعه تمدن اسلامی» به قلم غلامحسین محرمی، «مؤلفه‌های تمدن ساز در مکتب سیاسی امام رضا (علیه السلام)» از موسی نجفی و «عناصر تمدن ساز دین اسلام، نوشته حمزه علی وحیدی منش، عناصر گوناگون تمدن ساز را مورد تحلیل قرار نداده‌اند و فقط به جهت یا دوره‌ای محدود و به صورت پراکنده به موضوع پرداخته‌اند؛ اما در مقاله حاضر به اندازه وسیع علمی و گنجایش مقاله به موضوع توجه شده است؛ همچنین مقتضیات عصر حاضر ایجاب می‌کند بسیاری از مسائل دوباره مورد بررسی، ارزیابی و تحلیل قرار گیرد و به ارزیابی‌های پیشین بسنده نشود. آنچه که پژوهش حاضر توجه ویژه‌ای نسبت به آن دارد، و می‌توان آن را از نوآوری‌های این پژوهش دانست، شناخت دقیق عناصر و ویژگی‌های تمدن ساز موجود در منابع اصیل تفکر شیعه؛ یعنی قرآن کریم و معارف اهل بیت (علیهم السلام) است؛ همان ظرفیت‌های تمدنی که اسلام به کمک آن‌ها توانست تمدن طلایی و شکوهمند اسلامی را ایجاد کند. در ادامه، به بررسی این عناصر و مؤلفه‌ها می‌پردازیم.

تولید فکر و اندیشه

یکی از مهم‌ترین ارکان ایجاد تمدن، گسترش معرفت و علم‌ورزی است که در آموزه‌های اسلامی به ویژه قرآن کریم از اهمیت زیادی برخوردار است؛ برای نمونه، بر اساس آیه «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (زمر / ۹) کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسان نیستند.

در احادیث اهل بیت علیهم‌السلام نیز تأکید بسیاری بر تولید فکر و اندیشه شده است. از نظر مولای متقیان حضرت امیرمؤمنان علی علیه‌السلام، دین، وقتی درست و کامل است که دانش بیاموزید و دانش خود را به کار بگیرید؛ همچنین ایشان تحصیل علم را واجب‌تر از تحصیل مال می‌داند (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۰/۱).

بدون قرار گرفتن متفکران و تفکر در جایگاه شایسته، پیشرفت و توسعه‌ای محقق نخواهد شد؛ چراکه نوآوری و خلاقیت، شرط اساسی شکل‌گیری تمدن است. دین مبین اسلام به عنوان آخرین دین الهی به بهترین شکل، این زمینه را مهیا نموده است. در زمانی که اعراب جاهلی در جنگ‌ها به چیزی جز انتقام و غارت فکر نمی‌کردند، پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم همگان را به خواندن و نوشتن ترغیب می‌کرد و از هر فرصتی برای مبارزه با جهل و بی‌سوادی استفاده می‌کرد؛ چنان‌که در جنگ بدر فدیة آزادی اسرا را آموزش خواندن و نوشتن قرار داد که این خود سبب گسترش فرهنگ سوادآموزی شد (ابن سعد، ۱۴۰۵: ۲۰/۲).

اصل کلمه «علم»، حدود هشتاد بار در قرآن کریم به کار رفته است؛ علاوه بر آن، ترکیب «اولوا الألباب» که به معنای خردمندان است، در قرآن بارها به کار رفته است؛ همچنین واژگانی همچون فکر، حکمت، برهان و فقه در قرآن فراوان به چشم می‌خورد. خداوند سبحان، مؤمنان را از این‌که از طریق تقلید کورکورانه به او ایمان آورند، نهی نموده است؛ حتی در آیه «وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ لَقَدْ لَبِئْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَى يَوْمِ الْبَعْثِ» (روم / ۵۶)، ایمان و علم را در کنار یک‌دیگر آورده است. افزون بر این، آیات بسیاری در زمینه دانش‌اندوزی وجود دارد؛ حتی در آیاتی که اختصاص به بیان وقایع و سرگذشت‌ها دارد و هدف از آن، پندآموزی و فراگیری عبرت است، می‌توان ترغیب به تاریخ‌نگاری و مشاهده آثار تاریخی و تشویق به روحیه واقع‌نگری را آشکارا مشاهده کرد (محرمی، ۱۳۹۰: ۶۳).

اسلام از یک طرف، تمام محدودیت‌ها و طبقه‌بندی‌ها در زمینه علم‌آموزی را برانداخت و با بیان آموزه‌هایی چون: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۰/۱) فراگیری دانش را بر همگان فریضه دانست. از طرف دیگر، حتی به مسلمانان اجازه داد از کفار نیز علم بیاموزند

(نهج البلاغه، حکمت ۸۸؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۹۹/۲)، و از تن آسایی و تن پروری دوری کنند و برای تحصیل علوم، دشوارترین گلوگاه‌ها را عبور کنند (مجلسی، ۱۴۰۴: ۷۵/۲۷۷) و به دورترین مناطق هستی سفر روند (مجلسی، ۱۴۰۴: ۷۵/۲۷۷؛ ۱۳/۱۵).

با چنین فرهنگ سازی، مسلمانان در حدود يك سده، علوم و مطالبی ارزشمند را به عربی ترجمه کردند که رومی‌ها در مدت چند سده توان انجام آن را نداشتند. مسلمانان به همین سرعت، در ایجاد تمدن شکوهمند و طلایی خود پیش رفتند (مطهری، ۱۳۷۷: ۱۴/۳۸۴)؛ بنابراین، آنچه بستر ترقی علمی و پیشرفت مادی را برای مسلمانان میسر ساخت، همان اسلام بود که با تشویق و ترغیب مسلمانان به علم‌اندوزی، روح همراهی، یاری و گذشت را جانشین تعصبات دوران جاهلیت کرد.

تعقل و عقل‌گرایی

عقل با ارزش‌ترین قوه‌ای است که پروردگار متعال برای بشر قرار داده است. در تعالیم شیعی نکات ارزشمندی درباره جایگاه رفیع عقل، بیان شده است؛ چنان‌که در روایت مشهوری از امام باقر (ع) آمده که خدای متعال هنگام آفریدن عقل فرمود: «به عزّت و جلالم قسم که آفریده‌ای نیکوتر از تو نیافریده‌ام» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۲۶).

با بررسی اجمالی منابع اصلی تفکر شیعه؛ یعنی قرآن و روایات معصومان (ع) درمی‌یابیم که خدا و اولیای او، همواره، نه تنها مسلمانان، بلکه مشرکان و کافران، حتی پیروان سایر ادیان را بر خردگرایی و به‌کارگیری تعقل دعوت می‌کنند؛ تا آن‌جا که خدای متعال نه تنها از مؤمنان، ایمان کورکورانه نمی‌خواهد، بلکه ایمان را در کنار علم‌ورزی، تعقل و ژرف‌اندیشی قرار می‌دهد (آل عمران / ۱۹۰؛ روم / ۵۶).

اهتمام جامع، کامل و بدون افراط و تفریط به عقل، پویایی همیشگی تشیع را به دنبال داشته است. تا زمانی که این خصوصیت پابرجا باشد، تمدن‌سازی شیعه نیز باقی خواهد بود. بی‌شک نقطه آغاز توجه شیعیان به عقل، دستور قرآن به تأمل، تفکر و اندیشیدن است. خدای متعال در قرآن در موارد متعددی همچون: «كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (یونس / ۲۴) و «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (رعد / ۳) به مسلمانان دستور می‌دهد که در آفرینش آسمان، زمین، موجودات هستی، انسان و احوال گذشتگان، تفکر و تدبیر کنند (برای نمونه ر.ک: یونس / ۲۴؛ رعد / ۳).

بعد از قرآن کریم، سخنان اهل بیت علیهم السلام یکی از مهم ترین عوامل توجه شیعیان به عقل است. در احادیث ایشان، عقل بالاترین آفریده و مخلوق خدا شمرده شده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۱۰؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۱/۳۹). از دیدگاه معصومان علیهم السلام، جهالت شدیدترین فقر، و عقل بزرگ ترین سرمایه انسان است (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۲۶). در روایتی امام صادق علیه السلام می فرماید: «هر که عاقل است، دین دارد و کسی که دین دارد، به بهشت می رود» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۱۱)؛ بنابراین، از نگاه اهل بیت علیهم السلام مایه سعادت و تکامل انسان ها، به کارگیری عقل و تعقل است.

بر اساس تعالیم اسلامی، مسلمان ها با جوامع شکست خورده، رفتار متکبرانه و سلبی نکردند و اقدام به نابودی دستاوردهای علمی و تمدنی آن ها نکردند؛ بلکه افزون بر کوشش در راستای محافظت و حراست از آثار تمدنی آن جوامع، آنچه را که سودمند و موافق با اصول و ارزش های خود دیدند، جذب کردند و بنیان علمی و تمدنی خویش را نیرومند ساختند. این روش، حاصل مبانی عقلانی و منطقی اسلام بود. این استواری و اقتدار را می توان به وضوح در هجوم مغول ها مشاهده کرد. در این تاخت و تاز، برخلاف شکست سختی که مسلمانان خوردند، اسلام شیعی همچنان حیات خود را ادامه داد و در زمان کمی توانست خود را بر مهاجمان چیره کند. از نظر استاد مطهری اسلام بود که مغولان را در خود هضم کرد و از قاتلانی بی رحم، انسان هایی علم پرور و علم دوست ساخت؛ از نسل چنگیزخان مغول، محمد خدا بنده و محمود غازان خان ارئه داد (مطهری، ۱۳۷۷: ۱۴/۳۲۴).

عدالت محوری

عدالت در اسلام آن چنان حائز اهمیت است که در شمار اصول دین قرار دارد. آیات و روایات فراوانی، غیرمستقیم یا مستقیم، به مسأله عدالت محوری پرداخته است (برای نمونه ر.ک: بقره / ۲۸۲؛ نساء / ۵۸؛ مائده / ۸ و ۱۰۶؛ نحل / ۷۶ و ۹۰؛ حجرات / ۹). قرآن مجید، در آیه: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید / ۲۵) هدف از بعثت انبیا و فرستادن کتاب های آسمانی را اقامه قسط دانسته است.

در دین مبین اسلام، یکی از اصول محقق شدن عدالت، مساوی بودن همگان در برابر قانون است. پروردگار، هدف از آفرینش، طینت و فطرت همه مشترک است. انسان ها به طور ذاتی هیچ گونه مزیت و برتری بر همدیگر ندارند. تفاوت های ناشی از موضوعاتی همچون طبقه، ملیت، نژاد و ثروت، در اسلام جایگاهی ندارد. نه گروه یا فرد خاصی برای سروری آفریده شده و نه برای

بردگی. در آیه: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات / ۱۳) تنها ملاک برتری انسان‌ها، تقوا است. در تفسیر المیزان ذیل آیه ۱۳ سوره حجرات از رسول خدا ﷺ چنین نقل شده است: «ای مردم! آگاه باشید که پروردگارتان یکی است. پدران یکی است و هیچ فضیلتی برای عرب بر غیر عرب نیست، و هیچ غیرعربی بر عرب فضیلتی ندارد، و هیچ سیاهی بر سرخی، و هیچ سرخی بر سیاهی، فضیلت ندارد، مگر به تقوا. گرامی‌ترین شما نزد خدا، با تقواترین شما است» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۸/۳۳۴).

اسلام با شعار عدالت محوری در عصری ظهور کرد که ظلم و ستم عالم‌گیر بود. در آن شرایط، مظلومان عالم که در اکثریت بودند با دیدن پاکی و صداقتی که در وجود رسول خدا ﷺ بود و با شنیدن صدای دلنواز عدالت خواهانه آن حضرت، دل‌باخته و عاشق او می‌شدند و اسلام را می‌پذیرفتند (اخوان کاظمی، ۱۳۸۲: ۶۴). هرچند همه آموزه‌هایی که پیامبر اکرم ﷺ در صدد اجرا و تعلیم آن بود محقق نشد و بعد از رحلت ایشان، انحراف بزرگی در عمل و فکر برخی از مسلمانان پدید آمد، و بسیاری از تفکرات جاهلی دوباره احیا شد، اما با کوشش و مبارزه اهل بیت علیهم السلام همان مقدار از تعالیم الهی که در افکار عمومی باقی بود، تأثیر مبارك خود را بروز داد.

از امیرمؤمنان علی علیه السلام سؤال شد: عدالت یا بخشش، کدام یک بالاتر است؟ امام علیه السلام فرمود: «عدالت، کارها را در جایگاهش قرار می‌دهد، و بخشش از جایگاهش خارج می‌کند. عدالت سیاست عام است و بخشش سیاست خاص؛ پس عدالت شریف‌تر و بالاتر است» (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷). همچنین امام صادق علیه السلام در اهمیت عدالت می‌فرماید: «اگر در میان مردم عدالت برقرار شود، همه بی‌نیاز می‌شوند، و به اذن خدای متعال، آسمان روزی خود را فرو می‌فرستد و زمین برکت خویش را بیرون می‌ریزد» (کلینی، ۱۴۰۷: ۳/۵۶۸).

امنیت همگانی

امنیت یکی از نیازهای اساسی همه موجودات زنده، خصوصاً انسان است. بشر در پناه امنیت است که می‌تواند در مسیر ترقی و پیشرفت قدم بردارد. بدون شک، بدون امنیت نمی‌توان در عرصه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تولیدکننده بود؛ از این رو وجود امنیت، جهت کنترل هرج و مرج ضروری است. آیات قرآن مثل آیات مربوط به سرقت (مائده / ۳۸)، قصاص (بقره / ۱۷۹)، حفظ آبرو و ناموس (نور / ۱۶-۱۱)، مقررات استواری هستند که تضمین‌کننده امنیت همگانی می‌باشند.

نقش معصومان (ع) در شکل‌گیری نهادهای امنیتی و انتظامی قابل توجه است. پیامبر اسلام (ص) و اهل بیت (ع) در حکومت خود، به دنبال ایجاد زمینه‌های امنیت همگانی بودند و در راستای برقراری آن، تلاش می‌کردند. پیامبر اکرم (ص) بعد از هجرت به مدینه، دولتی مرکزی تأسیس کرد که امنیت را برای تمام ساکنان جزیره العرب فراهم کرد.

امیرمؤمنان علی (ع) یکی از اهداف تأسیس حکومت خود را برقراری امنیت می‌داند (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۱). ایشان نخستین زمامداری بود که «صاحب الشرطة» یعنی «رئیس پلیس» تعیین کرد و اداره شهربانی را بنیان نهاد (الحاج حسن، ۱۴۲۶: ۱۹۴). خود نیز همواره در کوچه و بازار شهر شلوغ کوفه، قدم می‌زد و به محض مشاهده تخلف، با متخلف برخورد می‌کرد (الکتانی، ۱۳۸۴: ۱۴۱). آن حضرت نیروی نظامی ویژه‌ای به نام «شرطة الخمیس» ایجاد کرد که اعضای آن به امام تعهد داده بودند تا پای جان برای امام بجنگند (برقی، ۱۴۱۹: ۳۴ - ۳۳). از برخی قضایای تاریخی عصر امیرمؤمنان (ع) برمی‌آید که آن حضرت، آنان را در امور پلیسی به کار می‌گرفته است (مفید، ۱۴۱۳: ۲۱۵/۱). ایشان به جز آن گروه امنیتی، نیروهای ویژه اطلاعاتی هم داشت که به طور ناشناس به نقاط مختلف کشور سر می‌زدند تا بر کار مأموران حکومت، نظارت کنند و گزارش وضعیت مردم و مسئولان را برای امام بفرستند. امام به والیان خود نیز دستور داده بود که مأموران مخفی استخدام کنند، تا همواره از جزئیات رویدادها آگاه باشند. تذکرات آن حضرت به والیان مناطق مختلف درباره کارهای خلاف آن‌ها، که در نامه‌های امام نیز منعکس شده، در پی اطاعتی بود که این مأموران مخفی به ایشان ارسال می‌کردند (محرمی، ۱۳۹۰: ۲۳۴).

این تأکیدات معصومان (ع) بر عنصر امنیت، بیان‌گر نقش بسزای آن در تمدن‌سازی است؛ چراکه با عنایت به رابطه دو طرفه امنیت و تمدن، اهتمام به مؤلفه‌های عرصه امنیت، منجر به حاکمیت اخلاق‌گرایی و معنویت در جامعه و زایش انسان امن، خواه در بُعد امنیت ظاهری و باطنی، خواهد شد که خود، باعث شکوفایی و توسعه تمدنی می‌باشد.

نهادینه‌سازی قانون و نظم

قانون باعث تحقق اعتماد متقابل و تحکیم روابط اجتماعی، و به منزله سنگ زیرین برای پروراندن استعدادها و توانایی‌های جامعه بشری است. بدون قانون، نه اجتماعی خواهیم داشت و نه پیشرفتی را شاهد خواهیم بود. تمام انبیا از آغاز تا خاتم (ص) برای ایجاد نظم، مقررات فردی و اجتماعی فراوانی را آورده‌اند. مقرراتی که وظایف انسان‌ها را نسبت به خود، خانواده، جامعه،

حاکمان و محیط زندگی مطرح کرده است؛ چراکه نهادینه سازی قانون و نظم، اهمیت بسزایی در ایجاد تمدن دارد. اولین برآیند قانون، «نظم» است. قانون، مساوی با نظم مداری است. در جامعه ای که قانون حاکم نباشد، از هرکس، هر رفتاری مورد انتظار است؛ این وضعیت، یکی از بدترین شرایطی است که قابل تصور است. نتیجه نبود قانون، اغتشاش، اضطراب و تجاوز به حقوق دیگران خواهد بود.

قرآن کریم، بر اساس آیه: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ» (بقره / ۲۱۳) یکی از دلایل بعثت پیامبران را زدودن اختلاف و برقراری نظم بیان می کند. هنگامی که قرآن بر مردم ارزانی داشته شد، بشر در بی نظمی، افتراق و تشتت به سر می برد. از خصوصیات آن جامعه، دشمنی (آل عمران / ۱۰۳)، جهل و گمراهی (یونس / ۱۰۸)، خرافات (اعراف / ۱۵۷)، فساد اخلاق (بقره / ۲۱۹؛ نساء / ۱۶ — ۱۵؛ نور / ۳ — ۲)، ظلم (بقره / ۲۷۹ — ۲۷۸) و پیروی از شیطان (بقره / ۲۰۸) بود. در مقابل این مشکلات، رنج ها و دردها، قرآن کریم شفا و رحمت برای مؤمنان معرفی شد، و سرنوشت آن جامعه را دگرگون ساخت (اسراء / ۸۲). امام علی علیه السلام پس از ضربت خوردن، در وصیت خود، همگان را به تقوای خدا و داشتن نظم در کارها سفارش فرمود. (نوری، ۱۴۰۸: ۱۳ / ۴۴۱) بدین گونه، قوانین و مقررات الهی به جای درگیری ها و خونریزی ها، برادری و مهربانی، و به جای اضطراب و آشوب، آرامش و آسایش، و به جای بی نظمی، نظم را به ارمغان آورد، و زمینه ایجاد فرهنگ و تمدن اسلامی را فراهم کرد.

تعهد به اصول اخلاقی

اخلاق، از مسائل بسیار با اهمیت و تضمین کننده سعادت فردی و اجتماعی در جوامع بشری است. اگر اخلاق نباشد نه دین برای انسان مفهوم دارد و نه دنیای او سامان می یابد. وقتی انسان لایق نام انسان است که از اخلاق انسانی بهره مند باشد؛ در غیر این صورت، جاندار خطرناکی است که با استفاده از هوش سرشار انسانی برای تحقق منافع نامشروعش بذر تفرقه و نفاق می پاشد و همه چیز را ویران می کند! اگرچه ممکن است در ظاهر متمدن باشد، ولی در واقع حیوان خوش علفی است که حلال و حرام را نمی شناسد و فرقی بین عدالت و ظلم قائل نیست. دستورها و تعالیم اخلاقی قرآن و سپس اهل بیت علیهم السلام که مفسران دین در جامعه اسلامی بودند، بستری فراهم می کرد که در آن مردم، بیشتر همدیگر را تحمل می کردند و به این ترتیب همزیستی مسالمت آمیزتری داشتند. همین، روحیه شهرنشینی را توسعه می داد و مردم را از

روحیات زندگی قبیله‌ای دور می‌کرد و توانایی زندگی با دیگران را در مردم شهرهای پرجمعیت بالا می‌برد؛ زیرا مهم‌ترین عامل موفقیت و شکوفایی يك تمدن، ایجاد همبستگی است؛ یعنی بتواند افراد و گروه‌های بیشتری را با خود همراه کند (ابن خلدون، ۱۴۰۸: ۳۰۱/۱).

دین اسلام، از نظر تأثیر، از بزرگ‌ترین ادیان محسوب می‌شود، و نفوذ آن در دل انسان‌ها، از سایر ادیان محکم‌تر و قوی‌تر است (لوبون، ۱۳۵۸: ۱۴۱). در طول تاریخ، بیشتر مردم، نه از راه استدلال و برهان؛ بلکه بیشتر با مشاهده یا مطالعه اخلاق و سیره پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت ﷺ، به اسلام مشرف شدند؛ از همین رو است که خداوند در آیه «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» (آل عمران / ۱۵۹) به رسولش می‌فرماید: به برکت رحمت الهی، در برابر مردم، مهربان و نرم شدی، و اگر سنگدل و خشن بودی، مردم از پیرامون تو متفرق می‌شدند.

یکی از مهم‌ترین ابزارهای تربیت معنوی و اخلاقی، موعظه و نصیحت می‌باشد و انبیا و اهل بیت ﷺ همواره از این ابزار، برای هدایت مردم و دعوت آن‌ها به پرستش خدای یگانه سود می‌جستند (محرمی، ۱۳۹۰، ۱۴۱). قرآن کریم با تعبیر حکمت و موعظه حسنه از آن یاد کرده (نحل / ۱۲۵) و بسیاری از مواعظ پیامبران را گزارش کرده است. از آن جمله می‌توان نصیحت‌های لقمان را نام برد، که در قرآن جایگاهی ویژه دارد (لقمان / ۳۴ - ۱۳)؛ از همین رو است که پیامبر اسلام ﷺ فلسفه بعثتش را اتمام مکارم اخلاق معرفی کرده است (طبرسی، ۱۳۷۰: ۸؛ ورام، ۱۴۱۰: ۸۹/۱).

در منابع حدیثی و اخلاقی، مجموعه وصایایی گهربار از اهل بیت ﷺ خطاب به فرزندان و یارانشان ثبت شده که حاوی مطالب بلند اخلاقی و عرفانی هستند. یکی از آن‌ها وصیت امیرمؤمنان علی ﷺ به امام حسن ﷺ است (حرانی، ۱۴۲۵: ۶۸). رساله الحقوق امام زین العابدین ﷺ، نمونه‌ای دیگر از تعالیم اخلاقی و تربیتی اهل بیت ﷺ است. امام سجاد ﷺ در این رساله، وظایف گوناگون انسان را در برابر خداوند، خویش و دیگران، بیان کرده است. امام ﷺ این وظایف را که شمار آن‌ها به پنجاه حق می‌رسد، ابتدا به نحو اجمال و سپس به صورت تفصیل بیان کرده است (صدوق، ۱۴۰۳: ۵۶۴؛ صدوق، ۱۴۱۳: ۶۸۱/۲؛ حرانی، ۱۴۲۵: ۲۷۲ - ۲۵۵).

نگرش فراقومیتی

نگاه قومیتی در بهره‌مندی از نیروهای متخصص و کارآمد آسیب‌زا است. در راستای تحقق تمدن باید از همه قومیت‌ها و گروه‌ها بهره برد. مهم‌ترین ملاک باید شایستگی و توانمندی افراد

باشد. اسلام نیز در استفاده از نیروهای متخصص، نگاه منطقه‌ای و قومیتی را در نظر نمی‌گیرد؛ از همین رو هدایت همه بشریت، هدف اصلی قرآن کریم و اهل بیت علیهم‌السلام است؛ چراکه قرآن به عنوان آخرین کتاب آسمانی، به منطقه یا قوم خاصی اختصاص ندارد، و همه انسان‌ها مخاطب قرآن کریم هستند؛ از این رو مسئولیت و وظیفه اهل بیت علیهم‌السلام تفسیر و تبیین قرآن برای همه جهانیان است. یکی از آرمان‌های بزرگ اسلام، گرد آوردن تمام بشریت زیر پرچم حکومت واحدی به نام حکومت اسلامی بود؛ از همین رو است که حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از ابتدای بعثت می‌فرمود: «اگر به آیین توحید بپیوندید، بر جهان حکومت خواهید کرد» (سبحانی، ۱۳۸۰: ۱۱۰).

برخلاف این که معمولاً در جنگ‌ها فرماندهان، نیروهایشان را به انتقام‌گیری از دشمن و نابودی آنان دستور می‌دهند و هر نوع ترحم به دشمن را مغایر با قانون جنگ به شمار می‌آورند، اما معصومان علیهم‌السلام به شیعیان چنین می‌گفتند: از راه راست منحرف نشوید و خیانت نکنید. هیچ کودک یا زن یا پیری را نکشید. هیچ کشته‌ای را مثله نکنید. درختان را قطع نکنید و آتش نزنید. گوسفندان و شترها را نکشید؛ مگر به اندازه‌ای که برای رفع گرسنگی شما نیاز باشد (طبری، ۱۳۹۸: ۱/۱۵۸). این طرز تفکر والا، به خوبی نشان‌گر آن است که شیعیان در نبردها به دنبال انگیزه‌های مادی نبودند؛ بلکه هدف اصلی آن‌ها گسترش اسلام اصیل و هدایت تمام قبایل و اقوام بود.

تساهل و مدارا

تساهل و مدارا به عنوان روش و ابزاری از طرف حکمرانان برای رعایت حقوق شهروندی و اصلاح روابط اجتماعی و سازش میان شهروندان و نیز برای چاره‌اندیشی در مناسبات انسانی بسیار پسندیده است. امتیاز قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام در آن است که با وجود آن که اندیشه‌های بس بلندی دارند و دغدغه سعادت بشریت را در سر می‌پرورانند، دستورات خود را به گونه‌ای آسان و ساده آورده که تمام افراد به خوبی می‌توانند آن را فهمیده و عمل کنند (لوبون، ۱۳۵۸: ۱۴۱). اسلام با ندای وحیانی: «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» (بقره/۲۸۶) در تکالیف و وظایفی که بر عهده انسان‌ها قرار داده، توانایی آن‌ها را در نظر گرفته است.

این سادگی اسلام و قوانین آن، کمک بسیاری به گسترش این دین در جهان کرده است؛ به همین دلیل، گروه‌های زیادی را می‌بینیم که دین اسلام را می‌پذیرند و آن را بر مسیحیت و یهودیت ترجیح می‌دهند (لوبون، ۱۳۵۸: ۱۴۲).

همچنین شیعیان با تساهل و مدارا در برخورد و رفتار با پیروان ادیان و مذاهب دیگر، به زرتشتی‌ها، یهودی‌ها و مسیحی‌ها اجازه می‌دادند تا طبق ملاک‌های دین و مذهب خویش عمل کنند و در گستره وسیع اسلام زندگی کنند (اولیری، ۱۳۷۴: ۱۰۷). این حضور، زمینه‌ساز داد و ستد فکری آن‌ها با عالم اسلام بود؛ به همین دلیل، اندیشمندان و علمای زرتشتی، یهودی و مسیحی خدمات درخور و سهم بسزایی در حیات فرهنگی و تمدنی جهان اسلام داشته‌اند؛ از این رو در زمینه گسترش جامعه متمدن شیعی نقش مؤثری داشته‌اند.

تولید ثروت و سرمایه

تمدن‌سازی به شکلی روشمند، ملازم با تولید در عرصه اقتصاد برای ایجاد ثروت و سرمایه می‌باشد. شایسته است دو عامل اساسی اقتصاد اسلامی؛ یعنی «ثروتمندان صالح» و «ثروت حلال»، همواره الگو و سرمشق زندگی مردم و مسؤولان باشد؛ در این صورت، سعادت و پیشرفت معنوی و مادی تضمین خواهد شد؛ از این رو باید مانع از نفوذ افراد ناصالح و خائن در مدیریت اقتصادی شد؛ در غیر این صورت، آن‌ها با قدرت و ثروتی که تصاحب کرده‌اند، نابودی امت اسلامی را زمینه‌سازی خواهند کرد. از نگاه امام محمد باقر (ع) بقا و دوام فرهنگ شیعه، در صورتی است که گردش سرمایه و ثروت نزد کسانی باشد که حق اموال و مسئولیت خود نسبت به آن را می‌شناسند و به معروف عمل می‌کنند (نوری، ۱۴۰۸: ۱۲/۳۳۹).

امیرمؤمنان علی (ع) از جوانی مشغول کار و تلاش برای کسب روزی حلال بود و هیچ‌گاه آن را برای خود عار نمی‌دانست؛ ایشان حتی برای به دست آوردن مخارج زندگی، به کار در باغ‌های دیگران می‌پرداخت. در منابع تاریخ و روایی چنین آمده که هرگاه حضرت علی (ع) گرفتار تنگنای معیشت می‌شد، از مردم دوری می‌کرد و به کار و تلاش روی می‌آورد (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۲/۱۲۵).

شخصی به نام عبدالاعلی در روزی گرم به امام صادق (ع) عرض کرد که چرا در چنین روزی در مزرعه کار می‌کنی. امام (ع) فرمود: «ای عبدالاعلی! بیرون آمده‌ام و در طلب روزی تلاش می‌کنم تا از امثال تو بی‌نیاز باشم» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۲۰/۱۷)؛ حتی نقل شده امام صادق (ع) بدون این که نیازی به تجارت و درآمد داشته باشد، پولی را به یکی از شیعیان داد تا به صورت مضاربه از طرف ایشان تجارت کند (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۱۷/۴۳).

در برخی از روایات اهل بیت (ع)، از کار تعبیر به عبادت شده است. امام باقر (ع) با وجود کهولت

سن و داشتن خادم، هرگز از تلاش و کار دست نکشید؛ حتی افرادی گمان کردند تلاش اقتصادی امام علیه السلام بیانگر نوعی فاصله گرفتن از قناعت و زهد است؛ از این رو امام علیه السلام در پاسخ افراد زاهدنما و ظاهربین فرمود: اگر در حال کشاورزی بمیرم، در حقیقت مرگ در حالی مرا فراگرفته که در مسیر عبادت و بندگی الهی بوده‌ام. هدف من از کار و تلاش، این است که خود و خانواده‌ام را از تو و دیگران بی‌نیاز کنم» (عبدوس، ۱۳۷۳/۱: ۱۷۰ و ۱۷۱؛ فیض کاشانی، ۱۳۸۳: ۱۴۲/۳).

قرآن کریم، پرداخت زکات و به‌کارگیری مدیریت باکفایت و سزاوار در مصارف آن را یکی از راهکارهای مؤثر و کارآمد جهت کم کردن فاصله طبقاتی و ریشه‌کن نمودن فقر می‌داند؛ از این رو خداوند منان در قرآن کریم پرداخت زکات و اقامه نماز را قرین و همراه هم قرار داده است (برای نمونه ر.ک: بقره/ ۴۳؛ نساء/ ۷۷). از نظر امام باقر علیه السلام، کسی که نماز بخواند، ولی زکات نپردازد، مثل کسی است که نماز را اقامه نکرده است (محسنی گرکانی، ۱۳۷۷: ۱۰۱؛ خوشنویس، ۱۳۶۴: ۵۸۴).

بنابراین، اداره جامعه اسلامی، اگرچه جز اندک زمانی در اختیار امامان اهل بیت علیهم السلام نبوده است، نمی‌توان تأثیرگذاری آنان را در عرصه اقتصادی، به ویژه در میان شیعیان که خود را ملزم به پیروی از آن‌ها می‌دانستند، انکار کرد. در واقع فعالیت‌های اقتصادی شیعیان، که جمعیت درخور توجهی از جامعه اسلامی را تشکیل می‌دادند، براساس تعالیم قرآن کریم و سیره اهل بیت علیهم السلام بوده است.

قدرت و اقتدار

تمدن‌سازی به شکلی منسجم، ملازم است با تولید در عرصه سیاست که به‌طور خاص از آن به‌عنوان تولید قدرت یاد می‌شود؛ در واقع، آنچه روابط سیاسی انسان‌ها را از دیگر روابط متمایز می‌کند، قدرت است که ملت‌ها و نظام‌های سیاسی برای به‌دست آوردن آن می‌کوشند تا در عرصه بین‌الملل از آن، همچون ابزاری برای دفاع ملی یا وسیله‌ای برای سلطه و تحمیل خواست خود بر دیگران بهره‌گیرند.

آیات متعددی، مسلمان‌ها را به‌عنوان یک امت مستقل و واحد، از پیوستگی و وابستگی سیاسی به سایر ملت‌ها برحذر داشته است؛ البته قرآن کریم تصریح به استقلال سیاسی نکرده است؛ ولی در آیات فراوانی خصوصیت‌هایی را بیان می‌کند که نشانگر مفهوم و معنای استقلال سیاسی در علوم سیاسی عصر حاضر است. برخی از این خصوصیت‌ها عبارتند از: عدم پیروی از مشرکان و اهل کتاب (آل عمران/ ۱۴۹؛ مائده/ ۴۹)، نفی سبیل کافران (نساء/ ۱۴۱)، ضرورت

عزت مسلمانان (نساء / ۱۳۹؛ فاطر / ۱۰؛ منافقون / ۸)، منع اعتماد و گرایش به کافران (هود / ۱۱۳)، نپذیرفتن سرپرستی و سلطه کافران (مائده / ۵۱)، خودکفایی و ایستادن روی پای خود (فتح / ۲۹)، عدم ارتباط صمیمی و دوستی با مشرکان (آل عمران / ۱۱۸؛ مائده / ۵۷) و آیات مشابه دیگر (بقره / ۱۰۵ و ۱۰۹؛ آل عمران / ۱۱۹؛ توبه / ۸).

تمدن، بدون حکومت شکل نمی‌گیرد. این حقیقتی است که رویدادهای مهم تاریخی به ما می‌آموزد. اگر خواهان احیای تمدن اسلامی هستیم، بدون احیای فلسفه سیاسی در دیدگاه اسلام و اندیشه سیاسی شیعه و به وجود آوردن دولت و حکومتی که مورد تأیید فرهنگ اسلامی است، میسر نخواهد شد؛ از این رو پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت ﷺ پیوسته در صدد تأسیس حکومت بودند و آن را مسئولیتی خطیر از طرف خدا می‌دانستند (مجلسی، ۱۴۰۴: ۴/۱۷).

از منظر اهل بیت ﷺ، سیاست عین دیانت است. گواه این ادعا سیره اهل بیت ﷺ است؛ عهدنامه مالک اشتر — که در حقیقت اصول سیاسی اسلام است — با جدایی دین از سیاست چطور قابل جمع است؟ موضع‌گیری امام علی و امام حسن ﷺ در برابر معاویه، موضع‌گیری امام حسین ﷺ در برابر معاویه و فرزندش یزید، و همچنین موضع‌گیری دیگر امامان ﷺ در برابر حکام جور و سلاطین فاسد را چگونه می‌توان شاهد بود و نوای جدایی دین از سیاست را همراه با ادعای پیروی از آن اولیای الهی مطرح کرد (جوادی آملی، ۱۳۸۲: ۲۶۲).

بنابراین، قدرت است که در جهان معاصر، سازوکارها، ابزارها و زمینه‌های ایجاد و بسط و توسعه و تسدید تمدن اسلامی را فراهم می‌آورد. تشکیل چنین قدرتی در عصر حاضر که بتواند تکثر دولت‌ها را نیز برتابد و در عین حال بستر را برای حکومت جهانی اسلام آماده سازد، احیای پدیده «امت اسلامی» است، که بر اساس آموزه‌های قرآن و اهل بیت ﷺ شکل می‌گیرد.

همبستگی و مشارکت همگانی

در پیشرفت و شکوفایی تمدن‌ها، همبستگی و مشارکت اقشار گوناگون جامعه نقش تأثیرگذاری دارد؛ به گونه‌ای که اگر اتحاد و همکاری مردم محقق نشود، جوامع از هم گسیخته می‌شوند و به بدویت رهنمون خواهند شد؛ چراکه تمدن و مدنیت، در سایه جمعیت و اجتماع متعهد به قانون محقق می‌شود، و پراکندگی از عناصر بدویت است؛ از این رو است که قرآن کریم در آیه: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران / ۱۱۳) تصریح به یک‌دلی و همبستگی می‌کند، و انسان‌ها را از پراکندگی و تفرقه نهی می‌کند تا به ترقی و پیشرفت برسند.



همگرایی و همدلی امت‌ها به دور از اختلافات کلان می‌تواند زمینه مناسبی برای همسو کردن توانمندی‌ها و قدرت ملت پدید آورد و مشکلات اساسی دولت و ملت را حل و فصل نماید. اصولاً دولت‌ها زمانی قدرت و اقتدار خویش را از دست می‌دهند که گرفتار اختلاف شوند؛ از این رو قرآن کریم در آیه: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ» (انفال / ۴۶) یکی از عوامل مهم ایجاد قدرت و اقتدار را اتحاد و همبستگی مردم و امت معرفی می‌کند.

اسلام در بین جوامعی که به آن ایمان آوردند، اتحاد ایجاد کرد. به دنبال آن اتحاد و همبستگی، همه مسلمانان دارای آرمان‌ها و مصالح مشترکی شدند؛ در حالی که قبل از آن، دارای آرمان‌ها و مصالح متفاوتی بودند (لوبون، ۱۳۵۸: ۱۵۲). حضرت زهرا (ع) در مورد نقش اهل بیت (ع) در ایجاد اتحاد می‌فرماید: «خدا اطاعت و پیروی از ما اهل بیت را سبب برقراری نظم اجتماعی در امت اسلامی، و امامت و رهبری ما را عامل اتحاد و در امان ماندن از تفرقه‌ها قرار داده است» (طبرسی، ۱۴۰۳: ۹۹/۱).

توجه به شهرنشینی و معماری

شهرنشینی و توسعه معماری بر اساس الگوهای بومی، از عناصر تمدن ساز و از لوازم زندگی در جامعه متمدن است. بر اساس آیه: «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» (هود / ۶۱) پس از این که خدای متعال انسان را از خاک بی‌ارزش و بی‌مقدار آفرید، عمران و آبادانی زمین را به او سپرد و قدرت و وسائل آن را در اختیارش قرار داد. همچنین به حکم آیه: «جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا» (ملک / ۱۵) زمین رام بشر است و با وجود چندین گونه حرکت از قبیل حرکت وضعی و انتقالی، آرام است. اگر زمین دائماً دچار آتشفشان یا زلزله بود، یا مسافت بین خورشید و زمین بیشتر یا کمتر بود، یا هر یک از معادلات موجود بر زمین مستولی نبود، زمین برای آدمی رام نبود. خدای متعال، زمین را رام نموده تا امکان کوشش و تلاش انسان برای عمران و آبادی آن فراهم باشد.

اهل بیت (ع) نیز پیرو تعالیم پیامبر اکرم (ص) مردم را به عمران و آبادانی و شهرنشینی تشویق می‌کردند؛ زیرا شهرنشین شدن شیعیان در معماری شهرها نیز تأثیر می‌گذاشت و موجب می‌شد که ظاهر شهرها رنگ و بوی شیعی بگیرد؛ از این رو است که امیرمؤمنان علی (ع) در نامه خود به یکی از شیعیان، وی را به سکونت در شهرهای بزرگ تشویق می‌کند (نهج البلاغه، نامه ۶۹).

بیابان‌گردی، نقطه مقابل شهرنشینی است که اهل بیت (ع) همواره از آن نهی کرده‌اند. امام

صادق علیه السلام، بیابان‌گردی بعد از هجرت را یکی از گناهان کبیره برشمرد و آن را با شرک یکی دانسته است (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۱۱/۵۰۷). امام باقر علیه السلام از ازدواج زن مسلمان مهاجر با اعرابی‌ای که او را از دارالهجرة به بادیه ببرد، نهی کرده است (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۲۰/۵۶۳)؛ زیرا در این صورت آن زن به حالت بیابان‌نشینی برمی‌گردد و از اجتماعات مسلمانان دور می‌شود و این می‌تواند انحطاط فکری او را به دنبال داشته باشد.

در عصر اهل بیت علیهم السلام جامعه اسلامی همواره در حال گسترش بود؛ تا جایی که از لحاظ قلمرو، وسیع‌ترین کشور آن زمان شده بود. پس از دوره فتوحات، با سرآزیر شدن اموال کشورهای فتح شده، مرکز خلافت تبدیل به مرکز ساخت‌وساز خانه‌ها و قصرهای مجلل شده بود. احادیثی که از جانب اهل بیت علیهم السلام در نهی از ساخت‌وسازهای اضافی نقل شده (کلینی، ۱۴۰۷: ۶/۵۲۹ - ۵۲۸؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۵/۳۱۱ - ۳۱۰)، ناظر به همین اسراف و تبذیرهای طبقه اشراف جامعه است؛ بنابراین، طبیعی است که اهل بیت علیهم السلام ساختمان‌های محکمی مانند قصرهای بنی‌امیه و بنی‌عباس نساخته باشند تا قرن‌ها دوام بیاورد و کاملاً نشان‌گر دیدگاه آنان در معماری باشد؛ پس، نقش آنان بیشتر فکری بوده است و آنان با رهنمودهایشان زمینه فکری تطبیق معماری ملت‌های مناطق فتح شده را با فرهنگ اسلام فراهم آورده‌اند. اگر شیعیان توانایی این تطبیق را نمی‌یافتند، هرگز معماری شیعی شکل نمی‌گرفت.

قرآن کریم به انسان‌ها سفارش می‌کند که اگر می‌خواهید درست زیستن را بیاموزید، به اطراف خود بنگرید و از موجودات اطرافتان که بسیار ماهرانه برای خود خانه می‌سازند، الگو بردارید و برای ساختن خانه‌های خود از معمارانی که در طبیعت زندگی می‌کنند، استفاده کنید؛ از این‌رو خانه عنکبوت را خانه‌ای سست و آن را نکوهش می‌کند (عنکبوت/۴۱)؛ اما خانه زنبور عسل را تمجید و تحسین می‌کند (نحل/۶۸). قرآن، نخستین مأموریت و حیانی زنبور عسل را مأموریت خانه‌سازی بیان می‌کند (نحل/۶۸)؛ شاید به دلیل آن است که مسکن مطلوب، اولین شرط زندگی در جامعه متمدن است، و به دنبال آن، فعالیت‌های دیگر امکان‌پذیر خواهد شد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۱۱/۲۹۸).

نتیجه‌گیری

آنچه از این پژوهش نتیجه می‌گیریم آن است که درون‌مایه‌ها و عناصر اصلی تمدن‌سازی، به بهترین شکل در قرآن کریم و سیره اهل بیت علیهم السلام وجود دارد. بررسی تاریخ تمدن اسلامی به خوبی

نشان می‌دهد فرآیند ایجاد، شکوفایی و پویایی تمدن اسلامی ارتباط نزدیکی با نقش مؤثر و فعال اسلام در زمینه اجتماع و افراد داشته است. تمدن گذشته اسلامی هرچند بر اساس اسلام ناب پایه‌ریزی نشده بود، اما همین که جرعه‌ای از چشمه گوارای اسلام نوشیده بود، توانست آثاری به آن بزرگی و شکوه خلق کند؛ چراکه تولید فکر و اندیشه، تعقل و عقل‌گرایی، عدالت محوری، امنیت همگانی، نهادینه سازی قانون و نظم، تعهد به اصول اخلاقی، نگرش فراقومیتی، تساهل و مدارا، تولید ثروت و سرمایه، همبستگی و مشارکت همگانی و توجه به شهرنشینی و معماری، از عناصر برگرفته از منابع تفکر شیعه و تأثیرگذار برای تمدن سازی محسوب می‌شوند. به یقین اگر در تمدن سازی آینده، اسلام اصیل که همان تمسک به ثقلین یعنی منابع اصیل تفکر شیعه است، مبنای کار قرار گیرد، جهانیان شاهد شکل‌گیری تمدن بی‌نظیری خواهند بود که در آن، هم دنیا و هم آخرت جمع خواهد بود. این نکته قابل‌اهتمام است که اسلام برای تفکر ارزش قائل شد، و عقل و دانش را به شکل بی‌نظیری ستایش کرد؛ بدین‌گونه مسلمان بودن، با تلاش و کار، و با اندیشه و تفکر، و با توحید سرشته شد. تمدن باشکوه اسلام که در زمان کمی، تکامل یافت و میوه داد، ثمره این درون‌مایه‌های تمدنی بود. این اتهام که فرهنگ اسلامی با قدرت شمشیر گسترش یافت، با حقایق تاریخی همخوان نیست. ضرورت و اهمیت این پژوهش، در دفع این‌گونه اتهامات ناروا و ایجاد خودباوری برای شیعیان در حل مسائل بخش‌های مختلف و ایجاد تحول در جامعه است.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج‌البلاغه، تحقیق: صبحی صالح، قم، هجرت، ۱۴۱۴ق.
۳. ابن‌خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۰۸ق). مقدمه ابن‌خلدون. ج ۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴. ابن‌سعد، محمد (۱۴۰۵ق). الطبقات الکبری. ج ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۵. ابن‌شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۹ق). مناقب آل‌ابی‌طالب. ج ۲، قم: المطبعة العلمية.
۶. اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۲ش). عدالت در اندیشه‌های سیاسی اسلام. قم: بوستان کتاب.
۷. اولیری، دلیس اونز (۱۳۷۴ش). انتقال علوم یونانی به عالم اسلامی. ترجمه احمد آرام. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

۸. باغستانی کوزه‌گر، محمد (۱۴۰۱ش). *بافتار کوشش‌های شیعی در تمدن اسلامی در دوره مغول*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۹. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۴۱۰ق). *رجال برقی*. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۱۰. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای (مد ظله) (khamenei.ir).
۱۱. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۲ش). *ادب فنای مقربان*. قم: اسراء.
۱۲. الحاج حسن، حسین (۱۴۲۶ق). *حضارة العرب فی صدر الإسلام*. بیروت: المؤسسة الجامعية للدراسات.
۱۳. حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعه*. ج ۱ و ۵ و ۱۱ و ۱۷ و ۲۰. قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
۱۴. حرانی، حسن بن علی بن شعبه (۱۴۲۵ق). *تحف العقول*. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۱۵. خوشنویس، جعفر (۱۳۶۴ش). *خطوط کلی اقتصاد در قرآن و روایات*. ترجمه مهدی انصاری. اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام.
۱۶. دورانت، ویلیام جیمز (۱۳۶۷ش). *تاریخ تمدن*. ترجمه احمد آرام و دیگران. ج ۱. تهران: آموزش انقلاب اسلامی.
۱۷. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷ش). *لغتنامه*. تهران: دانشگاه تهران.
۱۸. سبحانی، جعفر (۱۳۸۰ش). *در سرزمین تبوک*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۹. طاهرزاده، اصغر (۱۳۸۹ش). *تمدن زایی شیعه*. اصفهان: لب المیزان.
۲۰. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۹۰ش). *المیزان فی تفسیر القرآن*. ج ۱۸. بیروت: مؤسسه الأعلمی.
۲۱. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق). *الإحتجاج علی أهل اللجاج*. ج ۱. مشهد: مرتضی.
۲۲. طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۰ش). *مکارم الأخلاق*. ج ۸. قم: الشریف الرضی.
۲۳. طبری، محمد بن جریر (۱۳۹۸ش). *تاریخ طبری*. ترجمه ابوالقاسم پاینده. ج ۱. تهران: اساطیر.
۲۴. عبدوس، محمد تقی و محمدی اشتهاردی، محمد (۱۳۷۳ش). *فرازهای برجسته از سیره امامان شیعه علیهم‌السلام*. ج ۱. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۵. عمید، حسن (۱۳۸۱ش). *فرهنگ لغت عمید*. تهران: امیرکبیر.
۲۶. فاضل قانع، حمید (۱۳۹۶ش). *ظرفیت‌های تمدنی اسلام*. قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر



المصطفی.

۲۷. فیض کاشانی، محمد محسن (۱۳۸۳ش). *المحجة البيضاء*. ج ۳. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۸. صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۳ق). *الخصال*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۹. صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۳ق). *من لایحضره الفقیه*. ج ۲. قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
۳۰. الکتانی، عبدالحی (۱۳۸۴ش). *التراویب الإدارية*. ترجمه علیرضا ذکاوتی. قم و تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان سمت
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*. ج ۱. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۳۲. لوبون، گوستاو (۱۳۵۸ش). *تمدن اسلام و عرب*. ترجمه سیدهاشم حسینی. تهران: کتاب فروشی اسلامیة.
۳۳. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق). *بحار الأنوار*. ج ۲ و ۱۵ و ۱۷ و ۷۵. بیروت: مؤسسة الوفاء.
۳۴. محرمی، غلامحسین (۱۳۹۰ش). *نقش امامان شیعه در شکل گیری و توسعه تمدن اسلامی*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۳۵. محسنی گرکانی، احمد (۱۳۷۷ش). *زکات برای همه*. قم: پیام مهدی (عج).
۳۶. مطهری، مرتضی (۱۳۷۷ش). *مجموعه آثار*. ج ۱۴. تهران: صدرا.
۳۷. معین، محمد (۱۳۶۳ش). *فرهنگ فارسی معین*. تهران: امیرکبیر.
۳۸. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق). *الإرشاد*. ج ۱. قم: مؤسسة آل البيت (ع).
۳۹. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۱ش). *تفسیر نمونه*. ج ۱۱. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۴۰. نجفی، موسی (۱۳۹۷ش). *تمدن رضوی: مؤلفه های تمدن ساز در مکتب سیاسی امام رضا (ع)*. تهران: آرما.
۴۱. نوری، حسین (۱۴۰۸ق). *مستدرک الوسائل*. ج ۱۲ و ۱۳. قم: مؤسسة آل البيت (ع).
۴۲. وحیدی منش، حمزه علی (۱۳۸۶ش). *عناصر تمدن ساز دین اسلام. ماهنامه معرفت*. ش ۱۲۳. ص ۳۴-۱۵.
۴۳. ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی (۱۴۱۰ق). *مجموعه ورام*. ج ۱. قم: مکتبة فقیه.
۴۴. ولایتی، علی اکبر (۱۳۹۲ش). *نقش شیعه در فرهنگ و تمدن اسلام و ایران*. ج ۱ و ۲. تهران: امیرکبیر.

ظرفیت‌سنجی مولفه‌های امامت در ایجاد انسجام تمدنی

جعفر علی‌نقی^۱

چکیده

تمدن‌ها نیازمند لایه تئوریک بوده و بدون پشتوانه نظری، یا پا نمی‌گیرند یا زود منحل می‌شوند. امامت به عنوان ممیزه تمدنی شیعه، تامین‌کننده این لایه تئوریک برای تمدن نوین اسلامی است که باید این سرمایه نرم در نسبت با شاخصه تمدنی مهم انسجام، ظرفیت‌سنجی شود و امتیازات این اندیشه در مصاف با اندیشه‌های رقیب معلوم گردد. پژوهش حاضر به هدف تولید ادبیات نظری و بازتاب کارآمدی اندیشه امامت در امتداد اجتماعی، به شیوه کتابخانه‌ای و با رویکرد تحلیلی به این مهم پرداخته و روشن ساخته است؛ امام با آگاهی از عوامل انسجام و عواقب تفرق، از گسست نیروها جلوگیری و به جهت سازواری نظام فکری اش، فرهنگ برآمده از او نیز باعث همبستگی و هم‌افزایی می‌شود. همچنین، به جهت راه نداشتن عوامل واگرایی مثل جهل، حب جاه و نفس در او، زمینه‌های انحطاط ارادی تمدن شکل نمی‌گیرد. همچنین، عصمت برای امام قداستی می‌آفریند که به مطاع بودن او کمک و موجب وفاق کلی می‌شود. در مکتب امام، فهم‌های متکثر منجر به گسست اجتماعی راه ندارد و هویت واحد دینی القاء شده از سوی او موجب دفع عناصر قوم‌گرایی، زبان و نژاد است که از عوامل تفرق هستند.

کلمات کلیدی

مولفه‌های امامت، امام، علم، عصمت، تمدن نوین اسلامی، انسجام تمدنی.

۱. مدرس سطح عالی علوم عقلی، حوزه علمیه قم، قم، ایران.

مقدمه

امامت، یکی از اصول بنیادین اسلامی است که سایر اصول در پرتو آن، تفسیر و تبیین می‌گردد. مذاهب اسلامی، هریک به نحوی آن را با عقاید خود پیوند داده‌اند، اما در مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) برجستگی خاصی دارد؛ به طوری که این مذهب را به امامیه، مشهور ساخته است. تمدن نوین اسلامی اگر قرار است با محوریت امامت شکل بگیرد و جلو برود، باید مسائل آن با مسائل تمدن درگیر شود. از یک سو، انسجام و هم‌بستگی به جهت این‌که از شاخصه‌های مهم تمدنی است، از جمله مسائلی است که باید مولفه‌های امامت را برای انسجام‌آفرینی قابلیت‌سنجی گردد؛ یعنی گذشته از این‌که یک تمدن، دینی یا سکولار باشد اگر با برخورداری از شاخصه مهم انسجام، بتواند در جامعه تمدنی، وفاق و هم‌بستگی اجتماعی ایجاد کند، از این لحاظ، تمدن نمونه و مطلوبی را رقم خواهد زد و به نفع انسان بوده و به صلاح و مصلحت او تمام خواهد شد. از دیگر سو، باتوجه به جایگاه تاریخی انقلاب اسلامی که باید تمدن‌سازی کند و مذهب شیعه امامیه عقبه‌تئوریک آن محسوب می‌شود، باید جهت نیل به تمدن نوین اسلامی سرمایه‌های اصلی خود را در مصاف با رقیبان به میدان بیاورد و ظرفیت‌های آن‌ها را مورد کنکاش و مذاقه قرار دهد تا امتیازات مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) بر سایر رقیبان معلوم گردد. اندیشه امامت که جوهره تفکر شیعی و دال مرکزی آن است، از مهم‌ترین سرمایه‌های نرم و ایدئولوژیک این مذهب حقه محسوب می‌شود که لازم است مولفه‌های اساسی آن مثل علم و عصمت برای ساخت تمدن نوین اسلامی ظرفیت‌سنجی و قابلیت‌های آن برای انسجام معلوم گردد.

ظرفیت‌سنجی این مولفه‌ها از این جهت ضرورت دارد که زمینه‌ساز ترسیم و کشف چشم‌اندازهای توسعه آن در قلمرو فکر و اندیشه بوده، دست‌یابی به پیشرفت همه‌جانبه که لازمه رسیدن به تمدنی تراز است نیز جز با تعمیق و توسعه علوم انسانی که از رهگذر این مباحث اتفاق می‌افتد میسر نخواهد بود. متأسفانه به‌رغم طرح جدی مباحث تمدنی در دو دهه اخیر، برای پیشبرد لایه‌تئوریک و عملی بحث تمدن، از ظرفیت آموزه امامت بهره‌برده نشده و اندک بودن کتب و مقالات در این زمینه موید این مدعا است. تحقیق حاضر از این جهت که کمبود مزبور را جبران می‌کند، ضروری است. هم‌چنین از آن نظر که توجه امامت پژوهان را به اتخاذ رویکرد تمدنی سوق داده و تمدن پژوهان نیز به ظرفیت‌تئوریک امامت واقف می‌گردند، ضرورت دارد. تحقیق حاضر از دیدگاهی جدید و خلاقانه؛ یعنی نگاه کلان و تمدنی به موضوع امامت نگریسته و با تبیین ظرفیت‌های امامت برای ایجاد انسجام تمدنی، افقی نو در این عرصه می‌گشاید و به تقویت



گفتمان مباحث تمدنی و امامتی می‌انجامد و ادبیات آن را غنی‌تر می‌کند. برخی آثار بر لزوم نگاه تمدنی به آموزه‌های کلامی تاکید کرده‌اند. از آنجا که امامت از مهم‌ترین آموزه‌های این دانش است، داشتن رویکرد تمدنی به آن از اهمیت وافری برخوردار است. بر این اساس، تحقیق حاضر در پاسخ به این سوال سامان یافته که مولفه‌های امامت مانند علم و عصمت، از چه ظرفیت‌ها و قابلیت‌هایی برای ایجاد انسجام تمدنی برخوردار است؟

پیشینه‌شناسی

با این‌که آثار ارزشمندی در حوزه تمدن‌پژوهی و امامت‌پژوهی سامان یافته؛ اما پژوهشی میان‌رشته‌ای با این موضوع به مرحله تنظیم و تدوین، بار نیافته و فقط آثار مشابهی منتشر شده است که می‌توان به موارد زیر با تبیین وجه امتیاز تحقیق حاضر از آن‌ها اشاره کرد:

کتاب نقش امامان شیعه در شکل‌گیری و توسعه تمدن اسلامی نوشته غلامحسین محرمی، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۰ ش.

این کتاب، پژوهشی در قلمرو امامت و تمدن است که نقش امامان شیعه را در شکل‌گیری و توسعه تمدن اسلامی برای تاریخ‌پژوهان بررسی کرده است. نویسنده روشن ساخته است که امامان شیعه با روش‌هایی مبتنی بر وحی، تأثیر بسزایی در شکوفایی اقتصاد اسلامی داشته‌اند. در معماری اسلامی نیز تأثیر ائمه (علیهم‌السلام) از راه منطبق کردن امکانات شهری و معماری سرزمین‌های بازمانده از تمدن‌های دیگر با مبانی اسلامی بوده است. هم‌چنین در اداره جامعه، بسیاری از دستورها و راهکارهای آنان چون عهدنامه مالک اشتر، الگوی زمامداران بوده است. به زعم نگارنده، ایشان هیچ‌گاه در مقابل تمدن، موضع منفی نداشته و تنها در برابر انحراف‌هایی چون عقل‌گرایی افراطی، حساسیت نشان داده است.

همان‌طور که اشاره شد نگارنده این کتاب، تأثیر ائمه (علیهم‌السلام) را در شکل‌گیری و توسعه تمدن اسلامی گذشته در اموراتی مانند: معماری و اقتصاد و... به گونه تاریخی نشان داده و در صدد بررسی ظرفیت‌های آموزه‌های شیعی پیرامون امامت برای تمدن نوین اسلامی که مربوط به آینده است نبوده و همه مولفه‌های امامت را در نسبت با مولفه‌های تمدنی بحث نکرده است. برخلاف پژوهش حاضر که رویکرد تاریخی صرف ندارد و در صدد بررسی ظرفیت‌های تمدنی تفکر شیعی در حوزه امامت است که مربوط به بحث آینده‌پژوهی است و مختصات مهم امامت را در نسبت با شاخصه مهم تمدنی انسجام به استنطاق در می‌آورد.

مقاله «انقلاب اسلامی و نقش محوری آن در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی با تکیه بر دکترین امامت» نوشته موسی نجفی و رضا غلامی، فصل‌نامه مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۵۵، ص ۱۲۱-۱۴۰، زمستان ۱۳۹۷ ش.

در بخشی از این مقاله (نهایت یک صفحه) به آثار و فواید تبدیل دکترین امامت در عقلانیت سیاسی به هسته مرکزی تمدن نوین اسلامی اشاره شده است؛ مانند: الف) ارتقای درک جامعه اسلامی از تعالیم اسلام و جلوگیری از بدفهمی و تحریف. ب) تضمین پیاده‌سازی مکانیزم‌های اسلامی هم‌چون عدالت، اجرای احکام و ارزش‌های الهی. ج) ترسیم مرز روشن میان تمدن اسلامی و غیر اسلامی. د) تعیین چشم‌انداز منحصر به فرد برای تمدن اسلامی. هـ) بسیج عمده ظرفیت‌های مادی و معنوی جامعه اسلامی به سمت مقصد.

این مقاله در حقیقت، ظرفیت‌های انقلاب اسلامی را برای تمدن‌سازی مطرح کرده و رویکرد عقلانیت سیاسی آن را مورد تأکید قرار داده است. برخلاف پژوهش حاضر که ظرفیت‌های مولفه‌های امامت را در ایجاد انسجام تمدنی و اکاوی می‌کند.

مقاله «ظرفیت‌های فرهنگ سیاسی تشیع در آفرینش تمدن نوین اسلامی» نوشته هادی شجاعی، نشریه تاریخ اسلام در آینه پژوهش، شماره ۴۰، ص ۷۱-۱۰۰، بهار و تابستان ۱۳۹۵ ش.

مقاله مزبور در پاسخ به این سؤال که فرهنگ سیاسی تشیع از چه ظرفیت‌هایی در پی‌ریزی تمدن نوین اسلامی برخوردار است؟ جایگاه و نقش عملی مولفه‌های تمدنی را در ظهور دولت‌های قدرتمند شیعی در قرون اولیه اسلامی مورد بررسی قرار داده و روشن ساخته است که طراحی الگوی نوین تمدن اسلامی می‌تواند نقش بسزایی در فرآیند تمدن‌سازی جامعه اسلامی ایفا کند. بنابراین، این مقاله بر خلاف پژوهش حاضر که به صورت جزئی یکی از مسائل تمدنی را در نسبت با مولفه‌های امامت بررسی می‌کند، متمرکز در فرهنگ سیاسی تشیع شده و در مقام بررسی ظرفیت‌های تمدنی، به دولت‌های گذشته که در قرون نخستین تحقق یافته، نظر داشته است.

مقاله «کارآمدی سیره معصومان (ع) در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی» نوشته روح‌الله توحیدی‌نیا، نشریه پژوهش‌های تمدن نوین اسلامی، شماره ۱، ص ۶۱-۸۴، بهار و تابستان ۱۳۹۶ ش. این مقاله، نقش سیره معصومان (ع) را در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی با تأکید بر تناسب ویژگی‌های رفتاری ائمه با مولفه‌های بنیادین تمدنی مورد بررسی قرار داده و روش الگویی را در تحقق تمدن موثر دانسته است. هم‌چنین امکان بهره‌برداری از منابع سیره در فقه را نشان‌دهنده کارآمدی بی‌بدیل سیره معصومان در پی‌ریزی شالوده تمدن نوین اسلامی تبیین کرده است.



موضوع مقاله مزبور، کارکردشناسی رفتار معصومان در تشکیل تمدن نوین اسلامی است، نه ظرفیت شناسی. افزون بر این که برخلاف تحقیق حاضر، بحث مصداقی شده و آموزه‌های مرتبط با امامت، با شاخصه‌های تمدنی، ظرفیت‌سنجی نشده است.

مقاله «امامت و موضوع تمدن اسلامی» نوشته ابوالفضل خوش منش، نشریه فرهنگ رضوی، شماره ۲، ص ۴۱ - ۷۶، تابستان ۱۳۹۲ ش.

نگارنده این مقاله شباهت‌های درخور توجه حضرت ابراهیم علیه السلام و امام رضا علیه السلام از جمله، حضور در دو حوزه مهم تمدنی، سروکار داشتن با دو دستگاه سیاسی زیرک و طغیان‌گر، سیر گسترده جغرافیایی و بین‌المللی، ارتباط داشتن ادیان و مذاهب گوناگون با ایشان و موضوع مناظره‌ها و احتجاجات این دو امام همام را با نگاه فرهنگی و تمدنی مورد مقایسه قرار داده است. بر این اساس، مقاله فوق به‌طور مصداقی درصدد مقایسه اقدامات تمدنی حضرت ابراهیم و امام رضا علیه السلام بوده و برخلاف این پژوهش درصدد مطالعات تمدنی بر مولفه‌های امامت نبوده است؛ به دیگر بیان، بحث ما مربوط به امامت عامه و آموزه‌های مرتبط با آن است؛ ولی بحث مقاله مذکور مربوط به امامت خاصه، آن هم اقدامات تمدنی یک امام (امام هشتم علیه السلام) در مقایسه با حضرت ابراهیم علیه السلام بوده است.

چارچوب مفهومی

در چارچوب مفهومی پژوهش حاضر، آن‌چه قابل ذکر است این است که امامت در نسبت با تمدن، دارای مجموعه‌ای از روابط است که به‌طور شبکه‌ای همه عناصر و شاخص‌های یک تمدن مطلوب را با مولفه‌هایی که دارد به دست می‌دهد. هر یک از روابط، با مفاهیمی که از آن فهمیده می‌شود همراه با توضیحی کوتاه ذکر می‌گردد.

خدا - امام - عبودیت

در هندسه مفاهیم تمدن امامتی، امامت، دال مرکزی است و در رابطه‌ای که با خدای متعال دارد، مفهوم عبودیت از آن فهمیده می‌شود. امام، به جهت عصمت عملی که دارد، خود، مطیع خداوند است و به مطیع بودن امت و تمدن برساخته از او کمک شایانی می‌کند که اگر امت در تمام جهات، مطیع خدا باشد، همه کثرات به سمت توحید، جهت پیدا می‌کند و از کثرات رسته به وحدت و انسجام ختم می‌شود و کارآمدی تمدن نیز در جهت مطیع ساختن بندگان و مطاع گشتن خدای متعال و در نتیجه به عبودیت الهی منجر می‌شود و هدف آفرینش (وما

خلقت الجن والانس الا ليعبدون) در سایه این وحدت محقق می‌گردد.

امام -> جامعه -> هدایت

امام، یک رابطه‌ای با جامعه دارد که مفهوم هدایت از آن فهمیده می‌شود. رسالت امام، راهنمایی بشر به مسیر راستین و بر حذر داشتن جامعه از بیراهه‌ها و تعدد مسیرهای انحرافی است و جهت رسیدن به این هدف، امام، متصف به اوصاف و ویژگی‌های منحصر به فردی هم چون علم لدنی است که ابزار هدایت و راهنمایی بشر به سوی خوبی‌ها و ارزش‌های واقعی است.

امام -> فرد -> تربیت

امام، یک رابطه‌ای با فرد دارد که مفهوم تربیت از آن فهمیده می‌شود. انسان، محور و مدار تمدن است؛ اساساً تمدن برای انسان است و حیوانات تمدن ندارند. تربیت انسان تمدن‌ساز، به تمدنی در تراز انسان تربیت یافته و کامل منتهی می‌شود. امام با عصمت مطلق خود، الگوی کاملی برای تربیت آدمی است و انسان تربیت یافته بر مدار انسجام خواهد بود.

امام -> رقبا و طاغوت -> تصرف

امام، یک رابطه‌ای با رقبا دارد که از آن، مفهوم تصرف فهمیده می‌شود. همه انسان‌ها مخلوق الهی هستند و امام، خلیفه و جانشین خدای متعال بر روی زمین است. از این رو چون الهی است، قدرت و اقتدار تصرف و مدیریت منسجم را با وجه الهی بودن دارد. از این رو، تمدن برساخته تفکر و فرهنگ امامت، از انسجام حداکثری برخوردار است.

امام -> تاریخ -> غایت‌مندی و جهت‌داری

امام، یک رابطه‌ای با تاریخ دارد که آن را غایت‌مند و جهت‌دار می‌کند. امام با علم غیبی که دارد و با اشرف و آگاهی کاملی که از ابعاد مختلف تاریخ دارد آن را غایت‌مند و جهت‌دار می‌کند وقتی جهت یکی شد، همه امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری در هم‌افزایی و هم‌بستگی کامل خواهند بود.

در موارد مذکور و ارتباطی که بین همه آن‌ها وجود دارد، اندیشه امامت به عنوان روح حاکم بر این شبکه عمل می‌کند. تمدنی که بر محور امام، شکل پیدا می‌کند، یک سری مختصات و ربط شبکه‌ای نظام‌مندی با هم‌دیگر دارند که با قدرت هم‌افزایی، اعتبار و ارزش را از اصالت مبنا و روش می‌گیرد و نتیجه آن تمدنی نمونه به لحاظ انسجام و اتحاد است. بر خلاف آن جایی که احیاناً ممکن است یک تمدن مادی باشد و بر فرض مبنایش اصیل نباشد، ولی روش آن خوب و

مطلوب و نتیجه نیز کارآمد باشد. هر تمدنی مطمئناً از هویت فرهنگی و وجه نرم برخوردار است و در تمدن امامتی، وجه نرم، همان تفکر و اندیشه امامت است که موجب وفاق می‌گردد.

مفهوم‌شناسی

در لغت، تمدن از ریشه «مَدَن» برگرفته از «مدینه» به معنای شهرنشینی، آراسته شدن به اخلاق اهل شهر، خو گرفتن با آداب شهریان (دهخدا، ۱۳۴۱: ۵/۶۹۷۲؛ مصطفوی، ۱۴۳۰: ۵۸/۱۱؛ عمید، بی‌تا: ۱/۶۱۵؛ معین، ۱۳۹۱: ۱/۱۱۳۹) و انتقال از خشونت و جهل به حالت ظرافت و انس و معرفت معنا شده است (دهخدا، ۱۳۴۱: ۵/۶۹۷۲).

در اصطلاح، برخی تمدن را به مجموعه ساخته‌ها و اندوخته‌های معنوی و مادی جامعه انسانی (دورانت، ۱۳۷۰: ۵/۱۴) و برخی دیگر آن را به مجموعه اعمال و آرایه‌هایی که در هر جامعه، افراد انسانی از بزرگ‌تران فرا می‌گیرند و به نسل جوان تحویل می‌دهند تعریف کرده‌اند (لینتن، ۱۳۳۷: ۳). برخی تمدن را حاصل و نتیجه معرفت‌ها و مهارت‌هایی می‌دانند که نسل‌های مختلف در گذر از شرایط بدوی به شرایط طبیعی گرد آورده، حفظ کرده و در زندگی عملی خود به کار بسته‌اند (پهلوان، ۱۳۸۲: ۴۹۰) و برخی دیگر، شکل هماهنگ انسان‌ها در حیات معقول با روابط عادلانه و اشتراک همه افراد و گروه‌های جامعه در پیشبرد اهداف مادی و معنوی انسان‌ها در همه ابعاد مثبت را تمدن می‌گویند (جعفری، ۱۳۷۶: ۵/۱۶۱). این تعاریف از تمدن مربوط به مطلق تمدن است.

مقصود ما از تمدن، «مجموعه بزرگی از نظام‌های اجتماعی (سیاسی، اقتصادی، حقوقی، تربیتی، عبادی و...) است و از نظر جغرافیایی، واحد کلانی را در یک قلمرو پهناور در بر می‌گیرد» (آشوری، ۱۳۵۷: ۸۲۱) و مبتنی بر اسلام خواهد بود که در ادبیات قرآنی از آن با واژه «امت» تعبیر آورده شده است (ر.ک: بابایی، ۱۳۹۹: ۲۴۸) و این مجموعه سترگ، مبتنی بر فرهنگ و معارف اسلامی با خوانش شیعی است. بنابراین، تمدن اسلامی ابرنظامی بر پایه اندیشه اسلامی است که مشتمل بر نظام‌های متعدد فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... بوده و به مثابه کلان‌ترین مناسبات انسانی بین افراد مختلف می‌باشد و لازمه این الگوی نظری و عملی، خیزش فکری، فرهنگی و اجتماعی در ابعاد تمدنی و پی‌ریزی نظام‌های متعدد مبتنی بر اسلام جهت گشودن افق‌های نوین در آینده زیستی امت اسلام است که ما آن را تمدن نوین اسلامی می‌نامیم. انسجام در لغت به معنای باهم جور شدن، استحکام، روان بودن کلام و عاری بودن آن از

تکلف است (عمید، بی تا: ۲۰۷). منظور از انسجام در اصطلاح علوم اجتماعی همچون جامعه شناسی، نوعی از وحدت و هم بستگی اجتماعی است که از پیوندهای اجتماعی میان افراد و یا گروه های مختلف در یک جامعه حاصل می شود به گونه ای که تغییر در یکی از آن ها باعث تغییر در عناصر دیگری می گردد (عضدانلو، ۱۳۸۴: ۹۷۱). برخلاف نظم که انتظام و سامان یافتگی مجموعه روابط یک شیء با دیگران است، انسجام، هم گرایی و هماهنگی اجزای درونی یک سیستم با یکدیگر است و فرآیندی است که استراتژی های فردی با استراتژی های گروهی ادغام می شود. همان طور که در تبیین انسجام در حوزه متن گفته شده «انسجام، یک مفهوم معنایی است که به روابط معنایی موجود در داخل متن اشاره دارد. انسجام زمانی روی می دهد که تعبیر عنصری در گفتمان به عنصری دیگر وابسته است» (جولانی، ۱۳۸۷: ۴).

بنابراین، انسجام، از هم گسسته نبودن اجزاء و اعضای یک سیستم و یک پارچگی خرده نظامات در عملکردی هم سو جهت رسیدن به هدفی واحد است. با این گفته معلوم می شود؛ انسجام در شمار کارکردهای تمدنی است. از این رو، هر تمدنی که امکانات، ظرفیت ها و اجزای درونی آن هم بستگی کامل تری جهت نیل به نظام کلان مطلوب را داشته باشد، مطمئناً آن تمدن موفق تر، کامل تر و کارآمدتر خواهد بود.

مولفه علم و عصمت امام

هیچ دینی به اندازه اسلام ساحت علم را نستوده و بر جایگاه رفیع آن اهتمام و تاکید نورزیده است. بحث علم ویژه امام، در شمار مباحث بنیادین عقاید شیعی است و تقریباً تمام جامعه علمی شیعه، معتقدند که ائمه علیهم السلام به دلیل جانشینی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و مرجعیت دینی، از علوم ویژه و الهی برخوردار بوده اند که دیگران از آن بی بهره اند (ر.ک: الموصلی، بی تا: ۱۳۴ - ۱۳۵؛ قفاری، ۱۴۱۳: ۱/ ۲۹۵). این به جهت آن است که امام، حجت الهی و جانشین رسول خداست و به دلیل مسئولیت سترگ راهنمایی، از تاییدات خاص الهی نیز برخوردار است. برخورداری از علم خاص الهی یکی از آن تاییدات است که در سپهر اندیشه امامیه از ویژگی های شاخص امام محسوب می گردد. «علوم الهی و ویژه پیامبران و برگزیدگان خداوند، با عصمت همراه بوده است. اقتضای این که خداوند این علوم را به طور ویژه به برگزیدگان خود داده، این است که این علوم، درست و خطاناپذیر باشند. در برخی آیات قرآن، این برگزیدگی چنین بیان شده است (انعام / ۸۷ - ۸۸) «وَأَجْتَبَيْنَاهُمْ وَهَدَيْنَاهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ

عِبَادِهِ»^۱ لازمه چنین برگزیدگی و هدایت الهی آن است که دانش اعطایی به ایشان، صحیح و مطابق با واقع باشد؛ و گرنه دانشی که خطا در آن باشد، منسوب به خدا نیست و منت و لطف الهی به شمار نمی‌آید. بنابراین اقتضای علوم ویژه الهی، عصمت این علوم است». (هاشمی، ۱۳۹۶: ۱۴۵) به ویژه این که در آیاتی دیگر به صراحت از حفاظت علوم ویژه و موهبتی سخن رفته است (جن/ ۲۶ - ۲۷): «عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا».^۲ تعبیر قرآنی «آيَاتُهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَعَلَمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا» (کهف/ ۶۵)^۳ نیز درصدد بیان این نکته است که چنین علمی از عنایات خاص الهی بوده و به بندگان خاص اعطا می‌شود و تعبیر «علم لدنی» که در ادبیات عالمان مسلمان استفاده می‌شود نیز از همین آیه قرآن گرفته شده است. مفسران زیادی این علم را از سنخ دانش‌های موهبتی و غیراکتسابی دانسته‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۳/ ۳۴۱؛ رازی، ۱۴۲۰: ۲۱/ ۴۸۳؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۲/ ۷۳۳). به جهت این که خدای متعال چنین دانش بی‌واسطه‌ای را منسوب به خود می‌کند، اعطایی بودن آن کاملاً روشن است. ضمن این که نمونه‌هایی از علوم موهبتی در قرآن به ویژه تعبیر «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (بقره/ ۲۴۷)^۴ ظهور در آن دارد که علم برگزیدگان الهی با عنایت خاص خدای متعال قرین بوده و بدون عطا الهی، آنان به ساحت این علم بار نمی‌یافتند. از آنجا که امامت در اندیشه شیعه در تداوم رسالت پیامبران است و همه وظایف آنان را به غیر از نبوت بر عهده دارند و حجت الهی و جانشین رسول خدا ﷺ هستند آیات فوق با این تنقیح مناط مشمول آنان نیز می‌شود.

افزون بر قرآن کریم که معتبرترین منبع دین‌شناختی است، روایات معتبر پرشماری از اهل بیت (علیهم‌السلام) پیامبر نیز موید و مبین آن است که ائمه اطهار (علیهم‌السلام) برخوردار از دانش ویژه الهی هستند و خدای متعال از روش‌هایی متمایز با روش‌های معمولی دریافت دانش، به آنان چنین علمی

۱. «و آنان را برگزیدیم و ایشان را به راه راست هدایت کردیم. این رهنمود خداست که هر کس از بندگان را (شایسته بداند و) بخواهد، با آن راهنمایی می‌کند».
۲. «دانای نهان است و کسی را بر غیب خود آگاه نمی‌کند جز پیامبری را که از او خشنود باشد که [در این صورت] برای او از پیش‌رو و از پشت سرش نگاهبانانی بر خواهد گماشت».
۳. «از جانب خود به او رحمتی عطا کرده و از نزد خود بدو دانشی آموخته بودیم».
۴. «در حقیقت خدا او را بر شما برتری داده و او را در دانش و [نیروی] بدنی بر شما برتری بخشیده است و خداوند پادشاهی خود را به هر کس که بخواهد می‌دهد و خدا گشایشگر داناست».

ارزانی داشته و آنان را در مسیر هدایت بندگان به این شناخت برتر مجهز ساخته است. مثل آگاهی امیرمومنان (ع) از علم پیامبر (ص)، حوادث عالم تا روز قیامت (ر.ک: صفار، ۱۴۰۴: ۱۲۷)، گشوده شدن هزار باب علم توسط پیامبر (ص) برای او (همان، ۳۵۸/۳۰؛ صدوق، بی تا: ۶۴۳/۲ و ۶۴۶؛ مفید، ۱۴۱۳ (الف): ۲۸۳ و ۳۰۵)، علم ائمه (ع) به زمان مرگ افراد و انساب و موالید مسلمانان، شناخت جریان ها و فرقه ها. همچنین شناخت ایمان و نفاق افراد با دیدن آن ها و اطلاع از کتابی که در آن نام شیعیان و نام پدران آن ها آمده (ر.ک: همان: ۱۱۹-۱۲۰؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۵۵۵/۱) از جمله علمی است که باتوجه به گستردگی قلمرو این تعالیم، ظهور در این دارد که فراگیری آن ها برای اهل بیت (ع) از طرق عادی نبوده و به شیوه ای ویژه به آنان تعلیم داده شده است؛ و گرنه عمر محدود انسان ها برای آموختن همه این علوم ناکافی است. باتوجه به این که برخی ائمه، مدت محدودی امام پیش از خود را درک کرده اند (ر.ک: هاشمی، ۱۳۹۶: ۱۷۸) و جایی دیده نشده و کسی نقل نکرده که آنان در نزد کسی علمی آموخته باشند یا شاگردی شخصی را کرده باشند.

عصمت نیز همچون علم لدنی، یکی از بایستگی ها و ویژگی های امام محسوب می شود و از نظر شیعه امامیه، انبیاء و ائمه (ع) از ابتدای آفرینش دارای صفت عصمت و مصونیت بوده اند و عصمت، موهبتی خدادادی است که به دلیل شایستگی ویژه این فرستادگان الهی، به آن ها اعطا شده است (مفید، ۱۴۱۳ (ج): ۱۰۶) عصمت در شناخت احکام شریعت و موضوعات مرتبط با آن، عصمت در تشخیص مفاسد و مصالح امور مربوط به رهبری و هدایت جامعه اسلامی، عصمت در امور مرتبط با زندگی عادی اعم از مسائل اجتماعی و فردی، عصمت از ذنوب، حتی پیراستگی از عیوب جسمانی، نفسانی، عقلانی و عصمت از منفرات، مراتب مختلف عصمت است که از دیدگاه شیعه، گستره عصمت امام شامل همه آن ها می شود (ر.ک: مفید، ۱۴۱۳ (ب): ۵۶؛ لاهیجی، ۱۳۷۲: ۴۶۸-۴۶۹). پس امامان در تمام دوران زندگی از همه گناهان و پلیدی ها، عمدا و سهوا، معصوم می باشند (حلی، ۱۴۱۴: ۱۶۴)؛ به دلیل این که اگر امام معصوم نباشد وجود امامان غیرمتناهی (یا تسلسل در امامت) لازم خواهد آمد (حلبی، ۱۴۰۴: ۱۰۰؛ حمصی رازی، ۱۴۱۲: ۲۷۸/۲؛ بحرانی، ۱۴۰۶: ۱۷۷). همین طور حفظ شریعت جز با امام معصوم امکان پذیر نیست (علم الهدی، ۱۴۰۷: ۱/۱۷۹-۱۸۱ و ۱۸۵). افزون بر این که اگر گناهی از امام سر بزند جایگاهش در دل ها سقوط می کند و اگر دچار فراموشی و اشتباه شود به فرموده هایش اعتماد نخواهد شد، در نتیجه فایده انتصاب او در مقام امامت باطل و بیهوده خواهد بود (طوسی، بی تا: ۱۹۸) بنابراین،



مقتضای ادله عقلی و نقلی این است که وصی رسول خدا ﷺ مانند وی برخوردار از صفت عصمت باشد تا مورد اعتماد و وثوق کامل قرار گیرد و افعال و اقوالش الگوی کامل زندگی اجتماعی و فردی مسلمانان باشد (ربانی گلیپایگانی، ۱۳۹۰: ۲۴۵).

حال که معلوم شد علم الهی و عصمت مطلق در شمار ویژگی‌های شاخص امام است، باید دید این دو مولفه مهم اندیشه امامت از چه ظرفیت‌هایی برای انسجام تمدنی برخوردارند که در مطالب پیش‌رو به تبیین و تحلیل آن پرداخته می‌شود.

علم و عصمت و انسجام تمدنی

در تحلیل ریشه‌ای انسجام‌گفتنی است «در جهان هستی اصل بر وحدت است. مبدا آفرینش عین وحدت است. (اساساً کثرت و گونه‌گونی شایسته او نیست و ترکب نشانه احتیاج، نقص و نارسایی است. در ذات او که مبرای از کثرت است، آن چه از او صادر می‌شود نیز، جز واحد نیست و قاعده الواحد لایصدر منه الا الواحد (شیرازی، بی‌تا: ۲/ ۲۰۴ - ۲۰۹) نزد ارباب حکمت، موید آن است که این فیض صادره از جنبه صدور واحد است و تعینات، تشخصات و کثرت زائیده حدود، ماهیات و عالم امکان است. در انواع موجودات، نماد این وحدت، در تعاون و همیاری است که اجزای هر یک از موجودات مرکب و نیز هر یک از مجموعه‌ها مکمل یکدیگرند و این هماهنگی در اجزای هر کدام از مظاهر طبیعت، به ویژه در روابط انسانی نشانه سلامت است. رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادِّهِمْ وَتَعَاطُفِهِمْ وَتَرَاحُهُمْ مَثَلُ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَ مِنْهُ عُضْوٌ تَدَاعَى سَائِرُ الْجَسَدِ بِالسَّهَرِ وَالْحُحَى؛ مؤمنان در دوستی، عطوفت و مهرورزی نسبت به هم مثل یک پیکرند؛ که هرگاه عضوی از آن به درد آید، دیگر اعضا را بی‌خوابی و تب فرا می‌گیرد.» (ابن حنبل، ۱۴۱۶: ۶/ ۳۷۹ و ۱۸۴۰۸). تعلیمات اسلامی برای ادیان آسمانی نیز نوعیت واحد قائل است و اختلاف شرایع را ماهوی نمی‌داند بلکه فرعی و در کمال و نقص می‌داند (مطهری، بی‌تا: ۳۴۱). هم‌چنین سیر طبیعی و تکوینی جوامع به سوی جامعه یگانه و فرهنگ یگانه است (همان، ۳۵۰). چنان‌که آیه «أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ»^۱ (شوری / ۱۳) نیز بر هم‌بستگی در اقامه دین سفارش کرده است.

منابع دینی گویای آن است که «خداوند چون خود واحد است وحدت را دوست می‌دارد و پراکندگی و گسیختگی را برنمی‌تابد و این حقیقت را هم در تکوین و هم در تشریع بروز و نمود

۱. «دین را برپا دارید و در آن تفرقه اندازی نکنید».

داده است» (شبر، بی تا: ۹۶/۵). ظهور و بروز این هماهنگی و هم‌آوایی به نحوی است که «گویی وحدت، جان هستی و قبله تمامی موجودات و جریان‌ها و حرکت‌ها است. از این رو، هر اقدامی که موجب گسترش اختلاف و دوگانگی و توسعه دامنه آن باشد برخلاف خواست الهی و مغایر با سنت خداوندی و خلاف داوری عقل است» (موسوی کاشمیری، ۱۳۸۶: ۷۴ - ۷۶). یک پارچه‌سازی امت نیز توسط امام به جهت آگاهی از عواقب امور و نقش عصمت و مصونیت او در انسجام بخشی نیروها و امکانات، پیشران حرکت‌های اجتماعی به سوی اهداف والای انسانی به سوی وحدت است و این سیر مطلوبی است که فاقد بودن این ظرفیت سترگ در سایر جوامع، آن‌ها را به تفرقه و گسست نیروها می‌کشاند؛ چون یکی از معضلات و مشکلات در عرصه مدیریت‌های کلان، ناهم‌سویی و ناهماهنگی در تصمیمات، حرف‌ها و حرکت‌های شخص مدیر و به تبع، کادر مدیریت است که این نقص، موجب چالش جدی در زیرمجموعه‌های مختلف و متعدد می‌گردد؛ به جهت این‌که بینش، کنش و نگرش مدیر چنان‌چه دچار تشتت و تهافت باشد طبیعی است که امور تحت مدیریت او نیز دچار تفرق شده، بخش‌های گوناگون از آن تاثیر پذیری مستقیم و منفی خواهند داشت. تشتت و تهافت در مدیر، ذکاوت و مقبولیت او را نزد مجموعه تحت تدبیرش زیر سوال خواهد برد و این اثر نامطلوبی در مدیران میانی و مسئولان نظامات خرد دارد. در نتیجه همه اجزای مختلف یک نظام را به بی‌سامانی و شکاف سازمانی می‌کشاند؛ اما ساختار معرفتی که دین بر محور علم و عمل معصوم می‌بندد صدر و ذیل و ابتدا و انتهایش باهم هماهنگ است.

همان‌طور که قرآن کریم (به عنوان عدل عترت) دارای هماهنگی و سازواری درونی است و در جهت تبیین این بُعد از اعجاز قرآن کریم / «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» (نساء / ۸۴) نازل شده است، امام نیز همچون قرآن، پیراسته از خطا است و تفکر و خروجی اندیشه او سازوار بوده، در عرصه عمل و واقعیت عینی نیز تمام افعال در قلمرو مدیریت و تدبیرش سیستماتیک و هم‌افزا به سوی هدفی واحد در حرکت هستند. از همین رو است که هیچ یک از اعضای تشکیلاتی که امام سامان داده در صدد نفی دیگری نیستند بلکه برای رسیدن به هدف غایی آفرینش در صفی واحد به سلوک و تعامل نیروها می‌پردازند و نتیجه آن، وفاق کلی و عمومی در جهت این راهبرد قوت‌بخش خواهد بود.

از اموری که به اتقان یک مجموعه می‌انجامد سازواری و هماهنگی اجزاء درونی آن با یکدیگر و نداشتن تعارض و تهافت درونی است تا در سایه این اتحاد، رسیدن به اهداف مورد نظر دست



یافتنی تر شود؛ چون اتحاد درونی باعث هم افزایی نیروها می شود که به توانایی و در نتیجه به تداوم و پایداری آن کمک شایانی خواهد کرد. امر تمدن نیز از این قاعده مستثنی نبوده و حتی انسجام یا عدم انسجام نیروها در یک تمدن، نمود بیشتر و نتیجه ملموس تری خواهد داشت؛ چون پیکره تمدن شامل خرده نظامات و مجموعه های پرشمار و گوناگونی است که جهت نیل به غایات مشخص به پیش می رود و چنان چه خللی در هماهنگی اجزاء باشد نیل به غایات میسر نخواهد بود. اما اگر اجزای درونی آن باهم هماهنگ باشند این انسجام در ساحت های مختلف نتایج مثبتی خواهد داشت. مثلاً انسجام در ادبیات تمدنی منجر به وفاق اجتماعی می شود و از آن جا که علم پشتیبان تمدن مبتنی بر علم و عصمت، منشأ واحدی دارد، در فرآیند رسیدن به غایت مورد نظر، تشمت و اختلافی پیش نمی آید؛ چرا که اختلاف، فرع تعدد و تکثر است. در حالی که در تمدن توحیدی تعدد و تکثری نیست.

به عبارت دیگر «انسان ها بر اساس طبع اجتماعی خود برای کمال برتر یا برای رفع حوائج، در کنار هم قرار گرفته و به تشکیل تمدن دست می زنند. در هر تمدنی طبیعی است که بعد از مرحله تشکیل و تاسیس، به جهت تراحم منافعی که در اجتماع رخ می دهد غریزه سودجویی و انتفاع شخصی ظاهر می شود. در کنار این مسائل لازم است با نور وحی، به کنترل غریزه سودجویی پرداخت و آن را کنترل کرد و جهت داد. حال اگر جامعه از راهنمایی های وحی بهره بگیرد تمدنی می سازد که باعث شکوفایی ابعاد انسانی می شود و تا زمانی که به بایدها و نبایدهای الهی سر می سپارد، حیات درخشان خود تداوم دارد. ولی اگر از پیروی دین خدا — که از زبان ولی الهی صادر می شود — سرباز زد، زمینه سقوط خود را فراهم می سازد؛ به دلیل این که عامل بقاء کثرت، وحدت بوده و وحدت حقیقی خدای متعال است. از همین رو، تا از مسیر اجرای حکم خدا، حضور احد در کثرت جاری است، آن کثرت در انسجام و بقاء است. اما اگر ارتباط کثرت از وحدت قطع شود آن کثرت مضمحل می گردد» (ر.ک: طاهرزاده، ۱۳۹۵: ۴۶).

یکی از رموز توان امام برای انسجام بخشی، عصمت اوست که به قول علامه طباطبایی راز آن، علم گسترده خدادادی است؛ یعنی پاکی و پیراستگی از خطا و خیانت، در فرآیند ساخت تمدن اسلامی سهو و اشتباه را به صفر می رساند و اعتماد مطلق می آفریند که همین، بنیان بسیاری از پیشرفت های عادلانه است. در مقابل توسعه ناعادلانه غربی که به جهت عدم پیراستگی طراحان و مدیران آن از خطا و خیانت، مشکلات فراوانی را فراروی بشر قرار می دهد؛ چون آسیب ها و زمینه های انحطاط تمدنی، معمولاً جهل، حب جاه و نفس است و حال آن که

عصمت ملکه‌ای است که دلسوزی‌اش جمعی است نه فردی. از این رو، اغراض شخصی در آن راه ندارد. ویژگی عصمت باعث می‌شود همه زمینه‌های انحطاط ارادی تمدن شکل نگیرد و قوام آن پایدار باشد.

از سوی دیگر، لطف و موهبتی بودن عصمت برای امام، قداستی می‌آفریند که به مطاع بودن امام کمک می‌کند؛ زیرا «قوانین الهی افزون بر درست بودن، با وجه قدسی خود، جنبه‌های فطری پیروی از خدای متعال را نیز در انسان به کار می‌گیرد و در چنین فضایی جامعه را به مقصد و مطلوب مورد احتیاجش نائل می‌گرداند. حال آن‌که اگر همه سخنان پیامبران را مثلاً کانت بگویند ثمره مطلوب به دست نمی‌آید؛ زیرا جنبه قداست قوانین که بُعد اطاعت از خدای متعال را تغذیه می‌کند در آن‌ها فاقد است. از همین رو، سخنان کانت به رغم ارزشمندی از جهات بسیار، قادر به اداره اروپا نشد» (ر.ک: طاهرزاده، ۱۳۹۵: ۴۱).

مرحله نخست انسجام، انسجام فکری و انتظام در ساحت فکر و اندیشه است و مراحل بعدی نشأت یافته از آن است. از آنجا که امام مصدر تشریع است و عمل و گفتار او سنت است (که از منظر شیعه یکی از منابع دین‌شناختی است)، از این رو، هیچ‌گونه تهافت و تعارضی در اندیشه او راه ندارد و نظام فکری او به طور کامل منسجم و هماهنگ است؛ در نتیجه خوراک فکری که به جامعه تزریق می‌کند و فرهنگ برآمده از نظام فکری او نیز کاملاً هم‌افزا، نظام یافته و سیستمی است و «آن چه تمدنی بودن یک اندیشه را موجه می‌سازد سیستمی بودن اندیشه، اجتماعی بودن آن فکر، و نهایتاً ارائه تجربه‌های نسبتاً موفق از ساخت یک جامعه نظام مند و متشکل اجتماعی است» (بابایی، ۱۳۹۳: ۱۶۰).

در باب انسجام در ساحت فکر و اندیشه گفتنی است مثلاً تعارضات فکری و اعتقادی که در مکتب‌های رقیب مکتب تشیع، ظهور و بروز دارد و باهم جور در نمی‌آید؛ به دلیل این است که مهندسی گزاره‌های اعتقادی در آن مکاتب مبتنی بر علم معصوم نیست؛ بلکه بر اساس فهم‌های متکثر صحابه یا دانش‌آموخته‌های مکتب غیرمعصوم‌اند. از این رو، تهافت و ناسازگاری در آن موج می‌زند. از همین رو است که برخی محققان بر این نکته تأکید دارند که «منظومه ولایی تشیع سازواره‌ای منسجم از نظامات فرهنگی حقوقی و سیاسی و توابع هر یک از آن‌ها است که ارکان اصلی نظام تمدنی را شکل می‌دهد و هر یک هماهنگ و هم‌سو با سایر اجزای نظام و البته با کارکردهای خاص خود، زمینه را برای برپایی تمدنی کمال یافته، که بر دو اصل «توحید» و «عدالت» و «توابع آن استوار است فراهم می‌آورد» (جوادی‌آملی، ۱۳۹۸: ۱۷/۱۸۸). چون



منظومه فکری شیعه اثنی عشری برآمده از اندیشه امامانی است که از علم لدنی و عصمت موهبتی برخوردارند و کامل کننده دین و تمام کننده نعمت‌ها هستند.

به همین جهت است که می‌بینیم «دین در کنار عوامل بسیاری که باعث تنش و اختلاف میان توده مردم بوده، جدی‌ترین عنصر وحدت بخش در میان آن‌ها است. به گونه‌ای که در سده اخیر با این‌که جوامع اسلامی از عناصری همچون ملی‌گرایی، قوم‌گرایی، زبان و نژاد تاثیر نسبی پذیرفتند، ولی هیچ یک از این موارد قادر به مخدوش سازی هویت واحد دینی مسلمانان نشد. گرچه گاهی این عناصر موجب اختلافات و تنش‌ها و واگرایی در جهان اسلام شده، ولی هویت دینی پیوسته پس از رفت و برگشت‌ها و فراز و نشیب‌ها، در ابتدا توسط رسول خدا ﷺ و سپس توسط جانشینان بر حق او امامان معصومین دست‌مایه وحدت بخشی شد و مردم بر محور و مدار دین به هم‌زیستی با همدیگر پرداختند. حتی در عصر جدید که تمدن غرب مسلمانان را تا حدی زیر سیطره خود قرار داده، بعد از چند سده، باز مهم‌ترین عامل وحت در میان جوامع دین است» (ر.ک: موسوی‌گیلانی، ۱۳۹۵: ۳۱/۱). از همین رو، نظریه پردازانی که در قرن بیست و یکم به طرح نظریه جنگ تمدن‌ها پرداختند معترفند که در دوران جدید، مهم‌ترین عنصر تمدن دین است و با وجود این‌که در چند سده پس از رنساس، سکولاریسم ترویج شده، در سرزمین‌های شرقی هنوز دین دست‌مایه وحدت جوامع است (ر.ک: هانتینگتون، ۱۳۷۸). حتی باور نظریه‌پردازان این است با این‌که در دوره جدید، در رفتار فردی و اجتماعی عناصر مدرن تاثیرگذار بوده و رفتار انسان‌ها تابع آن‌ها است، اما بازگشت به سوی دین به چشم می‌خورد و ۹۵ درصد مردم جهان دارای رفتارهای دینی هستند (الیاده، ۱۳۷۳: ۸۵).

آگاهی گسترده امام از تمام ساحت‌ها موجب مهندسی درستی می‌شود که نافی تناقض و تقابل درونی سازه‌های تمدنی است و همین، موجب هم‌افزایی امکانات جهت رسیدن به اهداف تمدنی برتر و پویاتر است. نقش بی‌بدیل امام به جهت برخورداری از عصمت و علم الهی در تئوری سازی پیشرفت و نهادهای ساختن عدالت در کالبد تک تک اجزای یک سیستم هماهنگ و نظام منسجم، غیر قابل انکار است. از این رو، یکی از تفاوت‌های تمدن اسلامی با تمدن‌های سکولار «از جهت نوع تلقی تمدن اسلامی نسبت به موضوع ترقی و پیشرفت است؛ در واقع تمدن اسلامی ضمن همه جانبه دانستن پیشرفت و نهادهای سازی عدالت در ساختار آن، روح حاکم بر پیشرفت را فرهنگ دینی قلمداد می‌کند؛ این روح قادر است از تقابل هر یک از جنبه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی با فرهنگ جلوگیری کرده و از مادی‌زدگی، ماشین‌وارگی

و هویت‌زدایی در تمدن و همچنین از ورود جامعه اسلامی به ساحت دنیاپرستی و مفاسد ناشی از آن جلوگیری کند» (نجفی و غلامی، ۱۳۹۷: ۱۲۹) با همه این گفته‌ها معلوم شد اندیشه امامت به لحاظ برخورداری از مولفه‌های مهمی همچون علم و عصمت بیشترین ظرفیت را در جهت ایجاد هم‌بستگی اجتماعی و انسجام بخشی تمدنی دارد.

نتیجه‌گیری

در جهان هستی اصل بر وحدت است و در انواع موجودات نماد این وحدت، در تعاون و همیاری است و اجزای هر یک از آن‌ها و هر مجموعه‌ای مکمل یکدیگر و باهم هماهنگ‌اند. آیات قرآن نیز بر هم‌بستگی در اقامه دین سفارش کرده و آن را در تکوین و تشریع بروز داده است. از این رو هر اقدامی که موجب گسترش و اختلاف باشد برخلاف خواست و سنت الهی است و امام به عنوان مجری دین خدا برپادارنده این سنت‌ها است و از عواقب تفرق آگاه است از این رو، از گسست نیروها جلوگیری و با تصمیمات پیراسته از خطای خود هرگونه ناهم‌سویی و ناهماهنگی را تبدیل به هم‌بستگی و هم‌افزایی می‌کند. بینش، کنش و نگرش مدیر چنان‌چه دچار تشتت باشد تفرق در امور تحت مدیریت او طبیعی است و اثر نامطلوبی در مدیران میانی و همه اجزای یک نظام دارد و شکاف ایجاد می‌کند. اما ساختار معرفتی که دین با محور علم و عمل معصوم می‌بندد صدر و ذیل و ابتدا و انتهایش باهم هماهنگ است. همان‌طور که قرآن به عنوان عدل عترت، دارای هماهنگی و سازوای درونی است، امام نیز همچون قرآن پیراسته از خطا بوده و تفکر و خروجی اندیشه او سازوار و تدبیرش سیستماتیک و هم‌افزا است بدین جهت موجب وفاق کلی و عمومی می‌شود.

انسجام نیافتگی در ساحت تمدن نمود بیشتر و نتیجه ملموس‌تری دارد. باتوجه به گزینه سودجویی در انسان‌ها، اگر جامعه از رهنمودهای وحی که در غالب اقوال و افعال ولی الهی نمود پیدا می‌کند استفاده کند، به سوی وحدت و انسجام پیش می‌رود در غیر این صورت واگرایی و تفرق حتمی است. آسیب‌ها و زمینه‌های انحطاط تمدنی معمولاً حاصل جهل، حب جاه و نفس است و حال آن‌که عصمت ملکه‌ای است که دلسوزی‌اش جمعی بوده اغراض شخصی در آن راه ندارد و باعث می‌شود همه زمینه‌های انحطاط ارادی تمدن شکل نگیرد. ضمن این‌که عصمت برای امام قداستی می‌آفریند که به مطاع بودن امام کمک می‌کند و نتیجه اطاعت از شخص عالم و معصوم انسجام حداکثری است.



انسجام فکری، مرحله نخست انسجام است. از آن رو که امام مصدر تشریع است، عمل و گفتار او سنت بوده هیچ تعارضی در نظام فکری او راه ندارد. در نتیجه خوراک فکری که به جامعه تزریق می‌کند و فرهنگ برآمده از نظام فکری او کاملاً هم‌افزا، نظام‌یافته و سیستمی است. در مکتب معصوم فهم‌های متکثر راه ندارد. از این رو، تعارضات فکری منجر به تقابلات میدانی پدید نمی‌آورد. هویت دینی موجب دفع عناصری مثل قوم‌گرایی، زبان و نژاد است. هویت واحد دینی توسط پیامبر و سپس امامان القاء می‌شود. به همین جهت مایه وحدت و در تقابل با واگرایی است. آگاهی گسترده امام از تمام ساحت‌ها موجب مهندسی درستی می‌شود که نافی تناقض و تقابل درونی سازه‌های تمدنی است.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابن حنبل، احمد (۱۴۱۶ق). *المسند*. قاهره: دارالحديث.
۳. آشوری، داریوش (۱۳۵۷ش). *تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ*. تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا.
۴. بابایی، حبیب‌الله (۱۳۹۹ش). *تنوع و تمدن در اندیشه اسلامی*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۵. بابایی، حبیب‌الله (۱۳۹۳ش). *کاوش‌های نظری در الهیات و تمدن*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۶. پهلوان، چنگیز (۱۳۸۲ش). *فرهنگ‌شناسی؛ گفتارهایی در زمینه فرهنگ و تمدن*. ج ۲. تهران: قطره.
۷. جعفری، محمدتقی (۱۳۷۶ش). *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*. تهران: فرهنگ اسلامی.
۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۸ش). *جامعه در قرآن*. تحقیق مصطفی خلیلی. قم: اسراء.
۹. جولانی، طاهره (۱۳۸۷ش). *بررسی عوامل انسجام‌بخش در متون اجتماعی رادیو*. *مجله رادیو*. سال ۸، ش ۴۴.
۱۰. حلبی، ابوالصلاح (۱۴۰۴ق). *تقریب المعارف*. قم: موسسه النشر الاسلامی.
۱۱. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۴ق). *نهج الحق و کشف الصدق*. قم: دارالهجرة.
۱۲. حمصی‌رازی، سدیدالدین (۱۴۱۲ق). *المنقذ من التقليد*. قم: موسسه النشر الاسلامی.

۱۳. دورانت، ویل (۱۳۷۰ش). تاریخ تمدن. ترجمه حمید عنایت و دیگران. تهران: آموزش انقلاب اسلامی.
۱۴. دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۱ش). لغت نامه دهخدا. زیر نظر محمد معین. تهران: افست گلشن.
۱۵. رازی، فخرالدین محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). مفاتیح الغیب. چ سوم. بیروت. دار احیاء التراث العربی.
۱۶. ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۹۰ش). امامت در بینش اسلامی. قم: بوستان کتاب.
۱۷. زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل. چ سوم. بیروت: دار الکتاب العربی.
۱۸. شبر، سید عبدالله (بی تا). الاخلاق. ج ۵. قم: بصیرت.
۱۹. شیرازی، صدرالدین محمد (بی تا). الاسفار الاربعة. ج ۲. قم: مصطفوی.
۲۰. صدوق، محمد بن علی (بی تا). الخصال. تهران: اسلامیه.
۲۱. صفار قمی، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق). بصائر الدرجات. قم: مکتبه آیه الله المرعشی.
۲۲. طاهرزاده، اصغر (۱۳۹۵ش). فلسفه نیاز به تمدن الهی. اندیشه تمدنی اسلام. سال ۱، ش ۲.
۲۳. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن (بی تا). الرسائل العشر. قم: موسسه النشر الاسلامی.
۲۵. علم الهدی، سید مرتضی (۱۴۰۷ق). الشافی فی الامامة. تهران: موسسه الصادق.
۲۶. عمید، حسن (بی تا). فرهنگ عمید. تهران: جاویدان.
۲۷. قفاری، ناصر بن عبدالله (۱۴۱۳ق). مسالة التقرب بین اهل السنة والشیعة. بی جا: دار طيبة.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۹. لیتتون، رالف (۱۳۳۷ش). سیر تمدن. ترجمه پرویز مرزبان. تهران: فرانگلیس.
۳۰. مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۳۱. مطهری، مرتضی (بی تا). جامعه و تاریخ. قم: دفتر انتشارات اسلامی.



۳۲. معین، محمد (۱۳۹۱ق). فرهنگ معین. تهران. امیرکبیر.
۳۳. مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق) (الف). الاختصاص. قم: کنگره شیخ مفید.
۳۴. مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق) (ب). اوائل المقالات. قم: کنگره جهانی شیخ مفید.
۳۵. مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق) (ج). تصحیح الاعتقادات. قم: المؤتمر العالمي للشيخ المفيد.
۳۶. موسوی کاشمری، سید مهدی (۱۳۸۶ش). وحدت و انسجام اسلامی. حکومت اسلامی. سال ۱۲، ش ۳.
۳۷. موسوی گیلانی، سیدرضی (۱۳۹۵ش). مهدویت و رهیافت تمدنی. تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۳۸. موصلی، عبدالله (بی تا). حقيقة الشيعة حتى لا ننخدع. اسکندریه: دار الایمان.
۳۹. نجفی، موسی و رضا غلامی (۱۳۹۷ش). انقلاب اسلامی و نقش محوری آن در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی. مطالعات انقلاب اسلامی. سال پانزدهم، ش ۵۵. ص ۱۲۱-۱۴۰.
۴۰. هاشمی، سید علی (۱۳۹۶ش). ماهیت علم امام. قم: موسسه امام خمینی رحمته الله.
۴۱. هانتینگتون، ساموئل پی (۱۳۷۸ش). برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی. ترجمه محمدعلی حمید رفیعی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۴۲. الیاده، میرچا (۱۳۷۳ش). دین پژوهی. ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

تحلیل نقش اجتماعی امام در جهان مدرن بر اساس مفاهیم جامعه کبیره^۱

محمد جواد حسن زاده مشکانی^۲

چکیده

این مقاله به بررسی نقش اجتماعی امام در جهان مدرن بر اساس مفاهیم زیارت جامعه کبیره پرداخته است. هدف اصلی پژوهش، تحلیل جایگاه امام در هدایت جامعه، دفاع از اجتماع و نقش ایشان به عنوان واسطه فیض الهی در ایجاد آرامش و انسجام اجتماعی است. روش تحقیق این پژوهش، تحلیل مفاهیم دینی و بهره‌گیری از متون اسلامی، به ویژه فرازهای زیارت جامعه کبیره مانند «ارکان البلاد»، «کهف الوری» و «الذادة الحماة» است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که امام، چه در مقام ظاهر و چه در مقام باطن، نقشی کلیدی در تأمین امنیت معنوی و مدنی جامعه ایفا می‌کند. ایشان به عنوان واسطه فیض الهی، الگویی برای تحقق عدالت، همزیستی مسالمت‌آمیز و پایداری اجتماعی ارائه می‌دهند. تأکید بر ضرورت بهره‌گیری از آموزه‌های امام در حل بحران‌های معنوی و اجتماعی عصر مدرن از دیگر یافته‌های تحقیق است.

کلمات کلیدی

نقش اجتماعی امام، جهان مدرن، دفاع مدنی مدرن، هدایتگری.

۱. این مقاله مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد «امام‌شناسی در زیارت جامعه کبیره» است که در دانشگاه معارف اسلامی دفاع شده است.

۲. دانش‌آموخته دکتری دانشگاه تهران و مدرس گروه معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم، ایران.

hasanzadeh14630@gmail.com

مقدمه

امام در برابر امت و امت در برابر امام در دو حوزه فردی و اجتماعی دارای رابطه، حقوق و تکالیفی هستند. امام به عنوان راهبر و هدایت کننده در حوزه اجتماعی با تشکیل حکومت و حضور در نظام و اجتماع وظیفه هدایت کنندگی و به منزل سعادت و کمال رساندن اجتماع را برعهده گرفته و در برابر امت اطاعت پذیری و همراهی با امام را برای رسیدن به این کمال و سعادت دنبال خواهند کرد. در زیارت جامعه به هر دوسویه این رابطه اشاره شد. رابطه مأمومین نسبت به امام در بخش قبل گذشت. اکنون بر آن هستیم تا براساس فرازهای زیارت، اصول محوری رابطه اجتماعی امام نسبت به امت اصطیاد شود. اگرچه بعد فردی در این فقرات نیز قابل تحقیق است اما به علت وضوح بیشتر بعد اجتماعی، تنها به این حیطة اشاره می شود.

اهل بیت علیهم السلام مایه آرامش زمین جهان مدرن

در دنیای مدرن که با بحران های اخلاقی، اجتماعی و زیست محیطی روبرو است، نقش امام به عنوان «مایه آرامش زمین» برجسته تر می شود. مدرنیته، علی رغم پیشرفت های علمی و تکنولوژیکی، با چالش هایی نظیر تزلزل هویت، شکاف طبقاتی و بحران های معنوی مواجه است. در چنین شرایطی، وجود امام به عنوان واسطه فیض الهی و منبع آرامش، جایگاه ویژه ای در بازسازی اعتماد اجتماعی و انسجام جوامع دارد.

انسان ها در زمین دوگونه تأثیرگذارند. برخی جزء ارکان زمین هستند که نقش محوری برای آن دارند؛ یعنی بقاء و قوام زمین بدان ها بستگی دارد؛ مانند پایه های خانه. بعضی از انسان ها نیز وجود و عدمشان یکسان است. از ظاهر فراز «ارکان البلاد»^۱ (ر.ک: ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۵۳؛ طوسی، ۱۴۰۱: ۶/۲۷) به دست می آید اهل بیت علیهم السلام جزء گروه اول هستند؛ بدین معنا که وجودشان مانع از فساد و برهم خوردن نظم جهان هستی و علت اصلی بقاء عالم وجود است. امام به عنوان «رکن بلاد» می تواند راهنمایی و هدایت اخلاقی لازم را برای جوامع بشری فراهم آورد. در عصر مدرن که مفاهیم عدالت، امنیت و همزیستی در بسیاری از نقاط جهان دچار تنش شده اند، آموزه های اهل بیت می توانند الگویی برای تحقق این مفاهیم باشند. حضور معنوی امام، چه به صورت ظاهری و چه باطنی، مانع از فروپاشی جوامع و بروز هرج و مرج های اجتماعی است. این نقش با مفاهیمی چون «واسطه فیض» و «پناهگاه» در زیارت جامعه کبیره تأیید می شود و نشان می دهد

۱. صفت ارکان البلاد، شبیه صفت ارکان الارض است که حداقل در پنج روایت نقل شده است.



که امام همچنان محوری‌ترین منبع الهام‌بخش برای مقابله با چالش‌های عصر مدرن است.

در این حکم حاضر یا غایب بودن امام فرقی نداشته قوام زمین به یمن وجود ایشان تحقق و استمرار دارد. اصطیاد مزبور در برخی از نصوص بدین شکل تعلیل شده است که خداوند ائمه علیهم‌السلام را ارکان زمین قرار داد تا اهلش را به این طرف و آن طرف حرکت ندهد؛ (مجلسی، ۱۴۳۱: ۲۵/۳۵۹) زیرا این لغزش و تحرك سبب فرورفتن اهل زمین در آن می‌شود. از این رو امام معصوم مایه آرامش زمین است بدین معنا که اگر امام نباشد، زمین ساکنانش را می‌بلعد. توقیع شریف امام زمان علیه‌السلام که می‌فرماید: «من، برای اهل زمین امان و آرامش هستم، چنان‌که ستاره‌ها امان برای آسمانیان است»^۱ (همان: ۵۳/۱۸۱) می‌تواند به همین معنا باشد. (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۱/۲۶۵)

تلازم رکن بودن ائمه علیهم‌السلام و وساطت ایشان در رزق الهی برای ساکنین زمین مدرن

در جهان مدرن که نظام‌های اقتصادی و اجتماعی عمدتاً بر محور مادی‌گرایی و بهره‌وری کوتاه‌مدت استوار هستند، مفهوم «رکن بودن ائمه» و «وساطت ایشان در رزق الهی» معنای تازه‌ای پیدا می‌کند. دنیای مدرن با بحران‌های اقتصادی، توزیع ناعادلانه ثروت و تخریب منابع طبیعی مواجه است. در این میان، نگاه به امام به عنوان واسطه‌ای الهی برای تداوم فیض و نعمات، نه تنها بُعد معنوی زندگی را تقویت می‌کند، بلکه می‌تواند الگویی برای مدیریت پایدار منابع نیز ارائه دهد.

برخلاف تحلیل قبلی زمانی می‌توان این تلازم مزبور را اصطیاد کرد که از ظاهر فراز «ارکان البلاد» دست برداشته و بگوئیم منظور از «بلاد» ساکنان آن است؛ از این رو مراد از رکن بودن امام تکیه‌گاه بودن او برای اهل و ساکنان زمین است. (احسائی، ۱۴۲۴: ۱/۱۰۲) رکن بودن اهل بیت علیهم‌السلام برای مردمان زمین به معنای رابط بودن اهل بیت علیهم‌السلام میان زمین و آسمان است تا فیوضات الهی به اهل زمین برسد. یکی از نعمت‌های الهی امکان زندگی کردن انسان‌ها به روی کره خاکی است. نمونه دیگر این فیوضات، بارش باران رحمت است.^۲

۱. این تعبیر درباره همه ائمه وارد شده است: «و نحن أمان أهل الأرض كما أنّ النجوم أمانٌ لأهل السماء» (همان، ۶/۲۳)

۲. در برخی از روایات کهنسالان واسطه این نزول تلقی شده‌اند. تفاوت پیر و امام در این است که پیر واسطه ترحم بر گنهکار است و امام علت و رابطه آن. (کلینی، ۱۴۰۱: ۲/۲۷۶؛ مجلسی، ۱۳۶۳: ۷۰/۳۴۴) علامه مجلسی ذیل این حدیث می‌گوید: «عجز و ذلت انسان بر اثر بدرفتاری بدان جا می‌رسد

رکن بودن امام نشان دهنده حضور ضروری ایشان در پایداری نظام هستی است. این نقش در جهان مدرن می تواند به معنای تضمین عدالت اجتماعی، توزیع متعادل امکانات و رزق و هدایت جوامع به سمت بهره برداری مسئولانه از منابع تعبیر شود. وساطت ایشان در رزق الهی نیز به این معناست که بهره وری و موفقیت اقتصادی باید با محوریت اخلاق، معنویت و خدمت به بشریت صورت گیرد.

در جامعه مدرن، این مفاهیم می توانند به بازتعریف اولویت های اقتصادی و ایجاد تعادل میان نیازهای مادی و معنوی انسان ها کمک کنند. امام به عنوان حلقه اتصال میان انسان و خالق، نقشی حیاتی در تداوم رحمت الهی و حفظ تعادل اجتماعی دارد که این خود پاسخی به بحران های اخلاقی و اجتماعی معاصر است.

واسطه بودن امام در رسیدن فیض و نعمات الهی به ساکنان زمین علاوه بر مقام حدوث در زمان استمرار و بقا نیز حقیقت دارد. در نتیجه در ادامه زندگی نیز این ارتباط و وساطت امام با خالق زمینیان لازم است. به دیگر سخن وجود خاکی اهل بیت علیهم السلام و یا وجود معنوی و برزخی ایشان علت اصلی برای حدوث و استمرار نعمات غیبی و الهی برای ساکنان زمین است. در نتیجه آن بزرگواران ارکان اهالی این زمین هستند. (ر.ک: میلانی، ۱۴۱۸: ۱/۱۰۰ — ۹۶) یکی از شارحان معتقد است اصل وجود انسان ها به برکت اهل بیت علیهم السلام است؛ یعنی آنان واسطه فیض وجود بشریت بوده که به برکت آنان، خدای متعال به اهالی این دنیای خاکی وجود عطا کرده است. (احسایی، ۱۴۲۴: ۱/۱۰۱) هم چنین استمرار وجود نیز به واسطه آن ها است، چراکه هر موجود دارای حیات هر آن، به فیض الهی برای حیات نیاز دارد.^۱

از طریق شیعه (طوسی، ۱۴۱۴: ۲۵۹) و عامه (ر.ک: نیشابوری، بی تا: ۱۴۹/۳؛ زرنندی، ۱۳۷۷: ۲۳۴؛ سیوطی، ۱۴۰۱: ۲/۶۸۰؛ متقی هندی، ۱۴۰۵: ۱۲/۹۶) نقل شده که پیامبر خدا فرمود: «ستارگان موجب ایمنی آسمانیان و خاندان من موجب ایمنی زمینیان هستند. هرگاه اهل بیت علیهم السلام و خاندان من از زمین رخت ببندند، زمین نابود خواهد شد.» اهل بیت علیهم السلام در ارتباط با اجتماع بشریت دارای آثار و برکات وجودی بسیاری هستند. این برکات مصادیق پرشماری داشته که لازم است در اینجا به برخی اشاره شود: یکی از برکات تزکیه اخلاق و نفس انسانی

که پروردگار کریم به برکت چهارپایان و اطفال، آن ها را مشمول رحمت فراگیر خود قرار می دهد. (مجلسی، ۱۳۶۳: ۹/۴۳۰).

۱. در دعا می خوانیم: «خدایا! هرگز مرا به اندازه یک چشم به هم زدن به خودم وامگذار.» (طوسی، ۱۴۱۱: ۲۱۰)



است؛ یعنی همه معارف از اهل بیت علیهم السلام نشأت گرفته (احسایی، ۱۴۲۴: ۱/۱۰۱) و نرفتن به درب خانه ایشان سبب گمراهی می شود. اثر دیگر وجودی امام برداشتن عذاب دنیوی از مردم و حفظ جان انسان هاست. عذاب های آن چنانی که بر ائمت های پیشین نازل می شد که به برکت وجود ائمه علیهم السلام اکنون بر این ائمت نازل نمی شود. آیه مبارکه قرآن می فرماید: «(ای پیامبر!) تا تو در میان آنان هستی، خداوند آن ها را مجازات نخواهد کرد و (نیز) تا استغفار می کنند، خدا عذابشان نمی کند.» (انفال / ۳۳) در نتیجه وجود اهل بیت علیهم السلام موجب امنیت اهالی زمین خواهد شد. (فاریاب، ۱۳۹۱: ۳۱۲)

از مهم ترین آثار برکتی امام در ارتباط با اجتماع بشریت، مصونیت و حفظ مردم از اختلاف است. طبیعت انسان ها اقتضا می کند که تفاوت عقیده و اختلاف بین آن ها، امری طبیعی و عادی باشد و اختلاف در سلاقی و استعدادها نتیجه ای جزء ظهور چنین اختلافاتی نداشته باشد. در نتیجه توقع عدم اختلاف و یا از بین بردن آن ها، امری باطل است؛ از این رو باید دنبال راه حلی الهی و مطمئن گشت. از طرفی برای یافتن محلی امن در تلاطم ها و تفاوت های اجتماعی، پناهگاهی جز رفتن به کهف اهل بیت علیهم السلام وجود ندارد؛ جایی که دادیار آن، بدون هیچ گونه انگیزه ای شخصی، قومی، نژادی، احساسی و ... به عدالت قضاوت خواهد کرد. در حقیقت، علت اصلی تمام اختلافات جوامع بشری، وسوسه های شیطان است^۱ که برای نجات از این فریب ها، باید به رکنی پناه برد که محل آرامش جامعه باشد. امامی که در آغوش او لذت آرامش و امنیت اجتماعی در برابر وسوسه های شیطان رانده شده چشیده خواهد شد. روایات بسیاری اهل بیت علیهم السلام را مانع تفرقه و اختلاف در جامعه دانسته است.^۲

تحدید واژگان

فراز «ارکان البلاد»^۳ از دو واژه «ارکان» و «بلاد» شکل گرفته است. واژه «رکن» در زبان عربی بر وزن فُعل، اسم برای چیزی است که مایه سکون و آرامش باشد و مصدرش «رکون» به معنای میل همراه

۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ستارگان امان برای ساکنان زمین از غرق شدن هستند و اهل بیت علیهم السلام و خاندان من موجب ایمنی ائمت از اختلاف اند. پس هرگاه تیره ای از عرب با آنان از در مخالفت وارد شوند، گرفتار اختلاف شده و از حزب ابلیس خواهند شد.» (نیشابوری، بی تا: ۳ / ۱۴۹)

۲. حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در خطبه معروف خود می فرماید: «امامت ما موجب ایمنی از تفرقه و پراکندگی است.» (طبری، ۱۴۱۳: ۱۱۳؛ طبرسی، بی تا: ۱ / ۱۳۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۹ / ۲۲۳۰)

۳. این مفهوم برای اولین بار در زمان امام باقر علیه السلام به کار رفته است. (فاریاب، ۱۳۹۱: ۳۷۸)

با سکون است. (مصطفوی، ۱۳۹۵: ۲۲۳/۴) واژه «البلاد» جمع بلده به معنای قطعه کوچکی از زمین است که خواه آباد باشد یا موات. (همان: ۳۱۱/۱) مقصود از واژه «البلاد» در فراز مذکور همه شهرهای موجود در عالم امکان است؛ (میر حسینی، ۱۳۸۹: ۳۵۷) و شهری از آن خارج نمی‌شود. در نتیجه مصداقی عام داشته و شامل مسلمانان و غیرمسلمانان می‌شود؛ عمومیت این واژه حتی شامل حیوانات و غیر بشر از جنیان نیز می‌شود.

ارتباط فراز «ارکان البلاد» با فراز «منارا فی بلاده»

دو فراز ناظر به رابطه امام و بلاد است: «ارکان البلاد» و «منارا فی بلاده» دو نکته درباره فرازهای یادشده قابل توجه است: اول آنکه فراز «ارکان البلاد» نسبت به شهرها و ساکنان شهرها صادق است؛ یعنی احتمال رکن بودن امام برای خود شهرها و یا اهالی آن بدون ترجیح است؛ اما زمانی که فراز «ارکان البلاد» در کنار فقره «منارا فی بلاده» معنا شود، احتمال دوم که همان رکن بودن امام برای اهالی شهرها نسبت به رکن بودن امام برای خود بلاد تقویت و ترجیح داده می‌شود. دلیل این ترجیح در تبیین فراز «منارا فی بلاده» نهفته است؛ زیرا علم و مناره بودن امام برای این است که انسان‌ها راه را گم نکنند و ارتباط فراز «منارا فی بلاده» با خود بلاد بعید به ذهن می‌رسد. از طرفی امام هادی علیه السلام فرموده «منارا فی بلاده» و تعبیر به شکل «منار البلاد» نیامده است؛ از این رو با توجه به معنای «فی»، ائمه علیهم السلام علامتی راه‌گشا داخل شهرها برای ساکنان آن هستند و علامت بودن امام برای شهرها معنای روشن و واضحی ندارد.

نکته دوم راجع به تلازم بین رکن بودن امام و منار بودن ایشان است؛ چراکه معنای اعلام و مناره در فراز «منارا فی بلاده» این است که امام به علت خصوصیت منار بودنش علاوه بر نشان دادن راه، هدف را نیز معلوم و روشن می‌کند. (مطهری، ۱۳۸۰: ۱۸۸) در نتیجه مناره بودن ملزوم رکنیت امام است؛ زیرا اگر امام تأثیری در هدایت جامعه نداشت، مناره بودن او برای اهالی سرزمین‌ها معنایی نداشت و هرگز انسان‌ها بدون امام نمی‌توانستند از گمراهی برهانند. در نتیجه ارکان بودن امام علت و سبب مناره بودن ایشان است.

دفاع مادی و معنوی امام از اجتماع بشریت در جهان مدرن

در جهان مدرن، با گسترش بحران‌های اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی، نیاز به دفاع مدنی و معنوی امام از جامعه بیش از پیش احساس می‌شود. جوامع مدرن، علی‌رغم پیشرفت در فناوری و دانش، با مسائلی همچون از بین رفتن انسجام اجتماعی، افزایش خشونت و سردرگمی هویتی

روبرو هستند. در چنین شرایطی، نقش امام به عنوان مدافع جامعه، معنای عمیق تری پیدا می‌کند. به دیگر سخن یکی دیگر از صفات اهل بیت علیهم‌السلام که با مردم ارتباط دارد دفاع حمایت‌گرانه ایشان نسبت به مردم است؛ زیرا انسان‌ها علاوه بر اینکه در زندگی دنیوی خویش نیازمند مدافع هستند تا آن‌ها را از مهاجمان سلامتی و جسمی ایشان محافظت کند؛ در حیات معنوی خویش نیز محتاج مدافع هستند. این محافظت به جامعه نیز سرایت می‌کند؛ و نیازمند انسانی است که شبهه‌های فکری را پاسخ گفته و برای یافتن پاسخ مناسب برای شبهات گوناگون، موجب ارتقای فکر، اخلاق و فرهنگ جامعه شود. این پاسخ‌دهنده علاوه بر خیرخواهی، باید مرتبط با عالم ملکوت باشد تا با علم لدنی، تمام شبهات را پاسخ بگوید، وگرنه پاسخ‌گویی ناقص، حکم عدم پاسخ را دارد؛ بنابراین هرکس که در جامعه زندگی می‌کند، چون که در معرض خطر است، نیازمند محافظت اهل بیت علیهم‌السلام است.^۱

به دیگر سخن ولایت ائمه علیهم‌السلام پناهگاه ثابت و محکمی است که هرکس داخل این پناهگاه شود از نگهداری ائمه علیهم‌السلام، حمایت و هدایت ایشان و دفاع همراه با امنیت برخوردار می‌گردد. (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۳/ ۲۳) در روایتی امام رضا علیه‌السلام از قول خدا بیان می‌دارند: «ولایت علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام دژ محکم من است که داخل شوندگان در آن از عذاب من در امان هستند.» (مجلسی، ۱۴۳۱: ۳۹/ ۲۴۶)

دفاع اهل بیت علیهم‌السلام نسبت به صفت مادی و معنوی بودن و زمان و مکان خاص، متفاوت است. دفاع مدنی امام شامل حفاظت از ارزش‌های عدالت و همبستگی اجتماعی است. امام با رهبری جامعه به سوی اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط، به عنوان سپری در برابر تهدیدات مدنی عمل می‌کند. این دفاع، فراتر از مقابله با چالش‌های فیزیکی، به تبیین حقوق و تکالیف انسان‌ها و بازسازی پیوندهای انسانی منجر می‌شود. در بُعد دفاع معنوی، امام با تأمین معنویت، پاسخ به شبهات فکری و هدایت افراد به سمت آرامش درونی، مانع از گمراهی و انحراف می‌شود. این نقش، به ویژه در جهانی که افراد اغلب دچار احساس پوچی و بی‌معنایی می‌شوند، حیاتی است. امام همچون پناهگاهی، افراد را از آسیب‌های معنوی و فکری مصون می‌دارد و آنان را به مسیر حق و حقیقت رهنمون می‌سازد.

۱. این تحلیل از فراز «والذادة الحماة» اصطیاد شده است؛ اگرچه این فراز هم مربوط به رابطه فردی امام و امت و هم مربوط به رابطه اجتماعی است؛ اما به دلیل پررنگ بودن مبحث اجتماعی آن، تنها در این حوزه تبیین شده است.

در اینجا به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. برای نمونه مهم‌ترین کار اهل بیت (علیهم‌السلام) در روز قیامت که همه مردم به فکر نجات خویش هستند، طرد و دفع عذاب اخروی از پیروان خود، به سبب شفاعت کردن ایشان است. (شبر، ۱۴۰۳: ۱۰۰؛ زمردیان، ۱۳۶۶: ۲۵۶ - ۲۵۵) این لطف اخروی اهل بیت (علیهم‌السلام) سبب این می‌شود که امت اسلامی در دنیا مطیع ائمه (علیهم‌السلام) شده تا مبدا لیاقت مشفوع شدن را از دست بدهند.

۲. اگرچه خداوند به انسان‌ها عقل که همان حجت درونی است را اعطا نمود، اما در زندگی دنیوی انسان‌ها، مهم‌ترین حامی و مدافع عقلانیت صحیح مردم، فرد معصوم است تا ایشان را از آفات دنیوی برهاند. مهم‌ترین حمایت دنیوی اهل بیت (علیهم‌السلام) در رابطه اجتماعی نسبت به مردم، این است که دین مبین اسلام را از بدعت‌ها و تحریفات حفظ می‌کنند؛ و آنچه را برای دین و معارف دینی و دنیا و آخرت اُمت ضرر دارد، کنار می‌زنند. (شبر، ۱۴۰۳: ۱۰۰؛ میلانی، ۱۴۱۸: ۱/ ۲۵۳)

۳. زمانی که رابطه فرد با اجتماع مسلمین، رابطه پدر و فرزند باشد، هدایت و گمراه نشدن فرزندان برای پدر رؤف، مهم‌ترین وظیفه دینی است. در نتیجه امام باید کاری کند تا مردم از گناه کردن، دور نگه داشته شوند. (ر.ک: احسانی، ۱۴۲۴: ۱/ ۳۰۲ - ۳۰۱) این دور نگه داشتن، شکل‌های گوناگونی دارد: گاهی با تعلیم کتاب و حکمت است، زمانی با تزکیه نفوس، گاهی با امر به معروف و نهی از منکر است، گاهی با تعزیر و حدّ و... که به مقتضای شرایط گوناگون سیاسی و تاریخی عمل می‌کردند. به عبارت دیگر این منع و بازداري، گاهی به صورت دفع است و زمانی به صورت رفع؛ زیرا اثر تنبیه برای خود خاطی، رفع و برای دیگران که مرتکب خطا نشده، ولی در معرض ارتکاب آن قرار دارند، دفع است.

۴. نمونه دیگر این تدافع حضور امام در عرصه اجتماع است. امام رهبر و رئیس امت بوده و زمانی رهبری ارزش اسلامی دارد که در اجتماع مردم حضور داشته و سختی هدایت را به جان بخرد. این جان‌فشانی رهبر، مصادیق گوناگونی دارد که اهم آن تحمّل آزار و اذیت مقدّر شده برای شیعیان است. (ر.ک: زمردیان، ۱۳۶۱: ۲۵۶ - ۲۵۵؛ احسانی، ۱۴۲۴: ۱/ ۳۰۲ - ۳۰۱) در روایتی از امام کاظم (علیه‌السلام) می‌خوانیم: «خداوند بر شیعیان غضب کرد و من متحیر شدم که یا خودم تحمّل عذاب و مشقّت کنم یا شیعیانم. به خدا سوگند که با پذیرش آن، شیعیانم را حفظ کردم.» (کلینی، ۱۴۰۱: ۱/ ۲۶۰) البته شاید مراد آن حضرت این است که شیعیان، با ترک تقیّه و افشاکردن امور امامت، سبب اطلاع هارون و تصمیم او بر کشتن شیعه‌ها و یا زندانی کردن حضرت و در نهایت شهادت ایشان شدند. (مجلسی، ۱۳۶۳: ۳/ ۱۲۶) به دیگر سخن اهل بیت (علیهم‌السلام) با عنایات خاص خود به



شیعیان، شر و ستم دشمنان را از ایشان دور می‌کنند. (ر.ک: احسانی، ۱۴۲۴: ۱/ ۳۰۲ - ۳۰۱؛ ر.ک: زمردیان، ۱۳۶۱: ۲۵۶ - ۲۵۵) در توقیع شریف حضرت ولی عصر علیه السلام خطاب به شیخ مفید آمده است: «ما هرگز در مراعات حال شما کوتاهی نمی‌کنیم و شما را از یاد نمی‌بریم. اگر مراعات ما نمی‌بود، سختی و تنگی بر شما نازل می‌شد و دشمنان شما را ریشه‌کن می‌کردند.» (مجلسی، ۱۴۳۱: ۵۳/ ۱۷۴)

۵. یکی از مهم‌ترین حمایت‌های فرهنگی اهل بیت علیهم السلام نسبت به اجتماع بشریت، تعلیم، راهنمایی، ارشاد و هدایت کردن امت است. این دفاع، گاهی به صورت یاد دادن اشخاص و پاره‌ای از اوقات به شکل برطرف کردن شبهات مختلف ذهنی، فکری و اعتقادی بوده است. (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۳/ ۲۴) به بیان دیگر تربیت یک شخص با سه جهت تکمیل می‌شود تا آن فرد کامل گردد: گاهی جنبه فکری مدنظر است؛ یعنی از او حمایت می‌شود تا دچار انحرافات فکری نگردد. گاهی جنبه بدنی لحاظ شده است تا حقیقت و کیفیت عبادات برای او روشن شود و طبق دستور انجام دهد؛ و پاره‌ای از اوقات جنبه اخلاقی داشته بدین صورت که با صفات نیکو و صفات سیئه آشنا شود تا به صفات حسنه منسوب شده و صفات زشت کنار زده شود و چنین تربیت گردد. (همان) اگر این سه جهت در فردی تکمیل شود، او فردی کامل خواهد شد. روشن است سراسر زندگی ائمه علیهم السلام در همه اقوال و افعالشان اهتمام به این جهات و همواره در جهت دفع و حمایت از اسلام و امت بوده است که قضایا و شواهد بر این معنا فراوان وجود دارد. در نهایت، امام در جهان مدرن با ایفای این نقش‌ها، الگویی الهی و جامع برای حفظ سلامت معنوی و اجتماعی جوامع ارائه می‌کند و مانع از فروپاشی اخلاقی و فرهنگی در دوران بحران می‌شود.

تحدید واژگان

امام هادی علیه السلام در فراز «الذادة الحماء» از دو کلمه ویژه استفاده کرده‌اند. واژه «ذادة» جمع «ذائد» به معنای دفع همراه با دور کردن است. (مصطفوی، ۱۳۵۹: ۳/ ۳۴۸) اگرچه امام هادی علیه السلام می‌توانست برای فهماندن حقیقت مدافع بودن ائمه علیهم السلام از کلمه مدافع استفاده کند؛ اما بار معنایی در واژه «ذاده» بیشتر و دقیق‌تر است؛ یعنی مدافعی که علاوه بر دفاع کردن، مهاجم را دور کرده و نمی‌گذارد به حریم مربوطه نزدیک شود. امام هادی علیه السلام با استفاده از واژه «حمی» اهل بیت علیهم السلام را به گونه‌ای توصیف کرده که دشمن جرئت نزدیک شدن به ایشان را ندارد. (جوهری،

(۲۳۱۹/۴:۱۳۶۸)

بعد از بررسی استعمال واژه «ذود» در قرآن کریم (قصص/۲۳) می‌توان گفت دفاع اهل بیت (علیهم‌السلام) به گونه‌ای است که با بازداشتن از اختلاط با بیگانه همراه باشد؛ یعنی ائمه (علیهم‌السلام) برای مختلط و هضم نشدن شیعیان و پیروان خود با بیگانگان تلاش می‌کنند و با حمایت‌ها و هدایت‌های خود، آن‌ها را از هلاکت و نابودی نجات می‌دهند. (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۳/۲۳-۲۲)

پناهگاه بودن اهل بیت (علیهم‌السلام) در امور تکوینی و تشریعی جهان مدرن

در جهان مدرن که انسان‌ها با بحران‌هایی مانند بی‌هویتی، اضطراب‌های معنوی و تزلزل در ارزش‌های اخلاقی مواجه‌اند، پناهگاه بودن اهل بیت در امور تکوینی و تشریعی نقش پررنگ‌تری پیدا می‌کند. جامعه مدرن، با وجود پیشرفت‌های تکنولوژیک، با احساس فقدان معنا و نبود عدالت در امور اجتماعی روبروست. در چنین شرایطی، اهل بیت به عنوان مأمن و پناهگاهی معنوی و الهی، نیازهای عمیق انسان‌ها را پاسخ می‌دهند.

حضرت هادی (علیه‌السلام) در فراز «کف الوری» پناهگاه بودن ائمه (علیهم‌السلام) در امور تکوینی و تشریعی را تبیین کرده‌اند.^۱ در این فراز به کف بودن ائمه (علیهم‌السلام) اشاره گردید.

شرافت و قداست یک محل و مکانی مانند کف به درودیوار و مصالح به کاررفته در آن نیست، بلکه شرافت و احترام آن مرهون به چیزی است که در آن قرار گرفته است. بسیاری از غارها در جهان هستی موجود هستند که از نظر ساختار تفاوتی با دیگر غارها نداشته و تنها قداست شخص درآمده در آن سبب این قداست شده است؛ مانند: غار حرا و غار ثور که به قداست شخص معصوم محترم شمرده می‌شود؛ از این رو شرافت کف در فراز مزبور به ذات مبارک ائمه (علیهم‌السلام) است. این ودیعه‌گیری مدح و ذم، در روایات ما بسیار اشاره شده است.^۲

پناهگاه بودن ائمه (علیهم‌السلام) در حوزه تکوینی و تشریعی قابل تصور و تحلیل است. در حوزه تکوینی، اهل بیت به عنوان واسطه فیض الهی، آرامش بخش و تأمین‌کننده ثبات در جهان هستی هستند.

۱. این فراز ارتباط فردی و اجتماعی هر دو را دربر می‌گیرد.

۲. حضرت علی (علیه‌السلام) در معرفی خود فرمود: «من عَلمَ هِدایت و پناه پروا پیشگی هستم.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۵ / ۳۲) ابن عباس با الهام از این گفتار علی در جواب معاویه گفت: «به خدا قسم که علی پرچم هدایت و پناه پروا پیشگی بود. امام صادق (علیه‌السلام) در جواب نامه محمد بن الحسن بن شَمون نوشت: ما پناه برای هر کسی هستیم که به ما پناه آورد.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۰ / ۲۹۹؛ همان: ۶۹ / ۴۴)

این نقش در جهان مدرن می‌تواند به معنای بازگرداندن تعادل میان انسان و طبیعت، احیای اخلاق زیست محیطی و جلوگیری از فروپاشی نظام‌های اجتماعی تعبیر شود.

پناهگاه بودن ائمه علیهم‌السلام در حوزه تکوینی مربوط به تمام هستی است و همه مخلوقات را در بر می‌گیرد. اموری چون وساطت امام در رساندن روزی از جانب خداوند به مخلوقان، واسطه شدن او در نازل شدن باران، ارتباط امام با جهان ماوراءالطبیعه در جهت برقراری نظام آفرینش و نقش مؤثر وجودی امام در آرامش زمین، مصادیق مهمی در حوزه پناهگاه بودن امام در حوزه تکوینی هستند. (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۸۱/۲) این پناهگاه بودن ائمه علیهم‌السلام علاوه بر انسان‌ها، شامل انبیاء، فرشتگان و حیوانات نیز می‌شود. (احسائی، ۱۴۲۴: ۱۶۸/۱-۱۶۷) در موضوع انبیاء، در منابع شیعی و اهل تسنن روایات بسیاری آمده است. (ر.ک: حسکانی، ۱۳۹۳: ۱۰۱/۱؛ سیوطی، ۱۴۱۴: ۶۰/۱؛ مجلسی، ۱۴۳۱: ۸۵/۱۰۹) در داستان حضرت آدم که به او خطاب آمد: «برای حل این مشکل به محمد و آل محمد علیهم‌السلام توسل کن.»^۱ پناهگاه بودن اهل بیت علیهم‌السلام در داستان حضرت نوح نیز مشهور است. (صدوق، ۱۴۱۴: ۲۸۸-۲۸۷؛ راوندی، ۱۴۰۹: ۶۴؛ سیوطی، بی‌تا: ۶۸؛ میلانی، بی‌تا: ۴/۲۸۴) درباره فرشتگان، روایات بسیاری وجود دارد که اهل بیت علیهم‌السلام مأمّن و پناهگاه فرشتگان هم هستند. (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۱: ۵۷۵) درباره کهف بودن اهل بیت نسبت به حیوانات، اگر قبول نکنیم که واژه «وری» حیوانات را نیز شامل می‌شود، باید سراغ روایات رفت تا مطلب روشن شود. (نظامی‌پور همدانی، المعارف الرافعه: ۱۱۲) روایات بسیاری وجود دارد که حیوانات در مشکلاتشان به ائمه اطهار علیهم‌السلام مراجعه کرده‌اند، چراکه آن بزرگواران از لغات و گویش‌های حیوانات آگاه بوده‌اند. (مفید، ۱۴۱۳: ۲۲۵/۲؛ ابن شهرآشوب، ۱۳۷۹: ۲/۳۱۴)

پناهگاه بودن اهل بیت علیهم‌السلام نسبت به امور تشریعی، در حقیقت رحمت خاص خداست که به مؤمنان و معتقدان به آن‌ها اختصاص دارد؛ از این رو امام پناهگاه امنی است تا امت اسلامی و هرکسی که احساس خطر می‌کند، در تمام مسائل دینی، فکری و ... و دنیوی خویش بدان جا رهسپار شده و دین و دنیای خویش را در امنیت کامل حفظ کنند. (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۸۱/۲) در حوزه تشریعی، اهل بیت پناهگاه کسانی هستند که در جستجوی معنویت و عدالت‌اند. آموزه‌های آنان که مملو از راهکارهای اخلاقی و اجتماعی است، می‌تواند به حل تعارضات فردی

۱. احسائی، ۱۴۲۴: ۱۶۸/۱-۱۶۷. در تفسیر آیه شریفه «فَتَلَقَّى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ» (بقره/۳۷) آمده است: «آنّه رأی ساق العرش و أسماء النبی و الأئمة فلقنه جبرئیل قل: یا حمید بحق محمد، یا عالی بحق علی، یا فاطر بحق فاطمة، یا محسن بحق الحسن و الحسین و منك الإحسان...» (مجلسی، ۱۴۳۱: ۴۴/۲۴۵)

و اجتماعی کمک کند. در دنیای مدرن که مردم به دنبال الگوهایی برای تحقق عدالت، رفع اختلافات و پاسخ به چالش‌های فکری هستند، نقش تشریعی اهل بیت راهنمایی برای بازسازی جوامع بر اساس اصول الهی است. یکی از شارحان صرف پناهندگی را کافی ندانسته و امام را مأمونی برای جامعه اسلامی می‌داند که پرورش دهنده فضایل حسنه نیز باشد؛ یعنی امام جامعه پناهنده را نیز تربیت می‌کند. (همان: ۸۳ / ۲ - ۸۲)

پناهگاه بودن امام در حوزه امور تشریعی مصادیق بسیاری داشته که در اینجا به برخی اشاره می‌کنیم. گاهی امام کهف خطاکاران است (مجلسی، ۱۴۳۱: ۳۳۷ / ۱۳) تا با رازداری امام، آبروی خطاکار در اجتماع حفظ گردد. هم چنین برخی از مردم حسرت نعمت‌های نداشته دنیا را می‌خورند. امام با زندگی ساده خویش، پناهگاهی است تا این حسرت خورده‌ها آرامش پیدا کنند و کفران نعمت نکنند. (همان: ۸۲ / ۲۱۹)

یکی از جنبه‌های کهف بودن اهل بیت علیهم‌السلام در حوزه تشریعی دور کردن عذاب از جامعه اسلامی پناهنده به ایشان است. کهف بودن اهل بیت علیهم‌السلام بر اساس روایات (همان: ۳۹ / ۲۴۶) به حصنی تشبیه شده که مانع ورود حقد، کینه، ظلم و تعدی بدان خواهد شد. در نتیجه مردم برای یافتن تربیتی اسلامی که مبرا از مضرات اخلاقی باشد، نیازمند اهل‌بیتی هستند که دژبان حصن امن الهی باشند. (همان: ۴۹ / ۱۲۶) زمانی که در روایات از اطاعت الهی به کهف نام برده می‌شود، (همان: ۷۴ / ۲۸۶) می‌توان استنباط کرد مردم باید در امور اجتماعی خویش، از اهل‌بیت، اطاعت کنند تا به کهف امن واصل گردند.

یکی دیگر از مصادیق کهف بودن ائمه علیهم‌السلام در حوزه اجتماعی مرجعیت ایشان در رفع اختلافات امت اسلامی است؛ چراکه ایشان با وجود علم لدنی و قدرت الهی، مأمّن مناسبی هستند تا تنازعات اجتماعی، دینی و دنیوی مردم برطرف گردد. این رفع تنازعات گاهی اوقات به کمک انذار و مصلحت‌اندیشی علمی بوده و گاهی نیاز به قدرت حکومتی داشته تا ضامن مناسبی برای اجرای احکام شرعی و حل و فصل تنازعات بشری گردد.

تحدید واژگان

فراز «کَهِف الوری» از دو واژه «کَهِف» و «وری» ترکیب شده است. لغوی‌ها «کَهِف» را به غار ترجمه می‌کنند؛ اما نه هر غاری بلکه غاری که مردم به آنجا پناه می‌برند. (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۹ / ۳۱۰) در نتیجه استفاده از آن در نگاه امام هادی علیه‌السلام به منظور جنبه پناهگاهی ائمه علیهم‌السلام بوده

است، نه صرفاً غاری در دل کوه. (احسائی، ۱۴۲۴: ۱/ ۱۶۶) برخی گفته‌اند: زمانی به غار، کهف گفته می‌شود که وسعت داشته باشد؛ اما اگر کوچک باشد، غار است. (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۹/ ۳۱۰)^۱ از طرفی کلمه «وری» نیز اطلاق داشته و تمام موجودات را دربر می‌گیرد. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۶/ ۱۰۴؛ ابن منظور، ۱۴۰۵: ۱۴/ ۷۲) واژه «وَرَى» به معنای خلق است. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۶/ ۱۰۴)

رابطه «کف الوری» با فرازهای «بکم فتح الله» و «الذادة الحماة»

برخی از شارحان زیارت معتقدند کهف بودن تکوینی ائمه علیهم‌السلام در فراز «کف الوری» مترادف با معنایی است که در فراز «بکم فتح الله و بکم یختم و بکم ینزل الغیث و بکم یمسک السماء أن تقع علی الأرض إلاّ بإذنه» وجود دارد و کهف بودن تشریعی اهل بیت علیهم‌السلام هم معنا با مضمونی است که فقره «الذادة الحماة» بدان اشاره دارد. (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۲/ ۸۱)

نقش هدایتگری ائمه علیهم‌السلام در روابط اجتماعی عصر مدرن

در جهان مدرن، با افزایش پیچیدگی روابط اجتماعی، ظهور بحران‌های هویتی و تضعیف ارزش‌های اخلاقی، نقش هدایت‌گری ائمه در بازسازی و هدایت روابط اجتماعی بیش از پیش مورد توجه قرار می‌گیرد.

امام به عنوان «هادی» نه تنها راهنمای افراد در مسیر کمال فردی است؛ بلکه نقشی محوری در ایجاد نظم اجتماعی، همبستگی و عدالت ایفا می‌کند. در جهانی که ارزش‌های اجتماعی اغلب بر اساس منفعت‌طلبی و رقابت ناسالم بنا شده است، امام با ارائه الگویی از عدالت، شفقت و رعایت حقوق دیگران، جامعه را به سوی روابط انسانی متعالی هدایت می‌کند.

در فرازهای متعددی نقش اهل بیت علیهم‌السلام در هدایت امت به چشم می‌خورد. فرازهایی چون: «السلام علی ائمة الهدی»، «القادة الهداة» و «المهیدون» بیانگر هدایتگری اهل بیت علیهم‌السلام است که مشتقات هدایت در آن به کار رفته است. لازم است ابتدا تبیینی راجع به حقیقت هدایت و انواع آن ارائه شود.

حقیقت هدایت

واژه هدایت در مقابل ضلال و ضلالت (جوهری، ۱۳۶۸: ۶/ ۲۵۳۲؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ۶/ ۴۲) و به معنای بیان راه رشد و دلالت و راهنمایی کردن به چیزی است. (ابن عباد، بی‌تا: ۴/ ۴۳؛

۱. درباره معنای وسعت در کلام امام صحبت خواهد شد.

فیروزآبادی، ۱۴۱۲: ۱۷۶۲) این واژه ۴۷ مرتبه در قرآن (فاریاب، ۱۳۹۱: ۲۲۹) و ۲۵ مرتبه در روایات آمده است. (همان: ۳۶۰)

هدایت در اصطلاح به معنای برخورداری یک موجود نسبت به کمالی است که با نظم صحیح به آن می‌رسد. در حقیقت برقراری و ایجاد ارتباط خاص میان موجود و آینده کمالی آن را «هدایت» می‌گویند. (جوادی آملی، هدایت در قرآن: ۲۱) به دیگر سخن هدایت، تعیین کمال مناسب يك شیء و راه رسیدن به آن است.

هدایت دو مقابل دارد: «ضلالت» و «غویت». هدایت در برابر ضلالت، مربوط به «راه» است. کسی که راه را به درستی شناخته، آن را درست می‌پیماید، ره یافته و «مهدی» است و کسی که آن را نشناخته یا به درستی طی نمی‌کند، گمراه و «ضال» است؛ ولی هدایت در برابر «غویت» به معنای هدف‌داری است. «غی» و «غاوی» همان انسان بی‌هدف است. (همان)

هدایت، تعیین کمال مناسب موجودات و مسیر رسیدن به آن کمال است؛ یعنی آن موجود نیازمند هدایت خواهد بود. در این نیازمندی تفاوتی بین آفرینش موجودات به همراه آنچه که بدان نیاز دارند و یا اینکه با پیمودن راه تکامل و خروج از قوه به فعل به آن برسد وجود ندارد؛ از این رو قلمرو هدایت تمام هستی ممکن‌الوجود را دربر می‌گیرد و در این شمولیت تفاوتی بین موجود مجرد و موجود مادی نیست. (همان: ۳۶ - ۳۵)

انواع هدایت

برای هدایت، انواع گوناگونی ذکر شده است. یکی از این تقسیمات تشریعی و تکوینی بودن آن است. هدایت تکوینی نیز به دو قسم ابتدائی (عام) و ایصالی (پاداشی) تقسیم می‌شود. برخی از محققان در تعریف هدایت تشریعی می‌نویسد:

(هدایت) تشریعی به معنای رهنمایی و بیان قانون حلال و حرام خداوند که در منابع دین، (کتاب، سنت و عقل) آمده است. پروردگار متعالی قانون سعادت بخش خود را در اختیار انسان قرار می‌دهد و با امر به فضایل و نهی از رذایل، او را آگاه می‌سازد تا به انتخاب و اختیار خویش، راهی را برگزیند... هدایت تشریعی از طریق ابلاغ «دین» به همگان صورت می‌پذیرد و آن، مجموعه قوانین الهی است که سه بخش دارد: اعتقاد و اخلاق و احکام. در نتیجه این نوع هدایت ابلاغی بوده یعنی به صورتی که به کمک ارائه طریق و راهنمایی کردن مخاطب هدایت‌گرفقط راه را برای فرد نشان می‌دهد. (میلانی،

۱۴۱۸: ۱/ ۱۳۹)



هدایت تکوینی ابتدائی (عام) و به معنای اعطاء و دادن تمام ابزار کمال است. این نوع از هدایت همه موجودات را دربر می گیرد؛ زیرا خداوند همه مخلوقین را از راه فطرت یا غریزه یا میل، به کمال های مناسب هریک راهنمایی کرده و آن ها را به چنین هدایتی اداره می کند و بی بهره ای در این دستگاه وجود ندارد. (جوادی آملی، هدایت در قرآن: ۴۷) نوع دیگر از هدایت، ایصالی (ایصال به مطلوب) و پاداشی است. این نوع از هدایت مخصوص مخلوقی است که با اختیار خود هدایت ابتدائی را برگزیده و بدان عمل کرده است. (همان: ۴۸) از این رو خداوند به این شخص توفیق داده و بقیه راهش را تسدید و تأیید می کند. (لیل / ۷-۵) آیاتی چون: «والَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى» (محمّد / ۱۷) و «مَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ» (تغابن / ۱۱) و «ان تطيعوه تهتدوا» (نور / ۵۴) ناظر به این نوع از هدایت است.

تفاوت هدایت ایصالی و ابلاغی در این است که در ایصالی افزون بر اینکه راهنما راه را به انسان نشان می دهد، دست او را نیز می گیرد و به مقصد می رساند؛ اما در ابلاغی تنها راه براساس تکوین و یا جعل قانون نشان داده شده است و احتمال گم شدن و یا به بیراهه رفتن مکلف وجود دارد.

تحلیل و تبیین هدایت ایصالی ائمه علیهم السلام در روابط اجتماعی

با توجه به تقسیم هدایت به تشریعی (ابلاغی) و ایصالی، اهل بیت علیهم السلام عصمت و طهارت، علاوه بر نشان دادن راه برای افراد جامعه و سکوت نکردن، مردم را تا سر حد هدایت می رساند؛ یعنی دست مردم را گرفته و به مقصد می رساند. در روابط اجتماعی مدرن، امام به عنوان پیشوا، راه حل هایی برای تقویت اتحاد و رفع اختلافات ارائه می دهد. آموزه های ایشان می تواند الگویی برای حل چالش هایی مانند شکاف طبقاتی، تضادهای فرهنگی و بی عدالتی های اجتماعی باشد. همچنین، هدایت امام در بازگرداندن معنا و اخلاق به روابط انسانی، پاسخگوی نیازهای معنوی و اخلاقی جوامع مدرن است.

این هدایت نه تنها به صورت تشریعی، از طریق ارائه دستورالعمل های دینی و اخلاقی، بلکه به صورت تکوینی نیز با تأثیر معنوی ایشان در قلب ها و اعمال افراد جامعه، اجرا می شود. امام به عنوان واسطه فیض الهی، نه تنها ارزش های صحیح را به جامعه معرفی می کند، بلکه زمینه تحقق آن ها را نیز فراهم می آورد.

مؤید این نوع هدایت ایصالی اهل بیت علیهم السلام در این است که حضرت هادی علیه السلام در فراز «ائمة الهدی» ائمه علیهم السلام را امام هدایت نامید، نه امام هدایتگر. تفاوت امام با دیگران در این است که

دیگران هدایت‌کننده هستند، اما لزومی ندارد که پیشوا و جلودار هدایت باشند؛ اما امام کسی است که دیگران به او اقتدا می‌کنند. چنانچه اهل لغت نیز به این معنا تصریح کرده‌اند: «هرکس که مورد اقتدا باشد و در کارها جلو انداخته شود، امام است.» (مصطفوی، ۱۳۹۵: ۱/۱۳۵) در نتیجه هادی امت، گوشه‌ای ننشسته تا اجتماع مسلمین را فرمان دهد، بلکه ائمه علیهم‌السلام، خود نیز طی مسیر کرده و در تمام امور معنوی، از دیگران سبقت گرفته‌اند. در نتیجه وظیفه مرجعیت دینی و تزکیه انسان‌ها برای رسیدن به هدایت، بر دوش ائمه علیهم‌السلام قرار داده شده است. (فاریاب، ۱۳۹۱: ۲۴۰) هدایت امام نسبت به تمام هدایت‌گران الهی افضل است؛ زیرا اهل بیت علیهم‌السلام علاوه بر ایصال اجتماع مسلمین، واسطه فیض الهی نیز هستند تا به برکت وجود ایشان، نعمت‌های الهی به موجودات برسد. (میلانی، ۱۴۱۸: ۱/۱۴۰ - ۱۳۹)

نتیجه‌گیری

این پژوهش با تمرکز بر تحلیل نقش اجتماعی امام در جهان مدرن، نشان داد که جایگاه امام در زیارت جامعه کبیره نه تنها مفهومی دینی، بلکه الگویی جامع برای مواجهه با چالش‌های اجتماعی معاصر است. در جهان مدرن که با بحران‌های اخلاقی، تزلزل هویتی و بی‌عدالتی اجتماعی روبه‌روست، مفاهیمی مانند «ارکان البلاد» و «کشف الوری» بیانگر ضرورت وجود امام به عنوان پناهگاه معنوی و محور انسجام اجتماعی است.

امام به عنوان واسطه فیض الهی، ضامن بقای نظام هستی و هدایت‌گر روابط اجتماعی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که حضور امام، چه در ظاهر و چه در باطن، نقش کلیدی در تأمین امنیت معنوی و بازسازی اعتماد اجتماعی دارد. ایشان با ارائه الگویی از عدالت، شفقت و هدایت، می‌توانند راهکاری برای حل بحران‌های مدرن ارائه دهند. همچنین نقش امام در دفاع از جامعه، هم در بعد مدنی و هم معنوی، تضمین‌کننده همبستگی و جلوگیری از فروپاشی ارزش‌های اخلاقی است.

این مقاله بر اهمیت هدایت‌گری امام در روابط اجتماعی تأکید دارد، جایی که آموزه‌های ایشان برای ایجاد همزیستی مسالمت‌آمیز و رفع اختلافات بسیار حیاتی است. امام به عنوان «رکن بلاد»، نه تنها استحکام جامعه را تضمین می‌کند، بلکه راه‌حلی برای چالش‌های اقتصادی و فرهنگی نیز ارائه می‌دهد.

در نهایت، نتیجه‌گیری اصلی این پژوهش آن است که بازخوانی مفاهیم زیارت جامعه کبیره

و بهره‌گیری از آموزه‌های اهل بیت می‌تواند در ایجاد نظم اجتماعی و بازسازی معنویت در جهان مدرن مؤثر باشد. این الگو، راهنمایی جامع برای مواجهه با بحران‌های اخلاقی، اجتماعی و زیست‌محیطی عصر حاضر فراهم می‌آورد.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ادریس، محمد بن منصور (۱۴۱۱ق). *مستطرفات السرائر*. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۳. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹ق). *مناقب آل ابی طالب*. تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی. قم: علامه.
۴. ابن عباد، اسماعیل (بی‌تا). *المحیط فی اللغة*. بیروت: عالم الکتاب.
۵. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق). *معجم مقاییس اللغة*. تحقیق عبد السلام محمد هارون. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۶. ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶). *کامل الزیارات*. تصحیح عبدالحسین امینی. نجف: مرتضویه.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۵ق). *لسان العرب*. قم: ادب الحوزه.
۸. احسائی، احمد بن زین الدین (۱۴۲۴ق). *شرح الزیارة الجامعة الکبیره*. بیروت: مکتبة العذراء.
۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱ش). *ادب فنای مقربان*. ج ۹ - ۱. تحقیق محمد صفایی. قم: اسراء.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله. *هدایت در قرآن*. نرم افزار کتابخانه اسراء.
۱۱. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۶۸ش). *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه*. تهران: امیری.
۱۲. حسکانی، عبیدالله بن عبدالله (۱۳۹۳ق). *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*. تحقیق محمد باقر محمودی. بیروت: مؤسسة الاعلمی.
۱۳. حسینی میلانی، سید علی (بی‌تا). *با پیشوایان هدایتگر* (نگرشی نو به زیارت جامعه کبیره). قم: مرکز حقایق اسلامی.
۱۴. راوندی، سعید بن عبدالله (۱۴۰۹ق). *الخرائج و الجرائح*. تحقیق محمد باقر موحد

- ابطحی. قم: مؤسسة امام المهدي عليه السلام.
۱۵. زرندي، محمد بن يوسف (۱۳۷۷ق). *نظم در السمطين في فضائل المصطفى عليه السلام و المرتضى عليه السلام و البتول عليها السلام و السبطين*. نجف: مكتبة اميرالمومنين عليه السلام.
۱۶. زمرديان، احمد (۱۳۶۶ش). *مقام ولايت در شرح زيارت جامعه كبيره*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامي.
۱۷. سيوطي، حافظ جلال الدين (۱۴۰۱ق). *الجامع الصغير*. بيروت: دارالفكر.
۱۸. سيوطي، حافظ جلال الدين (۱۴۱۴ق). *الدر المنثور في التفسير بالمأثور*. بيروت: دارالفكر.
۱۹. سيوطي، حافظ جلال الدين (بی تا). *الآلی المصنوعة في الاحاديث الموضوعة*. بيروت: دار الكتب العلمية.
۲۰. شبر، سيد عبدالله (۱۴۰۳ق). *الانوار الالامعة في شرح زيارة الجامعة*. بيروت: مؤسسه الوفاء و مكتبة الرضی.
۲۱. طبرسي، احمد بن علي بن ابی طالب (بی تا). *الاحتجاج*. قم: شريف رضى.
۲۲. طبري، محمد بن جرير (۱۴۱۳ق). *دلائل الامامة*. تهران: بنياد بعثت.
۲۳. طوسي، محمد بن حسن (۱۴۰۱ق). *تهذيب الاحكام في شرح المقنعة*. بيروت: دار الصعب و دار التعارف.
۲۴. طوسي، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق). *مصباح المتعبد و سلاح المتعبد*. تصحيح: علي اصغر مرواريد، بيروت، مؤسسه فقه الشيعة.
۲۵. طوسي، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). *الامالي*. تحقيق مؤسسه البعثة. قم: دار الثقافة.
۲۶. فارياب، محمد حسين (۱۳۹۱ش). *معنا و چيستی امامت در قرآن، سنت و آثار متكلمان*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خميني عليه السلام.
۲۷. فيروزآبادي، مجدالدين محمد بن يعقوب (۱۴۱۲ق). *القاموس المحيط*. بيروت: دار احياء التراث العربي.
۲۸. كليني، محمد بن يعقوب (۱۴۰۱ق). *الكافي*. بيروت: دار الصعب و دار التعارف.
۲۹. متقي هندی، علاء الدين علي بن حسام الدين (۱۴۰۵ق). *كنز العمال في سنن الاقوال و الافعال*. بيروت: مؤسسة الرسالة.
۳۰. مجلسي، محمدباقر (۱۳۶۳ش). *مرآة العقول في شرح اخبار الرسول عليه السلام*. تصحيح



سید هاشم رسولی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۳۱. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم السلام*. تصحیح

و تحقیق: جمعی از محققان. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۳۲. مصطفوی، حسن (۱۳۹۵ق). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: مرکز نشر
الکتاب.

۳۳. مطهری، مرتضی (۱۳۸۰ش). *مجموعه آثار*. تهران: صدرا.

۳۴. مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق). *الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*. قم: المؤتمر
العالمی للشیخ المفید.

۳۵. میرحسینی، علی اکبر (۱۳۸۹ش). ترجمه حقائق الاسرار تألیف محمدتقی اصفهانی.
قم: مؤسسه فرهنگی شمس الضحی.

۳۶. میلانی، سید علی (۱۴۱۸ق). *نفحات الازهار فی خلاصة عبقات الانوار*. قم: مهر.

۳۷. نیشابوری، محمد بن عبدالله (بی تا). *المستدرک علی الصحیحین*. بیروت: دار المعرفة.

امامت و توحید در تشیع و تکفیر با تأکید بر تمدن نوین اسلامی

مریم احمدپور^۱

چکیده

پژوهش حاضر به تحلیل جایگاه امامت و توحید در دین اسلام با توجه به دو گفتمان تشیع و تکفیر و نقشی که این مفاهیم در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی دارند، می‌پردازد. برای استخراج اصلی‌ترین نقاط محوری متون، از روش تحلیل گفتمان استفاده شده است. یافته‌های تحقیق در خدمت مدلل ساختن تفاوت‌های بنیادین گفتمان تفکر تشیع در مورد جایگاه امامت و توحید در دین با گفتمان تفکر تکفیر است. طبق این یافته‌ها، دال‌های محوری گفتمان تفکر تشیع در خصوص دین اسلام تأکید بر «توحید»، «امامت» است که معطوف به تحقق یوتوپیهایی نظیر «مردم سالاری دینی مبتنی بر ولایت فقیه» و «مهدویت و ایجاد تمدن اسلامی جهانی» است. کل تکالیف و حقوق فرد مسلمان در مقابل مذهب شیعه حول این دال‌های محوری سامان می‌یابد. در حالی که دال‌های محوری گفتمان تکفیری در جهت برجسته ساختن «رجوع به خلافت» و «تجسیم حق تعالی» تثبیت شده است. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که گفتمان تفکر تشیع کلیت دین اسلام و مذهب شیعه را هدف قرار داده است که پیامبر، امامان و اولیای الهی جزء جدایی‌ناپذیر آن به شمار می‌آیند؛ در حالی که گفتمان تکفیری توسل به امامان و شفاعت خواستن از آنان، یا هرگونه سوگواری برای آنان را امری مجزا از دین در نظر می‌گیرد و اختلاط این عوامل را نشانه و عامل تکفیر سایر مسلمانان به شمار می‌آورد.

کلمات کلیدی

امامت، توحید، گفتمان، تمدن، تشیع، تکفیر.

۱. دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری فرهنگی، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران.

Ahmadpoor.maryam62@gmail.com

مقدمه و طرح مسئله

مسئله تکفیر از دیرباز یکی از محورهای اساسی تعارض و خشونت در ادیان و ملل مختلف بوده است (الموتی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۴۵). وهابیت و به ویژه شاخه نوسلفی و تکفیری آن در چند دهه اخیر، چالشی جدی فراروی جهان اسلام و بلکه به یک معنا فراروی جامعه بشری قرار داده و در سطحی وسیع به آن دامن زده است (کرمانی کجور، ۱۳۹۰: ۲۵). حساسیت روی هویت و ترمینولوژی شیعی، از جمله بارزترین نقاط اشتراک طیف‌ها و گرایش‌های مختلف سلفی‌گری است. با این تفاوت که طیف معتدل آن، شیعیان را مسلمانان منحرف و بدعت‌گذار می‌نامند که احیاناً جوامع سنی در معرض تهدید و حمله آنها قرار می‌گیرند، اما طیف افراطی و تکفیری، بی‌واهمه، تشیع را «دین خودساخته» می‌خوانند (سید نژاد، ۱۳۸۹: ۱۰۷) و به تکفیر دیگر مسلمانان و هر مسلمانی که با عقیده آنان هم‌رای نباشد، می‌پردازند. در حالی که عموم مسلمانان می‌کوشند بر محور مشترکاتی همانند توحید و قرآن گرد هم آیند و با تأکید بر ویژگی‌های مذهبی خود، در برابر دشمن بایستند، با انحرافات که خطر آن کمتر از خطر دشمنان خارجی اسلام نیست، روبرو هستند. جریان‌هایی که همچون غده‌ی سرطانی، در پیکر اسلام و مسلمین رشد کرده‌اند و در این مسیر نیز هر روز قربانیان بیشتری از جامعه مسلمین می‌گیرند. این جریان با قرائتی که از اسلام ارائه می‌کند، نه تنها آموزه‌های ارزشمند اسلام را در برابر چشم جهانیان، زشت جلوه می‌دهد که تمامی مسلمانان را خارج از دایره توحید و ایمان شمرده، برخلاف همه مذاهب اسلامی، آنان را مشرک و کافر می‌خواند و بر همین اساس نیز تیغ تکفیر را بر پیکر جهان اسلام فرود می‌آورد. وجود تفکر تکفیری بستر مناسبی را فراهم کرده تا شیعه و سنی را به جان یکدیگر بیندازد. با ظهور این نگاه تکفیری، موجی از اختلاف و تفرقه میان مسلمانان پدید آمد که اهل سنت، نخستین قربانیان تفکر تکفیری وهابیت بودند و در حال حاضر با ادعای انحصار عقیده به زیارت توسل در شیعه، شیعه را هدف اصلی نگاه تکفیری خود قرار داده و سعی در ایجاد تفرقه میان شیعه و اهل سنت در جهان اسلام دارند (حبیبی تبار و مروجی طبسی، ۱۳۹۱: ۱۲۸). در این فرآیند بیش از هر چیز، بازتولید و تعریف مفاهیم دینی راهکاری است که می‌تواند جهان اسلام را از این وضعیت فلاکت‌بار و خشونت‌آمیز کنونی نجات دهد. دین و دینداری موجب حیات انسان و جامعه می‌شود. اما همین دین حیات آفرین ممکن است بر اثر تحریف و سوءتعبیر آدمیان، محتوا و مفهوم اصیل خود را از دست بدهد (جوانی و جمشیدی، ۱۳۹۳: ۱۸۲). مسئله وحدت اسلامی براساس ایدئولوژی و اینکه قومیت‌ها و نژادها



مرزهایی مصنوعی برای شناسایی است، یکی از مظاهر وسعت نظر تفکر اسلامی است و به عکس، رجوع به تعصبات ملی و نژادی و ناسیونالیستی گرایش به محدودیت و در پوست خود فرورفتن است (جاوید موسوی، ۱۳۸۶: ۱۳۸). در این میان، ایران از جایگاهی منحصر به فرد در جهان اسلام و محوری ممتاز در دنیای تشیع بهره‌مند است و این امر زمینه را برای مدیریت و رهبری ایران در دنیای شیعه فراهم نموده است؛ همین مسئله است که حساسیت ایران را درباره سرنوشت شیعیان جهان توجیه می‌کند. چنین استراتژی با اهمیت و حساسی در عمل، با توجه به ظرافت‌ها و پیچیدگی‌های سیاسی در خاورمیانه، بدون تردید باید براساس پژوهش‌های دقیق علمی و دانشگاهی پیگیری شود (احمدی و موسوی، ۱۳۸۹: ۲). با توجه به آنچه مطرح شد، می‌توان پذیرفت که در قرن اخیر که جوامع اسلامی بر اثر رویارویی با مدرنیته دستخوش تحولات ذهنی و عینی گوناگونی شده‌اند، آموزه‌های دینی نیز مورد چالش و انتقاد قرار گرفته‌اند. این جوامع اکنون عرصه تعامل و تقابل گفتمان‌های فکری متفاوت در خصوص چیستی و چگونگی دین اسلام هستند. دانشمندان اسلامی که به دقت حرکات این جریان را رصد می‌نمایند از همان آغاز افق‌های دوردست، این جریان را مشاهده می‌کردند، از بدو پیدایش این فرقه، به گونه‌های مختلفی در افشاگری و تبیین انحرافات آن کوشیده‌اند (کرمانی کجور، ۱۳۹۰: ۲۵). در این میان، این گفتمان‌ها هستند که تصور و فهم ما را از واقعیت و جهان شکل می‌دهند (هوارث، ۲۰۰۰: ۱۰۱) و لذا سؤالاتی که مطرح می‌شوند بدین صورت است که وقته‌های مفصل‌بندی شده دو گفتمان تفکر تکفیری و تفکر تشیع در مورد پدیده‌های توحید و امامت کدام است؟ دیگری مورد نفی و طرد گفتمان تفکر تکفیری کیست و چگونه این طرد و حاشیه‌رانی انجام می‌شود؟ نظام معنایی گفتمان تفکر تشیع چگونه شگل می‌گیرد و در پی حفظ چه معانی و طرد چه معانی دیگری است و چه ارتباطی میان این تفکر و تمدن نوین اسلامی وجود دارد؟

مفهوم شناسی

مفهوم امامت: امامت پیشوایی همه مردم در امور دین و دنیا، به نیابت و جانشینی از پیامبر اسلام ﷺ است (مجلسی، ۱۳۹۷: ۱/۳۶).

مفهوم توحید: توحید، به معنای یکتا دانستن خدا، اصلی‌ترین آموزه اعتقادی در اسلام است. به اعتقاد مسلمانان، خداوند یگانه خالق جهان است و شریک ندارد (کریمی، ۱۳۷۹: ۱۹).

مفهوم تکفیر: کفر به معنای پوشش و پوشاندن است. در اصطلاح جاری و کلام فقه، انکار

توحید و نبوت و ضروریات دین اگر به انکار رسالت بیانجامد، را کفر می‌نامند. تکفیر نیز در اصطلاح به معنای کافر دانستن کسی یا نسبت دادن کفر است (پورامینی، ۱۳۹۲: ۱۳).

مفهوم شیعه: شیعه در لغت، از ماده «شیع» به معنای مشایعت و پیروی و شجاعت به کار رفته است. این واژه اختصاراً در مورد فرد یا افرادی به کار می‌رود که دوستان اران حضرت علی علیه السلام و فرزندان او هستند و به امامت آنها اعتقاد دارند (فتاحی زاده و حیدری، ۱۳۸۶: ۱۳۸). از اخبار و تواریخ برمی‌آید که در زمان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله عده قابل توجهی از صحابه، از خواص علی علیه السلام و همراهان او بودند و او را امام و پیشوای خود به عنوان مبلغ پیامبر صلی الله علیه و آله و مفسر تعلیمات و احکام او می‌دانستند، و از همان زمان به نام شیعه علی علیه السلام شناخته می‌شدند، این حقیقت را با مراجعه به کتاب‌های اهل لغت مانند *نهایة ابن اثیر*، و *لسان العرب* و امثال آنها می‌توان دریافت؛ آنها تصریح می‌کنند که نام شیعه بر پیروان علی علیه السلام و فرزندان او و دوستان آنها اطلاق شده تا آنجا که اسم خاص آنها گردیده است (کاشف الغطاء، ۱۳۸۸). به این ترتیب مراد از تشیع اعتقاد به ولایت و امامت بلافصل امام علی علیه السلام است و شخص پیرو این عقیده، شیعه نامیده می‌شود (موسوی و بهشتی مهر، ۱۳۹۹: ۹۲).

پیشینه تحقیق

باقرزاده (۱۳۹۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی انتقادی اجماع سازی هدفمند ابن تیمیه برای کاستن جایگاه علوی» معتقد است که ابن تیمیه حرّانی، علاوه بر انکار درستی غالب روایات مربوطه، سعی بلیغ دارد تا پیشینیان را در انکار مهم‌ترین فضایل امیرمومنان با خود هم نظر نشان دهد. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی به موضوع پرداخته و با تکیه بر منابع معتبر اهل سنت، نادرستی ادعاهای یادشده را اثبات کرده است.

فلاح تفتی و دیگران (۱۳۹۸) در پژوهشی تحت عنوان «عدم تکفیر شیعه از دیدگاه مذاهب اهل سنت» کافر دانستن شیعه را موضوعی اختلافی میان اهل سنت می‌داند و می‌نویسد جمعی از علمای اهل سنت، شیعه را مسلمانانی بدعت گذار دانسته و گروهی دیگر حتی تقلید از مذهب جعفری را درست می‌دانند. علاوه بر این، ادله مورد استناد جریان‌های تکفیری از حیث روشی و از حیث محتوایی مخدوش است و بنابراین اصل تکفیر نادرست است. هم چنین تکفیر از نظر فقهی و براساس مبانی فقهی اهل سنت حرام است؛ چرا که ادله عامه حرمت تکفیر مسلمان، مقاصد شریعت، ادله وجوب وحدت مسلمین و هم چنین ادله حرمت سوءظن به



مسلم نیز بر حرمت تکفیر شیعه دلالت دارند.

باغبان زاده امشه (۱۴۰۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «واکاوی اندیشه ابن تیمیه در باب تکفیر شیعه امامیه و نقد آن بر اساس منابع اهل سنت» می‌نویسد: ابن تیمیه از جمله شخصیت‌هایی است که در برخورد با آرای مخالف نظر خود، با محکوم کردن آنان به تکفیر، ایشان را به توبه توصیه نموده و در صورت امتناع، حکم به قتل آنان می‌دهد. در این میان شیعیان از جمله کسانی هستند که به تکفیر محکوم شده‌اند. مسئله تحقیق بر آن است که چگونه ابن تیمیه با وجود منابع دست اول و متواتر، در جوامع روایی اهل سنت که در اثبات حقانیت مذهب شیعه وجود دارد، به تکفیر و منحنط بودن این مکتب می‌پردازد. این پژوهش با روش تحقیق کتابخانه‌ای و با رویکرد تحلیلی — توصیفی، صورت پذیرفته و یافته‌های تحقیق در واکاوی اندیشه ابن تیمیه نشان می‌دهد که وی، یا اصلاً مصداقی برای ادعای خود ارائه نمی‌دهد و به کلی‌گویی می‌پردازد و یا اگر مصداقی ذکر می‌کند، شیعه را از جاعلان حدیث معرفی نموده که از روایات ضعیف بهره جسته‌اند. این در حالی است که منابع روایی و تاریخی اهل سنت، مشحون از استناداتی است که اندیشه او در باب تکفیر شیعه را به چالش می‌کشد.

میانجی و دیگران (۱۳۹۹) در پژوهشی تحت عنوان «ضوابط تکفیر از دیدگاه فقه شیعه»، معتقدند در سال‌های اخیر به علت مقابله شیعه با جریان‌های تکفیری و تاکید بر تقریب و وحدت امت اسلامی، عده‌ای با تفکر افراطی تکفیری، برای تخریب شیعه، این مذهب را به تفکر تکفیری متهم کرده و راهبرد شیعه هراسی را در دستور کار خویش قرار داده‌اند. یکی از دلایل همه این اتهام، توهم تلازم اعتقاد به امامت، به عنوان اصلی از اصول دین، با کفر مخالفان آن است. در این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی با استناد از سیره نظری و عملی اهل بیت (علیهم‌السلام) ضوابط تکفیر از دیدگاه شیعه تبیین شده که عبارتند از: انکار سه اصل توحید، نبوت و معاد، ضروریات و احکام قطعی دین با شرایط خاص و فقدان موانع. با تبیین این مقدمات این نتیجه به دست آمده است که شیعیان به اسلام اظهارکنندگان به شهادتین اعتقاد دارند و نسبت دادن اتهام تفکر تکفیری به شیعه، غیرعالمانه و مغرضانه است.

جوادی (۱۳۹۲) در تحقیقی تحت عنوان «چگونگی پیدایش وهابیت و تاثیرگذاری آن در کسورهای اسلامی»، به توضیح افکار و عقاید ابن تیمیه از توحید پرداخته است و معتقد است که آراء وی از اصول دین شروع و تا فروع دین را شامل می‌شود. وی قائل به جسمانیت و طول و عرض خدا بود. سپس به ارائه افکار محمد بن عبدالوهاب به عنوان کسی که گرایش شدیدی به

افکار ابن تیمیه پیدا کرد، می‌پردازد. سپس مطرح می‌کند که وهابیت شبهات دینی بسیاری را مطرح کرده که از آن جمله است: عدم پذیرش وجود گنبد پیامبر اکرم ﷺ و همین‌طور سنگ بنای خانه کعبه؛ یعنی حجرالاسود. معتقدند که آن فقط سنگ و خاک است و نباید دورش طواف صورت گیرد؛ آنها این کار و امثال آن را شرک می‌دانند.

در مباحث مطرح شده و مطالعات تجربی که مورد بررسی قرار گرفت، گفتمان تفکر تشیع و به‌ویژه توحید، امامت و مرجعیت که نقش مهمی در قلب این گفتمان دارد کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. از طرفی نیز گفتمان تکفیری، مولد و مبلغ اسلام هراسی در جهان اسلام و در منطقه می‌باشد و نقد آن می‌تواند قدمی در راستای نیل به اسلام واقعی و رفع تنش‌ها و ناسازگی‌های گریبانگیر جهان اسلام و موج بیداری اسلامی در منطقه باشد. بهره‌گیری از تئوری گفتمان و داشتن منظری انتقادی به مسائل اجتماعی جز موارد معدودی کمتر در ادبیات علمی ایران به کار رفته است. این امر قطعاً با توجه به نفوذ روز افزون روش‌های تحلیلی انتقادی گفتمان (CDA) و تئوری گفتمان در عرصه بررسی متون، نوشتار حاضر را دارای اهمیتی وافر می‌سازد. بر این منوال تحقیق حاضر خود را در زمره آثار ساکن بر مرزهای علوم مختلفی از قبیل علوم اجتماعی و سیاست‌گذاری فرهنگی، مطالعات و تئوری‌های گفتمانی معرفی می‌کند.

روش‌شناسی

تحقیق حاضر در چارچوب روش‌شناسی کیفی و ذیل مجموعه روش‌ها و فنون موسوم به «تحلیل متن»^۱ انجام می‌گیرد. سبب انتخاب این روش آن است که میدان مطالعه تحقیق متون و اسناد و مدارک است، متون و اسناد تشیع و متون و اسناد نئوسلفیسم. تحلیل گفتمان رویکردی جدید در روش‌شناسی کیفی است که تفاوت‌هایی اساسی با شیوه‌های قبلی بررسی متون دارد. این روش سعی بر آن دارد که با بررسی متون برساخته‌های معنایی حاصل از آن‌ها را دریابد. گفتمان ساختاری معنایی است که حاصل مجموعه روابط بین نشانه‌ها است که به‌طور نسبی و موقتی تثبیت یافته است. به بیان دیگر، گفتمان‌ها در ارتباط با ترکیب عناصر گوناگونی که نشانه نام دارد شکل می‌گیرند. در این تحقیق از روش تحلیل گفتمان برای نشان دادن دال‌های محوری گفتمان تفکر شیعه در ارتباط با دو پدیده‌ی توحید و امامت استفاده می‌شود. هدف از انجام این کار تبیین سویه‌های تقابل و ضدیت این گفتمان با گفتمان تکفیری است. همچنین،

1. text analysis.

به عنوان روشی مکمل، روش ثبت اسناد و مدارک نیز برای جمع‌آوری و طبقه‌بندی اطلاعات بکار گرفته شده است.

امامت و توحید در گفتمان تفکر تکفیری

تکفیر در دوران معاصر ابعاد گسترده‌ای یافته است، چون علاوه بر وهابیون، امروزه غرب و آمریکا نیز وارد عرصه شده‌اند و یک سر تکفیر از آن نشأت می‌گیرد. آنها پروژه‌ای را با عنوان اسلام‌ستیزی برای جلوگیری از رشد اسلام در غرب از دهه ۷۰ آغاز نموده و از این حربه نیز استفاده می‌نمایند (آگشته، ۱۳۹۶: ۱۶۴). جریان‌های تکفیری با قرائتی بنیادگرایانه، مبتنی بر بازگشت به قرآن و سیره سلف صالح، با انگیزه جهاد علیه دشمنان خارجی و داخلی جهان اسلام، و در موج چهارم خلافت خواهی، درصدد استقرار خلافت اسلامی هستند. با این وجود، نتیجه اقدامات و فعالیت‌های آنان از یک سو تشدید محیط بحران در جهان اسلام و واگرایی مذاهب اسلامی و به تبع آن، فاصله گرفتن آن از آرمان شکل‌گیری امت واحده و از سوی دیگر جنگ داخلی در کشورهای افغانستان، عراق، سوریه و... و تشدید جنگ سرد میان دولت‌های اسلامی شده است (میرزایی و دیگران، ۱۴۰۱: ۲۲). مهم‌ترین الهام بخش نیروهای جهادگرای معاصر (تکفیری‌ها)، یک عالم سنی سلفی در قرون وسطی به نام احمد بن تیمیه است که اندیشه‌های او در بسیاری از بیانیه‌های اسلام‌گرایان رادیکال تا به امروز یافت می‌شود. ابن تیمیه معتقد است سلف کسانی هستند که در سه سده اول اسلام زندگی می‌کردند، تمام فضایل را داشتند و برای حل هر مشکلی از دیگران شایسته‌ترند و شامل صحابه، تابعان و تابعان تابعان می‌شدند (ابن تیمیه، ۱۴۲۶: ۹۶). درواقع مهم‌ترین دلیل ابن تیمیه برای مشروعیت سلف، حدیث «خیره» است که پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: «خیر الناس قرنی ثم الذین لونه ثم الذین یلونهم» بهترین مردم، مردمان قرن من هستند، سپس کسانی که در پی ایشان می‌آیند و سپس دیگرانی که در پی آنان می‌آیند (بخاری، ۱۴۳۲: ۶۴۵). ابن تیمیه ابتدا خود را حنبلی معرفی کرد ولی پس از مدتی عقاید احمد بن حنبل را به باد استهزا گرفت و خود مبانی فکری و اعتقادی جدیدی را بر پایه جسمانیت حق تعالی، حرمت توسل به انبیا و اولیا، حرمت رفتن به زیارت قبور، اصالت نداشتن شفاعت و حرمت بنای قبور و ساختن گنبد و گلدسته برای پیامبران و امامان و... ارائه کرد (حسینی قزوینی، ۱۳۸۶: ۷). ابن تیمیه در آغاز دعوت خویش مسلمانان را به کفر و شرک متهم ساخته و رسماً اعلام کرد: هر کس کنار قبر پیامبر یا یکی از افراد صالح بیاید و از آنان حاجت بخواهد، مشرک است، به همین خاطر،

واجب است چنین شخصی را وادار به توبه کند و اگر توبه نکرد، باید کشته شود (حیدری مذهب، ۱۳۹۳: ۸۷؛ به نقل از: زیارة القبور والاستنجد بالمقبور: ۱۵۶). ابن تیمیه با آزاداندیشی و تأویل مخالف بود و می‌گفت باید به ظاهر آیات اکتفا کنیم و به همین خاطر، عقایدی را ابراز کرد که مستلزم جسم دانستن خدای متعال است که انتقاد و مخالفت بسیاری از علمای اسلام را برانگیخت. عصر ابن تیمیه، دوره انحطاط و تنزل تفکر فلسفی و استدلال منطقی و همچنین روی آوردن به ظواهر دین و توجه سطحی به معارف خشک و مذهبی عنوان شده است (دین پرست، ۱۳۸۴: ۶۹). به این ترتیب، وی می‌گوید: اکثر شیعیان اعتقاد دارند که خدا مرتکب امور قبیح می‌شود و انواع گناه و کفر و فساد با قضا و قدر الهی صورت می‌گیرد و بندگان هیچ نقشی در آنها ندارند و خدا در افعال خود هیچ هدفی ندارد و برای مصلحت بندگان هیچ کاری نمی‌کند (ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ۱/۳). از دیگر رهبران تکفیری‌ها، بر بهاری است که کامل‌ترین الگو را برای وهابیت ارائه می‌دهد. دیدگاه بر بهاری در تجسیم و تشبیه الوهیت و تحریم زیارت و ... به شکل قابل توجهی به ابن تیمیه، مهم‌ترین شخصیت اهل ظاهر کمک کرد (ناظمی قره باغ، ۱۳۹۰: ۲۸). وی معتقد است افضل تمام امت‌ها بعد از انبیای عظام، ابوبکر، سپس عمر و عثمان می‌باشند و بعد از این‌ها علی علیه السلام، طلحه، زبیر، سعد بن ابی وقاص و چند تن دیگر افضل‌اند و می‌گوید همه این‌ها صلاحیت خلافت را داشتند و بعد از این‌ها، اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله افضل‌اند. در جای دیگر اذعان می‌کند در روز قیامت خداوند را با چشم سر می‌توان دید و خداوند بی‌پرده و بدون واسطه از بندگان حساسی می‌کند، و با این وصف اگر کسی گمان کند خداوند در این دنیا دیده می‌شود، کافر است. نکته مهم در اعتقادات او این است که می‌گوید اگر کسی در مورد امامت اهل بیت و اینکه آنان اعتقاد به غیب دارند، صحبت کند، به خداوند کافر شده است (شافعی، ۱۴۲۷: ۲۵). بر بهاری بارها با شیعیان به جهت زیارت قبر امام حسین علیه السلام درگیر و به آزار و اذیت آنان پرداخت. وی علاوه بر زیارت، با هرگونه عزاداری بر سید شهیدان عالم مخالف بود (نبی نژاد، ۱۳۹۰: ۴۸ - ۵۰). اما مکتب وهابیت ریشه در افکار محمد بن عبدالوهاب دارد که ادعا می‌کرد اسلام باید از بدعت‌ها پاک شود. او عملاً مخالف توسل به پیامبر و یاران او، شفاعت و وساطت اولیا، زیارتگاه‌ها، حرز و این قبیل اعمال بود. او همه این موارد را شرک می‌دانست (سبحانی، ۱۳۶۴). شکری مصطفی، رهبر گروه التکفیر می‌باشد. وی معتقد بود که پس از خلفای راشدین جامعه اسلامی از اسلام ناب دور شده و این مسئله مسلمانان را مکلف می‌سازد که علیه چنین رژیم‌هایی قیام کنند و دست به مبارزه مسلحانه بزنند تا حکومت اسلامی دوباره برقرار شود. وی



مدعی است پس از خلفای راشدین هم رژیم و هم جامعه کافر است و مسلمانان راستین باید از آن هجرت کنند. شکری مصطفی و گروه تکفیر، همه مکاتب و مفسران سنتی اسلام را بدون استثنا تکفیر می‌کردند؛ بنابراین عنصر اساسی در افکار و عقاید این جماعت «تکفیر» است. آنها معتقدند هر کس که مرتکب کبیره باشد کافر است و کسانی هم که اصرار بر کبیره کنند و توبه ننمایند، کافرند. حکامی که به آنچه خداوند نازل کرده است حکم نمی‌کنند، محکوم به کفرند. هر کس به اقوال ائمه (ع) یا اجماع ولو اجماع صحابه، قیاس یا مصالح مرسله و استحسان تمسک کند، مشرک و کافر است (فرمانیان، ۱۳۸۸: ۹۹ - ۱۰۰). به این ترتیب تکفیری‌ها و شاخه‌های مختلف آن در اصول بنیادی مهمی از جمله تکفیر شیعه، رد هر نوع ارتباط ولایی و معنوی بین انسان و خداوند، استفاده جدلی از امامت و تأکید بر خلافت، و ... همداستان هستند.

تحلیل گفتمان تشیع پیرامون توحید و امامت

اندیشه شیعه، برپایه‌ی باور تاریخی غصب خلافت و نظریه امامت و متأثر از فضای ارباب و سرکوب شیعیان به عنوان اقلیتی ایمانی و سیاسی، هویتی آرمانی، تهاجمی، فعال و به شدت سیاسی به این مذهب بخشیده است (شجاعی زند، ۱۳۷۶: ۱۲۱). واکاوی مبادی نظری شیعه، متوجه ارزش‌ها و هنجارهایی چون امامت، انتظار، اجتهاد، تقیه و ... است (فاضلی‌نیا، ۱۳۸۶: ۶۱). در رأس این مکتب و ایدئولوژی پیامبر و ائمه معصوم (ع)، عالمان شیعی و روحانیان و دیگر بزرگان دینی قرار دارند (خسروانی، ۱۳۹۰: ۱۷). نخستین کسی که بذر تشیع را در سرزمین اسلام پاشید، شخص بنیانگذار جهان اسلام حضرت محمد (ص) بود. گواه این سخن، احادیثی است که از شخص پیامبر نقل شده و راویان آن علاوه بر مستشرقان حتی از بزرگان علمای اهل سنت همچون سیوطی، ابن عساکر، ابن عدی، ابن مردویه، ابن حجر و ابن اثیر می‌باشند. از این رو سزااست که مسلمانان در تمام مراحل اخوت اسلامی خویش را حفظ کنند و اختلاف در اموری را که مربوط به اصول نیست، مایه نزاع و احیاناً تفسیق و تکفیر یکدیگر قرار ندهند و در اختلافات فکری و عقیدتی نیز، به گفت و شنود علمی و تحقیقی با یکدیگر اکتفا کنند و از اعمال تعصبات خشک غیرمنطقی و تهمت و تحریف پرهیزند (سبحانی، ۱۳۷۶: ۸۲). تکفیر مسلمانان، مخالف صریح آیات قرآن کریم و سیره پیامبر اکرم (ص)، صحابه و نظریات علمای اسلام است و هیچ مدرک عقلی و شرعی ندارد (دباغ و رضوان طلب، ۱۳۹۹: ۱۱۱).

علامه شرف الدین عاملی معیار و ملاک مسلمان بودن و مرز اسلام و کفر را در اعتقاد و باور

به اصول اعتقادی مشترک می‌داند، نه در امور فرعی و شاخه‌های انشعابی مذاهب اسلامی که گاه بر اثر جانبداری‌های سیاسی، فرقه‌ای و مذهبی و نگرش‌های سطحی و مغرضانه شکل گرفته‌اند (شرف الدین، ۱۴۲۳: ۹؛ به نقل از ذاکری، ۱۳۸۶: ۹۰). در واقع اسلام، همان شهادتین است و هرکس بگوید: لا اله الا الله محمد رسول الله، جان و مال او محترم است و حسابش نیز با خدا می‌باشد (مجلسی، ۱۳۷۰: ۲۹۱). مومن کسی است که علاوه بر شهادتین به متعلقات ایمان هم معتقد باشد که عبارت از قبول معاد و امامت (صدوق، ۱۳۷۸: ۲۲۶). استاد مطهری نیز همچون دیگر علمای شیعه از جمله مهم‌ترین اصول تفکر شیعی را توحید و امامت می‌دانند (مطهری، ۱۳۷۷: ۵ - ۵۷۰). از مهمترین مسائل درباره معرفه الله، معرفت مساله توحید، و یگانگی ذات پاک اوست؛ در واقع توحید تنها یکی از اصول دین نیست، بلکه روح و خمیر مایه تمام عقاید اسلامی است، و با صراحت می‌توان گفت: اصول و فروع اسلام در توحید شکل می‌گیرد، همه جاسخن از توحید و یگانگی است، وحدت ذات پاک و توحید صفات و افعال خدا و در تفسیری دیگر وحدت دعوت انبیاء، وحدت دین و آیین الهی، وحدت قبله و کتاب آسمانی ما، وحدت احکام و قوانین الهی درباره تمام افراد بشر، و بالاخره وحدت صفوف مسلمین، و نیز وحدت يوم المعاد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹). سراسله تمام معتقدات دینی ایمان به خداست (مطهری، ۱۳۹۶: ۱۲).

قرآن مجید هر گونه انحراف از توحید الهی و گرایش به شرک را، گناهی نابخشودنی می‌شمرد (نساء / ۴۸). لذا، فکر وهابیت در تلقی عمومی جهان اسلام خارج از منظومه فکر اسلامی و توحیدی محسوب می‌شود (ابن عابدین، ۱۴۱۵: ۲۶۲) و در اندیشه شیعه توحید الوهی لازمه توحید ربوبی است. کسی که قائل به توحید ربوبی است، قطعاً فقط خداوند را عبادت می‌کند و توحید الوهی دارد (مصباح یزدی، ۱۳۸۵: ۳۳). انسان خودش را با حقیقتی وابسته و پیوسته می‌داند و دلش می‌خواهد از زندان «خودی» خارج شود و به آن حقیقت نزدیک شود و او را تسبیح و تنزیه کند و به سوی او برود؛ پس در کانون تمایلات و احساسات انسان، پایه‌ی خداشناسی هست که در آیات ۳۰ روم؛ ۱۷۲ اعراف؛ ۸۳ آل عمران نیز به این راه فطری اشاره شده است (مطهری، ۱۳۹۶: ۲۹). شکی نیست که انجام واجبات و مستحبات همگی وسایل معنوی‌ای هستند که انسان را به سرمنزل مقصود، که همان تقرب به خداوند است می‌رسانند. انسان در پرتو این اعمال، حقیقت بندگی را می‌یابد و در نتیجه به خدا نزدیک می‌شود. ولی باید توجه نمود که وسایل غیرطبیعی، منحصر به انجام امور عبادی نیست، بلکه در کتاب و سنت یک رشته وسایل



معرفی شده که توسل به آنها استجابت دعا را به دنبال دارد؛ از جمله توسل به دعای صالحان که برترین نوع آن توسل به ساحت پیامبران و اولیای خاص خداوند است تا برای انسان از درگاه الهی دعا کنند (سبحانی، ۱۳۷۶: ۸۸). درواقع مسأله توسل به صاحبان مشکلات معنوی و مادی اجازه می‌دهد که دست به دامن اولیاء الله بزنند تا به اذن الله حل مشکلاتشان را از خدا بخواهند، یعنی از یکسو خود به درگاه خدا روی می‌آورند و از سوی دیگر اولیاء الله را وسیله قرار می‌دهند. توسل در امت‌های پیشین بوده و هست. ولی نباید از این حد منطقی فراتر رفت، و اولیاء الله را مستقل در تأثیر و بی‌نیاز از اذن خدا دانست که سبب شرک و کفر خواهد شد؛ و نیز نباید توسل به صورت عبادت اولیاء الله در آید که آن هم شرک و کفر است؛ زیرا آنها در ذات خود و بدون اذن پروردگار مالک سود و زیانی نیستند. غالباً در میان گروهی از عوام از همه فرق اسلامی همیشه افراط و تفریط‌هایی در مسأله توسل دیده می‌شود که باید آنها را ارشاد و هدایت کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹). به عنوان مثال ممکن است گفته شود: توسل به دعای صالحان، در صورتی عین توحید است که کسی که به او توسل می‌جوئیم در قید حیات باشد، ولی اکنون که انبیا و اولیا از جهان رخت بر بسته‌اند، چگونه توسل به آنان می‌تواند مفید و عین توحید باشد؟ (این همان مسئله‌ای است که تکفیری‌ها نیز بر آن تأکید دارند). در پاسخ به این سوال یا ایراد، این نکته را بایستی یادآور شویم که حتی اگر فرض کنیم شرط توسل به نبی یا ولی حیات داشتن آنهاست، در این صورت توسل به انبیا و اولیای الهی پس از مرگ آنان، تنها کاری غیرمفید خواهد بود، نه آنگونه که تکفیری‌ها و وهابیون می‌پذیرند مایه‌ی شرک؛ و این نکته‌ای است که غالباً از آن غفلت شده و تصور می‌گردد که حیات و موت، مرز توحید و شرک است (سبحانی، ۱۳۸۴: ۵۴).

مؤثر و مفید بودن توسل دو شرط بیشتر ندارد: (۱) فردی که به وی توسل می‌جویند، دارای علم و شعور و قدرت باشد. (۲) میان توسل جویندگان و او ارتباط برقرار باشد؛ و در توسل به انبیا و اولیایی که از جهان درگذشته‌اند، هر دو شرط فوق تحقق دارد. وجود حیات برزخی یکی از مسائل مسلم قرآنی و حدیثی است. در جایی که به تصریح قرآن، شهدای راه حق حیات و زندگی دارند، مسلماً پیامبران و اولیای خاص الهی که بسیاری از ایشان خود نیز شهید شده‌اند، از حیات برتر و بالاتری برخوردارند (سبحانی، ۱۳۷۶: ۸۸). در حالی که در قرآن به زندگی شهیدان پس از مرگ تصریح شده است (بقره / ۱۵۴) وهابیان معتقدند ارواح مردگان نمی‌توانند با زندگان ارتباط برقرار کنند و صدای آنان را بشنوند (سعدی، ۱۴۲۱: ۶۸۶). مسأله سوگواری و عزاداری برای شهدای اسلام به خصوص شهدای کربلا سبب زنده ماندن یاد آنها و خاطره فداکاری‌های آنان در راه بقای اسلام است، به

همین دلیل در مقاطع مختلفی به ویژه ایام عاشورا (ده روز آغاز محرم) که مصادف است با شهادت حسین بن علی (علیه السلام) مراسم عزاداری را بر پا می‌داریم، تاریخ زندگی آنها و رشادت‌هایشان را تحلیل می‌کنیم و از اهداف آنها سخن می‌گوییم و بر ارواح پاک آنان درود می‌فرستیم. ما شیعیان معتقدیم: این يك سرمایه عظیم معنوی است که باید آن را حفظ کرد و از آن برای زنده نگهداشتن اسلام و ایمان و تقوا بهره گرفت (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹).

زیارت قبر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و امامان اهل بیت (علیهم السلام) و بزرگان از علما و دانشمندان و شهدای راه خدا از مستحبات مؤکد و یکی از اصول اسلامی است که برای خود آثار سازنده‌ای دارد؛ زیرا مشاهده وادی آرام قبرستان، دل و جان را تکان می‌دهد و برای انسان‌ها درس عبرت می‌شود. پیامبر (صلی الله علیه و آله) در حدیثی به این نکته اشاره کرده و می‌فرماید: قبرها را زیارت کنید؛ زیرا یادآور سرای دیگر می‌باشند. رسول گرامی در آخرین روزهای عمر خود به قبرستان بقیع رفت و درباره اصحاب قبور، طلب آموزش کرد و فرمود: پروردگارم دستور داده است که به سرزمین بقیع بیایم و برای آنان طلب مغفرت کنم. آنگاه فرمود: هرگاه به زیارت آنان شتافتید بگویید: درود بر ساکنان این وادی از مؤمنان و مسلمانان، رحمت خدا بر گذشتگان از ما، و بازماندگان و ما به خواست خدا به شما می‌پیوندیم (سبحانی، ۱۳۷۶: ۹۷).

بدیهی است هیچ کس «زیارت» را با «عبادت» نباید اشتباه کند، عبادت و پرستش مخصوص خداست، و منظور از زیارت، احترام و بزرگداشت بزرگان اسلام و طلب شفاعت از آنها در پیشگاه خدا می‌باشد. بنابراین هیچ کس نباید و نمی‌تواند در مشروعیت این کار از نظر فقه اسلام تردیدی به خود راه بدهد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹). در واقع، هر یک از احکام الهی ابزاری برای تحقق عبودیت و بندگی است. در روایات اموری مانند ایمان به خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله)، جهاد در راه خدا، کلمه اخلاص، اقامه نماز، پرداخت زکات، روزه ماه رمضان، حج و عمره، صله رحم، صدقه پنهانی، صدقه آشکار و کارهای نیک وسیله نام گرفته است. یکی از این وسایل و وسایط، محبت اهل بیت (علیهم السلام) است. قدر مشترک همه اینها این است که هیچ یک منشأ بالذات نیست و تأثیر استقلالی ندارد، از این رو نه توسل به نماز، روزه، حج، عمره و صدقه با توحید ناب منافاتی دارد نه توسل به ائمه (علیهم السلام) (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۳۶). این در حالی است که محمد بن عبد الوهاب همه شیعیان را بدون استثنا تکفیر می‌نمود، به اتهام اینکه آنان به پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) متوسل می‌شوند، بر قبور اولیاء خود بارگاه و گنبد می‌سازند، به قصد زیارت قبور سفر می‌کنند و از اولیاء الهی طلب شفاعت می‌کنند (آلوسی، ۱۴۲۰: ۶ / ۱۲۴). به طور کلی دعوت به محبت اهل



البیت در مکتب تشیع، مقدمه و وسیله‌ای است که مردم را به اهل بیت پیوند واقعی دهد تا از وجودشان، از آثارشان، از سخنانشان، از تعلیماتشان، از سیرت و روش شان استفاده کنند (مطهری، ۱۳۹۶: ۴۹). قرآن کریم سه مفهوم مقدس را در بسیاری از آیات خود توأم آورده است: «ایمان»، «هجرت» و «جهاد». انسان قرآن موجودی است وابسته به ایمان و وارسته از هر چیز دیگر. این موجود وابسته به ایمان برای نجات ایمان خود هجرت می‌کند و برای نجات ایمان جامعه و در حقیقت برای نجات جامعه از چنگال اهریمن بی‌ایمانی جهاد می‌نماید. در اسلام آنچه منجر به شهادت؛ یعنی مرگ آگاهانه در راه هدف مقدس می‌گردد، به صورت یک اصل درآمده است و نام آن «جهاد» است (مطهری، ۱۳۸۵: ۷۳).

چرا اباعبدالله با اینکه می‌دانست همه یارانش شهید خواهند شد ولی اعلام آمادگی اصحابش را برای شهادت تقدیس و تکریم کرد؟ چرا که شهید احیاناً برای حماسه آفرینی، برای تزریق خون به جامعه، برای نوربخشی به جامعه، برای حیات دادن به جامعه باید شهید شود. شهادت تنها برای مغلوب شدن دشمن نیست بلکه برای حماسه آفرینی نیز هست. اگر آنها در آن روز شهید نمی‌شدند، این یک دنیا حماسه کی به وجود می‌آمد؟ اگرچه هسته مرکزی، شهادت شخص اباعبدالله است، اما اصحاب به شهادت ایشان جلال و شکوه بیشتری دادند؛ اگر آنها ضمیمه نشده بودند، شهادت حسین بن علی این عظمت و شکوه و اهمیت را پیدا نمی‌کرد که ده‌ها و صدها و بلکه هزارها سال زنده بماند، مردم بیایند و گوش کنند و درس بیاموزند و روح بگیرند و به حرکت آیند (آن‌گونه که در پیاده‌روی اربعین نیز می‌بینیم) (همان، ۱۰۹ - ۱۱۰). مسلمانان در طول تاریخ، آثار به جامانده از رسول گرامی اسلام و فرزندان او را نیز از گزند روزگار حفظ کرده‌اند. نصوص قرآنی نیز بر اهمیت حفظ این آثار تأکید فراوانی دارند، قرآن در برخی از آیات می‌فرماید: خدا در ترفیع خانه‌هایی که در آنجا خدا را صبح و شام تسبیح می‌گویند، اذن داده است، چنانکه می‌فرماید: در خانه‌هایی که ترفیع آن مورد اذن خدا و خواست خداست، در آن خانه‌ها، صبح و شام مردانی خدا را تسبیح می‌گویند که بازگانی و داد و ستد آنها را از یاد خدا و برپاداشتن نماز و دادن زکات باز نمی‌دارد، از روزی که در آن دل‌ها و چشم‌ها دگرگون می‌گردد، می‌ترسند. (نور/ ۳۶ - ۳۷) لذا حفظ و تعمیر قبور پیامبران و ابنیه مربوط به رسول گرامی اسلام و فرزندان پاکش و مسجدسازی بر روی قبور آنها، بر این اصل اسلامی استوار بوده و مقصود از آیه علاوه بر صیانت از خرابی، صیانت آنها از هر نوع آلودگی است که با حرمت آنان - آن‌گونه که تکفیری‌ها می‌پذیرند - منافات دارد (سبحانی، ۱۳۷۶: ۹۷).

از افتخارات اسلام، تنزیه حق تعالی از هر نوع جسم است و پیامبر و اولیای الهی گرامی‌ترین و عزیزترین مخلوقین روی زمین می‌باشند؛ چراکه قرآن و روایات بر مقامات معنوی آنان گواهی می‌دهد و اینکه مرده و زنده آنان یکسان بوده و همچنین ارتباط آنان همچنان با امت اسلامی خود برقرار می‌باشد (سبحانی، ۱۳۸۸). این در حالی است که عقیده تکفیری‌ها مبتنی بر جسم دانستن خدای متعال است که اینجا نیز با آراء شیعیان در تناقض است؛ چرا که شیعیان معتقدند که خداوند هرگز با چشم دیده نمی‌شود؛ زیرا رؤیت با چشم به معنی جسم بودن و مکان و محل و رنگ و شکل و جهت داشتن است، و اینها همه صفات مخلوقات است، و خداوند برتر از آن است که صفات مخلوقات داشته باشد.

بنابراین اعتقاد به رؤیت خداوند که از مبانی فکری احمد بن تیمیه می‌باشد، يك نوع آلودگی به شرك است: «لا تدركه الابصار وهو يدرك الابصار وهو اللطيف الخبير، چشم‌ها او را نمی‌بینند ولی او همه چشم‌ها را می‌بیند و او بخشنده و آگاه است.» (انعام / ۱۰۳) به همین دلیل هنگامی که بهانه جویان بنی اسرائیل از موسی عليه السلام تقاضای رؤیت خدا کردند و گفتند: هرگز به تو ایمان نمی‌آوریم تا خدا را آشکارا ببینیم! «(بقره / ۵۵) موسی آنها را به کوه طور برد و تقاضای آنها را تکرار نمود، و از سوی خداوند چنین پاسخ شنید: هرگز مرا نخواهی دید ولی به کوه نگاه کن اگر در جای خود ثابت ماند مرا خواهی دید و چون پروردگارش بر کوه جلوه کرد، آن را همسان خاك نمود، و موسی مدهوش بر زمین افتاد، هنگامی که به هوش آمد عرض کرد: خداوند! منزهی از این که با چشم دیده شوی، من به سوی تو باز می‌گردم و من نخستین مؤمنانم.» (اعراف / ۱۴۳) و با این جریان ثابت شد که خداوند هرگز قابل رؤیت نیست. ما معتقدیم: صفات مخلوقات را برای خدا قائل شدن از جمله اعتقاد به مکان و جهت و جسمیت و مشاهده و رؤیت، سبب دور افتادن از معرفت خداوند و آلوده شدن به شرك است، آری او برتر از همه ممکنات و صفات آنهاست و چیزی همانند او نمی‌باشد. یونس بن ظبیان می‌گوید: نزد امام صادق عليه السلام رفتم و به ایشان عرض کردم: هشام بن حکم سخن بزرگی می‌گوید که به اختصار چند جمله آن را بیان می‌کنم. او گمان می‌کند که خداند جسم است؛ زیرا اشیا بر دو نوع هستند: جسم و کاری که جسم انجام می‌دهد. پس آفریدگار، به معنای کار جسم است، صحیح نمی‌باشد و اینکه به معنای انجام دهنده باشد، صحیح است. امام صادق عليه السلام فرمود: وای بر او آیا او نمی‌داند که جسم، محدود و دارای انتها است و صورت محدود و پایان‌پذیر است. پس زمانی که محدودیت زیادی و نقصان نیز در آن احتمال می‌رود و زمانی که در چیزی زیادی و نقصان وارد گردد، مخلوق خواهد شد (صدوق،



۱۳۸۹: ۱۱۵). سخن علامه مجلسی از علمای شیعه نیز گواهی بر این مدعاست: گفتن اینکه خدا جسم است یا در جایی مانند عرش مکان دارد و یا اینکه خداوند صورت و اعضا و اجزاء دارد، کفر است (مجلسی، ۱۳۸۷: ۴۰-۴۱).

حقیقت این است که روح مذهب تشیع که آن را از سایر مذاهب اسلامی ممتاز می‌کند و بینش اسلامی خاص به پیروان خود می‌دهد، دید خاص این مذهب درباره انسان است. از طرفی استعداد های انسان را بسی شگرف می‌داند و جهان انسان را هیچ گاه از وجود «انسان کامل» که همه استعداد های انسانی در او به فعلیت رسیده باشد خالی نمی‌داند و از طرف دیگر طبق بینش این مذهب عبودیت، یگانه وسیله وصول به مقامات انسانی است و طی طریق عبودیت به صورت کامل و تمام جز با عنایت معنوی و قافله سالاری انسان کامل که ولی و حجت خداست میسر نیست (مطهری، ۱۳۹۶: ۱۲۳). به این ترتیب، امامت اصلی است که شیعه را از دیگر فرق اسلامی متمایز می‌کند (کاشف الغطاء، ۱۳۸۸: ۲۲۱). چرا که شیعیان پیروان امیرالمومنین علی بن ابی طالب هستند که به شیوه ولایت و از روی اعتقاد به امامت بلا فصل ایشان بعد از رسول خدا باور دارند (اشعری قمی، ۱۳۶۰: ۱۵؛ مفید، ۱۴۱۳: ۳۵؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۱۸۱). امامت نظیر نبوت، از مسائلی است که از اختیارات انسان بیرون است و باید از راه وحی و تعیین الهی صورت پذیرد؛ با این تفاوت که نبی به طور مستقیم از سوی خدا تعیین می‌شود و امام به واسطه‌ی پیامبر از سوی خدا تعیین می‌گردد (مطهری، ۱۳۸۱: ۹۲).

داشتن علم لدنی و عالم بودن به همه احتیاجات دنیوی و اخروی و معصوم بودن از همه گناهان و خطایا از دیگر ویژگی های امامت است (خیری، ۱۳۹۶: ۴). از دیدگاه شیعه امامت هنگامی مشروع است که منصوب از طرف خدا باشد و امام، معصوم از گناه و خطا، و دارای علم خدادادی است. امام همه مناصب پیامبر به جز نبوت و رسالت را داراست و همه سخنان او در تبیین حقایق و قوانین و معارف اسلامی، حجت است و همه دستورات او در امور مختلف حکومتی واجب الطاعه است (مصباح یزدی، ۱۳۸۴: ۲۹۸). البته که عموم متکلمان و مفسران شیعی از جمله طبرسی و طباطبایی مقام امامت را بالاتر از مقام نبوت و رسالت می‌دانند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۳۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۷۰). روایتی نیز در کتاب الکافی از امام محمد باقر علیه السلام نقل گردیده که طباطبایی نیز بدان اشاره می‌کند: مقاماتی که ابراهیم به دست آورد به این ترتیب است که نخست مقام عبودیت، سپس نبوت، بعد رسالت، آنگاه خلّت و در آخر امامت (کلینی، ۱۳۶۵: ۱۱۳؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۷۶).

خواجه نصیرالدین طوسی که اولین کتاب را در زمینه عقاید امامیه نگاشته‌اند، نیز اهتمام بسیاری به بحث امامت با تمایلات شیعی در عناوینی چون اثبات امامت حضرت علی (ع) و بیان مطاعن خلفای نخستین و عدم صلاحیت ایشان برای خلافت رسول خدا و ادله قطعی افضل بودن امام علی (ع) و نص بر امامت ائمه اثنا عشر (ع) و حکم محاربان آنها داشته‌اند (طوسی، ۱۴۰۷: ۳۶۷-۳۹۸). درواقع متکلمان شیعی، امامت را ریاستی دینی و دنیایی می‌دانند (همان، ۲۴۸). فرهنگ شیعی یک فرهنگ زنده‌ی حرکت‌زا و انقلاب‌خیز است؛ فرهنگی است که از روش امام علی (ع)، از افکار و اندیشه‌ی آن حضرت و از نهج البلاغه علی تغذیه می‌شود. فرهنگی است که در خودش عاشورا دارد، صحیفه سجادیه دارد و فرهنگی است که دوره امامت ۲۵۰ ساله و دوره عصمت ۲۷۳ ساله دارد (مطهری، ۱۳۸۷: ۱۹۵).

ژئوپلیتیک شیعه و ایجاد تمدن نوین اسلامی

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ و رخداد‌های پس از آن که بیشتر متأثر از پیروزی انقلاب بودند، تشیع به یکی از عوامل مهم و تاثیرگذار دنیای ژئوپلیتیک تبدیل شد. تشکیل یک حکومت شیعی با رهبری علمای دینی در کشوری بزرگ و با اکثریت شیعه، هرگز در گذشته روی نداده بود. به این ترتیب، انقلاب ایران کانون توجهی برای زنده کردن و رواج هویت دینی شیعیان پدید آورد (احمدی و دیگران، ۱۳۹۱: ۶۵؛ میانجی، ۱۳۹۹: ۹). شیعه در جایگاه جمعیتی که در طول تاریخ، پیوسته هویت خود را در فراز و فرودها حفظ کرده و برای رسیدن به آینده‌ای بهتر سامان داده است، قابل مطالعه است. این موضوع بیشتر بدان جهت قابل توجه است که اولاً این مکتب برای آینده بشریت طرحی جهانی داشته، ثانیاً مفاهیم بنیادین منطق با فطرت آدمی را مطرح کرده است. عناصری از قبیل ولایت، عدالت، عصمت، امر به معروف و نهی از منکر، انتظار، تقیه و ... در حوزه فرهنگ از یک سو و دستاوردهای ادبی و هنری از سوی دیگر، در حوزه تمدن توانسته است تأثیراتی بی‌بدیل در فرهنگ و تمدن بشری برجای گذارد (نوری مطلق، ۱۳۸۹: ۶۳). در حال حاضر موقعیت ایران در حوزه ژئوپلیتیک شیعه، که ناشی از ترکیب شدن عوامل فرهنگی و اعتقادی با دسترسی به منابع عظیم انرژی و موقعیت‌های حساس ژئوپلیتیکی و استراتژیکی است، حساسیت و توجه غرب را در دو محور ایدئولوژیکی- فرهنگی و امنیتی- راهبردی برانگیخته است (فاضلی نیا، ۱۳۸۵: ۱۷۷). انتشار سریع و مدیریت شده افکار سلفی‌گری جهادی و فعالیت گسترده آنها در منطقه غرب آسیا از چالش‌های عمده پیش روی حکومت‌ها و گروه‌های اسلام‌گرا

می باشد و در واقع، حضور آنها در این منطقه، جبهه جنگ را به داخل کشانده و نزاع کشورهای اسلامی (یا اعراب) و اسرائیل به درگیری بین مسلمانان با یکدیگر تبدیل شده است (سادات، ۱۳۹۴: ۱۹۵-۱۹۶). در پی تحرکات و تحولات جاری در منطقه، علنی شدن روابط دو کشور در خاورمیانه بیش از سایر اتحادهای منطقه ای قابل توجه است: «رژیم اسرائیل و عربستان سعودی». آنچه بیشتر از هر چیز دو دولت مذکور را در کنار هم نگاه داشته است، نگرانی از توافق هسته ای ایران و به دنبال آن، قدرت و نفوذ شیعه، کاهش حضور و نقش ایالات متحده در منطقه و بحران های ناشی از افراط گرایی و جنگ داخلی سوریه است (آدمی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۸۹).

مخالفت های ایران با حکومت استبدادی آل خلیفه و حمایت از شیعیان مظلوم بحرین و حوثی های یمن و حکومت شیعی سوریه در چارچوب گفتمان انقلاب اسلامی منجر به موضع گیری جدی حاکمان سلفی و غیرمشروع عربستان سعودی گردید. به گونه ای که در حال حاضر شاهد برخورد و تقابل مستقیمی میان منافع و سیاست های عربستان و ایران هستیم و این کشور تلاش دارد تا با ایجاد ائتلافی گسترده بین کشورهای عربی، موازنه تهدیدی در برابر تهدیدات ایران شکل دهد (برتی و گازانسکی، ۲۰۱۴: ۲۵). تحولات اخیر جهانی و منطقه ای نشان می دهد که ایران نباید درباره سرنوشت شیعیان بی توجه باشد و لازم است در این زمینه به نقش آفرینی بپردازد. با نگاهی ژئوپلیتیکی به مسائل ایران و تشیع، مشخص می شود هر اقدامی در ایران، به عنوان کانون مذهب شیعه، جوامع شیعی را که به حوزه نفوذ ایران تعلق دارند، متأثر می کند (نصرافهانی و وقوفی، ۱۳۹۹: ۷۱). مطرح شدن بحث ولایت فقیه و شکل گیری حکومت اسلامی مبتنی بر آن در ایران، موجب متبلور شدن مدل فقهی جدیدی گردید که به اندیشه سیاسی غالب در میان جوامع شیعی تبدیل شده است (احمدی و دیگران، ۱۳۹۵: ۷). از طرفی جریان های مسیحی و یهودی به دلیل داشتن اهداف مشترک، از جمله زمینه سازی برای ظهور مسیح و لزوم تشکیل دولت صهیونیستی در فلسطین و مبارزه با مسلمانان، با وجود دشمنی دیرینه با یکدیگر که به اتحاد استراتژیک رسیده بودند؛ بعد از مواجهه با انقلاب اسلامی ایران، اتحاد خود را محکم تر کرده و به دلیل تضاد فکری و سیاسی با شیعه، نگرانی از به خطر افتادن منافع و موجودیت خود در جهان و با هدف جلوگیری از قدرت یابی و نفوذ تشیع در منطقه و جهان و همچنین به منظور توجیه حضور خود در منطقه غرب آسیا و توجیه جنگ ها و اقداماتشان در این منطقه، از طریق اقداماتی مانند تبلیغ شیعه هراسی، حمایت از گروه های تکفیری و ایجاد جنگ های داخلی در کشورهای شیعه نشین، به دشمنی و مخالفت با تشیع، به

ویژه جمهوری اسلامی ایران می‌پردازند (فهیمی و کشاورز شکری، ۱۳۹۷: ۱۱۱).

اسرائیل از جریان‌هایی مانند داعش از دو منظر ابزار راهبردی - امنیتی و فکری - گفتمانی برای تهدید امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و متحدانش استفاده نموده است؛ این امر منجر به هم‌سویی و همگرایی فکری و راهبردی اسرائیل و جریانی مانند داعش در مقابل ایران و متحدانش در محور مقاومت شده است. لذا بهره‌برداری از گروه‌های سلفی - تکفیری در تقابل‌های هویتی و جنگ‌ها و ترورهای نیابتی، انجام اقدامات تروریستی و ایجاد ناامنی و بی‌ثباتی در ایران، تضعیف امنیت جمهوری اسلامی ایران و متحدانش در محور مقاومت و منطقه، در مقابله با نفوذ و عمق استراتژیک منطقه‌ای ایران و ایجاد عمق استراتژیک برای خویش در منطقه، ایران هراسی و بازنمایی قدرت ایران و متحدانش به‌عنوان تهدیدی منطقه‌ای و زمینه‌سازی ایجاد روابط نزدیک اسرائیل با اعراب، تضعیف، تجزیه و بالکانیزاسیون کشورهای پیرامون اسرائیل و ایجاد شرایط برای توسعه طلبی و برتری این رژیم در منطقه، از مهم‌ترین کارکردهای گروه‌های سلفی - تکفیری همچون داعش در افزایش امنیت ملی رژیم صهیونیستی می‌باشد (باقری و دیگران، ۱۴۰۱: ۴۵).

گروه تکفیری داعش پس از جریان بیداری اسلامی در سال ۲۰۱۱ با تصرف بخش‌هایی از سوریه و عراق به‌طور جدی مطرح شد که در سراسر جهان، تهدیدی جدی برای امنیت بین‌المللی تلقی می‌شود (پورحسن، ۱۳۹۵: ۳۳) و چالش‌های سیاسی متعددی را نیز علیه همگرایی اسلامی در کشورهای مسلمان به‌وجود آورده است. چالش‌های سیاسی همچون فراموشی آرمان و راهبرد وحدت اسلامی، حاشیه‌رانی مبارزه با اسرائیل و ترویج اسلام هراسی (جلالی و دیگران، ۱۳۹۷: ۲۲۷). از طرفی حضور سلفی‌های تکفیری در غزه به‌عنوان چالشی برای آینده حکومت حماس (به‌عنوان یکی از گروه‌های محور مقاومت اسلامی) به‌شمار می‌رود و بر روابط با مصر و اسرائیل تأثیر مستقیم خواهد داشت؛ چرا که این گروه‌ها در مقاطع مختلف، به صورت خودسر به حملات موشکی به اسرائیل پرداخته و براساس مواضع حماس به دنبال شروع مجدد درگیری نظامی بین غزه و اسرائیل می‌باشند. علاوه بر این که برخی از آنها با گروه داعش اعلام بیعت نموده و زمینه مناسبی برای حملات رسانه‌ای اسرائیل و مصر به حماس به بهانه حضور داعش در غزه فراهم آوردند (سادات، ۱۳۹۴: ۱۶۸).

عملیات طوفان الاقصی که هفتم اکتبر ۲۰۲۳ (۱۵ مهر ۱۴۰۲) از سوی حماس انجام شد، ماهیت و روند بسیاری از تحولات در منطقه غرب آسیا را دگرگون کرده است. عملیات طوفان الاقصی فرایند عادی سازی روابط برخی کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی را متوقف کرد و افشا

شدن بیشتر اهداف و ماهیت این رژیم در جریان عملیات حماس و متراکم شدن تنفر از آن باعث شد روند صلح سرد تا آینده میان مدت متوقف شود و صلح گرم با توجه به جایگاه فلسطین در میان افکار عمومی کشورهایی که مقامات رسمی آنها برای تحقق گسترش توافق ابراهیم می‌کوشند، محقق نخواهد شد (پورحسن، ۱۴۰۲: ۵۳). سیاستمداران و ملت ایران، همواره بر حمایت از ملت‌هایی که در حال جنگ با تروریسم و تکفیری‌ها هستند، تأکید داشته‌اند که نمود آن را در لبنان و گروه اسلام‌گرای حزب الله شاهد هستیم. از طرفی در حوزه فرهنگی نیز مهم‌ترین منبع قدرت نرم ایران در عراق، نظام تشیع و روابط مذهبی دو کشور است (عیوضی و دیگران، ۱۳۹۵: ۲۲ — ۲۳). ارتباط با سوریه به عنوان یکی از کشورهای مهم خاورمیانه با جایگاهی راهبردی و ژئوپلیتیک در منطقه و در دست داشتن حکومت آن توسط علویان نیز سازنده است (کریمی و گرشاسبی، ۱۳۹۴: ۱۰۱). درواقع جمهوری اسلامی ایران با تکیه و تأکید بر آموزه‌ها و ارزش‌های دین اسلام و مذهب تشیع، از ظرفیتی مناسب برای تأثیرگذاری بر جریان‌های سیاسی شیعی در منطقه به عنوان کشورهایمانند عراق، بحرین، و لبنان به عنوان کشورهایمانند دارای جمعیت شیعه مذهب، بهره‌مند است (عیوضی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱).

سه مؤلفه اصلی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، مرکب از نظریه مردم سالاری دینی، فرهنگ شهادت و عدالت، و اصول استقلال و آزادی، دارای عناصر تفکیک‌ناپذیر از یکدیگر هستند که برگرفته از مبانی اسلام ناب محمدی (ﷺ) و به ویژه فرهنگ متعالی شیعه است (هرسیچ، ۱۳۹۰: ۱۳۷). نظام مردم سالاری دینی مبتنی بر ولایت فقیه در ایران به عنوان بدیل لیبرال دموکراسی غرب، می‌تواند در شرایط فعلی که منطقه در حال گذار به مردم سالاری است، الگویی برای ملت‌های مسلمان باشد و از سوی دیگر اتهامات وارد شده از طرف غرب و غرب‌گرایان به نظام جمهوری اسلامی ایران را خنثی سازد (یزدانی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۱۷). کشوری مانند جمهوری اسلامی ایران با توجه به بافت فرهنگی‌اش، که اساس آن اسلام و تشیع است، با قدرت سخت قابل شکست نیست (نای، ۱۳۸۹). فرهنگ ایران که مبتنی بر اسلام ناب است، با داشتن مذهب تشیع توان بسیج توده‌ای مردم علیه فرهنگ وارداتی غرب را دارد (رنجبران، ۱۳۸۸: ۶۴). به قول فوکویاما شیعه تنها مذهبی است که در بین تمامی مذاهب اسلامی، نگاهش به ولایت فقیه است و ولایت فقیه شیعه را تهدیدناپذیر کرده است و بال سرخ شیعه شهادت طلبی است که ریشه در کربلا دارد و شیعه را فناپذیر کرده است (ایزدی، ۱۳۸۷: ۸). درواقع ورود اسلام به ایران و پذیرش مذهب تشیع با الهام از عاشورا، روحیه شهادت طلبی را در بین ایرانیان دو

چندان کرد (مصلی نژاد، ۱۳۸۹: ۳۳۵). عدالت طلبی ریشه در فرهنگ و تمدن ایران دارد و اسلام شیعی آن را تقویت کرده است (مجتهدزاده، ۱۳۸۳: ۲۲۲).

اشاعه معنا در بافت اجتماعی زندگی مردم ایران از طریق ارتباطات معنایی با مفاهیمی چون شهادت، ایثار و جهاد، بعد معنابخشی مقاومت اسلامی ایران را تشکیل داده و سبب گسترش عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران می شود. بعد تمدنی گسترده ترین سطح تحلیل مقاومت ایرانی محسوب می شود. مقاومت براساس اعتماد به تحقق وعده‌ی الهی و عدم پذیرش نظام سلطه بوجود می آید و استقلال و خودباوری ملت ایران را تقویت می کند (لزگی و غیائی فتح آبادی، ۱۴۰۲: ۲۸۵). آموزه‌های مهدویت می تواند از طریق ترسیم آینده‌ای دست یافتنی، در شکل دادن به روح حاکم بر تمدن جدید اسلامی نقش آفرین باشد (الویری، ۱۳۹۲: ۷).

در منظومه فکری مقام معظم رهبری، تمدن نوین اسلامی و مهدویت، رابطه‌ای تنگاتنگ دارند؛ به میزان پایه‌گذاری این تمدن، حلقه‌های مقدمه‌سازی ظهور در روند طولی خود پیش‌تر خواهد رفت. لذا تمدن نوین اسلامی، مهم‌ترین و بلکه تام‌ترین سبب در مسیر تسهیل‌گری ظهور محسوب می شود (رضایی، ۱۴۰۲: ۵۵). هدف نهایی انقلاب اسلامی رسیدن به تمدن نوین در زنجیره منطقی و مستمر است و برای تحقق آن بایستی پنج مرحله انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن اسلامی پشت سر گذاشته شود تا آمادگی برای ظهور امام عصر^{علیه السلام} فراهم گردد (مولائی، ۱۴۰۰: ۷۶). با تقویت عوامل همگرا و تکیه بر اصول مشترک و تضعیف عوامل واگرا، می توان بستر تحقق تمدن نوین اسلامی را در گستره جهانی فراهم نمود (ملک زاده، ۱۳۹۸: ۲۸). این در حالی است که با اینکه محمد بن عبدالوهاب از دنیا رفته است ولی مستشرقان و استعمارگرایان دائماً درصدد دفاع از افکار او هستند و او را پیامبرخوانده و مردم را به متابعت از افکار او تحریک می کنند (الصواف، ۱۹۷۹: ۱۰۵). درواقع آنان علاوه بر ادعای توحید و کفر غیرمعتقدان به اصل امامت توسط شیعیان (الشافعی، ۱۴۲۷: ۲۵)، به دنبال تفرقه افکنی در صفوف مسلمین و نهایتاً خدمت به استعمارگران غربی هستند تا به این ترتیب از انسجام و وحدت مسلمانان ممانعت به عمل آورند (علم الهدی، ۱۳۷۳: ۳۴).

نسبت دادن اتهام تفکر تکفیری به مذهب تشیع، غیرعالمانه، بی اساس، متعصبانه و مغرضانه است و صرفاً در جهت ایجاد تفرقه و اخلال در اتحاد امت اسلامی است و مهم‌ترین سند آن حمایت همه جانبه رهبران جمهوری اسلامی از جنبش‌ها و حرکت‌های اسلامی برادران اهل سنت در فلسطین، بوسنی، لبنان، سوریه و ... است (میانجی، ۱۳۹۹: ۲۲). به‌طور کلی رشد

جریان‌های تکفیری از دو بعد اساسی فرایند اسلام‌گرایی را با چالش مواجه نموده است، نخست قطبی‌سازی جوامع اسلامی بر اساس تقابل شیعه و سنی و دیگری کاهش مشروعیت و مقبولیت اسلام‌گرایی به عنوان جایگزین در مقابل لیبرال دموکراسی (جلالی و دیگران، ۱۳۹۷: ۲۲۷). در صورتی که منشأ نزاع‌ها و اختلافات یعنی خودگرایی به خداگرایی واقعی جهت یابد، بشریت روی صلح و آرامش و ثبات در جهان را خواهد دید (دهشیری، ۱۳۷۹: ۳۰۶).

نتیجه‌گیری

تکفیری‌ها با شیوه‌های مختلف درصدد مقابله با شیعه و آثار علمی آنان برآمده‌اند؛ زیرا شیعه امامیه بیشتر از بقیه مذاهب اسلامی به طرح مباحث علمی می‌پردازد. بر این اساس پژوهش حاضرکوشیده است که پدیده‌های توحید و امامت را از منظر شیعه تحلیل کند و تقابل آن با گفتمان تکفیری را به تصویر بکشد.

در گفتمان تفکر تشیع تأکید اصلی بر روی توحید و امامت بوده و برخلاف عقاید تکفیری‌ها بر مرجعیت اهل بیت و توسل به آنان، رفتن به زیارت قبور آنان، اصالت داشتن شفاعت و بنای قبور و بارگاه برای پیامبران و امامان تأکید می‌شود. در حقیقت از روزی که اهل بیت پیامبر ﷺ از ساحت مرجعیت کنار گذاشته شدند، فرقه‌گرایی نیز آغاز شد و فرقه‌های متعدد کلامی یکی پس از دیگری پدید آمدند. این در حالی است که شیعه تاریخی جز اسلام و سرآغازی جز مبدأ پیدایش اسلام ندارد، و در حقیقت اسلام و تشیع دورویه سکه یا دو نیم‌رخ از یک چهره‌اند که در یک زمان متولد شده‌اند.

تشیع نه زاییده تبانی اهل سقیفه و نه فرآورده حوادث دوران قتل عثمان و دیگر افسانه‌هاست، بلکه این خود پیامبر گرامی بود که با رهنمودهای آسمانی مکرر خویش، بذر تشیع را در دل صحابه پاشید و به مرور زمان آن را رشد داد و جمعی از اصحاب کتار چون سلمان و اباذر را شیعه نامید. با این وصف، بر طبق عقاید شیعه، مسئله امامت یک مسئله الهی و سماوی بوده و محبت به خاندان رسالت از اموری است که قرآن و سنت بر آن تأکید کرده است. از افتخارات اسلام، تنزیه حق تعالی از هر نوع جسم و جسمانیات بوده و شعار شیعیان «لیس کمثله شی» است.

اما توحید مورد نظر ابن تیمیه، توحید جسمانی بوده که سرانجام خدا را بر عرش نشانده و احیاناً نعوذ بالله از آن نیز پایین‌تر می‌آورد. با این وصف گفتمان تکفیری در تقابل با آراء و عقاید

گفتمان شیعه در مورد دو پدیده توحید و امامت قرار می‌گیرد. تحقیق حاضر موید مطالعات تجربی باغبان زاده امشه (۱۴۰۰)، میانجی و دیگران (۱۳۹۹)، باقرزاده (۱۳۹۸)، جوادی (۱۳۹۲) و فلاح تفتی و دیگران (۱۳۹۸) می‌باشد. درواقع، تأکید شیعه بر سیره نبوی و ائمه و سپردن ولایت و زعامت به ولی فقیه در زمان غیبت حضرت و همچنین شهادت طلبی و عدالت خواهی شیعیان در راستای نظام مردم سالاری دینی و اعتلای تمدن نوین اسلامی گام بر می‌دارند. مسئله‌ای که در زندگی روزمره مردم باید مورد توجه قرار گیرد، تداوم اسلام، حفظ وحدت شیعه و اهل سنت و دامن نزدن به آتش اختلافاتی که تکفیری‌ها برمی‌افروزند.

منابع و مأخذ

۱. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم (۱۴۲۶ق). *مجموعه الفتاوی*. تحقیق عامر الجزار و انور الباز. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۲. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم (۱۴۰۶ق). *منهاج السنة النبویه*. بیروت: موسسه قرطبه.
۳. ابن عابدین اله مشقی، محمد امین (۱۴۱۵ق). *رد المحتار علی الدر المختار شرح تنویر البصار*. کویت: وزارة الاوقاف.
۴. احمدی، سید عباس و دیگران (۱۳۹۱ش). ژئوپلیتیک شیعه و ارتقای جایگاه ایران در خاورمیانه پس از انقلاب اسلامی. *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*. ش ۸۰.
۵. احمدی، سید عباس و دیگران (۱۳۹۵ش). نقش انقلاب اسلامی در تحول اندیشه سیاسی و ژئوپلیتیک شیعه. *پژوهش‌های انقلاب اسلامی*. شماره ۱۶.
۶. احمدی، سید عباس و موسوی، الهام سادات (۱۳۸۹ش). جغرافیای شیعه و فرصت‌های ایران در قلمروهای شیعی جهان اسلام. *مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین المللی جغرافیدانان جهان اسلام*.
۷. اشعری قمی، سعد بن عبدالله (۱۳۶۰ش). *المقالات والفرق*. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۸. اکوانی، سید حمداله (۱۳۹۸ش). گفتمان شیعه در آراء علامه مجلسی؛ ساختارهای فرصت سیاسی و موقعیت سوزگی. *شیعه شناسی*. ش ۶۵.
۹. ایزدی، حجت الله (۱۳۸۷ش). مبانی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران. *مطالعات بسیج*. ش ۴۱.



۱۰. آدمی، علی و دیگران (۱۳۹۷ش). اسرائیل و عربستان سعودی: عصر جدیدی از همکاری دوجانبه. *پژوهش‌های راهبردی سیاسی*. ش ۵۷.
۱۱. آگشته، محمدرضا (۱۳۹۶ش). تبیین و شناخت مبنای تفکر تکفیری در عقاید گروه‌های تکفیری. *علوم و فنون نظامی*. ش ۴۱.
۱۲. باغبان زاده امشه، محمدرضا (۱۴۰۰ش). واکاوی اندیشه ابن تیمیه در باب تکفیر شیعه امامیه و نقد آن براساس منابع اهل سنت. *اندیشه نوین دینی*. ش ۶۷.
۱۳. باقرزاده، عبدالرحمن (۱۳۹۸ش). بررسی انتقادی اجماع سازی هدفمند ابن تیمیه برای کاستن جایگاه علوی. *شیعه‌شناسی*. سال ۱۷. ش ۶۵.
۱۴. باقری، محسن و دیگران. استراتژی امنیت ملی رژیم صهیونیستی و گروه‌های سلفی- تکفیری. *بحران پژوهی جهان اسلام*. شماره ۲۷.
۱۵. بخاری، محمد (۱۴۳۲ق). *الجامع الصحیح*. بیروت: دار ابن کثیر.
۱۶. آلوسی بغدادی، شهاب الدین (۱۴۲۰ق). *روح المعانی*. جلد ۶. بیروت: دارالفکر.
۱۷. پورامینی، محمدباقر (۱۳۹۲ش). تکفیر چیست؟ تکفیری کیست؟. مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۸. پورحسن، ناصر و سیفی، عبدالمجید (۱۳۹۴ش). تقابل نئوسلفی‌ها با شیعیان و پیامدهای آن بر اتحاد جهان اسلام. *شیعه‌شناسی*. ش ۵۲.
۱۹. پورحسن، ناصر (۱۳۹۵ش). جریان شناسی گروه‌های تکفیری متحد داعش در اقصی نقاط جهان. *پژوهشنامه رسانه بین الملل*. ش ۱.
۲۰. پورحسن، ناصر (۱۴۰۲ش). پیامدهای عملیات طوفان الاقصی بر توافق ابراهیم. *مطالعات راهبردی جهان اسلام*. ش ۹۵.
۲۱. جاوید موسوی، سید حمید (۱۳۸۶ش). *اتحاد اسلامی در آثار شهید مطهری*. تهران: صدرا.
۲۲. جلالی، سید لطف الله (۱۴۰۰ش). آغاز غیبت امام دوازدهم علیه السلام حیرت شیعیان و نقش عالمان شیعه در رفع آن. *شیعه‌شناسی*. ش ۷۴.
۲۳. جلالی، محمد فردین و دیگران (۱۳۹۷ش). چالش جریان‌های سلفی تکفیری علیه همگرایی اسلامی و راهکارهای مقابله با آن. *پژوهش‌های روابط بین الملل*. ش ۲۸.
۲۴. جوانی، حجت الله و جمشیدی، طاهره (۱۳۹۳ش). شهید مطهری و اهتمام به مسائل اجتماعی در احیای تفکر دینی. *شیعه‌شناسی*. شماره ۴۸.

۲۵. حبیبی تبار، حسین و مروجی طبسی (۱۳۹۱ش). توسل و زیارت در منابع اهل سنت و نقد دیدگاه وهابیت با تاکید بر زیارت امام رضا علیه السلام. پژوهش‌های اعتقادی کلامی. ش ۵.
۲۶. جوادی (۱۳۹۲ش). چگونگی پیدایش وهابیت و تاثیرگذاری آن در کشورهای اسلامی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی.
۲۷. حیدری مهذب، حسین (۱۳۹۳ش). مرور تطبیقی جریان وهابیت. پژوهش‌های منطقه‌ای. ش ۱۱.
۲۸. حیدری، محمدشریف (۱۳۸۸ش). سلفی‌گری نوین در تقابل با راهبرد وحدت اسلامی. ادیان و عرفان. ش ۲۷.
۲۹. خسروانی، عباس (۱۳۹۰ش). فرهنگ جهاد و شهادت در دفاع مقدس. روزنامه رسالت. ش ۷۳۷۳.
۳۰. خیری، رحیم (۱۳۹۶ش). ویژگی‌ها و مولفه‌های تفکر شیعی از منظر شهید مطهری. پایان نامه کارشناسی ارشد. راهنما: منصور داداش نژاد. دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی.
۳۱. دباغ، احسان و رضوان طلب، محمدرضا (۱۳۹۹ش). علت‌یابی اندیشه تکفیر مسلمانان در تفسیر قرآن کریم. مطالعات تفسیری. ش ۴۱.
۳۲. دهشیری، محمدرضا (۱۳۷۹ش). درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۳۳. دین پرست، منوچهر (۱۳۸۴ش). سفر وهابیت به مصر. زمانه. ش ۳۳.
۳۴. ذاکری، محمداسحاق (۱۳۸۱ش). اسلام و ایمان در اندیشه تقریبی علامه شرف الدین عاملی. کوثر معارف. سال ۳. ش ۴.
۳۵. رضایی، مصطفی (۱۴۰۲ش). نسبت سنجی مهدویت و تمدن نوین اسلامی در منظومه فکری مقام معظم رهبری. انتظار موعود. ش ۸۱.
۳۶. رنجبران، داوود (۱۳۸۸ش). جنگ نرم. تهران: ساحل اندیشه.
۳۷. رؤا، البویه (۱۳۷۷ش). از اسلام ایدئولوژیک تا ملی‌گرایی اسلامی در خاورمیانه. ترجمه محمد اسماعیل صادقی. ماهنامه اسلام و غرب. ش ۷ و ۸.
۳۸. زرع پیم، شاهین و جهانشاهی، مینا (۱۴۰۰ش). سلفی‌گری و خشونت سیاسی. پژوهش‌های اجتماعی اسلامی. ش ۱۲۳.
۳۹. سادات، احمد (۱۳۹۴ش). گروه‌های سلفی در نوار غزه و مواضع آنها نسبت به حکومت

حماس، سیاست جهانی. دوره ۴. ش ۱.

۴۰. سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۸۴ش). *بحوث القرآنیة فی التوحید والشک*. قم: موسسه الامام صادق علیه السلام.

۴۱. سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۶۴ش). *آیین وهابیت*. قم: موسسه دار القرآن الکریم.

۴۲. سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۷۶ش). *منشور عقاید امامیه*. قم: موسسه امام صادق علیه السلام.

۴۳. سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۸۸ش). *وهابیت، مبانی فکری و کارنامه عملی*. تهران: موسسه امام صادق علیه السلام.

۴۴. سعدی، عبدالرحمان (۱۴۲۱ش). *تیسیر الکریم الرحیم فی تفسیر کلام المنان*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۴۵. سیدنژاد، سید باقر (۱۳۸۹ش). *سلفی گری در عراق و تاثیر آن بر جمهوری اسلامی ایران*. مطالعات راهبردی. ش ۴۷.

۴۶. شافعی، عبدالملک عبدالرحمن (۱۴۲۷ش). *الفکر التکفیری عند الشیعة: حقیقة ام افتراء؟*. مصر: مكتبة البخاری.

۴۷. شجاعی زند، علیرضا (۱۳۷۶ش). *مشروعیت دینی دولت و اقتدار سیاسی دین*. تهران: تبیان.

۴۸. صدوق، محمد بن علی (۱۳۸۹ش). *التوحید*. ترجمه علی اکبر میرزایی. تهران: امیران.

۴۹. صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۸ش). *عیون اخبار الرضا علیه السلام*. ج ۱. تهران: جهان.

۵۰. الصواف، محمد (۱۹۷۹م). *المخططات الاستعمارية الاسلام*. دار الاعتصام.

۵۱. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۵۲. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش). *مجمع البیان لعلوم القرآن*. تهران: ناصر خسرو.

۵۳. طوسی، نصیر الدین (۱۴۰۷ش). *تجريد الاعتقاد*. تصحیح محمد جواد حسینی جلالی. قم.

۵۴. عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۱۰ش). *الروضة البهیة*. قم: داوری.

۵۵. عاملی، شرف الدین (۱۴۲۳ق). *الفصول المهمة*. ترجمه عبدالجبار شراره. تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

۵۶. عباس زاده فتح آبادی، مهدی (۱۳۸۸ش). *بنیادگرایی اسلامی و خشونت* (با نگاهی بر القاعده). سیاست. دوره ۳۹. ش ۴.

۵۷. علم الهدی، احمد (۱۳۷۳ش). *وهابیت/ایده/استعمار*. تهران: مسجد هدایت.
۵۸. عیوضی، محمدرحیم و دیگران (۱۳۹۵ش). قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و جریان های سیاسی شیعه غرب آسیا. *جامعه شناسی سیاسی جهان اسلام*. ش ۹.
۵۹. فاضلی نیا، نفیسه (۱۳۸۵ش). ژئوپلتیک شیعه و مسأله امنیت ملی ایران. *شیعه شناسی*. ش ۱۳.
۶۰. فاضلی نیا، نفیسه (۱۳۸۶ش). ژئوپلتیک شیعه و نگرانی غرب از انقلاب اسلامی. قم: *شیعه شناسی*.
۶۱. فتاحی زاده، فتحیه و حیدری، پروین (۱۳۸۶ش). بررسی منشا پیدایش شیعه و تفاوت آن با مذاهب دیگر. *شیعه شناسی*. ش ۲۰.
۶۲. فرمانیان، مهدی (۱۳۸۸ش). تاریخ و فرهنگ اسلامی، گرایش های فکری سلفیه در جهان امروز. *مشکوة*. ش ۱۰۴.
۶۳. فلاح تفتی، محمدرضا و دیگران (۱۳۹۸ش). عدم تکفیر شیعه از دیدگاه مذاهب اهل سنت. *فقه مقارن*. سال ۷، ش ۱۴.
۶۴. فهیمی، زهرا و کشاورز شکری، عباس (۱۳۹۷ش). جریان صهیونیستی غرب در مقابل فرهنگ تشیع. *پژوهش های سیاسی جهان اسلام*. ش ۲۹.
۶۵. قره باغ، ناظمی (۱۳۹۰ش). گفتمان وهابیت و اندیشه معاصر. *مطالعات تاریخی*. س ۸، ش ۳۲.
۶۶. کاشف الغطا، محمدحسین (۱۳۸۸ش). *آیین ما (اصل اشیه)*. ترجمه ناصر مکارم شیرازی. قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع).
۶۷. کرمانی کجور، محمد (۱۳۹۰ش). ضرورت های نقد وهابیت. *سراج منیر*. سال ۱، ش ۱.
۶۸. کریمی، علی و گرشاسبی، رضا (۱۳۹۴ش). ماهیت سیاسی جریان های تکفیری سوریه. *مطالعات ملی*. سال ۱۶، ش ۳.
۶۹. کریمی، جعفر (۱۳۷۹ش). *توحید از دیدگاه آیات و روایات*. تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
۷۰. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵ش). *الکافی*. ترجمه مصطفوی. تهران: اسلامیه.
۷۱. لژگی، علینقی و غیاثی فتح آبادی، هادی (۱۴۰۲ش). ابعاد تمدنی مقاومت اسلامی جمهوری اسلامی ایران. *مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی*. ش ۱۲.
۷۲. مجتهد زاده، پیروز (۱۳۸۳ش). *روحیه عدالت خواهی و جایگاه آن در هویت ملی ایرانیان*. تهران: موسسه مطالعات ملی.

۷۳. مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۰ش). *مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول* (ع). ج ۶۸. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۷۴. مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۸ش). *ایمان و کفر از کتاب بحار الانوار*. ترجمه عزیزالله عطاردی. تهران: عطارد.

۷۵. مجلسی، محمدباقر (۱۳۹۶ش). *حق الیقین*. قم: انتشارات امام عصر (ع).
 ۷۶. محمدی الموتی، محسن و دیگران (۱۳۹۷ش). *تجزیه و تحلیل واگرایی اعتقادی و*

اندیشه‌ای در جهان اسلام در پرتو نقش آفرینی جریان تکفیری. *انسان پژوهی دینی*. ش ۳۹.

۷۷. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۴ش). *آموزش عقائد*. تهران: چاپ و نشر بین الملل.

۷۸. مصباح یزدی، محمدتقی، *خداشناسی*. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).

۷۹. مصلی نژاد، عباس (۱۳۸۹ش). *فرهنگ سیاسی ایران*. تهران: فرهنگ صبا.

۸۰. مطهری، مرتضی (۱۳۵۸ش). *مجموعه آثار*. ج ۲. تهران: صدرا.

۸۱. مطهری، مرتضی (۱۳۸۱ش). *امامت و رهبری*. تهران: صدرا.

۸۲. مطهری، مرتضی (۱۳۸۵ش). *قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه و تاریخ*. تهران: صدرا.

۸۳. مطهری، مرتضی (۱۳۸۷ش). *آینده انقلاب اسلامی ایران*. تهران: صدرا.

۸۴. مطهری، مرتضی (۱۳۹۶ش). *توحید*. تهران: صدرا.

۸۵. مطهری، مرتضی (۱۳۹۶ش). *ولاءها و ولایت‌ها*. تهران: صدرا.

۸۶. مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۳ش). *الاختصاص*. قم: کنگره شیخ مفید.

۸۷. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۸۹ش). *اعتقاد ما*. www.shiastudes.com

۸۸. ملک زاده، محمد (۱۳۹۸ش). *متغیرهای واگرا و همگرا در روابط ایران با جهان عرب*

چشم اندازی بر تمدن نوین اسلامی. *سیاست و روابط بین الملل*. ش ۶.

۸۹. موسوی، سیدجواد (۱۴۰۰ش). *سکوت علی بن ابی طالب (ع) بعد از رحلت پیامبر (ص)*

از دیدگاه حکیم ترمذی و سید حیدر آملی. *شیعه شناسی*. ش ۷۵.

۹۰. موسوی، سیده من و بهشتی مهر، احمد (۱۳۹۹ش). *بررسی و نقد دیدگاه هاینس هالم*

در خصوص پیدایش شیعه و تشیع. *شیعه شناسی*. ش ۷۲.

۹۱. مولائی، مرتضی. *بیانیه گام دوم انقلاب*، منشور مهدویت و زمینه ساز تحقق تمدن نوین

اسلامی. *رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی*. ش ۲.

۹۲. میانجی، نسرین و دیگران (۱۳۹۹ش). *ضوابط تکفیر از دیدگاه فقه شیعه*. *پژوهش نامه*

مذاهب اسلامی. ش ۱۳.

۹۳. میرزایی، داوود و جاودانی، مهدی (۱۴۰۱ش). تحلیلی بر پیشینه شکل‌گیری و رشد

سلفی‌گری و بازتاب آن در جهان اسلامی. *پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی*. ش ۵۳.

۹۴. ناظمی قره باغ، سید مهدی (۱۳۹۰ش). گفتمان وهابیت و اندیشه معاصر ایران.

مطالعات تاریخی. ش ۳۲.

۹۵. نای، جوزف (۱۳۸۹ش). *قدرت نرم ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل*. ترجمه سید

محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری. تهران: امام صادق علیه السلام.

۹۶. نبی نژاد، محسن (۱۳۹۰ش). بر بهاری کهن‌ترین تئورسین‌های وهابیت. *سراج منیر*. ش ۴.

۹۷. نصر اصفهانی، علیرضا و وقوفی، امید (۱۳۹۹ش). روندهای حاکم بر آینده شیعه. *آینده*

پژوهی انقلاب اسلامی. ش ۲.

۹۸. نوری مطلق، علی (۱۳۸۹ش). ویژگی‌های فرهنگی و تمدنی شیعه. *شیعه‌شناسی*. ش ۲۹.

۹۹. الویری، محسن (۱۳۹۲ش). اندیشه مهدویت و تمدن نوین اسلامی. *انتظار موعود*. ش ۴۲.

۱۰۰. هرسیچ، حسین (۱۳۹۰ش). تجزیه و تحلیل ویژگی‌ها، مبانی و مولفه‌های قدرت نرم

جمهوری اسلامی ایران. *مطالعات قدرت نرم*. پیش شماره ۳.

۱۰۱. یزدانی، عنایت الله و دیگران (۱۳۹۴ش). مردم سالاری دینی: قدرت نرم جمهوری

اسلامی ایران. *پایداری فرهنگی انقلاب اسلامی* دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام

حسین علیه السلام. ش ۱۲.

102. Howarth, David, Discourse, open university press, 2000.

Berti, Benedetta and Guzansky, yoel. (2014). "Saudi Arabias fereign policy on Iran and the proxy war in Syria: toward a new chapter?" Israel journal of foreign Affairs, VIII:3.



بخش دوم: آموزه‌های معرفتی - کاربردی اهل بیت علیهم‌السلام در عصر حاضر

بررسی رابطه فسخ عزائم و معرفت فطری خدا در حکمت ۲۵۰ نهج البلاغه

با تکیه بر پاسخ به شبهه جبر

کامران اویسی^۱

چکیده

فسخ عزیمت را می‌توان از براهین خداشناسی بر اساس الهیات علوم بشری مانند کلام و فلسفه دانست که حکمت ۲۵۰ نهج البلاغه بر آن دلالت دارد؛ چرا که شکستن اراده راسخ انسان و ارتباط با معرفت فطری و توحیدی نسبت به قیومیت الهی و فقر محض بودن انسان، از نکاتی است که حکمت مذکور بر آن دلالت دارد. نوشتار حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با شیوه استنادی - کتابخانه‌ای به بررسی و تحلیل حکمت گفته شده و نیز ارتباط آن با ارتقاء معرفت فطری می‌پردازد. از سویی نیز سازگاری آن با براهین خداشناسی فلسفی و کلامی مصطلح را نیز بیان می‌کند. همسویی ثقلین با فطرت توحیدی انسان و نیز تبیین دایره اراده راسخ نسبت به قدرت الهی از دستاوردهای این مقاله است. نیز نظریه اهل بیت (علیهم‌السلام) با عنوان «الامر بین الامرین» و ملاحظه مفهوم اراده خدا و انسان پاسخی است بر شبهه جبری بودن گزاره فسخ عزائم در حکمت گفته شده و به این نتیجه منجر می‌شود که اراده الهی در مقدمات فعل انسانی چون انگیزه‌های انسان برای تصمیم‌گیری مؤثر است اما نه اثر منجر به جبر. تعبیر دیگر اثرگذاری اراده خدا، همان توفیق الهی یا عکس آن؛ یعنی حیلولة است.

کلمات کلیدی

الامر بین الامرین، توحید فطری، جبر، فسخ عزائم، نهج البلاغه.

۱. دانشیار گروه معارف قرآن و حدیث، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.

مقدمه

امیرمؤمنان علی علیه السلام در کلامی ناب می فرماید:

عَرَفْتُ اللَّهَ سُبْحَانَهُ بِفَسْخِ الْعَزَائِمِ وَحَلِّ الْعُقُودِ وَنَقْضِ الْهَمَمِ. (شریف رضی، ۱۴۱۴: حکمت ۲۵۰)

خداوند را با به هم خوردن تصمیم ها و گشوده شدن عزمها و شکستن آهنگ ها شناختم.

در بیان مسأله مورد مطالعه می توان گفت: گاه انسان تصمیم به کاری می گیرد و عزم خود را بر آن جزم می کند؛ اما گاهی علاوه بر عوامل خارجی، مانعی در قلب و ذهن انسان پیدا می شود و او را از تصمیم خود باز می دارد؛ در این که چنین حادثه ای برای همگان رخ می دهد، جای انکار نیست؛ اما سؤال این است که این موانع را به چه باید نسبت داد؟ از کلام امیرمؤمنان علیه السلام بر می آید که این موانع را باید به امری خارج از اراده انسان؛ یعنی به عالم غیب و خدا، نسبت داد. اگر این بیان به صورت یک برهان منطقی باز آفرینی گردد، می تواند قدمی در معرفت بخشی توحیدی ایجاد کند که به نظر می رسد برهانی است منطقی که برگزاره های حسی و تجربی نهاده شده و برای مخاطب درک بیشتری از دیگر برهان های معروف خداشناسی داشته، نوعی نگاه فطری آمیخته به تجربه گرایی در آن وجود دارد. انطباق برهان مستتر در حکمت ۲۵۰ نهج البلاغه با برهان آفاقی حدوث، نظم، حرکت یا فقر نفس در برهان انفسی و یا برهان امکان و وجوب سینایی و یا برهان صدرایی چون صدیقین بیان شده است. آیت الله جوادی آملی معتقد است که غالب این انطباق با توجه به آیه «سَكُنْهُمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ» (فصلت / ۵۳) صورت گرفته است. (جوادی آملی، ۱۴۳۱: ۶ / ۱۱۸)

ارتباط شکست و تغییر تصمیم ها و مقاصد و عزم های انسان با عرفان الهی از مسأله های مورد بحث متکلمان و فلاسفه و نیز محدثان است. (ر.ک: ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۱۹ / ۸۴؛ قمی، ۱۴۱۵: ۲ / ۴۰۵؛ قاری، ۱۴۲۸: ۹۰؛ سبزواری، ۱۳۸۳: ۳۸؛ اسدآبادی، ۱۴۲۳: ۵۹) برخی از مفسران نیز در تفسیر آیه «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» (حمد / ۵) (طیب، ۱۳۶۹: ۱ / ۱۰۸-۱۰۹) و آیه «وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ» (انفال / ۲۴) (کاشانی، ۱۳۴۱: ۴ / ۱۸۶-۱۸۷) و آیه «لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا» (انفال / ۴۲) (روزبهان بقلی، ۲۰۰۸: ۱ / ۵۳۰) و آیات «وَلَا تَقُولَنَّ لِيْ شَيْءٌ إِنِّي فَاعِلٌ ذَلِكَ غَدًا * إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَادْكُرْ رَبَّكَ إِذَا نَسِيتَ وَقُلْ عَسَى أَنْ يَهْدِيَنَّ رَبِّي لِأَقْرَبَ مِنْ هَذَا رَشَدًا» (کهف / ۲۴-۲۵) (فضل الله، ۱۴۱۹: ۶ / ۳۹۴-۳۹۵) و آیه «أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ» (روم / ۳۷) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۹ / ۴۴۰) و آیه «مَا تَدْرِي نَفْسٌ مَاذَا تَكْسِبُ غَدًا» (لقمان / ۳۴) (شاه عبدالعظیمی،



۱۳۶۳: ۱۰ / ۳۶۷؛ فضل الله، ۱۴۱۹: ۱۰ / ۱۹۷) و آیه «وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ» (ذاریات / ۲۱) (شریف لاهیجی، ۱۳۷۳: ۴ / ۲۵۸ - ۲۵۹) به موضوع مورد نظر و نیز حکمت مذکور، اشاره داشته‌اند که نشان از استفاده تفسیری این حکمت نهج البلاغه دارد. این کاربردها نشان از اهمیت این حکمت در کسب معرفت دارد.

نکته مهم اینجاست که هر سه فقره حکمت مورد بحث، بر یک چیز دلالت دارند و آن اینکه انسان متغیر دارای اختیار در محدوده تکالیف، در امور خود وابسته به یک مغیر قائم بالذاتی است که اختیار مطلق دارد. و این همان مطلبی است که حکیم سبزواری نیز بدان در قالب یک برهان اشاره داشته و در آخر حکمت ۲۵۰ نهج البلاغه را به عنوان مؤید آورده است. (سبزواری، ۱۳۸۳: ۳۸)؛ لذا مباحث این نوشتار بیشتر روی فقره اول تأکید دارد؛ زیرا امام علی علیه السلام دو فقره «حل العقود» و «نقض الهمم» را عطف تفسیری برای «فسخ العزائم» گرفته است؛ اما در نگاهی دقیق‌تر «فسخ العزائم» شکسته شدن تصمیم‌های قطعی انسان علی رغم اراده قوی او بر انجامش و «حل العقود» باز شدن گره‌ها در هنگامه مشکلاتی است که انسان از حل آن عاجز است؛ ناگهان دری بر روی او می‌گشایند و راه بر او هموار می‌گردد. «نقض الهمم» نیز آن تصمیم‌هایی است که کمر همت نسبت به انجام آن بسته شده، برنامه‌ریزی برایش انجام گرفته اما به سبب مواردی به ثمر نمی‌نشیند و به هم می‌خورد.

دیدگاه‌ها درباره مانع انجام عزائم

درباره چگونگی استناد فسخ تصمیم‌ها به خدا، دیدگاه مختلفی وجود دارد:

الف) مانعی که باعث فسخ تصمیم می‌شود، موجودی ممکن الوجود است؛ یعنی وجود آن ضروری نیست. بنابراین این مانع می‌تواند با وجود علت واقع شود و با نبود آن، واقع نشود. این مانع باید علتی داشته باشد و اگر علت آن خود ممکن باشد، دوباره خود آن علت نیازمند علتی است و چون تسلسل تا بی‌نهایت محال است، در نتیجه علتی وجود دارد که دیگر خودش معلول نیست؛ پس ناگزیر باید مرجح به خداوندی که دگرگون‌کننده دل‌ها و بینش‌هاست، منتهی گردد. این نوعی شناخت نسبت به ساحت الهی به بنده مؤمن می‌دهد. (ر.ک: بحرانی، ۱۳۵۱: ۵ / ۳۶۴) این برهان همان برهان وجوب و امکان است؛ زیرا تغییر و فسخ عزائم ممکناتی هستند که وجود و عدم آنها مساوی است و برای رسیدن به هر کدام باید مرجحی باشد و آن مرجح خداست و گرنه تسلسل در ممکنات پیش می‌آید.

ب) هنگام فسخ تصمیم یا باز شدن گره، نوعی تجربه دینی به انسان دست می‌دهد که در آن خدا را می‌توان شهود کرد؛ یعنی انسان در این تجربه، موجود ما فوق طبیعی یا حضور و تجلی آن را به شهود می‌یابد و وجدان می‌کند. (ر.ک: رشاد، ۱۳۸۵: ۲/ ۳۸ - ۴۰) اما به نظر می‌رسد که برهان مذکور مربوط به معرفت فطری است که گاهی به صورت تجربه دینی در انسان متجلی می‌شود. چنان که در روایت آمده است:

قَالَ رَجُلٌ لِلصَّادِقِ (ع) يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ دُلَّنِي عَلَى اللَّهِ مَا هُوَ فَقَدْ أَكْثَرَ عَلَى الْمُجَادِلُونَ وَ حَيَّرُونِي فَقَالَ لَهُ يَا عَبْدَ اللَّهِ هَلْ رَكِبْتَ سَفِينَةً قَطُّ قَالَ نَعَمْ قَالَ فَهَلْ كُسِرَ بِكَ حَيْثُ لَا سَفِينَةٌ تُنْجِيكَ وَلَا سَبَاحَةٌ تُغْنِيكَ قَالَ نَعَمْ قَالَ فَهَلْ تَعَلَّقَ قَلْبُكَ هُنَاكَ أَنْ شَيْئًا مِنَ الْأَشْيَاءِ قَادِرٌ عَلَى أَنْ يُخَلِّصَكَ مِنْ وَرَطَتِكَ فَقَالَ نَعَمْ قَالَ الصَّادِقُ (ع) فَذَلِكَ الشَّيْءُ هُوَ اللَّهُ الْقَادِرُ عَلَى الْإِنْتِجَاءِ حَيْثُ لَا مُنْجِي وَ عَلَى الْإِغَاثَةِ حَيْثُ لَا مُغِيثُ. (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۲۳۰ - ۲۳۱)

در واقع این تجربه دینی عبارت دیگری است از توحید فطری؛ یعنی همان پیدا نمودن خود واقعی انسان یا خود فطری انسان است که فقر محض است و موجودی رابط و غیر مستقل. البته این نکته نیز محل تأمل است که موانع عزائم، ناظر به نتیجه فسخ‌اند تا تجربه دینی؛ یعنی خود تجربه در اینجا موضوعیت ندارد بلکه طریقی است برای رسیدن به نتیجه حاصل از فسخ عزیمت و نوعی توکل به مشیت الهی.

ج) گاهی انسان پس از تصمیم، پشیمان می‌شود. این رویداد نفسانی، متصف به صفت وجوب و قائم به ذات نیست؛ زیرا اگر بود، حالات گوناگون را نمی‌پذیرفت؛ در حالی که گاهی هست و گاهی نیست. از طرفی قائم به نفس انسانی نیز نیست؛ وگرنه از آن سلب نمی‌شد که گاهی باشد و گاهی نباشد. بنابراین، رویداد نفسانی فسخ عزائم باید مُحدثی باشد که او قائم به ذات خود است. (ر.ک: رواندی، ۱۳۶۴: ۳/ ۳۵۱) این برهان همان برهان حدوث است که بیشتر متمرکز روی تغییرات نفسانی انسان که با اختیار اما به وسیله مقدمات اضطراری انجام می‌گیرد، متمرکز است. به قول علمای اصول «الامتناع بسوء الاختیار لا ینافی الاختیار». (حلی، ۱۴۳۲: ۴/ ۱۲۸) یعنی شرایطی اضطراری در کنار اختیار انسان پیش می‌آید که مجبور است حسب اختیاری که دارد، تصمیمش را عوض کند. تغییر شرایط گاهی دست انسان نیست و اینجاست که از تغییر تصمیم خود پی می‌برد که مَغیر شرایط چیزی بیرون از اوست. سپس با برهان‌های دیگری مانند



نظم و امکان و وجوب پی می برد که او خداست. به همین سبب برخی از علمای فیلسوف و متکلم از این حکمت در اثبات محدود بودن دایره اختیار انسان نسبت به موارد اضطراری استفاده کرده و معتقدند اختیار انسان منحصر به موارد تکلیف است. بنابراین حکم شرعی در دایره اختیار و اختیار نیز در آنجاست که حکم شرعی وجود دارد. (ر.ک: طالقانی، ۱۳۷۳: ۱/۲۸۲) و در ادامه آورده اند که عوارضی که بر انسان روی می دهد، غالباً برخلاف میل و اراده او وقوع یافته است، به طوری که قادر به دفع و رفع نمودن آنها نیست. پس این همه اضطرار و عدم اختیار، دلیل معظمی است بر وجود مختار مطلق یعنی خدای متعال، همچنان که علی علیه السلام فرموده است: «عرفت الله بفسخ العزائم». (ر.ک: سبزواری، ۱۳۸۳: ۳۸؛ خراسانی، ۱۴۱۶: ۷۱۷ - ۷۱۸) بنابراین می توان قیاسی هایی با توجه به حکمت مورد بحث تقریر نمود تا برهان فسخ عزائم تبیین گردد:

قیاس اول

صغری: دایره اختیار انسان محدود و در قلمرو تکالیف است و فراوان دیده می شود که تصمیم های او به هم خورده است و به اصطلاح فسخ عزائم پیش می آید؛
کبری: برای هرکس فسخ عزائم پیش آید، نشان می دهد که او موجود قائم بالذات نیست؛ بلکه قائم بالغیر است؛
نتیجه: انسان، قائم به ذات خودش نیست؛ بلکه قائم بالغیر است.

قیاس دوم

صغری: فسخ عزائم درباره قائم بالغیر است؛
کبری: قائم بالغیر وابسته به قائم بالذات مختار مطلق یعنی خدا است؛
نتیجه: فسخ عزائم وابسته به قائم بالذات مختار مطلق یعنی خدا است.
 این برهان در روایت مشابهی به حکمت مورد بحث نیز آورده شده است:

أَنَّ رَجُلًا قَامَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فَقَالَ لَهُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ بِمَا عَرَفْتُ رَبَّنَا قَالَ بِفَسْخِ الْعَزْمِ وَنَقْضِ الْهَمِّ لَمَّا أَنْ هَمَمْتُ فَحَالَ بَيْنِي وَبَيْنَ هَمِّي وَعَزَمْتُ فَخَالَفَ الْقَضَاءُ عَزْمِي فَعَلِمْتُ أَنَّ الْمُدَبَّرَ غَيْرِي قَالَ فِيمَاذَا شَكَرْتَ نِعْمَاهُ قَالَ نَظَرْتُ إِلَى بَلَاءٍ قَدْ صَرَفَهُ عَنِّي وَ أَبْلَى بِهِ غَيْرِي فَعَلِمْتُ أَنَّهُ قَدْ أَنْعَمَ عَلَيَّ فَشَكَرْتُهُ قَالَ فِيمَاذَا أَحْبَبْتَ لِقَاءَهُ قَالَ لَمَّا رَأَيْتُهُ قَدْ اخْتَارَ لِي دِينَ مَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَأَنْبِيَائِهِ عَلِمْتُ أَنَّ الَّذِي أَكْرَمَنِي بِهَذَا لَيْسَ يَنْسَانِي فَأَحْبَبْتُ لِقَاءَهُ.» (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۱ / ۳۳)

در روایتی دیگر از امام علی علیه السلام سؤال می‌شود که چه دلیلی بر اثبات صانع وجود دارد؟ امام می‌فرماید: «سه چیز: دگرگونی حال و ضعف ارکان و قوا و شکسته شدن نیت.» (شعیری، بی تا: ۶) در روایتی در منابع عامه آمده است:

سفيان الثوري قال بينما أنا حاج إذ دخل علي شاب لا يرفع قدماً ولا يضع أخرى إلا وهو يقول اللهم صلي محمد وعلى آل محمد فقلت له أبعلم تقول هذا قال نعم ثم قال من أنت قلت سفيان الثوري قال العراقي قلت نعم قال هل عرفت الله قلت نعم قال كيف عرفته بأنه يولج الليل في النهار ويولج النهار في الليل ويصور الولد في الرحم قال يا سفيان ما عرفت الله حق معرفته قلت وكيف تعرفه قال بفيخ العزم والهم ونقض العزيمة هممت ففيخ همتي وعزمت فنقض عزمي فعرفت أن لي رباً يدبرني. (سخاوی شافعی، ۱۴۲۲: ۱ / ۲۳۸)

با توجه به آنچه گفته شد، بیشترین رابطه بین براهین گفته شده با توحید فطری، برهان دگرگونی نفس یعنی برهان اخیر است که تأکید بر فقر وجودی انسان در مقابل خدا و توجه به محدوده اختیار انسان نسبت به تغییر شرایط دارد. این تقریر، توحید فطری را به سمت ربوبیت الهی و توجه به مدیریت مطلق او در عالم دارد. در اینجا سزاوار است تا به توحید فطری بیشتر پرداخته شود تا مطالب گفته شده، روشن تر گردند.

توحید فطری

استاد مطهری معتقد است قرآن به حکم اینکه برای انسان قائل به فطرت است و فطرت را يك بعد وجودی اساسی انسان می‌شمارد که به نوبه خود منشأ يك سلسله اندیشه‌ها و خواست‌هاست، دعوت توحیدی انبیاء را پاسخگویی به این نیاز فطری می‌داند و برای توحید، زیر بنایی جز فطرت توحیدی عمومی بشر قائل نیست. (مطهری، ۱۳۸۳: ۲/ ۱۲۱) بر اساس روایات، معرفت فطری نسبت به خدا آن است که آفرینش انسان آمیخته با معرفت توحیدی خداست. (ر.ک: برقی، ۱۳۷۱: ۱/ ۲۹۳) به گفته فیض کاشانی، این معرفت توحیدی به ویژه در گرفتاری‌ها و حالت اضطرار که از دیگران قطع امید می‌کند، یا در حالات عبادی مانند نماز و دعا و امثال آن، در انسان یافت می‌شود. (فیض کاشانی، ۱۴۲۵: ۱۷) آیت الله سبحانی اهمیت توحید فطری را به سبب مقیاس بودن فطرت می‌داند. (سبحانی، ۱۴۲۵: ۱/ ۴۹۰) در صورتی که فسخ عزائم از حالت برهانی درآید و به حالت فطری برسد، به مقیاس نزدیکتر است.



فسخ عزیمت در قرآن

چنان که در مقدمه اشاره شد، مفسران در توضیح و تفسیر برخی آیات از حکمت مورد بحث بهره برده اند؛ این می‌تواند آیاتی که در تشابه مضمونی و محتوایی با این حکمت هستند را مشخص سازد. از این بابت می‌توان به تحلیل رابطه صحیح تری درباره فسخ عزائم و معرفت خدا رسید. مهم‌ترین آیات مشابه محتوایی به ترتیب ذکر در مصحف بیان می‌شوند.

سوره حمد، آیه ۵

إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ.

آیت الله عبدالحسین طیب آورده است: «طایفه امامیه و جمعی از معتزله معتقدند که بندگان در عین اینکه در افعال خود دارای اراده و اختیارند، اراده و اختیار آنان تحت اراده و اختیار حق تعالی است و هر کاری که انجام می‌دهند مستند به اختیار خود آنهاست؛ از این جهت مستحق مدح یا ذم و ثواب یا عقاب می‌باشند؛ لکن اراده و اختیار آنان و همه اسباب و وسائل آن تحت اراده و قدرت خداوند است و اگر آنی فیض خود را از آنها قطع کند، اراده و اختیار بلکه نیرو و حیاتی برای آنها باقی نمی‌ماند. این دیدگاه را مذهب اختیار و امر بین الامرین گویند که آیه مذکور بر آن دلالت دارد.» (طیب، ۱۳۶۹: ۱۱۰/۱) در واقع ضرورت استعانت در تمامی امور به خدا زمانی ملموس تر می‌گردد که به برهم زده شدن برنامه‌های انسان با تغییر شرایط و تجدید در تصمیماتش التفات شود و خدا را معیّر علی الاطلاق بداند؛ لذا هر لحظه خود را محتاج به استعانت از او می‌داند که اگر او قضا نکند، قدری که انسان برای خود برنامه ریزی کرده است، به سرانجام نمی‌رسد. انسان نهایتاً می‌تواند از چند انتخاب، یکی را برگزیند؛ اما در صورت تغییر شرایط یا وجود مانع یا فقدان مقتضی، باید انتخاب خود را تغییر دهد. این است که انسان به محدود بودن خویش ولو با اختیاری که دارد، پی می‌برد.

سوره انفال، آیه ۲۴

وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ.

یکی از احتمالات معنایی آیه این است که خدا میان مرد و مراد دل او حائل شده و تصمیمش را بر می‌گرداند؛ به عبارت دیگر تصویری است از تملک حق نسبت به دل بنده در فسخ عزائم. در نتیجه چنان که برخی مفسران گفته اند، افعال جوارح انسان، تابع افعال قلوب است و اگر خدا

بخواهد در افعال قلوب حایل و مانع می‌گردد. (ر.ک: قمی، ۱۴۰۴/۱: ۲۷۱؛ کاشانی، ۱۳۴۱/۴: ۱۸۷ - ۱۸۶) گاهی فسخ عزائم جنبه منفی دارد؛ مثلاً گویند مؤمنان در وقت محاربه بدین فکر بودند که دشمن بسیار است و عده ما اندک و به همین جهت در دل ایشان خوف پدید آمده بود؛ به همین سبب برخی مفسران در تفسیر آیه مذکور آورده اند: «حق تعالی می‌فرماید که من میان دل کافر و امنیت فکری اش مانع شوم تا او همیشه ترسان باشد.» (کاشانی، ۱۳۴۱/۴: ۱۸۶ - ۱۸۷) گاهی نیز این فسخ عزائم جنبه مثبت دارد؛ در روایت است: «مراد از حیلولة خدا آن است که او از آنکه بنده حق را باطل و باطل را حق گرداند مانع می‌شود.» (برقی، ۱۳۷۱/۱: ۲۳۷؛ عیاشی، ۱۳۸۰/۲: ۵۲؛ ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۳۵۸) این آیه به حکمت پنهان در پشت فسخ عزائم انسان مؤمن توسط خدا اشاره می‌کند؛ یعنی اصل فسخ عزائم مسلم گرفته شده و سخن از حکمت این فسخ است.

سوره انفال، آیه ۴۲

لَيَقْضِي اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا.

برخی مفسران بر این باورند که آیه مذکور بدین معناست: «در ساحت تقدیر یعنی قدر، نمی‌توان تدبیر انسانی داشت.» (روزبهان بقلی، ۲۰۰۸/۱: ۵۳۰) حتی شیخ طوسی تدبیر الهی را دارای حُسن می‌داند نه مانند تدابیر بشری که به واسطه اقتضائاتی، قبیح گشته و لازم شود به حُسن تبدیل گردد. (ر.ک: طوسی، ۱۳۹۹/۵: ۱۲۸) سید رضی معتقد است: «آیه بیشتر در مقام بیان اجرا شدن مشیت الهی مانند پیروزی مؤمنان در بدر با تعداد کم بر کافران است.» (شریف رضی، ۱۴۰۶/۵: ۳۳) به عبارت دیگر آیه مذکور مربوط است به قضای آنچه که در علم سابق الهی بوده است. (ر.ک: محمدی ری شهری، ۱۳۸۶/۸: ۱۴۴) بنابراین ممکن است فسخ عزائم به سبب همین قضای الهی باشد؛ یعنی عزیمت در دایره مواردی است که قضای محتوم الهی به نحو دیگری بدان تعلق گرفته است. طبق آنچه که برخی علمای اصولی گفته اند، مراحل شکل‌گیری حکم عبارت است از اقتضاء و انشاء و فعلیت و تنجیز (ر.ک: حکیم، ۱۴۰۸/۲: ۸) اما همه این دیدگاه‌ها که قضای الهی محسوب می‌شوند، بعد از مراحل شوق و اراده انسان و تأثیر شرایط مختلف بر آن به افعال انسانی تعلق می‌گیرد؛ گرچه علم خدا به افعال اختیاری او نیز حتی قبل از انجام آن تعلق گرفته است و علم خدا به اختیار انسان، موجب جبر نمی‌شود. به عبارت دیگر این آیه به فسخ عزیمت انسان از ناحیه خدا در مرحله شوق و اراده انسانی و بالحاظ اختیار او و قضای الهی نشأت گرفته از علم خدا مربوط است.

سوره کهف، آیه ۲۳ و ۲۴

وَلَا تَقُولَنَّ لِشَيْءٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَلِكَ غَدًا * إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَادْكُرْ رَبَّكَ إِذَا نَسِيتَ وَقُلْ عَسَى أَنْ يَهْدِيَنِي رَبِّي لِأَقْرَبَ مِنْ هَذَا رَشَدًا.

علامه سید محمد حسین فضل الله در توضیح این آیه آورده است: «گاهی انسان برنامه طولانی مدتی می چیند بدون اینکه تغییرات زمانی را محاسبه نماید؛ اما وقتی زمانش می رسد از آن کاری که برایش عزم راسخ داشت، منصرف می گردد و امور دیگری انجام می دهد.» (فضل الله، ۱۴۱۹: ۶/ ۳۹۴-۳۹۵) ایشان دو معنا برای مشیت ذکر می کند: اول معنای عرفی آن که عبارت است از این که تمام مواردی چون انسان، امکانات طبیعی، فرصت عمل کردن همه به اراده خدا متصل است که اگر او انسان را موفق گرداند می تواند برنامه ریزی اش را به مرحله عمل برساند. معنای دوم مشیت همان معنای قضا و قدر است که در حکمت ۲۵۰ نهج البلاغه نهفته است؛ یعنی قضاء الهی می آید و آن عزیمت انسانی را فسخ می کند و قدر الهی می آید و آن همت را نقض می کند. (ر.ک: همان) آیه گفته شده به عدم استقلال انسان در قدرت و عدم مالکیت مطلق او بر خودش و افعالش نفعاً و ضرراً اشاره دارد. (ر.ک: قزوینی، ۱۴۲۹: ۲/ ۵۴۳) اما باید توجه داشت که مقصود جبر نیست؛ بلکه منظور - چنان که شیخ کلینی اشاره داشته - تعلق مشیت الهی به هر چیزی است که علم خدا بدان تعلق گرفته و در نتیجه به زودی واقع خواهد شد. (کلینی، ۱۴۲۹: ۱/ ۳۷۰)

خبر دادن قطعی از انجام فعل یا ترک آن برای انسان که قدرتش محدود است و احتمال ظهور موانع مختلف می رود، منطقی نیست و چه بسا دروغ از آب در آید و نباید قضای الهی را فراموش نمود؛ یعنی قضای الهی بدین تعلق گرفته که گاهی تصمیم اختیاری انسان به وسیله عاملی خارج از اختیار او بشکند، چرا که انسان بیش از اختیارش، قدرتی ندارد. این بدین معناست که فسخ عزیمت افعال اختیاری انسان توسط اراده و مشیت الهی، نافی اختیار او نیست؛ زیرا این فسخ عزیمت بر اساس شرایطی است که به سبب حکمت و مصلحت در کل عالم پیش می آید و باعث تغییر در عزم انسان می شود و سرچشمه این تغییر مصلحت منبعث از علم الهی است؛ یعنی خدا می داند که با تغییر وضعیت الف به ب، انسان نیز عزم خود را از الف به ب تغییر می دهد؛ اما پیدایش شرایط جدید که مسبب تغییر عزیمت است، توسط رب و مدبّر جهان ایجاد می شود.

سوره روم، آیه ۳۷

أُولَٰئِكَ يَرْوُونَ أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ.

درست است که عالم، عالم اسباب است و هرکس بیشتر تلاش کند، معمولاً بهره بیشتری از روزی‌ها دارد و آن که سست و کم تلاش، بهره کمتری؛ اما این يك قاعده کلی و همیشگی نیست. گاه افراد بسیار جدی و لایق وجود دارند که سهم کمی از روزی دارند. به عکس گاه افرادی با روزی فراخ هستند که از لحاظ ظاهری لیاقت آن را ندارند. این استثناها گویا برای این است که خداوند نشان دهد با تمام تاثیری که در عالم اسباب آفریده، نباید در عالم اسباب گم شد و نباید فراموش کرد که در پشت این دستگاه، دست نیرومند دیگری است که آن را می‌گرداند گاه چنان سخت می‌گیرد که هر چه انسان می‌کوشد، همه درها را به روی خود بسته می‌بیند و گاه آن چنان آسان می‌گیرد که هنوز به سراغ دری نیامده در برابر او باز می‌شود.

این قضیه علاوه بر اینکه با غرور نعمت و یاس ناشی از فقر مبارزه می‌کند، دلیلی است بر اینکه در ماورای اراده و خواست انسان، دست نیرومند دیگری در کار است. به همین سبب است که بعضی از مفسران نقل کرده‌اند: «از عالمی پرسیدند: چه دلیلی بر وجود خالق یکتا برای جهان متصور است؟ گفت: سه دلیل: عقب ماندگی افراد باهوش، تنگدستی هنرمندان و سخنوران، بیماری پزشکان.» (برسوی، ۱۴۱۰: ۷/۳۹) این نشان می‌دهد که داشتن شرایط شخصی برای تحقق یک هدف کافی نیست و شرایط بیرونی نیز باید به عنوان مقتضی و عدم مانع عمل کند تا نتیجه بخش باشد. همین تفاوت اوضاع و شرایط بیرونی که غالباً غیر اختیاری است، سبب می‌شود انسان در تصمیم اختیاری خود تغییراتی دهد. بنابراین آیه در صدد بیان یکی از مصادیقی است که تبلور قدرت خدا در مشیت او و بلکه فسخ عزائم را نشان دهد و آن روزی است که انسان برای به دست آوردن یا ازدیاد آن برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری می‌کند.

سوره لقمان، آیه ۳۴

مَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّا ذَاتُكَ كَيْبٌ غَدًا.

اسناد علم به خدای تعالی، و درایت را به بنده بدین دلیل است که درایت متضمن معنی حيله است و اسناد آن به انسان به فرق میان علم خالق و علم مخلوق اشعار دارد؛ نیز دلالت

دارد بر اینکه «بنده هر چند حيله کند و بذل وسع نماید، به آنچه از خير و شر ملازم اوست، عارف نشود؛ پس چگونه به اين که کجا موت او خواهد بود، عالم گردد؟» (شاه عبدالعظيمی، ۱۳۶۳: ۱۰/۳۶۷) به تعبیری ديگر «انسان به ظروف و اسباب خير و شر و سعادت و شقاوتش واقف نيست.» (فضل الله، ۱۴۱۹: ۱۰/۱۹۷) آيه نامبرده به مصداق مهم جهل انسان درباره اکتساباتش و مرگ خود اشاره دارد و اينکه هيچ گاه انسان نمی تواند تمامی اسباب و عوامل و مقتضيات و موانع را با علم ناقص خود لحاظ کند. به همين سبب در گاهی موارد دچار فسخ عزيمت می گردد. در واقع آيه مذکور به يکی از مهم ترين بخش های زندگی انسان يعنی زندگی معيشتی و کسب روزی اشاره دارد که از ملموس ترين قسمت های زندگی هر شخص است. توجه به اينکه هرکس برای کسب رزق تلاش می کند؛ اما نمی داند که فردا چه چيزی و به چه مقدار روزی خواهد داشت، نشان از احاطه قدرت الهی با توجه به مشيت حکيمانه و مصلحت آميز ناشی از علم الهی دارد. برنامه ريزی های انسان برای کسب روزی آینده، با توجه به شرايط مختلف خارج از اختيار او چون بيماری، مرگ، نوسانات بازار کسب و امثال آن، سبب می شود که او متوجه قدرت بالاتر از اختيار خود را درک کند و مغرور به اختيار محدودش نگردد و دائماً متوسل و متوکل به او باشد.

سوره زاریات، آيه ۲۱

وَفِي أَنفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ.

شريف لاهیجی اين آيه را با برهان فسخ عزائم مبنی بر شناخت انسان از نفس محدود خود تفسير نموده است. (ر.ک: شريف لاهیجی، ۱۳۷۳: ۴/ ۲۵۸ - ۲۵۹) چنان که عروسی حویزی نیز روايات فسخ عزائم را به عنوان روايات تفسیری آيه مذکور آورده است. (ر.ک: عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۱۲۳/۵) در واقع اين همان برهان معرفت انفسی است که به وجود فقری انسان در مقابل خالقش (ر.ک: اهري، ۱۳۵۳: ۱۳۲) يا اتقان و احکام صنع انسان و پي بردن از آن طريق به خالق متقن و محکم (ر.ک: اخوان الصفا، ۱۴۱۲: ۲/ ۳۹۴)، توجه می دهد که از راه های توحيد فطری نیز محسوب می گردد. (ر.ک: سبزواری، ۱۴۰۹: ۳/ ۸۰) خلاصه مطلب اين است که انسان در خودش نظر می افکند و چيزی جز فقر نمی بيند، اين فقر وجودی مصاديق متعددی دارد که يکی از آنها احتياج به توفيق الهی و موافقت همه شرايط درونی و بيرونی برای به فعليت رساندن عزم و اراده انسان است. با توجه به عموميت آيه مذکور، می توان دلالت آن بر فسخ عزيمت را پذيرفت؛ يعنی

انسان می بیند که گاه با توجه به شرایط عادی جسمی و روحی خود و نیز اوضاع معمول بیرون از خود، تصمیمی را می گیرد. با تغییر برخی از شرایط - که آیه به تغییر شرایط خصوصی و شخصی و درونی فرد اشاره دارد - تصمیم گیری های اختیاری انسان نیز دچار تغییراتی می شود. آگاهی به محدود بودن شخص تصمیم گیرنده حتی با وجود مختار بودنش، فطرتاً انسان را به فقری در مقابل خدای غنی رهنمون می سازد که می توان آن را توحیدی فطری اما برهانی دانست.

پاسخ به اشکال جبری بودن گزاره فسخ عزائم

یکی از اشکال هایی که ممکن است در ابتدا بر گزاره های حکمت ۲۵۰ ایراد گردد، انگاره جبری بودن آن است. سزاوار است به این موضوع نیز از دیدگاه کلامی شیعه پاسخ داده شود. مسلک جبر مخالف ادله عقلی و نقلی حتی وجدان است و مسلک تفویض نیز سبب قول به تعطیل از ناحیه خدا می گردد. (ر.ک: طبرسی نوری، ۱۳۹۶: ۲ / ۳۷۸ - ۳۹۸؛ طیب، ۱۳۶۹: ۱ / ۱۰۹؛ سبزواری، ۱۴۰۹: ۱ / ۱۳۳) اما طبق روایات «لا جبر و لا تفویض، بل أمر بین أمرین» (کلینی، ۱۴۲۹: ۱ / ۳۸۹؛ ابن شعبه حرّانی، ۱۴۰۴: ۴۶۰) «الأمر بین الأمرین» یعنی خدا به بندگان قدرت داده است تا بعد از وجود دواعی و انگیزه ها فعل از فاعل صادر گردد و به صورت مباحثی به انسان منسوب شود که مجبور نیست. اما از طرفی می توان به خدا غیر مباشرت نسبت داد؛ زیرا او به مباحث اذن داده و به حسنات بندگان رضایت می دهد و بدان ترغیب می کند و ثواب می بخشد و نسبت به ترک برخی افعال از سوی انسان یا انجام برخی دیگر عقاب می دهد و نفس اماره و شیطان را خلق کرده است. این انتساب به خدا اقتضائی است. این تحلیل در کلمات فلاسفه و حتی تفکیکیان نیز دیده نمی شود. (ر.ک: مروارید، ۱۴۱۸: ۱۶۸ - ۱۶۹؛ سبزواری، ۱۴۰۹: ۱ / ۱۳۷ - ۱۳۸)

در نهایت بر اساس این نظریه، انسان ها مجبور نیستند؛ زیرا دارای قدرت و اختیارند و از سوی دیگر، کارها به طور مطلق، به انسان ها تفویض نشده؛ زیرا خداوند نیز نسبت به مقدرات انسان ها قادر است؛ بلکه مالکیت انسان در طول مالکیت خداست و خدا به داشتن قدرت، مالک تر و توانا تر است. از این رو، هر لحظه که بخواهد، می تواند از به کار گرفته شدن قدرت به وسیله انسان یا تأثیر قدرت اعطا شده به او جلوگیری کند و یا اصل قدرت را از انسان، سلب نماید. برای فهم بهتر رابطه فسخ عزائم و مسأله «الأمر بین الأمرین» تحلیل مفاهیمی چون اراده خدا و اراده انسان نیکوست.



اراده خدا

اراده خدا، یکی از مراحل فعل الهی است که مسبوق به علم الهی می باشد. اراده الهی، صفتی ذاتی همچون علم نیست؛ بلکه از صفات فعلی خدا و حادث است. در احادیث، اراده الهی به دو قسم حتمی و غیر حتمی، تقسیم شده است. اراده حتمی، تخلف ناپذیر است و حتماً واقع خواهد شد؛ اما در اراده غیر حتمی، امکان تغییر وجود دارد. (ر.ک: سبحانی، ۱۴۱۲: ۱/ ۱۷۳؛ محمدی ری شهری، ۱۳۸۶: ۷/ ۱۶۳) در هر صورت طبق روایات، علم خدا پیش از خواست او، و خواست و مشیت او پیش از اراده او و اراده او پیش از قدر او و قدر پیش از قضا و قضا پیش از امضا و اجراست. (ر.ک: کلینی، ۱۴۲۹: ۱/ ۳۶۴) نکته مهم این است که مشیت و اراده الهی به فعل انسان تعلق نمی گیرد؛ زیرا فعل انسان ناشی از قدرتی است که خدا به او اعطا نموده است و خواست و قدرت بنده علّت مستقل عمل اوست و جایگاه اراده الهی به مقدمات عمل انسان و انگیزه‌ها و حدود اختیار انسان بر می گردد که گاهی به توفیق یا سلب توفیق الهی تعبیر می شود. این نظر با روایاتی که امر می کنند افعال بندگان به خدا منسوب نگردد، موافق است. (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۹۶)

اراده انسان

مخلوقات نسبت به وجود و عدم اراده به گونه‌هایی قابل تقسیم‌اند:

الف) آنها که از رغبت و شوق خالی‌اند مانند جانداران و گیاهان درجه پایین چون کرم و حشره و گیاهان که کار را برای رفع نیاز انجام می دهند. مانند حرکت ریشه‌ها و شاخه‌های گیاه.
ب) مخلوقاتی که دارای احساس و شهوتند مانند حیوانات که کارهایشان بر اساس غریزه و شهوت خالی است نه از روی عقل. اینها نیز اراده ندارند مگر در مقدمات کارهایشان. در نتیجه اگر کسی اراده در حیوان را می پذیرد منظور اراده در مقدمات فعل است و آنکه در حیوان نفی می کند، مقصودش اراده‌ای ثابت چون اراده انسان است.

ج) مخلوقاتی که هم احساس و شهوت و رغبت دارند و هم ادراک مثل انسان. او کارها را بر اساس شهوت و رغبت و درک انجام می دهد؛ بنابراین اراده در او وجود دارد.

د) مخلوقات دارای تعقل کامل که بدون شهوت کارشان را انجام می دهند مانند ملائکه که اراده آنها نیز کامل است. تقسیم چهارگانه موجودات در کلام برخی فلاسفه پیدا است. (ر.ک: سبزواری، ۱۴۰۹: ۸/ ۸۷ - ۸۸)

برخی در تعریف اصطلاحی اراده در انسان گفته اند: «به معنای خواستن و رغبت و امری نفسانی است و زائد بر ذات او است که اراده چیزی مستلزم کراهت ضد آن می باشد.» (سیوری، ۱۴۰۵: ۱۱۸) در واقع، اراده انسان، همان عملیات نفسانی است که از فاعل قادر آگاه، قبل از انجام کار سر می زند. تقدّم این عملیات بر افعال، گاهی فقط رتبه ای است؛ مانند افعال پی در پی یا کلمات محسوس سخنران بلیغ ماهر که در هر کلمه صادر از او مشیت و خواست، اراده، تقدیر، قضا وجود دارد. چرا که اگر خواست و اراده نبودند، این کلمات از دهان او بیرون نیامده بود و اگر تقدیر و قدر و اندازه گیری نبود، کلمات با این فصاحت صادر نمی شدند و اگر قضا نبود، این سخنرانی در بیرون محقق نمی شد و وجود خارجی نداشت؛ اما به علت سرعت زیاد متکلم در ادای کلمات، همه عناصر گفته شده در فعل خارجی صادره، فانی می شوند و بر هم تقدّم و تأخّر ندارند. این نوع اراده متعلق به افعال است. این مقدّمات نفسانی؛ یعنی مشیت و اراده در مورد عملی که در آینده باید انجام شود، بر فعل خارجی تقدّم زمانی دارند. به نظر می رسد فسخ عزائم برای همین مورد اخیر است که انسان درباره عملی که در آینده تصمیم گرفته انجام دهد، دچار فسخ و نقض می شود.

در نتیجه الامر بین الامرین؛ یعنی هدایت توفیق الهی و انگیزه هایی که او ایجاد می کند، در افعال بندگان تأثیر دارد؛ اما به درجه اجبار و سلب قدرت نمی رسد. چنان که سلب توفیق و نصرت الهی و واگذار کردن انسان به حال خودش، در انجام معصیت و ترک اطاعت مؤثر است اما به درجه اجبار نمی رسد و اعمال او را نمی توان به خدا نسبت داد. بنابراین مشیت و اراده خدا این است که انسان فعل یا ترک فعل را با قدرت و مشیت و اراده خودش که خدا به او اعطا کرده است، انجام دهد. پس این کلام امام علی علیه السلام که فرمود: «و شئت اذا شئت ان اشائه وارده اذا اردت ان اریده» (قیومی اصفهانی، ۱۳۸۱: ۲/ ۵۴۸) تأییدی بر نظریه گفته شده در تفسیر «الامر بین الامرین» است. البته که انسان مؤمن کسی است سعی می کند اراده اختیاری او همان باشد که خدا هم دوست دارد و می خواهد. چنان که در حدیث آمده است:

يَا دَاوُدُ تُرِيدُ وَ أُرِيدُ فَإِنْ اِكْتَفَيْتَ بِمَا أُرِيدُ مِمَّا تُرِيدُ كَفَيْتَكَ مَا تُرِيدُ وَإِنْ أَبَيْتَ إِلَّا مَا تُرِيدُ أَتَعْبَتُكَ فِيمَا تُرِيدُ وَ كَانَ مَا أُرِيدُ. (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۳۳۷)

در اینجا نیز بحث از اراده است که از مقدمات عمل انسان است و منجر به جبر نمی شود.



نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گفته شد، فسخ عزائم از جمله روایاتی است که نمونه آن در منابع عامه از سفیان ثوری نیز ذکر شده است؛ غالب دانشمندان امامیه به ویژه حکما و متکلمان آن را به براهین خدا شناسی چون برهان امکان و وجوب و حدوث و تغییر ارجاع داده‌اند که با تأمل در تعبیر آنها، بازگشت فسخ عزائم به برهان توحید فطری به معنای ثابت کننده فقر وجودی انسان حداقل در یکی از مصادیق آن یعنی احتیاج به توفیق الهی و نیز موافقت و همراهی دیگر شرایطی که از اختیار انسان خارج می‌باشد، برای به فعلیت رسیدن خواسته انسان محتمل است؛ یعنی گاهی انسان بر اساس شرایط موجود و معمول، تصمیمی می‌گیرد که بر اثر تغییرات بیرونی و محیطی در شرایط و اوضاع و یا حتی درونی چون سلامتی و مریضی شخص، تصمیم خود را فسخ می‌کند و یا به تصمیم دیگری تغییر می‌دهد. این فسخ عزیمت، ناشی از تغییراتی است که از محدوده اختیار انسان خارج است؛ اما تحت قدرت الهی و با اراده و مشیت ناشی از علم و مصلحت و حکمت الهی صورت گرفته است. انسان در صورت توجه یافتن به فقر وجودی خود به ویژه التفات به محدود بودن دایره اختیار خود، به گونه فطری به سوی مختار مدبر مطلق و غنی رهنمایی می‌شود.

برخی آیات قرآن به فسخ عزیمت انسان از سوی خدا با تأکید بر حتمی بودن قضای الهی و برخی نیز به مبهم بودن سرنوشت فردای انسان در برخی زمینه‌ها مثل کسب روزی و برخی با تکیه بر خودشناسی انسان مبتنی بر فقر وجودی و محدودیت شخصی او به مسأله فسخ عزیمت اشاره داشته‌اند. از طرفی اشکال جبری بودن گزاره فسخ عزائم با عنایت به مسأله قضا و قدر و «الامر بین الامرین» پاسخ داده می‌شود؛ یعنی قضای الهی به این تعلق گرفته است که انسان، افعالش را از روی اختیار انجام دهد — که این همان قدر است — و در عین حال شرایط و اوضاع نیز بر فعل او تأثیر بگذارند. در نهایت می‌توان گفت: هدایت توفیق الهی و انگیزه‌هایی که او ایجاد می‌کند، در افعال بندگان تأثیر دارد؛ اما به درجه اجبار و سلب قدرت نمی‌رسد. چنان که سلب توفیق و نصرت الهی و واگذار کردن انسان به حال خودش، در انجام معصیت و ترک اطاعت مؤثر است اما به درجه اجبار نمی‌رسد و اعمال او را نمی‌توان به خدا نسبت داد. بنابراین مشیت و اراده خدا این است که انسان فعل یا ترک فعل را با قدرت و مشیت و اراده خودش که خدا به او اعطا کرده است، انجام دهد.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ابی الحديد، عبد الحميد بن هبة الله (۱۴۰۴). شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد. قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي.
۳. ابن بابويه، محمد بن علي (۱۳۹۸). التوحيد. قم: دفتر انتشارات اسلامي.
۴. ابن بابويه، محمد بن علي (۱۳۶۲). الخصال. قم: دفتر انتشارات اسلامي.
۵. اهری، عبد القادر بن حمزة بن ياقوت (۱۳۵۸). الاقطاب القطبية او البلغة في الحكم. تهران: انجمن فلسفه ايران.
۶. ابن شعبه حراني، حسن بن علي (۱۴۰۴). تحف العقول. قم: دفتر انتشارات اسلامي.
۷. اخوان الصفا (۱۴۱۲). رسائل اخوان الصفاء و خلان الوفاء. بيروت: الدار الاسلامية.
۸. اسدآبادي، جمال الدين (۱۴۲۳). التعليقات على شرح العقائد العنصرية. قاهره: مكتبة الشروق الدولية.
۹. بحراني، ابن ميثم علي بن ميثم (۱۳۵۱). شرح نهج البلاغة. تهران: نشر الكتاب.
۱۰. برقي، احمد بن محمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱). المحاسن. قم: دار الكتب الإسلامية.
۱۱. جوادى آملی، عبد الله (۱۳۷۷). براهين اثبات وجود خدا. قم: اسراء.
۱۲. جوادى آملی، عبد الله (۱۴۳۱). رحيق مختوم (شرح حکمت متعالیه). قم: اسراء.
۱۳. حکيم، محسن (۱۴۰۸). حقائق الأصول. قم: کتابفروشی بصيرتی.
۱۴. حقی برسوی، اسماعيل (۱۴۱۰). تفسير روح البيان. بيروت: دار الفكر.
۱۵. حلی، حسين (۱۴۳۲). أصول الفقه. قم: مكتبة الفقه و الاصول المختصة.
۱۶. خراساني، ابو جعفر (۱۴۱۶). هداية الأمة إلى معارف الأئمة. تهران: مؤسسة البعثة.
۱۷. راوندي، هبة الله (۱۳۶۴). منهاج البراعة في شرح نهج البلاغة. قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي.
۱۸. رشاد، علي اكبر (۱۳۸۵). دانشنامه امام علي عليه السلام. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامي.
۱۹. رضى، محمد بن حسين (۱۴۰۶). حقائق التأويل في متشابه التنزيل. بيروت: دار الأضواء.
۲۰. رضى، محمد بن حسين (۱۴۱۴). نهج البلاغة. تحقيق صبحي صالح. قم: هجرت.
۲۱. روزبهان بقلی، روزبهان بن ابی نصر (۲۰۰۸). عرائس البيان في حقائق القرآن. بيروت: دار



الكتب العلمية / منشورات محمد علی بیضون.

۲۲. سبحانی، جعفر (۱۴۱۲). *الإلهيات على هدى الكتاب والسنة والعقل*. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.

۲۳. سبحانی، جعفر (۱۴۲۵). *رسائل ومقالات*. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.

۲۴. سبزواری، عبدالاعلی (۱۴۰۹). *مواهب الرحمن في تفسير القرآن*. نجف: دفتر سماحه آیت الله العظمی السبزواری.

۲۵. سبزواری، هادی (۱۳۸۳). *هادی المضلین*. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

۲۶. سخاوی شافعی، محمد بن عبدالرحمن (۱۴۲۲). *القول البديع في الصلاة على الحبيب الشفيع*. بیروت: دار الریان للتراث.

۲۷. سیوری، مقداد (۱۴۰۵). *إرشاد الطالبين إلى نهج المسترشدين*. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.

۲۸. شاه عبدالعظیمی، حسین (۱۳۶۳). *تفسير اثني عشرى*. تهران: میقات.

۲۹. شریف لاهیجی، محمد بن علی (۱۳۷۳). *تفسير شريف لاهيجي*. تهران: دفتر نشر داد.

۳۰. شعیری، محمد بن محمد (بی تا). *جامع الأخبار*. نجف: مکتبه الحیدریه.

۳۱. طالقانی، نظر علی (۱۳۷۳). *کاشف الأسرار*. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.

۳۲. طبرسی نوری، اسماعیل (۱۳۹۶). *کفایة الموحدين*. قم: رسالت.

۳۳. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۹۹). *التبيان في تفسير القرآن*. بیروت: دار إحياء التراث العربي.

۳۴. طیب، عبدالحسین (۱۳۶۹). *اطيب البيان في تفسير القرآن*. تهران: اسلام.

۳۵. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰). *تفسير العياشي*. تهران: المطبعة العلمية.

۳۶. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵). *تفسير نور الثقلين*. قم: اسماعیلیان.

۳۷. فضل الله، محمد حسین (۱۴۱۹). *من وحی القرآن*. بیروت: دار الملائک.

۳۸. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۲۵). *أنوار الحکمة*. قم: بیدار.

۳۹. قاری، علی (۱۴۲۸). *شرح کتاب الفقه الأكبر للإمام أبي حنيفة*. بیروت: دار الكتب العلمية.

۴۰. قزوینی، ملا خلیل بن غازی (۱۴۲۹). *الشافعي في شرح الكافي*. قم: دارالحديث.

۴۱. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴). *تفسير القمي*. قم: دار الكتاب.

۴۲. قمی، قاضی سعید محمد (۱۴۱۵). *شرح توحید الصدوق*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴۳. قیومی اصفهانی، جواد (۱۳۸۱). *صحیفه امام علی (ع)*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴۴. کاشانی، فتح الله بن شکرالله (۱۳۴۱). *منهج الصادقین فی إلزام المخالفین*. تهران: کتابفروشی اسلامیة.
۴۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹). *الکافی*، قم، دار الحديث.
۴۶. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۶). *دانشنامه عقاید اسلامی*. قم: دار الحديث.
۴۷. مروارید، حسنعلی (۱۴۱۸). *تنبيهات حول المبدأ والمعاد*. مشهد: آستان قدس رضوی.
۴۸. مطهری، مرتضی (۱۳۸۳). *مجموعه آثار استاد شهید مطهری*. تهران: صدرا.
۴۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*. تهران: دار الکتب الإسلامية.

کارکرد سیره اقتصادی - تربیتی حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) در عصر مدرن

از رهگذر تحلیل محتوای سیره عملی

فرشته معتمد لنگرودی^۱

چکیده

امروزه مشکلات اقتصادی و تحریم‌های اعمال شده نسبت به جوامع اسلامی، شکاف‌های عمیق اقتصادی را میان جوامع به ویژه در نهاد خانواده ایجاد کرده است. از سوی دیگر، برنامه جامع سعادت‌مندان زندگی را می‌توان از قرآن کریم و گفتار و سیره معصومان (علیهم السلام) دریافت کرد. توجه به سیره حضرت زهرا (علیها السلام) از منظر اقتصادی نقش اساسی در بهبود روابط اقتصادی در نهاد خانواده‌ها دارد؛ چراکه ایشان به عنوان زن در خانواده در سازماندهی و مدیریت اقتصادی بهترین نقش را ایفا کرده است. این پژوهش با روش تحلیل محتوا به بازنمایی سیره عملی حضرت زهرا (علیها السلام) از جنبه اقتصادی توجه دارد. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که در سیره عملی حضرت نقش منابع غیرمادی از منابع مادی برجسته‌تر است و ساده‌زیستی و ارائه الگوی همسان با سایر مردم عصر خویش در زندگی ایشان فراوان مشاهده می‌شود. به کارگیری تدابیر اقتصادی، مدارا در برابر مشکلات اقتصادی، حاکمیت خداوند در زندگی، اعتدال در تأمین نیازهای طبیعی، انفاق در راه خدا و توجه به محرومان، تناسب درخواست‌ها با توانایی‌های همسر، شکرگزاری و تقسیم کار از دیگر مؤلفه‌های سیره اقتصادی حضرت زهرا (علیها السلام) است.

کلمات کلیدی

فاطمه زهرا (علیها السلام)، سیره اقتصادی، تحلیل محتوا، ساده‌زیستی، مدارا.

۱. استادیار گروه مطالعات قرآنی، پژوهشگاه علوم انسانی، تهران، ایران و دانشجوی پسا دکتري دانشگاه الزهراء (علیها السلام).

F.motamad@alzahra.ac.ir.

بیان مسئله

مطابق حدیث ثقلین، قرآن و عترت همتای یکدیگرند (صفار، ۱۳۶۲: ۴۳۲) و هدایت امت اسلامی در تلازم و پیوستگی میان این دو ثقل است. شناخت سیره عملی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام به عنوان ثقل اصغر، در هدایت زندگی بشر به سوی فلاح و رستگاری دنیا و آخرت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از سوی دیگر، در عصر حاضر مسئله اقتصاد و بهبود معیشت از اولویت‌های اساسی کشور به شمار می‌آید تا آن جا که از سال ۸۸ تاکنون رهبر معظم انقلاب شعارهای سال را در راستای اقتصاد مقاومتی انتخاب کرده‌اند. همچنین کشورهای مختلف، تحریم‌ها و دشواری‌های فراوان و ویژه‌ای را نیز به دنبال داشته‌اند. نظام سرمایه‌داری همه زندگی را با معیار سود و زیان والدین می‌سنجد، فرزنددار شدن و اشتغال زنان بر پایه اقتصاد شکل می‌گیرد (Becker & Barro, 1986: 41). خانواده در مکتب اسلام، پایه ارتقای روحی و تکامل انسان و زمینه رشد معنوی و شکل گرفتن روحیات اجتماعی، ایثار و گذشت و سایر فضائل اخلاقی است و بُن مایه اصلی آن توحید و قرب الهی است. بُعد اقتصادی خانواده نیز در این مسیر معنا می‌یابد و براساس آن تعریف می‌شود. آگاهی از اقتصاد خانواده و کیفیت تعامل اعضای آن با یکدیگر برای هر خانواده‌ای لازم است و جوانان با اطلاع از این امور می‌توانند زندگی مناسب‌تری شروع کنند و حقوق همسر و فرزندان را مراعات نمایند. در این میان، برنامه جامع و سعادت‌مندانه سیره معصومان علیهم السلام می‌تواند الگوی مناسب برای موضوع اقتصاد باشد.

حضرت زهرا علیها السلام به عنوان الگوی حسنه بهترین نقش را در مدیریت و سازماندهی اقتصاد خانواده ایفا کرده است؛ از این رو، الگوپذیری از سیره عملی حضرت زهرا علیها السلام جهت استخراج سیره اقتصادی ایشان در خانواده می‌تواند الگوی جامعی برای نهادینه‌سازی آن در خانواده‌ها داشته باشد. در پژوهش حاضر، مقوله سیره اقتصادی حضرت زهرا علیها السلام در روایات استخراج شده از سیره عملی ایشان با روش تحلیل محتوا مورد بررسی قرار گرفته است و تلاش خواهد شد تا این موضوع تبیین گردد که الگوی سیره اقتصادی حضرت زهرا علیها السلام مطابق سیره عملی ایشان چگونه ترسیم می‌شود؟

ضرورت الگو گرفتن از سیره اقتصادی حضرت زهرا علیها السلام از چند جهت اهمیت ویژه‌ای دارد. اولاً؛ وجود حضرت زهرا علیها السلام، آینه تمام نمای اهل بیت علیهم السلام است به گونه‌ای که حتی فرزندان معصومش به سیره و روش ایشان تمسک می‌جویند. در توقیعات امام زمان علیه السلام آمده است: «وَفِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ لِي أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (طوسی، ۱۴۱۱: ۲۸۶)؛ «سیره دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله برای من

الگوی نیکویی است». ثانیاً؛ وجود و معرفی الگوی مناسب برای جامعه حیاتی است. وجود حضرت زهرا (ع) به عنوان الگوی فراجنسیتی و فرازمانی و مکانی است. وجود انسان کامل اعم از زن و مرد به گونه‌ای است که برای انسان‌های دیگر، مایه هدایت و رشد و تکامل بوده و سخن، رفتار و تفکر او که برآمده از نفس کامل و معصوم اوست برای هر انسانی قابل بهره‌برداری است (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ۲۸)، لذا الگوها مهم‌ترین عوامل مؤثر بر ذهنیت و عینیت مخاطب هستند. از همین رو، توجه نظری و عملی عمیق به الگوها، متناسب با جهان‌بینی و ارزش‌شناسی اسلامی اهمیت مضاعفی می‌یابد.

در زمینه سیره اقتصادی حضرت زهرا (ع) پژوهش‌هایی انجام شده است. از جمله می‌توان به مقاله «نگرش قرآنی بر حماسه‌های سیاسی اقتصادی حضرت فاطمه زهرا (ع)» (۱۳۹۲ش) از حسین حرّ و «بررسی اقتصاد خانواده؛ با الگوپذیری از سیره عملی حضرت زهرا (ع)» از زیبا فروزش اشاره نمود که به صورت گزاره‌ای سیره اقتصادی حضرت (ع) را برشمرده است. کتاب «زندگی برتر: اصول اقتصاد مقاومتی با الهام از زندگی حضرت زهرا (ع)» (۱۳۹۶ش) از مهدی نیلی‌پور که اصول اقتصاد مقاومتی را ذکر کرده و برای آنها مثال‌هایی از سیره حضرت زهرا (ع) بیان کرده است. همچنین پایان‌نامه «مدیریت اقتصادی در خانواده با الگوپذیری از سیره حضرت زهرا (ع)» (۱۳۹۸ش) توسط هاجر ورمزیار نگاشته شده که با روش توصیفی مؤلفه‌های اقتصادی در سیره حضرت (ع) را بیان کرده است. بررسی پیشنهاد پژوهش‌های مرتبط با سیره اقتصادی حضرت زهرا (ع) گویای آن است که سیره اقتصادی فاطمی هنوز براساس رویکرد جامع به سیره عملی ایشان با رویکرد تحلیل محتوا مورد واکاوی قرار نگرفته است.

روش تحقیق

روش تحلیل محتوا یکی از روش‌های پژوهش است که از گذشته‌ای نسبتاً دور مورد استفاده قرار گرفته و امروزه در علوم اجتماعی و خارج از آن کاربرد فراوانی یافته است. این روش در ساده‌ترین شکل، به بیرون کشیدن مفاهیم مورد نیاز پژوهش از متن مورد مطالعه می‌پردازد، مفاهیمی که در قالب مقولاتی منظم، سامان می‌یابند (Krippendorff, 1980: 18). در واقع، تحلیل محتوا یکی از روش‌های شناسایی و جمع‌آوری اطلاعات است که با توجه به موضوع، شرایط و هدف هر تحقیقی، کاربردی خاص پیدا می‌کند و تلاش دارد از طریق بررسی اسناد مکتوب متنی و غیر متنی، به واکاوی ماهیت اسناد بپردازد (ر.ک: بیبی، ۱۳۹۲: ۷۲۴). لورنس

باردن معتقد است «تحلیل محتوا در حقیقت فنّ پژوهشی عینی، اصولی و کمی به منظور تفسیر و تحلیل محتواسـت. تفکر بنیادی تحلیل محتوا عبارت است از قرار دادن اجزای یک متن (کلمات، جملات، پاراگراف‌ها و مانند آن بر حسب واحدهایی که انتخاب می‌شوند) در مقولاتی که از پیش تعیین شده‌اند» (باردن، ۱۳۷۵: ۲۹). به عقیده یکی از پژوهشگران معاصر، تحلیل محتوا در رابطه با متنی معنا پیدا می‌کند که آن متن برای انتقال پیام‌ها و مفاهیم معینی نوشته شده و دارای ماهیتی مشخص باشد. لذا، تحلیل محتوا در مورد کلمات عامیانه‌ای که دارای مفاهیم ساده بدیهی و مشخص هستند، به کار نمی‌رود. پیام‌هایی که به وسیله متن منتقل می‌شود، می‌تواند دارای معانی مختلفی باشد لذا به واسطه تحلیل محتوا باید معنای اصلی آن پیام را بازشناخت. روش بازشناسی و تحلیل این پیام‌ها به صورت نظام‌مند بوده و از قوانین و دستورهای مشخصی پیروی می‌کنند؛ لذا آشنا شدن با روش تحلیل محتوا نیز ضروری است (جانی‌پور، ۱۳۹۰: ۱۹۶).

تحلیل محتوا به دو روش تحلیل محتوای مبتنی بر کمیّت و تحلیل محتوای مبتنی بر کیفیت تقسیم می‌شود. بدین ترتیب، در روش تحلیل محتوا، پیام‌ها به صورت منظم کدگذاری و به گونه‌ای طبقه‌بندی می‌شوند که پژوهشگر بتواند آنها را به صورت کمی تجزیه و تحلیل کند (Krippendorff, 1980: 28).

تکنیک اتخاذ شده در این پژوهش، فنّ تحلیل محتوا براساس واحد جملات به شرح زیر است:

۱. تجميع کلیه احادیث سیره حضرت زهرا (علیها السلام) مرتبط با اقتصاد در نرم افزار (اکسل)؛
۲. بررسی کامل محتوای هر حدیث جهت یافتن موضوع اصلی هر حدیث: «موضوع اصلی» عنوانی کلیدی و کلی است که بیانگر مقصود اصلی هر حدیث می‌باشد. این موضوع کلی بوده و چارچوب اصلی متن را تشکیل می‌دهد؛
۳. بررسی عناصر تشکیل دهنده هر حدیث (جملات محتوایی) جهت یافتن موضوعات فرعی، منظور از موضوعات فرعی عناوینی هستند که هر چند به صورت مستقل در متن عنوان نشده‌اند لیکن تشکیل دهنده مفهوم اصلی آن هستند؛
۴. استخراج اطلاعات آماری از موضوعات فرعی احادیث یا روایات در قالب نمودار؛
۵. بررسی و تحلیل موضوعات فرعی هر دسته به منظور ایجاد یک طبقه‌بندی مضمونی برای هر موضوع؛
۶. مدل‌سازی و ارائه نظریه بر اساس نتایج پژوهش.



بدین ترتیب، در این پژوهش سعی شده تمامی احادیث و روایات وارده درباره سیره اقتصادی حضرت زهرا (ع) که در کتب روایی وجود دارد بررسی شود. در استخراج روایات، به منابع روایی از جمله الکافی، مناقب آل ابی طالب (ع)، قرب الإسناد، من لایحضره الفقیه، الأمالی (ابن بابویه)، الأمالی (طوسی)، بشاره المصطفی لشعبة المرتضی و بحار الأنوار مجلسی مراجعه و در نهایت ۱۲ روایت در سیره اقتصادی حضرت زهرا (ع) طبقه بندی شد که در ادامه به بررسی آنها پرداخته خواهد شد. ناگفته نماند بررسی روایات از نظر محتوایی مورد نظر نویسنده بوده است نه سندی و روایاتی که مخالفی با قرآن، سنت قطعی، عقل و علم قطعی نداشته باشند؛ محتوای آن مورد قبول است (ر.ک: معرفت، ۱۳۸۳: ۱/۲۱۹). ضمن آنکه در این پژوهش هر روایت با توجه به اینکه به یک موضوع و اتفاق خاص اشاره دارد، یک واحد تحلیل محتوا در نظر گرفته شده است.

جدول تحلیل محتوای کمی روایات سیره اقتصادی حضرت زهرا (ع)

نخستین مرحله عملی تحلیل محتوا، ترسیم جدول تحلیل کمی است. در این جدول، متن روایات بیان شده و سپس مضامین اصلی و فرعی هر روایت معین و به مضامین فرعی کد اختصاص داده و در جدول اکسل ثبت شده است. این کدها متشکل از حرف لاتین (H) به همراه عدد است. بدین ترتیب، در بخش تحلیل کیفی به محض مواجه شدن با کد، مضمون مشخص می گردد که این مضمون از چه روایتی استنباط شده است.

جدول ۱: تحلیل محتوای کمی روایات سیره اقتصادی حضرت زهرا (ع)

ردیف	متن روایت	موضوع اصلی	موضوع فرعی	کد
۱	إِنَّ فَاطِمَةَ (ع) صَمِنَتْ لِأَعْلَى (ع) عَمَلَ الْبَيْتِ وَالْعَجِينَ وَالْخُبْزَ وَقَمَّ الْبَيْتِ وَصَمِنَ لَهَا عَلِيٌّ (ع) مَا كَانَ خَلْفَ الْبَابِ نَقْلَ الْحَطَبِ وَأَنْ يَجِيءَ بِالطَّعَامِ فَقَالَ لَهَا يَوْمًا يَا فَاطِمَةُ هَلْ عِنْدَكَ شَيْءٌ قَالَتْ وَالَّذِي عَظَّمَ حَقِّكَ مَا كَانَ عِنْدَنَا مُنْذُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ شَيْءٌ نَقْرِيكَ بِهِ قَالَ أَفَلَا أَخْبَرْتَنِي قَالَتْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) نَهَانِي أَنْ	الگوی خانوادگی سیره عملی حضرت زهرا (ع)	همدلی با شوهر کم توقعی و حیاء به کارگیری تدابیر اقتصادی تناسب درخواست ها با توانایی های شوهر	H1 H2 H3 H4

H5	مدارا در برابر مشکلات اقتصادی		أَسْأَلُكَ شَيْئًا فَقَالَ لَا تَسْأَلِينَ ابْنَ عَمِّكَ شَيْئًا إِنْ جَاءَكَ بِشَيْءٍ [عَفْوٍ] وَ إِلَّا فَلَا تَسْأَلِيهِ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۳ / ۳۱).	
H6	ساده زیستی			
H7	تواضع و فروتنی			
H8	ارائه الگوی زندگی همسان با توده مردم	الگوی فردی سیره عملی حضرت زهرا (ع)	۲	
H9	قناعت			
H10	ساده زیستی			
H11	شکرگزاری			
H12	کار مضاعف در خانه	الگوی خانوادگی سیره عملی حضرت زهرا (ع)	۳	
H13	اعتدال در تأمین نیازهای طبیعی			
H14	قناعت			
H15	ارائه الگوی زندگی همسان با توده مردم			
H16	حاکمیت خداوند در زندگی			
H17	به کارگیری تدابیر اقتصادی			

H18	ساده زیستی			
H19	شکرگزاری			
H20	تقسیم کار			
H21	ارائه الگوی زندگی همسان با توده مردم			
H22	پرهیز از کارهای مردانه	الگوی خانوادگی توصیف سیره عملی حضرت زهرا (ع)	تَقَاصَى عَلَى وَفَاطِمَةَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فِي الْخِدْمَةِ، فَقَضَى عَلَى فَاطِمَةَ بِخِدْمَةِ مَا دُونَ الْبَابِ، وَقَضَى عَلَى عَلَى مَا خَلْفَهُ. قَالَ: فَقَالَتْ فَاطِمَةُ: فَلَا يَعْلَمُ مَا دَاخَلَنِي مِنَ السُّرُورِ إِلَّا اللَّهُ يَا كَفَائِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ تَحْمِلُ رِقَابَ الرِّجَالِ (حمیری، ۱۴۱۳: ۵۲).	4
H23	محبوب بودن کار خانه برای حضرت زهرا (ع)			
H24	شکرگزاری			
H25	حاکمیت خداوند در زندگی			
H26	مدارا در برابر مشکلات اقتصادی	الگوی فردی توصیف سیره عملی حضرت زهرا (ع)	وَرُويَ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ قَالَ لِرَجُلٍ مِنْ بَنِي سَعْدٍ. أَلَا أُحَدِّثُكَ عَنِّي وَعَنْ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ - أَنَّهَا كَانَتْ عِنْدِي فَاسْتَقْتِ بِالْقَرْيَةِ حَتَّى أَثَّرَ فِي صَدْرِهَا وَطَحَنَتْ بِالرَّحَى حَتَّى مَجَلَتْ يَدَاهَا وَكَسَحَتِ الْبَيْتَ حَتَّى اغْبَرَّتْ ثِيَابُهَا وَ أَوقَدَتْ تَحْتَ الْقُدْرِ حَتَّى دَكِنَتْ ثِيَابُهَا فَأَصَابَهَا مِنْ ذَلِكَ ضَرٌّْ شَدِيدٌ (ابن بابویه، ۱۳۷۱: ۱/۳۲۰).	5
H27	اعتدال در تأمین نیازهای طبیعی			
H28	ساده زیستی			
H29	به کارگیری تدابیر اقتصادی			
H30	ارائه الگوی زندگی همسان با توده مردم			
H31	ساده زیستی	الگوی اجتماعی	كَانَ النَّبِيُّ ﷺ إِذَا قَدِمَ مِنْ سَفَرٍ بَدَأَ	6

H32	اتفاق در راه خدا و توجه به محرومان	توصیف سیره عملی حضرت زهرا علیها السلام	بِقَاطِمَةَ علیها السلام فَدَخَلَ عَلَيْهَا فَأَطَالَ عِنْدَهَا الْمَكْثَ فَخَرَجَ مَرَّةً فِي سَفَرٍ فَصَنَعَتْ قَاطِمَةُ علیها السلام مَسَكَّتَيْنِ مِنْ وَرَقٍ وَ قِلَادَةٍ وَ قُرْطَيْنِ وَ سِتْرًا لِبَابِ الْبَيْتِ لِقُدُومِ أَبِيهَا وَ زَوْجِهَا علیها السلام فَلَمَّا قَدِمَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله دَخَلَ عَلَيْهَا فَوَقَفَ أَصْحَابُهُ عَلَى الْبَابِ ... (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۳ / ۲۰).	
H33	ارائه الگوی زندگی همسان با توده مردم			
H34	عظمت حضرت زهرا علیها السلام			
H35	تقسیم کار	الگوی خانوادگی سیره عملی حضرت زهرا علیها السلام	عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، رَوَى هِشَامُ بْنُ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ كَانَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام يَخْتَطِبُ وَ يَسْتَقِي وَ يَكُنُسُ وَ كَانَتْ قَاطِمَةُ علیها السلام تَطْحَنُ وَ تَعْجِنُ وَ تَخْبِزُ (کلینی، ۱۴۰۷: ۵ / ۸۶).	۷
H36	ساده زیستی			
H37	اعتدال در تأمین نیازهای طبیعی			
H38	ارائه الگوی زندگی همسان با توده مردم			
H39	به کارگیری تدابیر اقتصادی			
H40	حسن معاشرت			
H41	قناعت	الگوی خانوادگی سیره عملی حضرت زهرا علیها السلام	أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: رَوَّجَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله عَلِيًّا قَاطِمَةَ علیها السلام عَلَى دِرْعِ حُطَمِيَّةٍ وَ كَانَ فِرَاشُهَا إِهَابَ كَبْشٍ يَجْعَلَانِ الصُّوفَ إِذَا اضْطَجَعَا تَحْتَ جُنُوبِهِمَا (همان: ۳۷۷).	۸
H42	ساده زیستی			
H43	مهریه کم			
H44	ارائه الگوی زندگی همسان با توده مردم			
H45	تناسب درخواست ها با توانایی های شوهر			
H46	پرهیز از تجملات در ازدواج			
H47	اولویت دادن دیگران بر خود	الگوی خانوادگی سیره عملی حضرت زهرا علیها السلام	مَرَضَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ علیهما السلام وَ هُمَا صَبِيَّانِ صَغِيرَانِ فَعَادَهُمَا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ مَعَهُ رَجُلَانِ فَقَالَ أَحَدُهُمَا يَا أَبَا الْحَسَنِ لَوْ نَذَرْتُ فِي ابْنَيْكَ نَذْرًا	۹
H48	حاکمیت خداوند در زندگی			

H49	نزل آیات ۵ تا ۲۲ سوره انسان در شأن حضرت زهرا علیها السلام و خانواده شان		إن الله عَافَاهُمَا ... (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۲۵۶)	
H50	مدارا در برابر مشکلات اقتصادی			
H51	ساده زیستی			
H52	بخشش و ایثار			
H53	اتفاق در راه خدا و توجه به محرومان			
H54	قناعت	الگوی فردی سیره عملی حضرت زهرا علیها السلام	صَلَّتْ فَاطِمَةُ علیها السلام فِي دُرْعٍ وَ خِمَارِهَا عَلَى رَأْسِهَا لَيْسَ عَلَيْهَا أَكْثَرُ مِمَّا وَارَتْ بِهِ شَعْرَهَا وَ أَذْنَيْهَا (ابن بابویه، ۱۳۷۱/۱: ۲۵۷).	۱۰
H55	ساده زیستی			
H56	ارائه الگوی زندگی همسان با توده مردم			
H57	مواسات با دیگران	الگوی اجتماعی سیره عملی حضرت زهرا علیها السلام	صَلَّى بِنَا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله صَلَاةَ الْعَصْرِ فَلَمَّا انْقَضَ جَلَسَ فِي قِبْلَتِهِ وَ النَّاسُ حَوْلَهُ فَبَيْنَا هُمْ كَذَلِكَ إِذْ أَقْبَلَ إِلَيْهِ شَيْخٌ مِنْ مُهَاجِرَةِ الْعَرَبِ [عَلَيْهِ] سَمَلٌ قَدْ تَهَلَّلَ وَ اخْتَلَقَ وَ هُوَ لَا يَكَادُ يَتِمَّالِكُ ضَعْفًا وَ كِبَرًا فَأَقْبَلَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَسْتَجْلِيهِ الْخَبَرُ فَقَالَ الشَّيْخُ يَا نَبِيَّ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَنَا جَائِعٌ الْكَبِدِ فَأَطْعَمْنِي ... (طبری آملی، ۱۳۸۳: ۲ / ۱۳۷).	۱۱
H58	اولویت دادن دیگران بر خود			
H59	عظمت اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله			
H60	مقام رفیع حضرت زهرا علیها السلام			
H61	اتفاق در راه خدا و توجه به محرومان			
H62	حاکمیت خداوند در زندگی			
H63	اطاعت از ولی امر			
H64	ساده زیستی	الگوی خانوادگی سیره	أَصْبَحَ عَلَى صلی الله علیه و آله ذَاتِ يَوْمٍ سَاغِبًا، فَقَالَ: يَا فَاطِمَةُ، هَلْ عِنْدَكَ شَيْءٌ	۱۲

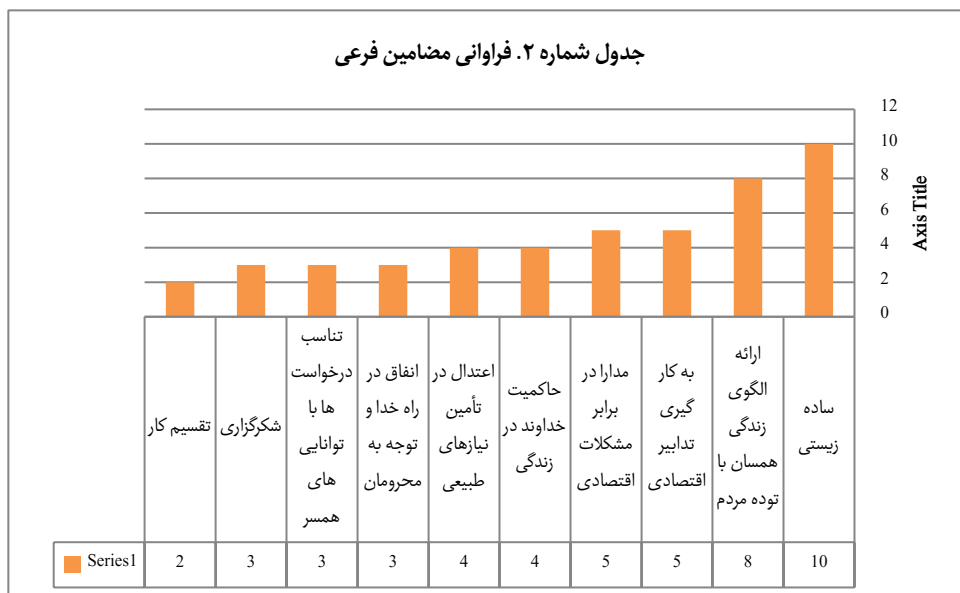
H65	به کارگیری تدابیر اقتصادی	عملی حضرت زهرا (ع)	تُطْعِمِينِي قَالَتْ: وَالَّذِي أَكْرَمَ أَبِي بِالنُّبُوَّةِ، وَأَكْرَمَكَ بِالْوَصِيَّةِ، مَا أَصْبَحَ عِنْدِي شَيْءٌ يَطْعَمُهُ بَشَرٌ، وَمَا كَانَ مِنْ شَيْءٍ أَطْعَمْتُكَ مِنْذُ يَوْمَيْنِ إِلَّا شَيْءٌ كُنْتُ أَوْثَرُكَ بِهِ عَلَى نَفْسِي وَعَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ. قَالَ: أَعَلَى الصَّبِيِّينِ! أَلَا أَعْلَمْتَنِي فَاتَيْكُم بِشَيْءٍ قَالَتْ: يَا أَبَا الْحَسَنِ، إِنِّي لَأَسْتَجِي مِنْ إِلَهِي أَنْ أَكْلِفَكَ مَا لَا تَقْدِرُ (طوسی، ۱۴۱۴: ۶۱۶).
H66	تناسب درخواست ها با توانایی های شوهر		
H67	کم توقعی و حياء		
H68	مدارا در برابر مشکلات اقتصادی		
H69	تواضع و فروتنی		
H70	همدلی با شوهر		

مطابق جدول فوق، در ستون مضامین اصلی، عناوین کلیدی و کلی روایات بیان شده است. موضوع اصلی، بیانگر مقصود اصلی روایات است اینکه روایت یاد شده در چه حوزه‌ای و درباره چه موضوعی سخن گفته است. در ستون مضامین فرعی، نقاط تمرکز و عناصر تشکیل دهنده مفهوم اصلی روایات درج شده است. به عبارت دیگر، مضامین فرعی، لایه‌های درونی متن روایت را آشکار می‌سازد که در جدول شماره ۲، میزان فراوانی موضوعات فرعی درج شده است. برای این اساس، در مقوله مذکور، ساده‌زیستی و ارائه الگوی زندگی همسان با توده مردم بیشتر مورد توجه و اهتمام حضرت بوده است.

تحلیل محتوای کیفی

در این مرحله که خلاصه‌ای از یافته‌ها و ایده‌های کل فرایند پژوهش است، به تجزیه و تحلیل ذهنی داده‌ها پرداخته می‌شود. تحلیل‌های کمی راه ورود برای تحلیل‌های کیفی را هموار می‌کنند و در اصل نشان می‌دهند که پژوهشگر بر اساس چه مبنایی به تحلیل‌های کیفی پرداخته است (Krippendorff, 1980: 26). تحلیل‌های کیفی، به مثابه تکنیکی برای بررسی عمق بیشتر از پدیده اتخاذ می‌شوند که در نهایت منجر به نظریه‌پردازی می‌گردند (هولستوی، ۱۳۹۱: ۱۴). از این رو، پس از ترسیم و بررسی محتوایی روایات سیره اقتصادی حضرت زهرا (ع)، در ادامه برای روشن شدن بحث به تحلیل کیفی به تناسب فراوانی مضامین فرعی پرداخته می‌شود:

جدول شماره ۲. فراوانی مضامین فرعی



۱. ساده زیستی

ساده زیستی به معنای قناعت و استفاده بهینه از محصولات مصرفی و دوری از اسراف و تبذیر و تجمل گرایی است. در این رویه زیستی، تنها مواد مورد نیاز در حد عرف جامعه یا حتی پایین تر از آن تهیه می شود و به صورت بهینه از آنها استفاده می گردد. مطابق آموزه های دینی ساده زیستی، نقش بی بدیلی در رشد فردی و اجتماعی دارد، به طوری که حق پذیری، رشد دنیوی و اخروی، آسودگی خاطر، رشد فکری و رفتاری، حکمت و بصیرت، شناخت عیوب دنیا و درک وضعیّت محرومان از جمله مهم ترین آثار ساده زیستی محسوب می شود (ر.ک: زاهدی و کریمی درجه، ۱۳۹۲: ۲۳-۴۰). فرد با ساده زیستی از وابستگی به دنیا خلاص می یابد و آزادی معنوی در او متبلور شود، از این رو، فرد ساده زیست فرصت بیشتری برای رشد معنوی دارد؛ چراکه زندگی انسان در دنیا محدود است و باید برای نیازهای ماندگار خود سرمایه گذاری کند و از آنجا که وابستگی به دنیا انسان را محدود و از تقرّب به خداوند باز می دارد، هر چه انسان زندگی اش آسان و سبک باشد، مرگ وی نیز چنین خواهد بود از این امام علی علیه السلام می فرماید: «تَخَفُّوا تَلَحُّقُوا (نهج البلاغه: خطبه ۱۶۷)؛ زندگی ساده داشته باشید و سبک بار باشید».

ساده زیستی نوعی سبک زندگی است که به طور مستقیم بر اقتصاد خانواده مؤثر است و از مخارج غیر ضروری و هر گونه اسراف و تبذیر جلوگیری می کند و در نتیجه، امکانات مالی

خانواده هدر نمی رود و سرمایه خانواده محفوظ می ماند. این رویه، قناعت و رضایت به داشته ها را به همراه دارد. امام رضا (ع) می فرماید: «قناعت باعث خویشترنداری، ارجمندی و آسوده شدن از زحمت فزون خواهی و بندگی در برابر دنیاپرستان است» (اربلی، ۱۳۸۱: ۲/۳۰۷).

بر اساس نتایج حاصل از تحلیل محتوای کمی، مطابق با نمودار شماره ۲، میزان فراوانی موضوع ساده زیستی بیشترین فراوانی را در سیره اقتصادی حضرت زهرا (ع) دارد. مهم ترین شاخصه سیره عملی حضرت زهرا (ع) از منظر اقتصادی، ساده زیستی ایشان است. مستندترین نشانه در این زمینه، جهیزیه ایشان است (H46). گزارش های فریقین حاکی از آن است که زندگی ایشان با وسایلی بسیار ساده نظیر کوزه آب، کاسه و متکایی که از گیاه اذخر پر شده بود (طوسی، ۱۴۱۴: ۴۱؛ احمد بن حنبل، بی تا: ۱/۱۰۶؛ نسائی، ۱۳۴۸: ۶/۱۳۵) به فرموده حضرت زهرا (ع) او و پسر عمویش زندگی خود را در حالی آغاز کردند که فرش شان تکه ای پوست گوسفند (ابن ماجه، بی تا: ۲/۱۳۹۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۳/۱۱۴) و بالش هایشان با لیف خرما پُر شده بود (طوسی، ۱۴۱۴: ۴۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۳/۱۳۰).

اکتفا به غذای اندک و معاش کم، استفاده از حداقل امکانات زندگی از خصوصیات آشکار سیره عملی حضرت زهرا (ع) در ساده زیستی است (H6, H10, H18, H28, H31, H36, H42, H51, H64, H55). آنچه از این سیره استخراج می شود، عبارت است از دل نبستن به مظاهر دنیا و رهایی از تجملات و تشریفات زاید زندگی و بی پیرایه بودن است و اینگونه حضرت به اصلاح الگوی مصرف خانواده کمک کرده است. حتی حضرت زهرا (ع) هرگز از مشکلات اقتصادی به همسر خود شکایت نکرد و از او بیشتر از توانایی اش درخواست نکرد (H6). سادگی حضرت زهرا (ع) به حدی بود که تعجب و شگفتی سلمان را برانگیخت (H12).

ساده زیستی حضرت زهرا (ع) نه از روی فقر، بلکه برخاسته از اوج معرفت و غنای ایشان بود. بهترین شاهد مدعا، بخشی از زندگی آن حضرت است، زمانی که پیامبر (ص) فدک را در اختیار ایشان قرار داد، سادگی خانه اش تغییر نکرد. در حالی که فدک، ناحیه ای پر نعمت و حاصلخیز و دارای نخلستان و چشمه های جوشان بود (بکری، ۱۴۱۸ق، ۳: ۲۶۸)^۱ و فاطمه (ع) درآمد حاصل

۱. ساکنان فدک در اصل یهودی بودند از پیامبر اکرم (ص) درخواست صلح نمودند که در مقابل نیمی از اموال زمین های فدک، به آنان اجازه دهد تا در این سرزمین باقی بمانند. رسول خدا نیز پذیرفت. چون فدک بدون جنگ تصرف شد، مشمول حکم خداوند در آیه ۷ سوره حشر گردید و «خالصه» رسول اکرم (ص) گردید (جصاص، ۱۴۰۵: ۵/۳۱۸). محدثان و مفسران شیعه بر آن هستند که پیامبر فدک را

از آن را در راه رضایت معبود به مساکین و مستمندان انفاق می کرد و هرگز نشانه ای از تجملات در زندگی ایشان ثبت نشده است، گرچه اگر می خواست بر این کار قادر بودند.

۲. ارائه الگوی زندگی همسان با توده مردم

وجه دیگر سیره عملی حضرت زهرا (ع) از منظر اقتصادی و اجتماعی، ارائه الگویی از زندگی همسان با زندگی توده مردم بود. رفتار اجتماعی حضرت در جامعه اسلامی مدینه، گویای آن است که آن حضرت در سیره اجتماعی خود بر آن بودند تا الگوی زیست خود را همسان با توده های مردم ارائه نماید و به گونه ای می زیست که هیچ گاه فاصله ای با زندگی عامه مردم نداشته باشد (H8, H15, H21, H30, H33, H38, H44, H56). مطابق مجموع گزارش های رسیده از روایات، حضرت زهرا (ع) با تأسی از پدرش، نه تجمل گرا بود و نه زهد فروش و از هر گونه آسایش طلبی و تجمل گرایی دوری می جست. نخستین گواه این موضوع، جهیزیه ساده و مراسم ازدواج آن حضرت است (H43, H45). همسان سازی زندگانی حضرت زهرا (ع) با توده مردم، در زندگی زناشویی هم ادامه داشت. ماجرای برگرفتن پرده خانه و فرستادن آن نزد پیامبر (ص) و انفاق آن به فقراء (H33)، آسیاب کردن گندم به طوری که دست هایشان آسیب دیده بود (H30) و پوشیدن تن پوش متناسب با پایین ترین مردمان آن زمان (H8) از نمونه های بارز در این زمینه است که این موارد همگی، بر زندگی ساده و بی آرایش حضرت زهرا (ع)، در حد زیردستان جامعه و بلکه پایین تر از آنان دلالت دارد تا جایی که پیامبر (ص) را نیز متأثر ساخت. پیامبر (ص) در مواجهه با کار مضاعف دخترش با چشمان گریان به وی فرمود: «نَعَجَلِي مَرَاةَ الدُّنْيَا بِحَلَاوَةِ الْآخِرَةِ» (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹: ۳/ ۳۴۲)؛ «سختی دنیا را برای شیرینی آخرت تحمل کن». مطابق این سخن، پیامبر (ص) دخترش را به سبب اشتغال فراوان در منزل مدح کرده و آن را یک نوع عبادت برمی شمرد.

۳. مدارا در برابر مشکلات اقتصادی

به طور کلی، مدارا به عنوان یک خصیصه اخلاقی از مهم ترین ارکان زندگی ساز است؛ چرا که با صبر و مدارا زندگی تحمل پذیر می شود. سلامت روانی، پوشیده ماندن عیوب، سرازیر شدن برکات الهی و پایداری دوستی و صمیمیت میان اعضای خانواده از مهم ترین آثار مدارا در برابر

در سال هفتم هجری، با استناد به مفاد آیه «وَآتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ» (اسرا/ ۲۶) به حضرت زهرا (ع) بخشید (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/ ۵۴۳؛ طوسی، بی تا: ۶/ ۴۶۸-۴۶۹).

مشکلات اقتصادی است. امروزه بسیاری از نگرانی‌ها و مشکلات روانی از جمله اضطراب‌ها و افسردگی‌ها، از نبود مدارا، عجز بودن و هضم نکردن مشکلات در زندگی ناشی می‌شود. کمبود امکانات رفاهی از خصوصیات بارز زندگی فاطمه علی‌ها و امام علی علی‌ها بود. بدیهی است که وسایل اندک زندگی، تنگناهایی برای حضرت زهرا علی‌ها در پی داشت، مدارا در برابر این مشکلات، مهم‌ترین سیره عملی ایشان بود. حضرت زهرا علی‌ها با خانه‌داری شایسته و کمک گرفتن از همسرش در کار خانه، سختی‌های خانه‌داری و فرزندداری را برطرف می‌کرد و بدین صورت با مشکلات اقتصادی مدارا می‌نمود (H5, H26, H50) و گاه گرسنگی چند روزه را تحمل می‌کرد، اما سخنی نمی‌گفت که نشان از نارضایتی و شکوه از همسر باشد (H68). حتی در برخی منابع گزارش شده است که حضرت علی‌ها برای کمک به درآمد خانواده، گاهی پشم‌ریسی می‌کرد (کوفی، بی‌تا: ج ۱، ۱۷۸؛ ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۲۵۷). بدون تردید اتخاذ رویه اخلاقی مدارا در فعالیت‌های اقتصادی منزل، منبعث از ملکات پایدار نفسانی حضرت علی‌ها است که می‌توان این رویه را در نهاد خانواده بسترسازی کرد. ضمن آنکه از مهم‌ترین کارکردهای مدارا و تحمل در برابر مشکلات اقتصادی، اختلاف نداشتن و سازگاری در زندگی خانوادگی حضرت زهرا علی‌ها است. ایشان میزان نیازهای مادی زندگی‌اش را خود تعریف می‌کرد و در مسائل روحی و معنوی نیز بنا بر اصل محبت به همسر، از منظری الهی رفتار می‌نمود. بدین ترتیب، تمام عرصه‌های همسرمداری و زندگی را به خوبی مدیریت می‌کرد.

۴. به کارگیری تدابیر اقتصادی

اقتصاد منزل بر دو رکن تولید ثروت و چگونگی مصرف استوار است و خانواده‌ای موفق است که میزان مصرفش با میزان درآمد و امکانات آن، همخوانی داشته باشد. در اسلام هر چند تأمین خانواده بر عهده مرد است (خمینی، ۱۳۹۰: ۲/۳۱۳؛ خوئی، ۱۴۱۰: ۲/۲۸۷) و هیچ مسئولیتی بر عهده زن نیست، اما زن در نحوه مصرف و اداره و تدبیر خانواده نقش برجسته دارد. زن به دلیل نقش ویژه در امور اقتصادی منزل و یاری به همسر، در روایات به عنوان یکی از دو پیشه‌ور و کاسب در زندگی مرد تلقی شده است (طوسی، ۱۴۱۴: ۶۱۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۳: ۶۰). سیره فاطمی به عنوان الگوی زنان مسلمان، در زمینه قناعت و عدم زیاده‌خواهی و فشار بر همسر برای رفع نیازهای غیرضروری به طور واضح وظیفه زنان جامعه را مشخص می‌سازد. سیره عملی حضرت زهرا علی‌ها به گونه‌ای بود که در منزل به شغل پشم‌ریسی مشغول بود (ابن



بابویه، ۱۳۷۶: ۲۵۷؛ حسکانی، ۱۴۱۱: ۲/ ۴۰۴) و خودشان به آرد کردن گندم مشغول می شد (H17, H29, H39, H65) و از این طریق به همسرش در تأمین مایحتاج منزل کمک می کرد. سیره فاطمی در میزان مصرف را باید با سختی های همسرش امام علی علیه السلام در تأمین درآمد به دلیل مشغله فراوان او در کنار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، درک جایگاه خویش به عنوان فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله، الگوپذیری مسلمانان از ایشان و وضع نامناسب اقتصادی مسلمانان در آن مقطع زمانی (سال های اول تا پنجم هجرت)، در نظر گرفت. به رغم تلاش امام علی علیه السلام، مشکلات اقتصادی گاه باعث می شد در خانه حضرت طعمی برای سیر کردن امام حسن و حسین علیه السلام یافت نشود. با وجود این، حضرت زهرا علیه السلام به تدبیر خانه همت می گماشت به طوری که گاه امام علی علیه السلام متوجه نمی شد در خانه مواد غذایی نیست و وقتی حضرت علی علیه السلام پرسید: چرا اطلاع ندادی؟ حضرت فرمود: یا ابوالحسن، از خدا حیا کردم از تو چیزی بخواهم که توان انجام دادن آن را نداری (طوسی، ۱۴۱۴: ۶۱۶) (H65).

۵. حاکمیت خداوند در زندگی

مهم ترین شاخصه زندگانی حضرت زهرا علیه السلام خدامحوری بود. چنانکه این شاخصه در سیره اقتصادی ایشان نیز نمود برجسته دارد. زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله از زندگی پُر مشقت دختر خویش مواجه شد، حضرت زهرا علیه السلام چنین فرمود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى نِعْمَائِهِ وَالشُّكْرُ لِلَّهِ عَلَى آلائِهِ» (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹: ۳/ ۳۴۲) این کلام حضرت علیه السلام بیانگر صبر، سادگی و محوریت خداوند در زندگی ایشان است که تأثیر فزاینده ای در محبت و استحکام خانواده دارد. خشنودی و رضایت حضرت علیه السلام، ارمغان خدامحوری در زندگی است. همچنین روح خدامحوری در انفاق به محرومان نهفته است (H48, H62). از آنجا که حضرت علیه السلام به حیات جاودانه ایمان دارد و آن را برتر از زندگی دنیوی می داند، دنیا را وسیله ای برای نیل به کمالات معنوی و سعادت اخروی تلقی می نماید. در این نوع بینش، عمل اقتصادی نیز در واقع، مآل اندیشی و آخرت طلبی است؛ زیرا برای پیمودن راه سعادت آخرت جز گذشتن از دنیا راه دیگری نیست (ر.ک: قصص / ۷۷). به عبارت دیگر، انسان تربیت یافته در مکتب اسلام خالق و مالک اصلی تمام منابع و مواهب را خدای متعال می داند که چند روزی آن را به امانت نزد انسان سپرده است (نور/ ۳۳) و او موظف است که براساس خواست امانت گذار آن را به کار گیرد. در این صورت انسان با وجود مصرف اندک و حتی با نداشتن ثروت می تواند از زندگی خویش لذت ببرد. افرادی که فقط به

دنبال تشریفات و دنیاگرایی باشند، نمی‌توانند به اهداف والایی در زندگی دست یابند؛ چراکه این بینش مانع جدی در مسیر رشد و تعالی معنوی و کمال انسانی آنان است.

خانه‌داری حضرت زهرا (س) به عنوان یکی از مهم‌ترین جلوه‌های فعالیت اقتصادی است که نمود الهی دارد. به طور کلی، در اسلام خانه‌داری بر زنان واجب نیست (نجفی، ۱۳۶۶: ۳۱/۲۰؛ خمینی، ۱۴۰۹: ۲/۳۰۵) و آنان می‌توانند در ازای کار منزل از همسر خود مزد بگیرند (مراجع، ۱۳۸۷: ۲/۴۰۷)؛ همچنان که می‌توانند قصد تبرع کنند و به کارهای منزل جهت قربی و الهی بدهند و مزد آن را به عنوان عبادت، از پروردگار بخواهند. چنین کاری افزون بر آنکه زن را از تنگنای کار برای بشر و مادیات خارج و به فراخنای کار برای خدا گسیل می‌کند و از آثار روان‌شناختی کار توحیدی بهره‌مند می‌سازد، باعث می‌گردد که زن همواره مورد تقدیر و احترام همسرش قرار گیرد (ر.ک: فضل‌الله، ۱۳۸۳: ۱۵۶).

همچنین زمانی که پیامبر (ص) تقسیم وظائف را به حضرت زهرا (س) و امام علی (ع) پیشنهاد کرد. حضرت (س) در شادمانی حاصل از تقسیم وظائف نیز خداوند را محوریت قرار دادند: «فَلَا يَعْلَمُ مَا دَاخَلَنِي مِنَ السُّرُورِ إِلَّا اللَّهُ» (حمیری، ۱۴۱۳: ۵۲). بی‌شک، به هر میزان خدای متعال در زندگی انسان وارد بشود، خودخواهی‌ها از وی بیرون خواهد شد و به هر میزان که خودخواهی و منیت کاسته شود، از برخوردهای خشمگینانه و بداخلاقی‌ها کاسته خواهد شد.

۶. اعتدال در تأمین نیازهای طبیعی

میان‌روی یا رعایت حدّ وسط و بسنده کردن به حدّ کفایت و متعارف، یکی از اموری است، که در اندیشه اسلامی بسیار سفارش شده است. آموزه‌های قرآنی رعایت میان‌روی را هم در حال فقر و هم در حال توانگری توصیه نموده‌اند (فرقان / ۶۷؛ اسراء / ۲۹). رعایت میان‌روی در زندگی، منجر به ساماندهی امور اقتصادی و کاهش هزینه‌ها و در نتیجه پیشگیری از فقر در خانواده می‌شود.

معیار شناخت اعتدال در مصرف، توجه به زمان و شرایط زمانه است که باید در این زمینه شرایط اقتصادی مردم جامعه و وُعرف جامعه را در نظر گرفت. حضرت زهرا (س) با وجود جایگاه والای خویش اینکه دختر نبی اکرم (ص) و همسر امام علی (ع) بود، ولی همچون دیگر زنان خانه‌دار در عصر خویش، امور خانه مانند پخت و پز و تهیه آرد را شخصاً برعهده داشت (روایت‌های ۱، ۳، ۵، ۷) و در صورت امکان، غذاهای متنوعی چون گوشت طبخ شده می‌پخت

(احمد بن حنبل، بی تا: ۶/ ۲۸۲). حضرت علیه السلام در پوشاک نیز اعتدال را رعایت نموده چنانکه وصله های چادر فاطمه علیها السلام، سبب اظهار شگفتی سلمان فارسی شد (H8). بدین ترتیب، سیره آن حضرت در تهیه غذا و پوشاک که جزو نیازهای طبیعی است، رعایت جنبه اقتصادی خانواده بود و دچار تکلف نمی شد و چیزی بر همسرش تحمیل نمی کرد.

۷. انفاق در راه خدا و توجه به محرومان

انفاق در راه خدا متعالی ترین مدل زندگی اقتصادی است که حضرت فاطمه علیها السلام در نقطه اوج آن بود. به گونه ای که حتی وقتی خود و فرزندانش سه روز چیزی نخورده و از گرسنگی رنجور بودند، از کمک به فقیر دریغ نورزید و غذای خود را به مسکین، یتیم و اسیر داد که سبب نزول سوره انسان در شأن امام علی علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام و اهل خانه شان گردید (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۵/ ۲۷۰-۲۷۱) (H49). نزول این آیات گواهی مبرهن بر مقاصد الهی و معنوی حضرت زهرا علیها السلام و اهل بیت ایشان است و با توجه به آیات سوره انسان چنین رفتاری متأثر از بینش توحیدی اهل بیت علیهم السلام است (ر.ک: انسان ۷-۹). از این رو، پرهیز از تجملات و ساده زیستی حضرت نه تنها به سبب هماهنگی با وضع اقتصادی همسرش بود، بلکه ایشان انفاق و کمک به محرومان را نیز در نظر داشت. به نظر می رسد حضرت علیها السلام به این اصل قرآنی توجه داشت که خدای متعال مالک حقیقی تمامی اموال است و انسان به عنوان جانشین و امین خداوند (أنعام/ ۱۶۵)، لذا با پرهیز از بی اعتنایی به محرومان، تنها نفع و مطلوبیت شخصی را هدف اصیل و نهایی خویش قرار نمی داد.

حضرت زهرا علیها السلام به عنوان دختر رهبر جامعه اسلامی نه تنها در سطح رفاه عمومی و پایین جامعه زندگی می کند؛ بلکه حتی از سهم مال خود نیز به نفع مساکین، یتیمان، اسیران و سائلان می گذرد و آنها را بر خود ترجیح می دهد چنانکه زمانی که فدک در اختیارش بود، عایدات آن را میان مردم توزیع می کرد^۱ و اگر گاه رفتاری می کرد که امکان داشت از آن برداشتی جز این شود، در کوتاهترین زمان، رفتار خود را تغییر می داد (H32). در گزارش دیگر، پیامبر صلی الله علیه و آله فقیری را که در مسجد به ایشان مراجعه کرده بود به منزل فاطمه علیها السلام فرستاد و آن حضرت کمک به فقیر را پذیرفت (H58, H61).

مواسات مالی آثار فراوانی بر اقتصاد جامعه دارد و به برقراری عدالت اقتصادی در جامعه،

۱. علامه مجلسی در *بحار الأنوار*، باب دهم: از ابواب تاریخ سیده نساء العالمین را به اوقاف و صدقات حضرت زهرا علیها السلام اختصاص داده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۳/ ۲۳۵).

کاهش فاصله طبقاتی، کاهش فقر و تعدیل توزیع ثروت و درآمد کمک می‌کند. در جامعه‌ای که مواسات مالی به عنوان فرهنگ عمومی تبدیل شود، اعضای آن داوطلبانه بدون نظارت سازمانی، بخشی از حقوق خود را به نیازمندان می‌دهند و این چنین فقر به طور چشم‌گیری کاهش می‌یابد و از فاصله طبقاتی به معنای تفاوت سطح بالاترین ثروت و پایین‌ترین آن کاسته می‌شود و جامعه به سمت برقراری عدالت اقتصادی به طرز حقیقی سوق داده می‌شود و ثروت و درآمد به طور متعادل توزیع می‌یابد. ضمن آنکه انفاق منجر به پرورش روحیه اخوت، بخشندگی، بی‌نیازی از غیرخدا و تطهیر نفوس می‌شود (ر.ک: توبه / ۱۰۳).

۸. تناسب درخواست‌ها با توانایی‌های همسر

یکی از مؤلفه‌های اساسی در تعامل خانواده به ویژه از جنبه اقتصادی آن است که توقعات مادی زن فراتر از توانایی‌های همسرش نباشد، چراکه در غیر این صورت مشکلات زیادی در کانون خانواده به وجود می‌آید. سیره حضرت زهرا (ع) چنین بود که توقعات مادی‌اش متناسب با توان مالی همسرش بود (H4, H45, H66) و حتی با ایشار خود، ابتدایی‌ترین امور مادی خانه را با همسر خویش مطرح نمی‌ساخت و به گونه‌ای رفتار می‌کرد که همسرش متوجه کمبود نشود (H66) و چنین فرمود: «يَا أَبَا الْحَسَنِ، إِنِّي لَأَسْتَجِي مِنْ إِلَهِي أَنْ أُكَلِّفَكَ مَا لَا تَقْدِرُ» (طوسی، ۱۴۱۴: ۶۱۶)؛ «ای ابوالحسن! از پروردگار خود حیا می‌کنم که چیزی از همسرم بخواهم که توان برآوردن آن را نداشته باشد» از این روایت، به دست می‌آید که بازگو نکردن نیازها نزد همسر، به خصوص هنگامی که تأمین آن برای او ممکن نیست، از مصادیق قناعت و تسلیم در زندگی زناشویی است و این کمال رضا و تسلیم حضرت زهرا (ع) تمام مشکلات پیش روی خانواده را آسان می‌کرد و روابطی صمیمانه و سرشار از محبت میان ایشان و همسرش برقرار می‌ساخت.

۹. شکرگزاری

بالاتر از روحیه مدارا، روحیه شکرگزاری است. اساساً روحیه شکرگزاری، خود از روحیه رضایت‌مندی نشئت می‌گیرد. انسان‌هایی که از زندگی خود راضی‌ترند، زبان شکرگزاری دارند، متقابلاً شکر آنها هم موجب ازدیاد نعمت می‌شود (ابراهیم / ۷) و هم بر روحیه آنها تأثیر مثبت خواهد گذاشت. سیره عملی حضرت زهرا (ع)، شکرگزاری بود طوری که از کارهای سخت خانه نیز اظهار شکر و حمد الهی داشت (H19, H24). حتی زمانی که سلمان فارسی از لباس حضرت تعجب کرد و ایشان این موضوع را بدون گلایه با پیامبر (ص) در میان گذاشت (H11) و



چنین فرمود: «سوگند به خداوندی که تو را مبعوث فرموده مدت پنج سال است که من و علی غیر از یک پوست گوسفند که روزها شترمان روی آن علف می خورد و شبها آن را به جای تشک مورد استفاده قرار می دهیم چیز دیگری نداریم و متکای ما از جنس پوست است که درون آن را با لیف خرما پر کرده ایم.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۸ / ۳۰۳). اتخاذ این نوع نگره فکری فاطمی در اقتصاد منجر به رضایت مندی از زندگی می شود. رضایت مندی عبارت است از پذیرش موقعیت و خرسندی یا دست کم ناخرسند نبودن از آن. شخص راضی، کسی است که موضوع رضایت را می پذیرد و از آن، احساس ناخوشایند ندارد و بلکه می تواند خرسند نیز باشد (پسندیده، ۱۳۸۹: ۸۰). لذا فرد در حیطه مادیات احساس محرومیت نمی کند و داشته های موجود خود را می بیند که موجب سپاس می شود و سپاس که به سبب ادراک داشته ها شکل می گیرد، منجر به رضایت مندی و بهزیستی ذهنی فرد می شود.

۱۰. تقسیم کار

تقسیم وظایف از دیگر مؤلفه های سیره اقتصادی حضرت زهرا (ع) است. امروزه جامعه شناسان درباره تقسیم کار براساس جنسیت و نقش آن در تولید و بازخوردهای اجتماعی، به مطالعه و بررسی پرداخته اند (ر.ک: ریتز، ۱۳۸۱: ۴۷۰). تقسیم کار براساس جنسیت در کانون خانواده هم به نفع زن، مرد و جامعه است و کارکردهای فراوانی را به ارمغان می آورد. رضایت خاطر افراد، کارآمدی و ثبات نهاد خانواده از جمله مهم ترین کارکردهای تقسیم وظایف در نهاد خانواده است (گرت، ۱۳۸۰: ۵۶).

از منظر آموزه های دینی، تقسیم کار براساس جنسیت مبتنی بر تفاوت های طبیعی زن و مرد و بر پایه اهمیت حفظ خانواده و تحکیم روابط در آن است. چنانکه در سیره رسول خدا (ص) آمده است که ایشان از زنانی که امور خانه را نیکو انجام می دادند، تمجید کرده است (حرّعاملی، ۱۴۰۹: ۲۰ / ۳۲). در روایتی حضرت زهرا (ع)، بر ملازمت زن با خانه تأکید داشته و زن را در این حالت به خداوند نزدیک تر دانسته است (ابن اشعث، بی تا: ۹۵). مطابق این روایات، نقش های خانگی چون خانه داری از اهمیت فراوانی برخوردار است.

حضرت علی (ع) و حضرت زهرا (ع) در خصوص تقسیم کار منزل با رسول خدا (ص) مشورت کردند، آن حضرت پیشنهاد تقسیم وظائف دادند که کارهای منزل بر عهده فاطمه (ع) و کارهای بیرون از منزل، به امام علی (ع) واگذار گردد (H20). علامه مجلسی درباره عبارت حضرت که

حاکمی از سرور ایشان است: «فَلَا يَعْلَمُ مَا دَاخَلَني مِنَ الشَّرُّورِ إِلَّا اللَّهُ بِإِكْفَائِي رَسُولَ اللَّهِ ﷺ تَحْمِلَ رِقَابَ الرِّجَالِ» دو برداشت اظهار داشته است: نخست آنکه خوشحالی حضرت به سبب آن بوده که از حضور در میان مردان معاف شد. دوم آنکه تحمل کارهای سخت مردان از ایشان برداشته شده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۳/۸۱). باید توجه داشت که تفاوت‌های تکوینی میان زن و مرد، منجر می‌شود تا تقسیم وظایف میان آنان نیز متفاوت باشد بدین صورت که در تعیین چگونگی تقسیم کار میان زن و مرد، استعدادهای فطری و تکوینی آنان نیز لحاظ می‌شود.

طرح پیشنهادی پیامبر ﷺ نیز ناظر بر همین موضوع است که به استعدادهای طبیعی دخترش و امام علی علیه السلام توجه کرده است ضمن آنکه دربردارنده تقسیم کاری عادلانه در سایه محبت و مودت میان اعضای خانواده است.

بدین ترتیب، شادمانی آن حضرت بدین سبب بود که کارهای ناهماهنگ با ویژگی‌ها و توانایی‌های روحی و جنسیتی، از ایشان برداشته شد نه بدین سبب که باعث آسانی خانه‌داری شود؛ چراکه در سیره عملی حضرت نیز شواهد زیادی دال بر سختی‌های فراوان کار خانه برای آن حضرت وجود داشته است (H5, H26, H50, H68). همچنین در روایات فریقین این روایات وجود دارد اینکه دست‌های آن حضرت بر اثر کار با آسیاب دستی یا کشیدن آب از چاه، تاول زده بود (بخاری، ۱۴۰۱: ج ۴، ۴۸؛ مرعشی نجفی، بی‌تا: ج ۱۰، ۲۶۶) و گاه آثار تمیز کردن و جارو کردن خانه بر روی لباس‌های حضرت ظاهر بود (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۳۶۶). کارهای خانه همچون کارهای بیرون از خانه سختی کار دارند و موجب تولید و ایجاد ارزش افزوده می‌شود پس باید به کار در خانه بانوان اهمیت داد و ارزش فرهنگی و اقتصادی برای آن در نظر گرفت. خانه‌داری زنان به سبب تولید ارزش افزوده اقتصادی، باید یک فعالیت اقتصادی محسوب شده و زنان، باید فعال اقتصادی شناخته شوند.

ارزش‌گذاری اجتماعی و فرهنگی به کار خانگی زنان از لحاظ روحی و روانی تأثیر مثبت بر آرامش و قوت قلب و افزایش کیفیت ارزش افزوده کار خانگی داشته و زمینه‌های افزایش بهره‌وری و اصلاح الگوی مصرف جامعه را به نوبه خود فراهم می‌کند. لذا، پیش از محاسبه ارزش افزوده کار خانگی، فرهنگ‌سازی در این زمینه لازم است تا نگرش افراد جامعه و مسئولان در ارتباط با ارزش فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی کار خانه‌داری زنان در افزایش سرانه ملی با واقعیت منطبق گردد.

تحلیل و جمع بندی

تحلیل محتوای روایات رسیده از سیره حضرت زهرا (ع) با رویکرد اقتصادی از اهمیت ویژه‌ای در حوزه نهاد خانواده برخوردارند. ساده‌زیستی در کاهش احساس فقر در جامعه و اسراف و افزایش انفاق تأثیر بسزایی دارد. حضرت زهرا (ع) در ابعاد مختلف زندگی خود با دوری از اسراف و زهد، خود الگویی از زندگی همسان با توده‌های مردم ارائه می‌دهد. حضرت (ع) به گونه‌ای می‌زیست که هیچ‌گاه فاصله‌ای با زندگی عامه مردم نداشته باشد. ایشان در تأمین نیازهای زندگی خویش، از جمله خوراک و پوشاک تعادل را حفظ می‌کرد و تکلفی برای همسر خویش ایجاد نمی‌کرد و در خور توانایی‌های اقتصادی همسر خود از او درخواست می‌کرد.

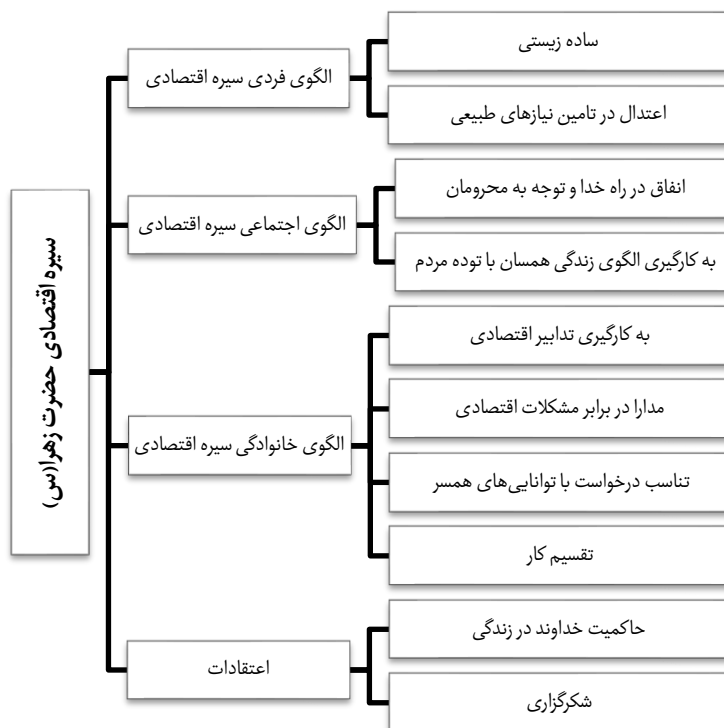
انفاق و توجه به محرومان در افزایش عدالت اقتصادی و کاهش فاصله طبقاتی مؤثر است. در فرهنگ‌سازی انفاق در جامعه باید به این نکته توجه داشت که خدا محوری و وجود اعتقادات صحیح مانند اعتقاد به رزاقیت خداوند و وجود پاداش بزرگ در برابر مواسات در ترویج این خصیصه اخلاقی اثرگذار است. حکم کردن خداوند در زندگی و تقویت روحیه شکرگزاری مبنایی‌ترین اعتقادات برای مدیریت و صبر در مسائل اقتصادی است که در سیره اقتصادی حضرت زهرا (ع) رصد می‌شود. لذا زندگی اقتصادی فاطمه (ع) بر تربیت اقتصادی او استوار بود و تربیت اقتصادی او بر نگاهی جامع به ابعاد وجودی آدمی و عوالم وجود و نگاه توحیدی ایشان استوار بود که مطابق با آن به جای دنیا محوری، خدا باوری اصل قرار می‌گرفت و مدیریت درآمد و هزینه بر محور سه گانه سعی، استقلال، خیر استوار بود.

حضرت زهرا (ع) کار در خانه را به کار در بیرون خانه ترجیح می‌داد و کارهای خانه را با تلاش مضاعف انجام می‌داد. کار در خانه، تولید ارزش افزوده برای جامعه به ارمغان می‌آورد با این تفاوت که محصول تولید شده به طور مستقیم به جامعه عرضه نمی‌شود. این کار تولیدی پنهان در کاهش هزینه‌های خانواده تأثیر بسزایی دارد و شایسته است مسئولان با فرهنگ‌سازی و دریافت ارزش اقتصادی کار در خانه اهمیت درخور آن را با اجرای سیاست‌های صحیح انجام دهند.

نکته حائز اهمیت دیگر در رابطه با موضوعات مستخرج از سیره اقتصادی حضرت زهرا (ع)، مشارکت و نقش زنان در هزینه‌کرد درآمد خانواده‌هاست. زنان می‌توانند با تغییر و اصلاح رفتارهای مصرفی و مدیریت خویش، نظارت بر نحوه مصرف خانواده و آموزش رفتار درست اقتصادی به فرزندان از جمله تقسیم کار به بهره‌وری و توسعه اقتصادی خانواده کمک رسانند. به عبارت دیگر، زنان از طریق بهبود الگوی مصرف خانواده و تربیت هوشمندانه می‌توانند بهره‌وری

اقتصاد خانواده را افزایش می دهند که این خود در نگاه کلان عامل محرّکی در رشد اقتصادی جامعه خواهد بود.

پاداش اخروی به عنوان «نتیجه» رفتارهای اقتصادی صحیح، در الگوسازی باید به طور صحیح نشان داده شود. حضرت زهرا (س) با صبر در برابر مشکلات اقتصادی و ترجیح دادن دیگران بر خانواده خود در راستای همراهی همسر خویش، مصداق اتمّ سوره انسان شدند. در نهایت می توان با توجه به تحلیل محتوا، نمودار موضوعی سیره اقتصادی حضرت زهرا (س) را این چنین ترسیم کرد:



نمودار ۳: نمودار تحلیل احادیث سیره اقتصادی حضرت زهرا (س)

نتیجه گیری

در این پژوهش روایات سیره فاطمی مرتبط با اقتصاد استخراج شد و سپس با روش تحلیل محتوا، این روایات تحلیل و بررسی شد. در ابتدا ۱۲ روایت استخراج شد و ده نقطه تمرکز از آن برداشت گردید. در تحلیل محتوای کمی تعداد نقاط تمرکز هر روایت بررسی شد. در تحلیل محتوای کیفی، مضامین فرعی استخراج شده مورد تحلیل قرار گرفت. ساده زیستی، ارائه الگوی

زندگی همسان با توده مردم، به کارگیری تدابیر اقتصادی، مدارا در برابر مشکلات اقتصادی، حاکمیت خداوند در زندگی، اعتدال در تأمین نیازهای طبیعی، انفاق در راه خدا و توجه به محرومان، تناسب درخواست‌ها با توانایی‌های همسر، شکرگزاری و تقسیم کار از مهم‌ترین نقاط تمرکز مستخرج از روایات اقتصادی سیره حضرت زهرا(ع) است. «ساده‌زیستی» در راهبردهای اقتصادی سیره حضرت زهرا(ع) بیشترین تعدد و جایگاه را دارد. لذا قناعت و صرفه‌جویی مشی الگوی مصرف‌ایشان بود. الگوی زیست همسان با توده مردم، از نکات حائز اهمیت در سیره اقتصادی حضرت است که به نوعی الگوی سبک زندگی خانواده رهبران جامعه را تعیین می‌کند. به کارگیری تدابیر اقتصادی، بیانگر مدیریت اقتصاد خانواده توسط حضرت زهرا(ع) است که در نگاه کلان سبب توسعه و رشد اقتصادی جامعه و اقتصاد مقاومتی می‌شود. مدارا در برابر مشکلات اقتصادی نیز از جایگاه بنیادین در زندگانی حضرت زهرا(ع) برخوردار است، این رویکرد عاملی تأثیرگذار در آرامش خانواده و به طور کلی در زندگی انسان است و از رهگذر آن ثمرات متنوعی در عرصه‌های رفتاری و عاطفی در راستای نظم‌بخشی به خانواده حاصل می‌شود. حاکمیت خدای متعال در زندگی و شکرگزاری به عنوان مهم‌ترین مبنای اعتقادی در زندگانی حضرت زهرا(ع) که نمود آن در سیره اقتصادی نیز قابل مشاهده است که نمونه عملی آن در انفاق به فقراء و اظهار شکر الهی از تقسیم کار در منزل مشاهده می‌شود. اعتدال در تأمین نیازهای طبیعی منزل و تناسب درخواست‌ها با توانایی همسر از دیگر ساحت‌های سیره اقتصادی حضرت است که در تحکیم بنیان خانواده نقش مهمی ایفا می‌کند.

در نهایت مشخص شد، سیره اقتصادی حضرت زهرا(ع) با دیگر ساحت‌های سیره او (اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی و عبادی) پیوند عمیق دارد و نمی‌توان آنها را جدا دانست. هدایتگری، روح حاکم بر سیره اقتصادی ایشان است به گونه‌ای که الگویی فرازمانی و فرامکانی برای آیندگان تشکیل داده است. از این رو، می‌توان از این نکات برای الگوسازی رفتارهای اقتصادی در نهاد خانواده استفاده کرد.

پیشنهاد

زنان برای انجام نقش‌های خانه‌داری و داشتن نگرش درست به نظام اقتصادی خانواده نیازمند آموزش و راهنمایی هستند تا از عواقب صرف هزینه برای نیازهای کاذب که ناشی از مصرف‌گرایی است، آگاه شوند. این مهم نیازمند جهاد تبیین در کتب سبک زندگی اسلامی و یا دروس معارف اسلامی در دانشگاه است.

منابع و مآخذ

۱. نهج البلاغه (۱۴۱۴ق). تحقیق: صبحی صالح. قم: هجرت.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶ش). الأمالی. ترجمه: احمد عابدی. تهران: کتابخانه اسلامی.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۱ش). من لایحضره الفقیه. تصحیح: علی اکبر غفاری. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹ش). مناقب آل ابی طالب. قم: علامه.
۵. ابن ماجه، محمد بن یزید (بی تا). السنن. تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی. بیروت: دارالفکر.
۶. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق). کشف الغمة فی معرفة الأئمة. تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی. تبریز: بنی هاشمی.
۷. ابن حنبل، احمد (بی تا). مسند احمد بن حنبل. بیروت: دارصادر.
۸. باردن، لورنس (۱۳۷۵ش). تحلیل محتوا. ترجمه ملیحه آشتیانی و محمد یمنی دوزی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۹. بیبی، ارل (۱۳۹۲ش). روش های تحقیق در علوم اجتماعی (نظری — عملی). ترجمه رضا فاضل. تهران: سمت.
۱۰. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۱ق). الجامع الصحیح. بیروت: دارالفکر.
۱۱. بکری، عبدالله بن عبد العزیز (۱۴۱۸ق). معجم ما استعجم من أسماء البلاد والمواضع. تحقیق: جمال طلبه. بیروت: دار الکتب العلمیة.
۱۲. بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق). أنوار التنزیل. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۳. پسندیده، عباس (۱۳۸۹ش). مبانی و عوامل شادکامی از دیدگاه اسلام با رویکرد روانشناسی مثبت گرا. تهران: دانشگاه قرآن و حدیث.
۱۴. جصاص، احمد بن علی (۱۴۰۵ق). أحكام القرآن. تحقیق: محمد صادق قمحوی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۳ش). فاطمه (ع) اسوه بشر. قم: اسراء.
۱۶. حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۱۷. حسکانی، عبید الله بن احمد (۱۴۱۱ق). شواهد التنزیل لقواعد التنزیل. تحقیق محمد باقر

محمودی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۱۸. حمیری، عبد الله بن جعفر (۱۴۱۳ق). *قرب الإسناد*. قم: مؤسسة آل البيت (ع).
 ۱۹. خمینی، سید روح الله (۱۴۰۹ق). *تحریر الوسیله*. نجف: مطبعة الآداب.

۲۰. ریتز، جرج (۱۳۸۱ش). *نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر*. ترجمه: محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.

۲۱. زاهدی، عبدالرضا، کریمی درچه، محمد (۱۳۹۲ش). *زهد و ساده زیستی و نقش آن در رشد فردی و اجتماعی از منظر آیات و روایات، معرفت/اخلاقی*. ش ۱۴. ص ۲۳-۴۰.

۲۲. صفار، محمد بن حسن (۱۳۶۲ش). *بصائر الدرجات الكبرى فی فضائل آل محمد*. تهران: علمی.

۲۳. طبری آملی، محمد بن قاسم (۱۳۸۳ق). *بشارة المصطفى لشيعة المرتضى*. چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۲۴. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). *الأملی*. قم: دار الثقافة.

۲۵. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق). *كتاب الغيبة*. قم: دار المعارف الإسلامية.

۲۶. طوسی، محمد بن حسن (بی تا). *التبيان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۲۷. فضل الله، سید محمد حسین (۱۳۸۳ش). *اسلام، زن و جستاری تازه*. ترجمه مجید مرادی. قم: بوستان کتاب.

۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*. تهران: دار الکتب الإسلامية.

۲۹. کوفی، محمد بن سلیمان (بی تا). *مناقب الإمام أمير المؤمنين علی بن أبی طالب (ع)*. قم: مجمع احیاء الثقافة الإسلامية.

۳۰. گرت، استفانی (۱۳۸۰ش). *جامعه شناسی جنسیت*. ترجمه: کتایون بقائی. تهران: نشر دیگر.

۳۱. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۳۲. مراجع تقلید (۱۳۸۷ش). *توضیح المسائل مراجع*. تحقیق محمد حسن بنی هاشمی. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

۳۳. مرعشی نجفی، شهاب الدین (بی تا). *إحقاق الحق*. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

۳۴. معرفت، محمد هادی (۱۳۸۳ش). *التفسیر الأثری الجامع*. قم: التمهید.

۳۵. نجفی، محمد حسن (۱۳۶۶ش). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*. تحقیق قوچانی. تهران: دار الکتب الإسلامية.

۳۶. نسائی، احمد بن شعيب (۱۳۴۸ق). *سنن النسائی*. بیروت: دارالفکر.

۳۷. هولستی، ال. آر (۱۳۹۱ش). *تحلیل محتوی در علوم اجتماعی و انسانی*. ترجمه نادر سالارزاده امیری. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.

38. Becker, Gray s. & Robert J.Barro,(1986). "A Reformulation of the Economic theory of fertility ", Working Paper, No1793.
39. Krippendorff, K. (1980). *Content Analysis: An Introduction to its Methodology*, Sage Publications, Newbury Park.

بررسی کارکرد سیره اخلاقی - تربیتی از منظر نهج البلاغه

برای تحقق نظام مشارکتی اجتماعی

علیرضا عبدالحسین زاده^۱

چکیده

صاحب‌نظران و اندیشمندان معروف جهان به صورت قاطع و تردید ناپذیر بر این عقیده‌اند که مدیریت جهادی و مشارکتی، تنها روش مدیریت نوین، مطلوب، کارساز و نجات بخش در جامعه و سازمان‌های گوناگون دنیاست. این امر دال بر اهمیت و ارزشمند بودن سرمایه‌های انسانی سازمان‌ها می‌باشد. از آنجایی که تعالیم عالیه اسلام و سیره علمی و عملی ائمه معصومین علیهم‌السلام، توجه دست اندرکاران حکومت اسلامی را به برخورد صحیح و اصولی به نظرها و پیشنهادهای مختلف جلب می‌کند و از آنان می‌خواهد که تصمیمات مهم را با همفکری و تبادل اندیشه و مشورت با صاحبان نظر اتخاذ نمایند، بنابراین مدیران با کفایت، کارآزموده و برخوردار از قدرت اندیشه خلاق می‌توانند در سازمان‌ها به عنوان مناسب‌ترین بستر تحقق آرمان مشارکت افراد به این مهم جامه عمل بپوشانند. نوشته حاضر با هدف بررسی نظام مدیریت مشارکتی، اهمیت جذب کارکنان از منظر نهج البلاغه به عنوان یکی از منابع غنی اسلامی و همچنین با برشماری فواید مشارکت و موانع و محدودیت‌های فرا روی نظام مدیریت مشارکتی به همراه راهکارهای اجرایی در آن در سازمان‌های اجتماعی و نهادهای آموزشی به روش کتابخانه‌ای و با استفاده از منابع موجود و در دسترس تدوین شده است.

کلمات کلیدی

بررسی، کارکرد، سیره اخلاقی، تربیتی، نهج البلاغه.

۱. دکترای تخصصی میکروبیولوژی، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب، بناب، ایران.

مقدمه

امروزه یکی از معضلاتی که سازمان‌ها به آن مبتلا هستند مشکل نیروی انسانی و ناتوانایی سازمان در استفاده بهینه از توان بالقوه کارکنان به ویژه در سطوح کارشناسی و تخصصی است. این امر سبب کاهش بهره‌وری سازمان و ناتوانی در رقابت در عرصه‌های ملی و بین‌المللی گردیده است. سازمانهای مختلف در کشورهای جهان از روش‌های گوناگونی برای حل مشکل نیروی انسانی بهره می‌برند که یکی از متداول‌ترین و با اهمیت‌ترین آنها سبک و روش مدیریت مشارکتی است. به گواه بسیاری از گزارش‌ها و واقعیت‌های موجود، موفقیت اکثر شرکت‌های بزرگ مرهون به کارگیری مناسب این سبک مدیریت بوده است که به توسعه ظرفیت فردی کارکنان و ایجاد روحیه خودباوری، مسئولیت‌پذیری و تعهد در آنان منجر می‌شود. چنانچه اجرای مدیریت مشارکتی و نظام‌های تشکیل‌دهنده آن با موفقیت همراه باشد، از مزایا و پیامدهای چون بهبود روابط انسانی بین مدیریت و کارکنان، تقویت انگیزش در کارکنان، بهبود گردش کار در سازمان، بروز خلاقیت و نوآوری، تقلیل هزینه‌های تولید کالا و خدمات، افزایش احساس تعلق سازمانی در کارکنان و همسو شدن هدف‌های آنان با هدف‌های سازمان و در نهایت افزایش رضایت مشتری و به دست آوردن سهم بیشتر در بازار برخوردار خواهد بود. نظام مدیریت مشارکتی، نظام همکاری فکری و عملی کلیه اعضای یک سازمان با سطوح مختلف مدیریتی آن سازمان است. بنا بر عقیده صاحبان نظر «مدیریت مشارکتی» بیش از هر روش مدیریتی دیگر می‌تواند در سازمان‌های گوناگون به خصوص در نظام‌های آموزشی مفید و موثر واقع شود.

سیاری از اندیشمندان علم مدیریت در ایران، مدیریت مشارکتی را به دلیل اینکه ریشه در مذهب و فرهنگ اسلامی ما داشته کارکنان را در تصمیم‌سازی‌های سازمانی سهیم می‌سازد، و به آنها اعتماد کرده و استقلال عمل می‌دهد؛ و یا شأن و منزلت انسان در محیط کار را محترم می‌شمارد، آن را بهترین سبک مدیریت برای اداره نظام‌های آموزشی می‌دانند. در ایران نیز حدود یک دهه است که موضوع مدیریت مشارکتی مورد توجه قرار گرفته و تلاش شده تا آن را هر چه بیشتر گسترش دهند. با این وجود شواهد و دلایل نشان می‌دهد که آنچنان که باید و شاید این گسترش کیفی و کمی رخ نداده است. حال این سئوالات به ذهن متبادر می‌شود که چالش‌ها و موانع پیش روی نظام مدیریت مشارکتی در سازمان‌های مختلف چه هستند؟ با توجه به اینکه در یک کشور اسلامی هستیم و اساس و الگوی اداری ما بر مبنای منابع دینی بخصوص قرآن کریم، نهج البلاغه و احادیث و روایات مستند و با ارزش از پیامبر گرامی و امامان معصوم علیهم‌السلام

می باشند پس چرا از مدیریت مشارکتی که در حوزه دینی از آن به نام مشورت و شور کردن نام برده اند کمترین استفاده را می برند. به همین منظور مقاله حاضر به منظور یافتن عامل اثرگذار در گسترش مدیریت مشارکتی و یافتن موانع و ارائه راه حل هایی برای از میان برداشتن آن موانع تدوین شده است. ابتدا، بر حسب ضرورت به تعریف مدیریت به طور عمومی و از نظر اسلام و مفهوم مشارکت پرداخته می شود.

بیان مسئله

از مدیریت تعاریف متعددی ارائه شده است که هر یک با توجه به زمینه های کاری از دیدگاه های خاصی برخوردار است ولی جامع ترین تعاریف و مفاهیم دانشمندان بر این محور خلاصه می شود که مدیریت: «هنر انجام دادن امور به وسیله دیگران با هماهنگ سازی و استفاده صحیح از منابع انسانی و مادی در جهت تحقق اهداف است» (علاقه بند، ۱۳۸۵: ۱۰). همچنین آیت الله شهید مطهری مدیریت را این گونه تعریف کرده است: «فن بهتر بسیج کردن و بهتر سامان دادن و بهتر کنترل کردن نیروهای انسانی و به کار بردن آنها» (ابراهیمی، ۱۳۷۵: ۱). منظور از مدیریت اسلامی عبارت است از: تعالی دادن جمع و فرد از بعد مادی و معنوی به سوی واقع (نصیری، ۱۳۸۸: ۴۰). مدیریت فرآیندی است که به وسیله آن کوشش های فردی و گروهی به منظور نیل به هدف مشترک هماهنگ می شود.

مشارکت دارای تعاریف گوناگونی است که شاید بتوان گفت اختلافشان بیشتر در به کارگیری الفاظ است. مشارکت از لحاظ لغوی به معنای شرکت دادن، با هم شریک شدن، سهیم کردن و سهیم شدن، انجام کار گروهی و نیز بهره برداری گروهی است. مشارکت را به گونه های متعددی تعریف کرده اند: قدیمی ترین تعریف مشارکت عبارت است از پیوندی دو سویه، سازنده و سودمند میان دو تن یا بیشتر از دو تن. در تعریف دیگر مشارکت به معنای فراهم آوردن و گستردن بستر نقد مشترک برای یافتن هدفهای مشترک بیان شده است (طوسی، ۱۳۷۹: ۴). همچنین در تعریفی تازه از کارشناسان سازمان ملل متحد مشارکت بدین گونه معنا شده است: دخالت و درگیر شدن مردم در فراگردهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی که بر سرنوشت آنان اثر می گذارد (همان: ۶).

مشارکت یک پیوند دوسویه و سودمند و سازنده میان دو یا چند نفر است. مشارکت یک درگیری ذهنی، عاطفی اشخاص در موقعیت های گروهی است که آنان را بر می انگیزد تا برای

دستیابی به هدف‌های گروهی یکدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند. در این تعریف سه اندیشه مهم نهفته است. درگیر شدن، یاری دادن و مسئولیت.

مدیریت جهادی و مشارکتی عبارت است از مجموعه گردش کار و عملیات که تمام کارکنان یک سازمان در روند تصمیم‌گیری‌های مربوط به آن سازمان دخالت دهد و شریک سازد. تاکید اصلی در این نوع مدیریت، بر همکاری و مشارکت علاقمندان و داوطلبانه عموم افراد است و می‌خواهد از ایده‌ها و نظریات و ابتکارات همه آنها برای حل مشکلات و مسائل سازمان استفاده کند. لذا اساس این مدیریت تقسیم اختیارات بین مدیریت و کارکنان است (عباس زادگان، ۱۳۷۶: ۳۰۵) یا به عبارتی دیگر، مدیریت مشارکتی عبارتند از: نگرش جامعه برای جلب مشارکت فردی و گروهی کارکنان و تقویت روحیه مشارکت در آنها برای رفع مشکلات و بهبود مستمر در تمام امور سازمان و محیط کارکنان (حنیفی، ۱۳۸۰: ۶۳).

لرن پلونکت نیز مدیریت مشارکتی را این‌گونه تعریف می‌کند؛ مدیریت مشارکت جو: فلسفه‌ای است که ایجاب می‌کند، تصمیم‌گیری سازمانی چنان صورت گیرد که اطلاعات و درون داده‌ها و مسئولیت به پایین‌ترین رده مربوط به آن تصمیم واگذار شود. هدف مدیریت مشارکت جو اطمینان یافتن از این امر است که، کارکنان صالح به گرفتن تصمیم‌های موثری می‌پردازند. سپردن اختیار وسیله‌ای برای دستیابی به اهداف مدیریت مشارکت جوست، سازکاری است برای مبنای دادن مسئولیت به گروه‌ها یا افراد مسئول و درگیر کردن کارکنان که این اطمینان از آن حاصل می‌شود که اطلاعات و درون داد مناسب به نظام تصمیم‌گیری داده شده است. (لرن پلونکت، ۱۳۸۱: ۳)

مشارکت و مدیریت مشارکتی: یعنی درگیر شدن کارکنان در فرآیند تصمیم‌گیری، دعوت از همه افراد به تفکر استراتژیک و قبول مسئولیت فردی برای کیفیت کار و تولیداتشان، حمایت و پاداش رفتار کارکنان که از دید آنها لحظه به لحظه، ارباب رجوع را ارضاء و عملکرد سازمان را بهبود می‌بخشد. در هر حالت مدل مشارکتی، نظارت اصلی بر سازماندهی تربیت و راهنمایی کارکنان، همچنین خود کنترلی را مستثنی نمی‌کند.

روش مطالعه

در این نوشتار تا حد امکان کلیه مطالب به روش کتابخانه‌ای مورد بررسی قرار گرفته و مهم‌ترین موارد انتخاب شده ارائه می‌گردد.

یافته‌های تحقیق

از آنچه در مورد دیدگاه نظام مشارکتی گفته شد و همچنین از مطالب مربوط به نقش اثربخش مشورت و همفکری از منظر نهج البلاغه برای تحقق نظام مدیریت مشارکتی اجتماعی، در می‌یابیم که موارد زیر در این موضوع اهمیت زیادی دارند:

اهمیت رایزنی در اسلام

در فرهنگ اسلام مشاوره و مشورت برای جلوگیری از استبداد و خود محوری و نیز دست یازیدن به افکار و اندیشه‌های دیگران و در نهایت کسب اندیشه‌های بهتر و بالاتر و بکارگیری عملی آنهاست. بر همین اساس، هر چقدر مسئله مورد مشورت دارای اهمیت خاصی باشد، مشاوره در پیرامون آن حساس‌تر و ظریف‌تر خواهد بود. اهمیت مساله مشورت در اسلام به اندازه‌ای است که قرآن مجید خطاب به پیامبر ﷺ می‌فرماید: «و شاورهم فی الامر؛ با مردم مشورت کن.» پیامبر اسلام ﷺ هم می‌فرماید: «هیچ کس با مشورت، بدبخت نشده و هیچ کس با استبداد رای، به خوش بختی نرسید» (میزان الحکمه، باب شور). امام علی (ع) نیز در این باره در نهج البلاغه خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «با آگاهان و دانشمندان مذاکره کن و با افراد حکیم گفت و گو نما، و در این گفت و گوها در باره مصالح بلاد و حفظ برنامه‌ها و کارهای صحیح گذشته، بحث کن تا از فکر آنها بهره‌گیری و اندیشه آنان را به خدمت نظام درآوری» (نهج البلاغه، نامه ۵۳). مشورت خواهی و به کارگیری عملی (استشاره) از دو جهت ضروری به نظر می‌رسد:

۱. گسترده‌گی و انشعاب روز افزون مسائل سیاسی، فرهنگی، اخلاقی، هنری، اقتصادی و صنعتی و ... در ابعاد مختلف زندگی و پیچیدگی و تجربی و تخصصی بودن بسیاری از مسائل فهم و درک اصولی مسائل را مشکل و مشکل‌تر می‌سازد، به طوری که در بسیاری از موارد فهم همه آنها برای انسانی هر چند نیرومند محال خواهد بود و در نتیجه راهی جز مشاوره و استشاره با متخصصان باقی نخواهد ماند.

۲. هر فردی از افراد انسانی هر قدر جسمی نیرومندتر و اندیشه‌ای قوی‌تر و هوشی سرشارتر از دیگران داشته باشد، بالاخره یک انسان است؛ در حالی که اگر با دیگران مشورت نماید و از اندیشه‌های آنان نیز بهره‌مند شود، در جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از مسائل راهی اصولی‌تر و نتیجه‌ای مطلوب‌تر به دست خواهد آورد.

امام علی علیه السلام در ضرورت و لزوم مشاوره می فرماید: «من استبدَّ برأيه هلكَ وَمَنْ شاورَ الرجالَ شاركها في عقولها؛ استبداد در رای و تحمیل عقیده انسان را به هلاکت می رساند، ولی مشورت با مردم شریک بودن در عقول و بهره گرفتن از افکار آنهاست.» (لنکرانی، ۱۳۷۷: ۱۲۰).

اصل شورا و مشورت در امور در اسلام

از اصولی که یک مدیر جهت سازمان دادن امور به منظور تصمیم گیری انجام می دهد، عمل شور و مشورت می باشد. شور به معنای استخراج و کشف بهترین رأی و شورا یعنی کاری که انسان در آن مشورت می کند. چون انسان در فلسفه توحیدی، انسانی اجتماعی است و برای انجام امور و حرکت تکاملی خود و جامعه خویش نیاز به هم نوع و کمک گرفتن از آنان دارد. از این مطلب در می یابیم که انسان به تنهایی قادر به انجام کلیه امور مربوط به خود و عالم به تمام امور نیست و باید از فکر و دانش دیگران نیز بهره ببرد. از این رو در قرآن کریم و احادیث مسلمانان امر به مشورت شده اند و برای یافتن بهترین راه حل ها باید مشکلاتشان را به شور و مشورت گذاشته و آنها را حل کنند. به وسیله نشست های جمعی و مشورت در امور است که انسان نسبت به آنچه اطلاعات و تخصص ندارد، آگاهی می یابد و کیفیت تصمیم ها را افزایش می دهد. در این حال انسان با شرکت در نشست های جمعی و یا مشورت با افراد است که به اطلاعات خود افزوده و دانش و آگاهی خویش را بالا می برد که ممکن است این امر منجر به نگرشی نوین در اندیشه ی او گردد (نصیری، ۱۳۸۸: ۶۸).

خداوند در آیه ۱۵۹ سوره آل عمران می فرماید: «مرحمت خدا، تو را با خلق مهربان و خوش خوی گردانید و اگر تندخو و سخت دل بودی، مردم از گرد تو متفرق می شدند. پس چنین است به نادانی درباره تو بد کنند، از آنان درگذر و از خدای تعالی (برای) آنها طلب آمرزش کن و برای دلجویی از آنها در کار جنگ مشورت نما لیکن آنچه خود تصمیم گرفتی با توکل بر خدای تعالی انجام بده؛ زیرا خدای تعالی متوکلان را دوست دارد.»

همچنین در آیه ۷ سوره انبیاء آمده است: «شما اگر خود نمی دانید از اهل ذکر و دانشمند سؤال کنید.» آیه ۳۷ سوره شوری چهار امر را مورد توجه قرار می دهد: (۱) اطاعت از امر خدای تعالی (۲؛ برپا داشتن نماز؛ ۳) فرمان به شور و مشورت؛ (۴) انفاق.

شاید این آیه بیانگر اهمیت شورا است که آن را در ردیف اطاعت از خداوند، نماز و انفاق در راه خداوند قرار داده است (نصیری، ۱۳۸۸: ۶۸ و ۶۹). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز به لحاظ احترام به



نظرات دیگران و ایجاد انگیزه، با آنها مشورت می‌کردند.

همچنین امام علی علیه السلام نیز در امور هم با اهل فن و تخصص و فرمانروایان آگاه مشورت می‌نمودند، و هم به این امر سفارش زیاد داشتند چنانچه در اهمیت مشورت کردن می‌فرماید: «لَا مَظَاهِرَ أَوْثَقُ مِنَ الْمَشَاوِرَةِ؛ هیچ پشتیبانی مطمئن‌تر از مشورت نیست.» (عزیزی، ۱۳۸۶: ۶۷۷؛ نهج البلاغه: حکمت ۱۱۳).

— «مَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ وَمَنْ شَاوَرَ الرِّجَالَ شَارَكَهَا فِي عَقُولِهَا؛ هر که استبداد ورزد نابود شود و هر که با بزرگان مشورت کند در فکر و عقلشان شریک گردد.» (نهج البلاغه، حکمت ۱۶۱).
 — «لَا ظَهِيرَ الْمُشَاوِرَةِ؛ هیچ پشتیبانی چون مشاوره نیست.» (نهج البلاغه، حکمت ۱۷۳).
 — «الْإِشْتَارَةُ عَيْنُ الْهَدَايَةِ، وَقَدْ خَاطَرَ مَنْ اسْتَغْنَى بِرَأْيِهِ؛ مشورت عین به مقصود راه یافتن است و هر که خودسرانه کار کند، دچار خطر شود.» (عزیزی، ۱۳۸۶: ۶۷۹/۲۱۱).

همچنین امام علی علیه السلام در نهج البلاغه می‌فرماید: «مشورت باعث راحتی توسست و رنج دیگران» و «پشیمان نشود آنکه مشورت کند». باید اذعان نمود که به وسیله مشورت کردن انسان از افکار افرادی که در امور مربوطه دارای تجربه هستند استفاده کرده از ذخایر فکر و عقل آنها بهره می‌برد، چرا که آن حضرت می‌فرماید: «کسی که با مردم مشورت کند در واقع با عقل‌های آنها شریک شده است».

مدیران باید توجه داشته باشند که هنگام تصدی منصب یا مقام خودرأی نبوده و اصل مشارکت فکری و عملی مردم و افراد سازمان را جزء اساسی و مهمی برای حصول به پیشرفت جامعه اسلام و تعلیمات مربوطه به سازمان در نظر بگیرند؛ زیرا در صورت خودرأی بودن و بی توجهی به دیگران باعث هلاکت خود خواهند گشت (نصیری، ۱۳۸۸: ۶۹). امام علی علیه السلام بیان می‌دارند که بهترین راه حل‌ها و درست‌ترین شیوه‌ها با استفاده از آرای گوناگون به دست می‌آید و اساس آنها مشورت درست است:

در امور آنان (کارمندان) بیاندیش، و پس از آزمایش به کارشان بگمار و با میل شخصی و بدون مشورت با دیگران آنان را به کارهای گوناگون و مدار؛ زیرا نوعی سستگری و خیانت است کارگزاران را از میان مردمی با تجربه و با حیا، از خاندانی با حیا که در مسلمانی سابقه درخشانی دارند برگزین؛ چرا که اخلاق آنان گرمی‌تر و آبرویشان محفوظ‌تر است. (خنیف، ۱۳۸۱: ۶۱ و ۶۲).

اهمیت و مزایای مشارکت و مدیریت مشارکتی

آثار و مزایای مشارکت و مدیریت مشارکتی را می‌توان از دو جنبه به شرح زیر بررسی کرد:

۱. جنبه اجتماعی آثار مشارکت: شامل آگاهی از هدف‌ها و تلاش در جهت دستیابی آنها افزایش خلاقیت کارکنان، ایجاد روحیه آینده‌نگری در کارکنان، همکاری کارکنان در رفع مشکلات متعدد سازمان، همکاری کارکنان در ایجاد تغییرات سازمانی و افزایش مسئولیت‌پذیری کارکنان.

۲. جنبه اقتصادی آثار مشارکت: هماهنگی بیشتر در امر تولید، بهبود کمیت و کیفیت تولیدات، کاهش ضایعات، استفاده بهینه از تجهیزات، همکاری در رفع مشکلات اقتصادی و کاهش تعارضات (همدانی، ۱۳۷۹: ۱۵ تا ۲۰).

به طور کلی حداقل ۱۰ ارزش اصلی به عنوان اصول راهنمای نهاد مشارکتی مطرح است. مشتری‌مداری، تعهد به مشارکت، قدرت و حقوق و مسئولیت‌های مشترک، دسترسی، نظارت درونی، توجه به توازن منطقی و غیر منطقی، داشتن تفکر عملی، مشروعیت فراگیر و تنوع فراگیری. (پاتریشا مک لگان و کریستونل، ۱۳۷۷: ۸۱)

ایبلی (۱۳۸۶) هم مزایای نظام مشارکت را، رشد و ارتقای تولید و خدمات، تنوع تولید و خدمات، تامین شرایط بهبود مستمر، افزایش کارایی فردی و سازمانی، افزایش امنیت شغلی و روانی، افزایش رضایت کارکنان و مشتریان، ترویج رویه همکاری و همیاری، ارتقای انگیزش و روحیه کاری، کاهش قیمت و کم کاری، ترویج روحیه خلاقیت و نوآوری و بهبود جو ارتباطی مدیران و کارکنان و روابط تعاملی آنها می‌داند. مشارکت انگیزش را نیرومند می‌سازد؛ زیرا کارکنان احساس می‌کنند مورد پذیرش بیشتر سازمان هستند و درکارهای آن درگیرند. از این راه احساس احترام به خود، خشنودی شغلی و همکاری با مدیریت می‌تواند بهبود یابد. پی‌آمدهای مشارکت اغلب در قالب کاهش تعارض و فشار عصبی در کار، تعهد و دل‌بستگی بیشتر به هدف‌ها و پذیرش بهتر از دگرگونی‌ها پدیدار می‌شوند. کارکنان نیز از رها کردن کار و غیبت در کار می‌کاهند؛ زیرا احساس می‌کنند که جای برانزده و خوبی برای کار دارند و در کار خویش با کامیابی بیشتر رویارو هستند. سرانجام، عمل مشارکت به خودی خود به دلیل آنکه مردم درباره دشواری‌های کارشان با هم به باز کاوی می‌پردازند ارتباط بهتری میان آنها پدید می‌آورد (طوسی، ۱۳۷۲: ۶۹).

یک مدیر خلاق می‌تواند در حوزه مدیریت خود اثرات خنثی‌کننده سلسله مراتب و



بوروکراسی را با سهم کردن کارکنان در تصمیم‌گیری‌ها به عنوان یکی از مهارت‌های مدیریت، اثر بخش کند. تحقیقات بیانگر آن است افراد در سازمان‌ها فقط از ۲۰ تا ۳۰٪ توانایی خود استفاده می‌کنند، در حالیکه سبک‌ها و روش‌های صحیح مدیریتی از جمله مدیریت مشارکتی می‌تواند این میزان را ۸۰ تا ۹۰٪ افزایش دهد. مدیریت مشارکتی از جمله مقولات مدیریتی است که تعدادی از مدیران و زيردستان به دلایل مختلف، درک کاملی از آن ندارند. برخی از مدیران آن را با واگذاری بخشی از قدرت و اختیارات خود معادل دانسته و برخی آن را نشانه ضعف مدیریت می‌پندارند. زيردستان نیز بعضاً آن را نمونه‌ای از بازی‌های تازه مدیریت پنداشته و در مواردی از آن به عنوان طوفان زودگذر یاد می‌کنند.

مشارکت جویی که در اسلام از آن به عنوان مشورت نام برده‌اند در دین مبین ما از اهمیتی بس والا برخوردار است تا جایی که پیامبر بزرگ ما با آنکه به علم و قدرت مطلق و منبع هستی، متکی بود و خود نیز عاقل‌ترین و متفکرترین انسان بودند باز هم از طرف خداوند مامور می‌شود در امور مربوط به اداره مسلمین با آنان مشورت کند و پس از آن تصمیم بگیرد و بر خداوند توکل نماید (آل عمران / ۱۵۹). امام علی علیه السلام در اهمیت مشورت کردن می‌فرماید: «بر عاقل حق است که همواره از دیگران راهنمایی بخواهد و استبداد را ترك کند.» (تمیمی آمدی: ۳۴۵/۱).

همچنین در ادامه اشاره می‌کنند که: «عاقل کسی است که فکر و نظر خود را متهم می‌کند و بر هر چه نفسش خوب جلوه می‌دهد، تکیه نمی‌کند.» باز در اهمیت شور کردن می‌فرماید: «کسی که به عاقلی بی‌اعتنایی کند، ضعف عقل خود را نشان داده است.» (همان: ۵۵).

اعضای یک سازمان، وقتی احساس کنند که مورد نیاز و توجه و تقاضای سازمان هستند و برای سازمان اهمیت داشته و عقاید آنان مورد توجه قرار می‌گیرد بهتر کار انجام می‌دهند؛ با فراهم نمودن مشارکت افراد به واسطه گستردگی دانش، اطلاعات و تجارب، تصمیمات بهتر و کاملتر انجام می‌گیرد؛ به واسطه مشارکت افراد سازمان، معمولاً تصمیم‌گیری‌ها شفاف‌تر و صریح‌تر گرفته می‌شود؛ در شرایطی که تصمیمات با مشورت فعال گروهی پرسنل انجام می‌گیرد، امکان اخذ تصمیمات غیر منطقی به صورت محرمانه و پنهانی محدود می‌شود؛ مشارکت می‌تواند باعث بهبود اثربخشی و ظرفیت سازمان گردد؛ مشارکت منجر به تصمیم‌گیری‌های گروهی می‌شود که خود آن می‌تواند مزایای زیر را در برداشته باشد:

- اجازه به پرسنل برای ابراز عقاید، تشویق آنان در جهت ارائه ایده‌های خلاق و اساسی؛
- ارتقای کیفیت تصمیمات به واسطه دخالت افراد متخصص در زمینه‌های مختلف؛

- بالا بردن امکان پذیرش اهداف مسطح نظر جمع از طریق دخالت کلیه افراد؛
- حذف ایده‌های بینابین (واسطه) و اصلاح اشتباهات از طریق پیشنهادهای و تقدیر و بررسی آن عقاید. (سنبله: ۶۳)

فواید مشورت

در فواید مشورت و شور کردن می‌توان ابتدا به این نامه از امام علی علیه السلام اشاره نمود تا هر بیشتر به به اهمیت آن پی برد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «اگر مردم به تو گمان سوء پیدا کردند و پنداشتند که تو بیت المال را حیف و میل می‌کنی یا در بعضی کارها ناتوان و یا این که عمداً رسیدگی نمی‌کنی و ...، مشکل و موضوع را با آنها در میان بگذار و مشورت نما و با این کار ذهن و اندیشه آنان را نسبت به خودت هموار و سالم قرار بده، که مردم را در جریان امر قرار دادن فوایدی دارد؛ از جمله این که: بیشتر مواظب عملکرد خویش خواهی شد (آن گاه که می‌بینی باید مردم در چند و چون امور قرار بگیرند پس تلاش می‌کنی از کج روی و رفتارهای نادرست خودداری کنی) و هم چنین این کار موجب می‌شود با زیر مجموعه خود و مردم، دوست و رفیق و صمیمی باشی که این رفاقت، قوی‌ترین ابزار برای حاکمان و مدیران می‌باشد، و باز موجب خواهد شد که عذر و دلایل تو را در امور مورد تهمت بپذیرند و به تو گمان سوء نبرند.» (نهج البلاغه: نامه ۵۳). اما به طور خلاصه می‌توان فواید مشورت را اینگونه برشمرد:

۱. مشورت کردن باعث کاهش خطاها و لغزش‌ها می‌شود؛
۲. مشورت موجب شکوفایی استعدادها و تقویت توانایی اندیشه زیردستان می‌شود؛
۳. مشورت در کارها به خصوص با زیردستان اگر نتیجه‌اش منفی بود، سرزنش و ملامت کمتری متوجه مدیر می‌شود؛ زیرا افراد خود را شریک در این تصمیم‌گیری می‌دانند؛
۴. مشورت منجر به دوستی و علاقه افراد نسبت به مدیر و پیشرفت سازمان می‌شود؛
۵. مشورت به عنوان مجموعه‌ای از عقل‌ها موجب می‌شود تا تصمیمات گرفته شده با تصمیمات انفرادی متفاوت بوده و درجه مطلوبیت آن افزون‌تر باشد؛
۶. در جریان مشورت در اتخاذ تصمیم به منظور تعیین راه حل، به علت کثرت مشاورین مجموعه‌ای از راه حل‌ها وجود دارد که انتخاب راه حل صحیح‌تر را میسر می‌کند؛
۷. مشورت به عنوان عامل تقلیل مقاومت مجریان نیز اثرگذار است؛
۸. مشورت موجب بروز شکوفایی افکار و ایده‌های تازه می‌شود؛



۹. مشورت عامل ایجاد کننده زمینه‌های وحدت در عمل است؛

۱۰. افرادی که در مورد مشورت قرار می‌گیرند در حسن اجرای آن نیز احساس مسئولیت می‌کنند و بر آن نظارت خواهد داشت؛

۱۱. مشورت موجب بالا رفتن کیفیت و کمیت کارها می‌شود؛

۱۲. مشورت در امور موجب می‌شود تا نقاط قوت تقویت شده و نقاط ضعف کاهش یابد؛

۱۳. مشورت شفافیت و بیداری افکار و خردها را بدنبال دارد؛

۱۴. مشورت کردن باعث رفع تهمت‌های نا به جا از مدیر می‌شود؛

۱۵. مشورت باعث تقویت روح تواضع و همکاری و پرهیز از استبداد و تک‌روی می‌گردد.
(نصیری ۱۳۸۸: ۶۹-۷۰)

معیارهای اخلاقی مشاوران

امروزه در سطح جهان در هر امری از مشاوران استفاده می‌کنند و از تجربیات دیگران بهره‌مند می‌شوند و بالأخص در دستگاه حکومتی، مشاورانی با تجربه و کارآموزانی پخته استخدام می‌کنند و از افراد کاردان با هوش و مجرب بهره‌می‌گیرند؛ ولی آنچه فراموش شده و مسطح نظر نگرفته است، معیارهای اخلاقی مشاوران می‌باشد؛ به عبارت روشن‌تر در حکومت‌های غیر اسلامی بهترین مشاوران را با تجربه‌ترین و مدیرترین و کار آزموده‌ترین افراد می‌شناسند و هیچگونه شرط دیگری قائل نیستند در حالیکه مکتب اسلام، علاوه بر عقل و درایت و تجربه، معیارهای اخلاقی را ملاک استشاره شناخته است (لنکرانی، ۱۳۷۷، ص ۱۲۲).

شرایط اثباتی

۱. اسلام؛ ۲. عقل؛ ۳. حلم؛ ۴. نصیح؛ ۵. تقوا؛ ۶. تجربه.

با توجه به این شرایط می‌فهمیم که اسلام مشورت مسلمان، عاقل، نرم‌خو، ناصح، با تقوا و با تجربه را می‌پذیرد و از افراد غیر مسلمان، فاسق، نادان، تندخو، بی‌تقوا و بی‌تجربه استشاره نمی‌کند. چنانچه حضرت امیرمومنان (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «در باره استوار ساختن آنچه که کار شهرهای تو را منظم می‌گرداند و بر پاداشتن آنچه مردم پیش از تو بر پا داشته بودند، بسیار با دانشمندان مذاکره کن و با راستگویان و درست‌کرداران گفت و گو کن.» (نهج البلاغه: نامه ۵۳). یا در جایی دیگر می‌فرماید: «از انسان دانا اطاعت کن، بهره‌خواهی برد.» (تمیمی آمدی: ۱/ ۱۳۵). باید گفت که در حقیقت افرادی که مورد مشورت قرار می‌گیرند؛ هرچه از آگاهی و تخصص

بیشتری برخوردار باشند، نتیجه بهتری به دست خواهد آمد، آن حضرت می‌فرماید: «با فضیلت‌ترین کسی که با او مشورت می‌کنی باید فرد دارای تجربه باشد.» (همان: ۱/ ۲۰۵).

شرایط سلبی

صفاتی را که شخص (در مقام مشورت) نباید به آنها متصف باشد، به قرار ذیل است:

۱. جبن؛ ۲. بخل؛ ۳. حرص؛ ۴. وعد؛ ۵. تلو؛ ۶. لجاجت؛ ۷. جهل.

از این شرایط استفاده می‌شود که افراد ترسو، بخیل، سست خرد، منافقین لجوج و نادان نبایستی مورد مشورت قرار بگیرند؛ زیرا اینان لیاقت مقام ارجمند «مشاور» را ندارند. (لنکرانی، ۱۳۷۷: ۱۲۲ و ۱۲۳)

امام علی علیه السلام مالک اشتر را در کارها به مشورت توصیه می‌کند. و برای مشاوره ویژگی‌هایی را بیان می‌دارد که در اینجا مهم‌ترین این ویژگی‌ها بیان می‌گردد:

۱. مشورت با دانایان و خردمندان:

«وَأَكْثَرُ مَدَارَسَةِ الْعُلَمَاءِ وَمُنَافَقَةِ الْحُكَمَاءِ؛ با دانایان و خردمندان در آنچه صلاح ملک است گفتگو کن و به تبادل نظر پرداز.» (نهج البلاغه: نامه ۵۳).

۲. بخیل نباشد:

«وَلَا تُدْخِلَنَّ فِي مَشُورَتِكَ بَخِيلًا؛ در مشورت برخورد بخیل را، راه مده.»

در دیدگاه امام علی علیه السلام بخیل انسان را از احسان و بخشش باز می‌دارد (همان).

۳. بزدل و ترسو نباشد:

«وَلَا حَبَانًا يُضْعِفُكَ عَنِ الْأُمُورِ؛ با بزدل و ترسو مشورت نکن که تو را در کار ناتوان گرداند.»

«وَلَا حَرِيصًا يُزَيِّنُ لَكَ الشَّرَّ بِالْجَوْرِ؛ در مشورت با خود حریص را داخل مکن که او آزمندی و

تجاوز را در نظر زیبا جلوه می‌کند» (همان).

۴. عیب جوی مردم نباشد:

«وَلَيْكُنْ أَبْعَدَ رَعِيَّتِكَ مِنْكَ وَأَثْنُهُمْ عِنْدَكَ أَطْلَبُهُمْ لِمَعَائِبِ النَّاسِ فَإِنَّ فِي النَّاسِ عيوباً، الوالی مَنْ

سَرْتَرَهَا؛ از توده مردم، آنکه بیش از همه در پی عیب جویی مردم است، باید که بیش از همه از تو دور باشد و در دلت منفور. چه مردم، همه را عیب‌هایی است و فرمانروا در خطاپوشی سزاوارتر از دیگران است» (همان).

۵. بیش از همه در روی تو سخن تلخ حق را بر زبان آورد:

«ثُمَّ لِيَكُنْ أَثَرُهُمْ عِنْدَكَ أَقُولَهُمْ بِمُرَّ الْحَقِّ لَكَ، و باید نزد تو، برگزیده تر کسانی باشند که هر جا دل آورد بر تو چیره گردد و بیش از همه سخن تلخ حق بر زبان آرند» (همان).

۶. از صالحین، ارباب مروت و صاحب مکرمت باشد:

«ثُمَّ الصَّقْ بَذَوَى الْمَرْوَاتِ وَ لِحَسَابِ وَ اَهْلِ الْبَيْوَاتِ الصَّالِحَةِ وَ السَّوَابِقِ الْحَسَنَةِ، ثُمَّ اَهْلُ النَّجْدَةِ الشَّجَاعَةِ وَ السَّمَاخَةِ فَانْهَمُ جَمَاعَ مِنَ الْكُرْمِ وَ شَعْبَ مِنَ الْعَرَفِ؛ دِیْگَرِ آنْکِه بَا اَرْبَابِ مَرْوَتِ وَ صَاحِبَانِ مَکْرَمَتِ بَجَوْشِی وَ بَا مَرْدَمِی اَز خَاَنْدَانِ هَای صَالِحِ وَ نِیکو پِیشِینِه الْفَتِ گیر. سِپَس بَا یَاَرِی دِهَنْدِگَانِ وَ ثَابِتِ گَامَانِ وَ دَلِیرَانِ وَ بَلَنْدِ هَمْتَانِ، کِه اَنَانِ مَجْمُوعِه کَرَمِ وَ شَاخِه هَای نِیکوِیِی هَسْتَنْد» (همان).

موانع و محدودیت‌های مدیریت مشارکتی

مشارکت نیز همچون هر اندیشه کاربردی دیگر، متناسب با جغرافیای محیط و فرهنگ آن جامعه ممکن است موانعی بر سر راه خویش داشته باشد، از جمله موانع بر سر راه مدیریت مشارکتی، فرهنگ مشارکت است، عدم وجود بستر مناسب فرهنگی جهت استقرار مشارکت در بافت نظام اداری، موجبات شکست طرح‌های مشارکتی را فراهم می‌آورد.

موانع ساختاری و همچنین وجود قوانین دست و پاگیر از جمله موارد دیگر بر سر راه مدیریت مشارکتی است. به عقیده کزمین (۲۰۰۰) موانعی بر سر راه اجرای طرح‌های مشارکتی وجود دارند که نشان می‌دهد اجرا بایستی توأم با اعمال تغییرات سازمانی باشد و موفقیت این مسیر نیازمند همکاری در تمامی سطوح مدیریت و صبر و حوصله و حمایت مدیران ارشد و همکاری کارکنان می‌باشد. میچل (۲۰۰۱) معتقد است که یک ساختار منعطف غیر بورکراتیک باعث می‌شود تا بهترین فرصت برای کارآفرین شدن مدیران مهیا شود. محدودیت زمانی در شرایط بحرانی و متلاطم، که نیاز به تصمیم‌گیری سریع را ضروری می‌کند، امکان به کارگیری نظام مشارکتی را محدود کرده است. محرمانه بودن بعضی از طرح‌ها و فعالیت‌های موجود، سبک‌های مدیریتی و رهبری مختلف نیز از موانع دیگر به شمار می‌روند. از جمله موانع و محدودیت‌های دیگر فراروی اجرای نظام مشارکتی، عدم اعتقاد کارکنان به نظام مدیریت مشارکتی ناشی از برخورد سطحی و ظاهری شماری از مدیران با آن است. آنان در ظاهر خواهان شرکت کارکنان در امور سازمان هستند، اما در عمل هیچ‌گاه به نظرات آنها توجه واقعی نمی‌گذارند. عدم تمایل برخی از کارکنان به مشارکت نیز می‌تواند ایجاد محدودیت نماید.

دیگر موانع اجرایی مدیریت مشارکتی

مجدفر (۱۳۷۶) در مطالعات خود موانع اجرایی مدیریت مشارکتی در ایران را به شرح زیر بیان نموده است:

۱. در سازمان‌های ما، رابطه بین مدیر و کارکنان، همچنان رئیس و مرئوس است و مفهوم کلمات مدیر و کارکنان، هنوز جای خود را به هنر و پیروان نداده است؛
۲. اعتقاد بسیاری از مدیران جامعه ما به رغم آنکه حتی پذیرفته‌اند مدیریت مشارکتی در مؤسسه آنها اجرا شود صرفاً از نگرش‌های اقتصادی سرچشمه می‌گیرد؛
۳. مانع دیگر کم رنگ بودن مشارکت زیر دستان هستند؛
۴. مدیریت مشارکتی در سازمان‌های که دارای بحران‌های محیطی و جو ناآرام و غیر کارا بوده و از آرامش کافی برخوردار نیستند، پا نمی‌گیرد؛
۵. تثبیت نبودن مدیریت‌ها در مؤسسات ایرانی از دیگر موانع اجرایی مدیریت مشارکتی است؛
۶. مشارکت یک مسیر دو طرفه است که می‌باید هم سازمان و هم افراد سهم داشته باشند؛
۷. عامل دیگر زمان است که مدیران ارشد می‌خواهند در فرصت کوتاه نتیجه‌گیری کنند؛
۸. کم‌اهمیتی به آموزش، یکی دیگر از موانع مشارکت در ایران است.

راهکارهای اجرای مدیریت مشارکتی

آزمایش کامیاب مدیریت مشارکتی به سه شاخص وابسته است: ساختار، جهت‌گیری و فراگرد. - ساختار: آشکارترین متغیر ساختاری اندازه و بزرگی سازمان است. سازمان‌های کوچکتر در به کار انداختن مدیریت مشارکتی کامیاب‌ترند. در واحدهای کوچکتر تماس چهره به چهره شدنی‌تر است، پیوندها خصوصی‌تر هستند، تصمیم‌گیری می‌تواند بی‌درنگ تر مسئولانه شناخته شود، و هماهنگی آسان‌تر می‌گردد.

بر همین پایه، در واحدهای بزرگ مشارکت باید تحت ساختاری فشرده‌تر و دورتر از دسترس همگان باشد، گرچه یک زنجیره از گروه‌های کوچک به صورت «گیره‌های پیوند» (مانند هسته‌های نظارت بر کیفیت کار) در هر رده بالاتر سازمانی می‌تواند یک روش از میان بردن این دشواری باشد.

- جهت‌گیری: برای کامیابی مدیریت مشارکتی ساختار مناسب و هوادار بسنده نیست.

کارکنان سازمان نیز باید در جهت مساعد توجیه باشند. این نکته بدین حقیقت اشاره دارد که مشارکت تنها یک ابزار مدیریت عقلانی نیست، بلکه یک فراگرد اجتماعی نیز است. مانند همه فراگردهای اجتماعی پیآمدهای آن سخت به نگرش‌های پیشین مشارکت کنندگان در این امر بستگی دارد. جهت‌گیری و گرایش‌ها پیشین بسیار دیگری نشان داده شده‌اند که بر کامیابی مدیریت مشارکتی اثر می‌گذارند:

- پشتیبانی مدیر: مانند همه کوشش‌های که برای دگرگونی سازمانی صورت می‌گیرد، مشارکت از نظر نوعی، نیاز به پشتیبانی مدیریت بلند پایه دارد.

- سبک مدیر: سبک کار مدیر باید مشارکت جو باشد، همه مدیران نمی‌توانند چنین سبکی را در پیش گیرند و برخی از آنان از مشاکت هراس دارند.

- مشارکت کنندگان نباید بسیار خودکامه باشند و نه در نیاز به استقلال عمل سست باشند. - زیردستان باید در برابر ابهام کار بردبار و شکیب‌ا باشند، خود را با هدف‌های سازمانی همانند سازند و آرزوی شرکت در تصمیم‌گیری داشته باشند.

- فراگرد: همانند ساختار، جهت‌گیری‌های هوادار نیز نمی‌توانند به تنهایی کامیابی مدیریت مشارکتی را استوار سازند. سومین دسته از مقتضیات ضروری و بنیادی به خود فراگرد تصمیم‌گیری باز می‌گردد. گاهی نیازمندی‌های آشکار فراگرد سازمانی، مانند سری بودن کار، به طور کلی مشارکت در تصمیم‌گیری را از میان بر می‌دارد. با توجه به قانون‌هایی که درباره سری بودن کار به تصویب می‌رسد و حساسیت سازمان‌های دولتی درباره آنها، این می‌تواند به خودی خود یک سد و مانع عمده به شمار آید (طوسی، ۱۳۷۲: ۴۳-۴۷). به طور کلی برای اینکه بتوانیم شرایط و محیط را جهت دخالت و درگیر نمودن پرسنل در تصمیمات آتی سازمان فراهم نماییم بایستی شرایط و لزومات زیر را انجام داد و مدیر بایستی به موارد زیر توجه و باور داشته باشد:

- مدیر بایستی به جای فرمانروایی مستبدانه، از رهبری بر مبنای احترام انسانی و شخصیت افراد استفاده نماید.

- مدیر بایستی عمیقاً باور داشته باشد که همه انسان‌ها دارای استعداد و شایستگی هستند و هرکسی می‌تواند کاری را که قادر به انجام آن است را در محیط و شرایط مناسب، به صورت باز هم بهتر انجام دهد.

- مدیر بایستی افراد را مطمئن سازد که با مشارکت داشتن و تلاش در جهت تصمیم‌گیری جمعی ذینفع خواهد بود که سهم آنها می‌تواند مادی، معنوی، تضمین شغلی و یا پیشرفت در کار

باشد.

- شرایط کار بایستی طوری باشد که زیردستان به راحتی و آزادی، و بدون هیچ‌گونه ترس و نگرانی و ملاحظه کاری عقاید، نظرات و پیشنهادها به‌سازی خود را ارائه دهند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

توجه به کارگروهی و اجرای مدیریت مشارکتی باعث کشف استعدادها و کاهش مدیریت خودکامه و استبدادی می‌شود. این نظام مدیریتی به‌عنوان یک نظام مطلوب و کارآمد هم از لحاظ نظری و هم از نظر عملی آزمون‌های موفق خود را گذرانیده است و هم اکنون در کشورهای پیشرفته و نیز در کشورهای در حال توسعه کاملاً مورد استفاده بوده و از جایگاه مناسبی برخوردار است. این سیستم صاحبان اندیشه‌های سازنده را بدون در نظر گرفتن شغل و مقام آنها را به طور یکسان می‌پذیرد. علاوه بر این که قدرت تصمیم‌گیری و مسئولیت مدیریت را به هیچ وجه تضعیف و مخدوش نمی‌کند، زمینه‌های لازم برای تشویق مادی و معنوی پرسنل را در قبال عرضه کردن اندیشه‌های سازنده فراهم می‌نماید. تا از خلاقیت و پویایی تفکر انسان‌ها برای رشد و توسعه استفاده مطلوب به عمل می‌آید. اصولاً مدیریت مشارکتی بر گسترده کردن دامنه درگیری ذهنی و فکری کارکنان در اموری که به سرنوشت آنان اثر مستقیمی دارد تأکید می‌کند و از توانمندی‌های ذهنی و فکری آنان جهت بهبود امور بهره می‌گیرد.

در این مقاله ضمن تبیین مفهوم مشارکت و فواید مشورت و معیارهای اخلاقی مشاوران و معرفی جایگاه آن در مدیریت، اهمیت و ضرورت شور و مشورت از منظر نهج البلاغه بیان شد و نظام مدیریت مشارکتی به‌عنوان نظامی که باعث دخالت دادن و سهیم کردن واقعی کلی افراد دخیل در سازمان برای بهره‌مندی از تخصص، تجارب و نظرات ایشان و نیز احساس تعلق به سازمان، ارتقای توانایی پرسنل، شفاف‌تر شدن تصمیمات و واقع‌گرایانه بودن آن، بهبود اثربخشی و ظرفیت سازمان، افزایش امکان پذیرش اهداف و افزایش اماکن همکاری و... خواهد شد مورد بررسی قرار گرفت. و در پایان مقاله موانعی پیش رو نظام مدیریت مشارکتی از جمله موانع ساختاری، عدم وجود بستر مناسب فرهنگی، عدم اعتقاد مدیران و کارکنان به نظام مدیریت مشارکتی و عدم ثبات مدیریتی مورد بررسی قرار گرفته و راهکارهایی برای اجرایی شدن نظام مدیریت مشارکتی در سازمان‌های آموزشی ارائه گردیده است.

همچنین در پایان به منظور تکامل تدریجی مدیریت مشارکتی پیشنهاد می‌گردد که

دست‌اندرکاران، نظام مدیریت مشارکتی را به صورت داوطلبانه و با پیشنهادها شروع کنند و سپس آن را از شکل فردی به شکل گروهی هدایت نمایند. انعکاس محاسن مشارکت به کارکنان، احیای حس خودباوری و اعتماد به نفس درکارکنان، توجه نظام مشارکت به ارتقای شغلی کارمندان، از دیگر راهکارهایی است که به مدیران و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت به منظور تکامل تدریجی مشارکت پیشنهاد می‌گردد. بالاخره به منظور توسعه فرهنگ مشارکت پیشنهاد می‌گردد که کلیه مدیران سطوح مختلف ضمن حمایت از برنامه‌های توسعه مشارکت، در فرآیند اعمال مدیریت، از مشارکت زیر مجموعه بهره‌مند گردند.

منابع و مآخذ

۱. ابیلی، خدایار (۱۳۸۶). *دریچه‌ای به مفاهیم نوین مدیریتی*. تهران: سارگل.
۲. پاتریشیامک گلان و کریستونل (۱۳۷۷). *عصر مشارکت*. ترجمه مصطفی اسلامی. پژوهش‌های فرهنگ‌ها.
۳. حنیفی، فریبا (۱۳۸۰). *مدیریت مشارکتی*. فرهنگ مشارکت. ش ۲۹.
۴. خنیفر، حسین (۱۳۸۱). *اصول مدیریت و وظایف مدیران*. تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
۵. طوسی، محمد علی (۱۳۷۲). *مشارکت (در مدیریت و مالکیت)*. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
۶. طوسی، محمد علی (۱۳۷۹). *مدیریت و مشارکت کارکنان*. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
۷. عباس زادگان، سید محمد (۱۳۷۶). *مبانی اساسی در سازماندهی و رهبری*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۸. غریزی، عباس (۱۳۸۶). *نهج البلاغه موضوعی*. تهران: صلاه.
۹. فصلنامه مدیریت فردا. سال ۴. ش ۱۵ و ۱۶.
۱۰. لنکرانی، محمد فاضل (۱۳۷۷). *آیین‌کشورداری از دیدگاه امام علی (ع)*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۱. لورن پلونکت و رابرت فوراینه (۱۳۸۱). *مدیریت مشارکت جو*. ترجمه محمد علی طوسی. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.

۱۲. ماهنامه، علمی، فنی، کشاورزی و زیست محیطی *سنبله*.
۱۳. مجدفر، مرتضی (۱۳۷۶). موانع اجرایی مدیریتی مشارکتی در ایران. *فرهنگ مشارکت*. ش ۲.
۱۴. مقیمی، سید محمد (۱۳۸۰). *منشور مدیریت: نگرش تطبیقی به فرمان امام علی (ع)* به مالک اشتر. تهران: مؤسسه مهربان نشر.
۱۵. نصیری، فخرالسادات (۱۳۸۸). *نگاهی به مدیریت اسلامی از دیدگاه قرآن، نهج البلاغه و روایات*. همدان: روز اندیش.

واکاوی و تبیین مفهوم فرهنگ در سیره معصومان علیهم‌السلام

حمیدرضا صافی^۱

چکیده

این مقاله مفهوم فرهنگ را از گزیده تفسیر آیات و احادیثی که دو مفسر قرآن کریم بیان کردند یعنی تفسیر المیزان علامه طباطبایی و تفسیر تسنیم و بیانات آیت الله جوادی آملی اساس مطالعات این تحقیق برای واکاوی و تبیین بوده است. واژه فرهنگ به طور مستقل در قرآن کریم و احادیث آورده نشده است، ولی مؤلفه‌های مشترک فرهنگ که قابل قبول اندیشمندان است با بیان مبین قرآن کریم و کلمات نورانی ائمه طاهرين علیهم‌السلام به زیبایی تبیین شده به خصوص در سیره نبوی و علوی به عمل درآمده است، مانند: اعتقادات، باورها، ارزش‌ها، آداب اجتماعی، سنن و رسوم، اخلاق و دین الهی. بنابراین چیدمان و برقراری ارتباط بین مؤلفه‌ها، مفهوم جامعی از فرهنگ را به خواننده ارائه می‌دهد. مفهوم فرهنگی که برای جوامع انسانی تمامی قرون به عنوان یک اندیشه الهی و انگیزه‌ای برای سبک زندگی معرفی شده است. لیکن به خاطر ضیق واژگان در این مقاله، گزیده‌ای از مبانی فرهنگ و نمونه‌ای از آداب تربیتی و اخلاق که پاشنه آشیل انتقال فرهنگ هستند و همچنین تاثیر به سزایی در باورها و اعتقادات و ارزش‌ها دارند را بررسی کرده‌ایم. انبیای الهی و ائمه طاهرين علیهم‌السلام پرچم داران فرهنگ دینی و قائمان به علم و عقل و ایمان بودند. فرهنگ عقلانی که مبتنی بر اندیشه قرآنی و سنت نبوی باشد انگیزه‌ای عملی برای پیاده‌سازی آن در جامعه را دارد.

کلمات کلیدی

امامان معصوم علیهم‌السلام، مؤلفه‌های فرهنگ، تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، تفسیر تسنیم، علامه جوادی آملی.

۱. دانشجوی دکتری مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Hrezasafi3@gmail.com

بیان مسئله

آیا شناسه‌های (مؤلفه‌های) فرهنگ در احادیث و سیره ائمه طاهرین علیهم‌السلام قابل واکاوی است؟

مقدمه

واژه فرهنگ در لغتنامه‌ها مانند عمید (۱۳۸۲: ۱۵۳۶ و ۱۹۸۰) به معنای دانش، ادب، معرفت، تعلیم و تربیت آمده است. واژه ثقافه ترجمه عربی فرهنگ در لغت نامه فرهنگ معاصر (آذرتاش، ۱۳۸۸: ۶۹) و راغب اصفهانی (راغب اصفهانی: ۳۰۴) توضیح داده شده که مربوط به استعمال دوران معاصر است و در قرآن کریم به معنای دیگری آمده است. بنابراین واژه‌های ادب، تعلیم و تربیت نزدیک‌ترین مترادفی است که با فرهنگ قابل واکاوی در احادیث مورد توجه این مقاله واقع شده است. تعاریف فرهنگ نیز مختلف است و ما ناگزیر یک تعریف را در این جا می‌آوریم.

تعریف فرهنگ از دیدگاه فرهنگستان زبان و ادب فارسی: «مجموعه عادات و رفتارهایی که در یک جامعه انسانی عمدتاً از طریق فرایندهای اجتماعی و نه فرایندهای زیستی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و در نمادها، باورها، هنر، مهارتها، آداب و رسوم آن جامعه انعکاس می‌یابد.» (پایگاه فرهنگستان زبان و ادب فارسی apll.ir)

به علت محدودیت تنظیم واژگان در مقاله به چند نمونه از عناصر فرهنگ اشاره می‌کنیم. بهره‌مندی از قرآن کریم به عنوان اندیشه و سیره ائمه معصومین علیهم‌السلام به عنوان انگیزه در سبک زندگی در رشد عقول موثر است و عقول رشید در جهت فرهنگ متعالی حرکت می‌کند.

۱. بهره‌مندی همگان از هدایت قرآن و سیره نبوی

بررسی ساحت فرهنگ در بهره‌مندی از هدایت قرآن و سیره نبوی زوایای پژوهش را روشن‌تر می‌سازد.

«چون قرآن مجید به منظور هدایت همگان تنزل یافت، تمام افرادی که در پهنه زمین و گستره زمان به سر می‌برند از نور رهنمود او برخوردار خواهند شد و در فهم معارف آن، نه فرهنگ خاصی معتبر است که بدون آن نیل به اسرار قرآنی میسر نباشد و نه تمدن مخصوصی مانع است که با داشتن آن از لطایف قرآنی محروم و با ابتلای به آن بهره‌مندی از ره آورد آسمانی برای او میسر نباشد. اگر کتابی از لحاظ وسعت حوزه رهنمود، جهان شمول باشد، باید با زبان جهانیان سخن بگوید تا همگان را از فهم زادراش نصیبی باشد و هیچ‌کس بهانه نارسایی آن زبان و دست‌آویز

آشنا نبودن با آن فرهنگ را خار راه خود نبیند و از پیمودن مسیر سعادت نایستد؛ زیرا حَرَم وصال در پیش و حرامی راهزن در کمین اگر رفتی، بُردی و اگر خُفتی، مُردی.

تنها زبانی که جهان گسترده بشریت را هماهنگ می‌کند، همانا زبان فطرت است که فرهنگ مشترک انسان هاست و هر فردی به نوبه خود از آن بهره‌مند و بدان آشناست و هیچ فردی بهانه بیگانگی از آن را در سر نمی‌پروراند و دست تطاول تاریخ به دامن پاک و پایه‌های استوار آن نمی‌رسد؛ که خداوند فطرت آفرین، صیانت او را از هر گزند تأمین فرمود؛ «فَأَقْمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ...» (روم / ۳۰)

نشانه اشتراك فرهنگ قرآن کریم را می‌توان در گردهمایی دلپذیر سلمان فارسی و صهیب رومی و بلال حبشی و اویس قرنی و عمار عربی در ساحت قدس پیامبر جهانی حضرت محمد بن عبدالله ﷺ که با شعار: «بَعَثْتُ إِلَى الْأَسْوَدِ وَالْأَبْيَضِ وَالْأَحْمَرِ» (مجلسی: ۲۲۱ / ۳۸) شهره عالم شد، مشاهده نمود؛ زیرا در پیشگاه وحی که ظهور تام وحدت حق است، کثرت صورت محکوم وحدت سیرت است و تعدد زبان و نژاد و اقلیم و عادات و رسوم و دیگر عوامل گوناگون بیرونی، مقهور اتحاد فطرت درونی است.

آنان که به رنگ و نژاد و لهجه و دیگر عوارض زوال پذیر، صبغه اصالت بخشیدند، همانند جماد و گیاه و جانوران که جز تفاوت در رنگ، فصل ممیز دیگری ندارند. تنها عالمان خدا ترس که فطرت پذیرش سروش وحی را پاس نهاده و در راه آن گام برداشته و به هدف رسیده‌اند، دارای فصل ممیز انسانی می‌باشند؛ (اسفار: ۲۱ / ۹). زیرا: «قِيَمَةُ كُلِّ امْرِءٍ مَا يُحْسِنُهُ» (مجلسی: ۱۶۵ / ۱). و قیمت‌گذاری افراد گوناگون بشر در اختیار خالق است که به سرائر همگان آگاه است؛ «أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ» (ملک / ۱۴) و در ارزشیابی بردگان ملیت‌گرا و آزادگان خداپرست، چنین می‌فرماید: «... وَمَنْ الْجِبَالِ جَدِيدُ بَيْضٍ وَحُمْرٍ مُخْتَلَفٍ أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٍ * وَمَنِ النَّاسِ وَالْأَنْعَامِ مُخْتَلَفٍ أَلْوَانُهُ إِنَّما يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ» (فاطر / ۲۷ - ۲۸) (جوادی آملی، ۱۴۰۴).

فرامین و معارف الهی از طریق وحی به پیامبر اکرم ﷺ نازل گشت و در سیره آن والا مقام به منحصه ظهور رسید تا پیوند اندیشه و انگیزه، چراغ راه فرهنگ جویان حقیقی قرار بگیرد.

«از بارزترین تأثیر بعث نبوی بر فرهنگ بشری بعد از شفاف نمودن نظام خلقت در اثاره و شکوفا نمودن دلائل عقلی بشر است: «وَيُثِيرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ» (نهج البلاغه: خطبه ۱) و با بروز دینه‌های فکری سرمایه تدبیر در متون نقلی بیشتر می‌شود و در پرتو افزایش چنین رأس‌المالی

دفائن نقول بهتر اثاره می گردد و هماره بین صفای عقل و مروه نقل اثاره متقابل سامان می پذیرد و نوآوری به اوج عروج خود نائل می شود. همه علوم عقلی و نقلی تحت اشراف سلطان معارف که مشهودات حضرت ختمی نبوت ﷺ و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام است قرار دارند و هیچ دانشی همتای وحی نبوده و هیچ دانشمندی در برابر پیامبر قرار ندارد.

مصطفی اندر جهان آنکه کسی گوید که عقل آفتاب اندر سما آنگاه کسی گوید سها شاخص ترین تأثیر بعثت نبوی بر تمدن بشری همانا احیای آن به نفخ روح معنویت و پرستش خدا و پرهیز از بت هوا و صنم سیاست باطل و وثن تکاثر است. (جوادی آملی، ۱۳۸۷)

اگر چه موضوع این تحقیق سیره ائمه طاهرین است ولی سیره آنان منطبق بر آیات قرآن کریم است زیرا انسان کامل همتای قرآن کریم است برابر با حدیث شریف ثقلین يك، و قرآن مصون از هر گزند است دو، پس اولیای الهی، معصومین، اهل بیت، منزّه از هر جهل و از خطا هستند این نتیجه؛ زیرا ممکن نیست بر اساس «إني تارك فيكم الثقلين كتاب الله وعترتي» قرآن معصوم باشد و اینها معصوم نباشند، قرآن «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ» باشد اینها «يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ» باشند، قرآن حق و صدق محض باشد، اینها احیاناً اشتباه بکنند؛ ممکن نیست يك انسان خطاکار را با قرآن معصوم همتا قرار بدهند.

نتیجه آنکه ولایت، هم سنگ قرآن است یعنی قرآن اگر بخواهد پیاده بشود وجود عینی قرآن می شود اهل بیت عصمت و طهارت، اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام بخواهند به صورت يك کتاب تدوینی دربیایند، می شوند قرآن حکیم و قرآن کریم، و اینها معلّم ملائکه اند، اینها اُسوه و قُدوه ما هستند. (جوادی آملی، ۱۳۸۷)

پس از مشخص شدن ساحت فرهنگ حقیقی که همان قرآن کریم و سیره اهل بیت طاهرین علیهم السلام هستند، در بخش دوم به چند نمونه از مؤلفه های فرهنگ اشاره می کنیم:

۲. تحصیلی بودن تعلیم مسائل فرهنگی

«جریان تعلیم مسائل فرهنگی، از قبیل مقدمات تحصیلی است؛ زیرا بسیاری از شرایط آن داخل در حوزه قدرت عالمان دینی می باشد؛ لذا وارثان انبیاء چونان پیامبران علیهم السلام به نشر فرهنگی مبادرت جسته و از آگاه نمودن اقشار گوناگون مردم در سطوح مختلف، قصور و فتوری را روا نمی دارند تا جامعه از جهالت و ضلالت برهد و به معرفت و هدایت برسد.

چون مهم ترین رسالت پیام آوران الهی، شکوفایی انسانیت اصیل جامعه است و انسانیت نیز



دارای دو جهت حساس است: یکی اندیشه درست و دیگری جهت یابی و کوشش صحیح؛ یعنی ادراک درست و تحریک صحیح، نقش تعیین کننده را در ساختار انسانی به عهده دارند. جریان باروری اندیشه بشری را با «و یعلّمهم الكتاب والحکمة» (بقره / ۱۲۹) تنظیم می نمایند و جریان ثمردهی کار و کوشش انسانی را با «و یزکیهم» تأمین می کنند.

حضرت امیرمؤمنان علیه السلام آن که خود از بزرگ ترین راندان و قاتلان قافله های بشری است، تأثیر رسالت نبی اکرم اسلام صلی الله علیه و آله را چنین ترسیم می فرماید:

إلی أن بعث الله سبحانه محمداً رسول الله صلی الله علیه و آله ... وأهل الأرض یومئذٍ ملل متفرقة وأهواء منتشرة و متشتتة ... فهداهم به من الضلالة وأنقذهم بمكانه من الجهالة». (نهج البلاغه: خطبه ۱)

یعنی ارسال سلسله پیام آوران الهی به حضرت محمد صلی الله علیه و آله رسید؛ در حالی که جهان عصر بعثت، گرفتار ملیت های پراکنده و خواسته های گوناگون فراوان بوده است و خداوند به وسیله رسول اکرم صلی الله علیه و آله آنها را از ضلالت و گمراهی رهانیده و از جهالت و نادانی نجات داده و این دو بارگران گمراهی و نادانی را به دو بال توانمند رهیابی و دانایی مبدل نمود. پس تا عقل نظری به عقل عملی و قیام به عقل نرسد نمی تواند جامعه ایمانی را شکل دهد. (جوادی آملی، ۱۳۹۵)

یکی از شناسه های فرهنگ، ادب، تربیت و تعلیم آن به نسل های بعدی است. علامه طباطبایی در تفسیر آیه ۱۱۹ سوره مائده معنای ادب را این چنین توضیح می دهند:

گفتاری پیرامون معنای ادب

«ادب: هیات زیبا و پسندیده ای است که طبع و سلیقه چنین سزاوار می داند که هر عمل مشروعی چه دینی باشد مانند دعا و امثال آن و چه مشروع عقلی باشد مانند دیداردوستان، بر طبق آن هیأت واقع شود، نظیر ادبی که اسلام در غذا خوردن مرعی داشته و آن گفتن «بسم الله» است در اول غذا و گفتن «الحمد لله» در آخر آن و احتراز از خوردن در حال پری شکم و امثال اینها و نیز نظیر ادب نشستن در حال نماز که «تورك» نامیده می شود و آن عبارت است از نشستن به روی ران ها و گذاشتن دست ها روی زانو و نگاه کردن به دامن، و همچنین نظائر آن.» (طباطبایی، ۱۳۷۵: ۶/ ۳۶۶) حال نمونه هایی از آداب آورده می شود:

افراد جامعه در برخورد اول با یکدیگر به تحیت و سلام سخن آغاز می کنند. علامه در تفسیر آیه ۸۶ سوره نساء به تحیت در اقوام و جوامع مختلف می پردازند که گزیده آن به شرح زیر است:

گفتاری در معنای تحیت

«امت ها و اقوام با همه اختلافی که از حیث تمدن و توحش تقدم و تاخر دارند در این جهت اختلافی ندارند که هر يك در مجتمع خود تحیتی دارند، که هنگام برخورد با یکدیگر آن درود و تحیت را در بین خود رد و بدل می کنند.» (طباطبایی، ۱۳۷۵: ۴/۵) اما سلام در آداب اسلامی به معنای دیگری است و بر خلاف رسم طاغوتی، به تواضع و برابری و احترام متقابل منتج می شود.

«سلام دادن که در حقیقت اعلام امنیت از تعدی و ظلم از ناحیه سلام دهنده به شخصی است که به وی سلام می دهد، شخص سلام دهنده به سلام گیرنده اعلام می کند تو از ناحیه من در امانی و هیچگونه ظلمی و تجاوزی از من نسبت به خودت نخواهی دید و آزادی فطری را که خدا به تو مرحمت کرده از ناحیه من صدمه نخواهد دید. این همان سلامی است که خدای عزوجل آن را در بین مسلمانان سنت قرار داد تا هر فردی به دیگری برخورد کند قبل از هر چیز سلام بدهد، یعنی طرف مقابل را از هر خطر و آزار و تجاوز خود امنیت دهد. لذا فرموده: «فاذا دخلتم بیوتا فسلموا علی انفسکم تحیه من عند الله مبارکه طیبه» (نور/ ۶۱) و نیز فرموده خدای تعالی بعد از تشریع این سنت، مسلمانان را با رفتار پیامبرش؛ یعنی سلام دادن آن جناب به مسلمانان با اینکه سید آنان و سرورشان بود، به این ادب مودب نمود در سوره انعام آیه ۵۴ فرمود: «و اذا جاءك الذین یؤمنون بایاتنا فقل سلام علیکم، کتب ربکم علی نفسه الرحمة» (طباطبایی، ۱۳۷۵: ۴/۵) و «در کافی به سند خود از سکونی روایت کرده که گفت: رسول خدا ﷺ فرمود: سلام مستحب و رد آن واجب است. (کلینی: ۲/ ۶۴۴) در همان کتاب از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: کوچکتر به بزرگتر و رهگذر به کسی که ایستاده و عده کم به عده بسیار سلام می کند.» (طباطبایی، ۱۳۷۵: ۴۹/۵) «و فرمود: در برخورد نفرات کمتر با عده زیاد، کمترها ابتدا به سلام می کنند و در برخورد سواره به پیاده، سواره ابتدا می کند و اگر همه سواران بعضی قاطر سوار و بعضی دیگر الاغ سوارند، قاطر سوارها ابتدا می کنند. و در برخورد اسب سواران با قاطر سواران، اسب سواران آغاز می کنند. در همان کتاب به سند خود از آن جناب علیه السلام روایت آورده که فرمود: وقتی چند نفر از جمعیتی می گذرند، کافی است که يك نفر آنان به جمعیت سلام کردند و وقتی به جمعیتی سلام می دهند، کافی است يك نفر از آنان جواب سلام را بدهد.» (کلینی: ۲/ ۶۴۷) این ظرافت در آداب تحیت از منحصر به فردترین آدابی است که اسلام به ما ارزانی کرده و در فرهنگ مسلمانان نهادینه شده است.



ادب، اخلاق، قابل تایید و تحسین جوامع است، اما تعریف آنها از این مبانی براساس چه منابعی است، اختلافات از همین نقطه شروع می شود. کسانی که تفکر انسان محورانه دارند اخلاق را بر پایه تفکرات یا تخیلات خود تعریف می کنند لذا تعریف فرهنگ هم از این قاعده مستثنی نخواهد بود. ولی در سیره نبوی، انسان آفرین است که جایگاه اشخاص و اشیا را مشخص می کند. لذا قرآن کریم به عنوان منبع معارف اسلامی و سیره عملی خاندان عصمت و طهارت به عنوان سبک زندگی الهی مورد وثق مؤلفه های فرهنگ خواهد بود. ادب و اخلاق تفاوت هایی در تعریف دارند که علامه این چنین بیان می کند.

اخلاق وصف روح و ادب وصف عمل

«آداب و رسوم اجتماعی به منزله آینه افکار و خصوصیات اخلاقی آن اجتماع است. زیرا این آداب زائیده شده مقاصد اجتماعی شان می باشد و مقاصدشان ناشی از عوامل اجتماعی و طبیعی و تاریخی آنها است. اخلاق عبارت است از ملکات راسخه در روح، و در حقیقت وصفی است از اوصاف روح، ولی آداب عبارت است از هیأت های زیبای مختلفی که اعمال صادره از آدمی متصف بدان می گردد و اعمال آدمی نحوه صدورش بستگی به صفات مختلفه روحی دارد و بین این دو قسم اتصاف (اتصاف روح به اخلاقیات و اتصاف عمل به آداب) فرق بسیاری است، پس معلوم شد که آداب ناشی از اخلاق و اخلاق زائیده از مقتضیات اجتماع است. مطلوب نهائی انسان در زندگی همان چیزی است که ادبش را در رفتار مشخص ساخته و برایش خط مشیی ترسیم می کند که در کارهایی که به منظور رسیدن به آن مطلوب انجام می دهد از آن خط مشی تعدی نمی کند. ادب الهی که خدای سبحان انبیا و فرستادگانش را به آن مودب نموده همان هیأت زیبای اعمال دینی ای است که از غرض و غایت دین حکایت می کند و آن غرض عبودیت و بندگی است.» (طباطبایی، ۱۳۷۵: ۶/ ۳۶۷)

«پس بر هر متعلمی که می خواهد علوم عملی را فراگیرد، لازم است فراگرفته های خود را به کار بسته و تمرین کند تا آنکه به عمل عادت کند و به این وسیله اعتقادات بر خلافی که در زوایای دلش هست به کلی از بین برود و تصدیق به آنچه که آموخته در دلش رسوخ نماید؛ زیرا مادامی که عمل نکرده احتمال می دهد که شاید این عمل ممکن نباشد ولی وقتی مکرر عمل کرد، رفته رفته این احتمالات از بین می رود. این روشی که در تعلیم و تربیت گفتیم رعایتش در تعلیمات دینی علی الخصوص در تعلیمات دینی اسلامی از روشن ترین امور است، چه شارع مقدس

اسلام در تعلیم گروندگان خود اکتفا به بیان کلیات عقلی و قوانین عمومی نکرده، بلکه مسلمین را از همان ابتداء تشریفشان به اسلام به عمل واداشته، آنگاه به بیان لفظی پرداخته، روی این حساب هر فرد مسلمانی که در فراگرفتن معارف دینی و شرایع آن تکمیل شده باشد قهراً قهرمان عمل به آن شرایع هم هست. چنین کسی به هر عمل صالحی مجهز و از توشه تقوا و فضیلت توانگر است.» (طباطبایی، ۱۳۷۵: ۶ / ۳۶۹) این آداب از طریق وحی الهی به انبیای الهی و بعد در مراتب دیگر به افراد جوامع منتقل شد.

«تأدیب الهی انبیاء علیهم السلام از طریق وحی تسدید و تأدیبی است که جدای از وحی نبوت و تشریع بوده است. خدای تعالی سپس پیغمبر خود را از باب تأدیب دستور می‌دهد به هدایت انبیاء گذشته اقتدا کند، نه به خود آنان. چون اقتدا عبارت است از متابعت در عمل نه در اعتقاد. اعتقاد به تنهایی امری است غیر اختیاری و تقلید ناپذیر، مراد از این تأدیب الهی هم همان چیزی است که خدای تعالی در آیه ۷۳ سوره انبیا به آن اشاره فرموده: «وجعلناهم ائمه یهدون بامرنا و اوحینا الیهم فعل الخیرات و اقام الصلوه و ایتاء الزکوه و کانوا لنا عابدین.» (طباطبایی، ۱۳۷۵: ۶ / ۳۷۲)

«ادب جامع دیگری که خداوند انبیای خود را به آن مودب نموده استفاده از طبیات و رزق حلال است، و در این باره فرموده: «یا ایها الرسل کلوا من الطبیات و اعملوا صالحا انی بما تعملون علیم و ان هذه امتکم امه واحده و انا ربکم فاتقون.» (مومنون / ۵۲) در این آیات انبیا را چنین تأدیب فرموده که اولاً از طبیاتی که مواد حیاتی‌اند استفاده و در آن تصرف کنند و ثانیاً از خبائث یعنی هر چیزی که طبع سلیم از آن نفرت می‌کند اجتناب نمایند و ثالثاً عمل را صالح انجام دهند. عمل صالح عبارت است از هر کاری که فطرت بشر به آن رغبت داشته و سزاوار می‌داند که از آدمی سرزند.» (طباطبایی، ۱۳۷۵: ۶ / ۳۷۵) «البته این ادبی است فردی و دنبال این ادب فطری فردی، ادب اجتماعی را ذکر می‌کند، و آن این است که مردم جز امت واحده‌ای نیستند و برای آنها جز یک پروردگار نیست، پس باید همه در ترس از او و پرهیز از عقابش اجتماع کنند و به این وسیله اختلاف و تفرقه را به میان خود راه ندهند. وقتی آن ادب فردی و این ادب اجتماعی دست به دست هم داد مجتمع واحد و بدون سر و صدائی در بشر تشکیل می‌شود و همه با کلمه واحد، پروردگار واحدی را می‌پرستند و مبنای فرد فردشان ادب الهی می‌شود، در نتیجه از کارهای زشت پرهیز می‌کنند و سرانجام بر اریکه سعادت قرار خواهند گرفت.» (طباطبایی، ۱۳۷۵: ۶ / ۳۷۶) این آیات و تفسیری که علامه از آیات دادن، دقیقاً مراحل شکل‌گیری عناصر

فرهنگ و انتقال آن از نسلی به نسل دیگر است.

در ادامه به چند آدابی که خاص به رسول خدا ﷺ است و خداوند بر آن تاکید دارد توجه می‌کنیم:

یا ایها الذین امنوا لا ترفعوا اصواتکم فوق صوت النبی... (حجرات / ۲):

«منظور از اینکه می‌فرماید: صدای خود را بلندتر از صدای رسول الله مکنید، می‌فرماید: «ولا تجهروا له بالقول کجهر بعضکم لبعض» با آن جناب آن طور که بایکدیگر صحبت می‌کنید داد و فریاد مکنید، چون رعایت احترام و تعظیم آن جناب اقتضاء دارد در هنگام مخاطب گوینده صدایش کوتاه‌تر از صدای آن حضرت باشد. پس به طور کلی، با صدای بلند صحبت کردن فاقد معنای تعظیم است و با بزرگان به صدای بلند صحبت کردن. نظیر مردم عادی، خالی از اسائه ادب و وقاحت نیست.» (طباطبایی، ۱۳۷۵: ۱۸/۴۵۸)

آیت الله جوادی آملی در تفسیر این آیه اظهار داشتند: «احترام کردن یعنی حریم گرفتن. ما وقتی به شخصیتی برسیم احترام می‌کنیم یعنی چه؟ یعنی حریم می‌گیریم. حرم که رفتیم احترام می‌کنیم از این ملکه اهل بیت، انسان وارد حرم شد سعی می‌کند که آرام حرف بزند آرام زیارت کند: «لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ»، این درباره حیات آنهاست، درباره ممات آنهاست، درباره حریم آنهاست، درباره حرم آنهاست. بلند زیارت نامه خواندن، بلند سرو صدا کردن، با احترام حرم سازگار نیست، «لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ» الآن هم شامل می‌شود. این آیه مربوط به زمان حضرت است که «وَأَسْتَغْفِرُ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوْ جَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا»، (نساء / ۶۴) اگر اینها گناه کردند، بیایند حضور شما، توبه بکنند، تو برای اینها استغفار بکنی؛ اما همین‌ها را ما در زیارت حضرت در کنار حرم مطهرش می‌خوانیم، پس معلوم می‌شود که فرقی بین حیات و ممات این ذوات قدسی نیست با حفظ درجات، وقتی حرم رفتیم زیارت نامه [خواندن] ما باید خیلی مؤدبانه باشد، صلوات ما، درود ما، اذکار ما باید خیلی مؤدبانه باشد؛ یعنی بلند زیارت نامه نخوانیم، بلند صلوات نفرستیم: «لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ». این احترام کردن؛ یعنی حریم گرفتن، برای حرم آنها حرمت قائل شدن است. وقتی با حضرت سخن می‌گویید، آرام سخن بگویید: «أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ». (جوادی آملی: ۹۵/۷/۷)

بنابر تفسیر مذکور، این تادیب مومنان همواره به عنوان یک باور و اعتقاد قلبی در فرهنگ و رفتار همه مومنان پیوسته در نسل‌ها باقی خواهد ماند.

بیان یکی از آداب معاشرت خطاب به مؤمنان

«وَقُولُوا لِلنَّاسِ حَسَنًا» (بقره / ۸۸)؛ «در کتاب الکافی، ج ۲ / ۱۶۵، حدیث ۱۰ از امام صادق علیه السلام روایت آورده، که فرمود: به مردم بهترین سخنی که دوست می‌دارید بشما بگویند، بگوئید.» (طباطبایی، ۱۳۷۵: ۳۳۱/۱) این حدیث همسو با وصیت نامه امیرمؤمنان علیه السلام به امام حسن علیه السلام در نامه ۳۱ نهج البلاغه است که فرمود: برای دیگران بپسند آنچه برای خود می‌پسندی و نخواه برای دیگران، آنچه برای خود نمی‌خواهی ... فی الواقع اگر همین جمله در فرهنگ جامعه مستحکم شود آرامش و انصاف حاکم می‌شود و بسیاری از ناهنجاری‌ها رخت بر می‌بندد.

حال به یک نمونه از مبانی اصلی فرهنگ یعنی عقل که ما را به فرهنگ حقیقی می‌رساند توجه می‌شود که به اعتقادات و ارزش‌ها جهت می‌دهد. درباره معنی لغوی عقل که به فارسی بستن، گره زدن گفته می‌شود عبور می‌کنیم و به تعریف اصلی آن می‌پردازیم:

آیت الله جوادی آملی عقل را این گونه معنا می‌کند: «عقل به معنای نیروی ادراکی ناب است که از گزند وهم و خیال و قیاس و گمان مصون است و پیش از هر چیز گزاره اولی؛ یعنی اصل تناقض را به خوبی می‌فهمد و در ظل آن گزاره‌های بدیهی را کاملاً ادراک می‌نماید، مانند، بطلان جمع دو ضد، جمع دو مثل.» (جوادی آملی، ۱۳۹۶: ۳۱) در یک کلام «عقل رسول باطنی خداست.» (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۱۷۰/۱)

قطب فرهنگی

آیت الله جوادی آملی در تفسیر آیات ۸ و ۹ سوره مجادله مطلبی از شیخ کلینی را نقل می‌کنند:

«مرحوم کلینی (رضوان الله تعالی علیه) در مقدمه کتاب [کافی] می‌فرماید: من این کتاب و احادیث اهل بیت علیهم السلام را جمع کردم بخش اول این «کتاب العقل و فضائل العلم» است، چرا اول از عقل شروع کردم؟ این عبارت از کلمات قصار اوست، ملاحظه فرمایید: «إِذْ كَانَ الْعَقْلُ هُوَ الْقُطْبُ الَّذِي عَلَيْهِ الْمَدَارُ، وَبِهِ يُحْتَجُّ وَلَهُ الثَّوَابُ وَعَلَيْهِ الْعِقَابُ»؛ فرمایش کلینی این است که قطب فرهنگی یک ملت شعور آن ملت است. عقل هر ملتی، قطب فرهنگی آن ملت است و ائمه تبعاً للقرآن کریم جامعه را به عقل و عقلانیت دعوت کرده‌اند. مدار تمدن، مدار سعادت، شعور مردم است. در موارد احتجاج و استدلال و برهان عقلی نه بنای عقلا که فعل است، استدلال می‌شود.» (جوادی آملی، ۱۳۹۶) شیخ کلینی جواب مسئله این مقاله را در این کلمات قصار به اختصار بیان کردند.



میدان انقلاب

«یک بیان نورانی از حضرت امیر (سلام الله علیه) در نهج البلاغه است که فرمود درست است انبیا برای إثارة و شکوفا کردن و شیار کردن جامعه آمدند؛ اما شما به هر حال میدان انقلاب باید یادتان نرود، میدان انقلاب اهل بیت هستند، فرمود: «مُسْتَثَارِ الْعِلْم»؛ این از کلمات نورانی آن حضرت است. «مستثار» اسم مکان است؛ یعنی محل ثوره، انقلاب و قیام. فرمود اهل بیت میدان انقلاب هستند، اگر کسی بخواهد در جهاد درونی علیه هوس مبارزه کند، میدان انقلاب حرم اهل بیت است، «فَبَادِرُوا الْعِلْمَ ... مُسْتَثَارِ الْعِلْم»؛ بروید به میدان انقلاب، اگر بخواهید جهاد داشته باشید.» (جوادی آملی، ۹۷/۱۰/۲۳)

در پیرو این حدیث، جهاد فرهنگی نیز از فرد به اجتماع سیلان پیدا می‌کند و انقلاب در بخش فرهنگی از موثرترین تغییر ریل از خرافات و تخیلات به عقل حقیقی است. حدیث ذیل نمونه دیگری از مؤلفه فرهنگ است. گرچند اشاره مستقیم به فرهنگ ندارد ولی ادب و تفکر و تدبیر صحیح از مؤلفه‌های (شناسه) فرهنگ است. نور حکمت نیز احیای کننده قلب جامعه است.

مزرع قلب جامعه

«حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرمود: «بالعقل اسْتَخْرِجْ غُورَ الْحِكْمَةِ وَبِالْحِكْمَةِ اسْتَخْرِجْ غُورَ الْعَقْلِ وَبِحَسَنِ السِّيَاسَةِ يَكُونُ الْأَدَبُ الصَّالِحَ قَالَ: وَكَانَ يَقُولُ: التَّفَكُّرُ حَيَاةُ قَلْبِ الْبَصِيرِ كَمَا يَمْشِي الْمَاشِي فِي الظُّلُمَاتِ بِالنُّورِ بِحَسَنِ التَّخْلِصِ وَقَلَّةِ التَّرْبُصِ». چون برای هر يك از عقل و حکمت مراتبی است، هر يك از این دو در خروج دیگری از قوه به فعل مؤثر خواهد بود؛ یعنی هم با عقل، درجات حکمت یکی پس از دیگری ظهور می‌کند و هم با حکمت، مراتب عقل یکی بعد از دیگری جلوه می‌نماید و چون دو نیرو در نهاد انسان است که با یکی می‌فهمد و با دیگری کار انجام می‌دهد، لذا فرمود: «وَبِحَسَنِ السِّيَاسَةِ يَكُونُ الْأَدَبُ الصَّالِحَ»؛ یعنی تأدب انسان در جناح عمل به حسن تدبیر است؛ چنان‌که حیات دل به تفکر صحیح می‌باشد و تعلیم حکمت همان احیای دل‌هاست که به توسط نور حکمت بینا می‌شوند.

اگر تفکر عقلی و منطق اصالت عقل و وحی؛ «إِنَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجَّتَيْنِ» قلوب مردمی را خرم نمود و آنها را زنده کرد، مکتب الهیت است که زمام افکار و آراء آن جامعه را به دست گرفته، به صورت «كشجرة طيبة أصلها ثابت وفرعها في السماء * تؤتي أكلها كل حين بإذن ربها» درآمده، هر

لحظه میوه تازه دارد.» (جوادی آملی، ۱۳۶۱/۲/۹)

میراث فرهنگی

«قرآن کریم گذشته از اینکه ما را به علم و فکر و عقل دعوت می‌کند به کتابت و تدوین هم هدایت می‌کند از اینکه وجود مبارك موسای کلیم به اذن خدا در جواب فرعون فرمود: «عَلَّمَهَا عِنْدَ رَبِّي» (طه ۵۲/۵۲) و به این اکتفا نکرد بلکه فرمود: «فِي كِتَابٍ» با اینکه ذات اقدس الهی «لَا يَضِلُّ رَبِّي وَلَا يَنسَى» است، «بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (بقره ۲۹/۲۹) است، «وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا» هم می‌داند و هم فراموش نمی‌کند، مع ذلك در جایی ضبط می‌کند، می‌نویسد، حالا لوح محفوظ است، لوح محو و اثبات است وجود مبارك امام مجتبی (ع) در يك محفل خانوادگی بچه‌های خود و بچه‌های برادرهای خود را جمع کرد و در این انجمن خانوادگی برای نوجوان‌ها سخنرانی کرد، متن بیان نورانی امام مجتبی (ع) در شرح حال آن حضرت هست، فرمود: «بَنِيهِ وَبَنَى أَخِيهِ» یعنی فرزندان من و برادرزادگان من «إِنَّكُمْ صَغَارُ قَوْمٍ يوشِكُ أَنْ تَكُونُوا كِبَارُ قَوْمٍ آخِرِينَ» شما الآن نوجوان هستید، ولی در آینده بزرگ می‌شوید، اداره جامعه به عهده شماست، تلاش و کوشش کنید از این عمرتان حد اکثر بهره را ببرید «فَتَعَلَّمُوا الْعِلْمَ» عمر را به بطالت نگذرانید به تحصیل علم بگذرانید و اگر کسی احتمال می‌دهد که حافظه او ضعیف باشد «فَلْيَكْتُبْهُ وَلِيَضَعَهُ فِي بَيْتِهِ» آنچه را که در مجلس درس شنیده است، بنویسد، این نسخه خطی داشتن جزء میراث فرهنگی اهل بیت بود.» (جوادی آملی، تفسیر سوره طه) میراث فرهنگی اهل بیت (ع)، در مقایسه با میراث‌های دیگر، والاترین میراث در فرهنگ عقلانی است.

اسارت فرهنگ

«يك وقت است يك کسی تخدیر شده است، عقلش را تحت فرمان هوس قرار می‌دهد. این يك مشکل شخصی دارد که در بیان نورانی حضرت امیر هست «کم من عقل اسیر تحت هوی امیر» این جنگ فردی است، يك وقت است که فرمود این دین را به اسارت بردند، سقیفه و سقیفی‌ها آمدند قرآن را و فرهنگ دینی را به اسارت گرفتند، مکتب به اسارت رفته، خودش اسیر است. لذا اصرار ذات اقدس الهی به رسول گرامی (ص) این است مبدا اینها شستشوی مغزی بدهند و مکتب را به اسارت ببرند، مبدا اینها فرهنگ را اسیر کنند.» (جوادی آملی، ۹۵/۷/۲۰)

«وجود مبارك حضرت امیر فرمود: اگر آن عمو [حمزه سیدالشهدا] و این برادر [جعفر] با من بود

که من سقیفه را امضا نمی‌کردم مالک! بدان اولین کاری که اینها کردند بعد از رحلت رسول خدا ﷺ دین را به اسارت گرفتند، فرهنگ و ملیت و عقیده و آراء و اینها را به اسارت گرفتند، وقتی قرآن و سنت قطعی به اسارت رفت، کسی باید تفسیر بکند که اینها بخواهند. وقتی اصل و ریشه فرهنگ ما که دین ماست، دین را به اسارت گرفتند این یعنی چه؟ این بیان صریح حضرت است در آن نامه‌ای که برای مالک نوشتند: «فَإِنَّ هَذَا الدِّينَ قَدْ كَانَ أَسِيرًا فِي أَيْدِي الْأَشْرَارِ يُعْمَلُ فِيهِ بِالْهَوَىٰ وَتُطَلَّبُ بِهِ الدُّنْيَا». (جواد آملی، ۹۸/۷/۱۳)

اسارت فرهنگی مذکور شدیدتر از تهاجم فرهنگی و شبیخون فرهنگی است زیرا آنها از فرهنگ دیگر وارد می‌شوند ولی در اسارت، منافقانی از درون به ریشه‌های فرهنگ آسیب زده و به یغما می‌برند.

فرهنگ غنی عقل

«لا مرض اضنی من قلة العقل» حکمای اسلامی کوشیدند هرچه بیشتر قلمرو عقل و حکمت را گسترش داده و از هر جایی که سخن حق را سراغ داشتند، از آن بهره‌مند گردند، ولی نکته مهمی که توجه به آن ضروری بود و می‌باشد، همانا تشخیص حق و حکمت است.

آنان که خود اهل تحقیق بوده، نه کلامی بدون دلیل می‌گویند و نه سخن بدون مستند را می‌پذیرند، توان تشخیص آن را دارند؛ زیرا «مَنْ نَظَرَ اعْتَبَرَ» لذا حراست فکری منطقه اسلامی به عهده آنان می‌باشد؛ که حضرت امام صادق (ع) چنین فرمود: «علماء شيعتنا مرابطون في الثغر الذي يلي إبليس وعفاريته يمنعونهم عن الخروج على ضعفاء شيعتنا وعن أن يتسلط عليهم إبليس وشيعته النواصب ألا فَمَنْ انتصب لذلك من شيعتنا كَانَ أَفْضَلَ مِمَّنْ جَاهَدَ الرُّومَ وَالتُّرْكَ وَالْخَزَرَ أَلْفَ مَرَّةٍ لِأَنَّهُ يَدْفَعُ عَنْ أَدْيَانِ مَحْبَبِنَا وَذَلِكَ يَدْفَعُ عَنْ أَبْدَانِهِمْ»؛ یعنی پاسداری فکری و اعتقادی پیروان معصومین (ع) به عهده متفکران ژرف‌نگر است که هم مرزهای باز و نفوذپذیر را کاملاً شناسایی کنند و هم افکار مسموم و اندیشه‌های بی‌ریشه بیگانگان را واریسی نمایند و هم توان مقابله و جوار علمی را داشته باشند و هم خویشان را برای هرگونه نبرد فکری آماده کنند.

فرهنگ غنی عقل و وحی الهی هیچ قصوری ندارد و با هیچ باطلی هم نمی‌سازد.

خلاصه آنکه سعی بلیغ حکمای اسلام در این تفکر اسلامی مانند دیگر ره‌آورد وحی الهی، آن است تا آنجا که قلمرو قلم و بیان است و منطقه منطق و برهان می‌باشد، آن را به خوبی تحلیل کنند و قبلاً به آن ایمان آورده، بدان آب حیات زنده شوند، سپس به دستور «رحم الله عبداً أحيا

أمرنا... فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عِلِمُوا مُحَاسِنَ كَلَامِنَا لَا تَتَّبِعُونَا» به احیای جامعه انسانی به برکت تفکر صحیح پردازند؛ چون اگر کسی خود زنده نباشد، هرگز قدرت احیای دیگران را نیز ندارد.» (جوادی آملی، ۱۳۶۱/۲/۹)

نتیجه‌گیری

گزیده آیات و احادیث و تفاسیر دو مفسر قرآن کریم در موضوع مقاله مویده آن است که فرهنگ قرآنی والاترین و اصیل‌ترین فرهنگ است که در سیره ائمه طاهرین علیهم‌السلام متجلی شده است. در فرصت مختصر این مقاله به کلیات ساحت فرهنگ و چند نمونه از ادب و تربت اسلامی اشاراتی شد زیرا تعلیم و تربیت پاشنه آشیل انتقال فرهنگ از نسلی به نسل دیگر است و همچنین تاثیر آنها در اعتقادات و ارزش‌ها بیان شد. عقل به عنوان یکی از مبانی اصلی فرهنگ در سیره نبوی و علوی تاثیرات به سزایی در تشخیص فرهنگ اصیل واکاوی و تبیین شد. امیدواریم همان پیام درست و امیدبخشی که اهل بیت علیهم‌السلام درباره سلمان (رضوان الله علیه) دادند که «سلمان منا اهل البیت» ما هم در آن جهت قرار بگیریم و تحت فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام جامعه‌ای رشید داشته باشیم. آن زمان فرهنگ غنی عقل با تمام استعدادهای خود در جامعه جهانی به تکامل عالی خود در تفکر و سبک زندگی اقشار مردم نمایان خواهد شد.

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. آذرتاش آذرنوش (۱۳۸۸). فرهنگ معاصر عربی فارسی. تهران: نشر نی.
۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۹). تفسیر تسنیم. ج ۱. قم: اسراء.
۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۵). سخنرانی در مراسم عزاداری سالار شهیدان. شب عاشوراء. قم: اسراء.
۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۶). منزلت عقل در هندسه معرفت دینی. قم: اسراء.
۶. جوادی آملی، عبدالله (۶۱/۲/۹). مقاله تاثیر حکما در احیای تفکر اسلامی. قم.
۷. جوادی آملی، عبدالله (۸۷/۲/۳۱). پیام به همایش علمی «تأثیر بعثت نبوی بر فرهنگ و تمدن بشری».
۸. جوادی آملی، عبدالله. پایگاه اطلاع رسانی اسراء. دسترسی (۹۸/۷/۱۳). جلسه هشتم تفسیر سوره انسان.



۹. جوادی آملی، عبدالله. پایگاه اطلاع رسانی اسراء. دسترسی (۹۶/۱۱/۱۴). جلسه ۱۰ تفسیر سوره مجادله.

۱۰. جوادی آملی، عبدالله. پایگاه اطلاع رسانی اسراء. دسترسی (۹۷/۱۰/۲۳). جلسه سوم تفسیر سوره معارج.

۱۱. جوادی آملی، عبدالله. پایگاه اطلاع رسانی اسراء. دسترسی (۹۵/۷/۷). جلسه پنجم تفسیر سوره حجرات.

۱۲. جوادی آملی، عبدالله. پایگاه اطلاع رسانی اسراء. دسترسی جلسه ۲۳ تفسیر سوره طه.

۱۳. جوادی آملی، عبدالله. پایگاه اطلاع رسانی اسراء، دسترسی (شعبان المعظم ۱۴۰۴). پیام مکتوب.

۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. *مفردات الفاظ قرآن*. مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان.

۱۵. شریف رضی (۱۳۸۲). *نهج البلاغه*. ترجمه عبدالمحمد آیتی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۱۶. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۵). *تفسیر المیزان*. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. ج ۱، ۵، ۶، و ۱۸. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۱۷. عمید، حسن (۱۳۸۲). *فرهنگ فارسی عمید*. تهران: امیرکبیر.

۱۸. دسترسی پایگاه اینترنتی فرهنگستان زبان و ادب فارسی apll.ir



تأثیر امام شناسی بر سلامت معنوی و سعادت انسان

اکبر هوشیاری^۱



چکیده

امام شناسی به عنوان قوی ترین ابزار افزایش سطح بهره‌وری سلامت فردی و اجتماعی انسان در نظر گرفته می‌شود. آموزه‌های معصومین (ع) می‌توانند نقش بسیار تعیین کننده‌ای در دستیابی به سلامت معنوی و سعادت انسان داشته باشند. در این نوشتار علاوه بر تحلیل مفاهیم کلیدی به تاثیرات روان شناختی این مقوله نیز پرداخته خواهد شد. این مطالعه به شیوه کتابخانه ای - تحلیلی می‌باشد. سوال پژوهش نیز عبارتست از این که نقش امام شناسی در سلامت معنوی و سعادت انسان چیست؟ مهم ترین یافته‌های پژوهش عبارتند از افزایش سطح امید و آرامش در زندگی و همچنین چیرگی بر استرس، اضطراب و بحران‌های زندگی در شناخت امام (ع) مخصوصا امام عصر (ع) و ارتباط قلبی با آن ذوات مقدسه (ع).

کلمات کلیدی

امام شناسی، سلامت معنوی، سلامت انسان، شاخصه‌های سلامت معنوی.

۱. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، سنندج، ایران.
akbarhooshyari56@gmail.com

مقدمه

سلامت معنوی یکی از شاخصه‌های چهارگانه سلامت (جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی) است که در دهه‌های اخیر مورد اقبال زیادی قرار گرفته است (کرمی: ۱۳۹۹). لذا یکی از مباحث مهم و مورد توجه اندیشمندان شرق و غرب است (علم الهدی، ۱۳۹۸). هر چند معنویت، هسته مشترکی در فطرت تمام انسان‌ها دارد و هر چند که اشتراکات میان ادیان گوناگون به ویژه ادیان آسمانی و ابراهیمی در مورد معنویت مورد توجه است، اما نگاه اسلامی و جهان بینی برآمده از آن نگاه، جامع‌تر و متکامل‌تر از سایر ادیان است (آذربایجانی، ۱۴۰۲). لذا یکی از شاخصه‌های اساسی سلامت معنوی، مبحث امام شناسی است. از این رو معرفت به این مقوله به انسان، راهی روشن می‌نمایاند. این شناخت به انسان یاری می‌دهد که معنای زندگی را در رابطه با هدف آفرینش و هدایت پروردگار را بهتر درک کند. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «لا یعذر الناس فی جهلهم بالامام؛ یعنی جهل مردم به امامشان قابل قبول نیست.» (کلینی: ۱۴۰۷). بنابراین امام شناسی از مفاهیم اساسی در دین مبین اسلام است که با شناخت واقعی ائمه معصومین علیهم السلام و درک آن الگوهای برتر، محقق خواهد شد. این نحو از معرفت به معصوم نه فقط باورهای اعتقادی را عمیق تر می‌گرداند که اثرات بسیار زیادی بر سلامت معنوی و سعادت بشر خواهد گذاشت (حسینی: ۱۳۹۸).

آن چه از پیشینه پژوهش مورد بررسی قرار گرفت: مسعود رامرودی در مقاله تاثیر رهبری معنوی در سلامت معنوی با میانجیگری حمایت سازمانی آورده است که سلامت معنوی بعد اساسی از بهزیستی و سلامت کلی فرد است که موجب هماهنگی دیگر ابعاد سلامت است. کولینز جی. آر در مقاله «روان شناسی دین و نقش دین در سلامت جسم و روان» آورده است که دین یک پدیده گسترده، وسیع، بادوام و تاثیرگذار است. لذا او قائل است کسانی که در برنامه‌های کلیسا شرکت می‌کنند با افسردگی رابطه‌ای منفی و معکوس دارند و میزان افسردگی در بین این افراد به میزان نصف کاهش می‌یابد. مسعود شهبابیان در مقاله «سلامت معنوی و کیفیت زندگی» آورده است که تقویت بعد معنوی سلامت به عنوان عاملی تاثیرگذار بر کیفیت زندگی در بیماران ام — اس ضروری است. حبیب الله طاهری در مقاله «نقش دین در سلامت روان» می‌گوید: در دنیای ماشینی امروز با توجه به پیشرفت‌های سرسام آور و تکنولوژی محیرالعقول، بشر روز بروز افسرده‌تر و پریشان خاطرتر می‌شود و تنها راه رهایی از این کابوس بسیار وحشتناک پناه آوردن به دین و عمل به تعالیم دینی است.

ما در این مقاله برآنیم تا رابطه امام شناسی را به طور خاص، بر سلامت معنوی و سعادت انسان مورد بررسی، تبیین و تحلیل محتوا قرار دهیم و ثابت خواهیم کرد که امام شناسی رابطه مستقیم با سلامت معنوی و سعادت انسان دارد.

مفهوم شناسی

۱. امام شناسی

امام شناسی به معنای معرفت به جایگاه ائمه معصومین علیهم السلام به عنوان راهنمایان الهی در هدایت انسان هاست. (احزاب / ۳۳) و به معنای شناخت و درک عمیق از امامان، به ویژه امامان دوازده گانه در مکتب تشیع است. لذا به بررسی ویژگی های خاص امامان، مانند عصمت، علم و ولایت می پردازد (طباطبایی، ۱۹۹۵) چون در فرهنگ اسلامی مخصوصاً نگاه شیعی، امامت استمرار رسالت است و امام به عنوان جانشین پیامبر نقش مدیریت جامعه و هدایت مسلمانان و تربیت مومنین و اجرای دستورات قرآن و دفاع از دین مبین اسلام و تبیین خط راستین مکتب و مقابله با تحریف ها و انحراف ها و بدعت ها را بر عهده دارد (محدثی، ۱۳۸۸) لذا امام شناسی یکی از تکالیف است چنان چه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده اند: من مات و لم یعرف امامه مات میتة جاهلیة هرکس بمیرد اما امام خود را نشناخته باشد، به مرگ جاهلیت مرده است (نوری: ۱۴۰۸)

این معرفت و شناخت شامل شناخت ویژگی های شخصیتی، جایگاه، وظایف و ارتباط آنان با پروردگار و انسان هاست. امامان به دلیل دارا بودن صفت عصمت از هر گونه گناه و خطایی بری هستند؛ لذا جایگاه رهبر و پیشوای معنوی و اجتماعی پیدا کرده اند (مطهری، ۱۳۸۵)

بنابراین امام شناسی به عنوان یکی از اصول اعتقادی، آثار مثبت و ژرفی در زندگی معنوی و اجتماعی انسان ها دارد. آنان با بهره مند بودن از علم و هدایت الهی، با کیفیت ترین راه ها را برای دستگیری مردم به سمت کمال و سعادت بشری رهنمون می گردند. (شریف رضی، ۱۴۱۴)

۲. سلامت

سلامت در لغت به معنای بی عیب شدن، بی گزند شدن، آرامش و امنیت است (دهخدا، ۱۳۸۵)

سلامت مصدر است به معنای سالم بودن، تندرستی و عافیت و در مقابل بیماری است و تمام ابعاد جسمانی، روانی، اجتماعی و معنوی انسان را شامل می شود لذا سازمان جهانی بهداشت، سلامت را فقط در نبودن بیماری و نقص عضو نمی داند بلکه در رفاه کامل جسمی و روانی و اجتماعی تعریف می کند. (کریمی، ۱۳۹۹)

۳. سلامت معنوی

سلامت معنوی: عبارت است از ارتباطی عمیق و دقیق با پروردگار خود و همچنین ارتباط با خود و انسان‌های دیگر و حالتی از زندگی که شخص در آن به معنای زندگی، امید، آرامش و وابستگی به یک نیروی برتر دست پیدا می‌کند. (پارگامنت، ۱۹۹۷)

از نظر علم روان‌شناسی، سلامت معنوی یکی از اصول کلیدی سلامت کلی فرد در نظر گرفته می‌شود. (کونگ، ۲۰۰۱) حسی از ارتباط داشتن با دیگران، داشتن معنا و هدف در زندگی و داشتن اعتقاد و ارتباط با یک قدرت متعالی (هاکز و همکاران، ۱۹۹۵) کیفیت ذاتی و اصلی انسانی که در برگیرنده باور به چیزی بزرگتر از خود بوده و ایمان به این که به طور قطع زندگی را تایید و تصدیق می‌کند (میلر، ۱۹۹۵) فلسفه محوری زندگی و حاصل برآورده شدن نیاز به هدف، معنا، عشق و بخشش (ریلی و همکاران، ۱۹۹۸) یکی از ابعاد بنیادین سلامت و بهزیستی و نیروی هماهنگ کننده و تکمیل کننده سایر ابعاد سلامت (فیشر، ۱۹۹۸) عوامل کلی محافظتی یا سلامت زا (نه درمانی) (لوین، ۲۰۰۳) حالتی از بودن، احساسات مثبت، شناخت ارتباط فرد با خود، دیگران و یک نیروی ماورایی (گومز و فیشر، ۲۰۰۳) سلامت با رویکرد کل نگرانه چیزی بیش از فقدان ناخوشی و مشتمل بر معناداری زندگی، مشارکت فعال و خلاقیت (نلسون، ۲۰۰۹) که شامل سه بعد شناخت، عواطف و کنش است که برخورداری از شناخت یا معرفت خاص به خدا، احساس آرامش، نشاط، امید و محبت‌ورزی به خداوند و اولیای الهی و روش عملی آشکار کردن عقاید و باورها را در بر می‌گیرد (سالاری فر و همکاران، ۱۳۸۹) برخورداری از معنویت سالم بر اساس تزکیه، حیات طیبه و تقوا که بالاترین مرتبه آن نیل به قلب سلیم است (آذربایجانی، ۱۴۰۲) حقیقتی است که در شناخت‌ها، عواطف، کنش‌ها و ثمرات متجلی شود، برخورداری از شناخت یا معرفت ویژه نسبت به خدا، انسان و خلقت و رابطه متقابل آنها در بردارنده پذیرش خدا، انبیای الهی و قوانین الهی، احساسات مثبت و منفی، اخلاق، حس حمایت و ارتباط متقابل با قدرت برتر قدسی که خود و دیگران را در بر می‌گیرد (عباسی و همکاران، ۱۳۹۱) که شامل: سلامت در باورها، عقاید، ارزش‌های اخلاقی و اعمال و مناسکی که لازمه این باورها و التزام به این ارزشهاست نیز می‌شود (کرمی، ۱۳۹۹) در جمع‌بندی تعریف‌ها می‌توان به چند نکته اساسی تکیه کرد: اول اینکه سلامت معنوی در رابطه با پروردگار است. دوم اینکه هدف‌مند بودن و معنادار بودن زندگی را تبیین می‌کند. سوم اینکه حالت بنیادین، زنده و مثبتی از بودن، برخورداری و سلامت است. چهارم این که رویکردی کل نگرانه و هماهنگ کننده به وجود و

جهان دارد. پنجم این که در ابعاد گوناگون شناختی، عاطفی و رفتاری نمودار می‌شود. (آذربایجانی، ۱۴۰۱)

تأثیر امام شناسی بر سلامت معنوی

سلامت افراد با تأثیر پذیری از اعتقادات دینی و رفتارهای برآمده از آموزه‌های دینی آنهاست. (نعیمی و کلایی، ۱۳۹۷) انس با امام مخصوصاً امام حاضر^(ع) نه تنها به زندگی امنیت و آرامش می‌بخشد؛ بلکه رابطه‌ای که برگرفته از اعتقاد باشد و عاطفی و اخلاقی شود تمام کاستی‌های زندگی افراد را کامل می‌کند. (عبداللهی، ۱۴۰۱) بنابراین امام‌شناسی از جمله باورهای است که در سلامت روانی افراد نقش موثر و مستقیم دارد. از این رو با توجه به شاخصه‌های سلامت معنوی^۱ می‌توان گفت که: شناخت امام و هدف‌های الهی او معنای زندگی را تغییر می‌دهد و به زندگی بشر روشنایی و امید می‌بخشد. (نیکو، ۱۳۹۷) و امام به عنوان واسطه فیوضات الهی، باعث تسهیل در ارتباط انسان با پروردگار می‌شود (طاهری، ۱۴۰۱) و همچنین باور به وجود امام مخصوصاً امام عصر^(ع) و جایگاه ایشان در هدایت و نجات انسانها، پتانسیل و منبع بزرگی در ایجاد آرامش و امید در زندگی بشر است. (شریعتی، ۱۳۹۶) لذا شناخت امام^(ع) و برنامه‌های الهی او، باعث می‌شود که استرس‌ها و اضطراب‌های ناشی از پوچی و بی‌هدفی کمتر شود. (نیکو، ۱۳۹۷) چون دستورات ائمه^(ع) مخصوصاً در زمان بحران‌ها، رفتاری‌ها و چالش‌های زندگی، می‌تواند منبع آرامش و امید باشد. (سهرابی، ۱۳۹۹)

افرادی که رابطه‌ای قلبی و دلی با امام خود مخصوصاً امام حاضر یعنی حضرت حجت ابن الحسن^(ع) دارند، روشنایی بیشتر و امید افزون‌تر و همچنین آرامش و راحتی بیشتری نسبت به دیگران در زندگی دارند. اساتید بزرگ اخلاق در این زمینه مدام توصیه دارند که به صورت مداوم و روزانه با امام عصر^(ع) ارتباط دلی و قلبی برقرار کردن و آن منبع فیض الهی را واسطه خود و پروردگار قرار دادن، انرژی فوق‌العاده‌ای را به انسان داده و او را در مقابل آسیب‌ها، چالش‌ها و حتی بحران‌ها، مقاوم‌تر می‌نماید. زیرا انسان‌هایی که با این منبع فیض الهی به طور مداوم ارتباط می‌گیرند، خود را به یک چشمه جوشان و قوی الهی وصل کرده و دائماً احساس بسیار خوبی

۱. شاخص‌های سلامت معنوی: ۱) معنا پیدا کردن زندگی: یعنی در این زمینه شخص معنای زندگی و هدف از آن را پیدا می‌کند؛ ۲) امید و رضایت‌مندی: یعنی انسان از حال رضایت دارد و به آینده خود امیدوار است؛ ۳) پیوند معنوی: رابطه عمیق با پروردگار و ارزش‌های معنوی.

نسبت به تمام زندگی داشته و نعمت‌ها را فضل الهی و نعمت‌هایش را حکمت الهی می‌دانند؛ و هرگز در مقابل ناملایمات خود را نمی‌بازند؛ و تمام زندگی را زمینه آزمایش الهی و سکوی پرواز بسیار قوی، برای پیشرفت معنوی و حتی مادی خود می‌دانند.

تأثیر امام شناسی بر سعادت انسان

ائمه معصومین علیهم‌السلام الگوهای اخلاقی برترینی هستند که می‌توانند به افراد در رشد شخصیت و اخلاقیات آنها کمک کنند (آخوندی، ۱۳۹۸) لذا پیروی از آن عزیزان می‌تواند باعث تقویت اوصافی مانند مهربانی، انصاف و صداقت گردد. (خان، ۱۳۹۹) به همین خاطر سیره امیرمومنان علی علیه‌السلام به عنوان یکی از بهترین الگوهای رفتاری، اخلاقی و اجتماعی مورد تاکید قرار گرفته است. (موسوی، ۱۳۹۷) و شناخت ائمه علیهم‌السلام و دستورات آنان بهترین کمک در زندگی می‌تواند باشد. (غلامی، ۱۴۰۱) این دستورات و آموزه‌ها غالباً با ارزش‌های انسانی و الهی هم راستا بوده و به انسان‌ها کمک می‌کند تا معناداری واقعی را در زندگی خود تجربه نمایند. (فرانکل ۲۰۰۲) و در این زمینه شاهد‌های بسیار زیادی وجود دارد مانند خدمت‌رسانی به دیگران مخصوصاً در بحران‌ها و کمک به نیازمندان در زمان گرفتاری‌ها می‌توانند در عاقبت بخیری و سعادت افراد اثر بسیار قابل توجهی داشته باشند. (زاره، ۱۳۹۸) و آن چه که از به کارگیری رفتارها و گفتارهای امامان معصوم علیهم‌السلام حاصل می‌گردد، آن است که دستورات آن بزرگواران که مویدات الهی دارند، تمام اوصاف مثبت اجتماعی را که در فطرت تمام انسان‌ها وجود دارد، تقویت نموده و در مسیر صحیح شکوفا می‌نماید. البته به شرط آن که در وهله اول هم، آن دستورات را به صورت صحیح از منبع صحیح یاد بگیریم و در وهله دوم نیز به صورت دقیق و صحیح اجرایی نماییم؛ تا آن آثار مورد انتظار حاصل گردد. چنان که قرآن کریم در مورد اثرات نماز می‌فرماید: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» (عنکبوت / ۴۵) این اثر زمانی جامه عمل به خود می‌پوشاند که نماز با نماز راستین، کمترین فاصله معنوی و واقعی را رعایت کرده باشد. البته سایر دستورات دین مبین اسلام و تعالیم امامان معصوم علیهم‌السلام نیز چنین است.

تجربیات عینی

آن چه که تجربه شده این است که ارتباطات معنوی مخصوصاً با امامان معصوم علیهم‌السلام به خصوص امام عصر علیه‌السلام و همچنین ارتباط با عالمان ربانی و عمل به دستورات آنان، اثرات بسیار خوبی در احساس آرامش، رفع استرس و احساس مثبت نسبت به زندگی ایجاد می‌کند؛ زیرا که ارتباط‌های



مذهبی و معنوی تاثیر بسیار مثبتی بر سلامت روان افراد داشته و در بعد اجتماعی نیز کمک کننده بسیار قوی ای بوده است (کونگ، ۲۰۰۱) و انسان های مقید به دستورات دینی و معنوی، غالبا از سطح بالاتری از رضایت زندگی و سلامت روان برخوردار هستند. (دینر و همکاران، ۲۰۱۹) بررسی های به عمل آمده در جوامع گوناگون نیز نشان از آن دارد که شرکت در مراسمات دینی و مذهبی و ارتباط با شخصیت های مذهبی کمک بسیار زیادی به کاهش استرس و اضطراب داشته و این انسان ها به مقدار بسیار زیادتری از دیگران، احساس رضایت مندی و خوشبختی دارند. (الیسون و لوین، ۲۰۲۰)

نتیجه گیری

امام شناسی به عنوان یک مفهوم بنیادین و رکن اصلی معرفت دینی، جایگاه اساسی در یافتن سعادت و تقویت آن دارد. این آشنایی و معرفت می تواند علاوه بر این که معنا و امید در زندگی ایجاد کند، بشر را در مسیر پیشرفت و تعالی رهنمون باشد. در دنیای مدرن که بحران معرفت و معنویت به حد اعلی رسیده است، بازگشت به اصولی مانند: امام شناسی، می تواند راهگشای زندگی سعادت مندانه و معنوی گردد؛ و زمینه اصلاح فرد و جامعه را فراهم نماید؛ چرا که باعث آسان گشتن ارتباط انسان با پروردگار خود گشته و بحران ها، چالش ها و گرفتاری های زندگی را به آسانی مدیریت کرده، حل نموده و از آنها تولید فرصت نماید.

پیشنهادهای

۱. دستورات امامان معصوم علیهم السلام، فرامین و دعاها ی وارده از آن بزرگواران را بیشتر از پیش جدی بگیریم.
۲. ارتباط با عالمان ربانی چه به صورت حضوری و چه غیر حضوری را در دستور کار خود قرار دهیم، چرا که در این برهه از زمان به دلیل تبلیغات مسموم رسانه های معاند، فضای بی اعتمادی شدیدی ایجاد شده است که ما می توانیم با تلطیف این گونه فضا سازیها، جامعه را به فضای قبل از قوت گرفتن این نحو از فضای مجازی و رسانه ای برگردانیم.
۳. همراه کردن و همراه بردن فرزندان در مراسمات مذهبی، دعا، نیایش و مجالس سوگواری امامان معصوم علیهم السلام علی الخصوص مجلس عزای ابی عبدالله علیه السلام و همچنین شرکت کردن و شرکت دادن خود و دیگران در پیاده روی سالانه اربعین حسینی.

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. آذربایجانی، مسعود (۱۴۰۲ش). مقیاس سلامت معنوی بر اساس منابع اسلامی. *مطالعات اسلام و روان شناسی*.
۳. پارگامنت، کنث، ای (۱۳۹۹ش). *روان درمانگری یکپارچه معنوی، درک و بیان امر قدسی*. ترجمه علیرضا ظهیرالدین، مسعود جان بزرگی و رضا کریم زاده. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۴. حیدری، اکرم، (۱۳۹۸). ارتباط سلامت معنوی با سایر ابعاد سلامت. *مجله دانشگاه علوم پزشکی قم*.
۵. دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۵ش). *فرهنگ متوسط دهخدا*. تهران: دانشگاه تهران.
۶. شریف رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق). *نهج البلاغه*. تحقیق صبحی صالح. قم: هجرت.
۷. شهبایان، مسعود و همکاران (۱۳۹۹). تعیین ارتباط میان سلامت معنوی و کیفیت زندگی در بیماران مبتلا به ام اس. *دین و سلامت*، دوره ۸، ش ۱.
۸. صف آرا، مریم (۱۴۰۱ش). بازشناسی مولفه های اثرگذار سلامت معنوی بر سلامت انسان، *پژوهش در دین و سلامت*.
۹. طاهری، حبیب الله (۱۳۸۴ش). نقش دین در سلامت روان. *پژوهش های فقهی*، سال ۱.
۱۰. عبداللهی، طاهره و همکار (۱۴۰۱ش). کارکردهای ارتباط معنوی با امام زمان (عج) در عرصه خانواده، *موعود پژوهی*.
۱۱. علم الهدی، سید محمد حسین (۱۳۹۸). سلامت و بیماری معنوی انسان از نظر قرآن. *مطالعات اسلامی در حوزه سلامت*.
۱۲. کرمی، محمد و همکار (۱۳۹۹). عوامل و موانع سلامت معنوی از منظر علامه جوادی آملی. *اخلاق و حیانی*.
۱۳. کولینز جی آر، وودر، تی. ای (۱۳۸۲ش). روان شناسی دین و نقش آن در سلامت جسم و روان. ترجمه مجتبی حیدری. *معرفت*، سال ۱۲، ش ۱۲.
۱۴. محدثی، جواد (۱۳۸۸ش). امام شناسی (مهدویت). *معارف اسلامی*.
۱۵. نعیمی ابراهیم و کلایی اعظم (۱۳۹۷ش). بررسی نقش ادراک شده مهدویت و زیارت در سلامت روانی زنان. *روان شناسی فرهنگی*.
۱۶. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۰ق). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم: موسسه آل البيت (ع). *البيت*.

عوامل مؤثر بر تربیت اخلاقی در سیره نبوی

سarasادات کارگر^۱، فهیمه معتضدیان^۲

چکیده

تربیت اخلاقی فرایند زمینه سازی و به کارگیری شیوه هایی برای شکوفاسازی، تقویت و ایجاد صفات و رفتارهای اخلاقی، و اصلاح و از بین بردن رفتارهای و آداب غیر اخلاقی در انسان است. بی تردید، اصلاح و تذهیب و نفس در سعادت فردی، اجتماعی، دنیوی و اخروی انسان نقش بسزایی دارد. از دیدگاه اسلام، اخلاق جزئی از دین است و مبانی، اصول و روش های خود را از این می گیرد؛ اسلام با تبیین دقیق مبانی، اصول و روش های تربیت اخلاقی، نقش عمده ای در سازندگی روح آدمی ایفا می کند. با بررسی سیره پیامبر عظیم الشان اسلام در می یابیم که تربیت اخلاقی جزئی از این دین است و پیامبر ﷺ بسیاری از اصحاب خویش را تربیت درست اخلاقی نمودند. ما در این مقاله درصدد بررسی ۵ مورد از عوامل مؤثر بر تربیت اخلاقی در سیره نبوی می باشیم؛ هر چند عوامل دیگری نیز در تربیت اخلاقی مؤثر است. برای دستیابی به این مهم ضمن بازشناسی واژگان، به بررسی عوامل مانند: دین، تعقل، خانواده، جامعه و الگوی متعالی پرداخته ایم؛ و این که چگونه این عوامل در سیره پیامبر ﷺ بر تربیت اخلاقی انسان مؤثرند. در این پژوهش از روش بررسی اسنادی و کتابخانه ای، و تحلیل مباحث استفاده شده است.

کلمات کلیدی

تربیت اخلاقی، سیره نبوی، اخلاق، پیامبر ﷺ.

۱. استادیار، گروه معماری، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

S.kargar@pardis.iau.ac.ir

۲. استادیار، گروه معماری، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

fa.motazedian@pardis.iau.ac.ir

مقدمه

اهمیت اخلاق و تربیت به اسلام و جامعه‌های اسلامی اختصاص ندارد. تجربه نشان داده است که انسان، خواه به دینی آسمانی متدین باشد یا نباشد، هیچ‌گاه حتی در دوره مدرن، از تربیت اخلاقی بی‌نیاز نیست. اسلام به عنوان دینی همه جانبه و چند بعدی، اساس و مبانی تربیت اخلاقی خود را، بر پایه اعتماد و ایمان به ذات اقدس خداوندی قرار داده و اصلاح اخلاقی انسان ها و مبارزه با فساد اخلاقی را از مهم ترین اهداف پیامبران بر شمرده است. از آیات و احادیث چنین بر می آید که هدف مهم از بعثت پیامبر ﷺ تربیت مردم و بیان دستورها و قوانین زندگی برای آنها است. بررسی تاریخ زندگانی پیامبر ﷺ نشان می دهد که ایشان در کار تربیت بسیار موفق بوده اند. در عصر ایشان بسیاری از ابزارهای تربیت مانند: مدرسه و کتاب درسی و غیره وجود نداشت، روش های آموزش، شیوه های تدریس، برنامه های درسی علوم مرتبط با آموزش و پرورش، معلمان ورزیده و تربیت معلم در کار نبوده، با وجود این، ایشان توانستند آموزه های اسلام را در مدتی کوتاه به مردم بیاموزند و از آنان افرادی مؤمن و مستلزم به باورهای اخلاق و احکام دینی بسازند. انسان اگر تربیت اخلاقی نداشته باشد، هر چند در سایر جنبه های تربیت مثل عقلانی، جسمانی و اجتماعی و ... پیشرفت کرده باشد، موفقیت لازم را به دست نخواهد آورد و دچار عدم توازن خواهد شد. چه بسا با غفلت از تربیت اخلاقی، باعث از بین رفتن آثار مثبت دیگر، جنبه های تربیت خواهد شد.

این پژوهش، ضمن تعریف تربیت اخلاقی، درصدد این است که عوامل مؤثر بر تربیت اخلاقی در سیره پیامبر اکرم ﷺ را بررسی کند. پژوهش حاضر با تکیه بر سیره نبوی به دنبال پاسخ به این پرسش است که چه عواملی در سیره نبوی بر تربیت اخلاقی مؤثر است؟ مفهوم تربیت اخلاقی در سیره پیامبر ﷺ چیست؟ آیا عواملی مانند دین، جامعه، خانواده، تعقل و الگوی متعالی بر تربیت اخلاقی در سیره ی پیامبر اعظم ﷺ مؤثراند؟

مفهوم شناسی

۱. تربیت

تربیت از نظر لغوی: به معنای پرورش است؛ و از مشتقات ربّو که به معنای برآمدگی و زیادی است. (راغب اصفهانی، ۱۳۹۲: ۳۴۰)

تربیت از نظر اصلاحی: تربیت عبارت است از انتخاب رفتار و گفتار مناسب، ایجاد شرایط

و عوامل کمک به شخص مورد تربیت، تا بتواند استعداد های نهفته اش را که در تمام ابعاد وجود به طور هماهنگ پرورش داده و شکوفا سازد؛ و به سوی هدف و کمال مطلوب تدریجاً حرکت کند. (امینی، ۱۳۸۷: ۱۴)

۲. اخلاق

اخلاق از نظر لغوی: خلق به ضم خاء یا خلق، جمع اخلاق به معنای صورت باطنی و ناپیدای انسان است که سرشت و سیرت نیز نامیده می شود؛ چنانکه خلق به فتح خاء به صورت ظاهری و دیدنی انسان دلالت دارد. (زبیدی: ۱۳/ ۱۲۴).

اخلاق از نظر اصطلاحی: خلق در اصطلاح، ملکه ای نفسانی است که به اقتضای آن فعلی به سهولت و بدون نیاز به فکر کردن از انسان صادر می شود. خلق به ضم خاء یا خُلُق جمع اخلاق به معنای صورت باطنی انسان است که سیرت نامیده می شود. (فخر رازی، ۱۳۷۰: ۱/ ۵۰۹)

تربیت اخلاقی

تربیت اخلاقی فرآیندی است که منجر به ایجاد عادت، طبیعت ثانوی و یا ملکاتی که با اختیار و تلاش پیگیر در روح بشر به وجود می آید؛ می شود. (مطهری، ۱۳۶۸: ۷۴)

از نظر نویسندگان این پژوهش، منظور از تربیت اخلاقی فراگیری و عمل به آداب و رسوم اجتماعی نیست زیرا آداب و رسوم غیر از اخلاق است. همچنین مقصود از تربیت اخلاقی تنها به معنای به کارگیری شیوه ها و روش های تربیتی، اعم از خودسازی و یا تربیت افراد نیست. بلکه تربیت اخلاقی را می توان چنین تعریف کرد: برانگیختن، فراهم ساختن و به کار بستن ساز و کارهای آموزش و پرورش در جهت دریافت گزاره های اخلاقی و شناختن و شناساندن فضایل و رذایل و زمینه سازی برای ایجاد نگرش و روی آوردن به اخلاق حسنه و تقید و پای بندی و عینیت دادن ارزش های اخلاقی به منظور رسیدن به سعادت و کمال جاودانه تربیت اخلاقی نام دارد. در اینجا به بررسی پنج مورد از عوامل مؤثر بر تربیت اخلاقی در سیره نبوی می پردازیم:

خانواده

تشکیل خانواده در سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اعتبار و ارزش ویژه دارد. تعبیر رسول خدا در اهمیت این بنیاد و جایگاه آن والاترین تعبیر است، چنانکه از آن حضرت روایت شده که فرمود: «ما بُنی

فِي الْإِسْلَامِ بِنَاءَ أَحَبِّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنَ التَّزْوِيجِ» (صدوق، ۱۴۰۴: ۳ / ۳۸۳). هیچ بنایی در اسلام پایه‌گذاری نشده است که در پیشگاه خدای متعال محبوب‌تر از تشکیل خانواده باشد. تشکیل خانواده در نگاه پیامبر آنچنان اهمیت دارد که چنانکه گسستن این مجموعه در نزد خداوند از هرکاری منفورت و مطرودتر است. چنانکه بر زبان پیامبر آمده است: «مَا مِنْ شَيْءٍ أَبْغَضَ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ بَيْتٍ يَخْرُبُ فِي الْإِسْلَامِ بِالْفُرْقَةِ الطَّلَاقِ» (حر عاملی، ۱۴۰۳: ۱۴ / ۵). هیچ چیز نزد خدای عزوجل منفورتر از این نیست که خانه‌ای در اسلام با جدایی و طلاق از هم متلاشی گردد. و این حدیث بیان‌گر اهمیت ویژه این بنیان در نظام هستی است. (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۶: ۵)

وراثت

اصل وراثت به طور اجمال قابل انکار نیست؛ زیرا افراد از همان آغاز و ولادت، دارای خصوصیات و امتیازهایی هستند که آن‌ها را از سایر حیوانات ممتاز می‌سازد؛ یعنی امتیازهای نوعی مانند: استعداد برای تفکر و تعقل، استعداد تکلم و خصوصیات دیگر. بدون شک این خصوصیت‌ها از پدر و مادر و اجداد انسانی خود ارث می‌برند؛ سلول‌های نطفه پدر و مادر که منشأ تکوین انسان است دارای ویژگی‌های خاصی است که او را در مسیر انسانیت رشد و پرورش می‌دهد و در موقع مناسب استعدادهای نهفته او را به فعلیت تبدیل می‌سازد. (امینی، ۱۳۸۷: ۱۰۹) اسلام نیز موضوع وراثت را به طور اجمالی پذیرفته است. قرآن تصریح می‌کند که انسان از نطفه مرکب و مخلوط آفریده شده است.

«هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئاً مَّذْكُوراً * اَنَا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُّطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعاً بَصِيراً» (انسان ۱ / ۲) بر انسان زمانی گذشته که چیز مذکوری نبود. [چیزی بود که نام خاصی نداشت] ما انسان را از نطفه‌ای مخلوط و مرکب آفریدیم تا او را امتحان کنیم، پس او را شنوا و بینا قرار دادیم.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ نیز می‌فرماید: «إِذَا سَمِعْتُمْ بِجَبَلٍ زَالَ عَنْ مَكَانِهِ فَصَدَّقُوا، وَإِذَا سَمِعْتُمْ بِرَجُلٍ زَالَ عَنْ خُلُقِهِ فَلْأُتْصَدَّقُوا، فَإِنَّهُ يَصِيرُ إِلَى مَا جَبَلَ عَلَيْهِ» (فرزانه، ۱۳۷۷) اگر شنیدید کوهی از جای خود کنده شده باور کنید، ولی اگر شنیدید که مردی از خلق (طبیعی) خود دست برداشته تصدیق نکنید زیرا ممکن است به حال طبیعی خود برگردد.

از این قبیل احادیث استفاده می‌شود که برخی از اخلاقیات در طبیعت و آفرینش بعضی انسان‌ها نهاده شده که تغییر آنها بسیار دشوار به طور عادی غیر مقدور می‌نماید. ولی اسلام

تعلیم و تربیت انسان‌ها و تغییر و اصلاح صفات و تزکیه و تهذیب نفوس را امری ممکن می‌داند، به همین جهت پیامبر اسلام ﷺ تزکیه نفوس را در راس برنامه‌های خود قرار داده است. (امینی، ۱۳۸۷: ۱۴۴)

تربیت خانوادگی

پدر و مادر در تربیت فرزندان نقش مهم و وظیفه سنگینی بر عهده دارند. و والدین در صورتی لیاقت پدری و مادری را دارند که در تعلیم و تربیت فرزند خود جدیت کنند. با توجه به روایات در می‌یابیم که اسلام به مسئولیت پدر و مادر در تربیت و تادیب فرزند تا چه اندازه اهمیت می‌دهد، حتی به خصوصیتی که از طرق عوامل وراثتی به فرزند انتقال می‌یابد توجه نموده است، تا چه رسد به تربیت پس از ولادت. (ر.ک: مجلسی، ابواب مقدمات نکاح، باب ۱۲).

تاثیر تربیت پدر و مادر در فرزندان تا آنجاست که در حدیث مشهور نبوی آمده است: **كُلُّ مَوْلُودٍ يُولَدُ عَلَى الْفِطْرَةِ هِيَ حَتَّى يَكُونُ أَبَوَاهُ يَهُودًا نَهَ وَ يُنْصَرَانَهَ وَ يُمَجْسَانَهَ** (مجلسی، ۱۳۹۷: ۶۱ / ۱۸۶) هر نوزادی بر فطرت الهی توحید متولد می‌شود و والدین او هستند او را یهودی، نصرانی یا مجوس می‌کنند.

انسان با فطرت توحید خداپرستی و حق‌جویی آفریده شده است، این پدر و مادرند که می‌توانند فطرت الهی و توحیدی کودک خود را شکوفا سازند یا روی آن پرده‌ی ضخیم جهل و نادانی و گمراهی بیفکنند. (زهادت، ۱۳۷۸: ۳۳۰).

جایی که تربیت خانوادگی، ایمان و عقیده را دگرگون سازد، چگونه ممکن است در اخلاق اثر نگذارد؟ همین امر باعث شده است که مساله تربیت فرزندان به عنوان یکی از اساسی‌ترین حقوق آنها بر پدر و مادر شمرده شود؛ در حدیث دیگر از آن حضرت می‌خوانم: **«مَا نَحَلَ وَالِدٌ وَلَدَهُ أَفْضَلَ مِنْ أَدَبٍ حَسَنٍ»** (متقی هندی، ۱۴۰۵: ۱۱ / ۴۵۴) بهترین بخشش یا میراثی که پدر برای فرزندش می‌گذارد همان ادب و تربیت نیک است.

درباره نقش وراثت و تربیت خانوادگی در انسان، آیات و روایاتی وجود دارد که به چند مورد اشاره می‌شود:

— خدای متعال از زبان حضرت نوح علیه السلام می‌فرماید: **«وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْنِي عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا * إِنَّكَ إِن تَذَرْنَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا»** (نوح / ۲۶ و ۲۷) نوح گفت: پروردگارا روی زمین احدی از کافران را زنده مگذار چرا که اگر آنها را باقی بگذاری، بندگان را گمراه می‌کنند و جز نسلی فاجر و کافر به وجود نمی‌آورند.

این سخن، اشاره به این حقیقت است که تربیت خانوادگی عامل وراثت می‌تواند در اخلاق و عقیده بسیار موثر باشد. همچنان که فرزندان آنها به حد تمیز می‌رسید، او را نزد نوح علیه السلام می‌بردند و به کودک می‌گفتند این پیرمرد را میبینی، این مرد دروغ‌گویی است، از او پرهیز، پدرم مرا این چنین سفارش کرده (و تو نیز بیاد فرزندت را به این امر سفارش کنی) و به این ترتیب نسل‌های فاسد یکی پس از دیگری می‌آمدند و می‌رفتند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: ۱/ ۱۶۷)

- در جای دیگر درباره حضرت مریم علیها السلام می‌فرماید: «فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولِ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا» (آل عمران / ۳۷) خداوند؛ او (مریم) را به طرز نیکویی پذیرفت؛ و به طور شایسته‌ای (نهال وجود) او را رویانید و پرورش داد؛ و کفالت او را به زکریا سپرد. به طور کلی جریان ولادت حضرت مریم علیها السلام نشان می‌دهد: مسئله وراثت و تربیت خانوادگی در روحيات و خَلقیات انسان بسیار اثر دارد و برای پرورش فرزند پاکدامن بیاد به تاثیر این امور توجه ویژه داشت. مادر حضرت مریم، از زمان بارداری، همواره او را از وسوسه‌های شیطان به خدا می‌سپرد و آرزو می‌کرد از خدمت‌گذاران خانه‌ی خدا باشد و حتی برای این کار نذر کرده بود. لذا آیه فوق می‌فرماید: خداوند، مریم را به طرز نیکویی پذیرفت و به طرز شایسته‌ای گیاه وجودش را پرورش داد. (همان، ۱۳۷۷: ۱/ ۱۶۸)

از پیامبر روایت شده که فرمود: «السَّعِيدُ مَنْ سَعِدَ فِي بَطْنِ امَةٍ وَالشَّقِيُّ فِي امَةٍ» (متقی هندی، ۱۴۰۵: خبر ۵۹) معنای روایت این است که دل مادر زمینه از برای سعادت و یا برای شقاوت بچه است.

در روایت دیگری از رسول اکرم روایت شده که می‌فرماید: «رَحِمَ اللَّهُ أَعَانَ وَلَدَهُ عَلِيٌّ بِرَبِّهِ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِ وَالتَّأَلُّفِ لَهُ، وَتَعْلِيمِهِ وَتَأْدِيبِهِ» (مجلسی، ۱۳۹۷: ۷۴ / ۷۷) خدا بیامرزد بنده‌ای را که فرزندش را به کارهای خوب و با او مهربان است و درصدد آموزش و پرورش است.

مهم‌ترین حق فرزند آن بر والدین حق تربیت است. در آموزه‌های نبوی تربیت به عنوان یک حق مسلم مطرح شده است، چنانکه از آن حضرت روایت شده که فرمود: «حَقُّ الْوَلَدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ وَادَبَهُ» (هیثمی، ۱۴۰۲: ۸ / ۴۷) حق فرزند بر پدرش این است که نام نیک بر او بگذارد و او را به نیکی تربیت کند.

در منطق نبوی هیچ میراثی گرانقدرتر از تربیت نیک نیست، چنانکه از رسول خدا روایت شده است که فرمود: «اَكْرَمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا أَدَبَهُمْ يَغْفِرْ لَكُمْ» (مجلسی، ۱۳۹۷: ۱۴ / ۸۵) فرزندان‌تان را تکریم کنید و آنان را به نیکی تربیت کنید که آمرزیده می‌شوید.

از مهم‌ترین آمادگی‌ها و بسترهای لازم برای پرورش و رشد فضایل اخلاقی مسئله وراثت و تربیت خانوادگی است. همه می‌دانیم که نوزاد، صفات ویژه‌ای را از پدر و مادر کسب می‌کند. این صفات و ویژگی‌ها تنها در مسائل جسم و بدن، خلاصه نمی‌شود بلکه روح و شخصیت و صفات و روحیات پدر و مادر قرار می‌گیرد.

از سوی دیگر بسیاری از زمینه‌های اخلاقی و صفات اخلاقی و رفتاری در آن کانون، ایجاد شده و رشد می‌کند؛ محیط سالم یا ناسالم خانواده تأثیر عمیقی در پرورش فضایل اخلاقی یا ایجاد و افزایش رذایل اخلاقی دارد.

نقش تربیت خانوادگی به حدی است که ایمان و عقیده انسان را دگرگون می‌سازد؛ و به طریق اولی، اخلاق انسان نیز تحت تأثیر این تربیت خواهد بود. و همین امر سبب شده است که مسأله تربیت فرزندان آن به عنوان یکی از اساسی‌ترین حقوق بر پدر و مادر شمرده می‌شود و حتی در اسلام از مسأله نامگذاری کودکان نیز غفلت نشده است.

دارا بودن الگوی متعالی

همیشه وجود الگوها و سرمشق‌های بزرگ در جامعه، وسیله مؤثر برای تربیت انسان بوده است. مهم‌ترین عامل برجستگی شخصیت پیامبر برخورداری آن حضرت از تربیت الهی است، پیامبر اکرم به گونه‌ای مستقیم با مرکز وحی در ارتباط بود و زیر نفوذ تربیت الهی قرار داشت. از این رو پیامبر، اسوه فکری، اعتقادی، عملی و اخلاقی بشریت است و راه رستگاری تنها در پیروی از اوست. (کریمی نیا، ۱۳۸۵: ۷)

چنانچه خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ
كَثِيرًا (احزاب / ۲۱)؛

بی‌تردید رسول خدا برای شما سرمشقی پسندیده است برای کسانی که به خدا و روز قیامت ایمان دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند.

علاوه بر آن خود پیامبر نیز دیگران را به سرمشق‌گیری از خود فرا می‌خواند. امیر مؤمنان (علیه السلام) می‌فرماید: «و لقد كنت اتبعه اتباع الفصيل اثره يرفع لي في كل يوم من اخلاقه علما و يأمرني بالاعتداء به (سید رضی: خطبه ۱۹۲)؛ من پیامبر را دنبال می‌کردم چنانچه بچه شتر مادرش را هر روز خلقی از اخلاقش را برای من بر می‌افراشت و دستور می‌داد به او اقتدا کنم.»

ارائه سرمشق از این جهت اهمیت دارد که اولاً متربی رفتار اخلاقی را در عمل و با همه‌ی جزئیات و ظرافت‌هایی که در اجرای آن وجود دارد، مشاهده می‌کند و به همین سبب نه تنها با خود رفتار اخلاقی، بلکه با شرایط تحقق آن و تأثیراتی که بر دیگران بر جای می‌گذارد و یا جایگاه آن در مقایسه با سایر رفتارها پی می‌برد؛ ثانیاً مشاهده عمل اخلاقی صادر شده از اسوه و مقتدا امکان عملی شدن آن را به صورت عینی برای متربی اثبات می‌کند، و این از آن جهت اهمیت دارد که ممکن است در ابتدا انجام برخی رفتارهای اخلاقی غیرممکن و محال به نظر آید. ثالثاً مشاهده رفتارهای اخلاقی مقتدا، زیبایی‌های آن موجب می‌شود در متربی گرایش و انگیزه اقدام به رفتارهای اخلاقی ایجاد و تقویت شود.

اینک الگو بودن پیامبر را در رفتار و گفتار و نیز عمل مورد بررسی قرار می‌دهیم:

الگو بودن پیامبر در گفتار و رفتار

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در پایبندی به ارزش‌های اخلاقی چنان جدی بود که خداوند او را می‌ستود و می‌فرمود: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ (قلم / ۴)؛ به راستی که اخلاق عظیم داری. اخلاق و رفتار پیامبر مهم‌ترین راه دستیابی به خوشبختی است.» از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود:

إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ (طبرسی، بی تا؛ ۸)

من برای کامل کردن اخلاق پسندیده برانگیخته شده‌ام.

بنابراین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نمونه انسان کامل است. این بزرگوار مربی و معلمی است که برای هدایت و ارشاد مردم به راه خیر و سعادت برانگیخته شده است. (صمدی خوشخو، ۱۳۹۱: ۱۰ و ۱۱)

ویژگی‌های اخلاقی آن حضرت تا اندازه‌ای است که می‌توان او را یک اسوه تمام عیار اخلاقی انسان در حد بسیار بالا است، باید توجه داشت که خلق و خو به مقدار زیادی، خصیصه‌ای فردی و تا اندازه‌ای لطف الهی است. جذبه پیامبر صلی الله علیه و آله در جذب دوستان فراوان او و نیز عامه مردم مکه و بعد ها مدینه، به خوبی در روایات تاریخی منعکس شده است. (جعفریان، ۱۳۷۳: ۱۹۱ و ۱۹۲) اما قبل از آن صراحت قرآن بهترین شاهد این امر است که خداوند می‌فرماید: «به سبب رحمت خدا است که تو (پیامبر) با آنها خوشخوی و مهربان هستی و اگر تندخو و سخت دل بودی از گرد تو پراکنده می‌شدند.» (آل عمران / ۱۵۹)

نمونه‌هایی از الگو بودن پیامبر در گفتار و رفتار

احترام به شخصیت کودکان

ایجاد شخصیت و حس اعتماد به نفس از مسئولیت‌های مهم تربیتی والدین است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سخنان خود راه پرورش صحیح کودکان را به مردم می‌آموخت و در عمل نیز، روش تربیت و پرورش شخصیت کودکان را به مسلمانان نشان می‌داد. روش همیشگی آن حضرت به احترام به شخصیت کودکان بود. او همواره یاران خویش را از هرگونه تندى و خشونت و بی‌مهری نسبت به کودکان باز می‌داشت. در این جا نمونه‌ای از سیرت تربیتی آن حضرت را بررسی می‌کنیم.

روزی پیامبر صلی الله علیه و آله با گروهی از مسلمانان در جایی نماز می‌گذازد هنگامی که آن حضرت به سجده می‌رفت، امام حسین علیه السلام که کوکی خردسال بود، بر پشت پیامبر سوار می‌شد و پاهای خود را حرکت می‌داد. چون آن حضرت می‌خواست سر از سجده بردارد، کودک را می‌گرفت و کنار خود بر زمین می‌نهاد و تا پایان نماز حسین پیوسته بر پشت پیامبر صلی الله علیه و آله سوار می‌شد. یکی از یهودیان که شاهد این صحنه بود، پس از پایان نماز به آن حضرت گفت: شما با کودکان خود به گونه‌ای رفتار می‌کنید که ما هرگز چنین نمی‌کنیم. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: اگر شما به خدا و رسول ایمان می‌داشتید با کودکان خود مهربان می‌بودید. مهر و محبت پیامبر نسبت به کودک، یهودی را سخت تحت تاثیر قرار داد و چندی نگذشت که صمیمانه آیین اسلام را پذیرفت. (مجلسی، ۱۳۹۷: ۱۰/۸۳)

پیامبر با رفتار پر مهر و احترام آمیز خود نسبت به کودکان به دو نتیجه‌ی درخشان دست یافت: نخست آنکه کودکان را افرادی مستقل و متکی به نفس پرورش می‌داد و بهترین سرمایه یک کشور مردمان با شخصیت و آزاده آن است. دوم آنکه محبت‌های آن حضرت، باعث علاقه شدید کودکان به آن حضرت می‌شد و محبت نیز، باعث اطاعت و پیروی از مربی است. (کریمی نیا، ۱۳۸۵: ۱۶)

احترام به شخصیت جوانان

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در ۱۴۰۰ سال پیش در کشور نوپای خود، از نیروی نسل جوان برای کارهای حساس جامعه اسلامی بهره می‌گرفت. هرگاه پیامبر صلی الله علیه و آله مدیریت یکی از کارهای اجتماعی را به جوانی لایق می‌سپرد، پیران و سالخوردگان می‌رنجیدند و آشکارا زبان به انتقاد و شکایت

می‌گشودند و گاه نیز، از دستورات فرمانده جوان سرپیچی می‌کردند. در اینجا به یک نمونه تاریخی اشاره می‌کنیم:

پس از فتح مکه در جنگ حنین، رسول اکرم ﷺ و یارانش ناچار از مقر خارج شدند و به جنگ رفتند. از این رو لازم بود برای اداره امور شهر فرمانداری لایق و کاردان انتخاب کند. پیامبر از میان تمام مسلمانان، جوانی بیست و یک ساله به نام عتاب بن اسید را به حکومت مکه گماشت و به وی فرمان داد که با مردم نماز گذارد؛ و اولین امیری است که پس از فتح مکه اقامه نماز جماعت کرد. (سره حلبی: ۳/ ۱۲۰) انتصاب آن جوان نارس به چنین مقام بزرگی، باعث رنجش خاطر رجال و بزرگان مکه شد. آنان گفتند: رسول اکرم ﷺ دوست دارد که ما همواره حقیر و پست باشیم. چرا که جوانی نارس را فرمانروای مشایخ عرب و بزرگان حرم، قرار داده است. پیامبر ﷺ پس از شنیدن این سخنان نامه‌ای مفصل به مردم مکه نوشت و تاکید کرد که همه مردم وظیفه دارند از حرف‌های وی پیروی کنند؛ زیرا ملاک برتری انسان، بزرگی نیست، بلکه برعکس، میزان بزرگی انسان فضیلت و کمال معنوی است. (سپهر کاشانی، ۱۳۶۳: ۳۸۷)

ایستادگی و پافشاری پیامبر ﷺ در تثبیت مقام عتاب بن اسید و بی‌اعتنایی به رنجش خاطر سالخورده‌گان و پیرمردان، بیانگر برنامه پیشوایان اسلام در پیشتیبانی از جوانان برومند و شایسته است. و این رفتار رسول خدا ﷺ در پیشتیبانی از عتاب این نکته را به همه پیروان خود فهماند که باید با نادانی و تعصب‌های جاهلانه مبارزه کرد. و باید در مواقع مناسب بخشی از کارهای مهم مملکت را به جوانان شایسته واگذار کرد. (ر.ک: کریمی نیا، ۲۰ - ۲۳)

از این نمونه به خوبی می‌فهمیم که نیروی ارزشمند جوان مورد توجه پیشوای بزرگ اسلام بوده است. پیامبر ﷺ که از هر خطا و اشتباهی مصون است؛ در چهار قرن قبل به این کار اساسی دست زده و بخشی از مشاغل مهم لشکری و کشوری مملکت نو بنیاد اسلام را به جوانان واگذار فرموده است. و شرط اساسی برگزیدن جوانان، صلاحیت و شایستگی آنان است و این نکته از خلال سخنان پیامبر ﷺ به خوبی دانسته می‌شود. (کریمی نیا، ۱۳۸۵: ۲۲)

الگو بودن پیامبر ﷺ در عمل

مناسب‌ترین اخلاق و الگو برای مسلمانان، فرمایشات و سیره عملی پیامبر اعظم ﷺ در زندگی است. حال به بررسی دو نمونه از موارد الگو بودن پیامبر ﷺ در عمل می‌پردازیم:

- روش میهمانداری پیامبر ﷺ

وقتی که برای پیامبر ﷺ میهمان می‌رسید، حضرت با او غذا میل می‌فرمود، و تا میهمان از غذا خوردن دست نمی‌کشید، حضرت همچنان مشغول خوردن بود. (کلینی، ۱۳۶۵: ۱/۲۶۸)

مشایعت میهمان تا درب منزل، از سنت پیامبر ﷺ است. (غزالی، ۱۳۸۶: ۲/۱۸)

- آرایش پیامبر ﷺ

پیامبر ﷺ موهای خود را شانه می‌زد و غالباً با آب شانه می‌کرد و می‌فرمود: آب برای خوشبو کردن مومن کافی است. (طبرسی، بی تا: ۲۲/۱) پیامبر ﷺ موی زیر ریش خود را چهل مرتبه و موی بالای آن را هفت مرتبه شانه می‌زد و می‌فرمود: این کار هوش را زیاد و بلغم را نابود می‌کند. (صدوق، باب الخمس، ۱۴۰۴)

زیباترین الگو برای اخلاق در جامعه اسلامی، اخلاق پیامبر اکرم ﷺ است. پیامبر اکرم ﷺ نه تنها در زمینه گفتاری و رفتاری بلکه در زمینه عملی نیز نمونه والا اخلاق انسانی است. حتی نحوه برخورد ایشان با کودکان و جوانان الگویی برای تمام بشریت تا ابد است.

تعقل

در نظام تربیتی اسلام یکی از مهم‌ترین نیروهای انسانی و بزرگترین نعمت خداداری، عقل است. تکیه بر عقل و تأیید وجهه عقلانی از ویژگی‌های تربیت اسلامی است و مسلمانان باید اصول و مبانی اعتقادات خود را از طریق عقل بپذیرند. یکی از دلایل پویایی دین اسلام، این است که با صراحت از پیروان خود می‌خواهد که در پذیرش مبانی مکتب به تقلید و پیروی کورکورانه تسلیم نشوند و اندیشه و عقل را به کار گیرند. اسلام مکتبی است که بر مبنای عقلانی مبتنی است و اهمیت عقل را در زمینه‌های مختلف مورد تأیید قرار می‌دهد. (احمدی، ۱۳۷۴: ۵۸)

بعضی آیات و احادیث که اهمیت عقل را مورد تأکید قرار می‌دهند به شرح زیر است:

- «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ» (آل عمران / ۱۹۰)

در تفکر و آفرینش آسمان‌ها و زمین و رفت و آمد شب و روز نشانه‌هایی برای خردمندان وجود دارد.

- «كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (بقره / ۲۴۲) خداوند این چنین آیات خود را بیان می‌کند شاید درک و اندیشه کنید.

قرآن مجید به مردم استقلال رأی و فکر می‌دهد و آنها را وادار می‌کند که با عقل خودشان در

همه امور نظر کنند و خوب و بد را بفهمند. لذا قرآن کریم آدمی را به اندیشیدن و بهره جستن از عقل خویش دعوت می‌کند.

در وصیت پیامبر بزرگ ما به حضرت علی چنین آمده است: «ای علی فقری سخت تر از نادانی نیست، مالی بهتر از خردمندان نیست، هیچ چیز هراسناک تر از خودبینی نیست، و هیچ نوع همکاری نیکوتر از مشورت کردن نیست، هیچ خردی مانند اندیشه کردن نیست، و هیچ نسبت خانوادگی مانند خوش خلقی نیست و هیچ عبادتی مانند تفکر نمی باشد». (حرانی، ۱۳۸۲: ۷)

تمام آنچه در گفتار آمده از لحاظ تربیتی اهمیت دارد چنانچه ملاحظه می‌شود، جهل و نادانی بزرگترین فقر تلقی شده است. یکی از ویژگی‌های اسلام، تأکید فراوان این دین درباره‌ی کسب علم و دانش می‌باشد. اسلام بیش از دیگر مکتب‌های فکری روی عقل و خرد و عاقلانه عمل کردن اصرار می‌ورزد. تأکید روی مشاوره، اندیشیدن و تفکر اهمیت جنبه عقلانی را روشن می‌سازد. (شریعتمداری، ۱۳۷۵: ۱۴-۱۳)

بنابراین یکی از عوامل اصلاح و تربیت نفس در تعلیمات اسلامی، عادت کردن به تفکر است. عادت کردن به تفکر یعنی درباره هر کاری که انسان می‌خواهد تصمیم بگیرد عادت داشته باشد که قبلاً کاملاً روی آن کار فکری کند. و این از نظر اخلاقی نظیر محاسبه النفس است. در زمینه تفکر هم روایت داریم. در حدیث درباره ابوذر آمده است که: «کان اکثر عبادة ابي ذر التفکر» (مجلسی، ۱۳۹۷: ۷۱ / ۳۲۳) بیشترین عبادت ابوذر فکر کردن بود، که فکر کردن به انسان روشنایی می‌دهد، و عبارت بی تفکر ممکن است که به صورت یک کار لغو و بیهوده درآید. (مطهری، ۱۳۸۹: ۲۵۹-۲۵۸)

بنابراین با دقت در این دو روایت که ذکر کردیم، به این نتیجه می‌رسیم که: پرورش فهم و تعقل در اهداف تربیت اخلاقی در سیره پیامبر و حتی امامان معصوم جایگاه خاصی دارد. چرا که در سیره آنان فضایل و عادت‌های پسندیده بدون فهم و شناخت و آگاهی ارزشی ندارد. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «من استشاره أخوه المؤمن فلم یمضه النصيحة سلبه الله لبه» (مجلسی، ۱۳۹۷: ۴ / ۳۶۹) هر کس برادر مؤمنش با او مشورت کند و او صادقانه راهنمایی‌اش نکنند، خداوند عقلش را از او بگیرد.

موضوع مشاوره در اسلام از اهمیت خاصی برخوردار است، این حدیث مسلمانان را به اهمیت مشاوره متوجه می‌سازد تا آن را جزو برنامه‌های اساسی خود قرار دهد؛ اصولاً مردمی که

کارهای مهم خود را با مشورت و صلاح اندیشی یکدیگر انجام دهند، کمتر گرفتار لغزش می‌شوند، این خود باعث پرورش فهم و تعقل اخلاقی و از میان بردن رذایل اخلاقی همچون استبداد رأی که خود را بی‌نیاز از افکار دیگران می‌داند می‌شود (سلطانی، ۱۳۷۲: ۱۵۹ و ۱۶۳)

بنابراین پرورش فهم و تعقل در اهداف تربیت اخلاقی در سیره‌ی پیامبر و اهل بیت جایگاه خاصی دارد. چرا که در سیره آنان فضایل و عادت‌های پسندیده بدون فهم و شناخت و آگاهی ارزشی ندارد. تعقل و تفکر رکن دینداری به صورت کلی است و با توجه به اینکه آموزه‌های اخلاقی اسلام بخشی از اسلام است، می‌توان گفت برخورداری از عقل و فهم رکن اصلی تخلق به اخلاقی اسلامی نیز هست.

هدف تربیت اخلاقی در سیره نبوی پرورش توانایی تشخیص وظیفه اخلاقی و پرورش توانایی عمل به آن است. توانایی پرورش وظیفه اخلاقی بدین معنی است که متربی از چنان آگاهی و توانایی عقلانی برخوردار گردد که بتواند بدون آگاهی و توانایی عقلانی برخوردار گردد که بتواند بدون تقلید از دیگران، خوب را از بد و زشت را از زیبا تشخیص دهد.

جامعه

اجتماعی بودن انسان از فطریات هر فرد است، تاریخ بیان کر این حقیقت است که انسان همیشه در اجتماع و به طور دسته جمعی زندگی می‌کرده است. اسلام بیش از همه‌ی ادیان و ملل، به اجتماع اهمیت داده است و مهم‌ترین دستورات دینی خود از قبیل: حج، نماز، جهاد، انفاق و هر گونه تقوای دینی را براساس اجتماع بیان نهاده است و هدف عالی اجتماع اسلامی در رساندن انسان به سعادت حقیقی و قرب و منزلت پیدا نمودن وی، نزد خداست.

تعلیم و تربیت اسلامی متعلمینش را باید چنان بسازد که معتقد باشند که دین اسلام، صلاحیت خود را در رهبری بشر به سوی سعادت و یک زندگی پاکیزه به ثبوت رسانیده است، و روشی که دارای چنین صلاحیتی است قابل انطباق بر زندگی انسان‌هاست و هرگز از عهده‌دار شدن سرپرستی امور دنیوی مردم عاجز نیست. اسلام در تربیت افراد و نوع انسان و راهنمایی او به سوی سعادت حقیقی، رابطه‌ی واقعی فرد و اجتماع را در نظر می‌گیرد، چرا که فقط رابطه حقیقی بین فرد و اجتماع است که موجب می‌شود که خواص و آثار فرد در اجتماع ظاهر شود. (ساعی، ۱۳۷۴: ۱۶۸-۱۶۶)

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایتی در زمینه اهمیت اجتماع و اهتمام به امور مسلمین وجود دارد، که

می‌فرماید: «من أصبح ولايهم بامور المسلمين فليس منهم و من سمع رجلاً ينادي يا للمسلمين فلم يحبه فليس بمسلم» (ر.ک: طباطبایی: ۷ / ۲۵۵ - ۱۵۰) کسی که صبح کند و در دل خود به یاری مسلمانان و همدردی با آنان مصمم نباشد، از گروه مسلمین به حساب نمی‌آید و کسی که فریاد استغاثه و استنصار مظلومی را بشنود و ندایش را پاسخ ندهد و به کمک وی نشتابد، مسلمان نیست. از ویژگی‌های یک مسلمان این است که روح اجتماعی دارد، که هم به مقتضیات مادی توجه کند و هم به مقتضیات مادی توجه کند و هم به مقتضایات معنوی پاسخ مثبت دهد و کلیه‌ی رفتار و اعمال و حتی افکار خود را براساس تعالیم عالیه اسلام تنظیم و اجرا نماید. جامعه از طرق فراوانی به تربیت اخلاقی تأثیر دارد و ما در اینجا به بررسی سه مورد از موارد تأثیر جامعه بر تربیت اخلاقی می‌پردازیم.

محیط خانه و خانواده

نخستین اجتماعی که در روز زمین به وجود آمده است، اجتماع خانواده است و این واحد اجتماعی کوچک که نتیجه ازدواج است خداوند آن را مایه بقا و آرامش انسان‌ها در زندگی قرار داده است؛ و زندگی اجتماعی است که موجب می‌شود انسان با تحمیل اراده و سلطه خود، دیگران را برای بر طرف کردن نیازمندی‌های خود به کار گیرد و متعاقباً به رفع نیازهای دیگران اقدام کند. (ساعی، ۱۳۷۴: ۱۶۶)

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد اهمیت خانواده احادیثی فراوان وجود دارد که یکی از آنها را در زیر ذکر می‌کنیم:

خيركم خيركم و أنا خيركم لأهلي ما أكرم النساء إلا كريم ولا أهانهن إلا لئيم» (فرزانه، ۱۳۳۷: ۴۲۷، ح ۱۵۲۰)

بهترین شما کسی است که برای خانواده‌اش بهتر باشد و من از همه شما برای خانواده‌ام بهترم؛ زنان را گرامی نمی‌دارد، مگر انسان بزرگوar و به آنان اهانت نمی‌کند، مگر شخص پست و بی‌مقدار.

با توجه به این حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله در می‌یابیم که اگر دثر محیط خانه و در دامن مادر، که بالاترین محل تربیت است، بچه از همان بچگی خوب تربیت شود تا آخر بر همان تربیت باقی می‌ماند. از این جهت محیط خانوادگی یکی از جاهای بسیار مهم برای تربیت اولاد است و دامن مادر هم یکی از جاهای بزرگ برای تربیت است.

محیط رفاقت و دوستان

این محیط عبارت است از جماعت رفقا و دوستانی که فرد تحت تأثیر آنهاست. عاداتی که ممکن بود شخص از خانواده به دست آورد؛ رنگ عادت رفقا را به خود می‌گیرد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در اهمیت انتخاب و وصف دوستان می‌فرماید: «من اراد الله به خیرا رزقه خلیلا صالحا إن نسی ذکره وإن ذکر أعانه» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۱/۱۵) کسی که خداوند خیر و سعادت او را می‌خواهد به او دوستی شایسته ارزانی می‌کند، اگر فراموش شد به یادش آورد، و اگر بیادش آورد او را یاری دهد. با توجه به این حدیث پیامبر به این نتیجه می‌رسیم که: محیط رفاقت و دوستان تا چه اندازه در تربیت اخلاقی فرد تأثیر دارد و باعث می‌شود که شخص فضایل و رذایل اخلاقی را از محیط دوستان بگیرد و اخلاق و رفتار او تحت تأثیر رفتار دوستان قرار گیرد.

مسجد

در مسجد نخستین مرکز تعلیم و تربیت در اسلام است. مراکز تعلیم و تربیت اسلامی در آغاز ظهور اسلام و حکومت خلفای راشدین عبارت از مساجد و احیاناً برخی از اماکن عمومی بوده است. رسول خدا آنقدر به مسجد برای تربیت مسلمانان اهمیت می‌دادند که در کنار خانه خود مسجدی تأسیس فرمود که بی‌اندازه ساده بود و همزمان با حیاط پیامبر عزیز اسلام مساجدی در زمان آن بزرگوار به وجود آمد (حجتی، ۱۳۵۸: ۲/۲۳)

در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مردم بیشتر در مساجد حضور داشتند و مسجد بیشترین تأثیر را در تربیت اخلاقی آنها داشت که پیامبر با سخنان، رفتار و عمل خود آنها را مورد تربیت اخلاقی قرار می‌داد، چرا که در زمان پیامبر اکرم مدرسه وجود نداشت و آنچه که وجود داشت مکتب بود که تنها عده معدودی به مکتب می‌رفتند. بنابراین مهم‌ترین مکان تربیت مردم از همه لحاظ مسجد بود.

دین مجموعه‌ای از عقاید و احکام و اخلاق است، پس طبیعتاً اخلاق جزئی از مجموعه دین می‌باشد و رابطه‌اش با دین رابطه جزء به کل است. نظام دینی یک نظام در هم تنیده است که همه بخش‌های آن اعم از احکام و اخلاق با یکدیگر مرتبط بوده است؛ کما اینکه اخلاق دینی کاملاً مبتنی بر جهان‌بینی استوار بوده است (مصباح یزدی، ۱۳۶۷: ۱۹۹-۱۹۷).

خداوند با ترسیم جایگاه حقیقی انسان در جهان مستی کمال و سعادت حقیقی و نهایی انسان را قرب به مبدأ هستی معرفی می‌کند، و رسیدن به آن در سایه اعمال اختیاری و درگرو

عمل صالح ممکن است. از این رو هر عملی که تأمین کننده این هدف غایی باشد از دیدگاه اسلام نیک و پسندیده و هر فعلی که انسان را از این هدف دور سازد، زشت و رذیلت اخلاقی محسوب می شود. لذا می توان گفت ارزش اخلاقی یک فعل ارتباط تنگاتنگی با اعتقاد به مبدأ آفرینش دارد؛ و هر فعل اخلاقی برای برخورداری از بالاترین درجه حسن و نیکی باید چنین پیامد مثبتی با خود بیاورد. (همان، ۱۳۶۷: ۱۹۹)

در وصیت های پیامبر بزرگوار اسلام به حضرت علی علیه السلام چنین آمده است: «یا علی ثلاث من لم تکن فیه لم یقم له عمل؛ ورع یحجزه من معاصی الله عزوجل و خلق یناری به الناس و حلم یرد به جهل الجاهل» (مجلسی، ۱۳۹۷: ۷۰/ ۳۰۵) ای علی سه چیز است که اگر دارا نباشد عملی برای او نباشد: ۱) ورعی که مانع شود از معصیت های الهی. ۲) اخلاقی که (سبب) مدارای با مردم شود. ۳) علمی که جهل جاهلان را برطرف کند. از این روایت چنین برداشت می شود که تقوا و ورع از صفات نفسانی است، تقوا جزئی از دین است و هر کس که تقوا داشته باشد ترک معاصی می کند، و به فضایل اخلاقی روی می آورد؛ که این باعث تربیت اخلاقی وی می شود.

از پیامبر روایت شده است که فرمود: «من اثمر محبة الله علی محبة نفسه كفاه الله مؤنه الناس» (متقی هندی، ۱۴۰۵: ۲۱۲۷ و ۴۳۱۲۸) هر کس خدا دوستی را بر خود دوستی مقدم بدارد، خداوند او را از رنج و زحمت مردم دور گرداند. عشق و محبت بر خدا در دین توصیه می شود و مؤمنان از دین یاد می گیرند که خدا را عاشقانه عبادت کنند و از همین جا است که عشق و محبت به همسایگان و هموعان را می آموزند.

در اسلام یک خصوصیتی هست و آن این است که با این روح عبادت ارتباط و پیوند بنده با خدا و شکستن دیوار غفلت و توجه به خداست، اما نکته جالب این است که اسلام به عبادت شکل داده و شکل هم نهایت اهمیت را داده است و در آن شکل نیز یک سلسله برنامه های تربیتی را در لباس عبادت وارد کرده است. مثلاً از نظر این که قلب انسان می خواهد متوجه خدا باشد، این چه اثری دارد که بدن انسان پاک باشد یا نباشد. در حدیثی از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمده است: «إن الله ینظر الی قلوبکم ولاینظر الی صورکم» (سیوطی، ۱۴۰۱: ۷۴/ ۱) همانا خداوند به قلوب شما نگاه می کند و به صورت های شما نگاه نمی کند.

اسلام وقتی که عبادت را تشریح می کند، چون می خواهد مخصوصاً عبادت هم یک نظر خاصی از نظر تربیتی داشته باشد، چیزی را که به عبادت ربط زیادی ندارد ولی در تعلیم و تربیت مؤثر است در لباس عبادت پیاده می کند. اسلام وقتی می گوید به نماز که می ایستید،

بدن و لباس تان پاک باشد این خود یک برنامه نظافت است در ضمن عبادت. (مطهری، ۱۳۸۹: ۱۲۷ و ۱۲۶)

دین

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «إنما بعثت لاتمم مكارم الاخلاق» (طبرسی، ۱۴۱۲: ۸۰) همانا مبعوث شدم تنها برای اینکه مکارم اخلاق را تکمیل کنم. بر پایه‌ی این روایت می‌توان گفت که تنها هدف دین تهذیب اخلاق است، بلکه اخلاق معادل دین است و دین چیزی جز اخلاق نیست. ایمان به خداوند یگانه همه اخلاق اسلام را به صورت خلاصه و فشرده در خود دارد و اخلاق اسلامی نیز چیزی جز تفصیل و گسترده شده ایمان توحیدی نیست. بنابراین، روح توحید در تمام آموزه‌های اخلاقی اسلام جاری است. و روح اخلاق در تمام اعمال دینی جاری و ساری است. از سوی دیگر، ایمان اسلام ضامن اجرای قواعد اخلاقی است؛ برای مثال، اگر اعتقاد به معاد در کار نباشد، هیچ عاملی نمی‌تواند انسان را از پیروی هوا و هوس‌های خود باز دارد. در مقابل، اخلاق اسلامی نیز حافظ ایمان دینی است (امید، ۱۳۸۱: ۲۱).

اینکه اخلاق اسلامی بخشش از دین است در سیره نبوی هدف غایی دین اسلام، تهذیب خلق و خوی آدم است. روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله صادر شده که مؤید این مطلب است. عنه صلی الله علیه و آله: «أَكْمَلُ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا» (کلینی، ۱۳۶۵: ۲/۹۹) کامل‌ترین مؤمنان از نظر ایمان نیک‌خوترین شماست. «لَا أَشْهَكُمُ بِإِحْسَنِكُمْ خُلُقًا» (صدوق، ۱۳۶۲: ۲/۲۷۱) شبیه‌ترین شما به من نیک‌خوترین شماست. این دو روایت آشکارا ایمان را معادل نیک‌خوی دانسته و حتی روایت دوم، دین را معادل خوش‌خلقی و خشم‌نگرفتن دانسته است. بر پایه این دو روایت می‌توان گفت نه تنها هدف این تهذیب اخلاق است، بلکه اخلاق معادل دین است و چیزی جز اخلاق نیست.

از آنجا که در سیره پیامبر صلی الله علیه و آله اخلاق بخشی از دین اسلام است و رابطه عمیق این دو را به هم پیوند داده و دین اساس اخلاق و اخلاق ثمره‌ی دین است، طبیعی است که تربیت اخلاقی و دین با یکدیگر رابطه محکم و عمیق داشته باشند. از این رو پیامبر صلی الله علیه و آله هم رفتارهای اخلاق خود و هم فعالیت‌هایشان در تربیت اخلاقی همگی را به عنوان وظیفه دینی و نه مستقل از دین انجام داده‌اند. (نوری، ۱۴۰۸: ۱۱/۱۸۷)

روش‌های ناظر بر اصل تعامل دین و اخلاق دو گونه است. یکی از روش‌های مرتبط با این

اصل پاک کردن محیط از مظاهر فساد است. این روش بر اصل تعامل دین و اخلاق ناظر است. انسان برای ادامه حیات خود و برای تامین نیازهای ضروری خود به ارتباط با محیط نیازمند است. از سویی دیگر، آدمی معمولاً از محیط خود تاثیر می‌پذیرد و اگر محیط صالح باشد، رفتار او نیز صالح خواهد بود و بالعکس. بنابراین، محیط فاسد به تدریج انسان را فاسد می‌کند و او را به سوی رفتارهای ناشایسته سوق می‌دهد. به همین سبب، می‌توان گفت تربیت اخلاقی بدون محیط سالم امکان‌پذیر نخواهد بود. (طباطبایی، ۱۳۷۵: ۱۶۷) دقت در سیره پیامبر ﷺ نشان می‌دهد که ایشان با اصل زدودن عوامل نامناسب موافق بوده و آن را اجرا می‌کردند. امام صادق علیه السلام از پیامبر ﷺ نقل می‌کنند که فرمود: «کسی که بر سر سفره‌ای بنشیند که در آن شراب می‌خورند ملعون است» (کلینی، ۱۳۶۵: ۶ / ۲۶۸)

امر به معروف و نهی از منکر

مراد از فضایل اخلاقی یا حاکمیت امر به معروف و نهی از منکر در جامعه این است که ارزش‌های اخلاقی در جامعه جایگاهی برتر بیابد و همه خود را موظف و متعهد به رعایت آنها بدانند. به عبارت دیگر، ایجاد فضای اخلاقی به معنای حاکم شدن ارزش‌های اخلاقی اسلامی است اما حاکمیت ارزش‌های اخلاقی نه به معنای حاکمیت از طریق اعمال فشار و زور، بلکه به این معناست که افراد از صمیم قلب برای آنها ارزش قائل شوند؛ آنها را بپذیرند و به آنها پایبند باشند. امر به معروف تنها با گفتار عملی نمی‌شود و لازم است با اعمال توأم گردد، هم به وسیله زبان و هم با عمل انجام می‌پذیرد. امر به معروف جنبه ارشادی دارد و برای هدایت فرد به صراط مستقیم و راه درست در زندگی است. (احمدی، ۱۳۶۸: ۲۱۶)

اسلام برای گوشزد نمودن وظایف تربیتی، به موعظه، تذکر و امر به معروف اکتفا نمی‌کند، بلکه افراد را واقف به نتیجه کار نادرست خویش می‌کند و به آنها هشدار می‌دهد و آنها را از اعمال نادرست نهی کرده و باز می‌دارد. امر به معروف و نهی از منکر دو وسیله نیرومند برای انجام وظایف و جلوگیری از مفساد است. امور تربیتی اگر بدون نظارت و کنترل انجام گیرند ضمانتی بر درستی یا نادرستی آنها وجود نخواهد داشت و نمی‌توان به ارزیابی آنها پرداخت. (همان، ۱۳۶۸: ۲۱۷)

رایج‌ترین تصور در ارتباط با دین و اخلاق این است که اخلاق جزء انفاک ناپذیر دین است. خداوند با ترسیم جایگاه حقیقی انسان در جهان هستی کمال و سعادت حقیقی و نهایی انسان



را قرب به مبدا هستی معرفی می‌کند، و رسیدن به آن در سایه اعمال اختیاری و در گرو عمل صالح ممکن است. از این رو هر عملی که تامین کننده این هدف غایی باشد از دیدگاه اسلام نیک و پسندیده و هر فعلی که انسان را از این هدف دور سازد، زشت و رذیلت اخلاقی محسوب می‌شود. لذا می‌توان گفت ارزش اخلاقی یک فعل ارتباط تنگاتنگی با اعتقاد به مبدا آفرینش دارد و هر فعل اخلاقی برای برخورداری از بالاترین درجه‌ی حسن و نیکی باید چنین پیامد مثبتی با خود با خود بیاورد. (مصباح یزدی، ۱۳۶۷: ۱۹۹ - ۱۹۷)

نتیجه‌گیری

از مباحث فوق چنین می‌توان نتیجه گرفت که با بررسی سیره‌ی نبوی در می‌یابیم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله الگو و نمونه کاملی برای انسان‌ها، در تمام زمینه‌های تربیتی؛ چه اخلاقی، جهانی، اجتماعی و ... می‌باشند؛ همانگونه که قرآن کریم نیز ایشان را الگو و نمونه افراد بشر معرفی می‌کند؛ و می‌فرماید: هر آنچه رسول خدا دستور دهد، آن را بگیرید و هر آنچه را که از آن نهی می‌کند، رها کنید.

با بررسی تاثیر خانواده در تربیت اخلاقی در سیره پیامبر صلی الله علیه و آله در می‌یابیم که اولین قانونی که در تربیت اخلاقی فرد مؤثر است خانواده است و از مهم‌ترین آمادگی‌ها و بسترهای لازم برای پرورش و رشد فضایل اخلاقی مساله وراثت و تربیت خانوادگی است. بسیاری از صفات اخلاقی و رفتاری در کانون خانواده ایجاد شده و رشد می‌کند؛ و محیط سالم یا ناسالم خانواده تاثیر عمیقی در پرورش فضایل یا رذایل اخلاقی دارد.

در نظام تربیتی اسلام، بزرگترین نعمت عقل است تاکید بر عقل از ویژگی‌های تربیت اسلامی است، تعقل به طور کلی در تعلیم و تربیت باعث پرورش قدرت قضاوت صحیح و مبتنی بر دلیل می‌شود.

جامعه از طریق فراوانی بر تربیت اخلاقی مؤثر است، مثلاً از طریق محیط خانه و خانواده که نخستین اجتماعی است که در روی زمین به وجود آمده، محیط رفاقت و دوستان و مسجد بر تربیت اخلاقی انسان مؤثر است.

اخلاق بخشی از دین است، و رابطه عمیقی این دو را به هم پیوند داده است، اخلاق ثمره این است و هدف دین، تهذیب اخلاق است. و اخلاق اسلامی چیزی جز تفصیل ایمان توحیدی نیست؛ و روح اخلاق در تمام اعمال دینی جاری است.

منابع و مآخذ

۱. قرآن مجید.
۲. نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی.
۳. احمدی، احمد (۱۳۶۸ ش). اصول و روش‌های تربیت در اسلام، تهران: جهاد دانشگاهی.
۴. امید، مسعود (۱۳۸۱ ش). درآمدی بر فلسفه یا اخلاق از دیدگاه متفکران معاصر ایران. ج ۱. تبریز: دانشگاه تبریز.
۵. امینی، ابراهیم (۱۳۸۷ ش). اسلام و تعلیم و تربیت. قم: بوستان کتاب.
۶. بناری، علمی همت. تربیت اخلاقی و ضرورت نگاهی دوباره به آن. ج ۲. تهران: نشر اسلامی.
۷. مطهری، مرتضی (۱۳۸۹ ش). تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: صدرا.
۸. جعفریان، رسول (۱۳۷۳). سیره رسول خدا ﷺ. تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
۹. حجتی، محمد باقر (۱۳۵۸ ش). اسلام و تعلیم و تربیت. ج ۲. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن. وسائل الشیعه. ج ۱۴. قم: موسسه آل البيت ﷺ.
۱۱. حرانی، ابن شعبه. تحف العقول. ترجمه احمد جنتی، قم: علمیه.
۱۲. حلبی، علی ابن ابراهیم (۱۴۰۴ ق). سیره النبی ﷺ، (۱۰۴۴). ج ۳.
۱۳. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۵). سیره نبوی — منطق علمی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۴. رازی، فخر الدین، المباحث المشرقیه، (۱۳۷۰)، ج ۱، قم: بیدار.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین (۱۳۹۲ ش). مفردات الفاظ القرآن. بیروت: دار الکتاب العربی.
۱۶. زبیدی، محمد مرتضی. تاج العروس. ج ۱۳. موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت ﷺ.
۱۷. زهادت، عبدالمجید. (۱۳۹۰ ش). تعلیم و تربیت در نهج البلاغه. قم: بوستان کتاب.
۱۸. ساعی، میر محمود (۱۳۷۴ ش). اخلاق و تربیت اسلامی. تهران: دانشگاه پیام نور.
۱۹. سپهر کاشانی، محمد تقی (۱۳۶۳ ش). ناسخ التواریخ الرسول اکرم ﷺ. تهران: اساتید.
۲۰. سلطانی، غلامرضا (۱۳۷۲ ش). تکامل در پرتو اخلاق. ج ۲. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۱. سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۱ ق). جامع الصغیر. بیروت: دار الفکر.
۲۲. شریعتمداری، علی (۱۳۷۵ ش). اصول و فلسفه تعلیم و تربیت. تهران: امیر کبیر.
۲۳. صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۴ ق). من لایحضره الفقیه. تصحیح علی اکبر غفاری. قم: دفتر



انتشارات اسلامی.

۲۴. صمدی خوشخو، محمد (۱۳۹۱ش). *الگوی نیکو: آداب زندگی پیامبر ﷺ*. تهران: کتاب نشر.

۲۵. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۵). *سنن النبی ﷺ*. ترجمه محمد هادی فقهی. تهران: نشر اسلامی.

۲۶. طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲ق). *مکارم الاخلاق*. ج ۱. قم: شریف رضی.

۲۷. غزالی، محمد بن محمد (۱۳۶۸ش). *احیاء العلوم*. ترجمه محمد خوارزمی. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.

۲۸. فرزانه، حافظ (۱۳۷۷ش). *نهج الفصاحة عن آل الرسول ﷺ*. تهران: الاسلامیه.

۲۹. کریمی نیا، محمد علی (۱۳۸۵ش). *سیره پیامبر اعظم ﷺ*؛ نگاهی به سیره اخلاقی و اجتماعی خاتم پیامبران. قم: کوثر ادب.

۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵ش). *الکافی*. ج ۱. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

۳۱. متقی هندی، علی (۱۴۰۵ق). *کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال*. تصحیح صفوه السقا. بیروت: مؤسسة الرسالة.

۳۲. مجلسی، محمد باقر. (۱۳۹۷). *بحار الانوار*. ج ۴، ۱۴، ۶۱ و ۷۴. بیروت: مؤسسة الوفاء.

۳۳. نوری، میرزا حسین، *مستدرک الوسائل*، قم: مؤسسة آل بیت ﷺ.

۳۴. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۶۷ش). *دروس فلسفه اخلاق*. تهران: اطلاعات.

۳۵. مطهری، مرتضی (۱۳۶۸ش). *فلسفه اخلاق*. قم: صدرا.

۳۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷). *اخلاق در قرآن*. ج ۳. قم: مدرسه امام علی ابن ابی طالب ﷺ.

۳۷. هیشمی، نور الدین (۱۴۰۲ق). *مجمع الزوائد*. ج ۸. بیروت: دار الکتب العربی.

تأثیر امام شناسی بر سلامت معنوی و سعادت انسان

سیده مریم بازاریار^۱

چکیده

امام شناسی در دین اسلام به شناخت صحیح و عمیق امامان معصوم علیهم السلام به عنوان پیشوایان الهی و الگوهای عملی برای پیروان آن ها اشاره دارد. این شناخت می تواند تأثیرات مهمی بر سلامت معنوی و سعادت انسان داشته باشد. امامان معصوم در اسلام نه تنها مرجع دینی و فقهی بلکه الگوهای اخلاقی و رفتاری هستند که پیروی از آنان انسان را به سوی تکامل روحی و معنوی هدایت می کند. شناخت صحیح امامان، ویژگی های انسانی و تربیتی آنان می تواند فرد را در مسیر توسعه اخلاقی، روحی و اجتماعی یاری کند. از دیدگاه اسلامی، رابطه با امامان معصوم موجب تقویت ایمان، تسلی در برابر مشکلات و رسیدن به آرامش درونی است. پیروی از آموزه های امامان معصوم می تواند انسان را در رسیدن به سعادت حقیقی و سلامت معنوی یاری کند؛ زیرا آموزه های آنان بر اساس هدایت الهی و معصومیت از خطا استوار است. همچنین، شناخت امام به عنوان چراغ هدایت در مسیر معنوی موجب ایجاد امید و انگیزه در زندگی می شود و انسان را از بحران های روحی و روانی رهایی می بخشد.

کلمات کلیدی

امام شناسی، سلامت معنوی، سعادت انسان، باورهای دینی، تربیت اخلاقی.

۱. کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی و مدرس گروه معارف اسلامی، واحد دهلران، دانشگاه آزاد اسلامی، دهلران، ایران.

seyedeh.baziyar@gmail.com

مقدمه

امام شناسی به عنوان یکی از بنیادهای اصلی معرفت دینی در اسلام، جایگاهی ویژه در هدایت انسان به سوی کمال دارد. این مفهوم در آموزه های اسلامی، همواره به عنوان راهی برای تقویت ارتباط انسان با خداوند و دستیابی به زندگی هدفمند مورد توجه بوده است (جوادی آملی، ۱۳۹۶). شناخت امام به معنای شناخت جایگاه، نقش و وظایف امام در هدایت معنوی و اجتماعی انسان هاست که از منظر آموزه های قرآنی و روایی، امری ضروری تلقی می شود (مطهری، ۱۳۸۵). یکی از اثرات مهم امام شناسی، ارتقای سلامت معنوی است که به عنوان حالتی از آرامش درونی، معناجویی و ارتباط با مقدسات تعریف می شود (رجبی، ۱۳۹۸).

انسان با شناخت امام به الگوی کاملی از رفتارهای اخلاقی و معنوی دست می یابد که او را در مواجهه با بحران های زندگی یاری می کند. در این راستا، ارتباط معنوی با امام به فرد کمک می کند تا در برابر چالش ها و ناملایمات مقاوم تر باشد و احساس امنیت روانی بیشتری را تجربه کند (سبحانی، ۱۳۹۰). این امر تأکید می کند که سلامت معنوی، به عنوان یکی از ابعاد مهم سلامت انسانی، ریشه در باورهای دینی و الهی دارد که امام شناسی نقش کلیدی در آن ایفا می کند. علاوه بر این، امام شناسی می تواند انسان را به سوی سعادت حقیقی سوق دهد. سعادت در اندیشه اسلامی به معنای شکوفایی استعداد های الهی و دستیابی به کمال اخلاقی و روحانی است. آموزه های امامان معصوم، مسیر روشنی برای رسیدن به این هدف ارائه می دهند و انسان را به سوی زندگی همراه با عدالت، تقوا و اخلاص هدایت می کنند (طباطبایی، ۱۴۰۰). همچنین، امام شناسی به تقویت ایمان و باورهای دینی کمک می کند که این خود عامل مهمی در ایجاد امید و معنا در زندگی است (مصباح یزدی، ۱۳۹۵). از سوی دیگر، شناخت امام به فرد امکان می دهد که نقش خود را در جامعه بهتر بشناسد و با الگوگیری از رفتار امامان، در جهت ارتقای اخلاق و ارزش های اجتماعی گام بردارد. این تأثیر، به ویژه در دورانی که بحران هویت و سردرگمی معنوی از چالش های اصلی بشریت به شمار می آید، اهمیت دوچندان می یابد (قرائتی، ۱۳۹۷). بدین ترتیب، امام شناسی نه تنها فرد را به سوی زندگی مطلوب هدایت می کند بلکه به شکوفایی اجتماعی نیز کمک می کند.

در این مقاله، به بررسی تأثیر امام شناسی بر سلامت معنوی و سعادت انسان پرداخته می شود. این موضوع از زوایای گوناگون، از جمله تأثیر بر ارتقای سلامت روانی، تقویت ارزش های اخلاقی، و دستیابی به کمال انسانی مورد تحلیل قرار خواهد گرفت. با استفاده از منابع اسلامی و

تحقیقات معاصر، تلاش می‌شود که نقش محوری امام‌شناسی در تربیت دینی و معنوی انسان روشن شود.

بیان مسأله

در عصر حاضر، با گسترش بحران‌های هویتی و کاهش ارتباط معنوی افراد با مبانی دینی، اهمیت بررسی تأثیر امام‌شناسی بر سلامت معنوی و سعادت انسان بیش از پیش احساس می‌شود. یکی از مسائل کلیدی این است که افراد در مواجهه با چالش‌های زندگی، به دنبال معنایی عمیق‌تر و راهکاری برای آرامش درونی هستند. سلامت معنوی، که از ارکان مهم سلامت کلی انسان است، در گرو باورهای دینی، تقویت ارتباط با خداوند و بهره‌گیری از الگوهای معنوی است (جوادی آملی، ۱۳۹۶). با این حال، بسیاری از افراد از تأثیر امام‌شناسی بر تقویت این بعد از سلامت بی‌اطلاع هستند. امام‌شناسی، به معنای شناخت نقش و جایگاه امام در هدایت معنوی و اجتماعی انسان، از نظر آموزه‌های اسلامی نه تنها یک وظیفه دینی بلکه یکی از ارکان اساسی برای دستیابی به زندگی سعادت‌مندانه است (سبحانی، ۱۳۹۰). این شناخت به فرد کمک می‌کند که معنای زندگی را بهتر درک کرده و با بهره‌گیری از آموزه‌های امامان، مسیر صحیح زندگی را بیابد. در فقدان این شناخت، انسان ممکن است به بحران‌های معنوی و روانی دچار شود و احساس بی‌هدفی یا بی‌معنایی در زندگی افزایش یابد (مطهری، ۱۳۸۵).

از منظر جامعه‌شناختی، شناخت امام به تقویت اخلاق و رفتارهای اجتماعی کمک می‌کند و فرد را در مسیر دستیابی به یک زندگی متعالی هدایت می‌کند. اما یکی از مسائل مطرح در این زمینه این است که در جوامع امروزی، افراد ممکن است به دلیل عدم آشنایی با آموزه‌های امامان معصوم، از این الگوهای ناب فاصله بگیرند و در نتیجه، به ارزش‌های مادی و دنیوی بیش از حد توجه کنند (قرائتی، ۱۳۹۷). این امر می‌تواند به تضعیف انسجام اجتماعی و کاهش سطح سلامت معنوی منجر شود. از سوی دیگر، سعادت انسان در فرهنگ اسلامی به معنای دستیابی به کمال انسانی و نزدیکی به خداوند تعریف می‌شود. این هدف با تأکید بر ارتباط معنوی و بهره‌گیری از الگوهای رفتاری امامان قابل تحقق است.

با این حال، نبود برنامه‌های آموزشی مناسب برای تبیین اهمیت امام‌شناسی، مانع از تحقق این هدف در بسیاری از جوامع شده است (مصباح یزدی، ۱۳۹۵). همچنین، عدم آگاهی کافی از نقش امام‌شناسی در تربیت معنوی، باعث شده است که بسیاری از افراد ارزش‌های اخلاقی و

انسانی را نادیده بگیرند و به زندگی مادی محدود شوند (رجبی، ۱۳۹۸). مسئله دیگر، تأثیر امام‌شناسی بر ایجاد امید و معنا در زندگی است. در شرایطی که ناامیدی و بی‌معنایی از مشکلات رایج جوامع مدرن به‌شمار می‌رود، امام‌شناسی می‌تواند به‌عنوان یک راهکار معنوی، افراد را در برابر این چالش‌ها مقاوم کند. با این حال، ضعف در ترویج این آموزه‌ها از طریق رسانه‌ها و نهادهای آموزشی باعث شده است که بسیاری از افراد از این تأثیر بی‌خبر باشند (طباطبایی، ۱۴۰۰). بنابراین، ضرورت دارد که با تکیه بر آموزه‌های اسلامی و تحقیقات علمی، تأثیر امام‌شناسی بر سلامت معنوی و سعادت انسان بررسی شود. این پژوهش قصد دارد با تحلیل نقش امام‌شناسی در تقویت باورهای دینی، ارتقای سلامت معنوی، و دستیابی به سعادت انسانی، پاسخی علمی و مستدل به این مسئله ارائه دهد.

پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش درباره تأثیر امام‌شناسی بر سلامت معنوی و سعادت انسان، نشان‌دهنده توجه محققان و اندیشمندان اسلامی به این موضوع از زوایای گوناگون است. این مطالعات بر ابعاد مختلفی همچون ارتقای سلامت معنوی، تقویت باورهای دینی، و دستیابی به سعادت حقیقی متمرکز بوده‌اند. جوادی آملی (۱۳۹۶) در کتاب *مفاتیح الحیات* به بررسی تأثیر امام‌شناسی بر تقویت ایمان و سلامت معنوی پرداخته است. وی معتقد است که شناخت امام به‌عنوان واسطه فیض الهی، نقش مهمی در اتصال انسان به خداوند دارد و این اتصال باعث ایجاد آرامش و امنیت روانی در فرد می‌شود. از نظر او، سلامت معنوی زمانی حاصل می‌شود که انسان از طریق امام، به حقیقت هستی و معناهای عمیق‌تری از زندگی دست یابد. مطهری (۱۳۸۵) در کتاب *انسان کامل* به نقش امامان به‌عنوان الگوهای عینی زندگی کامل اشاره کرده است. وی بیان می‌کند که امام‌شناسی به انسان کمک می‌کند تا در مسیر کمال انسانی حرکت کند و از رهنمودهای عملی امامان برای مواجهه با چالش‌های زندگی بهره‌گیرد. به گفته او، این شناخت می‌تواند فرد را به سوی سعادت واقعی هدایت کند. سبحانی (۱۳۹۰)

در کتاب *امام‌شناسی و رسالت انسان* به تحلیل ارتباط میان امام‌شناسی و ارزش‌های اخلاقی پرداخته است. وی استدلال می‌کند که امام‌شناسی نه تنها در سطح فردی باعث ارتقای سلامت معنوی می‌شود، بلکه در سطح اجتماعی نیز می‌تواند به تحکیم ارزش‌های اخلاقی و ایجاد انسجام اجتماعی منجر شود. به عقیده وی، الگوبرداری از رفتار امامان در زندگی روزمره



می تواند فرد را به انسان کامل نزدیک تر کند. مصباح یزدی (۱۳۹۵) در کتاب آموزش عقاید تأثیر امام شناسی بر تقویت باورهای دینی و ایجاد امید در زندگی را بررسی کرده است. او معتقد است که شناخت امامان به عنوان هادیان الهی، زمینه ساز ایجاد معنا در زندگی انسان و مقابله با بحران های معنوی است. وی همچنین به نقش امام شناسی در کاهش اضطراب ها و ایجاد آرامش روانی تأکید کرده است.

رجبی (۱۳۹۸) در کتاب سلامت معنوی و آموزه های دینی به بررسی مفهوم سلامت معنوی از دیدگاه اسلامی پرداخته و نشان داده است که شناخت امام به عنوان یکی از ارکان ایمان اسلامی، می تواند به طور مستقیم بر سلامت معنوی فرد تأثیر بگذارد. به گفته وی، ارتباط با امامان به فرد کمک می کند تا در زندگی معنای بیشتری بیابد و در برابر مشکلات، مقاوم تر شود. طباطبایی (۱۴۰۰) در تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن، با تحلیل آیات مربوط به امامت، به نقش امامان در هدایت معنوی انسان ها پرداخته است. وی بیان می کند که امام شناسی انسان را به سوی ارزش های الهی هدایت می کند و این امر به سلامت معنوی و سعادت حقیقی منجر می شود. در مجموع، مطالعات نشان می دهند که امام شناسی به عنوان مفهومی کلیدی در اسلام، تأثیری عمیق بر ابعاد مختلف زندگی انسان دارد. این پژوهش ها زمینه ساز درک عمیق تر از اهمیت امام شناسی در ارتقای سلامت معنوی و دستیابی به سعادت انسانی هستند.

اهمیت موضوع

اهمیت موضوع تأثیر امام شناسی بر سلامت معنوی و سعادت انسان از جنبه های مختلف دینی، روان شناختی، و اجتماعی قابل بررسی است. این موضوع به طور مستقیم با بهبود کیفیت زندگی فردی و اجتماعی مرتبط بوده و به عنوان یکی از عوامل کلیدی در ارتقای سطح معنوی و اخلاقی جامعه شناخته می شود. از دیدگاه دینی، امام شناسی به عنوان یکی از ارکان ایمان در آموزه های اسلامی مورد تأکید قرار گرفته است. شناخت امام به عنوان واسطه فیض الهی و رهبر معنوی، نقشی بی بدیل در هدایت انسان به سوی خداوند ایفا می کند. به گفته جوادی آملی (۱۳۹۶)، امام شناسی ابزار مهمی برای تقویت ایمان و ارتباط با خداوند است که به ایجاد آرامش درونی و سلامت معنوی کمک می کند. انسان از طریق ارتباط معنوی با امام، به درک عمیق تری از جایگاه خود در هستی دست می یابد و این امر موجب معناجویی و تقویت امید در زندگی می شود.

از منظر روان‌شناختی، امام‌شناسی یکی از ابزارهای مؤثر در کاهش اضطراب‌ها و استرس‌های زندگی مدرن است. به‌ویژه در دوران کنونی که بحران‌های معنوی و روانی به سرعت در حال گسترش است، ارتباط با آموزه‌های امامان معصوم می‌تواند نقش قابل توجهی در تأمین سلامت روانی و معنوی ایفا کند. به گفته رجبی (۱۳۹۸)، سلامت معنوی که شامل مؤلفه‌هایی نظیر معناجویی، آرامش درونی، و اتصال به مقدسات است، از طریق شناخت امام و پیروی از رهنمودهای ایشان تقویت می‌شود. از جنبه اجتماعی، امام‌شناسی به تقویت ارزش‌های اخلاقی و ایجاد انسجام در جامعه کمک می‌کند. امامان معصوم نه تنها الگویی برای زندگی فردی بلکه معیاری برای رفتارهای اجتماعی مطلوب هستند. شناخت امام و بهره‌گیری از آموزه‌های ایشان می‌تواند به ارتقای عدالت، همدلی، و مسئولیت‌پذیری در جامعه منجر شود.

سبحانی (۱۳۹۰) بر این باور است که امام‌شناسی، با ارائه معیارهای روشن برای زندگی اخلاقی، موجب کاهش تعارضات اجتماعی و تقویت همبستگی میان افراد می‌شود. علاوه بر این، سعادت انسان در فرهنگ اسلامی به معنای دستیابی به کمال انسانی و نزدیکی به خداوند است که این هدف از طریق شناخت امامان و عمل به رهنمودهای ایشان محقق می‌شود. امام‌شناسی، فرد را به سوی ارزش‌های الهی هدایت می‌کند و زندگی او را بر پایه معنویت و اخلاق بنا می‌نهد. مطهری (۱۳۸۵) معتقد است که امامان معصوم به عنوان الگوهای عینی کمال، مسیری روشن برای رسیدن به سعادت حقیقی ارائه می‌دهند و انسان را از گمراهی و سرگردانی نجات می‌دهند. در نهایت، اهمیت این موضوع در شرایطی که ناامیدی، بی‌معنایی، و کاهش انسجام اجتماعی به چالش‌های اصلی جوامع امروزی تبدیل شده است، دوچندان می‌شود. ترویج امام‌شناسی می‌تواند به ارتقای سلامت معنوی و بهبود کیفیت زندگی فردی و اجتماعی کمک کند و به عنوان راهکاری مؤثر برای دستیابی به سعادت و کمال انسانی معرفی شود.

اهداف پژوهش

۱. بررسی تأثیر امام‌شناسی بر ارتقای سلامت معنوی

یکی از اهداف اصلی این پژوهش، تحلیل ارتباط میان شناخت امامان معصوم و ارتقای سلامت معنوی افراد است. سلامت معنوی که شامل آرامش درونی، معناجویی، و امید به زندگی است، از طریق امام‌شناسی تقویت می‌شود. شناخت امام به عنوان واسطه فیض الهی

و الگوی زندگی معنوی، زمینه ساز تقویت ارتباط انسان با خداوند و کاهش بحران‌های معنوی است (جوادی آملی، ۱۳۹۶).

۲. تحلیل نقش امام‌شناسی در دستیابی به سعادت انسانی

پژوهش حاضر قصد دارد تأثیر امام‌شناسی بر سعادت انسان را بررسی کند. در آموزه‌های اسلامی، سعادت به معنای دستیابی به کمال و نزدیکی به خداوند تعریف می‌شود و امامان معصوم به عنوان الگوهای کمال انسانی، مسیر دستیابی به این هدف را روشن می‌سازند. بهره‌گیری از تعالیم و سیره عملی امامان، راهی برای دستیابی به زندگی سعادت‌مندانه ارائه می‌کند (مطهری، ۱۳۸۵).

۳. ارزیابی تأثیر امام‌شناسی بر تقویت ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی

یکی دیگر از اهداف پژوهش، بررسی تأثیر شناخت امام بر بهبود رفتارهای فردی و اجتماعی است. امام‌شناسی، معیارهای روشن و الگوهای عملی برای ارتقای اخلاق فردی و انسجام اجتماعی ارائه می‌دهد. این امر می‌تواند به تقویت همبستگی اجتماعی و کاهش تعارضات میان افراد منجر شود (سبحانی، ۱۳۹۰).

امامت در اسلام

امامت یکی از اصول اعتقادی شیعه است که به معنای رهبری دینی و اجتماعی انسان‌ها توسط امامان معصوم، پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، برای هدایت بشریت به سوی کمال و سعادت است. امامان معصوم، به عنوان واسطه‌های فیض الهی، نقش هدایت‌گرانه‌ای در حفظ و تداوم تعالیم اسلامی ایفا می‌کنند (سبحانی، ۱۳۹۰). در تفکر اسلامی، امامت دارای ابعاد گوناگونی است که شامل جنبه‌های معنوی، اخلاقی، اجتماعی، و سیاسی می‌شود.

تعریف سلامت معنوی

سلامت معنوی، یکی از ابعاد مهم سلامت انسان است که بر ارتباط فرد با خدا، خود، دیگران، و طبیعت تأکید دارد. این مفهوم شامل مؤلفه‌هایی مانند معناجویی، آرامش درونی، انسجام شخصیتی، و احساس امید به زندگی است (رجبی، ۱۳۹۸). سلامت معنوی به عنوان یک بعد اساسی، بر سایر جنبه‌های سلامت (جسمی، روانی، و اجتماعی) تأثیر می‌گذارد و نقش کلیدی در کیفیت زندگی افراد دارد.

تأثیر امام‌شناسی بر سلامت معنوی

۱. تقویت ارتباط با خداوند

شناخت امامان معصوم به انسان کمک می‌کند تا رابطه خود را با خداوند تقویت کرده و درک عمیق‌تری از هدف و معنای زندگی پیدا کند. امام‌شناسی به عنوان یکی از ارکان ایمان، راهی برای دستیابی به آرامش درونی و کاهش اضطراب‌های روحی ارائه می‌دهد (جوادی آملی، ۱۳۹۶).

۲. ایجاد معنا و امید در زندگی

امام‌شناسی، با تبیین جایگاه انسان در نظام هستی و ارائه الگوهای عملی برای زندگی، به افراد کمک می‌کند تا در برابر چالش‌ها و سختی‌های زندگی مقاومت کرده و امید خود را حفظ کنند. ارتباط معنوی با امامان باعث تقویت معناجویی و ایجاد حس هدف‌مندی در زندگی می‌شود (مطهری، ۱۳۸۵).

۳. تقویت اخلاق و معنویت

الگوگیری از سیره امامان معصوم، زمینه‌ساز تقویت ارزش‌های اخلاقی و پرورش فضایل انسانی در افراد است. شناخت رفتارها و تعالیم امامان، انسان را به سوی خودسازی و کمال اخلاقی هدایت می‌کند که این امر تأثیر مستقیمی بر سلامت معنوی دارد (سبحانی، ۱۳۹۰).

تأثیر امام‌شناسی بر سعادت انسان

۱. هدایت به سوی کمال انسانی

سعادت در آموزه‌های اسلامی به معنای دستیابی به کمال انسانی و نزدیکی به خداوند است. امامان معصوم، به عنوان الگوهای عینی کمال، مسیر دستیابی به این هدف را برای انسان‌ها روشن می‌کنند. امام‌شناسی به افراد کمک می‌کند تا از انحرافات دور شده و در مسیر درست زندگی گام بردارند (مصباح یزدی، ۱۳۹۵).

۲. ارتقای عدالت اجتماعی و مسئولیت‌پذیری

شناخت امامان و عمل به آموزه‌های ایشان، تأثیر قابل‌توجهی بر تقویت عدالت اجتماعی و مسئولیت‌پذیری در میان افراد دارد. امامان معصوم با تأکید بر عدالت و انصاف، جامعه را به سوی سعادت جمعی هدایت می‌کنند (رجبی، ۱۳۹۸).



۳. ایجاد انسجام در زندگی فردی و اجتماعی

امام‌شناسی با ارائه معیارهای اخلاقی روشن، به انسان کمک می‌کند تا زندگی فردی و اجتماعی خود را بر اساس اصول معنوی و اخلاقی تنظیم کند. این امر منجر به افزایش انسجام و کاهش تعارضات در جامعه می‌شود (سبحانی، ۱۳۹۰).

شناخت امامان معصوم به عنوان هادیان الهی، نقشی کلیدی در ارتقای سلامت معنوی و دستیابی به سعادت حقیقی انسان دارد. این شناخت، نه تنها در سطح فردی به آرامش روانی، امید، و تقویت اخلاق کمک می‌کند، بلکه در سطح اجتماعی نیز به انسجام و تقویت عدالت منجر می‌شود. پژوهش‌ها و متون دینی بر اهمیت امام‌شناسی به عنوان یکی از مؤثرترین راهکارها برای دستیابی به زندگی سعادت‌مندانه تأکید دارند.

امام‌شناسی در اسلام به عنوان شناخت صحیح و کامل از امامان معصوم علیهم‌السلام و درک جایگاه معنوی و الهی آنان مطرح است. در آموزه‌های اسلامی، امامان معصوم به عنوان پیشوایان معنوی و الگوهای عملی برای پیروان خود شناخته می‌شوند. این شناخت صحیح و عمیق از امامان تأثیرات شگرفی بر سلامت معنوی و سعادت انسان دارد، چرا که آموزه‌های ایشان به عنوان راهنمایی در جهت تکامل روحی، اخلاقی و اجتماعی انسان‌ها عمل می‌کند. امامان معصوم در نظر مسلمانان، نه تنها مرجع دینی و فقهی بلکه نمادهایی از کمال انسانی هستند که با پیروی از سیره و سخنان آنان، فرد می‌تواند به سعادت و آرامش درونی دست یابد. امامان معصوم در تفکر اسلامی به عنوان رهبران الهی شناخته می‌شوند که درک صحیح از آنان می‌تواند به طور مستقیم بر سلامت معنوی و روحی انسان تأثیر بگذارد. امامان معصوم نه تنها در عرصه‌های فقهی، بلکه در زمینه‌های اخلاقی و معنوی نیز به عنوان الگوهای بی‌نظیر شناخته می‌شوند. امام علی علیه‌السلام در سخنان خود بارها تأکید کرده‌اند که پیروی از اهل بیت علیهم‌السلام به عنوان منبع روشنایی و هدایت، انسان را از گمراهی نجات می‌دهد و به سعادت دنیوی و اخروی می‌رساند (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۰). در حقیقت، شناخت امام و پیروی از سیره و آموزه‌های آنان، فرد را از تاریکی‌های جهل و فساد رهایی بخشیده و به سوی نور هدایت و رشد معنوی سوق می‌دهد. شناخت عمیق از امامان معصوم، نه تنها انسان را در مسیر تکامل معنوی هدایت می‌کند بلکه به طور مستقیم با سلامت روانی او نیز ارتباط دارد. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که آگاهی از نقش امامان معصوم در زندگی فردی و اجتماعی، موجب ایجاد آرامش درونی و تقویت ایمان می‌شود. امام حسین علیه‌السلام با قیام عاشورا، الگویی از ایستادگی در برابر ظلم و حفظ کرامت انسانی را به جا گذاشت که این

آموزه‌ها نه تنها در تاریخ بلکه در مواجهه با چالش‌های فردی و اجتماعی نیز تأثیرگذار است (مکارم شیرازی، ۲۰۰۷). شناخت امام حسین (ع) به عنوان نمونه‌ای از مبارزه با ظلم و دفاع از حق، موجب تقویت روحیه استقامت و امید در دل مؤمنان می‌شود و از آن‌ها در برابر بحران‌های روحی و روانی محافظت می‌کند. آموزه‌های امامان معصوم در خصوص توکل به خداوند و پذیرش تقدیر الهی، می‌تواند به طور مستقیم در کاهش اضطراب و استرس در زندگی افراد مؤثر باشد. امام علی (ع) در بسیاری از سخنان خود به توکل بر خداوند و اطمینان به اراده الهی اشاره کرده و بیان داشته‌اند که انسان باید در مواجهه با مشکلات و بحران‌ها به خدا اعتماد کرده و از نگرانی‌ها و اضطراب‌ها رهایی یابد (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶). در واقع، تأسیس بر این آموزه‌ها می‌تواند در بهبود وضعیت روحی و روانی انسان‌ها تأثیرات عمیقی داشته باشد. همچنین، پیروی از سیره امامان معصوم در خصوص صبر، تحمل سختی‌ها و تقویت ارتباط با خداوند، می‌تواند به عنوان عامل مؤثری در ایجاد آرامش درونی و سلامت روانی عمل کند. سعادت انسان تنها در بُعد فردی خلاصه نمی‌شود، بلکه سعادت اجتماعی نیز در سایه امام‌شناسی تحقق می‌یابد.

امامان معصوم در اندیشه اسلامی به عنوان پیشوایان اجتماعی شناخته می‌شوند که در راستای تحقق عدالت، امنیت و رفاه اجتماعی، الگوهای عملی و نظری مناسبی را ارائه داده‌اند. امام علی (ع) در حکومت خود، توجه ویژه‌ای به عدالت اجتماعی داشتند و بر این باور بودند که تنها در سایه عدالت، می‌توان به سعادت و رفاه عمومی دست یافت (نهج البلاغه، حکمت ۲۵). پیروی از آموزه‌های اجتماعی امامان معصوم موجب برقراری عدالت و تعاون اجتماعی می‌شود که این امر به طور مستقیم به سعادت فردی و اجتماعی افراد جامعه کمک می‌کند. یکی از مهم‌ترین تأثیرات امام‌شناسی بر سلامت معنوی انسان، تقویت ایمان در برابر فتنه‌ها و بحران‌های اجتماعی است. در شرایطی که جوامع اسلامی با فتنه‌ها و مشکلات مختلف مواجه هستند، امامان معصوم با سیره عملی و آگاهی بخشی خود، همواره به پیروان خود توصیه کرده‌اند که در مقابل فتنه‌ها و چالش‌های مختلف باید ایمان خود را حفظ کنند و از آموزه‌های دینی و امامان معصوم به عنوان ابزار راهگشا در برابر مشکلات استفاده کنند. امام صادق (ع) در این خصوص فرمود: «الایمان یمن و یقوم علی الصبر و الجهاد» (الکافی: ۲/ ۱۲۰) که اشاره به اهمیت صبر و جهاد در مسیر ایمان دارد. این آموزه‌ها می‌تواند در شرایط بحرانی فرد را به سوی آرامش و اطمینان رهنمون کند.

در مجموع، امام‌شناسی نه تنها موجب ارتقاء سطح آگاهی دینی انسان‌ها می‌شود، بلکه تأثیرات عمیقی بر سلامت معنوی، روانی و اجتماعی آن‌ها دارد. شناخت امامان معصوم به عنوان



الگوهای معنوی و انسانی، موجب رشد و تکامل فردی و اجتماعی می‌شود و انسان را به سوی سعادت حقیقی رهنمون می‌کند. آموزه‌های امامان معصوم در زمینه‌های اخلاقی، معنوی و اجتماعی، می‌تواند به عنوان منبع الهام برای مقابله با چالش‌ها و مشکلات زندگی عمل کرده و در بهبود وضعیت روانی و معنوی انسان‌ها مؤثر باشد. بنابراین، توجه به امام‌شناسی و پیروی از سیره امامان معصوم در تمامی ابعاد زندگی، کلید دست‌یابی به سلامت معنوی و سعادت انسان است.

نتیجه‌گیری

تحقیقات و بررسی‌ها نشان می‌دهند که امام‌شناسی و شناخت صحیح از امامان معصوم علیهم‌السلام تأثیرات عمیق و مهمی بر سلامت معنوی و سعادت انسان دارد. امامان معصوم در اندیشه اسلامی نه تنها به عنوان پیشوایان دینی و فقهی شناخته می‌شوند بلکه به عنوان الگوهایی از کمال انسانی، اخلاقی و روحی نیز به شمار می‌آیند. آنان با ویژگی‌هایی چون معصومیت، علم و حکمت الهی و نیز رفتارهای نیکو و اخلاقی خود، به بشریت راه‌نمایی می‌کنند تا در مسیر رشد معنوی و سعادت حقیقی قرار گیرند. در این زمینه، پیروی از سیره و آموزه‌های امامان معصوم به ویژه در دوران معاصر که جوامع با بحران‌های معنوی و اخلاقی روبه‌رو هستند، می‌تواند نقشی حیاتی در تقویت سلامت روحی و روانی افراد ایفا کند.

امام‌شناسی موجب هدایت فرد به سوی نور الهی می‌شود و این هدایت در قالب تقویت ایمان، آرامش درونی و مقابله با چالش‌ها و مشکلات زندگی نمود پیدا می‌کند. به ویژه آموزه‌های امام علی علیه‌السلام در نهج‌البلاغه در خصوص توکل به خداوند، صبر در برابر مشکلات، و اهمیت برقراری عدالت اجتماعی، می‌تواند راه‌گشا در مسیر بهبود وضعیت روانی و معنوی انسان‌ها باشد. امام حسین علیه‌السلام نیز با قیام عاشورا و سخنان خود در عرصه‌های مختلف، درس‌هایی از ایستادگی در برابر ظلم و دفاع از حق را به جامعه بشری آموخته است. این آموزه‌ها نه تنها در تاریخ بلکه در زندگی فردی نیز مؤثر بوده و موجب تقویت روحیه استقامت، امید و انگیزه می‌شود.

شناخت امامان معصوم و تأسیس بر آموزه‌های آنان، به ویژه در دنیای امروز که افراد در معرض بحران‌های روحی و روانی، استرس‌ها و نگرانی‌های مختلف هستند، به عنوان عاملی مهم در کاهش اضطراب و نگرانی‌ها عمل می‌کند. پیروی از سیره امامان معصوم به عنوان پیشوایان الهی می‌تواند فرد را از بحران‌ها و گمراهی‌ها نجات دهد و در مسیر رشد معنوی و آرامش درونی هدایت کند. امام صادق علیه‌السلام نیز در روایات خود بر اهمیت توکل به خداوند و اعتماد به اراده الهی تأکید

کرده‌اند که این آموزه‌ها می‌تواند در رفع اضطراب‌ها و استرس‌های زندگی مدرن مؤثر باشد. نقش امامان معصوم در تحقق سعادت فردی و اجتماعی نیز غیرقابل انکار است. امامان معصوم به عنوان رهبران جامعه اسلامی نه تنها در زمینه‌های دینی بلکه در عرصه‌های اجتماعی نیز الگوهای بی نظیری هستند. امام علی علیه السلام در دوران حکومت خود بر اهمیت عدالت اجتماعی تأکید داشتند و معتقد بودند که فقط در سایه عدالت است که انسان‌ها به سعادت واقعی دست می‌یابند. در واقع، آموزه‌های امامان معصوم در خصوص عدالت، صداقت، صداقت اجتماعی و همکاری، می‌تواند در تحقق سعادت فردی و اجتماعی مؤثر باشد. پیروی از این آموزه‌ها به ویژه در دنیای امروز که با مشکلات اجتماعی و اقتصادی روبه‌رو هستیم، می‌تواند راه‌گشا در برقراری امنیت اجتماعی و رشد اخلاقی جامعه باشد.

علاوه بر این، امام‌شناسی به عنوان یک ابزار معنوی و اخلاقی می‌تواند انسان را در برابر فتنه‌ها و چالش‌های مختلف محافظت کند. در زمان‌های مختلف تاریخ اسلام، امامان معصوم با سیره‌های خود در مقابل فتنه‌ها و مشکلات ایستادگی کرده‌اند و پیروان خود را به صبر و مقاومت در برابر دشواری‌ها دعوت کرده‌اند. امام حسین علیه السلام با قیام عاشورا، نه تنها در برابر ظلم ایستادگی کرد بلکه به عنوان الگویی از صبر و استقامت در برابر سختی‌ها، به بشریت آموخت که در مسیر تحقق هدف‌های الهی، نباید از مشکلات و سختی‌ها هراسی داشت.

شناخت و درک عمیق از امامان معصوم در زندگی فردی و اجتماعی می‌تواند منجر به بهبود وضعیت روانی انسان‌ها و در نهایت به سوی سعادت واقعی هدایت کند. امام‌شناسی به عنوان راهی برای توسعه ایمان، آرامش و استقامت در برابر چالش‌ها و مشکلات زندگی، همواره اهمیت ویژه‌ای در زندگی انسان‌ها خواهد داشت. همچنین، در دوران مدرن که انسان‌ها با بحران‌های معنوی و اخلاقی روبه‌رو هستند، آموزه‌های امامان معصوم می‌تواند به عنوان چراغ راه در مسیر بازگشت به معنویت و رسیدن به سعادت باشد.

به طور خلاصه، امام‌شناسی نه تنها عامل هدایت انسان‌ها به سوی کمال معنوی است بلکه در تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی نیز تأثیرات مثبتی بر جای می‌گذارد. پیروی از آموزه‌های امامان معصوم، از جمله احترام به حقوق انسان‌ها، عدالت اجتماعی، صداقت و همکاری، می‌تواند به طور مستقیم در ایجاد یک جامعه سالم و فردی شاداب و راضی تأثیرگذار باشد. به این ترتیب، امام‌شناسی به عنوان یک مسیر معنوی و اخلاقی در راستای رسیدن به سعادت و سلامت معنوی انسان در نظر گرفته می‌شود.

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن طاووس (۲۰۱۰ م). الملاف. قم: دار الکتب الاسلامیه.
۴. ابن مردویه، احمد (۱۹۹۹ م). تاریخ آل محمد ﷺ. قم: دار المعرفه.
۵. اربلی، علی بن عیسی (۲۰۰۱ م). کشف الغمه. قم: دار الکتب الاسلامیه.
۶. امام خمینی، سید روح الله (۲۰۰۲ م). صحیفه نور. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ﷺ.
۷. بهجت، محمد تقی (۲۰۰۸ م). مجموعه آثار. قم: انتشارات بهجت.
۸. بی جاری، محمد (۲۰۱۲ م). امام شناسی در مکتب اهل بیت ﷺ. تهران: حکمت.
۹. جوادی آملی، عبدالله (۲۰۰۳ م). تفسیر تسنیم. قم: اسفار.
۱۰. حلی، سید هلال (۲۰۰۴ م). التهذیب. قم: مؤسسه تحقیقاتی امام علی ﷺ.
۱۱. خامنه ای، سید علی (۲۰۰۵ م). ولایت فقیه. تهران: موسسه پژوهشی و فرهنگی انقلاب اسلامی.
۱۲. شیرازی، ملاصدرا (۲۰۰۲ م). اسفار اربعه. تهران: مؤسسه اسفار.
۱۳. صدر، سید محمد باقر. (۱۹۹۹ م). الشیعه والرجعه. بیروت: دار الکتب الاسلامیه.
۱۴. صدوق، محمد بن علی (۲۰۰۵ م). من لا یحضره الفقیه. قم: انتشارات صدوق.
۱۵. طباطبائی، حسین (۲۰۱۱ م). فلسفه تاریخ اسلام. قم: دار الکتب الاسلامیه.
۱۶. طباطبائی، سید محمد حسین (۲۰۰۷ م). تفسیر المیزان. تهران: انتشارات اسلامی.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن (۲۰۰۷ م). مجمع البیان. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۲۰۰۰ م). الکافی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۹. مطهری، مرتضی (۲۰۰۰ م). آموزه های اسلامی. تهران: صدرا.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۲۰۰۷ م). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الاسلامیه.



سیره اخلاقی اهل بیت علیهم السلام در دنیای مدرن راهی برای دستیابی به آرامش و تربیت انسان‌های معاصر

مونا کميجانی^۱

چکیده

در دنیای امروز که انسان‌ها با چالش‌های مختلف روانی، اجتماعی و اخلاقی روبرو هستند آموزه‌های دینی به ویژه سیره اهل بیت علیهم السلام می‌تواند راهی برای دستیابی به آرامش و تربیت انسان‌های اخلاقی و معنوی باشد. این مقاله به بررسی تاثیر آموزه‌های اهل بیت علیهم السلام بر حل بحران‌های روانی اجتماعی و اخلاقی دنیای مدرن پرداخته و نشان می‌دهد چگونه سیره اهل بیت علیهم السلام می‌تواند به عنوان یک مدل جامع برای زندگی سالم و اخلاقی در دنیای پیچیده امروز عمل کند. در این راستا اصول تربیتی اهل بیت علیهم السلام از جمله صداقت عفو الصاف، شجاعت و محبت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

کلمات کلیدی

سیره اهل بیت علیهم السلام، بحران تربیت دنیای مدرن، آموزه‌های دینی، آرامش.

مقدمه

زندگی انسان در دنیای مدرن با پیچیدگی‌های زیادی روبرو است. پیشرفت‌های علمی و فناوری اگر چه باعث راحتی‌های ظاهری شده است، اما بحران‌های روانی اجتماعی و اخلاقی را در جوامع بشری به همراه آورده است. انسان‌ها در عصر حاضر به شدت به آرامش درونی و راه حل‌هایی برای مشکلات اخلاقی و اجتماعی خود نیاز دارند. در چنین شرایطی آموزه‌های اهل بیت (ع) به عنوان الگویی کامل از رفتار انسانی و اخلاقی می‌تواند نقش مؤثری در بازسازی جامعه‌های اخلاقی و معنوی ایفا کند. این مقاله به بررسی چگونگی تأثیر سیره اهل بیت (ع) در حل بحران‌های دنیای مدرن و تربیت انسان‌های با اخلاق و معنویت پرداخته است.

موارد به طور کلی در بررسی جوانب گوناگون سیره اخلاقی اهل بیت (ع)، می‌توان مصداق‌هایی را خاطر نشان کرد که در موارد متعدد زندگی بشریت به عنوان الگوهای تمام عیار در همه ابعاد حیات آدمی مورد توجه می‌باشند. بشر با به‌کارگیری این شیوه‌ها در برخورد با مصائب، افزون بر حل و فائق آمدن بر آنها می‌تواند با آرامش خاطر دست به اقدام بزند.

مفهوم سیره اهل بیت (ع) و اهمیت آن در دنیای مدرن

سیره اهل بیت (ع) به معنای شیوه زندگی و رفتار امامان معصوم (ع) است که شامل اصول اخلاقی رفتاری سیاسی و اجتماعی می‌شود. امامان معصوم (ع) به ویژه پیامبر اسلام (ص)، علی (ع)، حسین (ع)، و دیگر امامان بزرگوار در تمامی جنبه‌های زندگی خود الگویی بی‌نظیر از انسانیت اخلاق و معنویت به بشریت ارائه دادند. در شرایط مختلف از جمله در زمان‌های بحران و جنگ رفتارهایی چون صداقت، شجاعت عفو و گذشت عدالت و انصاف و محبت بی‌دریغ به دیگران را سرلوحه زندگی خود قرار دادند. در ذیل آیه «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم / ۴) به اخلاق پیامبر اکرم (ص) اشاره می‌شود که اهل بیت (ع) نیز ادامه‌دهندگان همان سیره‌اند. تفسیر می‌گوید که اخلاق بزرگ، نیرویی است که انسان را در طوفان‌های زندگی پابرجا نگه می‌دارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴)

اهمیت سیره اهل بیت (ع) در دنیای مدرن از آن روست که بشر امروزی بیش از پیش نیازمند الگویی اخلاقی و معنوی برای مقابله با بحران‌های روانی، اجتماعی و اخلاقی است. به رغم پیشرفت‌های تکنولوژیکی و علمی، انسان امروز در ابعاد روحی و معنوی با چالش‌های عظیمی مواجه است. در این شرایط آموزه‌های اهل بیت (ع) می‌تواند به عنوان راحل مؤثری برای رسیدن به آرامش درونی و تربیت انسان‌های اخلاقی و معنوی در نظر گرفته شود.



آموزه‌های اخلاقی اهل بیت (ع) در دنیای مدرن

اهل بیت (ع) در زندگی خود اصول اخلاقی‌ای را به نمایش گذاشتند که نه تنها در زمان خود بلکه در دنیای امروز نیز کاربرد دارد. این اصول می‌توانند در برابر بحران‌های اخلاقی و روانی انسان‌های مدرن راهگشا باشند. یکی از ویژگی‌های امام، برخورد اخلاقی و تربیتی با مردم است؛ او نه تنها رهبری سیاسی بلکه رهبری روحی و اخلاقی جامعه را نیز به عهده دارد. این نگاه به امام، انسان را از درون آرام می‌سازد؛ زیرا احساس می‌کند تحت رهبری فردی قرار دارد که خیر و سعادت او را می‌خواهد. (مطهری، ۱۳۶۸) سیره آنان، نه صرفاً برای زمان خاصی، بلکه برای همه‌ی زمان‌ها کاربرد دارد و می‌تواند به صورت عملی، الگوی زندگی امروزیین قرار گیرد. (حسینی، ۱۳۹۲)

در کتاب الکافی، کلینی یکی از برجسته‌ترین روایات اخلاقی را از امام صادق (ع) نقل می‌کند که فرمود: «كُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ؛ مردم را با غیر زبان‌های خود (یعنی با رفتار و اخلاق‌تان) به حق دعوت کنید». (کلینی، ۱۳۸۷: ۲ / ۷۸)

این حدیث، پیامی عمیق برای انسان مدرن دارد که در جهانی پر از ادعا، بیشتر از هر چیز به رفتار صادقانه نیازمند است. وقتی اخلاق اهل بیت همچون صداقت، تواضع، و ادب در رفتارهای روزمره ما منعکس شود، خود به خود جامعه به سوی آرامش و حقیقت سوق داده می‌شود، بی‌آنکه لازم باشد مدام سخنرانی کنیم. در ادامه به بررسی چند ویژگی اخلاقی اهل بیت (ع) پرداخته می‌شود که می‌تواند در دنیای مدرن مؤثر باشد.

الف. صداقت و راستگویی

صداقت یکی از ویژگی‌های برجسته اهل بیت (ع) بود که در تمام جنبه‌های زندگی رعایت می‌شد. در دنیای مدرن که بسیاری از روابط فردی و اجتماعی به دلیل دروغ و فریب دچار مشکلات جدی شده‌اند، صداقت می‌تواند به عنوان یک رکن اساسی در بازسازی روابط اجتماعی و فردی مطرح باشد. امام علی (ع) می‌فرماید: «الصدق طمانينة والكذب ريبة؛ صداقت آرامش است و دروغ تردید» در جهانی که شایعات و دروغ‌ها رایج شده‌اند پیروی از این آموزه می‌تواند به افراد کمک کند تا در زندگی اجتماعی و فردی خود به آرامش و اعتماد برسند.

ب. عفو و گذشت

عفو و گذشت یکی از ویژگی‌های برجسته اهل بیت (ع) بود که می‌تواند در دنیای امروز که روابط انسانی غالباً به دلیل کینه‌ها و بی‌عدالتی‌ها به تفرقه کشیده می‌شود به عنوان پلی برای برقراری

صلح و همبستگی اجتماعی عمل کند. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «هر که برای خدا عفو کند خداوند او را می‌بخشد.» در شرایطی که جامعه امروز با مشکلاتی همچون خشونت کینه‌ورزی و عدم تفاهم روبرو است این آموزه می‌تواند کمک کند تا مردم به یکدیگر نزدیکتر شده و روابطشان بر اساس درک و احترام متقابل باشد.

ج. شجاعت و ایستادگی در برابر مشکلات

شجاعت در برابر ظلم و فساد از ویژگی‌های بارز اهل بیت علیهم السلام بود که به ویژه در مبارزه امام حسین علیه السلام در کربلا به اوج خود رسید. در دنیای مدرن که بسیاری از انسان‌ها از عدم عدالت و فساد اجتماعی رنج می‌برند. این آموزه می‌تواند انگیزه‌ای برای ایستادگی در برابر ظلم و تلاش برای تغییر مثبت در جامعه باشد. امام حسین علیه السلام با قیام عاشورا نشان داد که در برابر ظلم باید ایستاد، حتی اگر بهای آن جان دادن باشد. در دنیای امروز که بسیاری از افراد ممکن است در برابر ناپرابری‌ها سکوت کنند شجاعت اهل بیت علیهم السلام می‌تواند الهام بخش اقدامات اصلاحی باشد.

د. محبت و مهربانی با دیگران

اهل بیت علیهم السلام همواره به محبت و مهربانی با دیگران تاکید داشتند. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «محبت مردم را جلب کن، حتی اگر با آنها مخالفی». در دنیای پر از اضطراب و استرس امروز مهربانی می‌تواند عامل اصلی در کاهش تنش‌ها و افزایش همدلی در جامعه باشد. محبت نه تنها به روابط فردی کمک می‌کند بلکه می‌تواند به ایجاد جوامع سالم و انسانی منجر شود.

کارکرد سیره اهل بیت علیهم السلام در مواجهه با بحران‌های دنیای مدرن

سیره اهل بیت علیهم السلام نه تنها در زندگی فردی بلکه در ابعاد اجتماعی و سیاسی نیز قابل اجراست. در دنیای مدرن که بحران‌های متعدد اخلاقی اجتماعی و روانی وجود دارد آموزه‌های اهل بیت علیهم السلام می‌تواند در حل این مشکلات موثر باشد.

الف. آرامش درونی

آرامش درونی یکی از نیازهای اساسی انسان‌هاست. دنیای مدرن با مشغله‌های زیاد سرعت زندگی و فشارهای روانی بسیاری که به همراه دارد، می‌تواند موجب استرس شود. آموزه‌های اهل بیت علیهم السلام در این زمینه می‌تواند راهگشای انسان‌ها باشد. پیروی از سیره آنان به انسان‌ها کمک می‌کند تا در مواجهه با مشکلات زندگی به آرامش درونی دست یابند. یکی از این آموزه‌ها توکل به خداوند و اعتماد به حکمت الهی است که به فرد کمک می‌کند تا در شرایط سخت نیز آرامش خود را حفظ کند.



ب. تربیت اخلاقی و اجتماعی

سیره اهل بیت (علیهم السلام) می تواند به عنوان الگویی برای تربیت نسل های جدید مورد استفاده قرار گیرد. در دنیای مدرن که فساد و بی عدالتی در برخی نقاط آن رواج دارد آموزه های اهل بیت می تواند در ایجاد فردی با ویژگی های اخلاقی نظیر صداقت احترام به دیگران و مسئولیت پذیری مؤثر باشد. تربیت بر اساس آموزه های اهل بیت (علیهم السلام) می تواند به انسان ها کمک کند تا در زندگی خود به ارزش های اخلاقی پایبند بمانند و در برابر مشکلات اجتماعی مقاومت کنند.

ج. تأثیر در حل بحران های اجتماعی و اخلاقی

در دنیای مدرن که بحران های اخلاقی و اجتماعی فراوان است، سیره اهل بیت (علیهم السلام) می تواند به عنوان یک راهکار مؤثر برای مقابله با فساد بی عدالتی و سایر مشکلات اجتماعی عمل کند. به ویژه در جوامع اسلامی سیره اهل بیت می تواند نقش مهمی در هدایت افراد به سوی زندگی سالم و اخلاقی ایفا کند.

نمونه هایی از تأثیر سیره اهل بیت (علیهم السلام) در دنیای معاصر

سیره اهل بیت (علیهم السلام) نه تنها در جنبه های فردی بلکه در ابعاد اجتماعی فرهنگی و سیاسی جوامع معاصر نیز بازتاب یافته است. در دنیای امروز بسیاری از سازمان ها، حرکت ها و افراد تأثیرات آموزه های اهل بیت (علیهم السلام) را در زندگی روزمره خود مشاهده می کنند. در این بخش، به بررسی نمونه هایی از تأثیر سیره اهل بیت (علیهم السلام) در دنیای معاصر پرداخته می شود.

الف. فعالیت های اجتماعی و خیریه ای بر اساس آموزه های اهل بیت (علیهم السلام)

بسیاری از نهادهای خیریه در دنیای امروز به ویژه در جوامع اسلامی از اصول اخلاقی اهل بیت (علیهم السلام) بهره برداری کرده و بر پایه آن به کمک نیازمندان می پردازند یکی از اصلی ترین ویژگی های اهل بیت (علیهم السلام) ایثار و فداکاری بود که در زندگی آنها مشهود است. این آموزه ها در نهادهایی مانند مجمع خیریه امام علی (علیه السلام) یا مؤسسات خیریه حضرت زهرا (علیها السلام) در ایران و سایر کشورهای اسلامی دیده می شود این مؤسسات با هدف ترویج ارزش های اهل بیت (علیهم السلام) نظیر صداقت ایثار و کمک به مستضعفین فعالیت می کنند. برای مثال در این مؤسسات افراد به طور داوطلبانه برای خدمت به نیازمندان و افراد آسیب دیده از جنگ ها یا بلایای طبیعی به کمک می آیند و این رفتار کاملاً متأثر از سیره اهل بیت (علیهم السلام) است که همواره به خدمت به مردم و رفع نیازهای آنان تأکید داشتند.

ب. تأثیر سیره اهل بیت (علیهم السلام) در ترویج عدالت اجتماعی

یکی دیگر از آموزه‌های مهم اهل بیت (علیهم السلام) تأکید بر عدالت اجتماعی است. که در زندگی امام علی (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) به ویژه در قیام عاشورا مشاهده می‌شود. امام علی (علیه السلام) در دوران حکومت خود به شدت در پی اجرای عدالت در جامعه بود و امام حسین (علیه السلام) با قیام عاشورا در برابر ظلم و شاد ایستاد. این آموزه‌ها در جنبش‌هایی عدالت‌خواهی معاصر به وضوح دیده می‌شود. برای مثال در جنبش‌های مدنی معاصر در کشورهایی همچون ایران، لبنان و فلسطین افرادی که به دنبال مبارزه با ظلم و فساد هستند، از آموزه‌های اهل بیت (علیهم السلام) الهام می‌گیرند. حزب الله لبنان یکی از نمونه‌های برجسته است. که با پیروی از سیره اهل بیت (علیهم السلام) به مبارزه با ظلم و اشغالگری پرداخته است. سید حسن نصر الله و دیگر رهبران این حلق همواره به آموزه‌های امام حسین (علیه السلام) اشاره می‌کنند و آن را الگوی خود در مبارزه با ظلم می‌دانند. این جنبش‌ها تأکید دارند که برای تحقق عدالت باید در برابر ظلم ایستاد و برای حقوق مردم مبارزه کرد دقیقاً همان طور که امام حسین (علیه السلام) در کربلا انجام داد.

ج. تأثیر سیره اهل بیت (علیهم السلام) در سیاست و رهبری معاصر

سیره اهل بیت (علیهم السلام) نه تنها در عرصه فردی بلکه در عرصه سیاست و رهبری نیز تأثیرگذار بوده است. رهبری با ویژگی‌هایی همچون صداقت شجاعت و توجه به حقوق مردم از آموزه‌های اهل بیت (علیهم السلام) سرچشمه می‌گیرد. رهبر انقلاب اسلامی ایران امام خمینی (ره) به وضوح از سیره اهل بیت (علیهم السلام) به ویژه امام علی (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) به عنوان الگوهای رهبری الهام می‌گرفت. امام خمینی (ره) در سخنان خود مکرراً به آموزه‌های اهل بیت (علیهم السلام) اشاره می‌کرد و معتقد بود که رهبری باید بر مبنای عدالت و مردم‌داری باشد این نوع رهبری باعث شد که انقلاب اسلامی ایران به پیروزی برسد و بسیاری از ویژگی‌های رهبری امام خمینی (ره) در دنیای مدرن نظیر دلسوزی برای مردم پایبندی به اصول اخلاقی و تلاش برای ایجاد عدالت از آموزه‌های اهل بیت (علیهم السلام) به شمار می‌رود.

د. سیره اهل بیت (علیهم السلام) در حوزه علم و دانش

اهل بیت (علیهم السلام) همواره به اهمیت علم و آگاهی تأکید داشتند. امام علی (علیه السلام) به ویژه در خطبه‌ها و سخنان خود بر اهمیت علم و دانش تأکید فراوانی داشته‌اند و به دنبال تربیت افرادی دانشمند و اهل علم بودند. در دل‌های معاصر این آموزه‌ها در حوزه‌های علم و فناوری بازتاب داشته است. بسیاری از دانشگاه‌ها و مراکز علمی به ویژه در کشورهای اسلامی تلاش دارند تا به تعلیم و تربیت نسل‌هایی بپردازند که هم از نظر علمی و هم از نظر اخلاقی به اصول اهل بیت (علیهم السلام) وفادار باشند.



برای مثال، دانشگاه امام علی علیه السلام در ایران و بسیاری از مؤسسات آموزشی در کشورهای اسلامی تأسیس شده‌اند تا در کنار آموزش علم توجه به اخلاق و اصول انسانی اهل بیت علیهم السلام نیز در برنامه‌های آموزشی خود گنجانده شود. این دانشگاه‌ها به تربیت نسل‌هایی می‌پردازند که در آینده نه تنها از لحاظ علمی موفق باشند بلکه از نظر اخلاقی و معنوی نیز به آموزه‌های اهل بیت علیهم السلام پایبند باشند.

ه. فرهنگ صلح و همزیستی بر اساس آموزه‌های اهل بیت علیهم السلام

در دنیای معاصر که همواره با جنگ‌ها و نقشرهای مختلف بین ملت‌ها روبرو هستیم آموزه‌های اهل بیت علیهم السلام می‌تواند به عنوان یک راهکار برای صلح‌سازی و همزیستی مسالمت آمیز در نظر گرفته شود. در همین راستا، دیپلماسی اسلامی که بر پایه اصول اهل بیت علیهم السلام استوار است، می‌تواند در حل بحران‌ها و تنش‌های بین‌المللی مؤثر باشد. به ویژه آموزه‌های امام حسن علیه السلام در زمینه صلح و مذاکره با دشمن می‌تواند الگویی برای رهبران امروز در مدیریت اختلافات باشد.

برای مثال امام حسن علیه السلام پس از جنگ جمل و صفین و مشاهده شرایط بحرانی جامعه اسلامی، تصمیم به صلح گرفت تا از خونریزی بیشتر جلوگیری کند. این درس بزرگ در دنیای امروز می‌تواند در مذاکرات بین‌المللی و تلاش برای ایجاد صلح در مناطق بحران زده مورد استفاده قرار گیرد. بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی نظیر سازمان ملل متحد و کمیته صلیب سرخ بین‌المللی از آموزه‌های صلح طلبانه اهل بیت علیهم السلام الهام گرفته‌اند تا در راستای حل بحران‌ها و کمک به مردم آسیب دیده تلاش کنند.

نتیجه‌گیری

با توجه به مثل‌های متعدد از تأثیر سیره اهل بیت علیهم السلام در دنیای معاصر می‌توان به این نتیجه رسید که آموزه‌های اهل بیت علیهم السلام نه تنها در بعد فردی مید بلکه در ابعاد اجتماعی، سیاسی فرهنگی و علمی نیز می‌توانند راهگشا باشند. این آموزه‌ها که ریشه در اصول اخلاقی و انسانی دارند می‌توانند به انسان‌های معاصر کمک کنند تا با چالش‌های موجود در دنیای پیچیده امروز روبه‌رو شوند و راه‌حل‌هایی برای بحران‌های جهانی پیدا کنند. سیره اهل بیت علیهم السلام به عنوان یک مدل کامل از رفتار انسانی و اخلاقی می‌تواند در دنیای مدرن نقشی اساسی در حل بحران‌های فردی و اجتماعی ایفا کند. آموزه‌های اهل بیت علیهم السلام نه تنها به رشد اخلاقی و معنوی انسان‌ها کمک می‌کند بلکه می‌تواند در بهبود روابط اجتماعی و ایجاد جامعه‌ای سالم و اخلاقی مؤثر باشد. بنابراین بازگشت به سیره

اهل بیت علیهم السلام برای نسل‌های امروز و فردای بشر امری ضروری است. بازگشت به سیره اهل بیت علیهم السلام به عنوان الگویی کامل از انسانیت و اخلاق نه تنها باعث رشد فردی می‌شود بلکه در سطح جامعه و جهانی می‌تواند به برقراری صلح عدالت و پیشرفت اخلاقی کمک کند.

منابع و مآخذ

۱. حسینی، سید محمد (۱۳۹۲ش). *سیره اهل بیت علیهم السلام*. قم: معارف.
۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۷ش). *الکافی*. ج ۱ تا ۸. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳. مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۲ش). *بحار الأنوار*. ج ۶۸. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۴ش). *تفسیر نمونه*. ج ۱. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۵. مطهری، مرتضی (۱۳۶۸ش). *امامت و رهبری*. تهران: صدرا.
6. Hosseini, M. (2031). *Sireh-ye Ahl al-Bayt*. Qom: Ma'aref Publications.
7. Kulayni, M. Y. (2008). *Al-Kafi* (Vols. 1 - 8). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
8. Majlisi, M. B. (1983). *Bihar al-Anwar* (Vol. 68). Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
9. Makarem Shirazi, N. (1995). *Tafsir-e Nemuneh* (Vol. 1). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
10. Motahhari, M. (1989). *Imamate and Leadership*. Tehran: Sadra Publications.

چکیده

هدف از نوشتن این مقاله تفحص و بررسی سلامتی روح و روان و دستیابی به شیوه‌های زندگی سالم است. زندگی، حیات مهم‌ترین نعمت وجودی است که خداوند به انسان ارزانی داشته است. هویت اصلی زندگی آدمیان را بعد روحی و روانی آنها تشکیل می‌دهد که آسیب‌پذیر بوده و خطراتی سلامتی او را تهدید می‌کند. در اکثر جوامع غربی از دین و اصول اخلاقی نشانی وجود ندارد؛ نگرانی‌ها، تشویش خاطر، پوچی و ناامیدی به وفور دیده می‌شود. با توجه به اینکه نوجوانان و جوانان از سرمایه‌های مهم و ارزشمند جوامع انسانی هستند، نویسنده تلاش دارد به مواردی چند از مصادیق سلامتی روحی، روانی بپردازد. اموری مانند: خودشناسی، ارتباط و توکل بر خدا، علم و دانایی، تقوا و کسب فضایل اخلاقی اراده، همت و پشتکاری، هویت‌یابی و دوری از خودبیگانگی از اموری هستند که نویسنده در این نوشتار به آنها می‌پردازد. در این نوشتار از منابع دینی، علمی و سخنان بزرگان بهره جستیم.

کلمات کلیدی

انسان، زندگی سالم، سلامتی روان، شیوه‌ها.

۱. کارشناسی ارشد فلسفه و حکمت اسلامی؛ مدرس گروه معارف اسلامی، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

انسان موجود اجتماعی است. خداوند آفرینش او را به گونه‌ای قرارداد که در جمع هم نوعان خود قرار گیرد و به حیات خود ادامه دهد تکامل یابد. ماهیت زندگی، تقسیم مسئولیت‌ها، خودآگاهی‌های انسان در گرایش او به اجتماع موثر است. به همین خاطر فلاسفه مانند ارسطو انسان را «مدنی بالطبع» می‌خوانند. آدمی در مسیر زندگی در متن اجتماع همواره در معرض خطرات و آسیب‌های فراوانی است. ادیان الهی بخصوص دین مقدس اسلام تلاش دارند با تاکید بر گرایش‌های معنوی و فضایل اخلاقی شیوه‌هایی از زندگی سالم ارائه دهند.

جوامع بشری در عصر معاصر بیش از اینکه به دنبال کمالات روحی و معنوی خود باشد به دنبال بر آوردن غرایز نفسانی و نیازهای مربوط به بعد مادی و جسمانی افراد هستند. با پیشرفت علوم و به وجود آمدن تکنولوژی‌های اکثر دولت‌ها و ملت‌ها اهتمام خود را جهت بهبود زندگی در سطح مادی آن قرار دادند. دولت‌های بزرگ برای گسترش کارخانه‌ها و فروش بیشتر کالاهای خود با ترویج و تبلیغات گسترده فرهنگ مادی‌گرایی را در حد وافر تبلیغ می‌کنند و ملت‌ها به خصوص ملت‌های جهان سوم با آن که دارای سرمایه‌ها فرهنگ‌های غنی هستند. در برابر این گونه تبلیغات گاه احساس ضعف نموده و دچار از خودبیگانگی می‌شوند. گمان می‌کنند آنچه کشورهای غربی با آب و تاب برای برآورده شدن نیازها تبلیغ می‌کنند به درستی و واقعی است، غافل از آن که کشورهای بزرگ به علت از دست دادن ماهیت انسانی و معنوی جامعه‌های خود تلاش دارند، افکار خود را مبنی بر اهداف مادی ترویج کنند و سایر ملت‌ها را نیز در این رابطه با خود با ترفندهای مختلف همراه کنند.

به این ترتیب متاسفانه جامعه‌های امروزی به خصوص در غرب که پای بند به هیچ اصول عقلانی دینی اخلاقی نیستند، دچار انواع بیماری‌ها و آسیب‌های فراوان شده‌اند. بحران‌های معرفتی اخلاقی معنوی روانی و هزاران بحران که سلامتی جامعه آنها را به خطر انداخته است. به نظر نویسنده مهم‌ترین ایراد بر جوامع غربی آن است که ماهیت انسانی و بعد روحی روانی جنبه ملکوتی زندگی انسان‌ها را به فراموشی سپرده و از آن غفلت ورزیدند. از تعالیم دینی که در طول تاریخ برای راهیابی همگان به سعادت و کمال وجود داشته و دارد دور شدند و امروزه مشاهده می‌شود روان‌شناسان و جامعه‌شناسان آنها از وجود مذهب و ارزشمندی آن به عنوان مهم‌ترین و موثرترین عامل برای بهداشت روانی جامعه سخن می‌گویند. از آنجا که مخاطبان اصلی این نوشتار نوجوانان و جوانان هستند، نویسنده تلاش دارد درباره مباحث زیر به مطالبی اشاره کند.

خودشناسی معرفت به استعدادهای متعالی و سرمایه‌های درونی که خداوند در اختیار انسان قرار داده است، می‌تواند انسان را از آسیب‌ها و خطرات جدی فرارو برهاند و حفظ کند. نویسنده در بحث معرفت به خویشتن درباره حقیقت وجودی آدمی بحث می‌کند و معتقد است که ماهیت واقعی وجود انسان بعد روحی ملکوتی است که از خداوند در او به ودیعه گذاشته شده است. اهمیت تامین و حفظ سلامتی روان از نظر نویسنده چنان است که معتقد است سلامتی سلول‌های جسمانی انسان درگرو سلامتی سلول‌های روحی روانی آدمیان است.

یکی دیگر از اموری که نویسنده در این نوشتار به آن می‌پردازد، ارتباط با مبدأ جهان خداوند و توکل نمودن به اوست. بر اساس آیه ۳۰ سوره روم: «فاقم وجهک للدين حنیفا فطرة الله التي فطر الناس علیها لا تبدیل لخلق الله ذلک الدین القيم ولكن اکثر الناس لا یعلمون» خمیرمایه وجودی انسان الهی و ملکوتی است ادمی وقتی در مسیر اتصال به خداوند قرار می‌گیرد و او را می‌جوید به اصل وجودی‌اش رسیده و احساس آرامش می‌کند و با اتکای به قدرتمندی و عنایت خداوند در تحقق اهداف درست انسانی احساس یاس و ناامیدی به او دست نمی‌دهد و با جدیت به فعالیت و پویایی ادامه می‌دهد. در بخش دیگر نوشتار نویسنده به بیان نقش و اهمیت علم و یادگیری خواهد پرداخت از عوامل مهم دوری از آسیب‌های مختلف و عاملی برای داشتن سلامتی روحی روانی است و قرآن کریم و پیشوایان دینی و بزرگان هر یک به آن اشاره نموده‌اند.

تقوا و کسب فضایل اخلاقی از جمله مورد دیگر در این نوشتار است که نویسنده تلاش می‌کند با بیان نمونه‌هایی از مصادیق فضایل اخلاقی و داشتن روحیه خودمراقبتی و تقوا، بهداشت روحی روانی را تبیین کند. بحث دیگر در این نوشتار مسئله اراده همت پشتکاری است که نویسنده عواملی چند را برای تقویت آنها بیان می‌کند. نویسنده معتقد است برای تحقق نیات در رسیدن به اهداف باید عزم قوی، ممارست و پشتکار داشت و همت آویزه گوش وجود آدمیان گردد. در این رابطه توصیه‌هایی به نوجوانان و جوانان نموده است.

آخرین فراز این نوشتار که نویسنده درصدد تبیین آن است و آن را برای نسل نوجوان مهم می‌داند، موضوع هویت‌یابی و دوری از خودبیگانگی است. هویت‌یابی به معنای آن است که انسان‌ها خود و توانایی‌های خود را به خوبی بشناسند و آنها را پاس بدارند، دلباخته ارزش‌ها و سرمایه‌های بیگانگان نشوند؛ چرا که جوامع دیگر دلشان به حال ملتهب دیگر نمی‌سوزد. متأسفانه دشمنان دین و کشور در پی دست یافتن به منافع خود هستند و درصد استعمار و استثمار دیگر جامعه‌ها می‌باشند. امید است در این نوشتار با توجه به آنچه در مقدمه بیان کردم، بتوانیم راهکارهای مناسبی جهت بهداشت

روحي رواني براي دستيابي به شيوه‌هاي درست زندگي براي افراد جامعه به خصوص نوجوانان و جوانان - كه سرمايه‌هاي ارزشمند جامعه هستند - ارائه دهيم.

خودشناسي

يكي از مهم‌ترين و اساسي‌ترين مسئله از ديدگاه نويسنده جهت سلامتي روحي و به دست آوردن زندگي سالم معرفت انسان به خود و جاگاه خود در جهان هستي است. آدمي از جهات مختلف مورد توجه علوم مختلف قرار مي‌گيرد: علوم روان‌شناسي، جامعه‌شناسي، اخلاق؛ علم پزشكي زيست و... هر کدام مي‌خواهند جنبه‌اي از وجود انسان را مورد بررسي قرار دهند. آنچه در اين نوشتار دنبال مي‌شود، شناخت انسان از جهت استعدادها، نيروها و توانمندی انسان براي درك و فهم خود و جهان و تكامل انساني است.

انسان بايد بتواند با شناخت درست از خود و سرمايه‌هاي دروني خود به كمال و نهايت خوبي‌ها برسد. قرآن كريم و امامان معصوم و بزرگان فلاسفه و اديبان و شعرا به اين امر مهم تذكر داده‌اند. در قرآن كريم مي‌خوانيم: «يا ايها الذين امنوا عليكم انفسكم؛ اي كساني كه ايمان آورديد به خود پيروزيد» (مائده / ۱۰۵). اينكه به خود پرداخته شود، به معنای آن است كه آدمي لحظاتي چند بدون دغدغه خاطر و به دور از هياهوها و شلوغی‌هاي زندگي روزمره درباره خود به عنوان انسان بياندیشد در خلقت خود اهدافي كه براي تمام خلقت و او در نظر گرفته شده، تفكر كند. در جايي ديگر در قرآن كريم مي‌خوانيم: «فلينظر الانسان مم خلق؛ انسان بايد ببيند كه از چه آفريده شده است؟» (طارق / ۵). چگونه انساني كه از خاك پايين‌ترين مرتبه عالم هستي آفريده شده است، مي‌تواند اوج بگيرد و تا بي‌نهايت وجود عروج ملكوتي داشته باشد؟

درباره اهميت خودشناسي امام علي عليه السلام اشاره دارند كه «معرفة النفس أنفع المعارف؛ بهترين شناخت شناخت خويشتن است.» (طباطبائي، ۶). بر اين اساس انسان سراغ هر علم و شناختي كه برود، باز بهتر است بداند بهترين معرفت آن است كه درباره خودش تفكر داشته باشد، بداند خودش كيست؟ منسوب به ايشان است كه فرمود: رحمت خداوند بر آن كه بداند از كجاست و در كجاست و به سوي كجا مي‌رود؟

خوب است آدمي بداند چگونه در عالي‌ترين مرتبه خلقت گل سرسبد هستي قرار دارد و چگونه هست كه به اسفل السافلين سقوط مي‌كند؟ بداند چگونه سرمايه‌هايي دارد؟ چگونه سلامتي خود را حفظ نمايد؟ چگونه مي‌تواند دچار انواع آلودگي‌ها و پستي‌ها نگردد؟ مسلم است

اگر آدمی خود جایگاه خود، مقام انسانیت خود و سرمایه‌های هنگفت خدادادی خود را آگاه باشد، سخت بتواند تسلیم رذایل اخلاقی و گناه گردد.

در جایی دیگر امام انسان‌شناسی را مقدمه‌ای بر خداشناسی محسوب و می‌فرماید: «من عرف نفسه فقد عرف ربه، آن که خودش را بشناسد خدای خودش را نیز می‌شناسد.» (اندیشه اسلامی ۱) چرا که فطرت انسان با معرفت خداوند عجین گشته است. انسان مانند سایر موجودات وجود مستقل ندارد او نمی‌تواند آفریننده خود باشد انسان خودش را دقیقاً وابسته به موجودی در می‌یابد که غنی و کاملاً مستقل باشد و آن وجود نازنین خدای متعال است که آدمی با اندک شناخت واقعی از خود وابستگی وجودی خود را نسبت به خداوند در می‌یابد.

هر که دور ماند از اصل خویش باز جوید روزگار وصل خویش

از طرفی دیگر بزرگان دانشمندان در طول تاریخ بشریت همواره تلاش می‌کردند، انسان‌ها را متوجه خود و شناخت خود کنند. از جمله فلاسفه بزرگی که در این زمینه تلاش می‌نمود، سقراط حکیم بود که شعارش این بود: ای انسان خودت را بشناس». درباره او نوشته‌اند که بارها در بازار قدم می‌زد، جوانان را می‌دید، با آنها گپ‌وگفت می‌کرد و برایشان بیان می‌کرد که باید دغدغه خاطر ما این باشد که خودمان را بشناسیم و ببینیم که چه گوهر گران‌بهایی به عنوان عقل در وجودمان هست نهانی‌ترین گوهر وجودی انسان عقل و قدرت اندیشه اوست که برای تمامی انسان‌ها وجود دارد. او می‌گفت این ثروت نیست که خوشبختی می‌آورد فضیلت انسانی مربوط به شناخت و معرفت و دانایی است. سقراط حکیم توجه انسان‌ها را از شناخت جهان هستی به معرفت نسبت به درون آدمی جلب کرده بود و معتقد بود آنان که توانستند به اسرار درون خود دست یابند می‌توانند به بیرون از خود نیز آگاهی یافته و مسلط بر آن شوند.

از ابیات منسوب به مولانا هست که:

روزها فکر من این است و همه شب سخنم	که چرا غافل از احوال دل خویشتم
از کجا آمده‌ام، آمدنم بهر چه بود	به کجا می‌روم آخر ننمایی وطنم

مولانا در این ابیات و همچنین سایر بزرگان و ادیبان به هر عنوان و هر سخنی می‌خواستند و می‌خواهند تا انسان درباره خودش تفکر کند خودش را دریابد تا این چنین به بهداشت و سلامتی خودش و جامعه برسد. به همین منظور و برای درک اهمیت سلامتی روحی روان به مطلبی درباره حقیقت انسان اشاره می‌کنیم.

حقیقت انسان

درباره وجود انسان دو دیدگاه وجود دارد: دیدگاه مادیون و دیدگاه مکاتب الهی؛ آنان که نگاه مادی به همه هستی و جهان دارند و به خدا معتقد نیستند، درباره انسان هم فقط به بعد جسمانی و مادی او نظر دارند و تلاش می‌کنند همه مسایل مربوط به انسان را توجیه مادی کنند. از نظر اینان تمام خوشبختی سعادت‌مندی آدمی در این است که به لذات جسمانی و دنیوی روی آورد برای خود ثروت اندوزی داشته باشد. شهوات خود را اشباع نماید و در این چند روز زندگی دنیوی خوش بگذارند.

اما دیدگاه دیگر که مربوط به مکاتب الهی می‌شود، رسولان الهی در طول تاریخ برای هدایت انسان و جوامع بشری تلاش نمودند و اعتقادشان بر این بوده است که انسان علاوه بر وجود بعد جسمانی دارای بعد روحی روان هم هست. وجود عشق، محبت، ایمان، شجاعت، ترس یا نفرت در انسان، امیدواری در او را به کدام از اعضای بدن انسان می‌توانیم نسبت بدهیم؟ اینها و مانند آن حقایقی است که در انسان و وجود او هست و ما را متوجه می‌سازد که آدمی علاوه بر جسم مادی دارای بعد دیگری نیز می‌باشد که خصوصیات مادی را ندارد فرسوده نمی‌شود از بین نمی‌رود و...

قرآن کریم در این باره اشاره دارد که: «ثم سواه و نفخ فيه من روحی؛ خداوند اندام انسان را موزون ساخت و از روح خود در او دمید.» (سجده ۹) نکته مهم آن که از دید قرآن کریم حقیقت و واقعیت انسان همان روح اوست؛ روحی که با بدن مادی همراه است بدن برای روح مانند ابزار و وسایل است که باید باشد به عنوان مثال نجار برای کار خود مانند ساختن میز و صندلی چوبی نیاز به وسایلی مانند چوب چکش میخ متر و... دارد. بدون آنها نمی‌تواند کار کند. روح نیز برای دیدن، شنیدن و درک کردن نیاز به ابزاری مانند چشم، گوش و عقل دارد تا بتواند کارش را انجام دهد اما هنگام مرگ روح ابزار مادی خویش، بدن را ترک می‌کند و با اینکه بدن و جسم متلاشی شده به خاکستری از مواد طبیعی تبدیل می‌شود اما روح باقی است متلاشی نمی‌شود و به زندگی و حیات خود ادامه می‌دهد. بنابر این می‌توان گفت که آن حقیقتی که حیات انسان وابسته به آن است، همه جنبه روحی است.

هنگامی که انسان به درون خود بنگرد و به روح خویش توجه کند درمی‌یابد عالم هستی و وجود خودش منحصر به مادی نیستند، مستقل نمی‌باشند و وجودشان عین ربط به خداوند است و این چنین شناخت تاثیرات شگرفی در زندگی انسان و سلامتی روحی روانی او دارد. او را به سمت مبدأ خود فرامی‌خواند با خداوند ارتباط برقرار نموده درکنار او به آرامش واقعی دست می‌یابد.



ارتباط با خدا

از جمله امور دیگر لازمه سلامتی روان برای انسان ها و داشتن شیوه سالم برای زندگی ارتباط داشتن با خدا و عبادت و بندگی اوست. هم چنانکه در فراز قبلی توضیح داده شد اگر ما به معرفت واقعی از خودمان دست یابیم متوجه می شویم وجود مستقلی نداریم، در می یابیم علاوه بر خصوصیات جسمانی دارای ویژگی های دیگری هستیم که نمی توانیم آنها را به جسم و اعضای بدنمان نسبت دهیم.

انسان و جهان عین ربط و وابستگی به مبدأ هستی است و از طرف دیگر ادیان الهی و اسلام و کتب آسمانی و قرآن کریم در این باره به کمک انسان آمدند و او را متوجه آن کمال مطلق آفریننده جهان و انسان نمودند و خداوندی که انسان را آفرید و بعد از تکمیل ابعاد جسمانی او از روح خودش در او دمید و سپس او را مسجد ملائکه قرار داد و به انسان کرامت بخشید و انسان برتر موجودات، گل سرسبد نظام آفرینش قرار گرفت و تنها موجودی شد که خدا با خلق او به خودش آفرین گفت: «و تبارک الله احسن الخالقین» (مومنون / ۱۴). «برای حفظ اتصال انسان ها با خودش و به دست آوردن آرامش او ذکر عبادت و طاعت و بندگی را قرار داد. آدمی چنان که با ذکر خدا آرامش می گیرد با چیز دیگری آرام نمی شود: «الا بذکر الله تطمئن القلوب» (رعد / ۲۸).

برای اینکه بتوانیم به سلامتی روحی روانی خود وجهه کمک کنیم و آن را حفظ کنیم لازم و ضروری است که آگاهانه سر عبودیت و بندگی نسبت به خداوند فرود آوریم. در زندگی او را بجویم بر اساس فرامین او عمل کنیم؛ چنانکه در قرآن کریم می خوانیم: «وان اعبدونی هذا صراط مستقیم؛ مرا عبادت کنید که راه درست برای رستگاری همین است.» (یس / ۶۱). راه رستگاری و به عبارت دیگر راه سلامت و سعادت همین است: عبودیت بندگی و تواضع نسبت به خداوند.

قرآن کریم خطاب به حضرت موسی علیه السلام آمده است:

اننی انا الله لا اله الا انا فاعبدنی واقم الصلوه لذكری (طه / ۱۴)؛

به درستی که من الله ام؛ خدایی جز من نیست؛ پس مرا عبادت کن و نماز را به خاطر ذکر من به جای آر.

گرچه راه های زیاد و متعددی برای ارتباط با خدا و عبادت و بندگی او وجود دارد اما نماز بهترین تجلی عبادت خداست در همین آیه فوق، خود خداوند راه عبادت را نشان انسان داده است که نماز می تواند انسان را به نهایت بندگی و عبودیت نسبت به خدا برساند یاد خدا آرامش بخش دل ها و زنده کننده و عامل تکامل بسیاری از فضایل ها در انسان و جامعه است.

رضوان طلب در کتاب پرستش آگاهانه در این باره می نویسد: در میان تمامی امواج نگرانی و اضطراب قرآن کریم ذکر خدا را به عنوان برترین داروی آرام بخش و شفادهنده قلب ها معرفی می کند و نماز را به عنوان مصداق برتر ذکر می داند همه آشوب ها و تشویش ها، تمامی ناآرامی ها و اضطراب ها با اقامه یاد خدا در فواصل گوناگون شبانه روز مهار می گردد نهاد ناآرام؛ آرام می شود طغیان هواوهوس فرو می نشیند، قلب مأیوس، امید می یابد و هنوز اثر باز یافته از این معدن فیض به کاستی نگراییده که دیگر بار مؤذن بانگی بر می آورد و رمقی دوباره رقم می زند. (رضوان طلب، ۲۴)

درباره نماز و اسرار نهفته در آن مطلب بسیار است که در این مجال اندک نمی شود آنها را بیان نمود در حد ضرورت این نوشتار که برای سلامتی روان می باشد لازم بود اشاره کنم. یکی از راه های شیوه درست زندگی آن است که با خداوند ارتباط داشته او را بندگی کنیم و نماز و اقامه آن در زندگی و جامعه از مصادیق ارتباط با خداوند است که از نظر نویسنده برای بهداشت روانی و سلامتی روحی افراد جامعه ضرورت دارد و انسان در پرتو عبادت و بندگی خداوند به بزرگی و عزت هم دست می یابد

بندگی کن تا که سلطانت کنند تن رها کن تا جمگلی جانت کنند

(کلیات خزائن الاشعار، سید عباس حسینی)

توکل بر خدا

از دیگر اموری که به نظر می تواند در بهداشت روان و سلامتی روان آدمی تاثیرگذار بوده و از شیوه های درست زندگی محسوب گردد توکل داشتن به خداست که در این مورد به نکاتی اشاره می کنم:

الف) کلمه توکل از لحاظ ادبیات فارسی از خانواده «وکیل و وکالت» است. وقتی امر مهمی در زندگی برای ما پیش می آید و وکیلی می گیریم؛ یعنی در انجام و تحقق آن امر کارمان را به او واگذار می کنیم؛ او را وکیل خود قرار داده به او تکیه می دهیم؛ خیالمان بابت موضوع پیش آمده جمع و راحت است که وکیل کارمان را به درستی دنبال می کند، پیگیری می نماید و با این کار، خود هم آرامش داریم و آسوده ایم. مسلماً در انجام گرفتن کارها به افرادی که کاردان نیستند تکیه نمی کنیم و از آنان که علم ندارند توانا و قدرتمند نیستند، انتظاری نداریم بنابراین در امر توکل به خداوند باید او را به عنوان برترین، عالم ترین، مدبرترین، قدرتمندترین و ... نیروی جهان شناخته تا امر توکل به معنای واقعی تحقق یابد.

ب) توکل برخداوند فقط در حد بیان یک جمله نیست توکل یک امر لفظی و ظاهری نیست



بلکه یک امر درونی و قلبی است که ناشی از ایمان به خداست حتی در قرآن کریم هم اشارات زیادی وجود دارد که به مومنان می‌فرماید: به خداوند توکل داشته باشید اگر مومن به او هستید «و علی الله فتوکلو ان کنتم مومنین» (مائده / ۲۳).

پس اگر انسان و جامعه انسانی بخواهد از سلامتی روان برخوردار باشد باید که خدا نیروی برتر جهان را شناخته و از اعماق قلبش با او ارتباط داشته و در انجام کار درست به او توکل کند و سرانجام فرجام امور را به او واگذارد.

ج) نکته بسیار مهم درباره توکل بر خداوند که لازم است همگان به خصوص نوجوانان و نسل جوان بدانند آن است که توکل جایگزین عمل و فعالیت نمی‌شود یک کشاورز به امید توکل نمی‌تواند دست از تلاش بردارد نمی‌شود زمین را شخم نزند، تخم نکارد، آبیاری نکند که اینکه من به خدا توکل کردم یک دانش آموز نمی‌تواند به بهانه توکل به خداوند از درس خواندن تلاش کردن فعالیت کوتاهی کند و بعد بگوید توکل بر خدا چیزی مطلبی برای سرجلسه امتحان می‌نویسم. خیر این اشتباه محض است که متأسفانه برخی از افراد در ذهن خود دارند.

در روایتی منسوب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که آن بزرگوار تذکر به درستی انجام دادن دادند به این مضمون که شتران خویش را محکم کنید و آن گاه توکل بر خدا نمایید. پیام این سخن آن است که با کارها و امور ما نتیجه کار را به خدا واگذار می‌کنیم. افراد مومن به خداوند، با اطمینان به خدا معتقدند که او بهترین‌ها را برایمان رقم می‌زند و نتیجه خوبی حاصل خواهد شد و دیگر جایی برای استرس و اضطراب برای آدمی وجود نخواهد داشت.

علم و دانایی

یکی دیگر از عوامل مهم برای داشتن سلامتی روح و روان به نظر نویسنده علم‌جویی و داشتن روحیه حقیقت‌طلبی است. تفاوت اساسی انسان با سایر موجودات داشتن قدرت تفکر و اندیشه هست انسان می‌تواند فکر کند، تحلیل کند، خلاقیت داشته، ابتکار و نوآوری داشته باشد، تولید علم و تکنولوژی‌های جدید در گرو روحیه علم‌جویی افراد جامعه است. مسلماً قدرت و توانمندی جامعه نیز ناشی از دانایی آن جامعه است؛ چنانکه فردوسی از بزرگان علم و ادب ما هم اشاره کردند: «توانا بود هر که دانا بود».

از دیدگاه نویسنده برای آنکه بتوانیم از افکار آلوده و سطحی عامیانه‌رهایی یابیم، مناسب است ذهن خود را به فعالیت‌پویایی در زمینه علم و دانش هدایت کنیم در هر جایی در هر

زمانی که قرار داریم بخواهیم که یاد بگیریم. چنانکه در معارف اسلامی هم ازدیدگاه قرآن کریم و هم روایات امامان معصوم درباره علم‌آموزی بسیار تاکید و توصیه شده است که در این نوشتار از مجال بحث ما دور است و خود بحث مستقلی را می‌طلبید.

به خاطر اهمیت توجه به علم‌آموزی سخنانی از حضرت امام راحل و مقام معظم رهبری را در اینجا بیان می‌کنیم. امام راحل در توصیه خود به جوانان می‌فرماید: «با اراده و عزم راسخ خود به طرف علم و عمل و کسب دانش و بینش حرکت نمایید که زندگی زیر چتر علم و آگاهی آن قدر شیرین و انس با کتاب و قلم و اندوخته‌ها آن قدر خاطره‌آفرین و پایدار است که همه تلخی‌ها و ناکامی‌های دیگر را از یاد می‌برد؛ پس با جدیت به تحصیل علوم و کسب معارف و بهرووری از استعداد‌های الهی بپردازید». (صحیفه نور: ۲۱ / ۳۵)

مقام معظم رهبری در مناسبت‌های گوناگون به تقدیر از دانشمندان و فعالان عرصه علم و دانش پرداختند و بارها بیان می‌نمودند که تا جایی که جان در بدن دارم و نفس می‌کشم از دانش بنیان‌ها و دانشمندان حمایت خواهم کرد. ایشان در سخنرانی خود به مناسبت سالگرد ارتحال امام در سال ۸۵ فرمود: «باید علم را که مایه اقتدار ملی است همه جدی بگیرند و دنبال کنند کشوری که مردم آن از علم بی بهره باشند هرگز به حقوق خود دست نخواهد یافت نمی‌شود علم را از دیگران گدایی کرد علم درون جوش و درون زلاست باید استعداد‌های یک ملت به کار افتد تا یک ملت به معنای حقیقی کلمه عالم بشود».

تقوا و فضایل اخلاقی

انسان تنها موجودی است که از ویژگی اختیار برخوردار بوده و در مسیر دستیابی به کمالات خود نقش بسیار مهم و اساسی دارد. بنا بر همین موضوع مسایل مربوط به تقوا پرهیزکاری و آراسته شدن به فضایل اخلاقی متوجه انسان می‌گردد.

یکی از جنبه‌های مربوط به سلامتی روحی روانی انسان‌ها که می‌تواند کمک شایانی به بهداشت روانی افراد و جامعه بنماید تقوا و به تعبیری دیگر خودمراقبتی است؛ اینکه انسان با فراهم بودن مقدمات گناه و زشتی‌ها مراقبت کند آلوده به آنها نشود، به درستی و بر اساس اصول عقلانی و اخلاقی زندگی کند. از حیوانات نمی‌توان انتظار داشت دست از ویژگی‌های غریزی خود بردارند و به فضایل اخلاقی آراسته شوند مثلاً گرگ هیچ‌گاه از درندگی بیرون نیست؛ چرا که خصلت طبیعی و غریزی این حیوان درندگی است اما انسان می‌تواند درنده‌خویی نداشته باشد،



می تواند فریبکار نباشد، می تواند به اخلاق نیکو آراسته باشد. بنا بر این باید در این باره تلاش کند؛ زیرا توانایی آن را دارد. در ادامه توضیحی اندک درباره تقوا و اخلاق نیکو - که لازمه سلامتی روحی روانی است - ارایه می شود

استاد شهید مطهری در کتاب ده گفتار درباره تقوا این چنین بیان می کند:

تقوا به معنای عام کلمه لازمه زندگی هر فردی است که می خواهد انسان باشد و تحت فرمان عقل زندگی کند و از اصول معینی پیروی نماید. تقوای دینی و الهی یعنی انسان خود را از آنچه از نظر دین و اصولی که دین در زندگی معین کرده است خطا و گناه و پلیدی و زشتی شناخته شده، حفظ و صیانت کند و مرتکب آنها نشود. (مطهری: ۷)

در آثار دینی به خصوص در نهج البلاغه که فوق العاده روی کلمه تقوا تکیه شده است همه جا تقوا به معنای آن ملکه مقدس که در روح پیدا می شود و به روح قوت و قدرت و نیرو می دهد و نفس اماره و احساسات سرکش را رام و مطیع می سازد، به کار رفته است.

در یکی از خطبه های نهج البلاغه می خوانیم که امام علی علیه السلام می فرماید: «ان تقوی الله حمت اولیاء الله محارمه و الزمت قلوبهم مخالفته حتی اسهرت لیالهم و اظلمات هواجرهم؛ تقوای خدا، دوستان خدا را در حمایت خود قرار داده و آنها را از تجاوز به حریم محرمات الهی نگهداشته است و خوف خدا را ملازم دل های آنها قرار داده است تا آنجا که شب های آنها را زنده و بیدار نگه داشته و روزهای آنها قرین تشنگی روزه کرده است». (نهج البلاغه: خطبه ۱۱۴)

درباره داشتن تقوا و خودمراقبتی و آراسته بودن به فضایل اخلاقی بیان این نکته بسیار مهم است که جوانان بدانند بهترین دوره عمر آدمی و به تعبیری بهار عمر انسان دوره نوجوانی و جوانی است. همه دانشمندان تربیتی و علمای اخلاق به این دوره اهمیت داده و برای آن برنامه ریزی و فعالیت می کنند، توصیه های خود را متوجه جوانان کرده و از همه جوانان می خواهند قدر و قیمت این فراز از عمر خویش را بدانند.

امام راحل نیز در این باره توصیه های جدی به جوانان دارند. ایشان خطاب به جوان ها می فرماید: «جوان ها متوجه باشند که در جوانی، انسان می شود خودش را اصلاح کند. هر مقدار انسان سنش زیادتر می شود اقبالش به دنیا بیشتر می شود، کار سخت تر می شود. جوان ها نزدیکترند به ملکوت شما جوانان از حالا باید شروع کنید به جهاد اکبر و نگذارید که قوای جوانی از دستان بروود هرچه قوای جوانی از دست بروود ریشه های اخلاق فاسد در انسان زیادتر می شود و جهاد مشکل تر. جوان زود می تواند در این جهاد پیروز بشود پیر به این زودی ها نمی تواند. نگذارید

در اصلاح حال خودتان زمان جوانی به زمان پیری بیفتد یکی از کیدهایی که نفس انسان با انسان می‌کند و شیطان به انسان پیشنهاد می‌کند، این است که بگذار برای آخر عمر خودت را اصلاح کن حالا از جوانی استفاده کن و بعد آخر عمر توبه کن. این یک طرح شیطننت آمیز است که نفس انسان می‌کند اما بدانیم که انسان تا قوای جوانی اش هست تا روح لطیف جوانی هست و تا ریشه فساد در او کم است می‌تواند خودش را اصلاح کند.

اینهایی که مملکت ما را به تباهی کشیدند برای این بود که ساختمان خودشان فاسد بود، خودشان یک اخلاق فاسد داشتند، یک عقاید و اعمال فاسد داشتند اگر چنانچه خودشان را ساخته بودند به ملت خیانت نمی‌کردند به اسلام خیانت نمی‌کردند.» (صحیفه نور: ۱۸)

گرچه فضایل اخلاقی‌ایی که لازمه زندگی انسانی می‌باشد، زیاد می‌باشد و در این مجال اندک فرصت پرداختن به همه آنها نیست. در این قسمت به بیان چند نمونه کوتاه از آن می‌پردازیم:

الف. نظم و انضباط یکی از عوامل اساسی برای داشتن سلامتی روح و روان است. در روایات اسلامی به بیان امامان معصوم در این باره تاکید شده است؛ امام علی علیه السلام در وصیت خود به حسنین علیهما السلام بعد از توصیه به تقوا ایشان را به داشتن نظم در کارهاشان توصیه می‌کند: «اوصیکما و جمیع ولدی و اهلی و من بلغه کتابی بتقوای الله و نظم امرکم.» (نهج البلاغه: نامه ۸۸)

کسانی که برنامه منظم برای خود دارند اوقات و امور خود را بر اساس آن تنظیم می‌کنند علاوه بر مقاصد روزانه به اهداف عالی خود نیز دست می‌یابند و همیشه موفق و کامروا هستند. بنده‌ای که نظم را در ارتباط با خداوند یاد بگیرد و بر آن ممارست داشته باشد به خوبی می‌داند که در جامعه چگونه جانب نظم و انضباط را نگه دارد و این امور به سلامتی روانی جامعه نیز کمک شایان و اساسی می‌کند.

ب. رعایت امانت‌ها، پیمان‌ها شهادت به حق از لوازم حفظ ارکان جامعه می‌باشد از جمله آسیب‌هایی که می‌تواند جامعه را تهدید کند و حیات سالم آن را در معرض خطر قرار دهد خیانت در امانت و شهادت به باطل است. مسلماً در جامعه‌ای که پیمان شکنی در امانت باشد اعتماد افراد از همدیگر سلب شده، محیطی ناامن و غیر قابل تحمل پدید می‌آید. جامعه‌ای که مومن و متذکر یاد خداوند و عالم آخرت باشد نمی‌تواند و نمی‌شود نسبت به عهد و پیمان خود کوتاهی ورزد. بنابراین برای آنکه به شیوه‌های درست در زندگی دست یابیم باید این اصول را شناخته و مهم بدانیم و به آنها پای بند باشیم تا بهداشت روحی روانی جامعه خود را تامین و تضمین کنیم.



ج. ساده زیستی شاید در ابتدا به نظر مخاطبان بیاید که ساده زیستی چه ارتباطی با فضایل اخلاقی و سلامتی روحی دارد. از نظر نویسنده زندگی معمولی بدون از اشراف زدگی می تواند به سلامت روحی و روان انسان و جامعه کمک کند. تعلقات دنیوی خود حجابی است برای درک حقایق. اعتقاد نویسنده آن نیست که از تلاش و فعالیت برای داشتن یک زندگی خوب دست بکشیم و به فکر رفاه برای خود و خانواده خود نباشیم. خیر اسلام طرفدار فقر نیست. اگر فردی مشکل اقتصادی و مالی داشته باشد مسلماً نمی تواند زندگی خوب و راحتی را تجربه کند. چنین فردی حتی نمی تواند به سایر فعالیت های خود بپردازد، نمی تواند عبادت کند و نهایت خود دچار انواع بیماری های جسمانی و روحی می گردد. رسول خدا ﷺ هم با فقر مبارزه می کرد و به دنبال جامعه ای آباد و دور از محرومیت بود و هم چنین با کوچک شمردن فقیران و بینوایان به مخالفت برمی خواست. مردم را به کار و فعالیت تشویق می کرد. از بیکاری بدش می آمد و کسانی که فقط عبادت می کردند و کار و حرفه ای نداشتند را مذمت می کرد؛ چراکه بیکاری خود منشأ بسیاری از افکار آلوده و پیدایش آسیب های روحی روانی است.

داشتن فعالیت اقتصادی در نزد پیامبر اکرم ﷺ از ارزشمندی والایی برخوردار است تا جایی که فرمود: «عبادت ده جز دارد که نه جزء آن کسب و کار حلال است.» (مجلسی: ۹/۱۰۳) اما خود پیامبر اکرم ﷺ زندگی ساده ای داشت به دور از تجملات و وابستگی های مادی تا جایی که امام حسن مجتبی ﷺ درباره ایشان می فرمود: «کان رسول الله خفیفه المعونه؛ رسول خدا کم هزینه بودند» یعنی زندگی ساده ای داشتند.

بنابر این وقتی صحبت از سادگی و ساده زیستی در زندگی می شود، منظورمان این نیست که اصلاً زندگی دنیوی نداشته باشیم، کار و فعالیت نداشته باشیم، از جامعه منزوی گردیم و سراسر درگوشه و کنجی قرار گرفته مشغول عبادت باشیم؛ چنانکه در فراز بالا آورده شد که چنین طرز تفکری در اسلام مردود است.

در این نوشتار منظور نویسنده از سادگی و ساده زیستی آن است که به گونه ای زندگی دنیوی داشته باشیم که مقدمات کمال و رشد همه جانبه ما را فراهم کند. همان روایت معروف از نبی مکرم اسلام که فرمود: «الدنيا مزرعة الآخرة؛ زندگی دنیوی زراعتکده برای آخرت و زندگی جاوید است.

یادمان باشد که داریم درباره آنچه که به سلامتی روحی روانی فردی و اجتماعی کمک می کند، سخن می گوئیم به نظر نویسنده زندگی ساده و به دور از تجملات و وابستگی های دنیوی می تواند انسان را در اهداف یادشده کمک نماید.

پیشوایان دینی ما هم خودشان زندگی ساده‌ای داشتند و هم به داشتن زندگی ساده توصیه می‌کردند حضرت امام راحل در وصیت خود به جوانان در این باره این چنین تذکر داده بودند: «آنهایی که منشأ آثار بزرگی بودند ساده زندگی کردند ارزش انسان به خانه نیست به اتومبیل نیست اگر ارزش انسان به این‌ها بود انبیاء باید همین کار را بکنند.»

اراده، همت، پشتکاری

یکی دیگر از عوامل سلامت روحی و روانی برای دست یافتن به شیوه‌های درست زندگی داشتن عزم و اراده و تلاش و کوشش است. در ادبیات عزم به معنای اراده و تصمیم بر انجام کارهاست. انسان با اراده آنچه را که انتخاب کرده است با برنامه‌ریزی درست که دارد، عملی می‌سازد. امروزه آنچه ضرورتش بیشتر نمودار است، تقویت اراده‌هاست دانشمندان و روان‌شناسان هریک به طرق مختلف تلاش دارند راهکارهایی در این جهت برای نوجوانان و جوانان ارایه دهند.

مسئله اثرات عزم قوی و ضعیف در زندگی انسان‌ها یکسان نیست؛ انسان‌ها با عزم قوی از سرمایه‌های درونی خود در زندگی استفاده می‌کنند، سرنوشت خویش را به دست حوادث نمی‌سپازند، در برابر مشکلات پیش‌آمده در زندگی که طبیعی به نظر می‌رسد خودشان را نمی‌بازند، ناامید نخواهند شد و با قدرت و اتکای به عنایت خداوندی به سوی هدف گام برمی‌دارند. در مقابل آنان که از عزم قوی اراده محکم برخوردار نیستند، نمی‌توانند در زندگی تصمیم قاطعی بگیرند، در حوادث پیش‌آمده متزلزل بوده و نمی‌توانند شیوه درستی اتخاذ کنند، شخصیت مستقلی نداشته و نگاهشان به دستاورد دیگران است؛ مسلماً چنین افرادی هم نمی‌توانند از سلامتی روحی روانی برخوردار باشند.

از نظر نویسنده برای آنکه بتوانیم اراده و عزم قوی داشته باشیم و در آن راستا سلامتی روحی روانی خود و جامعه خویش را ضمانت کنیم، موارد ذیل ضروری می‌باشد:

الف. هدف از زندگی را بشناسیم، بدانیم حال که با رحمت و فیض پروردگار پا به عرصه هستی گذاشتیم بدانیم خودمان در پی دست یافتن به چه هستیم؟ به عبارت ساده‌تر در زندگی می‌خواهیم چه باشیم؟ دنبال چه هستیم؟ خیلی مهم است که هدف از زندگی را با توجه به توصیه‌های بزرگان بر اساس اصول دینی عقلانی اخلاقی مشخص کنیم.

ب. برنامه‌ریزی داشته باشیم؛ مسلم یک خانه هم یک شبه ساخته نمی‌شود، یک شبه یک داشجو پزشک متخصص نخواهد شد و ... بنابراین برای دست یافتن به هدف داشتن طرح

نقشه برنامه ضرورت دارد. در این رابطه می‌توانیم با بزرگان راه اساتید و افراد با تجربه در زمینه دست یافتن به هدف مورد نظر مشورت کنیم. مسلماً تجربه می‌تواند بالاتر از علم باشد. فردی که فقط آموخته‌هایی را در ذهن خویش فراهم آورده است با آن که به جنبه کاربردی آموخته‌ها توجه دارد، تفاوت اساسی وجود دارد.

ج. امیدواری؛ همه آنان که در مسیری با انتخاب موضوعی گام برداشتند می‌دانند در راه رسیدن به هدف با مشکلات و حوادث بی‌شماری مواجه خواهند شد؛ از گذراندن مقاطع تحصیلی تا انجام دادن یک پروژه. آنچه توانایی انسان را در تحقق هدف انتخابی تقویت می‌کند، حس درونی امیدواری و عشق درونی به موفقیت است و این احساس بسیار عالی و خوشایندی است که در وجود تمامی عالم هستی به فیض خداوندی وجود دارد.

د. پشتکاری و همت؛ یکی از عوامل مهم برای دستیابی به هدف و تحقق آرزوها ممارست و پشتکاری است؛ آدمی بایستی در انجام دادن کارها جدی بوده، تمرین و تکرار داشته باشد. به فرموده سعدی: «همت بلنددار که مردان روزگار از همت بلند به جایی رسیده‌اند.»

متأسفانه در دوره معاصر و نسل کنونی به علت توسعه زندگی ماشینی کمتر در انجام کارها حوصله به خرج می‌دهند، صبوری نمی‌کنند در برابر حوادث پیش آمده کمتر از خودشان شکیبایی نشان می‌دهند. یکی از شیوه‌های درست زندگی همین خصلت با حوصله بودن است. به نظر نویسندگان عوامل ذکر شده و رعایت آنها می‌تواند به دست یافتن انسان در دست یافتن به زندگی سالم کمک کند و انسان کمتر آسیب دیده و سلامتی روحی روانی افراد در جامعه تامین گردد.

امام راحل در باره داشتن اراده و عزم به جوانان توصیه دارند: «زندگی در دنیای امروز زندگی در مدرسه اراده است و سعادت و شقاوت هر انسانی به اراده همان انسان رقم می‌خورد اگر بخواهید عزیز و سربلند باشید باید از سرمایه‌های عمر و استعدادها جوانی استفاده کنید. مخترعین ما می‌توانند در سطح بالا اختراع بکنند مبتکرین ما می‌توانند در سطح بالا ابتکار بکنند به شرط آنکه اعتماد به نفس خودشان داشته باشند و معتقد بشوند به اینکه می‌توانیم این شما جوانان کشور هستید که در هر کجا هستید باید به فکر آتیه کشور خودتان باشید و لازم است که با این دو خصیصه اتکال به خدای تبارک و تعالی و اعتماد به نفس به پیش بروید بعد از مدتی خواهید دید که راه‌های سعادت بر شما باز می‌شود.» (صحیفه نور: ۱۸/ ۱۴۶)

هویت یابی و دوری از خود بیگانگی

بیگانگی انسان از خود یکی از مهم‌ترین مسایل انسان‌شناسی است که در رشته‌های مختلف علوم انسانی مورد توجه قرار گرفته است. یکی دیگر از عوامل مربوط به سلامتی روحی روانی فردی و اجتماعی توجه داشتن به هویت یابی و دوری از خود بیگانگی است. در میان موجودات جهان فقط انسان است که می‌تواند هویت واقعی خود را دگرگون سازد، تعالی بخشد و یا آن را به رکود و سقوط مبتلا سازد. فقط انسان است که ممکن است از خود غافل شود و خود را فراموش کند هویت واقعی خود را روح انسانی خود را فروخته از خود بیگانه شود.

از خود بیگانگی یعنی خودفراموشی، گرفتار بیگانه شدن، دیگری را به جای خود پنداشتن، دیگری را خود پنداشتن و خود دیگر پنداری. یکی از عوامل بیماری‌های روحی روانی در جنبه‌های فردی و اجتماعی همین است که انسان‌ها خودشان را به درستی نشناخته خودباوری نداشته باشند، جامعه سرمایه‌ها و دارایی‌های خود را ندانند و آنچه متعلق به ایشان باشد را ارزشمند ندانستند. حافظ شیرازی در ابیاتی به همین مضمون اشاره می‌کند:

سال‌ها دل طلب جام جم از ما می‌کرد و آنچه خود داشت زیگانه تمنا می‌کرد
گوهری کز صدف کون و مکان بیرون بود طلب از گمشدگان لب دریا می‌کرد

مسلم چنین افراد و چنین جامعه‌ای نمی‌توانند از سلامتی روحی روانی برخوردار باشند. نمی‌توانند ثبات شخصیت و آرامش داشته باشند. نه شادند نه از زندگی احساس خرسندی دارند. این چنین تفکری به پوچی و ناامیدی می‌رسند و این امر بسیار خطرناک است.

در فراز آخر این مقاله نمونه‌هایی از خودبیگانگی را بیان می‌کنیم:^۱

الف. اصالت دادن به دیگری، یکی از نشانه‌های و آسیب‌های روحی روانی این است که آدمی در برخی شئون زندگی خود دیگران و نظر آنها را اصل قرار داده و بخواهد امور خود را بر اساس رای و خوشایندی آنها انجام دهد.

ب. بی‌هدفی، انسان‌هایی که هویت واقعی خویش را ندانند و به سرمایه‌های خود اتکا نداشته باشند از آنجا که نگاهشان به دیگران است و آن دیگران با افکار مختلف و گاه متضاد می‌باشند، دچار بی‌هدفی شده از جانب خود هدفی به صورت معقول و حساب شده‌ای ندارند.

ج. برهم خوردن تعادل روحی، انسان از خودبیگانه چون عنان اختیارش به دست دیگران است،

۱. مطالب این قسمت برگرفته از کتاب *انسان‌شناسی* محمود رجبی بوده است.

نمی‌تواند تعادل خویش را حفظ کند، نمی‌داند چگونه تصمیم گرفته به کدام راه برود. بنابراین همیشه دچار استرس شده و شخصیت مضطرب دارد و از ثبات روحی روانی برخوردار نیست.

مسلمانانی که از مهم‌ترین عامل برای دور ماندن از آسیب‌های اجتماعی و تامین بهداشت روانی جامعه در مسیر دستیابی به سعادت‌مندی آن است که متوجه سرمایه‌ها، دارایی‌ها و داشته‌های خود و ارزشمندی آنها باشیم.

درباره فرهنگ خودمان وظیفه ما این است که مجموعه سرمایه‌های وجودی جامعه خود را به عنوان ماهیت وجودیمان به نسل جوان و نوجوان بشناسانیم تا بتوانیم با توطئه‌های دشمنان درباره از بین بردن هویت واقعی مان مبارزه نموده، مقاومت کنیم و دچار از خود بیگانگی نشده و از حقانیت ارزش‌های ملی دینی جامعه خود دفاع نموده و آنها را حفظ کنیم، و به این ترتیب به سلامتی روحی روانی اجتماعی کمک کنیم.

نتیجه‌گیری

آنچه در این نوشتار دنبال شد تفحصی درباره بهداشت روانی و حفظ سلامتی روحی برای دستیابی به شیوه‌های زندگی سالم برای جامعه به خصوص نوجوانان و جوانان بوده است. بهداشت روانی دفع آسیب‌های اجتماعی در جامعه از جمله موضوعات مهمی است که توجه اندیشمندان، روانشناسان و بزرگان را به خود جلب نموده است. نویسنده در این نوشتار تلاش نموده است تا از عوامل دستیابی به شیوه‌های زندگی سالم شناختی درست ارایه دهد و در این راستا خطاب به نوجوانان و جوانان نکاتی بیان کند.

جوامع بشری در دوره معاصر در نتیجه دوری از غفلت از تعالیم ادیان الهی از بعد روحی معنوی زندگی خویش دچار آسیب‌های فراوانی مانند ناامیدی افسردگی استرس ناخرسندی احساس پوچی نگرانی خاطر و... شدند. معرفت به حقیقت وجودی انسان خود آگاهی علم به جایگاه رفیع آدمی در عالم هستی از جمله اموری بوده است که در این مقاله به آن پرداخته شده است و با تبیین درست از انسان‌شناسی نتیجه می‌شود که آدمی که به خودش و مقام و کرامت انسانی خودش آگاهی داشته باشد تن به هر ذلت و آلودگی نمی‌دهد و چنین موضوعی می‌تواند به بهداشت روانی افراد و نسل نوجوان و جوان کمک شایانی کند.

برای دستیابی به شیوه‌های سالم زندگی ارتباط ایمان به خداوند و توکل بر عنایت او در وقت انجام کارهای درست است. مومنان با شناخت خداوند و طاعت و بندگی او به صراط مستقیم

راه یافته و دچار آسیب‌های متعدد نمی‌شوند وقتی در انجام امور درست به خداوند توکل داشته باشیم دیگر جایی برای نگرانی‌ها، دغدغه‌ها، استرس و... وجود ندارد و این خود نقطه‌امیدی است که جوانان به آن باید توجه داشته باشند.

دیگر موضوعی که در این نوشتار نویسنده به بیان اهمیت آن پرداخته است کسب علم و دانایی در تولید تکنولوژی بوده است که موجب شکوفایی استعدادها و دوری از بیهودگی‌ها و پوچی‌ها می‌گردد. نویسنده با استناد به منابع دینی و سخن بزرگان لذت حقیقت‌جویی علم طلبی را تبیین کرده است.

تقوا و کسب فضایل اخلاقی از جمله داشتن نظم و انضباط در کارها برنامه‌ریزی‌ها تعهد و مسئولیت نسبت به امانت‌ها ساده زیستی و اراده همت‌پشتکاری از موارد دیگر این مقاله بوده است که برای تامین و تضمین مهم بوده و نویسنده برای تقویت عزم با توجه به یافته‌های علمی خود به عواملی چند در این باره اشاره کرده است.

آخرین فراز از مقاله درباره اهمیت هویت‌یابی بوده است همه جوامع بشری ملت‌ها داری فرهنگ ادب رسوم مختص به خود هستند بر نوجوانان و جوانان است که فرهنگ درست و اصیل جامعه خود را فرا بگیرند و ارزشمندی آنها را دانسته تا دچار دل‌باختگی به غیر خود نگردند. مسلماً یکی از مهم‌ترین عامل برای دور ماندن از آسیب‌های اجتماعی و تامین بهداشت روانی جامعه در مسیر دست‌یابی به سعادت‌مندی آن است که متوجه سرمایه‌ها، فرهنگ اصیل اسلامی ایرانی خویش و ارزشمندی آنها شده و در حفظ آنها کوشا باشیم.

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی.
۳. امام خمینی. صحیفه نور؛ مجموعه سخنان و توصیه‌های حضرت امام.
۴. رجبی، محمود. انسان‌شناسی. ویرایش سوم، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۵. رضوان طلب، محمد رضا. پرستش‌آگاهانه. تهران: ستاد اقامه نماز.
۶. رضایی، محمدرضا و جعفر سبحانی. اندیشه اسلامی ۱. قم: معارف.
۷. مطهری، مرتضی. ده گفتار. تهران: صدرا.
۸. طباطبایی، سید محمد حسین. المیزان فی تفسیر القرآن. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

بخش سوم: ارتقای امام شناسی با تأکید بر مفاهیم زیارت جامعه کبیره

بازاندیشی مبانی امام شناسی براساس زیارت جامعه کبیره

فریبا عباس پور^۱

چکیده

زیارت یکی از ویژگی‌های برجسته شیعیان است. ادعیه و زیارات شیعه، از چنان غنای ادبی، سیاسی و اجتماعی برخوردار است که با گذشت زمان مفاهیمش کامل‌تر و رساتر گشته است. زیارت‌های بسیاری از ائمه علیهم‌السلام به دست ما رسیده، اما می‌توان گفت از جهت مقام والاترین و از جهت اهمیت مهم‌ترین زیارات، زیارت جامعه کبیره است. این زیارت که از امام هادی علیه‌السلام نقل شده شامل برخی از مفاهیم اصول دین و مقام پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و عترت آن حضرت با تکیه بر آیات قرآن و روایات است. در واقع می‌توان گفت که زیارت جامعه کبیره میراث گران بهای امام هادی علیه‌السلام، در توصیف جایگاه امامت در تشیع و اعتقادات شیعه نسبت به ائمه می‌باشد. در این مقاله سعی شده تا مضامین عالی این زیارت که اصلش بر مبنای امام شناسی است مورد بازاندیشی قرار بگیرد. و از روش توصیفی استفاده شده است.

کلمات کلیدی

امام شناسی، زیارت جامعه کبیره، امام هادی علیه‌السلام، اهل بیت علیهم‌السلام.

۱. دکتری فرق تشیع، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران.

مقدمه

امامان معصوم علیهم السلام بهترین مبلغان اسلام راستین و جانشینان حقیقی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بودند که آموزه‌های آنان، چراغ هدایت و راهگشای مسیر درست زندگی است. در این راه، دعاها و زیارت‌هایی از این بزرگواران نقل شده که یکی این زیارت‌ها که می‌توان آن را مرام نامه شیعه نامید، «زیارت جامعه کبیره» است که امام هادی علیه السلام در پاسخ به یکی از شیعیان انشاء کرده است. این زیارت در واقع جمع‌کننده تمام آموزه‌های ولایی است که در زمان ائمه هدی و قبل از آن و قبل از امام هادی علیه السلام بیان شده بود. نقش ویژه امام هادی علیه السلام در نهایی کردن جامعه‌ی شیعی اعم از فکر و فرهنگ تا احکام و آداب و رسوم نقش ویژه‌ای است امام هادی علیه السلام در نهایی کردن این قرائت که قرائت اصیل اسلامی است و مبین اسلام ناب، نقش ویژه‌ای داشتند.

مسئله امام‌شناسی یکی از آن معارف ناب است که هر کس توان رسیدن به آن را بدون راهنمای امام‌شناس ندارد و از آنجایی که شناخت امام یکی از مسلمات و ضروریات اسلام است، اگر مسلمانی، بدون شناخت امام از دنیا برود همانند مردمان عصر جاهلیت از دنیا رفته است. «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةٍ؛ هر فردی که بمیرد، درحالی که امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلی مرده است» که در منابع حدیثی شیعی و سنی آمده است. (صدوق، ۱۳۹۵: ۴۱۰) خداوند این مقام رفیع و بلند را به عده‌ای انگشت شمار که تعداد آن‌ها از دوازده نفر فراتر نمی‌رود، اختصاص داده و پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله ضمن ده‌ها روایت به نام مبارکشان اشاره کرده و برخی از معصومان علیهم السلام همانند امام علی بن موسی الرضا علیه السلام، امام هادی علیه السلام به گوشه‌ای از اوصاف آن‌ها پرداخته‌اند.

زیارت جامعه کبیره که دارای مضامین بسیار عالی است و از زبان امام هادی علیه السلام و در پاسخ به خواسته یکی از ارادتمندان اهل بیت علیهم السلام صادر شده، اگرچه به شیوه خطابی و گفتاری است؛ اما در حقیقت بیانگر مقام والای امامت است که از طرف امام معصوم علیه السلام بیان گردیده است. این زیارت عارفانه که انشا و گفتار امام هادی علیه السلام نسبت به سایر امامان علیهم السلام است از زیبایی‌های خاصی نیز برخوردار می‌باشد. زیارت جامعه کبیره، یکی از زیارت‌های معروف و پرمحتوا است که در آن فضائل و کمالات اهل بیت پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. مطالعه و دقت در فقرات این زیارت موجب معرفت و شناخت هر چه صحیح‌تر و بیشتر امامان بزرگوار شیعه می‌گردد.

از دو زاویه می‌توان به زمینه و بستر صدور این زیارت نامه نگریست. از طرفی، امامیه در دوره

امام هادی علیه السلام، با وجود گذشت چند دهه از تبیین آموزه‌های اساسی شیعه امامی توسط صادقین علیهم السلام همچنان مورد هجوم شبهات گروه‌های فکری قدرتمند دیگر است و از سویی، در این عصر، خلفای عباسی همچون معتصم، واثق و متوکل، راهبرد خشونت و سرکوب حداکثری را برخلاف برخی دوره‌های قبل، در دستور کار قرار داده‌اند؛ بنابراین، فضای صدور زیارت‌نامه؛ یعنی نیمه نخست قرن سوم، در دو بخش سیاسی، اجتماعی و فکری، فرهنگی قابل بررسی است.

شناخت مختصری از زندگی نامه امام هادی علیه السلام

امام ابوالحسن علی النقی الهادی علیه السلام، پیشوای دهم شیعیان، در نیمه ذی حجه سال ۲۱۲ هجری در اطراف مدینه در محلی به نام «صریا» به دنیا آمد. (طبرسی، ۱۲۹۰: ۳۵۵) پدرش پیشوای نهم، امام جواد علیه السلام و مادرش بانوی گرامی «سمانه» است که کنیزی با فضیلت و تقوا بود. (مفید، ۱۳۱۴: ۲۷۷) مشهورترین القاب امام دهم، «نقی» و «هادی» است، و به آن حضرت «ابوالحسن الثالث» نیز می‌گویند. (طبرسی، ۱۲۹۰: ۳۵۵)

امام هادی علیه السلام در هشت سالگی به امامت رسید و ۳۳ سال رهبری شیعیان را بر عهده داشت. (مفید، ۱۳۱۴: ۲۹۷) از آنجا که جامعه امامیه چالش کم سن بودن امام را در آغاز ولایت امام جواد علیه السلام پشت سر نهاده بود، لذا درباره امامت حضرت هادی علیه السلام تردید خاصی برای بزرگان شیعه رخ نداد و اصحاب امام جواد علیه السلام با توجه به نصوص وارده و اشارات امام جواد علیه السلام بر فرزندش امام هادی علیه السلام بدون اختلاف به پیروی از ایشان روی آوردند. (همان، ۲۹۷) منابع فرقه شناسی نیز از شکل‌گیری فرقه‌ای در این دوران یاد نکرده‌اند. (اشعری، ۱۳۶۰: ۱۰۰)

امام هادی علیه السلام در دوران امامت خود با شش نفر از خلفای بنی عباس معاصر بود. که از میان این شش نفر، متوکل عباسی دشمن سرسخت‌تری نسبت به علویان و شیعیان به شمار می‌رفت. گزارش‌های متعدد تاریخی نشانگر رفتار کینه‌توزانه‌ی متوکل با امام هادی علیه السلام دارد. متوکل امام را در سال ۲۳۳ ق به سامرا احضار کرد. (نوبختی، ۱۳۵۳: ۹۲) و به عناوین و روش‌های مختلف به حصر و آزار و اذیت امام پرداخت. امام هادی علیه السلام در اواخر حکومت معتز عباسی مسموم شد و به شهادت رسید. (اسکافی، ۱۳۸۰: ۸۵)

بخش‌هایی از زیارت جامعه کبیره را که در توصیف ائمه علیهم السلام است و از امام هادی علیه السلام به دست ما رسیده، می‌توان در ارتباط با نقد دیدگاه‌های معتزله در باب امامت و شرایط آن تحلیل کرد. نصب امام از جانب خدا، عصمت، اعلیت و افضلیت از مهم‌ترین مسائلی است که در

زیارت جامعه به آن اشاره شده است. زیارت جامعه در معرفی جایگاه امامت در میراث علمی امام هادی علیه السلام تبلوری ویژه یافته است. (ابن بابویه، ۱۳۴۳: ۶۰۹، ۶۱۷)

سه هدف مهم حضرت امام هادی علیه السلام

بحث پیرامون امامت از امهات سلسله مباحث کلامی و اعتقادی است. برترین مقام جهان هستی مقام امامت است، بالاترین وظیفه هر مسلمان هم شناخت این مقام و معرفت به آن است. برترین انسان عالم خلقت، امام معصوم علیه السلام است و به همین دلیل است که کسی جز امام معصوم علیه السلام نمی تواند مقام امامت را آن طور که باید معرفی کند. یکی از بهترین تعاریف از مقام و صفات و خصوصیات امامان معصوم علیهم السلام در زیارت جامعه کبیره تجلی یافته که از زبان شریف امام هادی علیه السلام صادر شده است. در کل می توان گفت حضرت امام هادی علیه السلام سه هدف اساسی در تقریر این زیارت مهم داشتند:

الف) تبلیغ و ترویج معتقدات امامیه

امام هادی علیه السلام از ظرفیت زیارت نامه نهایت استفاده را کرد و از این طریق، اصول و فروع باورهای شیعیان را بار دیگر برای آنان مطرح کرد؛ امری که کمتر در متن زیارت نامه ها با این تفصیل قابل مشاهده است. ایشان علاوه بر طرح باورهای اساسی، چون توحید، نبوت، امامت و معاد، نظر امامیه را در موضوعات مهمی که در این عصر مورد اختلاف فریق است، بیان کرده است. از جمله این موضوعات، تولی و تبری، ایمان و عمل، چگونگی تعیین امام، شرایطی مانند عصمت، علم غیب و افضلیت برای امام، جبر و تفویض، شأن عقل و کتاب الله، جایگاه امر به معروف و نهی از منکر، مهدویت و انتظار دولت موعود، رجعت و شفاعت است که در قرن سوم از مهم ترین موضوعات مورد بحث توسط گروه های مختلف شیعی، چون زیدیه و واقفیه و فریق غیرشیعی، چون معتزله و اهل حدیث است.

ب) مقابله با فریق انحرافی شیعه در بحث امامت

مطابق شواهد، فریق مختلف شیعه در این دوره باورهای گوناگون خویش را تبلیغ کرده و تلاش می کردند خود را به عنوان نماینده معتبر مذهب معرفی کنند؛ به ویژه مفوضه و غلات که برای طرح صورتی ربوبی از ائمه حتی از اقدام به جعل اخبار و روایات هراس نداشتند. برخی بخش ها، چون «والمخلصین فی توحید الله» یا «و من وحدّه قبل عنکم» بر توحید ذاتی یا فقراتی مانند «خلقکم الله انوارا» یا «بکم فتح الله و بکم یختم» بر توحید افعالی و عباراتی نظیر «والمظهرین لامر الله و نهیه

و عباده المکرمین الذین لایسبقونه بالقول و هم بامرہ یعلمون» بر توحید در ربوبیت، و تعبیری، چون «واحکمتم عقد طاعته» یا «و بینتم فرائضه» بر توحید در مقام اطاعت اشاره دارد. بر این اساس، می توان زیارت جامعه را بسته ای جامع برای معرفی ارتباط دوطرفه امام و خداوند دانست.

در بخش هایی از متن زیارت جامعه، عباراتی ذکر شده است که به نوعی نظرات غلات مفوضی را رد می کند؛ برای نمونه، تأکید می شود امامان نه ظهورات نور الهی به معنای مورد نظر غلات، بلکه حاملان نور الهی به معنای هدایت ربوبی اند. این عقیده، به طور دقیق، عقیده شیعیان اعتدالی در برابر غلات مفوضی بوده که علم امام را نه از طریق میراث نبوت، بلکه برخاسته از وحی و الهام مستقیم و علم لدنی بی واسطه فیض پیامبر می دانسته اند. همچنین، در بخشی دیگر، عبارت «فالراغب عنکم مارق واللازم لکم لاحق والمقصر فی حقکم زاهق» آمده است و می توان گفت از جمله گروه های مورد نظر امام هادی علیه السلام در این دوره که در شأن ائمه افراط می کردند، غالیان بوده اند.

ج) آماده کردن شیعیان برای درک عصر غیبت امام معصوم

از دوره امام کاظم علیه السلام، شیعیان امامی فضای متفاوتی را در تعامل با امام تجربه کردند و در بسیاری از زمان ها، امکان درک حضورشان را نداشتند. مشاهده این رویه، سیر نسبی صعودی اختفای ائمه را که البته به دلیل مسائل سیاسی و به صورت اجباری بود، نمایان می کند. در جای جای این زیارت، ویژگی هایی برای ائمه بیان می شود که گویا قصد تثبیت چند اندیشه در اذهان امامی مذهببان وجود دارد.

از آن جمله، می توان به عبارات «من اعتصم بکم فقد اعتصم بالله» اشاره کرد. «اعتصام»، به معنای اراده نگهداری از خویش و دفع آسیب، و مدلول التزامی اش چنگ زدن به چیزی است که مدافع انسان در برابر خطر و زیان باشد. در بخشی به صورت واضح، از تعبیر «منتظر لأمرکم مرتقب لدولتکم» بر لزوم انتظار و آمادگی شیعیان در فرارسیدن امر ظهور و درک دولت کریمه اهل بیت تأکید می شود.

کتاب شناسی زیارت جامعه کبیره

در این زیارت که با شهادت به یگانگی خدا و سلام بر خاندن پیامبر صلی الله علیه و آله آغاز شده، بیش از دو یست فضیلت و منقبت برای اهل بیت علیهم السلام بیان شده و ایشان، جایگاه معرفت خدا، منزلگاه برکت پروردگار، گنجینه علم و حکمت الهی، نگهبان اسرار خداوندی، حامل کتاب خدا و

جانشین و ذریه فرستاده او دانسته شده اند. به سبب مضامین والای معرفتی و اهمیت این زیارت نزد شیعیان، از دیرباز شرح‌های مفصل و فراوانی بر آن نوشته شده و با اسنادی در کتاب‌های روایی شیعه نقل شده است. این نوشتار، کتاب شناسی زیارت جامعه کبیره است که در مجموع، ۱۴۷ اثر شامل ۸۳ عنوان کتاب، ۳۶ مقاله و ۲۸ پایان نامه را در سه گروه جداگانه نام برده و پس از ذکر اطلاعات کتاب‌شناسی هر اثر، توضیح اندکی درباره آن در اختیار پژوهشگران قرار داده است. (نصر اصفهانی، ۱۳۹۳: ۲۴)

بستر صدور زیارت جامعه کبیره

تشیع امامیه در ابتدای قرن سوم، به یک نهاد اجتماعی سازمان‌یافته تبدیل شده و می‌توان اذعان کرد که نهاد وکالت در عصر امام هادی علیه السلام، به مرحله کمال خود رسیده بود. در این شرایط، برخلاف دوره‌های پیش، امامیه از امام زمان خود انتظار قیام در برابر خلیفه ندارد و صف او به طور کامل از گروه‌هایی که چنین عقایدی داشتند، جدا شده است. شاید مهم‌ترین دلیل این رویکرد، آن بود که عباسیان در این دوره راهبرد خود را تغییر داده و با پشتوانه حدود یک قرن حکومت بر قلمرو اسلامی، تحمل پذیرش وجود کوچک‌ترین مخالفی را در صحنه سیاسی و اجتماعی نداشتند و با وجود تجربه‌های تلخ برخی گروه‌های شیعه، هر اقدامی در این راستا نافرجام تصور می‌شد. در این شرایط، پرسشی در اذهان امامیه وجود داشت و آن اینکه آیا باید منتظر قیام موعود بود؟

شواهد به‌طور صریح نشان از فشار سیاسی و اجتماعی بر شیعیان در این دوران دارد. مطابق برخی اخبار، وضع اقتصادی شیعیان در نتیجه این فشارها، به قدری رقت‌بار شد که گاه علویان در تأمین نیازهای حداقلی خود برای زندگی از قبیل: پوشاک، در رنج بودند. فرصتی که در اختیار حضرت امام باقر و امام صادق علیه السلام برای برگزاری جلسات بزرگ فکری و فرهنگی بود، پس از آن، هیچ‌گاه به وجود نیامد. در سال ۲۳۳ ق. امام هادی علیه السلام به دستور متوکل عباسی از مدینه تبعید و در سامرا مورد حصر قرار گرفت. تنها راه ارتباطی امام علیه السلام با شیعیان، تا حدود ۱۵ سال؛ یعنی حداقل تا پایان دوره متوکل، وکیلانی بودند که موفق به دیدار امام می‌شدند.

در عصر امام هادی علیه السلام، با وجود آنکه شیعیان امامی در مبنای فکری خود به اصولی پایبند هستند، اما همچنان بیم تفرقه و جدایی آنان از امامی مذهب‌ان به روشنی قابل درک است. گروه‌های فکری شیعه غیرامامی در این دوره، نفوذی قابل توجه یافته بودند؛ برای نمونه، زیدی مذهب‌ان در این دوره با تأثیرپذیری از معتزله و البته بارورکردن اندیشه‌های پیشینیان خود،

به عنوان یک فرقه کلامی منسجم به رقابت مستقیم و بی‌پرده با شیعیان امامی مشغول بوده‌اند. پرسش‌ها و شبهات متعددی از سوی آنان در برابر امامی‌مذهبان وجود داشت؛ اینکه چطور می‌توان به امامی خردسال اعتماد کرد؟ شوونات رهبر امت چیست؟ و آیا این شوونات می‌تواند در یک خردسال جمع شود؟ چطور می‌توان خود را شیعه خواند و به ظلم ظالمان راضی شد و از امور سیاسی کناره گرفت؟ چطور می‌توان به امام، صفاتی، چون عصمت از هر خطا و علم غیب داد؛ درحالی‌که این پاکی و علم، مختص خداوند است؟

در بین گروه‌های فعال در این عصر، غالیان نیز موفق به اشاعه عقاید خود در میان شیعیان امامی شده بودند. شاید این تصور برای غالیان وجود داشت که یکی از دوره‌های امیدبخش خود را طی می‌کنند. همین اختلافات درون شیعی، گاه سبب می‌شد تا امام علیه السلام به قتل سران غلات حکم کنند. در این شرایط، با آنکه امام هادی علیه السلام در روایاتی از غلات دوری جسته بود یا شوونات امامان شیعه در روایات متعدد و پراکنده بیان شده بود، بیش از هر زمان دیگر، ارائه شناسنامه‌ای جامع از ابعاد وجودی امام برای پایان دادن به این جریان مخرب احساس می‌شد. در این شرایط امام علیه السلام به شخصی این زیارت‌نامه را املا کردند که از عالمان و آگاهان به این معارف است و ظرفیت پذیرش آن را دارد.

مهم‌ترین چالش فرهنگی و اجتماعی امام هادی علیه السلام در آن دوره

مهم‌ترین چالش امام در این دوران حفظ مذهب شیعه و رهبری آن یعنی اساس امامت و ولایت بود. با سختگیری‌هایی که دربار عباسی داشت ارتباط شیعیان با امام نسبت به ائمه پیشین سخت‌تر شده بود و اجازه خروج از سامرا را به امام نمی‌دادند و رفت‌وآمدها به بیت ایشان رازیر نظر داشتند لذا ارتباط امام با شیعیان مانند سابق نبود. امام برای رهبری شیعه و حفظ شیعه در این مقطع شبکه وکالتی که از زمان امام کاظم علیه السلام ایجاد شده بود را تقویت کردند و از طریق شبکه وکالت که رأسش در بغداد بود با شیعیان ارتباط می‌گرفتند.

در دوره امام هادی علیه السلام شبکه وکالت هم تفکیک منطقه‌ای روشنی داشت به نحوی که به چهار منطقه تقسیم شده بود و سایر مناطق به یکی از این چهار منطقه مرتبط می‌شد و نکته دیگر در مورد شبکه وکالت بحث سلسله مراتبی بودن این شبکه است. شهرهای مختلف که وکلا در آن حضور داشتند تحت اداره وکیل اصلی آن منطقه بود و وکیل اصلی با وکیل بغداد ارتباط می‌گرفت تا به امام متصل می‌شد. از طریق شبکه وکالت و توصیه‌هایی که امام داشتند

مانند حفظ تقیه و شدت تقیه که در دوران سخت متوکل ضروری بود امام توانستند شیعیان را در این مقطع هدایت کنند.

بحث فرهنگ زیارت از مسائلی است که در این دوره مورد توجه بود. لذا در روایاتی از ایشان به اصل زیارت رفتن تاکید شده است مثلاً به یکی از اصحاب سفارش می‌کنند به کربلا برو و تحت قبه مرادعا کن یا روایتی از ایشان که درباره اهمیت زیارت عبدالعظیم سفارش شده است، و هم زیارتنامه‌هایی از آن حضرت روایت شده است از جمله زیارتنامه امیرالمومنین (علیه السلام) یا زیارت حضرت زهرا (علیها السلام) که در این زیارت به مظلومه بودن آن حضرت تاکید شده است. بنابراین معارف شیعه از طریق این زیارات منتقل می‌شد.

آن چیزی که در مورد صحیفه سجاده گفته می‌شود و اینطور مطرح می‌شود که امام سجاد (علیه السلام) با ابزار دعا مبارزه کردند و شیعه را حفظ کردند امام هادی (علیه السلام) هم با ابزار زیارت و زیارتنامه این کار را کردند. ایشان هم با تاکید بر خود زیارت رفتن و هم زیارتنامه خواندن تشیع را حفظ کردند و هدایت کردند.

فضایل زیارت جامعه کبیره

شیخ صدوق در کتاب من لا یحضره الفقیه و عیون اخبار الرضا (علیه السلام) از موسی بن عبدالله نخعی روایت کرده که گفت: خدمت حضرت امام علی النقی (علیه السلام) عرض کردم: یا بن رسول الله، مرا زیارتی با رسایی و تاثیر بیاموز که کامل باشد تا اینکه هرگاه خواستم یکی از شما را زیارت کنم، آن را بخوانم. فرمود: «چون به درگاه حرم رسیدی، بایست و شهادتین را بگو یعنی: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ؛ گواهی می‌دهم که معبودی جز خدا نیست، یگانه است و شریکی ندارد و گواهی می‌دهم که محمد بنده و فرستاده اوست.» در این هنگام باید با حالت غسل باشی؛ چون داخل حرم شوی و قبر را ببینی بایست و «سی مرتبه» «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگو، سپس اندکی با آرامش و وقار راه برو و در این راه رفتن، گام‌ها را نزدیک یکدیگر گذار؛ آنگاه بایست و «سی مرتبه» «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگو، پس نزدیک قبر مطهر برو و «چهل مرتبه» «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگو تا «صد تکبیر» کامل شود؛ و شاید چنان که مجلسی اول فرموده: وجه این صد تکبیر این باشد که اکثر طبایع مردم مایل به غلو در حق محبوبان خود هستند، مبدا از عبارات امثال این زیارت گرفتار غلو و افراط در اعتقاد و سخن شوند یا از بزرگی حق تعالی غافل گردند یا غیر این امور. این زیارت را بدان دلیل «جامعه» نامیده‌اند که:

الف) جامع يك سلسله كلمات فصیح و بلیغ در کمالات و مناقب ائمه اطهار علیهم السلام است؛
ب) با این زیارت همه ائمه را می توان زیارت کرد.

در اهمیت این زیارت همین بس که علی الظاهر شخصی که خدمت امام عصر علیه السلام یافته بود، نقل می کند حضرت فرمود: جامعه، جامعه، جامعه (مجلسی، ۱۳۶۰: ۱۸۱)
علامه مجلسی اول که این زیارت را شرح داده می گوید: چند سالی که در عتبات عراق مشرف بودم، ائمه معصومین علیهم السلام را جز با «جامعه کبیره» زیارت نکردم.

برای ما همین قدر کافی است که علامه مجلسی صاحب کتاب گرانقدر بحار الانوار درباره اهمیت این زیارت فرموده است:

إِنَّهَا أَصَحُّ الزِّيَارَاتِ سَنَدًا وَأَعْمَقُهَا مَوْرَدًا وَأَفْصَحُهَا لَفْظًا وَأَبْلَغُهَا مَعْنًى وَأَعْلَاهَا شَأْنًا؛

این زیارت از همه ی زیارت ها سندش صحیح تر و عمومیت جایگاهش بیشتر و از جهت الفاظ فصیح تر و از لحاظ معانی بلیغ تر و از حیث علو شأن عالی تر است». (مجلسی، ۱۳۶۰: ۱۴۴)

همچنین از پدر آن بزرگوار علامه محمدتقی مجلسی اول داستان جالبی که متضمن تقریر و تأیید حضرت امام زمان علیه السلام می باشد، نقل شده که فرموده است: در نجف که بودم وقتی در عالم رؤیا بلکه اگر بخواهم می گویم بین خواب و بیداری بودم که دیدم در سُرّ من رای (سامرا) هستم و جامه ی سبزی روی ضریح مطهر امامین عسکریین علیهم السلام انداخته اند و دیدم مولای ما حضرت صاحب الامر علیه السلام در داخل حرم نشسته و بر ضریح مطهر امامین تکیه کرده و روی آن حضرت به جانب در است. من تا آن حضرت را دیدم ایستادم و شروع به خواندن زیارت جامعه کردم. با صدای بلند مانند مدّاحان، زیارت که تمام شد حضرت فرمود: «نَعَمَتِ الزِّيَارَةُ؛ خوب زیارتی است این زیارت». من عرض کردم: آری ای مولای من، این زیارت از جدّ شماست و اشاره کردم به ضریح مطهر امامین علیهم السلام. آنگاه فرمود: داخل شو، داخل شدم و نزدیک در ایستادم. فرمود: پیش بیا. عرض کردم: می ترسم خلاف ادب بشود. فرمود: ادب در اطاعت امر است. جلو بیا. جلو رفتم. فرمود: بنشین. نشستم، مانند غلامی در حضور مولایش در حالی که تنم می لرزید. فرمود: راحت بنشین، تو زحمت کشیده پیاده آمده ای در این موقع از خواب بیدار شدم. از این رو برای من یقین حاصل شد که این زیارت از حضرت امام هادی علیه السلام است و کامل ترین و بهترین زیارات است و حضرت ولی عصر علیه السلام آن را تقریر و تأیید فرموده است. (قمی، ۱۳۸۵: ۴۴۴)

همچنین زیارت جامعه را شیخ طوسی و شیخ صدوق در کتاب‌های خود نقل کرده (صدوق، ۱۳۷۸: ۲/ ۲۷۷) و شخصیت‌های بزرگی تاکنون، به زبان فارسی و عربی، بر آن شرح نوشته‌اند.

ویژگی‌های زیارت جامعه کبیره

۱. آموزش آداب سخن گفتن

اولین ویژگی این زیارت آن است که امام علیه السلام ما را با آداب سخن گفتن با امام آشنا می‌کند که نخست با سلام و درود بر آن امام شروع می‌شود «سلام بر شما ای اهل بیت نبوت و جایگاه رسالت و عرصه رفت و آمد فرشتگان و مرکز فرود آمدن وحی و معدن رحمت و خزانه داران دانش و نهایت بردباری و ریشه‌های کرم و رهبران امت‌ها و سرپرستان نعمت‌ها» و پس از برشمردن برخی مناقب و اوصاف او، با جمله «و رحمت الله و برکاته» به پایان می‌رسد.

۲. رابطه امامان با خداوند

در این زیارت نامه، امام علیه السلام به رابطه امامان علیهم السلام با خداوند اشاره کرده و به جایگاه خدا در نظر امامان معصوم علیهم السلام پرداخته است و اهل بیت را برگزیدگان خدا معرفی می‌کند. «و شما را پسندید برای جانشینی در زمینش و دلایل محکمی بر مخلوقاتش و یاورانی برای دینش و نگهبانانی برای رازش و خزانه دارانی برای دانشش و محل نگهداری برای حکمتش و مفسران وحی اش و پایه‌های یگانه پرستی اش و گواهانی بر خلقش و پرچم‌هایی برای بندگان و مراکز نوری در کشورهایش و راهنمایانی بر راهش، خدا شما را از لغزش‌ها حفظ کرد و از فتنه‌ها ایمن داشت و از آلودگی پاک کرد و پلیدی را از شما زدود و پاکتان نمود، پاک کردنی شایسته».

۳. عملکرد معصومین در برابر دین خداوند

امام به عملکرد معصومین علیهم السلام در برابر دین خدا و اجرای تعهد و میثاقی که داشته‌اند اشاره می‌کند و اطاعت از اوامر خدا را توسط اهل بیت به خوبی توصیف می‌کند. «پس شما هم عظیم شمردید، شوکتش را و بزرگ دانستید مقامش را و ستودید کرمش را و ادامه دادید ذکرش را و استوار نمودید پیمانش را و محکم کردید گره طاعتش را و در نهان و آشکار برای او خیرخواهی نمودید و مردم را با حکمت و پند نیکو به راه او دعوت کردید و جان خود را در خشنودی او نثار نمودید و بر آنچه در کنار او به شما رسید صبر کردید و نماز را بپا داشتید و زکات پرداختید و به معروف امر نمودید و از منکر نهی کردید و جهاد فی الله نمودید، آن گونه که شایسته بود تا دعوتش را آشکار

کردید و واجباتش را بیان فرمودید و حدودش را بر پا داشتید و قوانین احکامش را پخش نمودید و روش او را انجام دادید و در این امور از جانب خدا به مقام رضا رسیدید و تسلیم قضای او گشتید و رسولان گذشته او را تصدیق نمودید.»

۴. همراهی امامان با حق

بیان دیگر امام هادی علیه السلام این است که حق، همراه امامان است و هرگز از آنان جداشدنی نیست و هرکه از آنان دور شود گمراه خواهد شد. امام در این زیارت تکلیف پیروان و مخالفان اهل بیت را مشخص می‌کند: «پس روگردان از شما خارج از دین و ملازمان ملحق شونده به شما و کوتاهی کننده در حَقَّتَن قرین نابودی است و حق همراه شما و در شما و از شما و به سوی شماست و شما اهل حق و سرچشمه آن هستید و میراث نبوت نزد شماست و بازگشت خلق به سوی شما و حسابشان با شماست و سخن جدا کننده حق از باطل نزد شماست، آیات خدا پیش شما و تصمیمات قطعی‌اش در شما و نور و برهانش نزد شماست و امر او متوجه شماست، آن‌که شما را دوست داشت، خدا را دوست داشته و هر که شما را دشمن داشت خدا را دشمن داشته و هر که به شما محبت و ورزید به خدا محبت و ورزیده و هر که با شما کینه‌توزی نمود، با خدا کینه‌ورزی نموده است و هر که به شما چنگ زد، به خدا چنگ زده است.»

۵. بحث ولایت پذیری

از وظایف مسلمانان که امام بر آن تاکید می‌کند بحث ولایت پذیری است که از اصول اصلی شیعه می‌باشد: «به برتری شما اقرار دارم، تحمل کننده دانش شمایم، پرده‌نشین پیمان و حرمت شما می‌باشم، به شما معترفم، به بازگشتتان مؤمنم، بازگشتتان را باور دارم، چشم به راه فرمان شمایم، در انتظار حکومت شما به سر می‌برم، گیرنده گفته شما هستم، عمل کننده به فرمان شما می‌باشم، پناهنده به شمایم، زائر شما هستم، ملتجی و پناهنده به قبر شمایم، خواهنده شفاعت به درگاه خدای عزوجل به وسیله شما می‌باشم و به سوی او به سبب شما تقرب می‌جویم و مقدم کننده شما پیش روی خواسته‌ام و حاجاتم و ارادتم در همه احوال و امورم، به نهان و آشکارتان و حاضر و غائبتان و اول و آخرتان ایمان دارم و در همه این‌ها واگذارنده کار به شمایم و در این‌ها به همراه شما تسلیمم». امام با اشاره به جایگاه رفیع امامان علیهم السلام در اسلام و مسلمانان، تصریح می‌کند که آنان شاهراه و راه راست و گواهان در دین و آن امانتی هستند که حفظش بر مردم واجب است.

۶. تولی و تبری

از جمله مواردی که در این زیارت امام به آن اشاره دارند تولی و تبری است. براساس آموزه‌های شیعی، تولی به معنای دوست داشتن، تصدیق و تبعیت، و پذیرش و گردن نهادن به ولایت خدا و پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام و در واقع همان دوست داشتن در راه خدا است و معمولاً در کنار اصطلاح تبری به کار می‌رود که به معنای دشمنی با دشمنان خداست. تولی و تبری از فروع دین بوده و از نظر فقهی واجب هستند. امام از جمله وظایف شیعیان را این مسئله می‌داند که دارای اهمیت بسیاری است. «به سوی خدا از دشمنانتان بی‌زاری می‌جویم و نیز بی‌زاری نمودم از جبت و طاغوت و شیاطین و گروهشان، آن ستم‌کنندگان به شما و منکران حقّان و خارج‌شدگان از ولایتان و غصب‌کنندگان میراثان و شک‌کنندگان در حقانیتان و منحرف‌شوندگان از حضرتتان و از هر آنچه به غیر شما وارد در دین شده و از دین نیست و از هر اطاعت شده‌ای جز شما و از رهبرانی که مردم را به آتش دوزخ می‌خوانند، پس خدا همیشه پابرجایم بدارد تا که زنده‌ام بر موالات و محبت و دین شما و به اطاعت از شما موقّعم فرماید و شفاعت شما را نصیب کند».

براساس مضمون این زیارت ما باید آمادگی خود را جهت دفاع از امامان نشان دهیم. امام در این زیارت به نکته بسیار مهمی اشاره می‌کند و آن این که تمام اعمال به پیروی از امامان مقبول می‌افتد.

۷. امامان تنها شفیعیان امت در قیامت

در پایان این زیارت، امام بزرگوار توجه شیعیان خود را به این مطلب جلب می‌کند که در نهایت همه امور دنیایی و با پایان این جهان و وقوع قیامت کبری تنها شفیعیان محشر اهل بیت علیهم السلام هستند و تنها راه نجات پیروی از آنان در دنیا است. «ای ولی خدا به درستی که بین من و خدای عزّوجلّ گناहانی است که آن‌ها را جز رضایت شما پاک نمی‌کند، پس به حقّ خدایی که شما را امین بر راز خود قرار داد و زیر نظر گرفتن زندگی بندگانش را از شما خواست و طاعت خود را به طاعت شما پیوند داد، هرآینه بخشش گناهانم را از خدا بخواهید و شفیعیان من شوید که من فرمانبردار شمایم، کسی که شما را اطاعت کرد، خدا را اطاعت نموده و هر که از شما نافرمانی نمود، خدا را نافرمانی کرده است و هر که شما را دوست داشت، خدا را دوست داشته و هر که شما را دشمن داشت خدا را دشمن داشته است. خدایا اگر من شفیعیانی را به درگاه تو نزدیک‌تر از محمّد و اهل بیتش، آن خوبان و پیشوایان و نیکان می‌یافتم، آن‌ها را شفیعیان خود قرار می‌دادم پس به حقّشان که برای آنان بر خود واجب کرده‌ای، مرا در گروه عارفان به آن‌ها و آشنای به



مدرسه علمیه امام خمینی (ره)

حَقَّشان و در شمار رحم شدگان به شفاعت آن بزرگواران وارد کن، به درستی که تو مهربان‌ترین مهربانانی و درود خدا بر محمد و خاندان پاکش و سلام خدا، سلامی بسیار، بر آنان باد و خدا ما را بس است و نیکو کارگزاری است.»

نکات دیگر درباره زیارت جامعه کبیره

زیارت جامعه کبیره که اقیانوسی موج از معارف الهی و مضامین عالی مشتمل بر معرفی مقام ائمه (علیهم‌السلام) است؛ به تعبیر علامه مجلسی (رحمه‌الله) از نظر سند و روایت از صحیح‌ترین و قوی‌ترین زیارات ائمه (علیهم‌السلام) است و یادگاری عظیمی است که در حرم هر یک از ائمه معصومین (علیهم‌السلام) آن زیارت را می‌خوانیم. از آنجاکه این زیارت، بر نقل نصوص مختلف، معتبرترین زیارات بوده و توصیه به خواندن آن در مشاهد مشرفه، اکیدا به چشم می‌خورد؛ توجه به مضامین مهم آن نیز باید مورد توجه قرار بگیرد.

۱. خاندان پیامبری

می‌گوید: خاندان پیامبری و نمی‌گوید: خاندان پیامبر: «السلام علیکم یا اهل بیت النبوه».

۲. عدم جدایی دین از سیاست

ائمه شیعه، تنها رهبران دینی مردم نبوده و سیاستمدارترین افراد روزگار خود نیز بوده و شعار جدایی دین از سیاست توطئه‌ای پرورش یافته توسط دشمنان دین است: «انتم ساسة العباد».

۳. سه برهه زمانی بسیار مهم و اهل بیت (علیهم‌السلام)

امامان شیعه در سه برهه‌ی زمانی بسیار مهم، حجت‌های بر مردم بوده‌اند:

الف) دنیا؛ ب) آخرت و ج) اولی

آیا تا به حال به این برهه زمانی فکر کرده‌اید که اولی کجا بوده است؟!

وَحُجَّجَ اللَّهُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَالْأُولَى.

۴. امن‌ترین راه رسیدن به خدا

آنچه که مسلم است و در لسان روایات به آن اشاره شده، این است که راه‌های رسیدن به خداوند، بسیار زیاد است اما آنچه باید بر اساس نص جامعه کبیره مورد توجه قرار بگیرد این است که امن‌ترین راه، طریق اهل بیت است:

السَّلَامُ عَلَى مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ.

۵. تأییدات با روح

بزرگترین فرشته الهی به نام روح که برخی از مفسران، ذیل آیات سوره قدر و آیه تنزل الملائکه و الروح فیها، اشاره به این مطلب داشته‌اند؛ که اعظم ملائکه الهی می‌باشد؛ همواره همراه اهل بیت عصمت و طهارت بوده است:

أَيَّدُكُمْ بِرُوحِهِ.

۶. اهل بیت (علیهم‌السلام) محک ایمان

آنچه بر اساس روایت مختلف بدان اشاره شده است، خاندان عصمت و طهارت، محک ایمان برای انسان‌ها هستند. هرکس ایشان را به عنوان نمایندگان الهی پذیرفت، نجات یافته و هرکس رو گردان شود، هلاک می‌گردد:

وَالْبَابُ الْمُبْتَلَىٰ بِهِ النَّاسُ مَنْ أَتَيْكُمْ نَجَىٰ وَمَنْ لَمْ يَأْتِكُمْ هَلَكَ.

۷. اهل بیت (علیهم‌السلام) جلوه‌ای از رحمة للعالمینی پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)

اگر خداوند، گناهان خلایق بیوشاند و لباس رحمت بر آنان، به واسطه اهل بیت (علیهم‌السلام) است که در برخی روایات داریم در روز قیامت، خیل کثیری از بندگان الهی را دستگیری می‌نمایند و ایضا در این دنیا به برکت حضور نورانیت ایشان، گناهان بخشیده می‌شود همانطور که در زیارت نامه‌ی آنها نیز اشاره شده است که زائر ایشان در حال معرفت، تمامی گناهانش بخشیده شده و مأوایش بهشت خواهد بود:

وَجَعَلَ صَلَواتَنَا عَلَيْكُمْ وَمَا خَصَّصْنَا بِهِ مِنْ وَلَایتِكُمْ طیباً لِخَلْقِنَا وَطَهارةً لِانْفُسِنَا وَتَزَكیةً لَنَا وَكَفارةً لِدُنُوبِنَا.

۸. دشمن شناسی و کشف کدهای کلامی اهل بیت (علیهم‌السلام)

مقوله بسیار مهم دشمن شناسی در مکتب اهل بیت در هر زمان مورد توجه ایشان بوده و به مناسبت‌های مختلف، کدهایی از جانب این انوار مقدسه صادر می‌شده تا دشمنان را به مردم، معرفی نمایند از جمله کدهایی همانند جبت و طاغوت که باید مورد توجه قرار گرفته شود:

وَبَرُّتُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَمِنْ الْجَبَّتِ وَالطَّاغُوتِ وَالشَّيَاطِينِ وَحَزْبِهِمُ الظَّالِمِينَ لَكُمْ وَالْجَا حِدِينَ لِحَقِّكُمْ وَالْمَارِقِينَ مِنْ وَلَایتِكُمْ وَالْغَاصِبِينَ لِارِثَتِكُمْ وَالشَّاكِّينَ فَيْكُمْ وَالْمُنْحَرِفِّينَ عَنْكُمْ وَمِنْ كُلِّ وَلِیَجَةٍ دُونَكُمْ.

۹. تاکید موكد و مجدد به خدائشناسی از درگاه اهل بیت (علیهم السلام)

هرکس خدا را بخواهد باید با اهل بیت شروع کند چرا که محل امن شناخت الهی، از درگاه خزان علم خواهد بود:

مَنْ أَرَادَ اللَّهَ بَدَأَ بِكُمْ.

۱۰. اهل بیت (علیهم السلام) دلیل رحمت واسعه الهی، بر خلایق

به عبارت دیگر همانطور که در حدیث معراج از زبان پیامبر اسلام نیز بدان اشاره شده است و نیز در احادیث قدسی متعدد هم مذکور است؛ اهل بیت (علیهم السلام) دلیل خلقت و واسطه رحمت الهی بر بندگان هستند:

بُكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَبُكُمْ يَخْتِمُ وَبُكُمْ يُنْزِلُ الْغَيْثَ وَبُكُمْ يُمَسِكُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَبُكُمْ يُنْفِثُ الْهَمَّ وَيَكْشِفُ الضُّرَّ وَعِنْدَكُمْ مَا نَزَلَتْ بِهِ رُسُلُهُ وَهَبَطَتْ بِهِ مَلَائِكَتُهُ.

۱۱. تمسک به اهل بیت (علیهم السلام) باعث نجات از گمراهی‌ها

خواستنی‌ها، فقط و فقط از این خاندان جائز است و چراغ هدایت در ظلمات گمراهی‌ها، خود خودشان هستند. به عبارت دیگر اشاره به احادیث متعدد در این زمینه دارد و ایضا زیارت خاص امیر المومنین علی (علیه السلام) که در هلاکات و پرتگاه‌های بسیار خطرناک، از دوستداران، دستگیری کرده و سنگینی‌های ایشان را به دوش می‌کشند:

وَبُكُمْ أَخْرَجَنَا اللَّهُ مِنَ الدُّلِّ وَفَرَّجَ عَنَّا غَمَرَاتِ الْكُرُوبِ وَأَنْقَذَنَا مِنْ شَفَا جُرْفِ الْهَلَكَاتِ.

۱۲. اهل بیت (علیهم السلام) باعث رشد فکری و جبران خسارات دنیایی

آشنایی با آل بیت پیامبری، آشنایی با معارف دینی و الهی است و در نتیجه جبران‌کننده خسارات دنیایی و آخری:

بِمُؤَالَاتِكُمْ عَلَّمَنَا اللَّهُ مَعَالِمَ دِينِنَا وَأَصْلَحَ مَا كَانَ فَسَدَ مِنْ دُنْيَانَا.

۱۳. بخشش فقط با نظر خاص اهل بیت (علیهم السلام)

خداوند گذشت از بندگان و بخشوده شدن آنان را در گرو رضایت اهل بیت پیامبر خویش قرار داده است بدین معنا که اگر این خاندان از کسی رضایت داشته باشند خداوند هم از او راضی خواهد بود:

إِنَّ بَيْنِي وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ذُنُوبًا لَا يَأْتِي عَلَيْهَا الرِّضَاكُمْ.

۱۴. برترین خلاق

در هستی و خلقت کسانی جز آل بیت پیامبری، برترین خلایق نزد خداوند نیستند حتی انبیاء و اولیاء. (اشاره به حدیث معراج فرمایش پیامبر اسلام ﷺ):

اللَّهُمَّ إِنِّي لَوْ وَجَدْتُ شَفْعَاءَ أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الْأَخْيَارِ الْأَيِّمَةِ الْأَبْرَارِ لَجَعَلْتَهُمْ شَفْعَائِي.

نتیجه‌گیری

امام هادی ﷺ وظیفه خود می‌دید تا از هر ظرفیتی برای بازخوانی و تبلیغ معارف بهره‌گیرد؛ اما این برای نخستین بار است که از قالب «زیارت‌نامه» در کنار «ادعیه» برای طرح آموزه‌ها در این سطح و با این تفصیل استفاده می‌شد.

شاید مهم‌ترین مسأله معرفتی شیعیان در عصر امام هادی ﷺ، درباره رهبری و امامت است. برخی شیعیان در یک قرن اخیر به تبعیت از افرادی، چون زید بن علی، نفس زکیه یا گروه‌هایی، چون فطحیه و واقفیه بارها از مسیر امامی مذهب‌ان جدا شده بودند. شک و تردید در این دوره، تا جایی بود که امام حسن عسکری ﷺ مدتی بعد، از شیعیان به دلیل شک و تردید درباره ایشان گله کردند. علاوه بر این، در طول این سال‌ها، همواره باور امامیه نسبت به امام ﷺ و ویژگی‌های او مورد تهاجم و گاه غیرقابل فهم و گاه نابخردانه خوانده می‌شد.

بنابراین، سخن گفتن از «بحران رهبری برای امامی مذهب‌ان» در شرایط سخت تقیه، سکوت و ابهام نابجا نیست. به همین دلیل، مهم‌ترین شاگردان مشهور امام هادی ﷺ کتبی با موضوع «امامت» نگاشته‌اند. با توجه به معنای مفهوم «زیارت»، به نظر می‌رسد زیارت‌نامه‌ها بهترین ظرفیت را برای طرح معارف یادشده دارند؛ برای نمونه، در معنای «زیارت» آمده است «زائر را از آن جهت زائر گویند که با زیارت شخصی، از دیگران عدول کرده و رو برمی‌گرداند.» از ویژگی‌های دیگر ساختار زیارت جامعه، کنش‌های گفتاری موجود در آن است که نشان می‌دهد این متن، در بهترین ساختار برای انتقال مفاهیم مهم معرفتی در این دوره استفاده شده است.

کنش گفتاری اظهاری: در کنش‌های گفتاری اظهاری، گوینده تعهد خود را به صدق گزاره‌هایی که اظهار می‌دارد، نشان می‌دهد. شیعیان امامی وقتی برخی صفات مطرح‌شده در زیارت جامعه، چون «ائم‌الهدی»، «مصاییح الدجی» و «اعلام‌التقی» را برای امامان خود به کار

می‌برند، به این ویژگی‌ها باور نیز پیدا خواهند کرد.

کنش گفتاری اعلامی: هدف از کنش‌های اعلامی، اعلام شرایط تازه‌ای برای مخاطب توسط گوینده است. برای نمونه مواردی، چون: «شهد انکم ائمه‌الراشدون، المهدیون المعصومون المکرمون المقربون...» را اعلام می‌کند.

کنش گفتاری ترغیبی: در کنش ترغیبی، گوینده تلاش می‌کند تا با به‌کارگیری جملات یا افعال خاصی، مخاطب را به انجام کاری ترغیب کند که یعنی امام نیز وظایفی در قبال شیعیان داشته و حتی در شرایط دشوار می‌تواند مشکلات شیعیان را شنیده و آسان‌کننده و بازکننده گره‌های زندگی آنان باشد. برای نمونه، در زیارت جامعه طرح عباراتی، چون: «خزان العلم»، «اصول الکرم» و «مساکن برکة الله» به نوعی نشان‌دهنده در خواست گوینده برای بهره‌مندی از گنجینه علم، مقام کریمانه و برکات وجودی امامان است.

کنش گفتاری عاطفی: این کنش، بیان‌کننده احساساتی از قبیل: علاقه‌مندی، عذرخواهی، تعریف و تمجید است. سلام دادن به ائمه که در جای جای این زیارت‌نامه مشاهده می‌شود و عباراتی چون «بأبی أئمت وأمی وأهلی ومالی وأسرتی»، از جمله این‌گونه کنش‌های گفتاری است که در زیارت جامعه به کار رفته است.

کنش گفتاری تعهدی: در این گونه از کنش‌های گفتاری، گوینده با قول دادن، پذیرفتن و نظایر آن‌ها، وعده انجام یا ترک کاری را در آینده به مخاطب می‌دهد. در یکی از فقرات زیارت جامعه، گوینده با بیان «رای لکم تبع ونصرتی لکم معده... و فمعکم معکم لامع عدوکم»، وعده و تعهدی را در پایبندی به مسیر مورد قبول ائمه می‌دهد. (توحیدی نیا، ۱۳۹۶: ۲۵۵-۲۵۹).

منابع و مأخذ

۱. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۳۴۳). *من لایحضره الفقیه*. ج ۲. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲. ابن بابویه (صدوق) محمد بن علی (۱۳۷۸ق). *عیون اخبار الرضا* علیه السلام. قم: انتشارات جهان.
۳. ابن بابویه (صدوق) محمد بن علی (۱۳۹۵ق). *کمال الدین*. ج ۲.
۴. اسکافی، ابن همام (۱۳۸۰ش). *منتخب الانوار*. ترجمه علیرضا هزار. قم: دلیل ما.
۵. اشعری، سعد بن عبدالله (۱۳۶۰ش). *المقالات والفرق*. ترجمه محمدجواد مشکور. تهران: نشر علمی فرهنگی.

۶. توحیدی‌نیا، روح‌الله (۱۳۹۶ش). قالب و مفاد زیارت جامعه کبیره و نیاز معرفتی امامیه در عصر امام هادی علیه السلام. *تاریخ اسلام*، سال ۱۸، ش ۷۱، ص ۲۴۳-۲۶۷.
۷. طبرسی، فضل بن حسن (۱۲۹۰ش). *اعلام‌الوری*. ترجمه: عزیزالله عطاردی قوچانی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۸. قمی، عباس (۱۳۸۵ش). *فوائد‌الرضویه*. قم: بوستان کتاب.
۹. مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۰ش). *بحارالانوار*. ج ۵۳. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۱۰. مفید، محمد بن محمد (۱۳۱۴ش). *الارشاد*. قم: مکتبه بصیرتی.
۱۱. نصر اصفهانی، اباذر (۱۳۹۳ش). کتاب شناسی زیارت جامعه کبیره. *فرهنگ زیارت*. ش ۲۴ و ۲۵.
۱۲. نوبختی، حسن بن موسی (۱۳۵۳ش). *فرق‌الشیعه*. ترجمه محمدجواد مشکور. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

بررسی مفهوم و مصادیق همراهی با امام

با تکیه بر تعالیم زیارت جامعه کبیره

نوید ابوطالبی^۱

چکیده

همراهی با امام از جمله مفاهیم دینی است که در منابع متعدد اسلامی از آن یاد شده است و به مضمون آن در آیات و روایات اشاره و بر لزوم آن تاکید شده است. پایبندی به این مفهوم دینی و توجه بر ایفای آن نقش بسیار مهمی در نیل جامعه به سعادت و کمال معنوی انسان دارد و یکی از مقدمات جامعه مهدوی می باشد لذا با توجه به این اثرات ضرورت دارد با بررسی منابع دینی به خصوص زیارت جامعه کبیره که در منابع روایی نقل شده است به بررسی مفهوم و مصادیق متعدد همراهی با امام پرداخته شود که این نوشتار درصدد آن است و با روشی توصیفی تحلیلی به این مهم می پردازد و به یافته‌هایی چون پیروی از امام در گفتار و کردار، لزوم تبعیت از امام، تبعیت از روش صادقین (ائمّه) و مصاحبت با آنان، پیشگیری از ایجاد فاصله میان انسان و امام، اقتدا به امام. ولایتمداری و برائت از دشمنان به عنوان مصادیقی از همراهی با امام دست یازید.

کلمات کلیدی

مفهوم، مصادیق، همراهی، امام، جامعه کبیره.

۱. دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

مقدمه

همراهی با امام و تبعیت از ایشان از جمله مباحث مهم در تعالیم اسلامی است و در قالب‌های متعدد و با الفاظ گوناگون در منابع اسلامی به آن پرداخته شده است. قرآن کریم به‌عنوان اولین و جامع‌ترین منبع شریعت اسلامی برای نخستین بار به این موضوع پرداخته است و آن را با لفظ مع مطرح فرموده است که حاکی از معیت، بودن و همراهی می‌باشد. پس از آن در روایات متعدد نیز معیت با امام و اطاعت از ایشان با استناد به این آیه شریفه از قرآن کریم مطرح شده است. بعدها در اقوال مفسران قرآن کریم و شارحان حدیثی نیز این معیت به طور کامل تفصیل داده شده است.

معیت نیز به همراهی ظاهری صرف اطلاق نمی‌شود و بنابراین آنچه در معیت و همراهی منظور است پیروی و اطاعت از امام و به لحاظ رفتاری در مکتب ایشان بودن می‌باشد.

همراهی امام در قرآن کریم

در آیات متعددی از قرآن کریم به بحث همراهی و تبعیت از امامان علیهم‌السلام اشاره شده است که از مهم‌ترین آیات در این خصوص آیه مشهور به صادقین می‌باشد. خدای متعال در این آیه شریفه خطاب به مومنان می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ. (توبه / ۱۱۹)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید و با راستی‌پیشگان باشید.

نکاتی که در این آیه باید بدان توجه شود، آن است که اولاً این آیه خطاب به مومنان است. بنابراین همراهی و تبعیت از صادقین از وظایف مومنان است؛ به عبارتی یکی از ارکان مهم ایمان آنان است که با آن ایمانشان کامل می‌شود ثانیاً توصیه به تقوای الهی مبین آن است که تقوای الهی از شرائط لازم برای همراهی با امام است و ثالثاً همراهی و تبعیت از صادقین بدون هیچ فاصله‌ای بعد از توصیه به تقوای الهی مطرح شده است که همه اینها اهمیت بحث را خاطر نشان می‌سازد.

همچنین آیه صادقین از آیاتی است که بر نصب الهی امامت، دلالت می‌کند و خداوند مؤمنان را به پیروی از صادقین امر فرموده است. وجوب همراهی مطلق از صادقین؛ مستلزم عصمت و خطاناپذیری صادقین است. عصمت امری درونی و پیچیده است که جز خداوند به آن آگاهی ندارد. ازین رو، نصب و تعیین مصداق صادقین تنها با نصب الهی صورت می‌گیرد و

بنابر روایات معتبر، مصداق صادقین، امام علی علیه السلام و دیگر معصومان علیهم السلام می باشند. (امیری، ۱۳۹۳: ۲۲۱) بنابراین پیروی از امام امری بسیار مهم در دینداری و تحقق ایمان فرد می باشد.

بررسی مفهوم همراهی با امام در آیه صادقین

در منابع متعدد دینی به خصوص در تفاسیر قرآن کریم مفاهیم متعددی برای همراهی با امام در آیه صادقین مطرح شده است در ذیل به برخی از آنها اشاره می شود:

۱. پیروی از امام در گفتار و کردار

علامه می نویسد چون فرموده: با صادقین باشید — با اینکه معیت و باکسی بودن به معنای همکاری کردن و پیروی نمودن است — از گزینه هایی هستند که دلالت می کنند بر اینکه مقصود از صدق، معنای مجازی و وسیع آن است، نه معنای لغوی و خاص آن. بنا بر این، آیه شریفه مؤمنین را دستور می دهد به اینکه تقوا پیشه نموده، صادقین را در گفتار و کردارشان پیروی کنند، و این غیر از آن است که بفرماید: «شما نیز مانند صادقین متصف به وصف صدق باشید» زیرا اگر آن بود، می بایستی بفرماید: «و از صادقین باشید» نه اینکه بفرماید «و با صادقین باشید». (طباطبایی، ۱۳۵۲: ۴۰۲/۹)

از معلی بن خنیس در این خصوص نقل شده است که از امام صادق علیه السلام درباره این سخن خدای تبارک و تعالی: «وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» پرسید. حضرت می فرماید: با اطاعت از آنان. (عیاشی، ۱۴۱۱: ۱۱۷/۲)

۲. لزوم تبعیت از امام

بهبهانی صاحب مصباح الهدایة در تبیین آیه و استدلال به آن چنین می نویسد: «روایات مستفیض از طریق شیعه و اهل سنت وارد شده است که صادقین در آیه کریمه اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله می باشند». سید بحرانی در کتاب غایة المرام ده حدیث از طرق شیعه و هفت حدیث از طرق اهل سنت آورده است. دلیل اینکه مقصود از صادقین در آیه کریمه — چنان که در احادیث فریقین آمده — امامان معصوم علیهم السلام می باشند، این است که اگر مراد از صدق (راستی) که در عنوان صادقین مأخوذ است، مطلق راستی بود که شامل هر مرتبه ای از آن می شد و صادقین هر کسی را که متصف به صدق در هر مرتبه ای باشد شامل می شد، می بایست در آیه کریمه «وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» تعبیر می شد و معنای آن این بود که بر هر مسلمانی لازم است از راست گویان باشد و از دروغ اجتناب ورزد. پس عدول از واژه «من» به واژه «مع»، نشان دهنده آن است که

منظور از «صدق»، مرتبه خاص و مقصود از «صادقین»، گروهی مخصوص بوده و مراد از «مع الصادقین» اتباع و پیروی از آنان است. (امیری، ۱۳۹۳: ۲۳۳) بنابراین تبعیت از امام از اصول مسلم اسلامی و مورد اتفاق مذاهب اسلامی دانسته شده است.

۳. تبعیت از روش صادقین و مصاحبت با آنان

یعنی راه و روش کسی را انتخاب کنید که در گفتار و کردار راستگو است و مصاحب و رفیق آنها باشید، چنانچه گویی «او در این مسئله با فلانی است» یعنی پیرو نظریه او است. (طبرسی، ۱۴۰۸: ۵/۱۲۲)

تعریف همراهی به مصاحبت که به مفهوم همراهی بسیار است گویای اهمیت بسیار همراهی با امام است.

۴. پیشگیری از ایجاد فاصله میان انسان و امام

مرتبه کامل صدق همان عصمت و طهارت است که با وجود آن، راستی و درستی در گفتار و کردار به طور کامل تحقق پیدا می‌کند. شاهد قطعی بر این مطلب اینکه اگر منظور از صادقین، غیر از امامان معصوم بود، با فرض اینکه در میان امت، به نص آیه تطهیر و اتفاق همه مسلمانان، معصوم وجود دارد، لازمه اش آن بود که بر تمام انسان‌ها حتی امامان معصوم لازم باشد که از غیر معصوم پیروی کنند و این عقلاً قبیح است. این مرتبه (عصمت) جز در خاندان پیامبر ﷺ وجود نخواهد داشت. شاهد دیگر اینکه خداوند تمام مؤمنان را در اول آیه به تقوا و پرهیز از گناهان امر فرموده و آن‌گاه آنان را به بودن با «صادقین» فرمان داده است و بودن با آنان، چیزی جز قرار گرفتن در قید اطاعت آنان و پرهیز از مخالفت با آنان نیست و امامت چیزی جز واجب بودن طاعت امام بر مأموم نمی‌باشد. بلکه اگر بخواهیم از امامت و ائتمام تعبیر دقیقی ارائه کنیم، بهترین تعبیر این است که بودن با امام و متابعت وی و جدا نشدن از او را مطرح سازیم. (بهبهانی: ۹۲ و ۹۱. به نقل از: امیری، ۱۳۹۳: ۲۳۴) لذا مومن باید همواره با امام الفت خویش را حفظ نماید چرا که مفهوم همراهی با امام و امامت همین است.

۵. اقتدا به امام

همراهی با صادقان تبعیت و اقتدا به ایشان است، یعنی مسلمانان بر اساس این آیه موظفند به صادقان اقتدا و از ایشان تبعیت کنند. روشن است که در اینجا مراد تبعیت از دستورات صادقان است. آیه «كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» اطلاق دارد و خداوند همراهی با صادقان را به زمان و

مکان و امر معینی مقید و محدود نساخته، بلکه به صورت مطلق به همراهی صادقان امر کرده است. (حسینی میلانی، ۱۳۸۹: ۲۴۰)

بنابراین از وجوه مهم همراهی با امام پیروی از فرامین آنان می باشد که محدود به ازمان و اماکن مشخصی نمی باشد.

«با صادقان باشید» به معنای اقتدا و تبعیت است و بنابراین باید این صادقان معصوم باشند، وگرنه تناقض لازم می آید. چون اگر معصوم از گناه و خطا نباشد ممکن است کار خلافی انجام دهد، که البته تبعیت از او در آن کار جایز نیست، و حال آن که امر به بودن با او و تبعیت از او مطلق می باشد و دلالت دارد بر این که هر چه می گوید یا انجام می دهد حق است. نتیجه این که در آن کار هم با او باشیم و هم نباشیم، و این محال است. پس باید «الصادقین» در آیه معصوم باشند. (حسینی میلانی، ۱۳۸۸: ۳/ ۴۱)

لذا با توجه به اینکه همه رفتار و اقوال امام حجیت دارد پیروی از ایشان نیز اطلاق دارد و همه اقوال و فرامین امام را باید تبعیت نمود.

۶. ولایتمداری و برائت از دشمنان

از هشام بن عجلان نقل شده است که گفت: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: از شما درباره چیزی می پرسم که هیچ گاه از کسی پس از شما نمی پرسم. از شما درباره ایمانی که مردم را در جهل آن عذری نیست، می پرسم؟ فرمود: شهادت به اینکه خدایی جز الله نیست و اینکه محمد صلی الله علیه و آله رسول خدا است و اقرار به آنچه از جانب خدا آورده است و خواندن نماز و دادن زکات و طواف خانه خدا و روزه گرفتن در ماه رمضان و ولایت ما و برائت از دشمن ما و اینکه با صدیقان باشی. (عیاشی، ۱۴۱۱: ۲/ ۱۱۷)

یکی دیگر از وجوه همراهی با امام علاوه بر ولایتمداری برائت از دشمنان و معاندان امام می باشد که در این روایت به آن اشاره شده است.

دلائل همراهی با امام

با توجه به اهمیت تعقل در فهم دین در ذیل برخی از دلائل همراهی با امام به منظور اثبات لزوم این مهم گزارش می شود:

۱. لغزش انسان و ممکن الخطا بودن او

خدایوند نخست مؤمنان را به تقوا امر می فرماید و همه کسانی را که شاید متقی نباشند، به

تقواورزی فرمان می‌دهد و مخاطب انسان‌های جائز الخطا می‌باشند و آیه بر این دلالت می‌کند که افراد جایز الخطا باید همواره با کسی باشند که از خطا معصوم است تا آن معصوم آنان را از خطا باز دارد و این مسئله در هر زمانی تحقق می‌یابد. پس آیه همه زمان‌ها را فرا می‌گیرد و ویژه زمان پیامبر صلوات الله و سلامه علیه و علی آله نیست. (حسینی میلانی، ۱۳۸۹: ۲۴۰)

بنابراین انسان احتمال لغزش دارد و همراهی با امام وی را از این لغزش‌ها مصون می‌دارد همچنین آیه عمومیت ازمانی دارد و در همه ادوار دلالت می‌نماید.

۲. جهل و بی‌اطلاعی انسان نسبت به همه امور

تمام افراد امت باید از امام متابعت کنند چون در امام علمی است که در هیچ يك از آنها نیست، و حضرت ابراهیم بر این اساس به سرپرست خود آزر امر به تبعیت می‌کند. (شفیعی، ۱۳۹۷: ۱۱)

لذا لزوم تبعیت و همراهی با امام به سبب علم بسیار امام و جهل بسیار انسان می‌باشد. لیکن باید توجه داشت از دیدگاه شیعه، حجیت و اطاعت امام علیه السلام در طول حجیت پیامبر صلی الله علیه و آله و خداوند است و شیعه نیز بر ارجاع حجیت قول امام علیه السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله و خداوند اذعان دارد. (سبحانی، ۱۳۹۳: ۹۹)

۳. اشراف امام بر تعالیم مورد نیاز بشر

دوران امامان اهل بیت علیهم السلام امتداد دوران رسول خدا صلی الله علیه و آله است و همان گونه که اطاعت پیامبر واجب است، اطاعت امام نیز واجب و لازم است و تفاوتی از نظر احکام در این میان وجود ندارد گو اینکه آنچه امامان علیهم السلام گفته‌اند توضیح و تفسیر آیات قرآن و سخنان جاویدان رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌باشد. (سماوی، ۱۳۷۵: ۲۸۸)

در این خصوص از امیرمومنان علیه السلام نقل شده است که: خداوند «امامت» را برای سازمان یافتن امور امت واجب فرمود. (نهج البلاغه: حکمت ۲۵۲)

بنابراین یکی دیگر از دلایل همراهی با امام اشراف علمی ائمه بر آیات قرآن و مباحث بنیادین دین می‌باشد زیرا آنان مخاطبان اصلی قرآن کریم می‌باشند چنانکه از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت شده است که می‌فرماید: «إِنَّمَا يَعْرِفُ الْقُرْآنَ مَنْ خُوطِبَ بِهِ». (کلینی، ۱۳۶۳: ۸/۳۱۱) همانا قرآن را آن کسی فهمد که به او خطاب شده.

شیعه معتقد است که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بیش از همه امور و احکام اسلامی، به امر خلافت و امامت، اهتمام ورزیده است و نه تنها وصی بعد از خود، بلکه تا دوازده وصی را که دوازدهمین



آنها آخرین اوصیای اوست، نام برده است. پیامبر ﷺ از اولین لحظات دعوت و آغاز بعثت از آنان یاد کرده است و در همه وقت و همه جا؛ در مکه و در مدینه، در خانه و بیرون، در مسجد و مجامع دوستان و در میدان جنگ، مستقیم و غیر مستقیم و در رفتار و قولا، بر امر ولایت و امامت، تأکید فرموده است. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۴: ۹۳)

در هیچ يك از ادیان آسمانی، حتی مکتب های سیاسی، به اندازه اسلام به امر امامت و خلافت، اهمیت داده نشده است. چه عظمت و اهمیتی بالاتر از این که اطاعت از «اولو الامر» به نص قرآن، در ردیف اطاعت از خدا و پیامبر دانسته شده است؟ به تصدیق عموم فرق اسلامی، مقصود از «اولو الامر»، «فرمانروایان» است. فقط گفتگو در این است که فرمانروایان، چه کسانی هستند؟ به عبارت دیگر، اختلاف فقط در شرایط و مصادیق است. امامت و پیشوایی، از نظر تمام فرق اسلامی، واجب می باشد و بر امت اسلامی، لازم است که از پیشوای عادل، پیروی کنند تا قوانین الهی را در بین آنان جاری سازد و با احکام اسلامی، جامعه آنان را رهبری کند. (همان)

گرچه اولوالامر در ظاهر شامل همه فرمانروایان و حاکمان می شود، اما با توجه به این که اطاعت از آن ها به طور مطلق واجب شده باید مراد تنها حاکمان معصوم باشد. چون اطاعت مطلق از غیر معصوم توجیه شرعی و عقلی ندارد. بنابراین، باید گفت: مراد از اولوالامر جانشینان پیامبر ﷺ و امامان معصوم ﷺ می باشند که بعد از پیامبر زمامداری و حاکمیت امت را بر عهده می گیرند و کشور اسلامی را اداره می کنند. در برخی احادیث نیز اولوالامر به معصومین از اهل بیت ﷺ تفسیر شده است. (امینی، ۱۳۸۸: ۳۲)

«اولوالامر» حتماً افرادی هستند که هیچ گاه در قول یا فعل آنها مخالفت کتاب و سنت دیده نمی شود و فعل و قول آنها به طور اطلاق بر امت حجّیت دارد و این امر ملازم با عصمت آنها است، و چون تمام افراد مسلمین چه شیعه و چه غیر شیعه غیر ائمه معصومین را معصوم نمی دانند بنابر این، آیه به طور اطلاق امت را بر لزوم اطاعت معصوم امر می کند که مراد ائمه طاهرين ﷺ می باشند. (شفیعی، ۱۳۹۷: ۳۱)

قرآن کریم اطاعت از امامان معصوم را در ردیف اطاعت از خدا و رسول قرار داده و آن را واجب دانسته است: ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا اطاعت کنید و از رسول خدا، و صاحبان امر (اولوالامر) خودتان اطاعت کنید. و اگر در چیزی اختلاف داشتید آن را به خدا و پیامبر ارجاع دهید، اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید. صلاح شما در این است و سرانجامی بهتر دارد:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا.
(نساء / ۵۹)

بنابراین ائمه ما کسانی اند که خدای متعال امر کرده است که ما با آن‌ها باشیم، از این رو در شهادت ثالثه زیارت جامعه کبیره به حضور آنان خطاب می‌کنیم که شما صادقید و خدا امر کرده است که ما با شما باشیم. (حسینی میلانی، ۱۳۸۸: ۳ / ۴۰)

بررسی مصداق صادقین

روایات متعددی نیز دال بر تعیین مصداق صادقین و همراهی با معصومان علیهم‌السلام نقل شده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» فی الکافی عن الباقر علیه‌السلام: إِيَّانَا عَنِ.
(فیض کاشانی، ۱۳۷۳: ۲ / ۳۸۷)

امام باقر علیه‌السلام درباره این فرموده خدای عز و جل: «اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» فرمود: ما را اراده کرده است.

مُوسَى بْنُ إِسْحَاقَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ علیه‌السلام أَنَّهُ قَالَ: فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ». قَالَ: نَحْنُ الصَّادِقُونَ مَا حَمَلْنَاهُ إِلَيْكُمْ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم وَعَنْهُ تَبَارَكَ اسْمُهُ. (ابن حیون، ۱۴۰۹: ۲ / ۵۰۶)

در این روایت امام بر صدق آنچه از جانب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل می‌نماید، تاکید می‌فرماید. مُحَمَّدٌ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ إِبْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا علیه‌السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» قَالَ: الصَّادِقُونَ هُمُ الْأَيُّمَةُ وَالصِّدِّيقُونَ بِطَاعَتِهِمْ. (کلینی، ۱۳۶۳: ۱ / ۲۰۸)

از امام رضا علیه‌السلام نقل شده است که: از ایشان درباره این فرموده خدای عز و جل: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» پرسیده شد. فرمود: صادقان همان امامان اند که سلام و درود خدا بر آنان باد، که در طاعتشان صدیقند.

این ادعا در مقام اثبات دلیل می‌خواهد. از این رو ائمه ما در طاعت، ایمان، تقوا، محبت به

خدای متعال و در دفاع از رسول خدا ﷺ و دین صدیق بودند. خدای متعال می فرماید: با راستگویان باشید. کون و بودن با راستگویان مقدمه دارد، هر کسی این توفیق را ندارد. نخست بایستی تقوا باشد، آن گاه بودن با صادقان غیر متقی لیاقت بودن با صادقان را ندارد. (حسینی میلانی، ۱۳۸۸: ۳ / ۴۰)

سَلِيمُ بْنُ قَيْسٍ الْهَلَالِي: فِي حَدِيثِ الْمُنَاشِدَةِ. قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَام): «فَأَنْشَدْتُكُمْ اللَّهُ جَلَّ إِسْمُهُ، أَنْتَعَلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ، فَقَالَ سَلَمَانُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَعَامَّةٌ هِيَ أَمْ خَاصَّةٌ؟ فَقَالَ: أَمَّا الْمُؤْمِنُونَ فَعَامَّةٌ لِأَنَّ جَمَاعَةَ الْمُؤْمِنِينَ أَمْرُوا بِذَلِكَ، وَأَمَّا الصَّادِقُونَ فَخَاصَّةٌ لِأَخِي عَلِيٍّ وَالْأَوْصِيَاءِ مِنْ بَعْدِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؟». قَالُوا: اللَّهُمَّ نَعَمْ. (بحرانی ۱۴۱۵: ۲ / ۸۶۴)

سلیم بن قیس هلالی آورده است که: - در حدیث مناشده - امیر مؤمنان (ع) فرمود: شما را به خدایی که نامش بس بزرگ است قسمت می دهیم، آیا می دانید که خدا این آیه: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» را (درباره که) نازل کرد؟ سلمان گفت: ای رسول خدا! این آیه عام است یا خاص؟ فرمود: اما مؤمنان (کلمه آمنوا)، آن عام است؛ چرا که همه مؤمنان به آن دستور داده شدند و اما صادقان، مخصوص برادر من علی (ع) و اوصیای پس از او که سلام و درود خدا بر آنان باد، تا روز قیامت است. گفتند: خدا را گواه می گیریم که بلی.

همچنین این آیه بر وجود صادقان به معنای مذکور در هر زمانی دلالت دارد؛ چرا که آیه برای عموم مسلمانان تا روز قیامت آمده است؛ یعنی ای مسلمانان! از امروز تا روز قیامت با صادقان باشید، لابد در هر زمانی باید یکی از این صادقان وجود داشته باشد، تا مردم با صادقان باشند؛ وگرنه امر به بودن با صادقان و اقتدا به آن ها، معنا نخواهد داشت. امام (ع) در این عالم وظیفه ای دارد و مردم با ایمان نیز وظایفی در رابطه با امام دارند، او هادی است و مردم باید به هدایت او اهتدا کنند. از طرفی، تحقق هدایت او در عالم - به تمام معنای هدایت - این است که او قدرت و نفوذ کلمه داشته باشد و جامعه شنوای سخن او باشند، و به طور واقعی از او اطاعت و تبعیت کنند (حسینی میلانی، ۱۳۸۸: ۳ / ۴۲).

در تفسیر عیاشی از ابو حمزه ثمالی نقل شده است که گفت: امام باقر (ع) فرمود: ای ابو حمزه! همانا فقط کسی که خدا را می شناسد، او را به حق می پرستد و اما کسی که خدا را

نمی‌شناسد، گویی غیر از او را پرستش می‌کند و گمراه است. عرض کردم: خدا خیرتان دهد، معرفت خدا چیست؟ فرمود: خدا را تصدیق کند و محمد ﷺ را به عنوان رسول خدا در موالات علی ﷺ تصدیق کند و به او و ائمه هدی که سلام و درود خدا بر آنان باد پس از او اقتدا کند و از دشمنشان به خدا برائت جوید، و عرفان خدا چنین است. گفت: عرض کردم: خدا خیرتان دهد؛ چه چیزی است که اگر به آن عمل کنیم، حقیقت ایمان را کامل نموده‌ایم؟ فرمود: از اولیای خدا اطاعت کنی و با دشمنان خدا دشمنی کنی و چنان که خدا به تو دستور داده است، با صادقان باشی.

گفت: عرض کردم: اولیای خدا چه کسانی هستند و دشمنان خدا چه کسانی هستند؟ فرمود: اولیای خدا، محمد رسول خدا ﷺ و علی و حسن و حسین و علی بن حسین ﷺ، سپس امامت به ما رسیده و سپس فرزندانم جعفر - و به جعفر درحالی که نشسته بود اشاره کرد - پس هرکه از اینان اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده است و چنان که خدا به او دستور داده است، با صادقان خواهد بود. عرض کردم: خدا خیرتان دهد، دشمنان خدا چه کسانی هستند؟ فرمود: بت‌های چهارگانه. گفت: عرض کردم: آنان کدامند؟ فرمود: آنان ابوفصیل و رمع و نعثل و معاویه‌اند و هرکه از راه و روش ایشان پیروی کند. هرکه با اینان دشمنی کند، با دشمنان خدا دشمنی کرده است. (عیاشی، ۱۴۱: ۲/ ۱۱۶)

لذا در یکی از فرازهای زیارت جامعه کبیره آمده است: «عَارِفٌ بِحَقِّكَ». (ابن بابویه، ۱۳۶۳: ۲/ ۶۰۹)؛ به حق شما عارف هستم.

تعبیر به «عارف» شده، نه «مؤمن»؛ زیرا ایمان، فرع معرفت و اطاعت، فرع ایمان است، و هر چه معرفت بیشتر باشد، ایمان بیشتر است، لذا از ما اوّلًا معرفت خواسته‌اند. هر کسی به حد وسع و توانش نسبت به ائمه ﷺ معرفت دارد و اطاعت می‌نماید. (حسینی میلانی، ۱۳۸۸: ۳/ ۲۸۱)

عَلَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَعَبْدِ اللَّهِ بْنِ الصَّلْتِ جَمِيعًا عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ﷺ قَالَ: ... ذِرْوَةُ الْأَمْرِ وَسَنَامُهُ وَمِفْتَاحُهُ وَبَابُ الْأَشْيَاءِ وَرِضَا الرَّحْمَنِ الطَّاعَةَ لِلْإِمَامِ بَعْدَ مَعْرِفَتِهِ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّى فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِظًا» مَا لَوْ أَنَّ رَجُلًا قَامَ لَيْلَهُ وَصَامَ نَهَارَهُ وَتَصَدَّقَ بِجَمِيعِ مَالِهِ وَحَجَّ جَمِيعَ دَهْرِهِ وَلَمْ يَعْرِفْ وَلَا يَكُنْ وَلِيَّ اللَّهِ فَيُؤَلِّهِ وَ

يَكُونُ جَمِيعُ أَعْمَالِهِ بِدَلَالَتِهِ إِلَيْهِ مَا كَانَ لَهُ عَلَى اللَّهِ جَلٌّ وَعَزٌّ حَقٌّ فِي ثَوَابِهِ وَلَا كَانَ مِنْ أَهْلِ الْإِيمَانِ.... (کلینی، ۱۳۶۳: ۲ / ۱۸)

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: بالاترین مرتبه امر دین و کلیدش و در همه چیز و مایه خرسندی خدای رحمان، اطاعت امام است، بعد از شناسائی او، همانا خدای عز و جل می‌فرماید: «هر که پیغمبر را فرمان برد خدا را فرمان برده است و هر که پشت کند، ما تو را به نگهبانی آنها نفرستاده‌ایم». همانا اگر مردی شب‌ها را به عبادت بپا خیزد و روزها را روزه دارد و تمام اموالش را صدقه دهد و در تمام دوران عمرش بحج رود، و امر ولایت ولی خدا را نشناسد تا از او پیروی کند و تمام اعمالش با راهنمایی او باشد، برای او از ثواب خدای جل و عزّ حقّ نیست و او از اهل ایمان نباشد.

بالاترین مرتبه امر دین و کلید آن و در همه چیز و مایه خرسندی خدای متعال اطاعت امام، بعد از شناخت و معرفت اوست. آن چه آدمی را به مراتب بالا می‌برد و به انبیا ربط می‌دهد و به رضای خدا می‌رساند، اطاعت امام است از روی معرفت. پس معرفت لازم است، سپس اطاعت. (حسینی میلانی، ۱۳۸۸: ۳ / ۲۸۲)

در نهج البیان، از امام باقر و امام صادق علیهما السلام نقل شده است که: «همانا صادقین در اینجا، همان ائمه پاکباز آل محمد که سلام و درود خدا بر آنان باد، می‌باشند.» (بحرانی، ۱۴۱۵: ۲ / ۸۶۵)

همراهی امام در زیارت جامعه کبیره

در زیارت جامعه کبیره در فقرات و فرازهای متعددی به این مضمون پرداخته شده است در ذیل برخی از اهم این فرازها نقل و بررسی می‌شود:

همراهی انحصاری با امام و تبعیت از ایشان

در این خصوص در زیارت مزبور خطاب به امام چنین مطرح می‌شود:

فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ غَيْرِكُمْ. (ابن بابویه، ۱۳۶۳: ۲ / ۶۰۹)

پس با شما هستیم با شما، نه با غیر شما.

معیت خود انوعی دارد که یکی از آنها معیت معنوی است که به نظر منظور این فراز همین می‌باشد. مثال برای معیت معنوی آن است که می‌گویند: فلانی با فلانی است؛ یعنی

از نظر عقیده، فکر و خط، گرچه هم دیگر را ندیده و ارتباطی با هم نداشته باشند. این معیت معنوی است. چون اگر کسی به کسی گفت: تو با فلانی باش؛ یعنی تابع او، مطیع او، همراه او باش، از نظر فکری و عقیدتی با او باش! اگر هیچ قیدی نداشته باشد باید چنین فردی معصوم باشد، وگرنه امر به این که با فلانی باش و او معصوم نباشد، تناقض لازم می آید. (حسینی میلانی، ۱۳۸۸: ۳/ ۴۳۷)

در شرح این فراز گفته اند: یعنی در باطن و در ظاهر همراه با امام بودن چه در ذهن و چه در زبان. (مجلسی ۱۴۰۶: ۵/ ۴۹۸) همچنین «معکم» یعنی اینکه اعتراض نداشتن به خدا در خصوص غیبت امام و عدم استیلای وی در دوران غیبت و مواردی دیگر از این دست بلکه همراهی یعنی تسلیم بودن به قضاء پروردگار همراه با آن حضرت و تسلیم و رضایت داشتن. (مجلسی، ۱۴۰۶: ۹/ ۲۷۶)

البته در برخی از نسخه ها به جای «فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ غَيْرِكُمْ» آمده است: «لا مع عدوكم». (ابن بابویه ۱۳۶۳: ۲/ ۶۱۴) به نظر می رسد این دو عبارت با هم فرق ندارد چون پیش تر گفتیم که در ادوار تاریخ دو خط صواب و غیرصواب بوده است و آن دو همیشه در برابر هم بوده اند. وقتی گفته می شود: او با شما هست، یعنی فکر، عقیده، حب، ارادت و عمل او، همه با شماست. چرا؟ چون شما حق هستید، پس ما عداای شما، باطل است، خط مقابل هر که می خواهد باشد، خط باطل است. از این رو بنا به هر دو نسخه، نتیجه یکی می شود. (حسینی میلانی، ۱۳۸۸: ۳/ ۴۳۷) لذا باید در همه امور ظاهری و باطنی همراه و پیرو واقعی امام بود تا همراهی با امام حاصل شود.

تبعیت از امام در رفتار و الگو قرار دادن ایشان

در منابع اسلامی پیرامون الگو و شرایط و تاثیرات آن بسیار بحث شده است. لذا با توجه اهمیت این مهم در فرازی از این زیارت چنین آمده است:

مُفَوِّضٌ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ وَ مُسَلِّمٌ فِيهِ مَعَكُمْ. (ابن بابویه، ۱۳۶۳: ۲/ ۶۰۹)

تفویض کننده کارها به شما، و واگذارکننده آنها به خدا به پیروی از واگذار کردن شما هستیم.

تسلیم در آن امر همراه با شمایم یعنی همان گونه که تو با علم به آن و آگاهانه تسلیم خدای متعال یا فرمان او شده ای، من هم تسلیمم، هر چند عقلم به آن نرسد. (مجلسی ۱۴۰۶: ۵/ ۴۹۸) بنابراین برای تحقق همراهی با امام باید امام را الگو قرار داد و در همه رفتار از ایشان تبعیت نمود زیرا رفتارهای امام همه آگاهانه و عارفانه و با شناخت لازم است.

همراهی حق با امام

یکی از وجوه تمایز میان همراهی با امام و غیر امام توجه به صواب و غیر صواب بودن آن راه و رفتار می باشد زیرا از مصادیق مهم و ویژگی ها در همراهی با امام حق بودن آن می باشد. در این خصوص در زیارت جامعه کبیره چنین مطرح می شود:

وَالْحَقُّ مَعَكُمْ وَفِيكُمْ وَمِنْكُمْ وَإِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ أَهْلُهُ وَمَعْدَنهُ. (ابن بابويه، ١٣٦٣: ٢ / ٦٠٩)

حقّ با شما، و در خاندان شما، و از جانب شماست.

همین مطلب با اضافاتی، در وافی، چنین گزارش شده:

والحق معكم وفيكم ومنكم وإيكم وأنتم أهلُه ومعدنه ومشواه ومنتهاه. (فيض

کاشانی ۱۴۰۶: ۱۴ / ۱۵۶۶)

پس یکی از وجوه مهم در شناخت و همراهی با امام توجه به حق و صواب بودن می باشد.

نتیجه گیری

همراهی با امام از مفاهیم دینی می باشد و در منابع متعدد اسلامی از آن یاد و بر لزوم آن تاکید شده است. قرآن کریم برای نخستین بار به این موضوع پرداخته است و پس از آن در روایات متعدد نیز معیت با امام و اطاعت از ایشان با استناد به این آیه شریفه از قرآن کریم مطرح شده است. در ادوار بعد مفسران قرآن و شارحان حدیثی نیز همراهی و معیت را به طور کامل تفصیل داده اند. لذا با بررسی های متعدد در همه این منابع مشخص شد که منظور از معیت همراهی ظاهری صرف نمی باشد و بنابراین آنچه در معیت و همراهی منظور است پیروی و اطاعت از امام و به لحاظ رفتاری در مکتب ایشان بودن می باشد و لذا همراهی امام در مصادیقی چون پیروی از امام در گفتار و کردار، لزوم تبعیت از امام، تبعیت از روش ائمه و مصاحبت با آنان، پیشگیری از ایجاد فاصله میان انسان و امام، اقتدا به امام، ولایتمداری و برائت از دشمنان ائمه متجلی می باشد.

منابع و مآخذ

١. قرآن كريم.
٢. نهج البلاغه.
٣. ابن بابويه، محمد بن على (١٤٠٤ق). من لا يحضره الفقيه. قم: مؤسسة النشر الإسلامي.
٤. ابن حيون، نعمان بن محمد (١٤٠٩ق). شرح الأخبار في فضائل الأئمة الأطهار عليهم السلام. قم: مؤسسة

النشر الإسلامي.

۵. امیری، سلیمان (۱۳۹۳ش). *امامت و دلائل انتصابی بودن آن*. تهران: مشعر.
۶. امینی، ابراهیم (۱۳۸۸ش). *امامت و امامان علیهم السلام*. قم: بوستان کتاب.
۷. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان (۱۴۱۵ق). *البرهان فی تفسیر القرآن*. تهران: بنیاد بعثت.
۸. تیجانی سماوی، محمد (۱۳۷۵ش). *همراه با راستگویان*. قم: بنیاد معارف اسلامی.
۹. حسینی میلانی، سید علی (۱۳۸۹ش). *جواهر الکلام فی معرفة الإمامة والإمام*. قم: مرکز حقایق اسلامی.
۱۰. حسینی میلانی، سید علی (۱۳۸۸ش). *با پیشوایان هدایتگر: نگرشی نو به شرح زیارت جامعه کبیره*. قم: مرکز حقایق اسلامی.
۱۱. سبحانی، محمد جعفر (۱۳۹۳ش). *منابع علم امامان شیعه*. تهران: مشعر.
۱۲. شفیعی، محمد حسن (۱۳۹۷ش). *امام شناسی*. بی نا. بی جا.
۱۳. فیض کاشانی، محمد محسن (۱۳۷۳ش). *تفسیر الصافی*. تهران: مکتبه الصدر.
۱۴. فیض کاشانی، محمد محسن (۱۴۰۶ق). *الوافی*. اصفهان: مکتبه الإمام أميرالمؤمنین علی علیه السلام العامة.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳ق). *الکافی*. تهران: دار الکتب الإسلامية.
۱۶. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۶ق). *ملذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار*. قم: کتابخانه عمومی آیت الله العظمی مرعشی نجفی علیه السلام.
۱۷. مجلسی، محمد تقی (۱۴۰۶ق). *روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه*. تهران: بنیاد فرهنگ اسلامی کوشانپور.
۱۸. یزدی مطلق، محمود همکاران. (۱۳۹۴ش). *امامت پژوهی*. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.



بررسی نقش اهل بیت (علیهم السلام) در جامعه از منظر کلام امیرمومنان (علیه السلام)

در خطبه ۱۰۰ نهج البلاغه

عطیه خاکشورنیا،^۱ فاطمه دهقان مهدی آبادی^۲

چکیده

اهل بیت به عنوان ادامه دهندگان حقیقی راه نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) نقش بنیادی در ایجاد و حفظ امنیت در جامعه دارند، از این رو رهبری اهل بیت بسیار حیاتی و ارزشمند است. پیشوایان معصوم (علیهم السلام) در هدایت مردم جایگاهی والا، نقش آفرین و زندگی ساز دارند؛ گرچه نمی توان تمامی فلسفه وجودی معصومین و جایگاه رفیع ایشان را فهمید و بیان نمود، اما می توان گفت یکی از مهم ترین فلسفه وجودی ایشان، «هدایت به امر» است، جایگاه و نقش انسان های کامل که پیشوایان معصوم می باشند، خلیفه الهی است و واسطه بودن در فیض بین خالق و مخلوق. در این نوشتار، نگارندگان تلاش نموده با استناد به منابع تفسیری اسلامی ضمن استناد به شرح خطبه ۱۰۰ نهج البلاغه، به نقش اهل بیت (علیهم السلام) در کلام امیر المومنین (علیه السلام) به تبیین این جایگاه والا در جامعه ی بشریت پردازند.

کلمات کلیدی

خطبه ۱۰۰ نهج البلاغه، اهل بیت (علیهم السلام)، پیشوا، هدایت، جامعه بشری.

۱. دانشجوی دکتری حقوق عمومی؛ مدرس دانشکده حقوق، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

a_khakshoor70@yahoo.com

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، واحد میبد،

یزد، ایران.

f_dehghan.ma@yahoo.com

مقدمه

از آنجا که اطاعت از اهل بیت علیهم السلام بنا بر دستور قرآنی آیه فی القربی واجب و خواست خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله می باشد و روایات زیادی بر وجوب محبت اهل بیت علیهم السلام دلالت می کند آثار مثبتی بر زندگی دنیوی و اخروی انسان می گذارد، همین طور دوری از اهل بیت علیهم السلام هم آسیب های زیادی دارد مثل این که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دوری از اهل بیت علیهم السلام را موجب گمراهی و لغزش قرار می دهد و در کتاب شریف الکافی امام صادق علیه السلام دوری از اهل بیت را سبب گمراهی و باعث و جذب و گرایش دشمنان ظاهری و باطنی قرار می دهد. این آسیب و پیامدها می تواند دنیوی باشد مثل گمراهی، سرگردانی، تنگی در رزق و روزی و... یا اخروی، مثل عذاب در عالم برزخ، فشار قبر سختی در حساب و... فردی باشد یا اجتماعی، از آثار که در حقیقت می شود گفت آسیب های اجتماعی فردی دنیوی می توان گمراهی و عدم قبولی عبادت در دنیا نام برد. قرآن و اهل بیت علیهم السلام دو عامل مهم برای هدایت و سعادت انسان می باشد این دو چیز گران بها همواره کنار هم بوده و خواهند بود، هیچ گاه از یکدیگر جدا نخواهند شد، و اگر کسی یکی از این دو چیز را بگیرد و دیگری را رها سازد بدبخت می گردد، این کلام در حدیث نبوی روشن است که در آن می فرماید: «انی تارك فيكم الثقلين ما ان تمسكتم بهما لن تضلوا بعدی كتاب الله و عترتی اهل بیتی و انهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض»، من دو چیز گران بها در میان شما می گذارم اگر با این متمسک باشید گمراه نمی شوید، و این دو هیچ گاه از یکدیگر جدا نخواهند شد تا وقتی که بر حوض کوثر بر من وارد شوند.

من خطبة له علیه السلام فی رسول الله و اهل بیته:

الْحَمْدُ لِلَّهِ النَّاشِرِ فِي الْخَلْقِ فَضْلَهُ وَالْبَاسِطِ فِيهِمُ بِالْجُودِ يَدَهُ، نَحْمَدُهُ فِي جَمِيعِ أُمُورِهِ وَ نَسْتَعِينُهُ عَلَى رِعَايَةِ حُقُوقِهِ؛

خطبه ۱۰۰ نهج البلاغه، خطبه ای کوتاه اما بسیار تکان دهنده و دارای محتوای غنی و تعیین کننده است. به لحاظ سند، به نظر می رسد که تمامی ناقلان این خطبه عمدتاً بر سندی تکیه کرده اند که شارح معتزلی، ابن ابی الحدید، در شرح خود نقل می کند. او با تأکید بر وضوح این نقل، حتی زمان ایراد خطبه را نیز بازگو می کند و بیان می کند که امام در سومین هفته از آغاز خلافت خود این خطبه را ایراد فرمود. این تأکید نشان دهنده وجود یک منبع معتبر و روشن برای نقل این خطبه در اختیار ابن ابی الحدید بوده است. عنوانی که برای این خطبه انتخاب شده



«فی رسول الله» است که از خطبه‌ای دیگر از امیرالمؤمنین در حال و هوای پیامبر و اهل بیت پیامبر گرفته شده است. عنوان کلی این خطبه به خوبی نشان‌دهنده موضوعات مهمی است که در آن مطرح می‌شود.

۱. اهل بیت علیہم السلام

اهل بیت ترکیبی از اهل و بیت می باشد. اهل: در لغت معنای متعددی دارد از جمله مردم، خاندان، زن، نجیب و اصیل و امت هر پیامبر را هم اهل گفته شده است، اهل خانه، اقارب و عشیره ... در جای دیگر اهل به معنای کسی که ازدواج کرده است، شامل می شود (بستانی: ۷۷۶). مثلاً گفته می شود استعمال اهل مرد برای زنش مجاز است و فرزندان نیز داخل در معنای اهل می شوند «سَارَ بِأَهْلِهِ» (قصص / ۲۹). بیت: به معنای خانه، اتاق، محل سکونت، منزل و غیره آمده است (مصطفوی: ۳۵۹). کلمه بیت در قرآن به معنای کعبه آمده است که اولین با برای انسان ها وضع شده است تا او را عبادت کنند و سجده کنند، «انَّ اَوَّلَ الْبَيْتِ وَضَعُ لِلنَّاسِ بَيْكَةً» (آل عمران / ۹۶).

اهل بیت در لغت به معنای ساکنان خانه، مردم خانه، اقارب، قریب یا خویشان از اقارب باشند یا از اباעדگفته می شود؛ یعنی اهل بیت به معنای خانواده می باشد (بستانی، ص ۵۲). در داستان حضرت ابراهیم علیه السلام «اهل بیت» به معنای همسر آمده است که خدای متعال می فرماید: «قَالُوا أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ» (هود / ۷۳). گفتند آیا از کار خدا تعجب می کنی رحمت خدا و برکات او بر شما خاندان (رسالت) باد بی گمان او ستوده ای بزرگوار است. همانطوری که مشاهد می کنید ملائکه این کلمه را برای همسر حضرت ابراهیم علیه السلام استفاده کردند و می بینیم این ماجرا زمانی را بیان می کند که هنوز حضرت اسماعیل و اسحاق به دنیا نیامده بودن و جز همسر حضرت ابراهیم کسی همراهش نبود که آیه شامل بر آن باشد، با توجه به این که در این آیه فرشته ها اهل بیت را برای همسران حضرت ابراهیم به کار بردند و این امر طبعی هم هست که همسر شخص اهل خانه ی او به حساب می آید، پس چرا در آیه تطهیر همسران پیامبر صلی الله علیه و آله جزء اهل بیت او به حساب نمی آیند؟ در پاسخ باید گفت: اگر صرفاً به معنای لغوی این واژه نگاه کنیم کلمه اهل بیت به همسران نیز شامل می گردد ولی گاهی دلیلی هم داریم که فرد یا افرادی را از این معنا خارج می کند مثلاً «أَنَّهُ لَيْسَ مِنَ الْهَلِكِ» (هود / ۴۶). فرزند نوح را از اهلش خارج می کند یا بالعکس شخصی را که جزء خانواده نیست ولی شامل خانواده

می شود مثل سلمان منا اهل البيت (مجلسی: ۲۹/۱۸). در آیه تطهیر هم روایات بسیاری داریم که پیامبر ﷺ با بردن افراد خاصی زیر عبا فقط آن ها را اهل بیت خود خوانده و اجازه فرمود حتی همسرشان ام سلمه وارد شود (قرائتی: ۹۳/۴). مراد از آیه معروف تطهیر پنج تن آل عبا می باشد مسلمانان با تبعیت از قول خدا این کلمه را برای اهل بیت رسول خدا ﷺ استعمال کرده اند، نویسنده کتاب قاموس می نویسد این کلمه این قدر شهرت دارد که اراده معنای دیگر محتاج قرینه است. (قرشی: ۱۳۸/۲)

علامه طباطبائی بیان می دارد: در عرف قرآن این کلمه اهل بیت اسم خاص برار خمسه طیبه است و ایشان پیامبر اکرم ﷺ و امام علی ﷺ فاطمه زهرا ﷺ و حسنین ﷺ می باشد و بر دیگران اطلاق نمی شود هر چند از اقربا و خاصان آن حضرت باشند و به حسب عرف عام اطلاق (اهل بیت) بر آن ها نیز صحیح می باشد (طباطبائی: ۳۱/۱۶). علاوه بر آیه تطهیر، در آیه مودت نیز چنین بیان می شود: «قُلْ لَا اسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (شوری / ۲۳) ای پیامبر ﷺ به مردم بگو من در قبال انجام رسالت خود هیچ مزدی از شما مطالبه نمی کنم جز محبت خویشان نزدیک من، آن گاه این آیه نازل شد. از رسول خدا ﷺ پرسیدند: «مَنْ قَرَابَتِكَ هَوْلَاءَ الَّذِينَ وَجِبَتْ مَوَدَّتُهُمْ عَلَيْنَا، قَالَ ﷺ: عَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ وَأَبْنَاهُمَا (اربلی: ۱۰۶/۱)؛ ای رسول خدا آن گروه از خویشان شما کیست که محبت آنان بر ما واجب اعلان شده چه کسانی هستند؟ حضرت فرمود: علی و فاطمه حسنین هستند.»

۲. بررسی نقش اهل بیت ﷺ در خطبه ۱۰۰ نهج البلاغه

قبل از ورود به موضوع اصلی این خطابه امام، وجود مبارک شان با حمد و ثناء الهی، سخن را آغاز می فرماید. فرمود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ النَّاشِرِ فِي الْخَلْقِ فَضْلَهُ»؛ حمد و ستایش از آن خداوندی است که نشرکننده و پراکننده در خلق و مخلوقات خویش از فضل خود دارد. به دنبال آن، «وَالْبَاسِطِ فِيهِمُ بِالْجُودِ يَدَهُ» و حمد از آن خداوندی است که بسط می کند و می گشاید دست خویش را به جود، میان مخلوقات و در میان بندگان خویش و آفریدگان. ابتدائاً امام در اینجا بر دو ویژگی از ویژگی ها و صفات حضرت پروردگار، ذات او را مورد حمد و ستایش قرار می دهد. بدیهی است اگر ما به شکل مطلق گفتیم «الحمد لله» یعنی «الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى جَمِيعِ الْأُمُورِ وَ جَمِيعِ الْحَالَاتِ وَ جَمِيعِ الْأَنْعَامِ» همهی امور را در بر می گیرد. اما هنگامی که یک ویژگی بعد از حمد می آید، تاکید بر این ویژگی است یعنی برای این مورد الان ما در حال ستایش و سپاس الهی هستیم.



امام ابتدائاً بر دو نکته خدا را حمد می‌کنند؛ بعد یک بیان کلی در مقام حمد الهی بازگو می‌فرماید.

نکته اول اینکه؛ «الْحَمْدُ لِلَّهِ النَّاشِرِ فِي الْخَلْقِ» حمد از آن خدایی ست که فضل خود را در میان بندگان و مخلوقات منتشر کرده است. کلمه‌ی فضل، احسان الهی است که فضل نامیده می‌شود. هرآنچه که داشته‌های مخلوقات الهی است، همه مخلوقات چه انسان و چه غیرانسان، نیست مگر نعمت‌هایی که ذات حق بر موجودات، مخلوقات و بندگان خود ارزانی کرده است. هر آنچه را که در هستی به وجود می‌بینیم، همگی مظاهر و مصادیق نعمت‌های الهی ست، احسان و انعام خداوند بر مخلوقات و موجودات هستی است.

اما نکته ظریفی که امام تأکید می‌کنند و به آن اشاره می‌نمایند، این است که ذات حق نه تنها به انعام بخشی به مخلوقات و بندگان خود پرداخته است، بلکه نعمت‌های خود را در حد بسندگی و کفایت برای انسان‌ها قرار نداده است. بلکه، او نعمت‌ها را به گونه‌ای عطا کرده است که فراتر از نیازهای اولیه و بقا باشد و این انعامات شامل انسان‌ها نیز می‌شود.

آیه ۲۰ سوره لقمان، «أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ» بعد از اینکه فرمود: آیا نمی‌نگرید، تأمل نمی‌کنید که خداوند آفریده است، مسخر کرده است، این آسمان و زمین را به گونه که نعمت‌های او متوجه منافع آن به سوی شما انسان‌ها باشد، بعد یکبار فرمود: «وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّنِيرٍ» و خداوند نه اینکه به شما نعمت داده است، نعمت‌های از جنس ظاهری و نعمت‌های از جنس باطنی، «أَسْبَغَ» اسبغ به معنای سرشاری، ریزش، بارش و فراوانی و فزونی و فضل است. خداوند نه اینکه به انسان‌ها در حد یک کفایت نعمت داده باشد، نه اینکه نیازهای انسان را برآورده کرده باشد، «وَأَتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَّا سَأَلْتُمُوهُ» فقط نیازهای ما باشد، نه! بلکه اساساً فراتر از نیاز به انسان، نعمت‌های خودش را در وجود مادی و معنوی قرار داده است. همه این ابعاد، نهفته در فضل الهی است و با کلمه فضل این را می‌بینیم.

امام به این نکته ابتدائاً تذکر دارند که «الْحَمْدُ لِلَّهِ النَّاشِرِ فِي الْخَلْقِ فَضْلَهُ» حمد و سپاس از آن خداوندی است که فضل خودش را در میان مخلوقات و خلق نشر داده است و گسترانده است. به دنبال آن فرمود: «وَالْبَاسِطُ فِيهِمُ بِالْجُودِ يَدَهُ» حمد از آن خداوندی است که به سبب جود، دست خود را در میان بندگانش بسط کرده است. دست گشاده است به جود در میان بندگان و مخلوقات. اینجا در ادامه بحث قبلی است، خداوندی که با فضل و فزونی با مخلوقات و

انسان‌ها عمل کرده است، جود خود را متوجه انسان‌ها کرده است؛ یعنی این گسترش، این سرشاری و این فزونی و فضل، از باب جود و بخشش خداوند سبحان است. تعبیر «بسط‌ید» به معنای گشاده دستی است.

تا اینجا بر دو ویژگی، امام خدا را حمد فرمود.

در ادامه بیان نمودند: «نَحْمَدُهُ فِي جَمِيعِ أُمُورِهِ» یعنی خدا را برای تمام امور الهی، تمام خلق خداوند، تمام تدبیر الهی، تمام آفرینش الهی، تمام نعمت بخشی و رزق بخشی الهی و همه امور حمد می‌کنیم. هدایت‌گری ذات حق و همه چیز خداوندی به تمام معنا، شایسته حمد و ستایش و سپاس است.

در ادامه، «وَنَسْتَعِينُهُ عَلَى رِعَايَةِ حُقُوقِهِ» هنگامی که خداوند با فضل خویش با انسان‌ها عمل می‌کند، و هنگامی که جود خودش را در میان انسان‌ها بسط می‌دهد، این فضل و این جود و همه‌ی امور الهی که استحقاق حمد دارد، موجب ایجاد حقوقی بر آدمیان می‌شود؛ یعنی هر نعمتی که خداوند سبحان به انسان می‌دهد، هر فضلی که متوجه انسان‌ها می‌کند، هر جودی که به انسان‌ها ارزانی می‌کند، لازمه‌اش این است که ما انسان‌ها شانه‌ما زیر بار فضل و جود خداوند، خمیده می‌شود و سنگین می‌شود. و ما تعهداتی را در قبال آنچه که ذات او به ما ارزانی می‌کند قطعاً برای ما ایجاد می‌شود؛ یعنی چه تعهداتی؟ یعنی اینکه حضرت پروردگار زمانی که هر نعمتی را به انسان‌ها ارزانی می‌کند، اولاً این نعمت به این جهت داده شده است که آدمیان را ارتقا دهد (کمال انسان است، نعمت نباید عامل زوال انسان‌ها باشد). نعمت‌های الهی پلکان ترقی است، مادی و معنوی که باید نردبان آسمان باشد برای انسان‌ها و ما را بالا بکشد. دوماً، خداوند راهکاری را برای تحقق این هدف قرار داده است که اگر نعمت بدین شکل و با این معیار به کار گرفته شود، قطعاً نتیجه و خروجی آن بلارفت انسان و ارتقای آدمیان و کمال انسان‌ها است. بنابراین عبودیت و بندگی چیزی نیست، جز حُسن بهره‌برداری و به بار نشاندن نعمت‌های الهی در جان و جهان.

نکته این است که این عبودیت اگر بخواهد محقق شود، در حد و توان ما نیست. ما به خودی خود این توان را نداریم که بخواهیم خدا را به غایت و اندازه، چنان بندگی و عبودیت کنیم، که از همه‌ی ظرفیت‌های ممکن نهایت استفاده و به اوج رسانی را کرده باشیم.

در قسمت دوم، امام می‌فرماید: «وَنَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ» و شهادت می‌دهیم که معبود به حقی جز ذات حق و غیر او وجود ندارد.

ما خود را در زمره شاهدین به وحدانیت خداوند قرار می دهیم. بعد از اینکه امام، نسبت به ذات حق و وحدانیت اقرار به شهادت می فرماید، الان زمان آن است که این مسیر وحدانیت کجا طی شده است؟ از کجا انسان ها به این معارف نسبت به ذات حق رسیده اند؟ بدیهی است از مسیر رسالت رسولان الهی و پیامبران است.

فرمود: «وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ» و شهادت می دهیم محمد عبد و رسول خداست. خاتم النبیین بنده کامل خداوند است.

«وَبِذِكْرِهِ نَاطِقًا، فَأَدَّى أَمِينًا وَمَضَى رَشِيدًا» امام در ادامه به سه وصف پیامبر اشاره می کند. «أَرْسَلَهُ بِأَمْرِهِ صَادِعًا» خداوند او را فرستاد که صادع به امر الهی باشد. امر که فرمان و همه اوامر الهی است، تمام آنچه را که خدا فرموده است و حقایقی که فرموده است.

کلمه «صادع» از ماده «صدع» به معنای شکافتن است و خداوند پیامبر را فرستاد که ناطق به ذکر خدا باشد، که مشعل ذات الهی را در دل انسان ها فروزان تر کند. انسان هایی که در این جامعه به غفلت زدگی مبتلا خواهد شد، حاجت به آن دارند که دم به دم از سوی الهی، متذکری باشد که آن ها را متذکر و یادآور کند. پس امام به ۲ نکته اشاره می نمایند: خدا، پیامبر را فرستاد که حقایق را برای انسان ها تبیین و آشکار نماید، دوماً، متذکر انسان باشند، زداينده غفلت انسان ها باشد و حجاب ها را از چهره ی انسان بردارد. پیامبر به تمام رسالتی که برای او تعریف شده بود و به تمام خواسته های امر الهی رسید، به تمام مقاصد و دستورات العمل ها عمل کرد. پیامبر در کارشان رشید بودند یعنی به ثواب و هدف خویش رسیدند و به تمام وظیفه عمل کردند. پیامبر با آن جامعه و با آن خمودگی عقول بشری، این بزرگ مرد آستین همت بالا زد و کار را به سامان رساند، این معنای رشید است.

«وَحَلَفَ فِينَا رَايَةَ الْحَقِّ»؛ پیامبر رفت، آیا با رفتن پیامبر باید مسیر هدایت الهی بسته شود؟ آیا هدایت انسان ها منوط به شخص پیامبر بوده است؟ خیر. «رایه» به معنای بیرقی که بلند و با عظمت است و از هر سویی دیده می شود. پیامبر مهم ترین نشانه و حقیقت را در میان امت خویش و در میان جامعه ی بشری باقی گذارد. «حدیث ثقلین» نشان دهنده معنای سخن است. «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعَتْرَتِي أَهْلُ بَيْتِي مَا إِن تَمَسَّكْتُمُ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا أَبَدًا وَإِنَّمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْصِ» پیامبر در اینجا فرمود: من دو چیز در میان شما باقی گذاشتم؛ کتاب قرآن و اهل بیت (علیهم السلام)؛ یعنی، من برای اثبات حق و حقیقت دو چیز گذاشتم، یک، نسخه ی جامع و کامل تبیین حقانیت الهی که قرآن است؛ که نیاز به مبین دارد و دوم، عترت، که نقش تبیین گر

و تحقق بخش آیات الهی را در میان امت خواهد داشت.

حضرت می‌فرماید: «مَنْ تَقَدَّمَ مَرَقَ» در قبال این رایه الحق و نشانه‌های حقانیتی که پیامبر باقی گذاشتند؛ انسان‌ها به ۳ گروه تقسیم می‌شوند: از روز نخست تا الان، انسان‌ها در مقابل این حق و حقیقت سه گروه خواهند شد. گروه اول، نسبت به گروه دوم خطر فزون‌تری دارند. «مَنْ تَقَدَّمَ مَرَقَ» کسانی که تقدم جستند و از دین الهی خارج شدند. این همان هشدار است که خداوند آغاز سوره‌ی حجرات داده است. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بر خدا و رسول پیشتازی نکنید. کسانی که به ظاهر قرآن را پذیرفتند، اما در عمل، فوق قانون عمل کردند. مرزها را دریدند. حدود قرآن و حدود رسول الله را زیر پا گذاشتند. این گروه و جماعت، سلايق و امیال خوشان را بر قرآن و عترت و پیامبر تحمیل کردند.

گروه دوم «وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا زَهَقَ»؛ کسانی هستند که دغدغه «رایه الهدی» و هدایت را نداشتند، هیچ مسئولیتی نپذیرفتند و هیچ تعهدی ندادند. ترجیح دادند به عیش، دنیا، زندگی و خواسته‌های خودشان بپردازند، دلخوش بودند به شرایط خودشان. گروهی که داخل این دغدغه نیستند، جاماندگان از حقیقت و فضیلت و هدایت.

گروه سوم «وَمَنْ لَزِمَهَا لَحِقَ»، کسانی که دغدغه وایستگی و پیوستگی هدایت و قرآن و عترت را داشته باشند، لحوق پیدا کرده است به کوی حقیقت و به آن رشدی که پیامبر می‌خواستند، رسیده است. و به سعادت دنیوی و اخروی نایل شده است.

امام در بخش دوم خطبه، به ویژگی‌های «رایه الحق» یعنی اهل بیت علیهم‌السلام می‌پردازد. «دَلِيلُهَا مَكِيتُ الْكَلَامِ»، به این معنا که حقایق در قالب کلمات و جملات، برخاسته از اندیشه و خرد بیان می‌شود. سخن‌گفتنی که با اندیشه، تفکر و تأمل است. «بَطْنُ الْقِيَامِ»، در مقام رفتار، این پیشوایان به لحاظ رفتاری، شتاب زده عمل نمی‌کنند. عمل آن‌ها، مبتنی بر این است که تمام جوانب، تمام آیات و خواتم و عواقب کار را بررسی می‌کنند. «سَرِيعٌ إِذَا قَامَ»، هنگامی که بعد از سنجش‌ها، مسئولیتی بر دوش گرفت ابتدا با آرامش رفتار می‌شود، اما اگر رسید به جایی که باید قیام کرد، سریع و با جدیت به آن امر می‌پردازد.

امام اشاره می‌کنند به «رایه الحق»ی که پیامبر در میان امت به جا گذاشتند. «حَتَّى يُطْلِعَ اللَّهُ لَكُمْ»، بدیهی است این منصب‌های الهی و این مقامات بلند جعل خداوندی دارد؛ یعنی «و جعلناهم أئمة يهدون بامرنا» این خداست که قرار می‌دهد این جایگاه‌ها و این پیشوا بودن و این امامت را برای آنان که می‌پسندند و انتخاب می‌کنند و در میان انسان‌ها، شایستگی پوشیدن

این ردا را به تن دارند. اساساً به طور کلی امامت ائمه و پیشوایان هدایت از مهم ترین فلسفه آن ها، تجمیع انسان ها و جمع انسان هاست چه به شکل فردی آن و چه به شکل اجتماعی. «مَنْ يَجْمَعُكُمْ» کسی که شما را جمع می کند و از این تشتت می رهاند. حضرت صدیقه طاهره در خطبه فدکیه می فرماید: «خداوند امامت ما را عاملی قرار داد برای پیشگیری از تفرقه و تشتت». این دو نکته دارد:

یک، تفرقه انسان هاست. استعداد های انسان ها در زندگی و توانایی های شان، تشتت پیدا می کند و در جهت و مسیر درست هدف و غایت آفرینش به بار نمی شنید، آن عاملی که باعث می شود انسان ها در مسیر کمال حرکت کنند و تشتت و تفرقه نداشته باشند، استعداد های شان شکوفا شود و به اوج برسند، آن است که تحت تعلیم پیشوا و امام الهی باشند. هرگاه انسان تن به تعلیم پیشوایان الهی دهد، آنجاست که وجود انسان مسلماً به شکوفایی خواهد رسید و در مسیر سلوک قرار می گیرد.

دوم؛ همینطور جامعه، وقتی جامعه تحت تعلیم یک رهبر حرکت می کند، وقتی از تفرقه، تشتت و اختلاف ها دست می کشند؛ این نقش رهبری واحد و امامت حق است که جامعه را جمع می کند و انسان ها به حقیقت می رسند و به تمام ظرفیت ها و امکانات و تعالی که برای جامعه ممکن است متصور باشد. پس، از اساسی ترین فلسفه های پیشوایان امامت، این است که انسان ها چه به شکل فردی و چه به شکل جمعی، از تفرقه و پراکندگی برون می آیند و به اتحاد درونی می رسند. بدیهی است که همه ائمه علیهم السلام چنین نقشی را داشته اند. از امیرمومنان علیه السلام گرفته تا امام حسن عسکری علیه السلام همه چنین نقشی را داشته اند، اما باتوجه به اینکه شرایط برای وجود خاتم الاوصیاء حضرت ولی عصر علیه السلام مهیاتر و جامع تر خواهد شد، این نقش اوج آن و قله ی آن توسط وجود مبارک امام عصر به بار می نشیند و به بشریت نشان داده می شود؛ یعنی ایشان هستند که «عین جامع کلمه التقوی»؛ یعنی بر کلمه ی تقوای الهی جمع می کنند، و حقیقت «رایه الحق» را عیان می کنند و آن شخصیتی است که می تواند تمام رضایت ها و تمام سلیقه ها را جمع می کند و در جامعه و آن اجتماعی درونی و برونی را به غایت حق برساند.

امام در ادامه می فرماید: «فَلَا تَطْمَعُوا فِي غَيْرِ مُقْبِلٍ» و «وَلَا تَيَأْسُوا مِنْ مُدْبِرٍ» روزگاران در جامعه بشری متفاوت است و انسان ها این را توجه داشته باشید؛ هیچ گاه امروز را و شرایط امروز را، فرصت ها و داشته های امروز خود را به قیمت فردای «غیر مقبل» فردایی که هنوز نیامده است، امیدهایی که پیش روست و ممکن است واهی باشد، گره نزنید و طمع به فردای غیر مقبل

نداشته باشید، بلکه به امروز و فرصت های امروز بیاورید. «وَلَا تَتَّخِذُوا مِنْ مُدْرِكِهِ» و از آنچه که اکنون برای شما پیش آمده است، مایوس نباشید، اگر مطلوب و موافق میل تان نیست و گمان نکنید کار تمام شده است، بلکه همین شرایط موجود می تواند امیدوارانه بهبود پیدا کند و شرایط مهیاتر گردد.

در قسمت پایانی خطبه بیان می شود: «حَتَّى يُطْلِعَ اللَّهُ لَكُمْ مَنْ يَجْمَعُكُمْ وَيَضُرُّكُمْ» آگاه باشید! مثال آل پیامبر (علیهم السلام) مانند ستارگان آسمان است. امام، نقش ائمه (علیهم السلام) را به ستارگان آسمان تشبیه می کنند. باید گفت، خداوند نور ستارگان را به دو صورت قرار داده است، یکی، نوری است که نور طبیعی مادی است که زندگی انسان ها را روشن می کند، اما نور دومی، در زندگی انسان ها وجود دارد که همان نوری است که «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (نور / ۳۵)، مراد از نور، هدایت الهی است، هدایت الهی سرمنشأ نور غیرمادی است و خداوند از ائمه به نور تعبیر می کند. چون، همانطور که نور مادی راه را به انسان نشان می دهد، نور معنوی که هدایت را به انسان می نمایند و انسان را هدایت می کند. پیشوایان هدایت هم نماد این نور هستند یعنی پیامبر سراج منیر است، ائمه مصداق تجلی نور هدایت هستند و وجودشان نور است، بنابراین، نقش هدایت گری دارند.

بنابراین، ریشه اینکه به ستارگان زمین هم لقب نجم و ستارگان آسمانی داده شود، همانطور که در آسمان این ستارگان زینت بخش اند و عامل هدایت گری هستند، در آسمان و کهکشان زندگی زمینی انسان ها هم خداوند ستارگانی قرار داده است که جامعه بشری را زینت می کنند و در عین حال، هدایت گری جامعه و نورانی بخشی در جامعه به وجود این بزرگواران وابسته است و ائمه (علیهم السلام) چنین نقشی را در میان جامعه بشری دارند. زینت جامعه بشری به این مفاخر بزرگ و نخبگانی است که برگزیدگانند و بالاترین شأن و شخصیت را دارند و وجودشان جمال خلقت و آفرینش الهی است. همانطور که ستارگان در آسمان، انسان ها را رهنمون می سازند؛ نقش ائمه هدایت گری ست و راهنمایی کردن جامعه بشری و جامعه انسانی است که انسان ها را هدایت کنند.

در جمله پایانی امام می فرماید: خداوند با وجود آل محمد (علیهم السلام) و با نقش حجت های الهی در جامعه بشری، هدایت گری و پیشوایی آن ها؛ اگر انسان ها در این مکتب زانو بزنند، شاگردی کنند، به معنای واقعی پذیرا باشند و شیعه گری کنند و پیوستگی در این مکتب داشته باشند، به تمام آمال و آرزوهای شایسته ای که بشریت دارد، در این مکتب می رسند. خداوند با وجود ائمه و

آل محمد ﷺ نشان داد و نشان می دهد هرآنچه تمنای شماسست، از حقیقت و فضیلت و سعادت و کامیابی. حیات طیبه در پناه این تعالیم به دست می آید.

نتیجه گیری

زندگی پیشوایان معصوم ﷺ در تاریخ اسلام در خور اندیشه و تأمل بسیار است. پیشوایان الهی، راهنمایان واقعی بشر به سوی تکامل انسانی هستند که به عنوان فروغ هدایت، کشتی نجات و رهبران دین معرفی شده اند. ایشان راست گویانی هستند که خدای متعال به واسطه ی عصمت شان، به همراهی و معیت آنان دستور داده است به نحوی که تمسک به آنان عامل فلاح و رستگاری و تخلف از آنان موجب سقوط و تباهی است. با عنایت به آثار وجودی و تأثیر روش و منش پیشوایان الهی در حیات انسان ها، شناخت و رعایت حقوق آن بزرگواران از مباحث راهبردی و تأثیرگذار در ابعاد اعتقادی و رفتاری بشر است.

آنچه پس از شناخت حقوق پیشوایان الهی مهم است، اجرا شدن این حقوق در جامعه ی بشری است؛ به این معنی که جایگاه پیشوایان الهی در عینیت زندگی انسان ها چگونه است و آیا آنان جایگاه واقعی خود را در واقعیات زندگی دارا هستند؟ در پاسخ به این سوال، در ضمن مقاله و با بررسی شرح خطبه صد نهج البلاغه، باید گفت اهل بیت ﷺ به نجم و ستارگان تشبیه گردیده اند، همانطور که در آسمان این ستارگان زینت بخش اند و عامل هدایت گری هستند، در آسمان و کهکشان زندگی زمینی انسان ها هم خداوند ستارگانی قرار داده است که جامعه ی بشری را زینت می کنند و در عین حال، هدایت گری جامعه و نورانی بخشی در جامعه به وجود این بزرگواران وابسته است و ائمه ﷺ چنین نقشی را در میان جامعه بشری دارند. زینت جامعه بشری به این مفاخر بزرگ و نخبگانی است که برگزیدگانند و بالاترین شأن و شخصیت را دارند و وجودشان جمال خلقت و آفرینش الهی است. همانطور که ستارگان در آسمان، انسان ها را رهنمون می سازند؛ نقش ائمه هدایت گری ست و راهنمایی کردن جامعه ی بشری و جامعه ی انسانی ست که انسان ها را هدایت کنند.

ولایت اهل بیت در طول همان ولایت خدا است لذا دوری از اهل بیت ﷺ سبب دوری از خدا و انکار ولایت هم موجب انکار نبوت و انکار توحید می گردد، چون امام صادق ﷺ فرموده است: «من انکر ذلک کمن انکر معرفة الله» هرکس امامت علی ﷺ را منکر گشت گویا خدا را انکار کرده است و در پرتو حدیث «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ بَايَمَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةَ جَاهِلِيَةٍ» برای دشمن اهل بیت ﷺ و کسی که ولایت اهل بیت را قبول نکرده مرگ با جهل است.

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. اربلی، علی بن عیسی (۱۴۰۳ق). *کشف الغمّه فی معرفه الائمه*. بیروت: دارالاضواء.
۴. انصاری، محمد علی (۱۴۰۲ش). *فروع حکمت؛ شرح نهج البلاغه*. ج ۸.
۵. انصاری، محمد علی (۱۴۰۲ش). *مشکاة؛ تفسیر قرآن کریم*. ج ۲۳.
۶. بستانی، فواد افرام (بی تا). *فرهنگ ابجد*. تهران: انتشارات اسلامی.
۷. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۵۹ش). *المیزان فی التفسیر القرآن*. تهران: فراهانی.
۸. قرائتی، محسن (۱۳۸۷ش). *تفسیر نور*. ج ۴. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۹. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۸۱ش). *قاموس قرآن*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۰. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸ش). *التحقیق فی کلمات القرآن*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

تاملی بر جایگاه دوازده امام علیهم‌السلام در معارف امامیه و تفاوت آن با دیدگاه اهل سنت و مسیحیت

رضا مختاری هاشم‌آباد^۱

چکیده

تکامل و تعالی انسان‌ها که ناشی از ربوبیت پروردگار است، مستلزم ارسال رسل و انزال کتب و گماشتن ائمه و اولیاء برای هدایت آنها است. با توجه به قطع مسئله نبوت که با بعثت حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم صورت گرفته: «مَا كَانَ مُحَمَّدٌ ابًا أَحَدٍ...» (محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پدر هیچ‌یک از مردان شما نیست، او رسول خدا و خاتم الانبیاء است (احزاب / ۴۰) و لزوم وجود چراغ‌های هدایت، برای اعتلای مقام انسان، موضوع «ولایت» و «امامت» مطرح و پیامبران اولوالعزم الهی حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و پیامبر قبل از ایشان حضرت عیسی علیه‌السلام هر کدام مبادرت به انتخاب و گماردن تعداد دوازده نفر برای ارشاد امت خود نموده‌اند. برگزیدگان در آئین نصارا «حواری» و در آئین اسلام «ولی» یا «امام» نامیده شده‌اند. تعیین نقشه راه حرکت جوامع و تبیین و تفسیر آیات کتب آسمانی و پاسخگویی به مسائل و پیش‌آمدهای زندگانی پیروان، از جمله اختیارات و مسئولیت‌های این برگزیدگان است. تبعیت پیروان هر آئین از این برگزیده شدگان وجه مشترک آئین‌هاست. با توجه به غیبت آخرین امام شیعیان، حضرت مهدی علیه‌السلام و اعتقاد به ظهور او در آخرالزمان و نیز توجه به مسئله عروج حضرت عیسی علیه‌السلام به آسمان بر اساس معتقدات مسیحیان که معادل با نظر قرآن و مسلمانان در رابطه با «توقی» روح حضرت عیسی علیه‌السلام توسط خداوند و ترفیع ایشان است: «اذ قال الله يا عيسى اتي متوفيك ورافعك الی» (آل عمران / ۵۵) و نیز با توجه به روایت مشهور و مهم اسلامی مبنی بر اینکه در آخر الزمان حضرت عیسی علیه‌السلام در معیت حضرت مهدی علیه‌السلام ظهور نموده زمین را از قسط و عدل مملو می‌نمایند، امید آن می‌رود که چنین رویدادی جامعه بشری تشنه از زلال عدالت و انسانیت را سیراب نماید.

کلمات کلیدی

ولایت، امامت، حواری، امام، اسلام، مسیحیت.

۱. دانشجوی دکتری ادیان و عرفان، واحد خوراسگان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.
rezamokhtarihashemabad1325@gmail.com

روش تحقیق

روش تحقیق، توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای است. این روش هم دارای جنبه کاربردی و هم جنبه مبنائی است که به توصیف نظام‌مند وضعیت فعلی موضوع می‌پردازد. (رفیع پور، ۱۳۹۲: ۷۰)

بنا بر اعتقاد فرقه شیعه، عدم شناخت امام در هر عصری توسط انسان‌های آن دوره به مثابه حیات جاهلانه و زندگی شرک‌آلود است. امامت در شیعه نوعی جایگزین شدن امام به جای نبی در تبیین و تفسیر دین می‌باشد. از این رو پس از رحلت پیامبر اسلام ﷺ، امامان یکی پس از دیگری تا ظهور امام عصر (ع) برای این مقام برگزیده شده‌اند. مسئله محوری معرفت امام و اقرار اطاعت از او اساساً امری ازلی و ابدی بوده که نشانه حضور حجت در میان انسان‌ها در تمام اعصار و قرون است. در این رابطه، قرآن کریم برای هر امتی امامت و رهبری مطاع را لازم می‌داند. «و یقول الذین کفروا لولا...» و باز به طعنه می‌گویند چرا خدا بر او آیت و معجزه‌ای نفرستاد؟ تنها وظیفه تو انذار و ترساندن خلق است و هر قومی را از طرف خدا، راهنمائی است. (رعد / ۷) لذا مسئله ولایت و امامت و انتخاب اوصیاء برای تمام پیامبران، سنتی حاکم بوده است. همانند سایر پیامبران حضرت عیسی (ع) نیز به منظور تبلیغ و تبیین آئین خود، تعداد دوازده تن از شاگردان ویژه خویش را با عنوان «حواری» انتخاب نموده، مسئولیت ادامه پیام رسانی رسالت الهی خود را به آنان وگذار کرده است. در اسلام نیز به موجب معتقدات فرقه «شیعه امامیه» حضرت محمد ﷺ نیز تعداد دوازده تن از یاران و نوادگان خود را تحت عنوان «امام» برای اطلاع رسانی، تبلیغ و حل و فصل مسائل مآلوق بعد از رحلت خود مشخص و اعلام نمود. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۳: ۲ / ۴۲۶)

برای روشن تر شدن موضوع نیاز جامعه به امام و راهنما، می‌توان به مثالی عینی و عملی اشاره نمود: همانطور که در مباحث فیزیکی، مثلاً برای آنکه دیواری کاملاً عمود بر سطح زمین احداث شود، تا از تخریب و سقوط آن جلوگیری می‌گردد، نیاز به وسیله‌ای به نام «شاغول» است، در مباحث متافیزیکی نیز برای آنکه فرد یا جامعه را طوری به عمل آورند که دارای ثبات و تعادل باشد نیاز به رهبر و راهنمایی است که سمت و سوی حرکت فرد یا جامعه را به درستی تعیین و هدایت نماید. «شاغول» بنایی تحت تأثیر نیروی جاذبه زمین کمک می‌کند که دیوار کاملاً عمود بر سطح افق بنا شود. در مورد افراد و جوامع، «امام» باید جهت حرکت و مسیر زندگی انسان‌ها را به سوی خداوند بنمایاند. به عبارت دیگر بنیان وجود و حرکت انسان باید توسط شخص «امام»



یا «ولی» به سمت جاذبه خداوند - که اصولاً در فطرت افراد نهفته است - هدایت گردد. از آنجا که افراد بنی آدم چه به صورت فردی و چه به صورت جمعی تحت تأثیر عوامل مادی و عوامل غیرمادی محیط قرار گرفته، از مسیر مستقیم الهی زاویه می‌گیرند، و این زاویه‌گیری با آنچه هدف خلقت انسان است که رسیدن به تعالی و تکامل می‌باشد منافات دارد، خداوند حکیم در قرآن مکرراً مسئله ولایت و امامت را مورد توجه قرار داده، بارها لزوم وجود امام و پیروی انسان‌ها از رهنمودهای اولیا را متذکر شده است. در سوره بقره دارد: «وَإِذْ بَلَّغْنَا إِبْرَاهِيمَ رَبَّهُ بِكَلِمَاتٍ...؛ هنگامی که خداوند ابراهیم (پیامبر) را به اموری چند امتحان فرمود، خدا به او گفت: من تو را به پیشوائی خلق برگزیدم. ابراهیم گفت: پیشوائی به فرزندان من نیز اعطا خواهی کرد؟ خداوند فرمود: عهد من به مردم ستمکار نخواهد رسید.» (بقره / ۱۲۴)

ابراهیم سر سلسله پیامبران الهی است و این مسئله که خداوند موضوع «ولایت» و «امامت» را با او مطرح نموده و شرایط نیل به این مقام والا را معین فرموده، نشان از اهمیت و عظمت موضوع امامت و ولایت برای جامعه بشری است و می‌توان استنباط نمود که جامعه بدون «ولی» یا «امام» نمی‌تواند مسیر هدایت، اعتلا و تکامل را پیماند. مشاهده می‌شود که خداوند در آیه مذکور «جعل» امام را به خود نسبت داده است. از سوی دیگر مسئله «امامت» در «شیعه امامیه» یکی از اصول مذهب است و بر آن اساس «ولایت» که حتی پس از قطع و خاتمه نبوت باید لاینقطع بر جامعه اسلامی حاکم باشد مورد تأیید و تأکید بسیاری از علما و بزرگان اسلامی است. توجه دقیق به متن آیات قرآن کریم و تأکیدات مکرر و اهمیت مسئله امامت و ولایت حاکی از آن است که این عامل نه تنها برای امامیه و غیر امامیه و اهل تسنن و فرق مختلف اسلامی لازم و ضروری است، بلکه از آنجا که قرآن به عنوان آخرین کتاب آسمانی برای همه انسان‌ها نازل گردیده در هر جای زمین که اجتماعی از افراد قرار است زندگی کنند، وجود «ولی» یا «امام» برای هدایت مادی و معنوی و اخلاقی و فرهنگی آنان الزامی خواهد بود. وجود امام برای جوامع انسانی تا بدان حد ضروری است که امام علی علیه السلام می‌فرماید: حتی وجود رهبر فاجر از نبودن رهبر برای جامعه بهتر است: «أَنَّهُ لَا بَدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ؛ هر جامعه نیاز به رهبر دارد، رهبری نیکوکار یا غیر آن.» (نهج البلاغه: کلمات قصار)

توجه به مدلول آیه ۱۲۴ سوره بقره نشان می‌دهد که مسئله ولایت و امامت که بعد از تثبیت مقام نبوت حضرت ابراهیم علیه السلام به ایشان تفویض شده از چه درجه ممتاز و رفیعی برخوردار است.

دیدگاه آئین پیغمبر خاتم بر اساس صریح آیه «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا ... (آل عمران / ۱۰۳)؛ همگی به ریسمان خداوند چنگ بنید و به تفرقه و پراکندگی نگرائید.» وحدت، یکپارچگی همگامی و همراهی همه انسان ها و به طریق اولی وحدت و یگانگی پیروان همه ادیان الهی و بیشتر از همه همبستگی و یکپارچگی رهروان پیامبر ختمی حضرت محمد ﷺ و پیامبران اولوالعزم ما قبل ایشان به خصوص حضرت عیسی بن مریم ﷺ و حضرت موسی بن عمران ﷺ است.

ولایت و امامت در اسلام

آیات فراوانی در قرآن کریم جایگاه والای ولایت و امامت را مطرح و تشریح نموده اند:

أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ ... (نساء / ۵۹)؛ اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید رسول و اولی الامر از خودتان را ...

اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا ... (بقره / ۲۵۷)؛ خدا یار اهل ایمان است. آنان را از تاریکی های جهان بیرون آورده به عالم نور برد ...

فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ... (یوسف / ۱۰۱)؛ تویی آفریننده زمین و آسمان، تویی ولی نعمت و محبوب من در دنیا و آخرت ...

لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ ... (انعام / ۱۲۷)؛ برای آنها در نزد خداوند دارالسلام و خانه آسایش است و خدا دوستدار آنهاست برای آنکه نیکوکار بودند ...

أَنْتَ وَلِيُّنَا ... (اعراف / ۱۵۵)؛ تویی مولای ما پس (به حکم ربوبیت) بر ما ببخش و ترحم کن که تو بهترین آمرزندگان ...

در آیه ای که خداوند حدود مرز وظایف و اختیارات پیروان از اولیاء را تعیین فرموده نکات مهمی را خاطر نشان می نماید:

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ ... (احزاب / ۳۶)؛ هیچ مرد و زن مومن را در کاری که خدا و رسول حکم کنند، اراده و اختیاری نیست (که رأی خلافی اظهار دارند) و هرکس نافرمانی خدا و رسول کند، دانسته به گمراهی سخت آشکاری افتاده است.

ولایت در دیدگاه بزرگان اسلام

ابن سینا: واجب است سَنَّت گذار (خداوند) اطاعت از خلیفه خود را بر مردم فرض گرداند. واجب است تعیین خلیفه به جز از طریق شارع و سنت گذار، از طریق دیگر تعیین نشود. تعیین

خلیفه به وسیله «نصّ» درست‌ترین طریق است؛ زیرا به سوی فرقه‌گرایی، جدائی، اختلاف و نزاع نمی‌خواند. (ابن سینا، ۱۳۵۹: ۸۵)

فارابی در تعیین رئیس مدینه فاضله یا «امام» دارا بودن دوازده خصلت مهم را شرط لازم برای احراز مقام ولایت و امامت می‌داند.

خواجه نصیرالدین طوسی می‌گوید: بحث امامت از آغاز تاریخ اسلام در همه کشورهای اسلامی مطرح بوده و باید بدانیم امام لطف است، چون با وجود امام مردم به اطاعت نزدیک واز معصیت دور می‌شوند. (طوسی، ۱۳۸۳: ۵۷)

علامه حلی می‌گوید: امام پیروی می‌کند از پیغمبر در تمام احوال؛ زیرا خلیفه و جانشین پیغمبر است، و هر کس از پیغمبر پیروی کند خدا او را دوست می‌دارد. «... فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ... از من تبعیت کنید تا خدا شما را دوست داشته باشید (آل عمران / ۳۱) (حلی، ۱۳۹۴: ۸۷)

مسأله غدیر زیربنای ولایت و امامت

سال دهم هجری پیامبر ﷺ عزم سفر حج نمود و اعلام کرد این آخرین حجی است که او انجام خواهد داد. «حَجَّةُ الْوَدَاعِ»، لذا مسلمانان برای بهره‌گیری بهتر و بیشتر از حضور پیغمبر ﷺ از اطراف و اکناف جامعه اسلامی آن روز به حج مشرف شدند. اعمال حج انجام شد و پیامبر ﷺ عزم مراجعت به مدینه نمود. در مسیر بازگشت از مکه به مدینه، به همراه جمع کثیری از مسلمانان در محل سرزمین «جحفه» جبرئیل بر پیامبر ﷺ نازل و آیه شماره ۶۷ سوره مائده را به این شرح ابلاغ نمود: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ... ای پیامبر آنچه را از خدا بر تو نازل شده به خلق برسان، که اگر نرسانی، تبلیغ رسالت و اداء وظیفه نکرده‌ای و خداوند تو را از شر و آزار مردمان محفوظ خواهد داشت. بیم مکن و دل قوی دار که خداوند گروه کافران را به هیچ راه موفقیتی راهنمایی نخواهد کرد.» (مائده / ۶۷)

لحن آیه بسیار محکم و شاید بتوان گفت تهدیدآمیز است. پیغمبر ﷺ مدت سیزده سال در مکه با انبوه مشکلات، مزاحمت‌ها، تهدیدها، زخم زبان‌ها و شکنجه‌های یاران در مقابل چشمش، تحریم اقتصادی چند ساله در «شعب ابیطالب» تحمل انواع اتهام‌ها و غیره، اسلام را تبلیغ نموده، وقتی از تصمیم کفار قریش بر قتلش مطلع می‌شود علی ﷺ را به جای خود گماشته، شبانه مخفیانه به اتفاق ابوبکر از مکه خارج شده، یکی دو شبانه روز در غار «ثور» در کوه‌های اطراف مکه مخفی گردیده و آنگاه از بیراهه عازم «مدینه» شده است. در مدینه اگر چه با استقبال

گرم انصار روبرو گردیده، ولی همزمان با ورودش به شهر با مخالفت یهود «بنی قریظه»، عدم همکاری مسیحیان نجران ناسازگاری سران قبایل عرب و توطئه ها و کارشکنی های منافقین مواجه شده، بایستی آماده جنگی طولانی مدت با کفار قریش در مکه گردد. لذا در طول مدت ده سال حیات مدنی و تبلیغ اسلام، تعداد بیست و هشت «غزوه» (جنگ هایی که پیغمبر ﷺ شخصاً در صحنه جنگ حضور داشته) و تعداد هشتاد «سریه» (جنگ هایی که پیغمبر ﷺ خود در صحنه جنگ حضور فیزیکی نداشته ولی تدارکات و تجهیز لشکر و هدایت آنها را بر عهده داشته است) و با فتح «مکه» و آن مدیریت بسیار نادر و کم نظیرش، که توانسته جلوی خونریزی در آن دیار مقدس را بگیرد و شهری را که مدت سیزده سال او و یارانش را شکنجه جسمی و روحی نموده به تصرف درآورد و ندای: «أَنْتُمْ الْأَطْلَقَاءُ» (همه آزاد هستید) را به گوش کفار قریش برساند، حال چه شده است؟ این چه آیه ای است؟ و این چه عمل فوق العاده مهمی است که باید انجام شود و تاکنون انجام نشده و ارزشش به تنهایی بیشتر از همه زحمات و جهاد و مقاومت و ایستادگی و هجرت و گسترش اسلام در سراسر جزیره العرب است؟ این آیه روز هجدهم ماه ذیحجه الحرام سال دهم هجری نازل و پیامبر ﷺ هفتاد روز بعد از آن در روز بیست و هشتم ماه صفر المظفر سال یازدهم هجری در مدینه رحلت فرمود. به تأیید همه مورخین در خلال این هفتاد روز آخر عمر رسول الله ﷺ به جز مسئله غدیر و انتصاب علی ابن ابیطالب به ولایت و خلافت پیامبر ﷺ هیچ اتفاق مهم دیگری رخ نداده است. بعد از روز غدیر تا رحلت پیغمبر ﷺ مهم ترین و برجسته ترین کار ایشان این بود که دستور داد سپاه بزرگی برای حمله به قوای روم «شام» حرکت کند. پیغمبر ﷺ «اسامه» جوان بیست ساله را به فرماندهی این سپاه بزرگ معین نمود (پدر اسامه در جنگ موته کشته شده بود). گفتند: این تصمیم برای آن بود که جوانان را به کار و عمل تشویق کند و نهضت جوانی را به دنبال آئین محمدی قرار دهد.

توجه به فراز بعدی آیه: «... وَاللّٰهُ يَعْصِيْكُمْ مِّنَ النَّاسِ ...» ؛ و خداوند تو را از شر و آزار مردم محفوظ خواهد داشت. اگر در فضای سنگین اجتماعی آن روز جامعه قبیله ای صدر اسلام که هنوز رسوبات جاهلی از اذهان مردم به طور کامل زوده نشده، مورد عنایت قرار گیرد، روشن می شود که در یک جامعه قبیله ای سنتی که بزرگان قوم و ریش سفیدان قبیله حضور فعال دارند و بعضاً پدر یکی از همسران رسول الله ﷺ هستند و مردم قبیله هنوز از آنان حرف شنوی دارند گذر از این بزرگان قوم و اعطای جانشینی به جوان سی و چند ساله ای، که اگرچه شایسته ترین فرد در جامعه آن روز عرب بود ولی این گزینش می توانست به راحتی موجب بروز اصطکاک و

حتی برخورد‌های خشن گردد. پس بی‌جهت نیست که خداوند برای تقویت روحی پیامبر ﷺ و امیدوار کردن ایشان به حمایت خود می‌فرماید: «...وَاللّٰهُ يَعْصُكَ مِنَ النَّاسِ ...»

رسول الله ﷺ روز هجدهم ماه ذیحجه الحرام سال دهم هجری بر مبنای دستور صریح در آیه مذکور در محل «غدير خم» به انتصاب علی بن ابیطالب ﷺ به عنوان خلیفه خود و امام امت اسلامی می‌پردازد. بدین منظور پیامبر ﷺ دست علی ﷺ را گرفته، آن را بلند نموده، او را به همه جماعت حاضر معرفی کرده و فرموده است: «أَلَسْتُ أَوَّلِي بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ؟ أَيَا مِنْ نَسَبٍ بِهٖ مُؤْمِنِينَ مِنْ خُودِشَانِ أَوَّلِي نِيسْتَم؟» همه افراد گفتند: «بلی» (آری چنین است) آنگاه پیامبر ﷺ فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاً فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ اللّٰهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَانْصُرْهُ؛ هر که من مولای اویم پس علی مولای اوست، پروردگارا دوست بدار هر که او را دوست می‌دارد و دشمن بدار هر که او را دشمن می‌دارد و یاری کن هر که او را یاری می‌کند».

نصب علی بن ابیطالب ﷺ به ولایت در همان محل «غدير خم» توسط پیامبر ﷺ انجام و همه جمعیت حاضر طی سه روز با علی ﷺ بیعت نمودند. ابوبکر و عمر نیز که در جمع حضور داشتند با علی ﷺ بیعت و ولایت ایشان را تبریک گفتند: «بِحَیِّ یَا بَنَیْ اَبِیْطَالِبٍ، اَصْبَحْتَ وَامْسَيْتَ مَوْلَایَ وَ مَوْلَى کُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ؛ تبریک ای پسر ابی طالب تو. همواره مولای من و مولای هر مومن و هر مومنه‌ای هستی».

دسته دیگری از آیات نازل شد و به معرفی مقام والای ولایت و جایگاه ویژه «امام» و «ولی» در عینیت جامعه پرداخت. «...الْيَوْمَ يَنْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ...؛ امروز کافران از اینکه به آئین شما اختلالی رسانند، طمع بریدند، پس از آنان بیمناک نباشید و از من بترسید (مائده / ۳) و «...الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ...؛ امروز دین شما را به حد کمال رسانیدم و بر شما نعمتم را تمام کردم و بهترین دین را که اسلام است برایتان برگزیدم. (مائده / ۳)

به هر حال واقعه «غدير» را عالمان اهل تسنن نیز به طور فعال در کتب تاریخی و غیر تاریخی‌شان آورده‌اند. مجموعه الغدير شاهد بر این مدعا است. به طور کلی در میان احادیث و روایات اسلامی کمتر حدیثی از نظر اشتها و نقل به پایه حدیث «غدير» می‌رسد. اسناد این حدیث به یکصد و ده تن صحابی پیغمبر ﷺ می‌رسد. حداقل بیست و شش تن از علمای بزرگ اسلام درباره اسناد این حدیث کتاب مستقل نوشته‌اند.

حبّ جاه و مال سبب شد پس از رحلت پیامبر ﷺ علی رغم آنچه به صراحت در غدير خم صورت گرفت بر سر خلافت پیغمبر ﷺ بین بزرگان قوم اختلاف افتد. سرانجام در سقیفه

بنی ساعده، ابوبکر به عنوان جانشین پیامبر ﷺ زمام امور مسلمین را به دست گرفت و از همانجا بود که مسیر حرکت الهی جامعه نوپای اسلامی به تدریج با آنچه حضرت رسول ﷺ تعیین نموده بود، زاویه گرفت. پس از خلافت دو ساله ابوبکر به دنبال او خلافت ده ساله «عمر» نوبت به خلافت عثمان رسید. این خلیفه به مدت سیزده سال زعامت مسلمین را به عهده داشت ولی دلیل سوء مدیریت و به کارگماشتن افراد غیر ذی صلاح در تمشیت امور جامعه مسلمین ملت مسلمان را به مسیری کشاند که امروز پس از گذشت چهارده قرن هنوز آثار مخرب این تصمیمات بر چهره تابناک اسلام غبار تفرقه و اختلاف و نابسامانی را به ضخامت قرن‌ها باقی گذاشته. (شهیدی، ۱۳۶۳: ۱۲۲)

تصمیماتی که پس از خلافت چهار سال و چند ماهه عدالتخواهانه امام علی ﷺ به عنوان خلیفه چهارم و تلاش‌های بی شائبه ایشان نتوانست مسیر حرکت جامعه اسلامی را به مقصد مورد نظر رسول الله ﷺ بازگرداند. لذا امام علی بن ابیطالب که سعی در اصلاح مسیر حرکت جامعه اسلامی داشت، در همین راه به شهادت رسید و دست امامان انتخابی پیامبر ﷺ از فرزندان و نوادگان امام علی ﷺ به تدریج از هدایت و رهبری دینی و سیاسی جامعه اسلامی کوتاه شد، لذا امامت امور جامعه اسلامی به مدت نود و دو سال به دست بنی امیه و بنی مروان و پس از آنها به مدت پانصد؟؟؟ و بیست و چهار سال تحت سیطره مخوف خلفای بنی عباس قرار گرفت. بر اثر عواقب فرمانروایی سوء ویرانگر این خلفا تا امروز رخسار بشاش اسلام را غمی فراگیر و نهاده شده پوشانده است. غم بزرگی که تلاش‌های دلسوزانه و گوناگون ائمه اثنی عشر معصومین ﷺ نیز نتوانست آن را بزدايد. اکنون معلوم می‌شود که چرا خداوند در آیه ۶۷ سوره مائده تا بدین حد اصرار بر تعیین خلیفه و جانشین رسول الله ﷺ دارد.

تعداد و اسامی ائمه شیعه امامیه

ائمه شیعه امامیه دوازده نفرند (به تعداد حواریون حضرت عیسی ﷺ). رسول خدا ﷺ با فرامین و روایات متعدد که از ایشان نقل شده جانشینان و حاملان میراث خود را به مردم معرفی کرده است. چنین امامی قدرت انحصاری خود را با دعوای سیاسی به دست نمی‌آورد؛ بلکه انتخاب او از طریق نص رسول الله ﷺ است و پس از وی نیز هر امامی می‌بایست پیش از رحلت، جانشین خود را معرفی و منصوب کند. از رسول الله ﷺ روایت شده است که فرمود:

إِنَّ خُلَفَائِي وَأَوْصِيَاءِي وَحُجَجَ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ بَعْدِي الْإِثْنَا عَشَرَ أَوَّلُهُمْ عَلَى وَآخِرُهُمْ

وُلْدِي الْمَهْدِي. (منتظر القائم، ۱۳۸۷: ۳۹ به نقل از: منابع اهل تسنن مانند: ينابيع المودة)

در احادیث نوح و جابر این اسامی بدین شرح آمده است:

۱. علی بن ابیطالب علیه السلام؛ ۲. حسن بن علی علیه السلام؛ ۳. حسین بن علی علیه السلام؛ ۴. علی بن الحسین علیه السلام (سجاد)؛ ۵. محمد بن علی علیه السلام (باقر)؛ ۶. جعفر بن محمد علیه السلام (صادق)؛ ۷. موسی بن جعفر علیه السلام (کاظم)؛ ۸. علی بن موسی علیه السلام (رضا)؛ ۹. محمد بن علی علیه السلام (جواد)؛ ۱۰. علی بن محمد علیه السلام (هادی)؛ ۱۱. حسن بن علی علیه السلام (عسکری)؛ ۱۲. حجة بن الحسن علیه السلام (مهدی).

هانری گربن در مقالات مستقل خود درباره ولایت و امامت امام مهدی علیه السلام اظهار می‌دارد که: «مهدویت آموزه‌ای اسلامی است که در عرفان اسلامی توانائی تبدیل شدن به یک نظریه یا دکتربین را دارد» او بر خلاف بسیاری از دین پژوهان غربی، نگرش مثبت و همدلانه‌ای به «مهدویت» ارائه می‌دهد. او امام را مظهر وجود باری تعالی و تجلی ذات او معرفی می‌کند و تذکر می‌دهد که این مظهریت نباید با مفهوم تجسد خداوند که در حکمت الهی دین مسیح علیه السلام مذکور و مقبول است، اشتباه گرفته شود و سپس می‌افزاید: «نزد شیعه امامیه مظهریت مذکور و شخصیت‌های مقدس دوازده امام است که آخرین آنها در سنین کودکی در سال ۸۷۴ میلادی (۳۲۹ق) با غایب شدن خود، تلاش قدرت‌های اهریمنی را برای نابودی ثروت معنوی امامت در روی کره زمین نقش بر آب ساخت. این امام در آخرالزمان به منظور برقرای حکومت نور مطلق ظهور خواهد کرد. (گربن، ۱۳۸۴: ۳۷)

نیاز جامعه به امام را با یک مثال فنی و عینی کاملاً قابل درک می‌توان به روشنی توضیح داد: می‌دانیم جریان برق در شبکه‌های منطقه‌ای چند کیلو ولت (چند هزار ولت) است و نیاز دستگاه‌ها و سیستم‌های برقی در اکثر قریب به اتفاق کشورهای جهان ۲۲۰ ولت می‌باشد. بدیهی است چنانچه جریان برق با ولتاژ چند کیلو ولت مستقیماً به دستگاه‌های برقی وصل شود بلافاصله دستگاه را از کار می‌اندازد (اصطلاحاً دستگاه را می‌سوزاند) برای پیشگیری از چنین وضعیتی سر راه برق فشار قوی یک دستگاه ترانسفورماتور کاهنده قرار می‌دهند تا برق فشار قوی را به برق با ولتاژ دویست و بیست ولت تبدیل و قابل استفاده در دستگاه‌های الکتریکی نماید. کاربرد امام در جامعه را می‌توان این‌گونه توضیح داد که: شدت آبشار عظیم عنایات الهی که به سوی جامعه بشریت سرازیر است را ظرفیت انسان‌ها قابل پذیرش نیست. در این میان «امام» یا «انسان کامل» این عنایات را دریافت، آنها را تعدیل و به بندگان خداوند می‌رساند و بدین‌گونه همه آفریده شدگان؛ اعم از انسان، حیوان و نبات و جماد از موهبات آن بهره‌مند می‌گردند و اگر انسان‌ها عاقلانه تصمیم بگیرند می‌توانند در پرتو هدایت امام جامعه زندگی مرقّه، سالم و توأم با



آسایش و آرامش را تجربه نمایند.

برخلاف مسیحیان که در حضرت مسیح علیه السلام متوقف شده‌اند و اهل سنت که در حضرت محمد صلی الله علیه و آله توقف نمودند و با ختم نبوت در ایشان، دیگر رابطه میان خالق و خلق را موجود نمی‌دانند، مذهب تشیع که «نبوت» را در حضرت محمد صلی الله علیه و آله ختم شده می‌داند، «ولایت را که همان رابطه هدایت و تکمیل می‌باشد، بعد از آن حضرت و برای همیشه زنده می‌داند. رابطه‌ای که از عالم انسان به عالم الهی حکایت می‌کند و این حقیقتی است زنده که هرگز نظر علمی نمی‌تواند آن را از لیست حقایق حذف نماید. همه «امامان» هادیان بر حق بوده و یک حقیقت زنده را دنبال می‌کنند و همه ادیان در اثبات این حقیقت زنده مشترکند. آری تنها مذهب «تشیع» است که به زندگی این حقیقت لباس استمرار می‌پوشاند (مکتب تشیع)

نتیجه‌گیری

هدف و مسیر حرکت انسان، به خصوص در آئین اسلام و نیز در سایر ادیان آسمانی، در راستای خواست پروردگار شامل تهذیب، تکامل و هدایت پیروان است. بدیهی است انجام این امور نیاز به رهبری و راهنمایی توسط خبرگانی دارد که مسیر را به خوبی بشناسند و خود عامل به حرکت در آن مسیر باشند.

آفرینش انسان با آن تعاریف و ویژگی‌های خاص: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ (بنی اسرائیل / ۷۰)؛ و همانا گرامی داشتیم فرزندان آدم را» و فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ (مؤمنون / ۱۴)؛ پس خجسته باد خداوند بهترین آفریدگار» از طرف خداوند، می‌طلبند که این آفریده ویژه که به موجب آیات قرآن دارای روحی از جنس روح خداوند است: «وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي (حجر / ۲۹)؛ (و دمیدم در او از روح خودم) مراحل گوناگون زندگی‌اش، تحت تأثیر جاذبه‌های قرآن و هدایت‌های ائمه اطهار علیهم السلام و بزرگان و نخبگانی که در راستای خواست پروردگار عالم حرکت می‌کنند، به سمت جاذبه‌های نیروی لایزال الهی ادامه یابد. این موقعیت‌های استثنائی می‌طلبند که برای تعالی و تکامل این اشرف مخلوقات از جانب آفریدگار رحمان و رحیم برایش تسهیلاتی فراهم آید تا بتواند به کمک آنها راه سعادت را بییماید. یکی از این تسهیلات نعمت ارزشمند عقل است که به انسان اعطا شده است. ولی از آنجا که این عقل می‌تواند تحت تأثیر عوامل مختلف، بخشی از کارائی خود را از دست بدهد، توسط خداوند پیامبران و راهنمایی‌هایی برای جلوگیری از انحراف او از مسیر حق قرار داده شده‌اند که با گفتار و کردار خود باعث هدایت فرد و جامعه گردند. لذا

ترتیبی اتخاذ شده است که در تمام طول عمر انسان، بعد از ختم مسئله نبوت هم، بلا انقطاع راهنماییانی تحت عنوان امام در جامعه حضور داشته باشند که با حضور خود به عنوان چراغ‌های هدایت برای فرد و جامعه باشند.

در مورد دوران آخر الزمان و غیبت امام دوازدهم دستور ایشان به آخرین نایب خود مبنی بر: «فَإِذَا الْوَقْعَةُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُؤَاتِ أَحَادِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ» راهکاری است که هر جوینده‌ای را به مسیر حق رهنمون می‌شود. (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ۲/ ۴۸۴)

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم. ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای. تهران: مؤسسه فرهنگی آدینه نگار.
۲. نهج البلاغه. سخنان امام علی (ع). ترجمه علینقی فیض الاسلام. تهران: جاویدان.
۳. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۳۹۵ق). کمال الدین و تمام النعمه. تهران: اسلامیه.
۴. ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۵۹ش). الهیات شفا. تهران: امیرکبیر.
۵. حلّی، حسین بن یوسف (۱۳۹۴ش). الفین. ترجمه محمد رحمتی شهرضا. قم: پیام علمدار.
۶. رفیع پور، فرامرز (۱۳۹۲). کندوکاوها پنداشته‌ها. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۷. رهنما، زین العابدین (۱۳۴۵ش). پیامبر. تهران، سازمان کتاب‌های جیبی.
۸. شهیدی، جعفر (۱۳۶۳ش). تاریخ تحلیلی اسلام. تهران: جهاد دانشگاهی.
۹. طباطبائی بروجردی، حسین (۱۴۰۷ق). جامع احادیث الشیعه. قم: مکتب شیعه.
۱۰. طوسی، نصیرالدین (۱۳۸۳ش). تجرید الکلام. ترجمه علی اکبر واعظ موسوی. قم: کتابخانه عمومی آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
۱۱. گربن، هانری (۱۳۸۴ش). مقالات گربن. تهران: حقیقت.
۱۲. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۶۳ش). تفسیر نمونه. قم: دارالکتب اسلامیة.
۱۳. منتظرالقائم، اصغر (۱۳۸۷ش). تاریخ امامت. قم: دفتر نشر معارف.

برداشتی آزاد از مبانی امام شناسی بر اساس زیارت جامعه کبیره با استناد موضوعی به برخی آیات قرآن کریم

احمد سلطانی^۱

چکیده

امامت یکی از اصول مذهب شیعه محسوب می شود و اسلام بدون امامت از نظر فقه شیعه پذیرفتنی نیست. نقش امامت در طول تاریخ شیعه، نقشی بی بدیل بوده است و اولیاء الهی با تاسی به این اصل مهم و اساسی، توانسته اند مذهب جعفری را از صدر اسلام تا کنون زنده نگه دارند. زیارت و ادعیه ای که از امامان به جای مانده، یکی از منابع مهم برای معرفی پیشوایان و در عین حال، هدایت بندگان و سالکان راه دین محسوب می شوند. زیارت جامعه کبیره یکی از این ادعیه است که از امام هادی علیه السلام، امام دهم شیعیان اثنی عشری، به یادگار مانده است. در این دعای شریف، مبانی و اصول مهم امامت و امام شناسی بیان شده اند. توحید، جایگاه امامت، امامت و رضای خداوند، امامت و اسرار الهی، امام داعی الی الله و ... برخی از مبانی و اصولی هستند که در این زیارت از آنها صحبت به میان آمده است.

کلمات کلیدی

زیارت جامعه کبیره، امام شناسی، ولایت، قرآن کریم، هدایت.

۱. کارمند دانشگاه آزاد اسلامی واحد پردیس و دانشجوی کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات عرب، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

ahmad3soltani@yahoo.com

مقدمه

شاید برای بیان اهمیت امام شناسی در هر عصر و دورانی، همین یک حدیث کافی باشد که «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ فَقَدْ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۱/۲۴۶). مرگ بدون شناخت امام، مرگ جاهلیت و نادانی است. البته که شناخت امام مراحل دارد و هر کسی را توان رسیدن به مراحل بالای آن نیست. به همین دلیل، تعدادی زیادی از گذشتگان با وجود ادعای اسلام و حتی ایمان، بدون شناخت امام زمانشان با مرگ جاهلیت، دنیای فانی را ترک نمودند.

این معرفت، شاید که نه، حتماً برای ما که امامان را با چشم ظاهر ندیده و نمی‌شناسیم، سخت‌تر هم می‌باشد. آنقدر سخت و جانکاه که در دعای افتتاح از این غم بزرگ ضجه می‌زنیم و به درگاه احدیت عرضه می‌داریم که: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَبَّيْنَا صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَغَيْبَهُ وَلَيْتَنَا...؛ خداوند! از هجر و دوری پیامبر و امام زمانمان به تو پناه می‌بریم و گله داریم...! (فرازی از دعای افتتاح؛ قمی، ۱۳۸۸: ۲۹۲)

با این حال سخت بودن کار، دلیلی بر عدم انجام کار نیست. منابع بسیاری در اختیار داریم تا به وسیله آنها با امام زمان آشنا شویم. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که الگوی دینی، اخلاقی، اجتماعی و... همه مسلمانان است، از این سختی کار آگاهی داشته و شاید به همین دلیل بوده که در حدیثی، اصحاب بعد از خودش را بالاتر از اصحاب دوران معاصر خود می‌داند:

أَخْبَرَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مُحَمَّدٍ... وَمَعَنَا أَبُو عُبَيْدَةَ بْنُ الْجَرَّاحِ فَقُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ هَلْ أَحَدٌ خَيْرٌ مِنَّا، أَسْلَمْنَا مَعَكَ وَجَاهَدْنَا مَعَكَ قَالَ: بَلَى قَوْمٌ مِنْ أُمَّتِي يَأْتُونَ مِنْ بَعْدِكُمْ فَيُؤْمِنُونَ بِي. (طوسی، ۱۴۱۴: مجلس چهاردهم، ۳۹۱).

... ای رسول خدا آیا از ما (اصحاب پیامبر) کسی بهتر هم وجود دارد؟ همراه با تو به خدا اسلام آوردیم و همراه با تو جهاد کردیم. (پیامبر صلی الله علیه و آله) فرمود: بله قومی از امت من که بعد از شما می‌آیند (و در حالی که من را ندیده‌اند، به من ایمان می‌آورند)، از شما افضلند.

طرح مساله

حال سوال این است: امام کیست و چه خصوصیتی دارد؟ یا به عبارت دیگر چگونه امام زمانمان را بشناسیم؟ ما در اینجا فقط به دو منبع اصلی شناخت امام می‌پردازیم:

۱. قرآن: مهم‌ترین و اولین مرجع نقلی امام‌شناسی در عصر حاضر قرآن است. عیاشی در تفسیر خود حدیثی از امام صادق علیه السلام در این باره نقل کرده که: «مَنْ لَمْ يَعْرِفْ أَمْرًا مِنَ الْقُرْآنِ، لَمْ

يَتَنَكَّبُ الْفَتَنَ (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱/۱۳)؛ هر کسی که امر ولایت ما را از قرآن نشناسد، از فتنه‌ها مصون نمی‌ماند.»

آیات متعددی در این کتاب آسمانی آمده که به صراحت یا اشارت، بر ضرورت وجود امام بعد از پیامبر تاکید دارند. شاید یکی از بارزترین و صریح‌ترین آیه، آیه ۵۵ سوره مائده باشد که می‌فرماید:

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ.

اگر چه ظاهر این آیه بیشتر از آنکه بر ضرورت وجود امام در دوره‌های مختلف تصریح کند، بر امامت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) تاکید دارد، اما اثبات امامت از طریق امام علی (علیه السلام) کار سختی نیست.

۲. کلام ائمه: دومین وسیله برای شناخت امام استفاده از کلام ائمه است. احادیث و ادعیه بسیاری که از امام اول تا دوازدهم به تناسب زمان و مکان به ما رسیده به خوبی نمایانگر چهره واقعی امام می‌باشند. یکی از این دعاها، زیارت جامعه کبیره امام هادی (علیه السلام) (قمی، ۱۳۸۸: ۸۳۲-۸۲۲) است که در آن به خصوصیات امام به صورت مستقیم پرداخته شده است. بحث اصلی ما در این مقاله هم پرداختن به همین موضوع است: مبانی امام شناسی بر اساس زیارت جامعه کبیره. زیارت جامعه کبیره از جمله زیارات مستند و معتبر شیعه است که اولین بار توسط شیخ صدوق با سند به ثبت رسید. (صدوق، ۱۴۰۴: ۲/۶۰۹). البته عالمان و محدثان بسیاری بعد از شیخ صدوق این زیارت را نقل کرده‌اند.

پیشینه تحقیق

کتب و مقالات بسیاری در زمینه امام شناسی و مبانی آن با استناد به زیارت جامعه کبیره نوشته شده است. اباذر نصر اصفهانی در مقاله‌ای که فصلنامه فرهنگ زیارت در سال ۱۳۹۸ با عنوان «کتاب شناسی زیارت جامعه کبیره» منتشر کرده است، به ۱۴۷ اثر در این خصوص، شامل ۸۳ عنوان کتاب، ۳۶ مقاله و ۲۸ پایان‌نامه اشاره نموده و سپس آنها را در سه گروه جداگانه طبقه‌بندی می‌کند. وی در ادامه این مقاله، پس از ذکر اطلاعات کتاب‌شناسی هر اثر، توضیح اندکی درباره آن در اختیار پژوهشگران قرار داده است. (نصر اصفهانی، ۱۳۹۴: ش ۲۴ و ۲۵، ص ۳۳۷-۲۹۳).

در مقاله مذکور، کتاب‌هایی مانند ادب فنای مقربان با موضوع شرح زیارت جامعه کبیره نوشته عبدالله جوادی آملی، اسرار الزیارة وبرهان الانابة با موضوع شرح مفاد زیارت جامعه کبیره، نوشته محمدتقی بن محمد باقر آقاجانی، اسرار دلبران با موضوع تأملی در زیارت جامعه کبیره تألیف

احمد سجادی و ... معرفی شده است.

مقاله پیش رو، کوشیده است تا با عنایت و استعانت از آیات قرآن کریم، به بازانندیشی مبانی امام‌شناسی بر اساس زیارت جامعه کبیره بپردازد. تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

بازانندیشی مبانی امام‌شناسی بر اساس زیارت جامعه کبیره

امام‌شناسی مراحل مختلفی دارد. ما در اینجا به شناخت مراحل بالای شناخت امام، کاری نداریم، چرا که این موضوع از توان ما خارج است. به همین دلیل صرفاً به ذکر برخی از مبانی ابتدایی امام‌شناسی در این زیارت جامعه می‌پردازیم.

زیارت جامعه کبیره مانند بسیاری از ادعیه، کتب و کلام معصومین، دریایی است که هر کس به اندازه توان خود می‌تواند در آن غوطه‌ور شده و از آن بهره‌جوید. شاید کسی بتواند با شنا کردن در اعماق آن به دُر و جواهر برسد، ولی یکی دیگر به صدفی خالی، هر چند زیبا که در لب ساحل پیدا می‌کند، قانع شود. در هر حال این زیارت، یک منبع کامل و جامع برای امام‌شناسی و قبل از آن توحید و خداشناسی است.

۱. توحید و نبوت در زیارت جامعه

زیارت جامعه کبیره با شهادت به توحید شروع می‌شود. همان کلامی که پیامبر آن را مایه رستگاری می‌داند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ، قُولُوا: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، تُفْلِحُوا وَتَمْلِكُوا بِهَا الْعَرَبَ وَتَذِلُّ لَكُمْ الْعَجَمُ». (ابن سعد، ۱۴۱۰/۱: ۲۱۶).

کلامی که در قرآن به صراحت دوبار (صافات / ۳۵ و محمد / ۱۹) و به اشاره مستقیم و غیر مستقیم صدها بار آمده است. کلامی که با توحید شروع نشده باشد، کلام کامل نیست و امام که گوینده عصاره کلام کامل است، معلّم این موضوع است و آن را به پیروانش انتقال می‌دهد. بعد از آن بلافاصله نوبت شهادت به نبوت می‌رسد. گویا که توحید بدون نبوت معنایی ندارد. توحید و نبوتی که خود مقدمه امامت هستند.

۲. سلام بر امام اهل بیت

دعا با سلام از زبان مرید، خطاب به مراد ادامه می‌یابد، زبان عبد خطاب به مولا، زبان ماموم خطاب به امام؛ و سلام به مراد و مولا و امام، باعث افتخار مرید و عبد و ماموم است. و اما بعد؛ امام باید از اهل بیت پیامبر ﷺ باشد. چرا؟

در ابتدای مطلب گفتیم که مهم‌ترین و اصلی‌ترین منبع شناخت امام، قرآن است. قرآن، بدون تعارف و صراحتاً اهل بیت را از بقیه مردم جدا نموده است: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب / ۳۳).

قرآن، محور است. عقب افتادن و جلو زدن از آن، جهالت و ضلالت است. امام اگر از اهل بیت باشد، خیلی از مسائل راحت‌تر حل خواهند شد. امامی که از اهل بیت باشد، آسان‌تر و کامل‌تر جایگاه رسالت را درک خواهد کرد. وقتی امام از اهل بیت باشد، جایگاه امامت عرصه رفت و آمد فرشتگان و مرکز فرود آمدن وحی می‌شود. معدن رحمت و مهربانی می‌شود. همان رحمت و مهربانی که خدا آن را بر خود واجب دانسته است: «كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ» (انعام / ۱۲) امام اهل بیت، خزانه دار دانش است. چرا که پیامبر فرموده: «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلَيَّ بَابُهَا، فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِ الْبَابَ.» (نیشابوری، ۱۴۱: ۳ / ۱۳۸).

امامی که از اهل بیت باشد، نهایت صبر و حلم و بردباری را دارد، چرا که امام اهل بیت، مصداق «وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم / ۴) است. کرم و بخشش در امام اهل بیت ریشه دوانده است. آنقدر که از انفاق و بخشش در حال نماز هم غافل نمی‌شود: «يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (مائده / ۵۵).

به واسطه این صفات، امامان اهل بیت علیهم‌السلام رهبران امت هستند، سرپرستان نعمت‌ها، بنیادهای نیکی، استوانه‌های خوبان، پایه‌های کشورها، درهای ایمان. خدا به چنین بندگان اعتماد می‌کند. چنین امامانی چکیده پیامبران می‌شوند و برگزیده آنان. سلام و برکات الهی بر چنین امامانی واجب می‌شود. اگر امامان را چنین شناسی، آنگاه ناخودآگاه بر زبان جاری می‌شود که:

هَذَا الَّذِي تَعْرِفُ الْبَطْحَاءُ وَطَائِفُهُ	هَذَا ابْنُ خَيْرِ عِبَادِ اللَّهِ كُلُّهُمْ
لَوْ يَعْلَمُ الرُّكْنُ مَنْ قَدْ جَاءَ يَلِثُمُهُ	وَالْبَيْتُ يَعْرِفُهُ وَالْحِلُّ وَالْحَرَمُ
هَذَا التَّقَى التَّقَى الظَّاهِرُ الْعَلَمُ	لَخَرَّ يَلِثُمُ مِنْهُ مَا وَطَى الْقَدَمُ

(فرزدق، ۱۹۸۴: ۲ / ۱۷۸)

می‌شناسد مکه او را جای هر پای و قدم	او بود فرزند پاک بهترین بندگان
رکن اگر داند چه کس آمد که بوسد جای او	باشد او نام آشنا بر خانه و حل و حرم
از بدی‌ها او منزّه، در طهارت او نشان	از تواضع خم همی شد تا که بوسد پای او

(ترجمه منظوم: نویسنده مقاله)

۳. امام، چراغ هدایت

امام پیشوای هدایت در عصر نبود پیامبر است. وقتی پیامبر نباشد، جهان در تاریکی فرو می‌رود و امام همچون مشعلی فروزان است در تاریکی مطلق. تاریکی مطلق، ضلالت و گمراهی می‌آورد و ضلالت و گمراهی، عقل و خرد را از کار می‌اندازد و باعث هجوم گناه و معصیت می‌شود. امام چون چراغی روشن، نشانه روشنایی، پاکی و پرهیزگاری است و دوباره عقل را به مسیر اصلی خود برمی‌گرداند. آیا انسان در تاریکی باشد بهتر است، یا با نور و روشنایی راه خود را پیدا کند؟

أَفَمَنْ يَمْشِي مُكِبًّا عَلَى وَجْهِهِ أَهْدَىٰ أَمَّنْ يَمْشِي سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (ملک / ۲۲)

انسان بدون امام «يَمْشِي مُكِبًّا عَلَى وَجْهِهِ» است و با امام «سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» می‌شود. امام پناهگاه انسان‌ها در دوران بی‌پناهی است. امام ورثه پیامبر و نمونه برتر و دعوت نیکوتر و حجت و رحمت و برکت خدا بر بشر، در دنیا و آخرت است. خدا به واسطه چنین کسی شناخته می‌شود و کسی که جایگاه شناخت خدا و مسکن برکات و حکمت‌های اوست، عالم به بعضی از اسرار الهی می‌شود. چنین کسی حامل علمی و عملی کتاب خدا و جانشین رسول اکرم اوست. چنین انسانی مانند پیامبر ﷺ لایق سلام خدا و رحمت و برکاتش است.

۴. امام، داعی الی الله و بقیت الله

امام داعی الی الله است. خدا در قرآن می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا (احزاب / ۴۵ و ۴۶)

امام که جانشین به حق پیامبر ﷺ است، ادامه‌دهنده راه ایشان و مصداق اصلی این آیه قرآن بعد از پیامبر می‌باشد. امام داعی الی الله که شد، با خوشنودی خدا خوشحال می‌شود و در راهنمایی و دعوت امر خود، استوار و پایدار می‌گردد. چنین می‌شود که محبت خدا بر امام کامل شده و امام هم در توحید خالص می‌شود.

امام داعی الی الله، امر و نهی خدا را بدون آنکه در قول و فعل بر آن امر سبقت گیرد، آشکار می‌کند. «لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِ يَعْمَلُونَ» (انبیاء / ۲۷).

وقتی در قول و عمل بر خدا پیشی نگیرد، مسلماً به فرمان او عمل خواهد کرد، و چنین کسی پیشوای دعوت‌کنندگان، پیشرو در هدایت‌شوندگان، رهبر دوستان و مدافع و حمایت‌کننده حامیان پروردگار خواهد بود. چنین پیشوایی از همه اهل ذکر و اولی الامر خدا سبقت خواهد

گرفت و مصداق بقیه الله روی زمین می شود که خدا در مورد آنان می فرماید: «بَقِیَّتُ اللّٰهِ خَیْرٌ لَّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِیْنَ» (هود / ۸۶).

امام بر همه آیین ها پیروز می شود. وارث خدا در روی زمین می گردد، اگر چه در ابتدا مورد استضعاف قرار گرفته باشد. و طبیعی است که مشرکان و کافران از این امر خوشحال نباشند. این اراده و خواست حتمی خداوند است:

وَنُرِیْدُ اَنْ نَّمُنَّ عَلَى الَّذِیْنَ اسْتَضَعِفُوْا فِی الْاَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ اَیْمَةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِیْنَ.
(قصص / ۵)

۵. امام، مخزن اسرار الهی

امام پیشوا و راهنما می شود. راهنما که شد، به درگاه حق راه می یابد، وقتی به درگاه حق تعالی راه یافت، از گناه دوری می کند و به مرتبه عصمت می رسد. چرا که مانند پیامبر، خدا نگهبان و عاصم او می شود. مصداق «وَاللّٰهُ یَعِصُّمُكَ مِنَ النَّاسِ» (مائده / ۶۷).

امام معصوم، محترم، کریم و مقرب درگاه احدیت می شود. متقی، صادق، منتخب و گوش به فرمان او می گردد. به فرمانش قیام و به خواسته اش عمل می کند و به سخاوت و کرامتش نایل می شود. در این مرحله امام برگزیده می شود تا خدا بخشی از علم لدنی اش را در اختیار او قرار دهد و امام اینگونه مخزن بعضی از اسرار الهی می گردد. همان گونه که خود می فرماید:

وَمَا كَانَ اللّٰهُ لَیُظِلِّعَکُمُ عَلَی الْغَیْبِ وَلَکِنَّ اللّٰهَ یَجْتَبِیْ مِنْ رُّسُلِهِ مَنْ یَّشَآءُ. (آل عمران / ۷۹)

و نیز:

عَالِمُ الْغَیْبِ فَلَا یُظْهِرُ عَلَی غَیْبِهِ أَحَدًا اِلَّا مَنْ اَرْتَضٰی مِنْ رَّسُوْلٍ... (جن / ۲۶ و بخشی از آیه ۲۷).

و چه رسولی مجتبی تر و مرتضی تر از نبی اکرم ﷺ و امامان معصومین علیهم السلام بعد از او؟ امامان، چنین با قدرت و اذن خدا برای حفظ اسرار الهی انتخاب می شوند و به هدایت، برهان و نور الهی مختص می شوند و به وسیله روح خدایی حمایت می شوند و توفیق می یابند.

۶. امامان، جانشینان خدا بر روی زمین

بندگانی که دارای صفات فوق الذکر هستند، خدا به خلافتشان بر روی زمین راضی می شود. به مقام خلیفه الهی می رسند. مصداق علمی و عملی اسماء الهی می شوند. همانانی که خدا در باره آنها فرمود:

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً. (بقره / ۳۰)

اگر آدم توانست حقایق اسماء خدا را بر فرشتگان عرضه دارد و به این مقام برسد، خاتم و جانشینان او چگونه نتوانند؟

امام، دلیل محکمی است بر مخلوقات خدا و یاری‌گری استوار بر دین او. نگهبانی امین بر اسرارش و خزانه‌داری محکم برای علم و دانشش. محلی مورد وثوق برای نگهداری از حکمتش و ترجمه و تفسیری کامل بر وحیش و پایه‌های محکم بر توحیدش و گواهی صادق بر آفرینشش و پرچمی آشکار بر بندگان و مراکز نور و روشنایی و تابنده بر سرزمین‌هایش و دلیلی و راهنمایی روشن بر طریقش.

چرا که خدا او را به مصداق «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب / ۳۳)، از هر آلودگی پاک گردانید و همانگونه که پیامبرش را از فتن شیاطین انس و جان نجات بخشید: «وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ»، (مائده / ۶۷)، امام را هم از آلودگی‌ها، لغزش‌ها و فتنه‌های مادی و معنوی حفظ می‌نماید.

۷. امام، تسلیم محض خداوند و رضای الهی

وقتی کسی به مقام امامت رسید، عالم به بزرگی و جلال خدا می‌شود. عالم که شد به جلال و جبروت خداوندی تعظیم می‌کند و شان و مقامش را بزرگ می‌شمرد و به مقام خشیت الهی می‌رسد: «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» (فاطر / ۲۸).

لطف و کرمش را می‌ستاید و بر تکرار ذکر او مداومت می‌ورزد. به پیمانش با خداوند پایبند است و در خفا و آشکار خیرخواه بندگان است. او گوش به فرمان خدایی است که می‌فرماید: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ» (نحل / ۱۲۵).

پس مردم را با حکمت و پند نیکو به سوی خدا می‌خواند. به مصداق: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ» (بقره / ۲۰۷)، جان در گرو خوشنودی او می‌سپارد و صد البته که بر چنین بندگان «وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ»، (بقره / ۲۰۷) است.

به هر چه به او می‌رسد، صبر می‌کند و می‌پذیرد، حتی اگر بلای کربلا باشد و بر ادای نماز، پرداخت زکات، امر به معروف، نهی از منکر و جهاد در راه خدا آنگونه که شایسته اوست، مداومت می‌ورزد و این گونه است که در نهایت بر روی زمین مکتب می‌شود:

الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ

الْمُنْكَرِ. (حج / ۴۱)

امام آنقدر بر اجرای بی چون و چرای «سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ» (فتح / ۲۳)، تاکید می کند که به مقام رضای الهی می رسد. وقتی به مقام رضا رسید، تسلیم محض و خالص پروردگار می شود و صد البته مقام رضای الهی یک مقام و جایگاه دو طرفه است، برای بندگان خاص و ترسان خدا: «رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ» (بینه / ۸).

۸. روگردانی از امام، روگردانی از دین

وقتی امام چنین مقامی دارد، روگردانی از او، روگردانی از دین خواهد بود. هر کس همگام با امام حرکت کند، به سعادت می رسد و هر کس عقب بماند و کوتاهی کند، به شقاوت ملحق می شود. حق، همیشه با امام و در امام و از امام و به سوی امام است. چرا که امام، اهل حق است و سرچشمه حق. و هر که در مقابل حق بایستد، باطل است: «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» (اسراء / ۸۱)

۹. امام، صراط المستقیم

صراط امامان، همان صراط پایداری است که قرآن هدایت می کند: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ» (اسراء / ۹)

امامان شاهدان دنیایی هستند که خدا در باره آنان فرموده است: «لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ» (حج / ۷۸).

و شافعان آخرتی که: «وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَى وَهُمْ مِنْ خَشْيَتِهِ مُشْفِقُونَ» (انبیاء / ۲۸). اگر خدا از امام راضی نباشد و امام از خوف خدا هراسان نباشد، پس چه کسی می تواند مصداق این آیات الهی قرار گیرد؟

امام رحمت پیوسته و امانت محفوظه پروردگار بر روی زمین است و این گونه می شود که زمین هرگز از حجت خدا خالی نمی گردد، که اگر چنین شود: به مصداق فرمایش امام صادق (ع) زمین اهلیش را فرو خواهد برد. «لَوْ لَا الْحُجَّةُ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۱/۱۵۵).

امام مانع عذاب خداوند است، همانگونه که پیامبر خاتم مانع عذاب مردم بود: «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ» (انفال / ۳۳)

این گونه است که امامان درگاه آزمایش خداوندی می شود که: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» (انسان / ۳)

امامی که به طریق و صراط الهی ارشاد می‌کند، و به سخن پروردگار داوری می‌نماید، نمی‌تواند صراط هدایت نباشد. آری امام همان صراط مستقیم سبعا من المثنی است:

أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ. (حمد / ۶ و ۷).

صراطی که نصیب هر کسی نمی‌شود و فقط مخصوص کسانی است که به آنها نعمت مخصوص داده شده، نه راه مورد خشم واقع شدگان و نه گمراهان. به قول لسان الغیب، حافظ قرآن، هر کسی نمی‌تواند لایق هدایت و تبعیت از امام شود:

گوهر پاک نباید که شود قابلِ فیض
ور نه هر سنگ و گلی، لؤلؤ و مرجان نشود

(حافظ، ۱۳۸۵: ۱۷۶)

۱۰. خوشبختی و بدبختی، در گرو دوستی و دشمنی امام

صد البته دوستی با خدا و دوستان خدا ثمره‌ای جزء خوشبختی ندارد همانطور که دشمنی با آنان نتیجه‌ای جز بدبختی نخواهد داشت: «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (یونس / ۶۲).

آیه بعدی نیز به خوبی اولیاء الله را معرفی کرده است: «الَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ» (یونس / ۶۳). آیا کسی از امام مومن‌تر و پرهیزکارتر سراغ داریم؟

۱۱. مقام امامت، مقامی همیشگی

آیا مقام امامت مقامی موقتی است و یا اینکه مقامی همیشگی و دائمی است و در تمام دوران‌ها جریان دارد؟ قرآن به این سوال این‌گونه پاسخ می‌دهد:

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ (رعد / ۷)

هادی و راهنما چه مصداقی بالاتر از امامان معصوم علیهم‌السلام دارند؟ هر قومی به وجود امام نیاز دارد. مقام امام نه فقط مختص گذشته و نه فقط برای آینده است. مقام آنها تا زمانی که دنیا باقی است، همیشه جاری خواهد بود. روح و سرشت و ذات آنها هم همانطور که حدیث نور می‌گوید، یکی است. (کلهم نور واحد). این سخن پیامبر است. «خُلِقْتُ أَنَا وَعَلِيٌّ مِنْ نُورٍ وَاحِدٍ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ اللَّهُ آدَمَ». (قتال نیشابوری، ۱۴۲۳: ۱/۱۲۹). خیلی از مفسران این حدیث را در ذیل آیه: «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا» (فرقان / ۵۴) آورده‌اند.



امامان و نورشان و جایگاهشان همیشه باقی است. امام شناس می‌خواهد تا این را بفهمد. امام شناس که باشی خواهید دانست که خانه‌های امام مدارس وحی هستند. حتی اگر مثل دعبل ۲۰۰ سال بعد از پیامبر هم به دنیا آمده باشی و برای مدتی منازل ظاهری آنها خالی از صوت آیات وحی باشد، باز هم از آیات وحی در خانه‌های امام می‌گویی:

مدارُش آیاتِ خَلَّتْ مِنْ تِلَاوَةِ	و مَنَزَلُ وحی مُقَفِّرُ العِصْرَاتِ
مَنَازِلُ جَبْرِیلُ الْاَمِینُ یَحْلُهَا	مِنْ اللّٰهِ بِالتَّسْلِیمِ وَالبَرَکَاتِ
اِذَا لَمْ نَنَاجِ اللّٰهَ فِی صَلَوَاتِنَا	بِاسْمَائِهِمْ لَمْ یَقْبَلِ الصَّلَاةَ

(ابیاتی از قصیده تائیه دعبل خزاعی: مجلسی، ۱۳۹۴: ۶۰، ۱۳۱ و ۱۳۶)

در خانه‌های اهل بیت، پس کو نوای وحی	خاموش، صوتِ حق و خالی عرصه‌های وحی
جبریل نازل گشته در آن جایگاه مُدام	تسلیم فرمان خدا با برکت و سلام
گر در مناجات و صلا اسمائشان نَباد	آن ذکر و طاعت رد شود، سعیت رود به باد

(ترجمه منظوم فارسی: نویسنده)

آری تا زمانی که کتاب خدا باقی باشد، تا زمانی که مقام نماز و مناجات وجود داشته باشد، تا زمانی که ذکر خدا و نماز و صلوات به گوش رسد، مقام امامت پابرجا خواهد بود. چرا که خدا فرموده: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (حجر / ۹).

۱۲. جایگاه امامت، بالاترین جایگاه

به واسطه امام انسان به بالاترین جایگاه می‌رسد. به جایگاه تکریم، مصداق:

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا. (اسراء / ۷۰).

به مقام احسن تقویم: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» (تین / ۴).

به جایگاهی که در آن خدا خودش را تحسین کند: «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ». (مومنون / ۱۴)

پرواز کند به جایی که هیچ کس به آنجا نرسد و جز خدا را نبیند.

رسد آدمی به جایی که به جز خدا نبیند	بنگر که تا چه حدست مکان آدمیت
طیران مرغ دیدی تو ز پای بند شهوت	بدر آی تا ببینی طیران آدمیت

(سعدی، ۱۳۲۰: ۱۲۲)

آری! آدمی اگر انسان کامل شود می تواند پرواز کند. به جایی که هیچ رسنده‌ای به آن نرسد و هیچ بالا رونده‌ای به آن راه نیابد و هیچ سبقت گیرنده‌ای از او سبقت نگیرد و هیچ طمع کننده‌ای حتی طمع رسیدن به آنجا را نداشته باشد، جایی که هیچ کس در آنجا نباشد. نه فرشته مقرب و نه پیامبر مرسل و صدیق و نه شهید و نه دانا و نه نادان و نه پست و نه والا و نه مومن شایسته و نه فاجر بدکار، نه گردنکش لجوج و نه شیطان نافرمان و نه هیچ خلق دیگری:

مرغ باغ ملکوتیم نیم از عالم خاک چند روزی قفسی ساخته اند از بدنم

(همام تبریزی، غزل شماره ۱۴۲)

۱۳. خدا معرف جایگاه امامت

مسلم است که چنین جایگاهی مختص امام است. من انسان مذنب و گنهکار چگونه می توانم به چنین مقامی برسم و حتی چنین مقام والایی را بشناسم؟ مقامی که خود ذات اقدس الهی در باره آن می فرماید: «اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ». (انعام / ۱۲۴)

بزرگی امر و مقام امام توسط خدا مشخص می شود. عظمت، شان، مقام و شرافت، منزلت، کرامت و خصوصیتی که امام در نزد خدا دارد، بزرگتر از آن است که انسان بتواند آن را ببیند و یا آن را تشخیص دهد. جایگاهی که شایسته است اگر پدر و مادر و اهل و مال و طایفه همه انسانها و همه عالم فدای امام شوند، امام معصوم علیه السلام هدف آفرینش است، که خدا در باره مقامش فرموده: «لَوْلَاكَ مَا خَلَقْتُ الْاَفْلَاكَ». (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۹: ۸ / ۲۴۳).

۱۴. خدا گواه باور به امامت

مقام امام آنقدر بالاست که خدا و خود شما را بر ایمان خود به شما گواه می گیرم و شهادت خدا و شما، زمین و زمان را کفایت می کند.

قُلْ كَفَى بِاللّٰهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ. (رعد / ۴۳)

مقام امامت ادامه همان مقام نبوت است: ادامه جایگاه «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلَى مَوْلَاهُ»،

(امینی، ۱۳۷۲: ۱ / ۲۴۶)

و مقام «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ» پیامبر هم که معلوم است:

رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا

حَكِيمًا. (نساء / ۱۶۵)



و مقام محمود رسول خاتم راهم که خدا می داند و بس، که چه مقامی است:

عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَاماً مَحْمُوداً. (اسراء / ۷۹)

انسان زمانی به سوی کمال حرکت می‌کند که حق امامش را بشناسد، به فرمانش باشد، هر آنچه حق پندارد را حق بداند و هر آنچه باطل شمارد، باطلش بداند تا بلکه از عارفان به حقش شود: «إِنِّي سَلَّمُ لِمَنْ سَأَلَكُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ». (فرازی از زیارت عاشورا)، (قمی، ۱۳۸۸: ۶۹۹).

۱۵. یابین تر از رحمان، بالاتر از انسان

جمله سنگینی است: «لَا تَقُولُوا فِينَا رَبًّا وَّقُولُوا مَا شِئْتُمْ وَلَنْ تَبْلُغُوا» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۵/۳۴۷)

غیر از مقام خدایی هر آنچه می‌خواهید در مورد ما بگویید. برتری بر همه انسان‌ها، در بردارنده همه دانش‌ها.

وظیفه من بنده ناچیز در مقابل امام بزرگ چیست؟

خدایا تو شاهد باش که من به برتری امامان اقرار می‌کنم. دانش لدنی آنها را می‌پذیرم، به عهد و پیمانم با آنها که در واقع در امتداد عهد و پیمان الهی: «الْكَسْتُ بِرَبِّكُمْ» (اعراف / ۱۷۲) است، پایبندم، به آمدن امامان معترفم، همانگونه که در انتظار بازگشت آنان هستم. چشم در راه امامان می‌نشینم تا صبح دولتشان فرا رسد، کلامشان را می‌شنوم و در اعماق جان و دل نگه می‌دارم. به امامان پناه می‌برم، آنها را در برابر حوائج و خواسته‌هایم به درگاه تو، مقدم می‌دارم و شفاعتشان را از درگاه احدیت می‌طلبم. من به نهان و آشکار امامان، به حاضر و غایبشان، به اول و آخرشان ایمان دارم و امور را به آنان می‌سپارم و تسلیم محض آنها هستم که سپردن امور به آنها در راستای «وَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا إِنْ لَمْ يَجِدْ أَهْلًا فَلْيُخْرِجْهُم مِّنَ الدِّينِ» (غافر / ۴۴)، (سپردن امور به حق تعالی) است.

۱۶. تسلیم در برابر امام

ای امام قلبم هماره تسلیم توست.

سر ارادتِ ما و آستانِ حضرت دوست

(حافظ، ۱۳۸۵: ۴۶)

رایم تابع شماست. آماده یاری شما هستم که یاری تان را یاری خدا و دینش می دانم:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ. (محمد / ٧)

تا اینگونه خدا دینش را زنده گرداند:

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ. (توبه / ۳۳)

و شما را برای عدالتش برگزید و به شما در زمین و زمان قدرت بخشید. پس چگونه با شما نباشم و با غیر شما باشم؟ و چگونه به رفتار، گفتار، کردار و امامت شما ایمان نیاورم و اول و آخر شما را دوست نداشته باشم؟

۱۷. تولی و تبری، سعادت و شقاوت

مگر می شود با کسی دوست بود و با دشمنانش دشمن نبود؟
إِنِّي سَلَّمْتُ لِمَنْ سَأَلْتُكُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ وَوَلِي لِمَنْ وَالَاكُمْ وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكُمْ.
(فرازی از زیارت عاشورا)، (قمی، ۱۳۸۸: ۶۹۹).

مخصوصاً که دشمنان شما همان جبت و طاغوت و شیاطین هستند که خدا به دوری کنندگان از آنها بشارت داده است:

وَالَّذِينَ أَجْتَنَبُوا الظُّغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى فَبَشِّرْ عِبَادِ. (زمر / ۱۷)

همانان که به شما ستم کردند و حقتان را منکر شدند و از ولایتتان بیرون آمدند و میراثتان را به یغما بردند و در مقام شما شک و تردید، بلکه انکار نمودند و بدینوسیله از شما و حقی که همواره با شما بود، منحرف گشتند. مگر نشنیدند که خدا در مقام شما فرموده است:

أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِيجَةً وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ. (توبه / ۱۶)

پس چگونه گروهی غیر از شما دوستانی برگزیدند و از آنها اطاعت کردند؟ از رهبرانی که آنها را به سوی آتش می خوانند؟ گویا نشنیدند ندای حق در مورد دشمنان امامان را که:

وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ. (قصص / ۴۱)

و گویا نمی دانند که:

وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ. (قصص / ۴۱)

بدا به حال آنها و پیشوایان آنها و پیروان آنها. خدایا مرا از چنین بندگانی دور گردان و همیشه در اطاعت از امامان برحقت پابرجا بدار و تا زنده ام توفیق موالات و محبت و اطاعتشان به من عطا فرما و در قیامت شفاعتشان را نصیب من گردان.

۱۸. دوستان برگزیده امام

خداوند، مرا از دوستان و پیروان دعوت شما قرار دهد که دعوت شما همان دعوت خداست و
وای به حالی کسی که از به سوی کسی غیر از خدا برود:

وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ يَدْعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ مَنْ لَا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَنِ دُعَائِهِمْ
غَافِلُونَ. (احقاف / ۵)

از خداوند می‌خواهم که مرا از کسانی قرار دهد که از آثار و راه شما پیروی می‌کنند و به مصداق
کلام هدایتش که فرمود: «فَبِهَدَاهُمْ أَقْتَدَ» (انعام / ۹۰) مرا به هدایتتان، هدایت فرماید، تا در «يَوْمَ
نَدْعُو كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ» (اسراء / ۷۱) از گروه «فَمَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِإِيمِينِهِ» (اسراء / ۷۱) باشیم که
«فَأُولَئِكَ يَفْرَهُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يَظْلُمُونَ فَتِيلًا» (اسراء / ۷۱).

خدایا مرا در گروهی قرار بده که در بازگشت امامان به دنیا جزء بازگشت‌کنندگان و
یاری‌دهندگان شان هستند و در دولت کریمه‌شان به فرمانروایی می‌رسند که خود در کتابت
فرموده‌ای:

وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ.
(قصص / ۵)

خداوندا ما را از مفتخرین به دوران سلامت و اقتدار امامان قرار ده و چشم‌مان را به دیدارشان
روشن فرما.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ تُعَزِّبُهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ وَتُدِلُّ بِهَا الْبَتَّافَ وَأَهْلَهُ
وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَالْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ وَتَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَ
الْآخِرَةِ. (فرازی از دعای افتتاح) (قمی، ۱۳۸۸: ۲۹۱)

پدر و مادر و اهل و فرزندان ما فدای امامان و پیشوایان دین حق که هر که خدا به او روی
کند، به واسطه آنان است و توحید خدای تبارک و تعالی را از طریق عبادت آنان شناخته می‌شود.
چگونه مدح‌تان گویم که زبان من قاصر است از مدح شما و توان من عاجز است از وصف شما،
که شما نور همه خوبان و راهنمای همه نیکان و حجت‌های خداوند رحمانید.

۱۹. امام آغاز و پایان

خدا به واسطه شما خلقت را شروع کرد «...لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْآفَلَكَ، وَلَوْلَا عَلِيٌّ لَمَا خَلَقْتُكَ»، (نمازی

شاهرودی، ۱۴۱۹: ۸ / ۲۴۳)، و به واسطه شما دنیا را به پایان می‌رساند. باران به خاطر شما فرو می‌ریزد و آسمان به واسطه وجود شما به زمین نمی‌افتد. آری شما عمود آسمان‌ها و زمینید. شما لیل‌ه القدید که در هر سال از هزاران شب بالاترید. به واسطه شما: «تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ» (قدر / ۴)؛ همانگونه که جبرئیل روح الامین بر جد شما نازل گردید.

۲۰. مقام امام مقامی لایتناهی

شما مصداق بارز: «آتَاكُمْ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ» (مائده / ۲۰) هستید که آنچه به شما عطا شده به هیچ‌احدی از عالمیان داده نشده است. کدام شریف است که در برابر شرافت شما سر تعظیم فرود نیابد و کدام متکبر است که از بهر طاعت شما گردن خم نکند و کدام گردنکش جبار است که در برابر فضل و برتری شما خاضع نگردد؟

آری هر بزرگی در برابر شما خوار است و زمین به نور وجود شما روشن گشته است. هر که به ولایت شما معترف شد، رستگار گردید و شما راهنمای راه او برای رسیدن به بهشت شدید. هر کس هم منکر ولایت شما شود، غضب خدا را به جان خرید:

وَعَصَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا. (فتح / ۶)

همان خدایی که به مومنان دستور داد:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ. (ممتحنه / ۱۳)

پدر و مادر و جان و اهل و مالم فدای امامان بر حق باد که یادشان همواره در بین سایر یادها و نامشان در بین سایر نام‌ها و اجسادشان در بین سایر اجساد و ارواحشان در بین سایر ارواح و اجسامشان در بین سایر اجسام و آثارشان در بین سایر آثار و قبورشان در بین سایر قبور درخشنده و تابان است.

۲۱. بزرگی نام و جان و مقام امام

همه عزت‌ها از آن خداست. «إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا». (یونس / ۶۵)

نام که خدایی باشد، شیرین و عزیز می‌شود، جان که خدایی شود، کریم و عزیز می‌شود، شان و مقام که خدایی شد، عظیم و جلیل و عزیز می‌شود. پیمان‌تان بر وفا استوار است و وعده‌هایتان بر صداقت. کلامتان نور است و فرمانتان بالندگی و افتخار. سفارشتان بر تقواست و کارتان بر خیر و خوبی. عاداتتان بر نیکی است و راه و روشتان بر احسان و نیکویی. صفات و اخلاق شما



سرشار از کرامت است و شان و مقام شما حقیقت و صداقت و رفاقت. کلامتان کلام حکمت است و یقین و رای و نظر شما بر مبنای دانش است و صبر و پایداری.

چون همیشه با خدا هستید و «هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (حدید / ۳). پس شما اول و آخر و اصل و فرع و ریشه و معدن و جایگاه هر خیر و نیکی هستید.

چه خوش گفت فرزدق که:

إِنْ عُدَّ أَهْلُ الثَّقَى كَأَنُؤَا أئَمَّتِهِمْ أَوْ قِيلَ: مَنْ خَيْرُ أَهْلِ الْأَرْضِ قِيلَ: هُمْ
اهل تقوی گر شمارش گردد: آنان در امام گر که پرسد کس: که به اندر زمین؟: آنان. تمام!

۲۲. امام مایه اتحاد و همبستگی

نه جان بی ارزش من، که جان همه عالم به فدای شما. چگونه از خوبی شما بگویم که خوبی مطلقید! و چگونه آزمایش هایتان را بر شمارم که زیبایی کاملید و «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ وَيُحِبُّ الْجَمَالَ». (کلینی، ۱۴۰۷: ۶ / ۴۳۸)

به راستی کدام یک بهتر است؟ امامی که اساسش بر تقواست یا طاغوتی که بر لبه پرتگاه دوزخ قرار دارد؟

أَفَمَنْ أَسَسَ بُنْيَانَهُ عَلَى تَقْوَى مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ أَسَسَ بُنْيَانَهُ عَلَى شَفَا جُرْفٍ هَارٍ. (توبه / ۱۰۹)

خدا به واسطه شما ما را از پرتگاه خواری بیرون آورد و غم و اندوه را از درونمان زدود و ما را از آتش جهنم رهایی بخشید. خدا در پرتو وجود شما دین را کامل کرد و دنیا را اصلاح نمود:
الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا.
(مائده / ۳)

آری به امامت و ولایت شما دین کامل گردید و نعمت تمام شد و خدا به دین اسلام راضی شد و تفرق و جدایی به اتحاد و گردهمایی مبدل گردید.

۲۳. ربنا

شرط قبول اطاعت خداوندید و مودت شما برای هر مسلمانی واجب: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (شوری / ۲۳)

صاحب درجات رفیع و مقام محمود پروردگار هستید و شان و مقام و مکان شما در نظر

پروردگار معلوم و معین. در امتداد: «عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَحْمُودًا»، (اسراء / ۷۹)، قرار دارید و شفاعتتان در نزد پروردگار مقبول است.

خداوند! به برکت امامان معصوم: «رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ» (آل عمران / ۵۳).

پروردگار به احترام این امامان: «رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ»، (آل عمران / ۸).

و بدون شک وعده الهی تحقق یافتنی است. «سُبْحَانَ رَبَّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبَّنَا لَمَفْعُولًا»، (اسراء / ۱۰۸).

۲۴. اماما شفاعتم کن!

خدا به واسطه شفاعت شما فرمود:

قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ. (زمر / ۵۳)

اکنون بین من و خدا گناهای من است که جز شفاعت و رضایت شما پاکشان نمی‌کند. پس به حق خدایی که شما را امین بر راز خود قرار داد و به حق سر مستودعی که به شما بخشید و به حق برخی امور که خدا به شما سپرد، از خدا بخواهید تا گناهانم را ببخشاید و شفیع من در پیشگاه خدا شوید که: «مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ» (یونس / ۳)

و کیست جز شما که لایق «من بعد اذن» باشد؟

به یقین من فرمانبردار شما هستم و هر کس فرمانبردار شما باشد، فرمانبردار خداست و هر کس دشمن شما باشد، هر آینه دشمن خدا خواهد بود.

۲۵. خدایا به حق بنی فاطمه

خدایا به حق بنی فاطمه

که بر قولم ایمان کنم خاتمه

(سعدی، ۱۳۷۲: ۲/ ۲۰۹)

خداوند! کجا محبوب‌تر از خاتم الرسل و اهل بیتش بیابم تا آنها را شفیع درگاهت نمایم؟ پس به حق «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء / ۵۹) که به واسطه آن اطاعت از امامان را بر من مفروض داشتی مرا در گروه عارفان حقشان قرار بده و به حرمت حق عظیمشان مرا در زمره رحم شدگان وارد کن که تو ارحم الراحمینی. خداوند! بر محمد و آل محمد درود فرست و

وکیل و کارگزار ما باش که وکالت تو ما را کفایت می کند: «وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» (آل عمران / ۱۷۳)

نتیجه گیری

با توجه به مطالب فوق، می توان گفت امام ریسمان اتصال الهی است. همان که خدا در باره اش فرمود: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران / ۱۰۳) که اگر واقعا مسلمانان به این حبل المتین الهی چنگ می زدند، امروزه دشمنان جرات نمی کردند به فلسطین و غزه و لبنان و سوریه و یمن و ... نگاه چپ بيفکنند. آری امام همانطور که گفته شد معیار توحید است، داعی الی الله و بقیت الله است، مخزن اسرار خداوند است، جانشین خدا بر روی زمین است، تسلیم محض پروردگار است و ... و امامی که این چنین باشد، روگردانی از او روگردانی از دین خداهد بود و بدون تردید سعادت و شقاوت دنیوی و اخروی در گرو دوستی و دشمنی با ایشان می باشد. امامی که چنین ویژگی هایی داشته باشد خدا معرف جایگاهش می شود و ...

سعادت و شقاوت در گرو تولی و تبرای امام است. مقام امام همیشگی است و لا یتناهی، آنقدر که خدا خود معرف امام است و جایگاهش را تعیین می کند: «اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ» (انعام / ۱۲۴). چنین مقامی به اذن خدا جایگاه شفاعت دارد و تمسک به ایشان مایه اتحاد و همبستگی و مانع تفرق و گسستگی است.

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابن سعد، محمد (۱۴۱۰ق). *الطبقات الکبری*. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۳. ابن شهر آشوب، رشید الدین محمد (۱۳۷۶ق). *المناقب آل ابی طالب*. نجف: المکتبه الحیدریه.
۴. امینی، عبدالحسین (۱۳۷۲ق) *الغدیر فی الکتاب و السنه و الادب*. بیروت: دار الکتاب العربی.
۵. حافظ، خواجه شمس الدین محمد (۱۳۸۵ش). *دیوان حافظ*. تهران: انتشارات علمی.
۶. سعدی، مُشرف الدین مُصلِح (۱۳۲۰ش). *غزلیات سعدی*. تهران: چاپخانه بروخیم.
۷. سعدی، مُشرف الدین مُصلِح (۱۳۷۲ش). *مجموعه آثار شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی*. تهران: ققنوس.
۸. صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۴ق). *من لا یحضره الفقیه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۹. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق). *مصباح المتهجد*. تهران: المكتبة الاسلامية.
۱۰. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). *الامالی*. قم: دار الثقافة.
۱۱. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق). *کتاب التفسیر*. تهران: مكتبة العلمية الاسلامية.
۱۲. فرزديق، همّام بن غالب بن صَعَصَعَة الدَّارِمِي التَّمِيمِي (۱۹۸۴م). *ديوان الفرزدق*. بيروت: دار بيروت.
۱۳. قتال نیشابوری، محمد بن حسن (۱۴۲۳ق). *روضة الواعظین و بصيرة المتعظین*. قم: دليل ما.
۱۴. قمی، عباس (۱۳۸۸ش). *کلیات مفاتیح الجنان*. تهران: کاشف.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الاصول من الکافی*. تهران: دار الكتب الإسلامية.
۱۶. گنجور (۱۳۹۸ش). *همام تبریزی، غزلیات*، شماره ۱۴۲.
۱۷. مجلسی، محمد باقر، ۱۳۹۴ش، *شرح و ترجمه قصیده تائیه دعبل*، قم: دارالمجتبی عاشق.
۱۸. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الانوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۹. نصر اصفهانی، اباذر، ۱۳۹۴ش، *فصلنامه فرهنگ زیارت*، قم: پژوهشکده حج و زیارت.
۲۰. نعمانی، محمد بن ابراهیم، ۱۳۹۷ق، *الغیبه*، تهران: نشر صدوق.
۲۱. نمازی شاهرودی، علی، ۱۴۱۹ق، *مستدرک سفینه البحار*، قم: مؤسسة النشر الإسلامي.
۲۲. نیشابوری، محمد بن عبدالله الحاکم، ۱۴۱۱ق، *المستدرک علی الصحیحین*، بیروت: دار الكتب العلمية.

23. <https://ganjoor.net/homam/ghazalho/sh142>.



شاخصه‌های اخلاق متعالی ائمه هدی در زیارت جامعه کبیره

و تاثیر آن بر سلامت روان و انسجام اجتماعی

فهمیه فهیمی نژاد^۱؛ فاطمه اشتری لکی^۲

چکیده

این پژوهش به بررسی شاخصه‌های اخلاق متعالی در زیارت جامعه کبیره پرداخته و نقش آن‌ها را در ارتقای سلامت روانی و اجتماعی بررسی کرده است. این مقاله نشان می‌دهد که چگونه آموزه‌های دینی می‌توانند در کاهش تنش‌های روانی و افزایش انسجام اجتماعی مؤثر باشند. زیارت جامعه کبیره، با تأکید بر جایگاه اخلاقی و معنوی ائمه هدی (علیهم‌السلام)، الگویی جامع از فضایل اخلاقی ارائه می‌دهد. و می‌توان گفت نگاهی خاص با رویکردی تربیتی، بر تقویت اخلاق فردی و اجتماعی و ارائه الگوی کامل تأکید دارد. پژوهشگر با استفاده از روش متن‌پژوهی و تحلیل محتوای دینی، مفاهیم اخلاقی این متن را استخراج نموده است. یافته‌ها نشان می‌دهند مفاهیم اخلاقی این زیارت، نظیر عدالت، تقوا، و محبت، الگویی جامع برای رشد فردی و اجتماعی ارائه می‌دهند و این مفاهیم می‌توانند راهکارهای مؤثری برای ارتقای سلامت روان و گسترش اخلاق اجتماعی در جامعه معاصر ارائه کنند.

کلمات کلیدی

اخلاق متعالی، زیارت جامعه کبیره، امام هادی (علیه‌السلام)، شاخصه‌های فردی، شاخصه‌های اجتماعی.

۱. دکتری زبان و ادبیات عرب؛ مدرس گروه روانشناسی اسلامی گرایش مثبت‌گرا، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

fahimefahiminejad@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

fa.ashtari.larki@gmail.com

مقدمه

زیارت جامعه کبیره یکی از زیارت‌های بسیار مهم و با ارزش در شیعه است که توسط امام هادی علیه السلام بیان شده است. این زیارت نه تنها متنی مذهبی بلکه راهنمایی عملی برای حل مسائل روانی و اجتماعی در جامعه معاصر است و به دلیل جامعیت و عمق مفاهیم آن، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است که دلایل آن عبارتند از:

۱. شناخت امامان معصوم: زیارت جامعه کبیره، شناخت کاملی از مقام و منزلت امامان معصوم علیهم السلام و نقش آن‌ها در هدایت بشریت به ما می‌دهد.

۲. ارتباط با امامان: خواندن این زیارت، ارتباط معنوی ما را با ائمه اطهار علیهم السلام تقویت می‌کند و موجب کسب برکات فراوان می‌شود.

۳. تکامل معنوی: مفاهیم عمیق و ارزشمند این زیارت، در ارتقای سطح معنوی و معرفتی انسان بسیار مؤثر است. محتوای زیارت جامعه کبیره در این زیارت، امام هادی علیه السلام به توصیف جامع و کاملی از مقام و منزلت امامان معصوم علیهم السلام پرداخته و به بیان ویژگی‌های آن‌ها و نقش آن‌ها در هدایت بشریت می‌پردازد.

برخی از مهم‌ترین مضامین این زیارت عبارتند از:

اول: توحید و ربوبیت خداوند: تأکید بر وحدانیت خدا و ربوبیت مطلق او بر تمام موجودات؛
دوم: نبوت و امامت: بیان نقش انبیا و امامان در هدایت بشریت و تبیین جایگاه ولایت آنان؛
سوم: ولایت و امامت: توضیح درباره ولایت ائمه اطهار علیهم السلام بر امت اسلامی و لزوم پیروی از آنان؛
چهارم: معارف اسلامی: ارائه تعالیم اسلامی و بیان مفاهیم عمیق توحید، عدل، نبوت و امامت؛
پنجم: اخلاق اسلامی: تأکید بر اهمیت اخلاق اسلامی و سفارش به انجام اعمال نیک و پرهیز از گناه.

طبیعی است هریک از موارد قابل بحث و بسیار جالب است ولی در این پژوهش مضمون پنجم مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

بیان مساله

مهم‌ترین ویژگی انسان سالم، وجود عقل است. سلامت جسم و روان در سایه عقل حاصل می‌شود. عقل ابزار تشخیص نیک و بد، راه یابی به سوی شناخت و درک جهان اطراف، شناخت خود و جایگاه خود در نظام خلقت، شناخت اهداف و وسیله‌های رسیدن به آن است.



(افتخارزاده، ۱۳۸۶) اساسی ترین فرآیند روانی انسان شناخت است و عواطف و رفتار نیز تحت تاثیر شناخت است و مشخص کردن هدف و اصلاح شناخت برای رسیدن به شکوفایی و تعالی الزامی است. (میرزاده و احمدی پناه، ۱۳۹۴)

پس یک نظام اخلاقی مطلوب و متعالی باید در راستای عقل و شناخت باشد و همه شاخصه های آن با قوه عقل تایید شود، اگر بر خلاف این موضوع باشد، آن شاخصه از درجه اعتبار ساقط می گردد. (صادقی فریز، ۱۳۹۷) البته نظام اخلاقی در مباحث اسلامی در بحث عقل به حدیث جنود عقل و جنود جهل نیز متمرکز است که بر اساس این حدیث خداوند عقل را آفرید و خلقتش را بر مبنای نور قرار داد و برای عقل و جهل سپاهیانی اختیار کرد که خیر وزیر عقل و شر وزیر جهل شناخته شد. تمامی این نکات مثبت که در روانشناسی مثبت گرا نیز مطرح شده هم راستا با سپاهیان عقل محسوب می شوند. بر اساس این مبنا مفاهیم اخلاقی بر اساس متعلق به افعال که خود فاعل یا دیگران است (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۸۸: ج ۱) به سه دسته اخلاق فردی، اجتماعی و الهی تقسیم بندی می شوند، اما از منظر پیشگامان روانشناسی اخلاق (کلبِرگ، ۱۹۸۷، به نقل از لوپسلی، ۲۰۱۸) اساساً اخلاق غیر فردی، تلقی شده و در تعریف بندورا (۱۹۹۹) رفتار اخلاقی نیز صرفاً به حوزه اجتماعی مربوط می شود. از منظر وی اساساً رفتار اخلاقی انجام دادن رفتار سود رساندن به دیگران بوده یا اجتناب از رفتار زیانبخش به دیگران است. از منظر گلیگان (۱۹۶۳) نیز نهایت استدلال اخلاقی در وجه مراقبت گری از دیگران نمود می یابد که اساساً جنبه اجتماعی دارد و اخلاق را در ارتباط با دیگران معنا می کند با این حال برخی صاحب نظران (فلنگان و فلنگان، ۲۰۰۹) اخلاق را در دو حوزه فردی و غیر فردی (شامل سازمان ها) نیز قابل تقسیم دانسته اند؛ از این رو جهت جمع مبنای انتخابی علم اخلاق و دیدگاه روانشناسان اخلاق در پژوهش حاضر مفاهیم اخلاقی در قالب اخلاق فردی؛ میان فردی و اجتماعی سازمانی تقسیم شده که با ملاحظه جنبه الهی هر یک قابلیت تعالی یابی و عدم تعادل یابی را نیز خواهد داشت. (رفیعی هنر و حسن آبادی، ۱۴۰۱)

این پژوهش در راستای ایجاد رشد و تعالی در انسان و بر اساس اهمیت استفاده از مبانی دینی که مطابق با فطرت حقیقی انسان است، طبق آموزه های دینی در حیطه روانشناختی به احصاء شاخصه های اخلاق متعالی مبتنی بر زیارت جامعه کبیره می پردازد. متن پژوهشگر در این پژوهش در صدد پاسخ به این سوال است که شاخصه های اخلاق متعالی در این دعا چیست؟ و حوزه هریک اعم از فردی امام یا دعوت به ارزش های اخلاقی توسط امام و یا هردو کدامند؟

روش تحقیق

این پژوهش با استفاده از روش متن پژوهی و تحلیل محتوای دینی انجام شده است. متن زیارت جامعه کبیره به صورت دقیق بررسی شده و شاخصه های اخلاقی آن شناسایی گردیده است.

مفهوم شاخصه های اخلاق متعالی

۱. شاخص

شاخص ها ابزارهایی برای سنجش و اندازه گیری های کمی و کیفی اند و انواع تحقیقات فرهنگی و اجتماعی رفتارها ارزش ها محصولات را می توان با آن سنجید شاخص ها، صفت ها و ویژگی های واقعی هستند که با آنها متغیر در خارج از ذهن مشاهده و سنجیده می شوند. هر شاخص، نشانگر و بیانگر چیز دیگری است که با آن می توان وضعیت آن چیز را سنجید و در قالب محسوس و ملموس نشان داد. (صادقی فریز، ۱۳۹۷) برجسته و ممتاز و الگو و نشانه. (انوری: ۴۳۹۷/۵)

۲. اخلاق

واژه اخلاق، جمع خُلُق در لغت به معنای خوی، طبیعت باطنی، فرشته درونی، مروت طبع، خوش رفتاری آمده است. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱/۱۵۳۷)

از نظر آیت الله جوادی آملی اخلاق عبارت از ملکات و هیئت های نفسانی است که اگر نفس به آن متصل شود به سهولت کاری را انجام می دهد همانطور که صاحبان صنعت ها و حرفه ها به سهولت کار خود را انجام می دهند صاحبان ملکات فاضله و رذیله هم به سهولت کار خوب یا بد می کنند پس اخلاق عبارت از ملکات نفسانی و حیات روحی است که باعث می شود کارها زشت یا زیبا به آسانی از نفس متخلق به اخلاق خاص نشأت بگیرد. (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۷۳) برخی نیز ترجیح می دهند اخلاق را به مجموعه صفات شخصیتی پایدار و ناپایدار که منجر به بروز رفتارهای مثبت یا منفی می شود اطلاق کنند. (مصباح، ۱۳۷۸: ۱۶) واژه اخلاق از نظر برخی از متفکرین شیعه به فرایندی که منجر به ایجاد عادت طبیعت ثانوی و یا ملکاتی که با اختیار و تلاش پیگیر در روح بشر به وجود می آید، اشاره دارد. (مطهری، ۱۳۶۸: ۷۴ و ۷۵)

تعریف تحلیلی و روان شناختی اخلاق: اخلاق مجموعه نظام واره ارزش ها و هنجارها و ایده های شکل دهنده شخصیت فرد، جامعه و سازمان است که راهنمای جهت گیری معنای بخش زندگی در عرصه اندیشه، انگیزش، احساس و رفتار رو به هدف رشد و مستند به منبع

برگزیده مدیریت حیات (آموزه‌های وحیانی) باشد.

۳. متعالی

بلندشونده، رفیع، بلندپایه. به معنای دارای برتری، والا، رفیع (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۳/۲۰۱۸۵)، بعضی اندیشمندان از تعالی به علو مرتبت در امور مرتبط با عالم ملکوت، تعبیر کرده‌اند. در کلام روانشناسی به معنای یک حالت افزایش یافته از شادی، تکریم یا عبادت که اغلب با تجربیات مذهبی یا معنوی همراه است.

۴. اخلاق متعالی

اخلاق متعالی به عنوان یکی از مباحث مهم اخلاق و فلسفه، موضوع توجه بسیاری از علما و دین داران بوده است. آیت الله جوادی آملی با تاکید بر اهمیت عقل، حسن عمل، جهان بینی الهی، قسط و عدل، و تقوا، به بررسی اصول و ارزش های اخلاق متعالی می پردازد. این عالم اسلامی معتقد است که عقل به عنوان نعمتی الهی، انسان را به درک اصول اخلاقی هدایت می کند و اصول اخلاق متعالی با تاکید بر تربیت اخلاقی، ارتقاء ارتباطات انسانی، و حل مسائل اخلاقی و اجتماعی، می توانند به ساختار و توسعه سالم جامعه کمک کرده و به ارتقاء اخلاقیات و رفتارهای مثبت در جامعه منجر گردند. (جوادی آملی، ۱۴۰۲)

در کلام روانشناسی به معنای یک حالت افزایش یافته از شادی، تکریم یا عبادت که اغلب با تجربیات مذهبی یا معنوی همراه است.

با این اوصاف که در این قسمت و قسمت های قبل ذکر شد بهترین تعریف برای اخلاق عبارت است از تعدیل غرایز و عواطف و رعایت حق و عدالت. عالیتین تعریفی که برای واژه عدل کرده اند عبارت است از «قرار دادن هر چیز در محل خویش» با توجه به این تعریف محبت و شفقت در جای خویش یک عمل اخلاقی است و خشم و غضب هم در جای خود یک دستور اخلاقی، شهوت در جای خود لازم و عفت هم در مورد خود ضروری است، دفاع از خود و صیانت جان در جایش لازم و ایثار هم در محل خودش محبوب. اگر هر یک از آن ها جابجا شود خلاف اخلاق است و اگر زیاد و کم هم گردد خلاف اخلاق می باشد.

محبت به دوست و فرزند در محدوده حق و عدالت یک صفت اخلاقی است و عشق و علاقه نامتناهی نسبت به حق و خالق نامتناهی یک صفت اخلاقی و عادلانه است و کمال انسان هم در همین است.

همانطور که صفات الهی در محور عدالت اوست، رحم و شفقت او هم در راستای عدالت اوست و خشم و غضبش هم در راستای عدالت وی است همچنین کلیه اصول اخلاقی در محور عدالت است، واژه عدالت به مراتب گویاتر از واژه وسط است و لذا بهترین محور برای غرائز و عواطف و اخلاق درونی و عملی می باشد. با این تحلیل رعایت اصل عدالت که خود محوری است برای کلیه اصول اخلاقی و موجب کمال بشری و تخلق او به اخلاق الهی در محدوده خودش می شود. تنها با رعایت اصل عدالت تمام تعاریفی که برای اخلاق به صورت جزء کرده اند، ارزش اخلاقی پیدا می کند. اصل وسط در صورتی اخلاقی است که بر محور عدالت باشد و قدرت و محبت هنگامی اخلاقی می باشد که بر پایه عدالت باشند، رشد فرد و سعادت جامعه و کمال انسانی تنها در پرتو عدالت امکان پذیر است و تنها اصلی که می تواند کلیت داشته باشد عبارت از عدالت است و بالاخره تخلق محدود انسان به اخلاق نامحدود الهی در هنگامی میسر است که صفاتش بر مبنای عدالت باشد. (عبد خدایی، ۱۳۷۱: ۲۱۰۱۶)

۵. شاخصه های اخلاق متعالی در دین اسلام شیعی

اخلاق متعالی در دین اسلام شیعه، ریشه در آموزه های قرآن، سنت پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار ﷺ دارد. این اخلاق، فراتر از رعایت قواعد و هنجارهای اجتماعی است و به دنبال پرورش فضایل انسانی و رسیدن به کمال اخلاقی است. برخی از مهم ترین شاخصه های اخلاق متعالی در اسلام شیعه عبارتند از:

توحید و خدامحوری * اعتقاد به یکتایی خدا: اعتقاد راسخ به وجود یک خدای واحد و بی نیاز که خالق و مالک همه چیز است.

بندگی خالص: عبودیت خالصانه و بی ریا در برابر خداوند و انجام تمام اعمال به خاطر رضای او؛

توکل بر خدا: اعتماد کامل به خداوند و سپردن همه امور به او. ولایتمداری؛

تبعیت از امامان: پذیرش ولایت و رهبری ائمه اطهار ﷺ به عنوان جانشینان پیامبر اکرم ﷺ؛

پیروی از دستورات ائمه: عمل به دستورات و فرامین ائمه اطهار ﷺ در همه امور زندگی؛

محبت اهل بیت: داشتن محبت و عشق خالصانه به اهل بیت ﷺ. عدالت و انصاف؛

برقراری عدالت: تلاش برای برقراری عدالت در جامعه و دفاع از حقوق مظلومان؛

پرهیز از ظلم: پرهیز از ظلم به دیگران و رعایت حقوق آنها؛



انصاف در قضاوت: قضاوت عادلانه و بدون جانبداری. تقوا و پرهیزگاری؛

پرهیز از گناه: پرهیز از تمام گناهان و معاصی؛

تقوای قلبی: داشتن تقوای قلبی و پرهیز از گناهان پنهانی؛

محاسبه نفس: دائماً اعمال خود را مورد ارزیابی قرار دادن. مهربانی و گذشت؛

مهربانی با دیگران: داشتن روحیه مهربانی و عطف نسبت به همه انسان‌ها؛

گذشت از حقوق خود: گذشت از حقوق خود در برابر دیگران؛

کمک به نیازمندان: کمک به نیازمندان و محرومان. تواضع و فروتنی؛

پرهیز از تکبر: پرهیز از تکبر و خودبینی؛

احترام به دیگران: احترام به همه انسان‌ها بدون توجه به مقام و موقعیت آن‌ها؛

پذیرش نصیحت: پذیرش نصیحت و انتقاد دیگران. صبر و شکیبایی؛

صبر در برابر مشکلات: صبر و شکیبایی در برابر مشکلات و سختی‌ها؛

تحمل سختی‌ها: تحمل سختی‌ها و مصائب با روحیه ایثار و فداکاری. جهاد اکبر؛

جهاد با نفس: مبارزه با نفس اماره و خواسته‌های نفسانی؛

تزکیه نفس: پاک‌سازی نفس از آلودگی‌های اخلاقی.

روش‌های عملی برای پرورش اخلاق متعالی در اسلام شیعه

مطالعه قرآن و نهج البلاغه: مطالعه و عمل به آموزه‌های قرآن و نهج البلاغه؛

شرکت در مجالس مذهبی: شرکت در مجالس مذهبی و استفاده از آموزه‌های علما؛

تلاوت دعا و زیارت: تلاوت دعا و زیارت و ارتباط با خداوند؛

معاشرت با افراد صالح: معاشرت با افراد صالح و پرهیزگار؛

عمل به دستورات دین: عمل به دستورات دین.

سند زیارت جامعه کبیره

توثیق این زیارت در ده‌ها مقاله بحث شده و به اثبات رسیده است که در این جا فقط به چند

مورد اشاره می‌شود:

۱. شیخ صدوق در کتاب **عیون اخبار الرضا** علیه السلام به نقل از موسی بن عمران نخعی (صدوق: ۲/

۱۰۴۸)

۲. شیخ احمد احسائی در کتاب **شرح زیارت جامعه کبیره** این زیارت را آن قدر مشهور بین

شیعیان می‌داند که بی‌نیاز از اثبات است. (احسائی: ۲۸/۱)

۳. علامه مجلسی رحمته‌الله درباره درستی سند و متن زیارت جامعه می‌گوید: «انها اصح الزیارات سندا و افصحها لفظا و ابلغها معنی؛ این زیارت از نظر سند، صحیح‌ترین، از جهت لفظ فصیح‌ترین و به حسب معنی بلیغ‌ترین زیارت‌ها می‌باشد.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰۲/۱۴۴)

شاخصه‌های اخلاقی در زیارت

شاخصه	کد باز	فراز دعا
خصوصیات فردی امام	حلم و بردباری	منتهی الحلم
	کرم	اصول الکرم
	برّ و نیکی	عناصر الابرار
	عمیق در محبت خدا	تامّین فی محبه الله
	عزیزشدگان به هدایت الهی	اعزکم بهده
	پاکی و طهارت مادی و معنوی	اذهب عنکم الرجس و طهرکم تطهیرا
	صبر بر آنچه که به آنها می‌رسد	صبرتم علی ما اصابکم
	راضی به رضای خدا	سرتم ... الی رضاه
	حب در راه خدا	من احبکم فقد احب الله
	بغض و کینه در راه خدا	من ابغضکم فقد ابغض الله
	پاکی نفس	اکرم انفسکم
	وعده صادق	اصدق وعدکم
	خوی کریمانه	سجیتکم الکرم
	شئون امام حقانیت و صداقت و مدارا	شانکم الصدق الحق والصدق الرفق
	سخن قطعی و حتمی به فرمان خدا	قولکم حکم و حتم
	رای امام همراه با علم و	رائکم علم و حلم و حزم

	حلم و دوراندیشی	
	تمام خیر	ان ذکر الخیر...
دعوت به ارزش‌های اخلاقی	دعوت کنندگان به نیکی	دعوه الحسنی
	دعوت‌گران به سوی خدا	دعاه الی الله
	دعوت‌گران بوسیله حکمت و موعظه حسنه	دعوت الی سبيله بالحكمه و الموعظه الحسنه
	امرکنندگان به معروف	امرتم بالمعروف
	نهی کنندگان از منکر	نهیتم عن المنکر
	برپاکننده سنت الهی	سنتتم سنه
	راههای رسیدن به بهشت	بکم یسلک الی الرضوان
	سفارش به تقوی	وصیتکم التقوی
	انجام خیر	فعلکم الخیر
فردی - ارزش	شاخصان تقوی	اعلام التقی
	خیرخواهی در آشکار و پنهان	نصحتهم له فی السر والعلانیه
	بذل جان در کسب رضایت خدا	بذلتهم انفسکم فی مرضاه الله
	ولایت اختصاصی	وما خصنا به من ولایتکم
	پاکی خلق و خو	طیبنا لخلقنا
	طهارت نفس	طهاره لانفسنا
	تزکیه واقعی	تزکیه لنا
	کلام نورانی	کلامکم نور
	امر به رشد	امرکم رشد
	عادت به احسان و نیکی	عادتکم الاحسان

نتیجه‌گیری

مقاله ارائه شده به معرفی شاخصه‌های اخلاق متعالی در زیارت جامعه کبیره پرداخته است. در

این مقاله، با استفاده از تحلیل متنی و رویکردی تلفیقی از آموزه‌های دینی و روانشناسی، تلاش شده است تا ارتباط میان اخلاق متعالی و رشد فردی و اجتماعی روشن شود بنا بر متن زیارت می‌توان چنین نتیجه گرفت:

اول این که اخلاق متعالی در آموزه‌های اسلامی مبتنی بر اصول توحید، ولایت، عدالت، تقوا، صبر، و مهربانی است که در زیارت جامعه کبیره به وضوح بیان شده‌اند. این اخلاق علاوه بر جنبه فردی، دارای تأثیرات عمیقی بر روابط اجتماعی و بهبود تعاملات انسانی است.

دوم این که رعایت شاخصه‌های اخلاق متعالی مانند تقوا، صبر، عدالت، و محبت به دیگران، به کاهش تنش‌های روانی، افزایش آرامش درونی، و تقویت روابط اجتماعی کمک می‌کند. بر اساس آموزه‌های دینی و یافته‌های روانشناسی مثبت‌گرا، مفاهیم اخلاقی مرتبط با عقل و شناخت می‌توانند به بهبود سلامت روانی و اجتماعی منجر شوند.

سوم این که مقاله به خوبی نشان می‌دهد که اخلاق اسلامی در ارتباط با روانشناسی مثبت‌گرا، نه تنها به رشد فردی بلکه به توسعه جامعه کمک می‌کند. آموزه‌های اخلاقی اسلام، با تأکید بر تعدیل عواطف و رفتارها، به ارتقای سطح عدالت و محبت در روابط اجتماعی منجر می‌شود.

در نهایت در تحلیل علمی و دینی زیارت می‌توان گفت آموزه‌های زیارت جامعه کبیره به عنوان یک متن اصیل دینی، در راستای فطرت انسانی و هماهنگی با اصول انسان‌شناسی، هستی‌شناسی و در راس آن خداشناسی است و قادر به ارایه الگوی کامل جهت راهکارهایی عملی برای تحقق سلامت روان و جامعه‌ای متعادل است.

منابع و مآخذ

۱. احسانی، احمد (۱۴۲۰ق). شرح الزیارة الجامعة الکبيرة. بیروت، دار المفید.
۲. افتخارزاده، شمس‌ی (۱۳۸۶ش). انسان سالم از دیدگاه قرآن و حدیث. دانشگاه علوم اسلامی لندن.
۳. انوری، حسن (۱۳۸۱ش). فرهنگ بزرگ سخن. تهران: نشر سخن.
۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷ش). مبادی اخلاق در قرآن. قم: اسراء.
۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۴۰۲ش). اعتلای اخلاق اجتماعی در پرتو اخلاق متعالی از دیدگاه آیت الله جوادی آملی. پژوهش‌های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی ایران.
۶. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷ش). فرهنگ لغت دهخدا. ج ۱ و ۱۳. تهران: دانشگاه تهران.



۷. رفیعی هنر، حمید و حمیدرضا حسن آبادی (۱۴۰۱ش). وضعیت شناسی روشی مقیاس‌های روانشناسی اخلاق در ایران مرور نظام مند. *اخلاق و حیانی*. سال ۱۱. ش ۴.
۸. صادقی فریز، سمیرا (۱۳۹۷ش). *شاخصه‌های نظام اخلاقی مطلوب از منظر نهج البلاغه*.
۹. صدوق، محمد (۱۳۷۳ش). *عیون اخبار الرضا علیه السلام*. تهران: صدوق.
۱۰. عبدخدایی، محمدهادی (۱۳۷۱ش). *اخلاق پزشکی*. قم: سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۱. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*. بیروت: مؤسسة الوفاء.
۱۲. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۸ش). *اخلاق در قرآن*. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
۱۳. مطهری، مرتضی (۱۳۶۸ش). *فلسفه اخلاق*. تهران: صدرا.
۱۴. میرزاده، نرگس و مطهره احمدی پناه (۱۳۹۴ش). سلامت روان از منظر صحیفه سجادیه. *همایش ملی اسلام و سلامت روان*. تهران: جهاد دانشگاهی.

ضرورت و فواید زیارت حجج الهی با تاکید بر زیارت جامعه کبیره

وحید کمیحانی

چکیده

این مقاله با روش توصیفی تحلیلی به بررسی کارکرد زیارت اهل بیت علیهم السلام در دنیای مدرن با تاکید بر زیارت جامعه کبیره پرداخته است. زیارت جامعه که دارای مضامین بسیار عالی است و از زبان امام هادی علیه السلام و در پاسخ به خواسته یکی از ارادتمندان اهل بیت علیهم السلام صادر شده، اگرچه به شیوه‌ی خطابی و گفتاری است؛ اما درحقیقت بیانگر مقام والای امامت است که از طرف امام معصوم علیه السلام بیان گردیده است. این زیارت را شیخ طوسی در تهذیب و شیخ صدوق در فقیه و عیون اخبارالرضا به سند خود از شخصی به نام نخعی نقل کرده‌اند. جامعه کبیره علاوه بر اتقان در سند از محتوای غنی برخوردار است چنان که علاوه بر اینکه زیارتی با معرفت را برای ما رقم می‌زند و در موضوع امام‌شناسی بی‌نظیر است، نمایانگر اوج فصاحت و بلاغت است و نمی‌تواند جز از زبان معصوم علیه السلام صادر شده باشد. زیارت جامعه محتوای بسیار عمیق و دقیق فردی و اجتماعی، معرفتی و اخلاقی را در خود جای داده است و علاوه بر نفی غلو، تفریط و تقصیر را نفی و امام را آنگونه که جایگاه رفیع اوست به ما معرفی می‌کند و از سویی دربرگیرنده عناصر عرفانی هم است که گویای وصل عاشق و معشوق است.

کلمات کلیدی

امام هادی علیه السلام، اسلام، جامعه کبیره، زیارت، عرفان.

مقدمه

سلام بر شما ای اهل بیت نبوت، و جایگاه رسالت، و عرصه رفت و آمد فرشتگان، و مرکز فرود آمدن وحی و معدن رحمت، و خزانه داران بهشت، و نهایت بردباری، و ریشه‌های کرم، و رهبران امت‌ها، و سرپرستان نعمت‌ها، و بنیادهای نیکان، و استوانه‌های خوبان، و رهبران سیاسی بندگان، و پایه‌های کشورها، و درهای ایمان، و امینان خدای رحمان، و چکیده پیامبران، و برگزیده رسولان، و عترت بهترین گزیده پروردگار جهانیان و رحمت و برکات خدا بر آنان باد، سلام بر پیشوایان هدایت، و چراغ‌های تاریکی، و پرچم‌های پرهیزگاری و صاحبان خرد» (قمی، ۱۳۷۸: ۹۰۱)

زیارت جامعه کبیره که از حضرت امام هادی (علیه السلام) نقل و روایت شده است، بی‌تردید یکی از زیارات مأثور و مهمی است که دارای سندی معتبر و علاوه بر آن مضامینی ارزشمند و عرفانی و عمیق در باب معرفت و شناخت جایگاه ائمه معصومین و اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) در بین شیعیان است.

در این زیارتنامه به بهترین شکل اوصاف و ویژگی‌های امام معصوم و مفترض الطاعه تبیین شده است و این زیارتنامه را می‌توان منشور امام شناسی نامید، به طوری که در کلام برخی بزرگان زیارت جامعه، منشور بلند امامت و هدایت نام گرفته که سیل گونه از کوهسار وجود امام علی بن محمد النقی (علیه السلام) سرازیر شده است.

این منشور بلند، هرچند در لباس شرح فضایل و کمالات انسان‌های کامل؛ یعنی ائمه اطهار (علیهم السلام) بیان شده است، ولی معارف عمیق توحیدی ولایی و عرفانی آن بسان سیلی بنیان کن اساس شرک و دوگانه پرستی و بنیاد بیگانه گرایی را برمی‌کند و با پیشروی به سوی دشت و دمن امت اسلام، تشنه کامان حقیقت عرفان معرفت ناب نبوی را سیراب می‌کند.

یکی از شبیهاتی که برخی درباره زیارت جامعه وارد کرده اند، توهم غلو و مبالغه درباره جایگاه ائمه معصومین (علیهم السلام) در این زیارت است، ولی با نگاهی عمیق و عالمانه به فرازهای زیبا و متقن این زیارتنامه به وضوح بطلان این فکر مشخص می‌شود و به روشنی می‌توان دید که هیچ گونه غلو و اغراقی در آن وجود ندارد؛ چرا که آنچه در بیان امام هادی (علیه السلام) آمده، هدایت امت به بخشی از کمالات انوار پاک معصومین (علیهم السلام) است و گرنه فضایل آن ذوات مقدسه بیش از اینهاست و اوج عظمت اهل بیت (علیهم السلام) را در بندگی کامل خدا معرفی نموده است.

زیارت‌های جامعه گونه‌ای از آثار دعایی مذهب شیعه است که در تقابل با زیارت‌های



خاصه قرار می‌گیرد. در این گونه از ادعیه، زیارت می‌تواند برای هر کدام از امامان مذهب شیعه به تنهایی یا همگی آن‌ها خوانده شود.

این زیارت که نقل از امام علی النقی نسبت به سایر امامان شیعه است، از زیبایی‌های خاص عرفانی برخوردار می‌باشد. در این زیارت، امام علی النقی علیه السلام بیشمار به فضیلت و منقبت از اهل بیت اشاره می‌کند، چرا که راه نزدیک رسیدن به عرفان اسلامی از طریق محبت و نزدیکی به وجود نازنین اهل بیت علیهم السلام می‌باشد، بر این اساس در این نوشتار زیارت و زیارت جامعه بیشتر معرفی می‌شود.

زیارت و زیارت نامه

زیارت به معنای دیدار کردن شخص بزرگ و محترم و «زیارة» عربی در اصطلاح دینی به مشاهد متبرک و بقعه‌ها رفتن است و زیارت نامه دعای ویژه‌ای که در هنگام زیارت جایی خوانده می‌شود. (معین، فرهنگ فارسی، باب زیارت)

در کل می‌توان گفت زیارت در اسلام خصوصاً تشیع از آداب و خصوصیات و ویژگی‌های خاصی برخوردار است و شامل زیارات مختلف می‌شود:

۱. زیارت خانه خدا؛

۲. زیارت قبور؛

۳. زیارت ائمه علیهم السلام؛

۴. زیارت مساجد؛

۵. زیارت علما، دوستان و ...

زیارت قبور ائمه علیهم السلام

آنچه از روایات و سیره معصومین علیهم السلام به ما رسیده است، تأکید فراوان بر حضور در کنار قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام بوده است؛ چرا که زیارت آنان در زمان حیاتشان و بعد از آن فرقی نداشته و آنان بر احوال پیروان خویش آگاهند.

از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «مَنْ زَارَنَا بَعْدَ مَمَاتِنَا فَكَأَنَّمَا زَارَنَا فِي حَيَاتِنَا؛ هر که ما را بعد از وفاتمان زیارت کند چنان است که ما را در حال حیاتمان زیارت کرده است.» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۳۳۲/۱۴)

به یقین معنویت و جذبه‌های روحانی در زیارت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و امامان بزرگوار،

پرده از حجاب ها و ظلمات بی شمار ما برمی دارد و موجب زدوده شدن آلودگی ها و تیرگی های درون می شود؛ چرا که آنان خود پاک و طاهرند و دوستداران و زائران خود را به سوی پاکی ها و معنویات می کشانند.

چنانکه قرآن کریم می فرماید: «إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا (احزاب / ۳۳)؛ همانا خداوند می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.»

برخلاف سخن فرقه وهابیت که حضور در قبرستان و زیارت قبور پیشوایان دین را بدعت شمرده و جایز نمی دانند، روایات متعددی حتی در کتب اهل تسنن از رسول خدا ﷺ نقل شده است که هر کس به زیارت قبر من بیاید، مثل کسی است که مرا در زمان حیاتم زیارت کرده است. (دارقطنی، ۱۴۲۴: ۳ / ۳۳۴) و نیز می فرماید: هر کس به زیارت قبر من آید، شفاعتم بر او واجب می شود. (همان)

محمد غزالی، از شخصیت های مهم اهل تسنن، در حین بیان وظایف زائران مدینه می گوید: «وَأَعْلَمُ أَنَّهُ عَالِمٌ بِحُضُورِكَ وَقِيَامِكَ وَزِيَارَتِكَ وَأَنَّهُ يَبْلُغُهُ سَلَامُكَ وَصَلَاتُكَ (غزالی، بی تا: ۱ / ۲۷۱) بدان که او رسول خدا ﷺ آگاه به حضور و قیام و زیارت تو است و (بدان) که سلام و نماز تو به او می رسد.»

این سیره دائمی ائمه هدی ﷺ و مسلمانان بوده و هست که در کنار زیارت خانه خدا، قُبَّةُ الْخَضْرَاءِ، قبر نورانی رسول خدا ﷺ را نیز زیارت نمایند. علاوه بر این، رسول خدا ﷺ بر زیارت قبور جانشینان بر حقش سفارش می فرمود و بر اجر و پاداش بسیار آن تأکید می ورزید.

برای نمونه وقتی امام حسن ﷺ در سن کودکی از جد بزرگوارش سؤال می کند که: يَا أَبَتَاهُ مَا جَزَاءُ مَنْ زَارَكَ؟ فَقَالَ ﷺ: مَنْ زَارَنِي حَيًّا أَوْ مَيِّتًا أَوْ زَارَ أَبَاكَ أَوْ زَارَ أَخَاكَ أَوْ زَارَكَ كَانَ حَقًّا عَلَيَّ أَنْ أَزُورَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأُخْلِصَهُ دُنُوبَهُ. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۹۶ / ۳۷۳)

پدر جان! جزای کسی که تو را زیارت کند، چیست؟ فرمود: هر که من را در زمان حیاتم یا مماتم، یا پدرت را، یا برادرت را، و یا تو را زیارت کند، بر من حق دارد که روز قیامت او را زیارت کرده، از گناهانش رها کنم.

زیارت اهل قبور

زیارت اهل قبور، به خصوص زیارت شهدا، از زمان رسول خدا ﷺ صورت می پذیرفته است؛



چنانکه در خبر است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از شهادت «ام ورقه انصاریه» خبر داد و فرمود: «بیایید برویم و شهیده را زیارت کنیم؛ غلامش او را کشته و کنیزی از او باقی مانده است.» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۱۲/۱۸)

رسول خدا صلی الله علیه و آله یاد قیامت، رقت قلب، رسیدن به کمال زهد و بی رغبتی به دنیا، دریافت پاداش فراوان در دنیا، و عبرت را از جمله آثار زیارت اهل قبور می داند. (ر.ک: ابن ماجه قزوینی، ۱۴۱۸: ۹۴/۳؛ متقی هندی، بی تا: ۱۵/۶۴۷ و ۶۵۵؛ بیهقی، ۱۴۲۴: ۴/۱۲۸)

شیعه و سنی بر صحت این امر اتفاق دارند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از فراغ از اعمال در «حجة الدواع» کنار قبری کهنه آمد و مدتی نشست، سپس گریه کرد. عرض کردند: یا رسول الله! این قبر کیست؟ فرمود: این قبر مادرم، آمنه بنت وهب است. از خدا درخواست کردم به من اجازه زیارتش را بدهد، اجازه فرمود. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۰/۴۴۱؛ متقی هندی: ۱۱/۴۷۳)

همچنین آن حضرت هر گاه از کنار قبر مؤمنین رد می شد آنان را مورد خطاب قرار داده، می فرمود:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لَاحِقُونَ؛
(متقی هندی: ۷/۱۵۹؛ نسایی، بی تا: ۲۲۸)

سلام بر شما ای اهل دیار از مؤمنین و مسلمین و ما - اگر خدا بخواهد - به شما ملحق می شویم.

امام علی علیه السلام نیز طلب حاجت در کنار قبر والدین را مورد تأکید قرار داده است و می فرماید:

زُورُوا مَوْتَاكُمْ فَإِنَّهُمْ يَفْرَحُونَ بِزِيَارَتِكُمْ وَلَيُطْلَبَ الرَّجُلُ حَاجَتُهُ عِنْدَ قَبْرِ أَبِيهِ وَأُمِّهِ
بَعْدَ مَا يَدْعُوا لَهُمَا (کلینی، ۱۴۰۷: ۳/۲۳۰)؛

به زیارت مردگان خود بروید. آنها از زیارت شما شاد می شوند. هر کس حاجتی دارد، باید حاجت خود را در کنار قبر پدر و مادرش از خدا بخواهد، بعد از اینکه برای آنها دعا می کند.

از آنچه گفته شد روشن می شود که زیارت قبور، امری مستحب بوده و اسلام به خاطر آثار سازنده ای که مهم ترین آن، عبرت گیری و یادآوری ملحق شدن به آنان است، بر آن تأکید داشته است.

بنابراین، زیارت قبور نه تنها منع نگردیده، بلکه مورد تأکید اولیای دین بوده، حتی در ادیان پیشین نیز وجود داشته است. امام صادق علیه السلام می فرماید:

خداوند برای عیسی وحی فرستاد که: ای عیسی! از دیدگانت برای من اشک جاری کن و قلب و بدنت را برای من فروتن ساز و هنگامی که مردم بی عار و درد می خندند، چشمانت را با میله حُزن سرمه بکش (اندوهگین باش) و به گورستان برو و برای گرفتن پند از آنها با فریاد بلند بگو: من هم در زمره ملحق شوندهگان ملحق می شوم. (نوری، ۱۴۰۸: ۱۱ / ۲۴۳)

زیارت دانشمندان الهی

یکی از سفارش های اسلام، مصاحبت و همنشینی با علما است. رسول خدا ﷺ درباره اهمیت دیدار علما می فرماید:

زِيَارَةُ الْعُلَمَاءِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْ سَبْعِينَ طَوَافًا حَوْلَ الْبَيْتِ وَأَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ حَجَّةً وَعُمْرَةً مَبْرُورَةً مَقْبُولَةً وَرَفَعَ اللَّهُ لَهُ سَبْعِينَ دَرَجَةً وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ الرَّحْمَةَ وَشَهِدَتْ لَهُ الْمَلَائِكَةُ أَنَّ الْجَنَّةَ وَجِبَتْ لَهُ (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷: ۷۵؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۱ / ۲۰۵):

خدای متعال، زیارت علما را از هفتاد بار طواف برگرد کعبه دوست تر دارد و برتر از هفتاد حج و عمره نیکو و مقبول است. خدا مقام شخص دیدار کننده عالم را (در بهشت) هفتاد درجه بالا می برد و رحمت خود را بر او فرو می ریزد و فرشتگان گواهی می دهند که بهشت بر او واجب شده است.

زیارت افراد مومن

ائمه اطهار علیهم السلام بر دیدار برادران دینی تأکید فراوان نموده اند. در منابع اسلامی روایات زیادی در زمینه حق مؤمن بر برادر مسلماننش و انواع حقوق مؤمنین بر یکدیگر و ثواب دیدار برادران مؤمن، مصافحه و معانقه، یاد آنها کردن، قلب آنها را مسرور نمودن و مخصوصاً برآوردن حاجات مؤمنان و کوشش در انجام این خواسته ها، زدودن غم از دل ها، اطعام، پوشاندن لباس و اکرام و احترام آنها وارد شده است. از رسول خدا ﷺ اینگونه نقل شده است:

مَنْ زَارَ أَخَاهُ فِي بَيْتِهِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ أَنْتَ ضَيْفِي وَزَائِرِي عَلَى قِرَاکَ وَقَدْ أُوجِبْتُ لَكَ الْجَنَّةَ بِحُبِّكَ إِيَّاهُ (کلینی، ۱۴۰۷: ۲ / ۱۷۷):

کسی که زیارت کند برادر دینی اش را در خانه اش، خداوند عزوجل به او می فرماید: تو مهمان و زائر من هستی و بر من است که تو را احترام کنم؛ به خاطر دوستی تو با آن



برادرت، بهشت را بر تو واجب کردم.

همچنین از آن بزرگوار خطاب به حضرت علی علیه السلام نقل شده است:

يَا عَلِيُّ ثَلَاثَةٌ مَنْ حَلَّلَ اللَّهُ رَجُلًا زَارَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ فِي اللَّهِ فَهُوَ زَوْرُ اللَّهِ وَحَقٌّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُكْرِمَ زَوْرَهُ وَيُعْطِيَهُ مَا سَأَلَ (حرانی، ۱۴۰۴: ۷)؛

ای علی! سه چیز، از زینت‌های خداست: (اولین آن) فردی که برادر مؤمنش را برای خدا دیدار کند، پس او خدا را زیارت کرده و بر خداست که زائرش را گرامی داشته و آنچه را از خدا بخواهد، به او دهد.

جالب آنکه امام صادق علیه السلام ثواب دیدار دوستان مؤمن را همانند زیارت امام معصوم دانسته، می‌فرماید: هر کس نتواند به دیدار ما آید، دوستان صالح ما را دیدن کند که ثواب زیارت ما برایش نوشته شود:

... وَمَنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى زِيَارَتِنَا فَلْيَزُرْ صَاحِبِي مَوَالِينَا يُكْتَبَ لَهُ ثَوَابُ زِيَارَتِنَا. (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۲ / ۷۳)

پیامدها و آثار زیارت اهل بیت علیهم السلام

بر اساس روایات می‌توان آثار ذیل را برای زیارت پیشوایان معصوم علیهم السلام بر شمرده:

۱. پاک‌ی درون

زیارت ائمه معصومین علیهم السلام چه در حال حضور و چه بعد از وفات ایشان تأثیرات شگرفی بر روح و روان انسان دارد و او را به سوی معنویات و مکارم اخلاقی و انسانی سوق می‌دهد. شاید یکی از حکمت‌های مهم زیارت، همین توجه زائر به معنویات، دعا، ذکر و نماز در حرم اولیای الهی و سعی در اصلاح، خودسازی و کسب طهارت درونی است.

امام صادق علیه السلام آیه شریفه «ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ» (حج / ۲۹) (که پیرامون مناسک حج می‌باشد) سپس، باید آلودگی‌هایشان را برطرف سازند را به دیدار امام تفسیر می‌نماید؛ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴ / ۵۴۹) یعنی در پرتو دیدار و زیارت آنان کدورت‌های اخلاقی و رذایل درونی زدوده می‌شود و انسان از ظلمت و قساوت قلب رهایی می‌یابد. بر این اساس، یکی از برکات و آداب حضور در مرقد ائمه معصومین علیهم السلام توبه، استغفار و دوری از گناهان است؛ چرا که آنان بهترین واسطه بین خداوند و انسان‌ها می‌باشند.

قرآن کریم توصیه می‌کند، کسانی که گناه کرده و بر خود ستم نموده اند، به حضور پیامبر ﷺ بشتابند و از او طلب مغفرت کنند و آن حضرت نیز برای آنان از خداوند آمرزش بطلبد:

وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا. (نساء / ۶۴)

و اگر این مخالفان، هنگامی که به خود ستم کردند (و فرمانهای خدا را زیر پا گذاردند)، به نزد تو می‌آمدند و از خدا طلب آمرزش می‌کردند و پیامبر هم برای آنها استغفار می‌کرد، خدا را توبه پذیر و مهربان می‌یافتند.

۲. نزدیکی به خدا

یکی از اسرار و فواید زیارت خاندان وحی و بزرگداشت نام و یاد آنان، تقرب به خدا و جلب عنایات و توجهات ویژه باری تعالی است.

از پیامبر گرامی اسلام ﷺ خطاب به حضرت علی علیه السلام نقل شده است:

يَا أَبَا الْحَسَنِ! إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ قَبْرَكَ وَقَبْرَ وَلَدِكَ بِقَاعَ الْجَنَّةِ وَعَرْصَةً مِنْ عَرَصَاتِهَا وَإِنَّ اللَّهَ جَعَلَ قُلُوبَ نُجَبَاءٍ مِنْ خَلْقِهِ وَصَفْوَتِهِ مِنْ عِبَادِهِ تَحِنُّ إِلَيْكُمْ وَتَحْتَمِلُ الْمَذَلَّةَ وَالْأَذَى فِيكُمْ فَيَعْمُرُونَ قُبُورَكُمْ وَيُكْثِرُونَ زِيَارَتَهَا تَقَرُّبًا مِنْهُمْ إِلَى اللَّهِ مَوَدَّةً مِنْهُمْ لِرَسُولِهِ، أُولَئِكَ يَا عَلِيُّ الْمَخْصُوصُونَ بِشَفَاعَتِي وَالْوَارِدُونَ حَوْضِي وَهُمْ زُورِي غَدًا فِي الْجَنَّةِ. (طوسی، ۱۴۰۷: ۶ / ۲۲)

یا اباالحسن! به درستی که خدای تعالی قبر تو و فرزندان تو را بقعه‌هایی از بقعه‌های بهشت و عرصه‌ای از عرصه‌های آن قرار داده و دل‌های بزرگان از مردم و برگزیدگان بندگان خود را به آنها مایل ساخته تا خواری و اذیت در راه (زیارت) شما را متحمل شوند و قبور شما را تعمیر کنند و بسیار به زیارت قبور شما آیند تا موجبات تقرب به خدا و دوستی پیغمبرش را فراهم سازند. یا علی! شفاعت من مخصوص این گروه خواهد بود و آنان بر حوض من وارد خواهند شد و ایشان فردا زیارت کنندگان من در بهشت خواهند بود.

۳. طلب شفاعت

یکی از اموری که انسان را به رحمت الهی امیدوار می‌سازد، مسئله شفاعت مقربان درگاه الهی و واسطه قرار دادن آنان است. برخلاف کسانی که از تعلیمات قرآن بویی نبرده‌اند و واسطه قرار



دادن آبرومندان درگاه الهی را شرک می‌نامند، قرآن مجید مؤمنان را به یافتن وسیله و راه برای تقرب به خداوند سفارش نموده، می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» (مائده / ۳۵)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید! و وسیله‌ای برای تقرب به او بجوید.

آلوسی از مفسران اهل سنت در ذیل این آیه می‌گوید:

«من مانعی در توسل به پیشگاه خداوند به مقام پیامبر ﷺ نمی‌بینم، چه در حال حیات پیامبر و چه پس از رحلت او.» بعد اضافه می‌کند: «توسل جستن به مقام غیر پیامبر در پیشگاه خدا نیز مانعی ندارد، به شرط اینکه او حقیقتاً در پیشگاه خدا مقامی داشته باشد.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴ / ۳۶۹)

از امام رضا علیه السلام در باب بهره‌مندی زائرین از شفاعت و آمرزش گناهان نقل شده است:

أَنَا الْمَدْفُونُ فِي أَرْضِكُمْ وَأَنَا بَصُعَةٌ مِنْ نَبِيِّكُمْ وَأَنَا الْوَدِيعَةُ وَالنَّجْمُ الْأَقْمَنُ زَارِنِي وَهُوَ يَعْرِفُ مَا أَوْجَبَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مِنْ حَقِّي وَطَاعَتِي فَأَنَا وَآبَائِي شُفَعَاؤُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَنْ كُنَّا شُفَعَاءَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ نَجَا وَلَوْ كَانَ عَلَيْهِ مِثْلُ وَزْرِ الثَّقَلَيْنِ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۲ / ۵۸۴)

من دفن می‌شوم در سرزمین شما و من پاره تن پیامبرم، من امانت و ستاره آن خاندانم؛ هر که مرا با شناخت آنچه خداوند تبارک و تعالی از حقم و اطاعتم واجب کرده است، زیارت کند، من و پدرانم در روز قیامت شفیع او خواهیم بود و هر که ما در قیامت شفیع او باشیم، جزء نجات یافتگان است، گرچه به قدر جن و انس گناه داشته باشد.

۴. وفای به عهد

زیارت و حضور در کنار مرقد پاک پیشوایان معصومین علیهم السلام تجدید عهد ولایت و قرار گرفتن در راه امامت است. از امام رضا علیه السلام نقل شده است:

إِنَّ لِكُلِّ إِمَامٍ عَهْدًا فِي عُنُقِ أَوْلِيَائِهِ وَشِيعَتِهِ وَإِنَّ مِنْ تَمَامِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ وَحُسْنِ الْأَدَاءِ زِيَارَةَ قُبُورِهِمْ (کلینی، ۱۴۰۷: ۴ / ۵۶۷)

هر امامی، عهد و پیمانی بر ذمه دوستداران و پیروانش دارد و کمال وفای به عهد و ادای نیکوی آن، زیارت قبور ائمه است.

۵. کسب معنویت و پاداش‌های دنیوی و اخروی دیگر

علاوه بر آنچه در فواید زیارت حرم معصومان علیهم‌السلام گفته شد، می‌توان بر اساس روایات معتبر به بهره‌های فراوان مادی و معنوی که شامل حال زائران عارف می‌شود اشاره نمود همچون استجابت دعا، برآورده شدن حاجت‌های دنیوی و اخروی در زیارت امام حسین علیه‌السلام، فراوان شدن رزق و روزی در زیارت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، نوشته شدن ثواب هزار حج مبرور و هزار عمره مقبول، شفاعت ائمه علیهم‌السلام در روز قیامت، تضمین بهشت ابدی، برطرف شدن مشکلات و ناراحتی‌ها، مستجاب شدن دعاها و ... (ر.ک: ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۶۳ و ۵۸۸؛ همو، ۱۴۱۳: ۲/ ۵۸۳؛ حرعاملی، ۱۴۰۹: ۴/ ۴۲۳ و ۳۲۵/ ۱۴ و ۴۷۶)

بر اساس روایتی امام رضا علیه‌السلام وعده داده است در ازای پاداش کسانی که با شناخت کامل مرقد نورانی امام علی بن موسی الرضا علیه‌السلام را زیارت کنند در سه محل سخت و هولناک قیامت؛ یعنی وقتی نامه‌های اعمال انسان را به دست راست و چپ می‌دهند و هنگام رد شدن از صراط و نزد میزان، به دیدار زائرش بیاید و او را کمک و شفاعت نماید. (ر.ک: ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۱۱۹؛ همو، ۱۴۱۳: ۲/ ۵۸۴)

مروری کوتاه بر زیارت جامعه کبیره

«جامعه» از ماده جمع به معنای در برگیرنده می‌باشد و مجموعه صفات نیک ائمه علیهم‌السلام در آن آمده و از این رو که یکجا آورده شده زیارت جامعه نامیده شده است؛ چرا که می‌توان همه اهل بیت علیهم‌السلام را با این زیارت نامه زیارت کرد جامعه نامگذاری شد چنان‌که در کتاب شریف بحارالانوار زیارت نامه‌هایی با چنین وضعیتی جامعه نامیده شده‌اند. ایشان نه زیارت جامعه را نقل می‌کند. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۹۹/ ۱۲۶)

«کبیره» به معنای بزرگ، صفت جامعه می‌باشد. این زیارت در برگزیده برترین و بزرگترین معارف ناب الهی است. این زیارت نامه به کبیره مسمی شد؛ چرا که در میان همه آنها از اعتبار بالاتری برخوردار است.

این نامگذاری نه از طرف امام معصوم علیه‌السلام بلکه عنوانی است از طرف علما تا اینکه این زیارت را به عنوان یک زیارت نامه عام، جهت زیارت همه معصومین علیهم‌السلام و به عنوان بزرگترین و با فضیلت ترین آنها به شیعیان معرفی کنند.



زیارت جامعه کبیره عطیه‌ای از امام علی النقی (ع)

حضرت امام علی النقی (ع) در نیمه ذیحجه سال ۲۱۲ ق در اطراف مدینه در محلی به نام صریا به دنیا آمد. حضرت در سال ۲۲۰ ق پس از شهادت پدرشان امام جواد (ع) به امامت رسید و مدت امامت ایشان ۳۳ سال و عمر شریفشان ۴۱ سال و چند ماه بود و در سال ۲۵۴ ق در شهر سامرا به شهادت رسید و پس از شهادت در خانه خود در سامرا به خاک سپرده شد. (ر.ک: مجلسی، ۱۳۷۳: ۹۷۷-۹۷۸؛ پیشوایی، ۱۳۸۷: ۵۶۵-۵۶۷)

برخی از ویژگی‌های دوران امامت امام هادی (ع) عبارت‌اند از:

۱. ضعف اعتقادی و رهبری دستگاه خلافت و گسترش فساد و ظلم در آن؛
۲. رخداد های طبیعی غیر منتظره؛
۳. محدود سازی فعالیت امام هادی (ع). (ر.ک: مجله معارف اسلامی، ۱۳۸۷: شماره ۷۴، فعالیت‌های علمی و فرهنگی امام هادی (ع))

ویژگی زیارت جامعه کبیره

این زیارت که نقل از امام علی النقی (ع) نسبت به سایر امامان شیعه است از زیبایی‌های خاص ادبی برخوردار می‌باشد. در این زیارت، امام هادی (ع) به بیش از دویست فضیلت و منقبت از اهل بیت اشاره می‌کند.

امام هادی (ع) در این زیارت شیعیان را با آداب سخن گفتن با امام آشنا می‌کند که نخست با سلام و درود بر آن امام شروع می‌شود و پس از برشمردن برخی مناقب و اوصاف او، با جمله «و رحمت الله و برکاته» به پایان می‌رسد.

در این زیارت، به رابطه امامان با خداوند و به جایگاه خدا در نظرگاه امامان شیعه پرداخته شده است. همچنین عملکرد محوری امامان در اجرای دین اسلام را تبیین کرده است.

امام علی النقی (ع) در این متن زیبا بیان کرده که حق، همراه امامان است و هرگز از آنان جداشدنی نیست و هر که از آنان دور شود گمراه خواهد شد. ایشان شاهراه و راه راست و گواهان در دین و آن امانتی هستند که حفظش بر مردم واجب است. براساس مضمون این زیارت، شیعیان جهت دفاع از امامان و مرزبانی از مکتب اهل بیت (ع) ترغیب شده‌اند. امام علی النقی در این زیارت اشاره می‌کند به این که تمام اعمال به پیروی از امامان مقبول می‌افتد.

می‌توان درون مایه زیارت را به پنج قسمت اصلی تقسیم کرد:

سلام، شهادت، ابراز علائق، دلیل عرض ارادت، دعا و توسل. بخش اول شامل پنج سلام است و ۲۰ تا ۳۰ ویژگی نام برده می شود که حقیقت عرفان اسلامی امامان است. (نجفی، ۱۳۸۹: ۱۵۱)

مروری بر برخی محورهای زیارت جامعه کبیره

با تأمل در متن زیبای زیارت جامعه، متوجه می شویم که محتوای عالی این زیارت محورهای اساسی ذیل را در بردارد:

۱. سلام ها؛ ۲. شهادت ها؛ ۳. عرضه اعتقادات بر معصوم علیه السلام؛ ۴. دعا و توسل؛ ۵. پیوند خداشناسی و امام شناسی؛ ۶. دشمن شناسی و کشف گداهای کلامی اهل بیت علیهم السلام.
- این زیارت در معرفی اهل بیت علیهم السلام نکات ژرف و محوری را متذکر شده است از جمله:
۱. اهل بیت علیهم السلام برترین مخلوقات خدا؛ ۲. اهل بیت علیهم السلام راه نجات از خطرات و گمراهی ها؛ ۳. ولایت اهل بیت علیهم السلام سبب کمال دین؛ ۴. ولایت ایشان مایه پاکی از ناپاکی ها و آمرزش گناهان؛ ۵. اهل بیت علیهم السلام جلوه ای از رحمة للعالمین پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله؛ ۶. اهل بیت علیهم السلام دلیل خلقت و واسطه نزول رحمت و اسعه الهی بر خلایق؛ ۷. اهل بیت علیهم السلام باعث آشنایی با معارف دینی؛ ۸. وجوب محبت و مودت اهل بیت علیهم السلام؛ ۹. ولایت اهل بیت علیهم السلام سبب رشد فکری و جبران خسارات دنیایی و حل مشکلات مادی؛ ۱۰. ولایت ایشان شرط پذیرفته شدن واجبات؛ ۱۱. ولایت دوازده امام علیهم السلام راه اتحاد امت اسلامی.

نتیجه گیری

زیارت اهل بیت علیهم السلام از مهم ترین شیوه های بندگی خدا و روش های تقرب به پروردگار است و آثار فراوان در دنیا و آخرت به همراه دارد و زائر متناسب با معرفت خویش به ساحت امام معصوم از برکات زیارت بهره مند می شود. در دنیای مدرن امروزی بازگشت به متون اصیلی مانند زیارت جامعه کبیره می تواند درهای جدید از امام شناسی را به روی حقیقت جویان بگشاید و زمینه شکوفایی آموزه های تمدن ساز اسلامی و ایجاد زمینه برای ظهور امام دوازدهم را فراهم سازد.

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
۲. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۳۷۶ ش). *الأمالی*. تهران: کتابچی.
۳. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۴۱۳ ق). *من لا یحضره الفقیه*. تصحیح



علی اکبر غفاری. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۴. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). *تحف العقول*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۵. ابن ماجه قزوینی، محمد بن یزید (۱۴۱۸ق). *سنن ابن ماجه*. تصحیح معروف بشار عواد. بیروت: دارالجليل.
۶. بی نام، (۱۳۸۷ش). *فعالیت های علمی و فرهنگی امام هادی علیه السلام*. معارف اسلامی. ش ۷۴.
۷. بیهقی، احمد بن حسین (۱۴۲۴ق). *السنن الکبری*. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۸. پیشوایی، مهدی (۱۳۸۷ش). *سیره پیشوایان*. قم: موسسه امام صادق علیه السلام.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۱۰. حلی، ابن فهد (۱۴۰۷ق). *عدة الداعی*. قم: دار الکتب الاسلامی.
۱۱. دار قطنی، علی بن عمر بغدادی (۱۴۲۴ق). *سنن الدارقطنی*. بیروت: مؤسسه الرساله.
۱۲. شریف رضی، محمد بن حسین (۱۳۸۹ش). *نهج البلاغه*. ترجمه محمد دشتی. قم: اشکذر.
۱۳. طوسی، محمد بن حسین (۱۴۰۷ق). *تهذیب الاحکام*. تصحیح حسن الموسوی خرسان، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۴. غزالی، محمد. *احیاء علوم الدین*. بیروت: دار المعرفه.
۱۵. قمی، عباس (۱۳۷۸ش). *المفاتیح الجنان*. ترجمه موسوی دامغانی. قم: الهادی.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۷. متقی هندی، علی بن حسام الدین (بی تا). *کنز العمال*. بیروت: مؤسسه الرساله.
۱۸. مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۳ش). *تاریخ چهارده معصوم*. قم: سرور.
۱۹. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق). *بحار الانوار*. بیروت: مؤسسه الوفاء.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۴ش). *تفسیر نمونه*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۱. نجفی، نفیسه (۱۳۸۹ش). *نگرشی موضوعی بر زیارت جامعه کبیره*. سفینه. دوره ۷، ش ۲۶، ص ۱۴۷-۱۵۶.
۲۲. نسائی، احمد بن علی (بی تا). *سنن النسائی*. ریاض: بیت الافکار الدولیه.
۲۳. نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۱۱ق). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. بیروت: مؤسسه آل البيت علیه السلام لاحیاء التراث.



بخش چهارم: امامت پژوهی با تأکید بر مباحث مهدویت

نگرش قرآنی ائمه در زیارت جامعه کبیره به امام مهدی

مریم السادات طباطبایی حسینی^۱

چکیده

در این مقاله درصدد تبیین نگرش قرآنی ائمه علیهم السلام و نقش ایشان در حفظ اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و تثبیت مقام امامت امام زمان علیه السلام و نجات آن از گرداب سخت و هولناکی که با آن روبرو شده بود و مقابله آن حضرت با جریانات انحرافی موجود در جامعه در جهت صیانت از اسلام و اداره تشکیلات وکالت و بیان زیارات و احادیث روشنگر درباره ظهور آخرین منجی، و آماده سازی اذهان برای دوران حضور و غیبت ولی عصر علیه السلام و وظایف منتظران بر اساس زیارت جامعه کبیره می باشیم.

کلمات کلیدی

امامان علیهم السلام، مهدویت، زیارت جامعه.

۱. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

مسئله

مسئله مهدویت از مسائل مهم و حیاتی است که از زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به صورت واضح و روشن مطرح شده و بر زنده نگه داشتن آن تأکید و تشویق فراوان شده است. و امامان معصوم علیهم السلام نیز به فراخور فرصت‌هایی که برای آنها پیش آمده این مسئله را مطرح و بیان نموده‌اند. دوران ائمه علیهم السلام و امام حسن عسکری علیه السلام از دوران‌هایی است که حکومت وقت به شدت مسائل مهدویت و حتی تولد حضرت مهدی علیه السلام را پی‌گیر بوده و تحت نظر داشته است. اختناق و سخت‌گیری در این زمینه نیز به اوج خود رسیده بود؛ با این حال، حضرت ائمه علیهم السلام از فرصت‌ها بهره‌برداری نمود و گاه به صورت صریح و زمانی در پوشش دعا و زیارت مسئله مهدویت را زنده نگهداشته است. ارائه نگرش قرآنی امام هادی علیه السلام در زیارت جامعه کبیره در جهت معرفی و تبیین مقام و جایگاه و موقعیت امام مهدی علیه السلام مسأله مورد نظر ماست.

مقدمه

از امامان مجموعه‌ای از زیارات «ارزشمند به یادگار مانده است که بدان وسیله پدران بزرگوارش را زیارت می‌کرد و به پیروانش دستور می‌داد که امامان علیهم السلام را بدان کلمات زیارت کنند. این زیارت‌ها سرشار از معارف گوناگون اسلام و دلائل حقانیت امامان علیهم السلام و شایستگی آنان برای منصب خلافت اسلامی است. از مشهورترین و پرارزش‌ترین زیارتنامه‌های امامان علیهم السلام «زیارت جامعه» است که از امام هادی علیه السلام به یادگار مانده و به خواش یکی از شیعیان به نام «موسی بن عبدالله نخعی» به او تعلیم داده شده است و هر یک از پیشوایان معصوم علیهم السلام را می‌توان با آن زیارت کرد.» زیارت جامعه را شیخ طوسی و شیخ صدوق در کتاب‌های خود نقل کرده (صدوق، ۱۳۷۸: ۲/ ۲۷۷) و شخصیت‌های بزرگی تاکنون، به زبان فارسی و عربی، بر آن شرح نوشته‌اند. از جمله، علامه مجلسی در توصیف این زیارتنامه می‌نویسد: «زیارت جامعه، از نظر سند، صحیح‌ترین زیارت‌ها، از جهت محتوا، عمیق‌ترین، از نظر لفظ، فصیح‌ترین و از حیث معنی، بلیغ‌ترین زیارتنامه‌ها و پرارج‌ترین آنهاست.» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۹۹/ ۱۴۴)

مسئله امامت و تبیین پایه‌های آن

بیان مسأله امامت و تبیین پایه‌های آن در سخنان امامان علیهم السلام که به طور معمول برای عموم القا می‌شد و در دسترس همگان بود، متجلی است. اینک به دو نمونه اشاره می‌کنیم:

الف. امامان علیهم السلام از پدران، از جدّش امیرمؤمنان علیه السلام روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله خطاب



به علی علیه السلام فرمود: ای علی! هرکس دوست دارد که با شادمانی و پاکی و در امان بودن از مصیبت بزرگ روز قیامت به دیدار خدا بشتابد، باید تو را دوست داشته باشد و نیز دوستدار فرزندان تو حسن، حسین، علی بن حسین، محمد بن علی، جعفر بن محمد، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی، علی بن محمد، حسن بن علی و مهدی، پایان بخش آنان باشد. ای علی! در آخر الزمان، گروهی تو را دوست خواهند داشت در حالی که برخی دیگر از مردم، ایشان را سرزنش می کنند و اگر آنان نیز دوستی و ولایت تو را برگزینند برایشان بهتر است، اگر بدانند و تو فرزندان را که برترین دروهای خدا بر آنان باد بر پدران، مادران، برادران، خویشان و نزدیکان خود مقدم می دارند. اینان روز قیامت در زیر «لوی محمد» محشور خواهند شد. خداوند از بدی ها و گناهان شان می گذرد و درجات شان را بالا می برد و این پاداش کردارشان است. (طوسی: ۹۰ و مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۱ / ۲۵۸) امام هادی علیه السلام در این روایت، تنها به تبیین امامت خود بسنده نکرده بلکه سلسله امامت را — آن هم از زبان پدرانش و در نهایت، رسول خدا صلی الله علیه و آله مطرح نمود و دوستی و ولایت آنان را شرط در امان بودن از عذاب الهی و نگرانی روز قیامت دانست.

امامان علیهم السلام در پاسخ پرسش «صقر بن ابی دلف»، که از معنای روایت نقل شده از پیامبر صلی الله علیه و آله: «لَا تُعَادُوا الْأَيَّامَ فَتُعَادِيكُمْ» با روزگار دشمنی نورزید که به دشمنی شما برخورد ساخت.» پرسیده بود، فرمود: منظور از «ایام» ما هستیم و به یمن وجود ما آسمان ها و زمین برپاست. شنبه نام رسول خدا صلی الله علیه و آله. یکشنبه: کنایه از امیرمؤمنان علیه السلام است. دوشنبه: حسن و حسین علیهم السلام هستند و سه شنبه: علی بن حسین، محمد بن علی و جعفر بن محمد علیهم السلام. چهارشنبه: موسی ابن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی پنجشنبه: من و فرزندم حسن بن علی و جمعه نوه ام (حضرت مهدی) که مردم حق طلب گرد او جمع می شوند و او زمین را پر از قسط و عدل می کند، همان گونه که از ستم و جور پر شده است. این است معنای «ایام» پس با آنان در دنیا دشمنی نورزید تا در آخرت با شما دشمنی نورزند. (ابن بابویه: ۱ / ۳۸۳ و مجلسی، ۱۴۰۴: ۵۳ / ۱۹۴)

روش ارتباطی امامان علیهم السلام با شیعیان فراتر از یک ارتباط معمولی و عادی و از سازماندهی و پیچیدگی بیشتری برخوردار بود. از این رو افراد معمولی توانایی انجام چنین مسئولیتی را نداشتند و مسئولیت ارتباط میان «امت» و «امامت» بر عهده افراد زبده ای مثل محمد بن داوود قمی، ابوعلی بن راشد امثال آنان گذاشته می شد، سیستمی که برقراری و تنظیم این ارتباط محکم و سازمان یافته را برعهده داشت، سیستم «وکالت» بود. رسالت اصلی این سازمان، ایجاد ارتباط منظم و تشکیلاتی میان امام علیه السلام و پایگاه های مردمی، پاسخگویی به

سؤالات و مشکلات فقهی، اعتقادی و سیاسی شیعیان، رفع گرفتاری‌ها و نیازمندی‌های آنان، جمع‌آوری وجوه مالی از قبیل: خمس، زکات، نذور و هدایای مردم از مناطق مختلف و تحویل آنها به امام علیه السلام و ... بود. سیستم وکالت علاوه بر رسالت‌های یاد شده نقش مهمی در معرفی و تثبیت امامت امام بعدی و ثبات سیاسی و فرهنگی شیعیان و تشکّل و موفقیت آن داشت. با احضار امام هادی علیه السلام به سامرا و اسکان آن گرامی در محله «عسکر» و منع شیعیان از ارتباط با او نمایندگان و وکلای آن بزرگوار که در مناطق و شهرهای مختلف پراکنده بودند نقش حسّاس‌تر، اختیارات بیشتر و مسؤولیت سنگین‌تری پیدا کردند. صاحب‌نظران با استفاده از منابع تاریخی، قلمرو فعالیت وکلای امامان علیهم السلام را به چهار منطقه اصلی و مرکزی تقسیم کرده‌اند: ناحیه نخست، بغداد، مدائن و کوفه. ناحیه دوم، بصره و اهواز ناحیه سوّم، قم و همدان و ناحیه چهارم، حجاز یمن و مصر (جاسم حسین: ۱۳۷) بطور معمول، در هر ناحیه فردی که قوی‌تر و طبعاً دارای اختیارات بیشتری بود منصوب می‌شد و کارگزاران و نمایندگان محلی موظف بودند زیر نظر او انجام وظیفه نمایند. این سازمان را می‌توان از دستورات عمل‌های امام علیه السلام به بعضی از وکلای مستقل خود به دست آورد. محمّد بن عیسی نقل می‌کند: امام هادی موالی بغداد، مدائن، بین‌التهرین و توابع آن، نامه‌ای بدین مضمون نوشت: من «ابوعلی بن راشد» را جایگزین «علی بن حسین بن عبد ربّه» و دیگر وکلای پیشین خود کردم. فرمانبری از او را همچون فرمانبری از خود واجب و نافرمانی از وی را در حکم نافرمانی از خود می‌دانم و این نامه را به خطّ خود نوشتم. (طوسی: ۲۱۲ و مجلسی، ۱۴۰۴: ۵۰/۲۲۰)

امام علیه السلام در نامه‌ای دیگر به دوتن از یاران و وکلای خود، یک سلسله نکات اطلاعاتی و امنیتی را به آنان یادآوری کرده و بدین وسیله روابط سازمانی و تشکیلاتی‌شان را سازمان می‌دهد. خلاصه مضمون این دستورات عمل ارزشمند چنین است: ای ایوب بن نوح! به تو دستور می‌دهم که از ارتباط و رفت و آمد زیاد با «ابوعلی» پرهیزی و هر کدام از شما در قلمرو مأموریت خود، مشغول انجام امور محوّل باشید و حتی اگر شما بر اساس دستورات عمل تعیین شده رفتار نمایید از ارتباط (پیوسته) با من نیز بی‌نیاز خواهید بود. ای ابوعلی! به تو نیز همان دستوراتی را می‌دهم که به «ایوب» دادم و نیز به شما دستور می‌دهم که از اهالی بغداد و مدائن چیزی را که برای شما می‌آورند نپذیرید و نیز برای دیدار با من به آنان وقت ملاقات ندهید و کسانی که را که از خارج قلمرو مأموریتی شما برای شما چیزی می‌آورند به وکیل ناحیه مربوطه راهنمایی کنید. لازم است هر یک از شما این دستورات را پذیرفته و اجرا نمایید. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۵۰/۲۲۴) دقّت در مضمون

این نامه‌ها، وظایف و حدود اختیارات وکلای مستقل که مسؤولیت منطقه وسیعی را برعهده داشته‌اند و نیز ارتباط وکلای جزء با ایشان و در نهایت ارائه خط‌مشی‌های کلی از سوی امام علیه السلام به آنان و حمایت و پشتیبانی از ایشان را نشان می‌دهد.

فراهم کردن زمینه غیبت حضرت مهدی علیه السلام

امام هادی علیه السلام از اوضاع و احوال دوران خود و نیز دوران فرزندش امام حسن عسکری علیه السلام آگاهی کامل داشت و می‌دید روزبه روز جو فشار و اختناق، شدیدتر و حساسیت دستگاه خلافت نسبت به امامان شیعه بیشتر می‌شود. هم چنین می‌دانست که در آینده نزدیک، تاریخ امامت در آستانه تحوّل جدید و بی‌سابقه یعنی غیبت امام علیه السلام از انظار قرار می‌گیرد؛ از این روی یکی از محورهای فعالیت خود را آماده ساختن اذهان شیعیان نسبت به غیبت نوه بزرگوارش حضرت مهدی علیه السلام قرارداد. فعالیت‌های امام علیه السلام در این زمینه در شعاعی محدود و در نهایت دقت و احتیاط صورت می‌گرفت و سعی حضرت بر این بود که هیچ مشخصه‌ای از حضرت مهدی علیه السلام - حتی نام او - برای مردم بازگو نشود تا مبادا به گوش حکمرانان عباسی برسد و از لحاظ امنیتی به زیان جبهه امامت تمام شود. در ادامه به چند روایت در همین مورد اشاره می‌شود. عبدالعظیم حسنی، یکی از یاران امام هادی علیه السلام، به حضور آن حضرت رسید و عقاید خود بر او عرضه کرد. در بخش امامت، یکایک امامان را نام برد و چون به امام هادی علیه السلام رسید درنگ کرد. امام علیه السلام سخن او را پی گرفت و فرمود: پس از من، حسن است؛ پس مردم با جانشین او چگونه خواهند بود؟ عبدالعظیم پرسید: چگونه سرورم؟ فرمود زیرا او دیده نمی‌شود و جایز هم نیست نام او برده شود تا زمانی که قیام کند و زمین را پر از عدل و داد نماید، آن سان که از ظلم و جور پر شده است. (ابن بابویه، ۱۳۷۷: ۲/ ۳۸۰ و طبری: ۴۰۹)

در روایتی دیگر آمده است که علی بن عبدالغفار می‌گوید: شیعیان پس از درگذشت امام جواد علیه السلام به امامان علیه السلام نوشتند و از جانشین آن حضرت پرسیدند. امام علیه السلام در پاسخ نوشت: امر امامت تا مادامی که من زنده‌ام برعهده من است و پس از من برعهده جانشین من که از سوی خدا تعیین شده است. چه خواهد بود برای شما نسبت به «خَلَف» بعد از «خَلَف»؟ (ابن بابویه، ۱۳۷۷: ۲/ ۳۸۲ و ۴۱۱) همین طور علی بن مهزیار می‌گوید: به ابوالحسن عسکری علیه السلام نوشتم و از آن حضرت از «فَرَج» پرسیدم. امام علیه السلام در پاسخ نوشت: زمانی که مولا و صاحب شما از سرزمین ستمگران غایب شد، منتظر فرج باشید. (همان: ۳۸۰) ایوب بن نوح از امامان علیه السلام نقل می‌کند که

آن حضرت فرمود: زمانی که پیشوای شما از میان شما برداشته شود، از زیرپای خود منتظر فرج باشید. (کلینی: ۳۴۱/۱) امام هادی علیه السلام در این بیانات، بطور کلی و سربسته به موضوع غیبت امام زمان علیه السلام اشاره نموده، اذهان یاران خود را برای رویارو شدن با این دوران آماده کرده است. از طرف دیگر، حصر امام هادی علیه السلام و فرزند بزرگوارشان امام حسن عسکری علیه السلام در خانه‌ای در درون پادگان دشمن، مردم را آماده پذیرش عصر غیبت و ارتباط غیرمستقیم با امام می‌کرد. دوره غیبت صغری امام عصر علیه السلام که ارتباط مردم با ایشان فقط از طریق ۴ تن از نواب خاص آن حضرت انجام می‌شد، شباهت زیادی به دوره در حصر قرار داشتن امام هادی و امام حسن عسکری علیه السلام داشت، چون در دورانی که این دو امام بزرگوار تحت حصر قرار داشتند، هرکس به سهولت نمی‌توانست با این دو بزرگوار ارتباط برقرار کند و این شرایط زمینه پذیرش غیبت صغری را برای امام زمان علیه السلام آماده می‌کرد و بعد هم که غیبت کبری آغاز شد، شرایط به گونه‌ای بود که امکان ایجاد انحراف در میان شیعیان را از بین می‌برد؛ در حالیکه بدون این زمینه سازی‌ها امکان انحراف، بسیار فراوان بود. همان طور که در دوران ائمه قبلی شاهدیم که به عنوان نمونه وقتی امام صادق علیه السلام یا امام موسی کاظم علیه السلام به شهادت رسیدند، انحرافات در جامعه اسلامی پدید آمد و فرقه‌هایی به وجود آمد که مدعی بودند مهدی موعود هستند. اما با زمینه سازی‌ها و برنامه ریزی دقیقی که امام هادی و امام حسن عسکری علیه السلام انجام دادند در عصر غیبت صغری و بعد هم در دوره آغاز غیبت کبری شیعیان با چنین مشکلات و معضلاتی که قبلاً و در عصر شهادت بقیه امامان علیه السلام بوجود آمده بود، روبه رونشدند.

زیارت جامعه و مهدویت

امامان علیه السلام در این زیارتنامه به معرفی جایگاه و شناسایی ابعاد وجودی امامان علیه السلام در نظام آفرینش و نقش هدایتگرانه آنان در به کمال رساندن استعدادها و سیراب کردن تشنگان از سرچشمه‌های زلال معرفت و دانش و... پرداخته و در بیانی ژرف و قالبی رسا و عارفانه از گوشه‌هایی از اسرار نهفته امامت پرده برداشته و تنها راه سعادت و دستیابی به کمال را در پیروی از امامان علیه السلام و چنگ زدن به ریسمان محبت و ولایت‌شان و دوری و بیزاری از دشمنان‌شان دانسته است. زیارت جامعه کبیره که از متقن‌ترین، صحیح‌ترین و جامع‌ترین متون زیارتی شیعه است، علاوه بر بیان اصل امامت، مسئله مهدویت و دوران ظهور حضرت مهدی علیه السلام و رهاورد حکومت ایشان را مورد اشاره و توجه قرار داده است. این مقاله به طرح نگرش

قرآنی امام هادی علیه السلام در زیارت جامعه کبیره به امام مهدی علیه السلام پرداخته است.

الف) بقیة الله

السَّلَامُ عَلَى الْأَيِّمَةِ الدُّعَاةِ وَبَقِيَّةِ اللَّهِ؛

سلام بر امامان دعوت کننده [به سوی خداوند] ... و باقیمانده خدا.

شیخ صدوق نقل کرده است که: «اولین آیه ای که حضرت قائم علیه السلام به هنگام قیام می خواند، این آیه است: «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ بقیة الله بهتر است برای شما، اگر مؤمن باشید.» آن گاه می فرماید:

أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَخَلِيفَتُهُ وَحُجَّتُهُ عَلَيْكُمْ فَلَا يُسَلِّمُ عَلَيْهِ مُسْلِمٌ إِلَّا قَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ؛ من بقیة الله؛

در زمین خدا و خلیفه و حجت او بر شما هستم. پس هر مسلمانی که به او سلام می کند، می گوید: درود بر تو ای بقیة الله!

ب) خبر از غیبت امام زمان علیه السلام

در سخت ترین دورانی که اختناق همه جا را فرا گرفته بود و امامان معصوم علیهم السلام تحت نظر بودند و به شدت حرکات و رفتار و گفتار آنها کنترل می شد، حضرت هادی علیه السلام از دعا و زیارت بیشترین استفاده را برد و مسائل مهم امامت را بیان کرد و مسئله غیبت امام زمان علیه السلام را گوشزد نمود تا شیعیان را برای چنین دوران سخت و غمباری آماده سازد و لذا فرمود: «مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَعَلَانِيَتِكُمْ وَشَاهِدِكُمْ وَغَائِبِكُمْ وَأَوَّلِكُمْ وَآخِرِكُمْ؛ ایمان آورنده به نهان و آشکار شما و حاضر و غائب شما و اول و آخر شما.» مراد از شاهد، امامی است که مردم او را مشاهده کنند و او مردم را مشاهده نماید و مراد از غایب، حضرت قائم علیه السلام است که در هستی و جامعه حضور دارد، ولی ظهور ندارد؛ یعنی او مردم را می بیند و می شناسد، اما مردم یا او را نمی بینند و یا می بینند، ولی نمی شناسند.

ج) انتظار ظهور دولت حق

از بهترین و برترین آرزوهایی که امامان ما به جامعه تلقین کرده و نوید تحقق آن را داده اند، ظهور حکومت عادلانه مهدوی است. تزریق و تلقین این آرزو جامعه را با نشاط و فعال و سرزنده نگه می دارد و روح امید را در دل انسان ها می دمد. امامان علیهم السلام نیز این آرزوی بلند را این گونه تلقین می کند: «مُنْتَظَرٌ لِأَمْرِكُمْ مُرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِكُمْ؛ منتظر امر [و خروج] شما و چشم به راه دولت شمایم.»

جمله فوق هر چند به صورت خبری است، ولی گویا انشاء این امر است که انتظار آمدن مهدی (ع) و تشکیل حکومت توسط آن حضرت امری است مستحب و با فضیلت؛ چنان که در روایات دیگر نیز به آن اشاره شده است. امام صادق (ع) فرمود: «مِنْ دِينَ الْاَيْمِ الْوَرَعُ وَالْعِفَّةُ... وَانْتِظَارُ الْفَرَجِ بِالصَّبْرِ؛ از دین امامان، ورع و عفت... و انتظار فرج با صبر کردن است.»

عمار سبابطی می‌گوید: از امام صادق (ع) پرسیدم که: آیا عبادت پنهانی با امام غائب و پنهان در دوران دولت باطل بهتر است و یا عبادت با ظهور دولت حق [و در زمان ظهور مهدی (ع) حضرت فرمود: «شما در ورود به دین خدا و نماز و روزه و حج و دیگر خیراتی که خداوند توفیق داده و به عبادت خدا در پنهان سبقت دارید و از دیگران پیشی گرفتید و پیوسته به حق امام و حقوق خویش می‌نگرید که در دست ستمگران است و ایشان که شما را ناچار به زندگی دنیوی و طلب معاش با شکیبایی بر دین و عبادت و طاعت امام و خوف از دشمنان نموده‌اند. بنابراین، خداوند اعمال شما را در دنیا مضاعف کرده است. پس گوارای وجود شما باد) تنها به آرزوی تشکیل دولت حضرت مهدی (ع) اکتفا نمی‌شود، بلکه گام را فراتر نهاده و آرزو می‌کند که جزء حکمرانان و کارگزاران و یاران اصلی حضرت مهدی (ع) قرار گیرد و لذا می‌فرماید: «وَجَعَلَنِي مِمَّنْ... وَيُمْلِكُ فِي دَوْلَتِكُمْ وَيُشْرِفُ فِي عَافِيَتِكُمْ وَيُمَكِّنُ فِي اَيَّامِكُمْ؛ و مرا از کسانی قرار بده... که در دولت شما به فرمانروایی رسد و در عافیت شما گرمی گردد و در روزگار شما تمکن یابد.» یعنی در دولت شما از حکمرانان و فرمانداران بر مردم باشم و در زمان سلامت و عافیت شما به جایگاه بلند برسم؛ به طوری که ستم ستمکاران و طاغیان به من نرسد و در زمان دولت و چیرگی شما دارای ارزش و اعتبار و منزلت شوم. و با این آرزوها، آرزوی دیدار آن حضرت نیز برآورده می‌شود که: «وَتَقَرُّ عَدَا بَرُؤِيَّتِكُمْ؛ و چشمش فردا به دیدار شما روشن شود.

د) رجعت در زمان حضرت مهدی (ع)

یکی از اعتقادات قطعی شیعه، اعتقاد به رجعت است. بر اساس این اعتقاد و بر مبنای روایات اهل بیت (ع) در زمان حضرت مهدی (ع) عده‌ای از انسان‌های خوب و بد به این دنیا بازخواهند گشت. از جمله مسائلی که در جای جای زیارت جامعه به آن تصریح شده، بحث رجعت است؛ آن هم با عبارات قطعی و یقینی. در یک جا می‌فرماید: «مُؤْمِنُ بَايَاكُم مُّصَدِّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ؛ مؤمن به آمدن شما و تصدیق کننده رجعت شما هستم.» دو جمله فوق صرفاً برای تأکید نیست؛ بلکه برای بیان اعتقاد به این است که رجعت اتفاق می‌افتد، چه اینکه هر چه را معصومین (ع) که از

اشتباه و خطا مصون اند خبر دهند، واقع خواهد شد و باید به آن ایمان داشت. و در جای دیگر می‌فرماید: «وَيَكْرُفِي رَجَعَتُكُمْ»؛ [قرار ده مرا از کسانی که] بازگردد در رجعت و برگشت شما! و در زیارت وداع در ذیل زیارت جامعه می‌خوانیم: «وَأَحْيَانِي فِي رَجَعَتُكُمْ»؛ [خدا] زنده گرداند مرا در رجعت و برگشت شما.

رهاورد ظهور

رهاورد حکومت مهدوی آرزوی تمام انبیاء و اولیاء و صالحان و بلکه تمامی بشریت است و در روایات به صورت گسترده به آن پرداخته شده است. آنچه در این مقاله به آن اشاره می‌شود، مواردی است که در زیارت جامعه به آن پرداخته شده است.

۱. زنده شدن دین

گذشت زمان، غیبت امام زمان علیه السلام و وجود تحریف‌گران و بدعت‌گذاران در طول تاریخ، باعث تغییر چهره دین و دستورات دینی می‌شود، تا آنجا که دین به ظاهر مرده و کهنه شده به حساب می‌آید و دستورات آن به تعطیلی کشیده می‌شود؛ از اینرو با ظهور حضرت دستورات دین آن چنان که هست، بیان و اجرا می‌شود. به این جهت، آن حضرت احیاءکننده دین شمرده شده است. در زیارت جامعه می‌خوانیم: «حَتَّى يُحْيِيَ اللَّهُ تَعَالَى دِينَهُ بِكُمْ»؛ تا اینکه خداوند دینش را به وسیله شما زنده گرداند.

به تعبیر عرفانی، با ظهور حضرت قائم علیه السلام خداوند مظاهرش را که محمد و آل او هستند، حیات می‌بخشد و قدرت اهل بیت علیهم السلام با پاکی زمین از طاغوت‌ها و شاخه‌های آن؛ یعنی فحشا و منکرات و ستم و دیگر زشتی‌ها بر جهان، حاکم می‌شود. و در همه جا دستورات اسلام اجرا می‌گردد. علی علیه السلام فرمود: «وَيُحْيِي مَيِّتَ الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ»؛ و [مهدی بخش‌های] مرده کتاب [خدا] و سنت [پیامبر صلی الله علیه و آله] را زنده می‌کند. و با زنده شدن دین است که اهل بیت علیهم السلام به منزلت بزرگی دست می‌یابند و به تعبیری که در زیارت جامعه آمده: «يُمَكِّنُكُمْ فِي أَرْضِهِ» و تمکن و قدرت دهد شما را در زمین خویش. این دو نمونه اشاره به همان مطلبی دارد که قرآن دویست سال قبل از بیان امام هادی علیه السلام به آن اشاره نموده است:

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ

أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ يَعِدْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ؛

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد؛ همان گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده است. بر ایشان پابر جا و ریشه دار خواهد ساخت و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند؛ [آنچنان] که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها فاسقان‌اند.

و در آیه دیگر فرمود: «اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ؛ بدانید خداوند زمین را بعد از مردنش زنده می‌گرداند. به تحقیق آیات را برای شما بیان کردیم، شاید تعقل کنید.»

۲. روشن شدن زمین

وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِكُمْ؛ و زمین با نور شما روشن می‌شود.

این جمله از زیارت جامعه، اشاره‌ای لطیف به ظهور حضرت مهدی علیه السلام دارد که با وجود نور آن حضرت، زمین نورانی خواهد شد و در واقع، اشاره دارد به آیه‌ای که می‌فرماید: «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا؛ و زمین در آن روز به نور پروردگارش روشن می‌شود.» امام صادق علیه السلام فرمود: «رب و پروردگار زمین، امام آن است. عرض کردند: هنگامی که (مهدی) قیام کند، چه خواهد شد؟ فرمود: مردم از نور خورشید و ماه بی‌نیاز می‌شوند و از نور امام استفاده می‌کنند.» و در جای دیگر فرمود: «هنگامی که قائم ما ظهور کند، زمین به نور پروردگارش روشن شود و مردم از نور خورشید بی‌نیاز می‌شوند و تاریکی از بین می‌رود.»

۳. فراگیر شدن عدالت

رهاورد دیگری که از ظهور حضرت مهدی علیه السلام در زیارت جامعه مورد توجه قرار گرفته است، عدالت فراگیر و جهانی است؛ عدالتی که تمام هستی و تمام جوانب و زوایای زندگی بشر را زیر بال می‌گیرد و به قول امیرمؤمنان علیه السلام: «فَيُرِيكُمْ كَيْفَ عَدْلُ السَّيِّرَةِ؛ روش عادلانه [در حکومت حق] را به شما می‌نمایاند.» و عدالت واقعی را برای همه جهانیان به نمایش می‌گذارد و طعم شیرین آن را به همه خواهد چشاند. در زیارت جامعه می‌خوانیم: «وَيُظْهِرُكُمْ

لَعْدِلِهِ؛ و شما را برای [اجرای] عدالتش آشکار کند.» تعبیر فوق اشاره به این دارد که خداوند با ظهور حضرت مهدی (عج) آخرین و کامل‌ترین صحنه از عدالت خویش را آشکار می‌سازد و به مردم نشان خواهد داد.

نگرش قرآنی امامان در زیارت جامعه

زیارت جامعه که از زبان علی النقی، امام دهم شیعیان، و در پاسخ به خواسته یکی از شیعیان صادر شده، اگرچه به شیوه خطابی و گفتاری است؛ اما در حقیقت بیانگر جایگاه امامت در تشیع است. این زیارت را شیخ طوسی در تهذیب و صدوق در فقه و عیون اخبار الرضا (ع) به سند خود از شخصی به نام نخعی نقل کرده‌اند که گفت: به علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب عرض کردم: «ای فرزند رسول خدا، مرا گفتاری بیاموز که هر وقت خواستم هر یک از شما را زیارت کنم همان سخن را در محضرش بگویم.» پاسخ امامان چنین بود: «هر زمانی که به آستان (امامی رسیدی) در آنجا بایست و شهادتین را در حال غسل و طهارت بر زبان جاری کن، وقتی نگاهت به قبر افتاد نخست سی مرتبه الله اکبر بگو و چند قدم راه برو، البته با کمال وقار و آرامش بسیار، گام‌های خود را کوتاه بردار و بار دیگر بایست و سی مرتبه تکبیر را بر زبان جاری کن، سپس نزدیک قبر شو و این بار چهل مرتبه تکبیر بگو تا یکصد مرتبه کامل شود آنگاه او را با جملات زیر زیارت کن...».

زیارت‌های جامعه گونه‌ای از آثار دعایی مذهب شیعه است که در تقابل با زیارت‌های خاصه قرار می‌گیرد. در این گونه از ادعیه، زیارت می‌تواند برای هر کدام از امامان مذهب شیعه به تنهایی یا همگی آن‌ها خوانده شود. محمد باقر مجلسی شماره ۱۴ زیارت نامه را با عنوان جامعه گردآوری کرده است (مجلسی، ۱۴۰۴: ۵۰/۲۲۰).

دلایل بسیاری برای وصف این گونه زیارت‌ها به عنوان «جامعه» ذکر شده است. این معیارها عبارتند از جامعیت کاربردی، جامعیت زمانی و مکانی و جامعیت مضمونی. بر اساس جامعیت کاربردی، این زیارت به عنوان جامعه توصیف شده چرا که در مقام زیارت مقام هر امامی قابل استفاده است. بر اساس جامعیت زمانی مکانی، این زیارت بعنوان جامعه توصیف شده است چرا که به زمان و مکان یا امام خاصی اختصاص ندارد. بر اساس جامعیت مضمونی، این دعا شامل تمامی صفات ائمه و توصیف مفصل فضائل ایشان است. سید بن طاووس معیار وصف این نوع زیارت به واژه «جامعه» را، نام بردن نام یکایک اهل بیت می‌داند. اصطلاح «زیارت

اصطلاح زیارت جامعه را برای اولین بار شیخ صدوق معروف به ابن بابویه برای اشاره به زیارت جامعه کبیره به کار برده است.

پیوند قرآن و عترت در زیارت جامعه کبیره

این زیارت که انشاء علی النقی علیه السلام نسبت به سایر امامان شیعه است از زیبایی های خاص ادبی برخوردار می باشد. در این زیارت، علی النقی علیه السلام به بیش از دویست فضیلت و منقبت از اهل بیت اشاره می کند، از دیگر ویژگی های این زیارت آن است که امامان، به رابطه امامان با خداوند و به جایگاه خدا در نظر امامان شیعه پرداخته شده است. و به عملکرد امامان در اجرای دین اسلام اشاره نموده است. بیان دیگر امام علی النقی علیه السلام این است که قرآن، همراه امامان است و هرگز از آنان جداشدنی نیست و هرکه از آنان دور شود گمراه خواهد شد. امام علی النقی علیه السلام با اشاره به جایگاه امامان در اسلام و بین مسلمانان، تصریح می کند که آنان شاهراه و راه راست و گواهان در دین و آن امانتی هستند که حفظش بر مردم واجب است. بر اساس مضمون این زیارت، شیعیان جهت دفاع از امامان ترغیب شده اند. امام علی النقی در این زیارت اشاره می کند به این که تمام اعمال به پیروی از امامان مقبول می افتد.

نتیجه گیری

امام علی النقی علیه السلام در این زیارتنامه، با نگرش قرآنی به طرح شناخت نامه اعتقادی نسبت به امامان شیعه پرداخته و آنها را امامان هدایت، چراغ های تاریکی ها، نشانه های پرهیزکاری، صاحبان خرد، پناهگاه مردمان، نمونه های اعلای الهی و حجت های خدا بر اهل دنیا و آخرت، معرفی کرده است، همچنین آنها را جایگاه های شناسائی خدا و مسکن های برکت خدا و معدن های حکمت خدا و نگهبانان سرپروردگار و حاملان کتاب خدا و اوصیای پیامبر خدا دانسته است. آنان دعوت کنندگان به سوی خدا و راهنمایان به راه های خشنودی خدا و استقرار یافتگان در فرمان پروردگار و کاملان در محبت خدا و مخلصان در توحید و آشکارکنندگان امر و نهی خدا و بندگان گرامی او هستند که هرگز بر خداوند در گفتار پیشی نمی گیرند. در این زیارت آمده است که خداوند امامان را به صورت نورهایی آفرید و گرداگرد عرش قرارداد و با آوردنشان در این جهان بر ما منت نهاد، و در خانه هایی قرارشان داد که نام و یاد او در آنها برده شود. امامان وجودهای گران بهایی هستند که فرمانبرداری از آنان فرمانبرداری از پروردگار می باشد. آنچه را که خداوند به امامان داده به هیچ یک از جهانیان نداده است، هر شخص شریفی در برابر مقام

رفیع‌شان سر به زیرآورده، و هر متکبری به فرمانبرداری آنان گردن نهاده و هر گردنکشی فروتن گشته است و زمین به نور وجودشان روشن شده است. در زیارت جامعه از امامان به عنوان کسانی یاد شده که خداوند عالم وجود را به برکتشان آغاز کرد و به آنان نیز به پایان خواهد رساند. به خاطر وجود امامان است که باران می بارد و به یمن وجود و برکتشان، خداوند آسمان را نگه می دارد و به وسیله آنان غم و اندوه زدوده شده و هر سختی و ناگواری برطرف می شود. این امام است که خداوند به وسیله او ما را از ذلت و بدبختی بیرون آورده و از سختی ها و گرفتاری ها نجات داده و گشایشی حاصل می کند. خداوند، به وسیله امام، مردم را از پرتگاه هلاکت و نابودی و از آتش جهنم نجات می دهد و به وسیله دوستی و پیروی از آنان، دستورات دین مان را تعلیم می دهد. آنچه را امام هادی ذکر نموده طرح شناخت نامه امام زمان علیه السلام برای همه اعصار است.

امام علی النقی علیه السلام چنین بیان می کند: خدا را و همچنین شما را گواه می گیرم که من به شما ایمان دارم و به آنچه شما به آن ایمان دارید. و کافر نسبت به دشمن شما، بینام به مقام شما، دوستدار شما و دوستدار دوستان شما هستم. بغض دشمنان تان را در دل دارم و دشمن آنهایم. در صلح هستم با هر که در صلح با شما است و در حال جنگ هستم با هر کس که با شما در جنگ است». علامه مجلسی این زیارت را از جهت سند، بهترین و بلیغ ترین زیارت ها دانسته است. (سند، ۱۳۸۶: ۱۰۳) آیت الله جوادی آملی بر این زیارت شرح مفصلی با عنوان ادب فنای مقربان نگاشته است. علامه مجلسی کتاب زیارت جامعه کبیره را به شکل منظوم درآورده است این زیارت را ابن بابویه قمی در کتاب من لایحضره الفقیه و شیخ طوسی در کتاب تهذیب الاخبار آورده اند. ملا محسن فیض کاشانی در کتاب وافی، علامه محمد باقر مجلسی در کتاب بحار الانوار و آیت الله بروجردی در کتاب جامع الاحادیث به اعتبار این زیارت اذعان کرده اند. جوادی آملی سند این زیارت را معتبر می داند چون معتقد است که صدور چنین زیارت نامه ای از غیر معصوم محال است. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۵۰/ ۲۲۰)

منابع و مآخذ

۱. پناهیان، علیرضا (۱۳۹۴ ش). *گفتنمان امام هادی علیه السلام*. مجموعه سخنرانی ها.
۲. ترابی، جواد (۱۳۸۶ ش). *خورشید هدایت سیری در زندگی امام هادی علیه السلام*. قم: بیت الاحزان.
۳. جاسم، حسین. *تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم*. ترجمه آیه الهی. تهران: امیرکبیر.
۴. جمعی از نویسندگان (۱۳۶۷ ش). *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۱۷، مدخل: جامعه

زیارت.

۵. جوادی آملی؛ عبدالله (۱۳۸۹ش). *ادب فنای مقربان*. قم: اسراء.
۶. حسن ابراهیم، حسن. تاریخ اسلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۷. خلخال، علی (۱۳۸۶ش). *چهره‌های درخشان سامرا حضرت امام هادی و امام عسکری (علیه السلام)*. انتشارات مکتب الحسین (علیه السلام).
۸. خوانساری، محمدباقر (۱۳۵۶ش). *روضات الجنات*. تهران: کتابفروشی اسلامیّه.
۹. دریائی، محمد رسول (۱۳۶۱ش). *امام هادی و نهضت علویان*. رسالت قلم
۱۰. سند، محمد (۱۳۸۶ش). *بررسی سندی زیارت جامعه کبیره*. ترجمه مهناز فرهمند. دار العرفان.
۱۱. شریف قرشی، باقر (۱۳۷۱ش). *تحلیلی از زندگانی امام هادی (علیه السلام)*. ترجمه محمدرضا عطایی. مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۲. شریفی، محمود (۱۳۸۴ش). *فرهنگ جامع سخنان امام هادی*. ترجمه: علی مؤیدی. قم: معروف.
۱۳. عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعه*. قم: آل البيت (علیهم السلام).
۱۴. قزوینی، سید محمدکاظم (۱۳۷۲ش). *امام الهادی الی المهد الی اللحد*. قم: آثار شیعه.
۱۵. قمی، عباس. *سفینه البحار*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۱۶. قیومی اصفهانی، جواد (۱۳۸۱ش). *صحیفه امام هادی (علیه السلام)*. دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۷. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق). *بحار الانوار*. بیروت: مؤسسه الوفاء
۱۸. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (۱۳۸۳ش). *حدیقه الشیعه*. تصحیح صادق حسن‌زاده.
۱۹. نجفی، نفیسه. نگرشی موضوعی بر زیارت جامعه کبیره. *سفینه*. سال ۷. ش ۲۶.
۲۰. هادی منش، ابوالفضل (۱۳۸۳ش). *مشکات هدایت؛ پژوهش در زندگانی امام هادی*. تهران: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما،

واکاوی معنای عدالت در حکومت مهدوی بر اساس آموزه‌های علوی

مهرانگیز میرزایی^۱، ابوطالب مختاری هاشم آباد^۲

چکیده

عدالت به عنوان یکی از اصول اساسی و اهداف بنیادی اسلام، در تمامی ابعاد زندگی انسان‌ها باید رعایت شود. این مفهوم به معنای قرار دادن هر چیز در جای خود و رعایت حقوق افراد است. در قرآن کریم، خداوند پیامبران را برای برقراری عدالت میان مردم فرستاده است. بر اساس متون دینی اجرای کامل عدالت بر عهده امام مهدی علیه السلام در زمان ظهورشان گزارده شده است. سؤال این است که این عدالتی که آن حضرت در تمام جهان پیاده می‌نماید چیست؟ یکی از بهترین راه‌های پاسخ به این پرسش تفقه در روایات امام علی علیه السلام و سیره حکومتی عدل محور ایشان در زمان حکومتشان است. این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی تلاش کرده با جمع آوری روایات امیرمومنان علیه السلام در توصیف عدالت مهدوی و تفقه در آنها معنای عدالت عصر ظهور و زمینه‌های پیدایی آن را بررسی و تبیین کند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که مواردی همچون ایجاد امنیت، رفع جهل، رفع فقر، ایجاد جامعه یکپارچه توحیدی، ارتقای سطح معرفتی مردم، فراگیری فرهنگ قرآنی در میان مردم و زدودن قضاوت‌های نادرست از جامعه که در توصیف عصر ظهور در سخنان علوی آمده است مهم‌ترین بسترهای ایجاد عدالت همگانی در عصر ظهور است چون معمولاً در کنار عدالت مهدوی در آموزه‌های علوی آمده است.

کلمات کلیدی

امام علی علیه السلام، امام مهدی علیه السلام، عصر ظهور، عدالت، زمینه عدالت مهدوی.

۱. کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث.

Solalesadat84@gmail.com.

۲. استادیار گروه معارف اسلامی، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

mokhtari@pardisiau.ac.ir

مقدمه و طرح مسأله

عدالت از اصول اولیه و از تعالیم و اهداف اصلی اسلام است. در دستورات و تعالیم اسلامی، افراد مأموریت یافته‌اند که در همه ابعاد زندگی خویش، عدالت را رعایت کرده و آن را سر لوحه زندگی خود قرار دهند.

عدالت؛ یعنی نهادن هر چیزی به جای خود و لفظی است که با معنایی وسیع در کلیه شئون آدمی، حضور موثر دارد. قانون عدالت یک قانون کلی و عمومی است و هر نوع داوری و حکومت را چه در امور بزرگ و چه در امور کوچک شامل می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵: ۲۶۶)

یکی از محققان بعد از تأکید بر هدف خلقت انسان و ضرورت رسیدن انسان به درجات قرب الهی در اثر بندگی خدا می‌نویسد: و از همین جاست که در قرآن کریم آمده است که خدای سبحان پیامبران را فرستاد و کتابهای آسمانی را نازل کرد، تا مردم همه بر پایه «عدالت» زندگی کنند. (حدید، آیه ۲۵) بدین گونه باید ایمان آورد به این «اصل الهی» که زمینه اصلی حضور واقعی و تحقق راستین دین و عقاید دینی در مردم و عمل کردن مردم بر طبق دین و احکام دین، اجرای عدالت است در اقتصاد و معیشت، و اجرای حق و احقاق حقوق است در همه شئون و جز این هر چه باشد شعار است و تصوّرات». (حکیمی، ۱۳۹۲: ۵۶/۲)

روشن است عدالت در جامعه تاکنون به طور کامل پیاده نشده است و گویا تحقق همه جانبه آن مأموریت منجی آخرالزمان و موعود ادیان الهی است. از نگاه ادیان الهی ظهور منجی وعده قریب الوقوع الهی است، که تخلفی در آن وعده نخواهد بود. در آینده جهان، مصلحی خواهد آمد که عدالت را در کل گیتی محقق و گسترش می‌دهد. این منجی از نظر شیعه امامیه، امام مهدی علیه السلام حجت بن الحسن العسکری علیه السلام است که هم اکنون در غیبت از انظار عمومی امامت خویش را انجام می‌دهد.

یکی از پرسش‌هایی که مورد توجه پژوهشگران و منتظران ظهور منجی بوده و هست این است که منظور از عدلی که منجی انسان‌ها قرار است جهان را آکنده از آن نماید چیست و آن حضرت چگونه این مأموریت الهی را محقق خواهد نمود؟ در عبارت «تُوضَحُ بِهِ مَعَاقِدَ الْحَقِّ وَمَجْهُولُ الْعَدْلِ» (طوسی، ۱۴۱۱: ۴۱۰/۱) که ضمن دعایی از امام رضا علیه السلام نقل شده است یکی از فایده‌های ظهور امام مهدی علیه السلام آشکار نمودن جاهای گره خوردن حق و عدالتی است که ناشناخته است چنان که امیرمؤمنان علیه السلام هم در ضمن توصیف عصر ظهور فرمود: «فَيُرِيكُمْ كَيْفَ عَدْلُ السَّيِّئَةِ: پس او (امام مهدی علیه السلام) به شما بنمایاند که روش عدالت چگونه است؟» (نهج البلاغه: خطبه ۱۳۸)

پژوهش حاضر بر آن است پاسخ این پرسش را با واکاوی سخنان امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام در این موضوع بدست آورد. همان امامی که جان پیامبر صلی الله علیه و آله و برترین اوصیا است و تنها امامی است که نمونه‌ای از حکومت عدل محور را در مدت کوتاهی در منطقه تحت حکومت خویش ارائه نمودند چنان که از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «همانا چون قائم ماقیام کند، لباس علی علیه السلام را بپوشد و بر اساس شیوه و سیره او رفتار نماید.» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۷/۵) بنابراین تحقیق در مورد سخنان امیرمؤمنان علیه السلام و سیره ایشان تا حدود زیادی ما را با روش حکومت عادلانه امام عصر علیه السلام آشنا می‌کند.

پیشینه بحث

از ابتدای اسلام تاکنون همواره کم و بیش مباحث مربوط به ویژگی‌های عصر طلایی ظهور امام مهدی علیه السلام در کتب مهدویت به طور مستقیم و یا در ضمن مباحث دیگر در کتب تفسیری و منابع حدیثی فریقین نگاشته شده است. اوج این تحقیقات را در دوره معاصر در آثار محققان مهدویت پژوه می‌توان یافت که برای نمونه می‌توان به جلد چهارم درسنامه مهدویت تألیف خدامراد سلیمیان اشاره کرد که ویژگی‌های حکومت حضرت مهدی علیه السلام را از جهات گوناگون مانند گستره حکومت، نظام اعتقادی آن، جایگاه عدالت در آن، نظام امنیتی آن، نظام سیاسی و نظام تعلیم و تربیت در حکومت مهدی علیه السلام، بر اساس قرآن و روایات، بررسی نموده است. (سلیمیان، ۱۳۹۳)

از نمونه کتاب‌های دیگر که موضوع آن شبیه موضوع تحقیق پیش رو ست کتاب مهدی منتظر علیه السلام، نگاشته مهدی فقیه ایمانی ست که نگارنده در این کتاب پس از بیان شناخت کوتاه از حضرت مهدی علیه السلام با تشریح امامت و رهبری در نهج البلاغه به شرح پیشگویی‌های امام علی علیه السلام در باره حضرت مهدی علیه السلام بر اساس برخی خطبه‌ها و حکمت‌های نهج البلاغه پرداخته است. (فقیه ایمانی، ۱۳۷۵)

در آثار و مقالات دیگر مانند «نشانه‌های امام مهدی علیه السلام در کلام علوی» (موسوی گرمارودی، ۱۳۸۰، مجله گلستان قرآن، ش ۸۶) نیز می‌توان شباهت‌هایی به مقاله پیش رو دید که نگارنده ضمن بیان دسته‌بندی موضوعی روایات امام علی علیه السلام در مباحث مهدوی، اقبال همگانی به امام، فرمان آسمانی به اطاعت امام، و این که آن حضرت میراث‌دار پیامبران الهی است را از جمله آموزه‌های علوی در مهدویت دانسته است.

وجه تمایز پژوهش حاضر با موارد دیگر در استخراج نظام عدل و عدالت در عصر ظهور از نگاه امام علی علیه السلام از منابع فریقین است. گویا چون مهم‌ترین ویژگی زندگی بشر پس از ظهور برپایی عدالت است در سخنان علوی که به ما رسیده نیز بیش از سایر مؤلفه‌های دولت کریمه مهدوی مطرح شده است.

معنای عدل

ابتدا معنای لغوی و سپس معنای اصطلاحی «عدل» بررسی می‌شود:

عدل در لغت به معنای راستی، درستی، دادگری، میانه‌روی، مساوات، استقامت، حکم به حق، برابری و قرار دادن هر چیز در جای خود آمده است. (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۲/۳۹)

در نگاه راغب اصفهانی، عدل به معنای تساوی و برابری است: «عدل: العدالة والمعادلة یقتضی معنی المساواة: عدل، عدالت و معادله، الفاظی هستند که مفهوم مساوات را اقتضا دارند.» این کلمات به اعتبار برابری دو چیز به کار برده می‌شود و عدل، به فتحه عین، و عدل، به کسره عین، از نظر معنا نزدیک به هم هستند، چیزی که هست عدل، به فتحه عین، در جایی استعمال می‌شود که با بصر و حس دیده می‌شود، مانند عدل شدن این کفه ترازو با آن کفه‌اش یا این لنگه بار با آن لنگه‌اش، یا این عدد از گردو با آن عددش، یا این مقدار گندم با مقداری دیگر از آن، پس بنا بر این می‌توان گفت عدل به معنای تقسیط و تقسیم به طور مساوی است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۵۱)

واژه عدل از اضداد است و برایش علاوه بر معنای برابری، انحراف و کجی هم آمده است. العدل من الناس: شخصی که روش مستقیم او، مورد رضایت مردم است و جمع آن «عدول» است. عدل، ضد جور و ستم است. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۴/۲۴۷) علاوه بر معانی یاد شده حکم نمودن به حق و درستی هم در بیان معانی عدل آمده است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱/۴۳۳)

در معجم الوسیط در رابطه با معنای عدل این چنین آمده: «العدل: الانصاف و هو اعطاء المرء ماله و اخذ ما علیه»، عدل یعنی انصاف و عطا نمودن به هر فرد آن چه برایش سودمند است و حق اوست و گرفتن هر آنچه که به زیانش است از اوست. (مصطفی ابراهیم، ۱۳۸۷: ۲/۵۹۴)

محقق دیگری گوید: عدل حالتی است بین افراط و تفریط، به گونه‌ای که در این حد وسط، زیادت یا نقصانی قرار نداشته و اعتدال کامل مراعات شده و به خاطر همین مفهوم است که از میانه‌روی، مساوات، سازوکاری، و استقامت به «عدل» تعبیر گردیده است. (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۸/۵۵)

شهید مطهری می‌گوید: «عدل یعنی رعایت حقوق افراد و عطا کردن حق هر ذی حقی به او.»
(مطهری، ۱۳۷۶: ۵۶، ۵۷)

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان در رابطه با معنای عدالت این چنین می‌نویسد:
عدالت، میانه روی و اجتناب از دو سوی افراط و تفریط در هر امری است و این در حقیقت معنا کردن کلمه است به لازمه معنای اصلی؛ زیرا معنای اصلی عدالت، اقامه مساوات میان امور است به این که به هر امری آنچه سزاوار است بدهی تا همه امور مساوی شود، و هر یک در جای واقعی خود که مستحق آن است قرارگیرد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲/ ۳۳۱)

بنابراین معنای رایج عدل در لغت برابری، مساوات و میانه روی و ضد جور و ستم است. به نظر می‌رسد عدل به طور عام؛ یعنی قرار دادن هر چیز در جای واقعی آن و به عبارت دیگر ادای حق هر موجود ذی حقی است که چون انسان‌ها و سایر موجودات نیازها و به تبع آن حقوق گوناگونی دارند عدالت و امنیت هم در ساحت‌های مختلف مورد توجه قرار می‌گیرند: در ساحت‌های فردی، عبادی، اجتماعی و محیط زیست از یک جهت و ساحت‌های فرهنگی، هنری، اقتصادی، سیاسی و دفاعی از سوی دیگر. اما در عرف عدالت بیشتر ناظر بر عدالت اجتماعی است که مهم‌ترین وظیفه حاکمان ایجاد شرایط لازم برای برقراری آن در جامعه است که بوسیله آن حقوق عموم مردم و گروه‌های گوناگون انسان‌ها و سایر موجودات بر اساس حق پرداخت شود.

عدالت در قرآن

قرآن کریم در آیات بسیاری، به اهمیت عدالت پرداخته و به آن سفارش نموده است.
در قرآن کریم، عدالت به دو گونه فعلی و اسمی همراه با مشتقات و وجوه و نظایرش آمده است. وجوه فعلی «تعدیل کردن، به عدالت و مساوات رفتار کردن، به عدالت حکم کردن، انصاف دادن، عوض دادن و...» و وجوه اسمی آن، «برابر، مقدار، دادگری، فدیة، تحریف ناپذیری، زوال ناپذیری و... می‌باشد.» (خرمشاهی، ۱۳۷۷: ۲/ ۱۴۴۲)

آیات بسیاری بیان‌گر اهمیت و ارزش عدالت است از جمله:

«اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى (مائده / ۸)؛ عدالت ورزید که عدل به تقوا نزدیک تر است.»

«وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا (انعام / ۱۵۲)؛ وقتی سخن گفتید به عدالت سخن گوید.»

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ (نحل / ۹۰)؛ حقیقتاً خداوند به عدل و احسان امر می‌کند.»
عدالت فراگیر از پر اهمیت‌ترین حکمت بعثت انبیاء الهی است. خدای متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ. (حدید / ۲۵)
ما پیامبرانمان را با دلیل‌های روشن فرستادیم و با آنها کتاب و ترازو را نیز نازل کردیم تا مردم به عدالت عمل کنند.

سفارش به رعایت عدالت در روایات اهل بیت (علیهم‌السلام)

در روایات رسیده از پیشوایان معصوم (علیهم‌السلام) به خصوص امام علی (علیه‌السلام) در راستای کمال انسان و جامعه، بسیار به رعایت عدالت توصیه شده است از جمله:

الف) امام علی (علیه‌السلام) در ضمن سخنانی خطاب به امام حسین (علیه‌السلام) فرمود:
«أَوْصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ فِي الْغِنَى وَالْفَقْرِ وَكَلِمَةِ الْحَقِّ فِي الرِّضَا وَالْغَضَبِ وَالْقَصْدِ فِي الْغِنَى وَالْفَقْرِ وَالْعَدْلَ عَلَى الصَّدِيقِ وَالْعُدُوَّ» (حرانی، ۱۴۰۴: ۸۸)

تو را به تقوای الهی در حال غنا و تنگدستی و بیان حقیقت در حالت خشنودی و خشم و میانه روی در بی‌نیازی و فقر و رعایت عدالت با دوست و دشمن سفارش می‌کنم.

ب) از امام صادق (علیه‌السلام) روایت شده است: روزی امیرمومنان (علیه‌السلام) به عمر بن خطاب فرمود:
سه چیز است که اگر از آن‌ها حفاظت کرده و به آن‌ها عمل کنی تو را از غیر آن‌ها بی‌نیاز می‌کند و اگر آن‌ها را ترک کنی، غیر آن‌ها سودی به تو نمی‌رساند.» وی سوال کرد: آن سه چیز کدامند؟ حضرت فرمود: «اجرای حدود بر نزدیک و دور (آشنا و بیگانه) و حکم کردن به کتاب خدا در حال خرسندی و خشم و تقسیم عادلانه بین سیاه و سرخ.» عمر گفت:
به جانم قسم خلاصه همه چیز را گفتید. (طوسی، ۱۴۰۷: ۶ / ۲۲۷)

ج) امیرمومنان علی (علیه‌السلام) فرمود: «ثَبَاتُ الدُّوَلِ بِإِقَامَةِ سُنَنِ الْعَدْلِ (آمدی، ۱۴۱۰: ۳۹۷ / ح ۴۷۱۵)؛
پایداری دولت‌ها، با برپایی سنت‌های عادلانه است.»

د) همچنین امام علی (علیه‌السلام) در باره عدل فرمود:
«إِنَّ الْعَدْلَ مِيزَانُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ الَّذِي وَضَعَهُ فِي الْخَلْقِ، وَنَصَبَهُ لِإِقَامَةِ الْحَقِّ ... (آمدی، ۱۴۱۰: ۲۵۵)؛
عدالت، ترازوی خدای سبحان است که آن را در میان آفریده‌های خود نهاده و برای برپا داشتن



حق، نصب کرده است.»

همه نیز فرمود: «جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ الْعَدْلَ قَوَامًا لِلْأَنَامِ، وَتَنْزِيهَا مِنَ الْمَظَالِمِ وَالْآثَامِ، وَتَسْنِيَةً لِلْإِسْلَامِ (آمدی، ۱۴۱۰: ۳۹۷)؛ خداوند، عدالت را برای استواری مردم و پاکیزگی از ستم و گناهان و وسیله علو و سربلندی اسلام قرار داده است.»

و (حضرت زهرا(س) در ضمن خطبه فدکیه فرمود:

«فَجَعَلَ اللَّهُ الْعَدْلَ تَنْسِيقًا لِلْقُلُوبِ؛» (طبرسی، ۱۴۰۳: ۱/ ۹۹) خدا (وجوب) عدل را برای هماهنگی دل‌ها (در اجتماع) قرار داده است.»

از این نصوص دینی روشن می‌شود رعایت عدالت فردی و اجتماعی از مهم‌ترین و محوری‌ترین دستورات دینی و رکن اصلی حکومت اسلامی در راستای کمال انسان و رشد همه جانبه جامعه بشری است.

۱. عدالت در حکومت مهدوی در آموزه‌های امیرمومنان (علیه السلام)

بر اساس آنچه گذشت می‌توان معنای عدالت را در سیره حکومتی امام عصر (علیه السلام) با توجه به آموزه‌های علوی در دو قسمت بررسی کرد:

عدالت در حکومت مهدوی بر اساس روایات رسیده از امیرمومنان (علیه السلام)

عدالت جنبه فطری دارد و نزد وجدان عمومی دارای ارزش والایی است؛ زیرا با وجود عدالت، هر انسانی به حق خویش می‌رسد. عدالت یکی از پر جلوه‌ترین خصوصیت حکومت جهانی حضرت مهدی (علیه السلام) است؛ زیرا هنگامی که از عدالت سخن به میان می‌آید در اذهان عمومی، آمیختگی آن با نام مهدی (علیه السلام) تداعی می‌شود.

از بررسی و گونه‌شناسی سخنان امام علی (علیه السلام) پیرامون مباحث مهدویت روشن می‌شود آن حضرت به تبع از پیامبر (صلی الله علیه و آله) ویژگی اصلی دوران امامت امام مهدی (علیه السلام) را پرکردن زمین از عدل و قسط می‌داند. از آن حضرت روایت شده است: «الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/ ۳۳۸)؛ مهدی زمین را از عدل و داد پر می‌کند همانگونه که از ظلم و ستم پر شده است.»

از شاخصه‌های مهم و سرنوشت‌سازترین قیام مهدوی، مبارزه با ظلم و استکبار و تأمین عدالت فردی و اجتماعی به صورت گسترده است. چنان که گذشت عبارت حضرت امیر (علیه السلام) در خطبه ۱۳۸ نهج البلاغه: «فَيُرِيكُمْ كَيْفَ عَدْلُ السَّيْرِ». بیانگر جایگاه عدالت در سیره حکومت

مهدوی است.

در حکومت انبیاء و اوصیای ایشان، تحقق عدالت اجتماعی امکان پذیر است.

امام صادق علیه السلام، فرمود:

مَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ حَتَّى لَا يَبْقَى صِنْفٌ مِنَ النَّاسِ إِلَّا وَقَدْ وُلُوا عَلَى النَّاسِ حَتَّى لَا يَقُولَ قَائِلٌ إِنَّا لَوْ وُلِينَا لَعَدَلْنَا ثُمَّ يَقُومُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ وَالْعَدْلِ. (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۷۴)

این امر (قیام)، روی نمی‌دهد تا آن که هیچ گروهی از مردم نمایند جز آن که بر مردم حکومت کند برای این که کسی نگوید اگر ما حاکم می‌شدیم عدالت می‌ورزیدیم سپس قائم به حق و عدالت قیام می‌کند.

گاهی این عدالت محوری با عبارات دیگر در متون منسوب به امام علی علیه السلام آمده است؛ مثلاً در حدیثی امام مهدی علیه السلام مردی از فرزندان امام علی علیه السلام معرفی شده است که «يُخْرِجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ يُقِيمُ اغْوِجَاجَ الْحَقِّ (حر حاملی، ۱۴۲۵: ۵ / ۱۸۵)؛ در آخر الزمان بیرون خواهد آمد و هر ناراستی که در حق به هم رسیده است درست خواهد کرد.» این ناراستی در حق می‌تواند مصادیق متعددی داشته باشد؛ مانند: بدعت در دین و تحریف آموزه‌های دینی.

زمینه‌های برپایی عدالت در حکومت مهدوی

وقتی در سخنان امیرمؤمنان علیه السلام در موضوع ویژگی‌های زندگی بشر در عصر طلایی ظهور اندیشه شود می‌توان فهمید که مؤلفه‌های حکومت مهدوی با هم ارتباط نزدیک دارند و در واقع همراهی این شاخصه‌ها می‌تواند پاسخی باشد به پرسش اصلی این پژوهش به این معنا که مواردی مانند احیاء فرهنگ قرآن و سنت، بالا رفتن سطح علم و معرفت، برقراری امنیت، رفع مشکلات اقتصادی و خودکفایی و مانند اینها هر یک می‌تواند بستر و زمینه برپایی عدالت در حکومت مهدوی باشد علاوه بر اینکه علف‌های هرز و عوامل اصلی ناامنی به اذن الهی برچیده می‌شوند. در جامعه مهدوی، همه عناصر پدید آورنده عدالت دست به دست هم خواهند داد تا نوید پروردگار در برپایی جامعه جهانی را بر پایه عدل، شکل دهند. عناصری چون: قانون دادگرانه، رهبر عادل، حکومت و کارگزاران عادل و جامعه عادل که در این صورت عدل جهانی امری قطعی خواهد بود. (سلیمیان، ۱۳۹۸: ۴ / ۷۸)

در ذیل زمینه‌ها و عوامل برپایی عدالت اجتماعی براساس احادیث امام علی علیه السلام بیان می‌شود:

الف) برپایی امنیت مهم‌ترین بستر عدالت (عدالت سیاسی)

نخستین، مهم‌ترین و عمومی‌ترین هدف هر نظام سیاسی، تأمین امنیت افراد جامعه است که پس از تأمین آن است که می‌توان برای اهداف دیگر قدم برداشت. در باره نقش امنیت در پیشرفت فردی و اجتماعی، همین بس که بدون امنیت هیچ برنامه‌ای قابل اجرا نیست. (هاشمیان فرد، ۱۳۸۸: ۲۹)

در مورد ظهور حضرت مهدی علیه السلام اعتقاد به ایشان به عنوان یک پیشوای عدالت گستر و ایجادکننده امنیت جهانی بسیار رایج است؛ یعنی دو مقوله عدالت و امنیت رابطه‌ای نزدیک و اساسی با یکدیگر قرار دارند.

هر چه از عصر غیبت امام مهدی علیه السلام بیشتر می‌گذرد با وجود پیشرفت علم بشری و تکنولوژی همچنان نیاز به امنیت از مهم‌ترین نیازهای بشر محسوب می‌شود. این فزونی ناامنی مورد توجه روایات علوی نیز است. از آن حضرت چنین نقل شده:

لَتُمْلَأَنَّ الْأَرْضُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا حَتَّى لَا يَقُولَ أَحَدُ اللَّهِ إِلَّا مُسْتَخْفِيًا، ثُمَّ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ صَالِحِينَ يَمْلَأُونَهَا قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مِلْتُمْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا. (طوسی، ۱۴۱۴: ۳۸۲)

بدون شک زمین تا آنجا سرشار از ستم می‌شود که کسی جز پنهانی نام خدا را نبرد آن گاه خداوند گروهی شایسته را روی کار آورد تا زمین را چنان که پر از ظلم و ستم شده سرشار از قسط و عدالت کنند.

وقتی عدالت به درستی اجرا شود، پایه‌های امنیت اجتماعی و سیاسی تقویت می‌شود. حضرت مهدی علیه السلام در زمان ظهور خود به برقراری عدالت جهانی و رفع ظلم و فساد می‌پردازد که این امر موجب ایجاد یک محیط امن و پایدار برای مردم و همچنین باعث ایجاد اعتماد عمومی گشته و به تبع آن، امنیت اجتماعی و فردی نیز تقویت می‌شود. در این نگره، عدالت و امنیت دو روی یک سکه‌اند که هر یک به دیگری وابسته است. این رابطه نشان‌دهنده اهمیت پیوند میان عدالت و امنیت در تحقق یک جامعه سالم و پیشرفته است.

یکی از بزرگترین بشارت‌هایی که خداند در باب امنیت به جامعه ایمانی داده است، رسیدن به امنیت فراگیر است چنان که می‌فرماید:

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ

الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا
يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا. (نور / ۵۵)

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد همان گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند آنچنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت.

از این آیه جایگاه والای امنیت و برپایی دین الهی در روی زمین در حکومت صالحان روشن می‌شود. بنابراین امنیت در ابعاد مختلف فردی و اجتماعی از اهداف بزرگ انبیاء و اوصیای الهی است که این امر فقط در حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام که نشانگر حاکمیت اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله است تحقق خواهد یافت.

در حکومت امام مهدی علیه السلام که دوران فراگیری همه نیکی‌ها در همه ابعاد زندگی‌ست، امنیت یکی از بزرگترین نعمات الهی است و از عالی‌ترین آمال و آرزوهای انسانی است. هنگامی که افراد از عقیده و مسلک واحدی تبعیت می‌کنند و در ایجاد روابط اجتماعی، پایبند به اصول اخلاقی باشند و عدالت در همه زندگی فردی و اجتماعی شان جاری باشد، ترس و ناامنی در زندگی آنان باقی نمی‌ماند. امیرمومنان علی علیه السلام می‌فرماید:

لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا لَأَنْزَلَتْ السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَلَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا وَلَذَهَبَتِ الشَّحَنَاءُ
مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ وَاصْطَلَحَتِ السِّبَاعُ وَالْبَهَائِمُ حَتَّى تَمْشِيَ الْمَرْأَةُ بَيْنَ الْعِرَاقِ إِلَى الشَّامِ
لَا تَضَعُ قَدَمَيْهَا إِلَّا عَلَى النَّبَاتِ وَعَلَى رَأْسِهَا زِينَتُهَا لَا يُهَيِّجُهَا سَبْعٌ وَلَا تَخَافُهُ. (صدوق، ۱۳۶۲: ۲ / ۶۲۶)

اگر قائم ما قیام کند آسمان برکت‌های خود را فرو می‌ریزد و زمین گیاهانش را می‌رویاند و کینه و دشمنی از دل‌های بندگان رخت بر می‌بندد و درندگان و چرندگان با هم می‌سازند. در آن هنگام زنی بین عراق و شام می‌رود. قدم هایش را جز بر گیاهان و نباتات نمی‌گذارد (سرسبزی)، زینت آلات (سیم و زر) بر سر حمل می‌کند اما هیچ موجود زنده‌ای او را پریشان نمی‌کند و زن از آنها نمی‌ترسد.



با افزایش عقل و درجات ایمان افراد در آن عصر، جنگ و سرقت بی معناست و حتی درندگان نیز به امر خداوند در آن آرمان شهر به انسان صدمه‌ای نمی‌زنند در این باره از امیرمؤمنان علیه السلام چنین نقل است که می‌فرماید:

فی قصّة المهدی قال ترعى الشّاة والدّئب فی مکان واحد، وتلعب الصّبیان بالحیّات و العقارب، لا یضرّهم شیء؛ ویذهب الشّرّ، ویبقى الخیر. (عقد الدرر، ۱۴۲۸: ۲۱۱)

در قصّه مهدی علیه السلام که می‌گویند گوسفند و گرگ در یک مکان‌اند، اطفال با مارها و عقرب‌ها بازی می‌کنند و ایشان را به چیزی اذیت نمی‌کند، شرّ می‌رود و خیر می‌ماند.

به نظر می‌رسد سیاست‌های امنیتی حکومت امام مهدی علیه السلام همان سیاست‌های نبوی و علوی است که در دوران حکومت خود داشتند. برجسته‌ترین این سیاست‌ها به طور اختصار عبارتند از:

الف. برنامه‌ریزی جهت دستیابی به اطلاعات و شناخت‌های لازم از تهدیدهای امنیتی و عوامل آن؛

ب. برخورداری از ابزارها و امکانات بازدارنده دشمن؛

ج. تقویت مادی و معنوی نیروهای مسلح؛

د. برنامه‌ریزی جهت تبدیل تهدیدهای امنیتی به فرصت؛

هـ. اجتناب از درگیری بدون ضرورت با دشمن؛

و. هوشیاری در برابر توطئه‌های ضد امنیتی؛

ز. رعایت ارزش‌های اخلاقی در کشف توطئه‌های ضد امنیتی؛

ح. برخورد قاطع و ریشه‌ای با تهدیدهای امنیتی. (محمّدی ری شهری، بی‌تا: ۴۳۲/۳؛ ۲۵۷/۴)

ب) از بین رفتن دشمنان خدا و ایجاد جامعه یک‌دست توحیدی (عدالت فرهنگی)

بدون تردید مهم‌ترین بستر ایجاد عدالت در جامعه بالا پس از امنیت شکل‌گیری و رواج و ترفیع درجات بندگی خدا در میان مردم و به عبارت دیگر بالا رفتن کمالات انسانی همه مردم در پرتو ایمان به خدا و باورداشت امامت حجت خدا و پذیرفتن زندگی دین محور است. اگر همه باایمان باشند و جامعه توحیدی شکل بگیرد روحیه اجتماعی مردم تقویت می‌شود و بستر ایجاد عدالت فراهم می‌شود. در واقع نمی‌توان رشد سلامت معنوی مردم را بی ارتباط با برپایی عدالت دانست.

امام حسن علیه السلام از پدر بزرگوار خویش امیرمؤمنان علی علیه السلام روایت کرده‌اند که فرمود:

يَبْعَثُ اللَّهُ رَجُلًا فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَكَلْبٍ مِنَ الدَّهْرِ وَجَهْلٍ مِنَ النَّاسِ يُؤَيِّدُهُ اللَّهُ بِمَلَأَتِكَتِهِ وَيَعْصِمُهُ أَنْصَارُهُ وَيَنْصُرُهُ بِآيَاتِهِ وَيُظْهِرُهُ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ حَتَّى يَدِينُوا طَوْعًا وَكَرْهًا يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا وَنُورًا وَبُرْهَانًا يَدِينُ لَهُ عَرَضُ الْبِلَادِ وَطُولُهَا لَا يَنْبَقَى كَافِرٌ إِلَّا آمَنَ بِهِ وَلَا ظَالِمٌ إِلَّا صَلَحَ... (طبرسی، ۱۴۰۳: ۲ / ۲۹۱)

خدای تعالی در آخر الزمان در روزگاری که مانند سنگ خارا است و در ایام نادانی خلایق، مردی را بر انگیزد که او را با ملائکه خود مؤید گرداند و یاوران او را از بدی ها نگهدارد و او را نصرت دهد و بر همه اهل زمین غالب کند تا آن که از روی اختیار و فرمانبری یا با اکراه اسلام را قبول نمایند. زمین را بر از عدل و قسط و نور و برهان گرداند و همه اهل شهرها به او ایمان آورند و کافری نماند مگر آن که مسلم شود و فاجری نماند مگر آن که صالح گردد.

بی شک منظور از اسلام آوردن با اکراه این است که چون مهلت زندگی کافر و مشرک و منافق پایان یافته انسان یا باید با دیدن نشانه های حق ایمان آورد و در زمره معتقدان به امامت آن حضرت باشد و یا در مقابل حضرت بایستد که در این صورت کافر می شود و در ادامه حدیث توضیح داده که هیچ کافری نمی ماند مگر اینکه ایمان می آورد. پس اگر ایمان نیاورد بر روی زمین باقی نخواهد ماند چنان که در قرآن آمده است:

خداى متعال درباره این وعده به صراحت فرموده است:
هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا.
(فتح / ۲۸)

او کسی است که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاده تا آن را بر همه ادیان پیروز کند و کافی است که خدا گواه این موضوع باشد.

بی شک غلبه و فراگیری اسلام محمدی در زمان ظهور امام مهدی علیه السلام انجام خواهد شد. این غلبه همه جانبه بدون وجود یاران خاص امکان ندارد. امام صادق علیه السلام فرمود:

رَجَالٌ كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبُرُ الْحَدِيدِ... رَجُلًا لَا يَنَامُونَ اللَّيْلَ لَهُمْ دَوَى فِي صَلَاتِهِمْ كَدَوَى النَّحْلِ يَبِيتُونَ قِيَامًا عَلَى أَطْرَافِهِمْ وَيُصْبِحُونَ عَلَى خُيُولِهِمْ رَهَبَانٌ بِاللَّيْلِ لِيُوثَّ بِالنَّهَارِ هُمْ أَطْوَعُ لَهُ مِنَ الْأَمَةِ لِسَيْدِهَا كَالْمَصَابِيحِ كَأَنَّ قُلُوبَهُمُ الْقَنَادِيلُ وَهُمْ مِنْ



خَشْيَةَ اللَّهِ مُشْفِقُونَ ... بِهِمْ يُنْصَرُ اللَّهُ إِمَامَ الْحَقِّ. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۲ / ۳۰۷)

او مردانی دارد که گویی دل هایشان از پاره آهن است ... آنان مردانی شب زنده دار هستند که شب را در حال قیام به پرستش می پردازند و به هنگام نماز زمزمه ای مانند زبور غسل دارند و صبح هنگام در حالی که بر اسب های خود سوارند، برای انجام مأموریت می روند. آنان پارسایان شب و شیران روزند و در برابر حضرت از یک کنیز نسبت به مولا و مالک خود، فرمان بردارترند، این یاران مثل چراغ (هدایت) هستند گویا دل هایشان همچون قندیل است از ترس خدا حالت خاصی پیدا کرده اند ... خداوند به وسیله آنها به امام حق یاری می رساند.

(ج) رفع جهل و بالا رفتن علم و معرفت مردم (عدالت آموزشی)

بدیهی است هرگاه معنای عدالت، رساندن حقوق به صاحبان آنهاست شرط اولیه انجامش دانستن حقوق خدا و آفریده های خداست، لذا در توصیفات امیرمومنان (علیه السلام) از دولت مهدوی خودکفایی علمی مطرح شده است:

امیرمومنان علی (علیه السلام) در خطبه مخزون فرمود:

يُقَدِّفُ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ الْعِلْمَ، فَلَا يَحْتَاجُ مُؤْمِنٌ إِلَى مَا عِنْدَ أَخِيهِ مِنَ الْعِلْمِ، فَيَوْمَئِذٍ تَأْوِيلُ هَذِهِ الْآيَةِ يُعْنِي اللَّهُ كُلًّا مِنْ سَعَتِهِ. (حلی، ۱۴۲۱: ۴۷۴)

(در زمان ظهور) علم در دل های مومنان افکنده می شود و هیچ مومنی به آنچه از علم نزد برادر (مومن) اش است، نیازی ندارد و در آن روز تأویل این آیه (که می فرماید): «خداوند هر دو را از وسعت (فضل) خویش بی نیاز می سازد» محقق خواهد شد.

در نهج البلاغه آمده است:

يُعْطِفُ الْهُوَى عَلَى الْهُدَى إِذَا عَطَفُوا الْهُدَى عَلَى الْهُوَى وَيَعْطِفُ الرَّأْيَ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَطَفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ ... فَيُرِيكُمْ كَيْفَ عَدْلُ السَّيْرَةِ وَيُحْيِي مِيتَ الْكِتَابِ وَ السُّنَّةِ (نهج البلاغه: خطبه ۱۳۸):

(امام مهدی (علیه السلام) هوای نفس را به هدایت برمی گرداند، آن زمان که مردم مسیر هدایت را به هوا برگردانده اند، و رأی مردم را تابع قرآن می کند آن وقتی که قرآن را پیرو رأی خود کرده اند. تا جنگ همچون شیری خشمگین که دندان هایش را بنمایاند بر شما برپا گردد،

پستان هایش پر شیر و مکیدنش شیرین، ولی پایان کارش تلخ است. بدانید در فردا - و می آید فردا به چیزی که نمی دانید - حاکمی غیر از این حاکمان، کارگزاران حکومت ها را به زشتی اعمالشان کیفر خواهد داد، و زمین پاره های جگرش را برای او بیرون خواهد داد و کلید گنج هایش را تسلیم او خواهد کرد. پس او روش عدالت را به شما بنمایاند، و آنچه از کتاب و سنت متروک شده زنده گرداند.

در این فراز از خطبه علوی احیاء معارف قرآنی و هدایت و سنت نبوی در ابتدا و پایان بحث توسط امام مهدی (عج) در کنار ارائه روش عدالت محور توسط آن حضرت دو بار آمده است و گواه اهمیت معرفت قرآنی پس از ظهور است. در واقع قرآن آیین نامه و منشور عدل مهدوی است که فهم آن و عمل به آن به تحقق عدالت می انجامد.

البته تامل در این فرازها نشان می دهد مجازات نمودن قضاوت های نابجا و آشکار نمودن گنج و ثروت های خدادای در حکومت مهدوی نیز دو بستر دیگر ایجاد عدالت مهدوی است. یکی از محققان می گوید: بسیار واضح و روشن است که پس از برپایی دولت جهانی که حاکمی جز امام زمان (عج) ندارد و بر پایی عدالت در جامعه و قضاوت بر مبنای علوم باطنی، هیچ دشمنی و یا منافقی باقی نمی ماند مگر قبل از هر گونه اقدامی رسوا شده و هیچ نیازمندی وجود ندارد که مجبور به خلافت کاری و یا دزدی شود. و هیچ مجرمی از این حیث وجود نخواهد داشت زیرا که جهان از جهل پاک شده و پرده های حقیقت و ملکوت کنار رفته و همه به دنبال رستگاری ابدی هستند و به پوچی دنیا پی خواهند برد. به همین دلایل، امنیت پایدار و الهی حکمفرما می شود تا انسان بتواند به دور از هر گونه دلهره و سختی در حکومت امام زمان (عج) به طاعت الهی و زندگی اسلامی مشغول باشد و لذت ببرد و به معنای واقعی کلمه، طعم واقعی زندگی و بندگی را بچشد. از طرفی امام زمان (عج) همانند جد بزرگوارش امیرمومنان (ع) بسیار بر موضوع امنیت و سلامت جامعه تأکید می کند. (عظیمی، ۱۴۰۲: ۷۵۷)

د) رفع فقر و مشکلات اقتصادی و تقویت قدرت رفاهی مردم (عدالت اقتصادی)

پر واضح است که یک عامل مهم بی عدالتی ها، نداری و فقر است. وقتی این مشکل حل شود بستر ایجاد عدالت در جامعه فراهم می گردد. امام علی (ع) می فرماید:

لَا تَكَلُمُ إِنْسَانًا يَطْلُبُ قُوَّتَهُ فَمَنْ عَدِمَ قُوَّتَهُ كَثُرَ خَطَايَاهُ الْخَبَرُ. (شعیری، بی تا: ۱۳ / ۱۴)

انسانی که در پی کسب معیشت خود است را ملامت نکن؛ زیرا در فقر و تهیدستی

خطاهای او زیاد می‌شود.

در فرمانروایی امام مهدی علیه السلام زمین و آسمان پر از برکات می‌شود. نیازهای مادی و معیشتی مردم تا حدود زیادی برطرف می‌شود؛ امام علی علیه السلام:

... وَ تَصْطَلِحُ فِي مَلِكِهِ السَّبَاعُ وَ تُخْرَجُ الْأَرْضُ نَبْتَهَا وَ تُنْزِلُ السَّمَاءُ بَرَكَتَهَا وَ تَظْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ يَمْلِكُ مَا بَيْنَ الْخَافِقَيْنِ أَرْبَعِينَ عَامًا فَطُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ أَيَّامَهُ وَ سَمِعَ كَلَامَهُ
(طبرسی، ۱۴۰۳: ۲ / ۲۹۱)

آن حضرت در ملک خود با درندگان مصالحه کند و زمین نباتات خود را برویاند و آسمان برکات خود را نازل نماید و زمین خزائن خود را بر او ظاهر گرداند. چهل سال در بین مغرب و مشرق مالک شود. خوشا حال کسی که ایام او را دریابد و او را اطاعت کند.

ه) رفع هرگونه امر ناگوار از مؤمنان در سیره حکومتی امام مهدی علیه السلام

امامت مهدی بیشترین لطف را به جامعه توحیدی زمان خویش که رعیت ایشان هستند دارد. کلام حضرت امیر علیه السلام بیانگر عملکرد حضرت حجت علیه السلام است:

فلا يترك عبدا مسلما إلا اشتراه وأعتقه، ولا غارما إلا قضى دينه، ولا مظلمة لأحد من الناس إلا ردها، ولا يقتل منهم عبد إلا أدى ثمنه دية مسلمة إلى أهلها - ولا يقتل قتيل إلا قضى عنه دينه - وألحق عياله في العطاء. (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱ / ۶۶)

هیچ برده مسلمانی باقی نمی‌ماند مگر آن که مهدی علیه السلام او را خریده و آزاد می‌سازد و بدهکاری نیست مگر آن که وام او را بپردازد. ستمی بر کسی نمی‌رود مگر آن که او را بستاند. کسی کشته نمی‌شود مگر این که قرض او را ادا می‌کند و خانواده‌اش را تحت پوشش کمک‌های خویش قرار می‌دهد.

یکی از مصادیق این رفع ناگواری در عصر ظهور محقق شدن قصاص و وعده انتقامی است که در منابع معتبر آمده است و امام صادق علیه السلام به نقل از پدران خود می‌فرماید: «در زمان خلافت امیرمؤمنان علیه السلام آب فرات بالا آمد پس آن حضرت و دو فرزندش حسن و حسین علیه السلام سوار شدند. چون گذرشان بر طایفه ثقیف افتاد، آنان گفتند: علی آمده است آب را به جای خود بازگرداند (فرونشانند)، پس حضرت فرمود:

أَمَا وَاللَّهِ لَا قُتِلَ أَنَا وَابْنَايَ هَذَانِ وَلَيَبْعَثَ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ وَلَدِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ يُطَالِبُ

بِدِمَائِنَا... (نعمانی، ۱۳۹۷: ۱۴۰)

بدانید به خدا قسم! من و این دو فرزندم، یقیناً کشته خواهیم شد و بدون تردید خداوند مردی از فرزندان مرا در آخرالزمان بر می‌انگیزاند که خونخواهی ما خواهد کرد.

یکی از القاب امام عصر علیه السلام علاوه بر منتقم، «موتور» است که از نگاه لغوی، موتور به کسی گفته می‌شود که یکی از خویشاوندانش کشته شده ولی خون بهای او گرفته نشده است. (طریحی، ۱۳۷۵: ۳/ ۵۰۹)

(و) رفع قضاوت‌های نادرست (عدالت قضایی)

از نخستین گام‌های حضرت مهدی علیه السلام جهت اصلاح جامعه عزل و برکناری قاضیان ناشایست است. از ایشان ضمن توصیف حکومت مهدوی نقل شده: «لَيَنْزِعَنَّ عَنْكُمُ قُضَاةَ السَّوِّ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۱/ ۱۲۰)؛ قاضیان بدکار را از (گردن) شما باز می‌کند.»

ریشه کن کردن رشوه‌خواری، خصوصاً در تشکیلات قضایی یکی از اساسی‌ترین سیاست‌های دولت مهدوی است. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

لَيْسْتَ خَلِيفَةَ اللَّهِ خَلِيفَهُ يَثْبُتُ عَلَى الْهُدَى وَلَا يَأْخُذُ عَلَى حُكْمِهِ الرَّشَاءُ. (ابن منادی، ۱۴۱۸: ۳۰۷)

بی‌شک خداوند، خلیفه‌ای را جانشین خواهد کرد که بر هدایت، استوار می‌ایستد و برای حکمش رشوه نمی‌گیرد.

این مطلب در نهج البلاغه چنین آمده:

الْأَوْفَى عَدَّ وَسَيَّئَاتِي عَدَّ بِمَا لَا تَعْرِفُونَ يَا خُذُ الْوَالِي مِنْ غَيْرِهَا عُمَالَهَا عَلَى مَسَاوِي أَعْمَالِهَا (نهج البلاغه: خطبه ۱۳۸)؛

آگاه باشید! فردایی که شما را از آن هیچ شناختی نیست، زمامداری حاکمیت پیدا می‌کند که غیر از خاندان حکومت‌های امروزی است (حضرت مهدی علیه السلام) عمال و کارگزاران حکومت‌ها را بر اعمال بدشان کیفر خواهد داد.

عدالت در حکومت مهدوی بر اساس سیره رسیده از امیرمؤمنان علیه السلام

علاوه بر اینکه در سخنان علوی بارها امتیازات خاص امام و حجت خدا را برای اجرای احکام الهی و برپایی عدالت بیان کرده است مانند عبارت:



«أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِهَذَا الْأَمْرِ أَقْوَاهُمْ عَلَيْهِ وَأَعْلَمُهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ فِيهِ.» (نهج البلاغه: خطبه ۱۷۳)

ای مردم سزاوارترین اشخاص به خلافت، آن کسی است که در تحقق حکومت نیرومندتر و در آگاهی از فرمان خدا داناتر باشد.

نمونه‌هایی از مشابهت سیره عملی عدل علوی را با عدل مهدوی می‌توان مشاهده کرد. مثلاً: امیرمومنان علی علیه السلام فرمود:

أَمَّا وَاللَّهِ لَوْ تَنِي لِي الْوَسَادَ لَحَكَمْتُ بَيْنَ أَهْلِ التَّوْرَةِ بِتَوْرَاتِهِمْ وَبَيْنَ أَهْلِ الْإِنْجِيلِ بِإِنْجِيلِهِمْ وَأَهْلِ الزَّبُورِ بِزُبُورِهِمْ وَأَهْلِ الْقُرْآنِ بِقُرْآنِهِمْ حَتَّى يَزْهَرَ كُلُّ كِتَابٍ مِنْ هَذِهِ الْكُتُبِ وَيَقُولُ يَا رَبِّ إِنَّ عَلَيَّا قَضَى بِقَضَائِكَ (مفید، ۱۴۱۳: ۱ / ۳۵)؛

به خداوند سوگند اگر مسندی برایم نهاده شود در بین اهل تورات، با تورات‌شان، در بین اهل انجیل، با انجیل‌شان، در بین اهل زبور، با زبورشان و در بین اهل قرآن، با قرآن‌شان داوری خواهم کرد. تا آنجا که هر یک از این کتاب‌ها سر برآورد و بگوید: پروردگارا! علی به حکم تو داوری کرد.

از دیگر سیاست‌های قضائی حکومت مهدوی برای پیروان سایر ادیان آسمانی، قضاوت بر اساس کتاب خود آن‌هاست چنان که از امام باقر علیه السلام نقل شده است:

فَإِنَّمَا سَبَى الْمَهْدَى لِأَنَّهُ يَهْدِي لِأَمْرِ خَفِيٍّ يَسْتَخْرِجُ التَّوْرَةَ وَسَائِرَ كُتُبِ اللَّهِ مِنْ غَارٍ بِأَنْطَاكِيَّةَ فَيَحْكُمُ بَيْنَ أَهْلِ التَّوْرَةِ بِالتَّوْرَةِ وَبَيْنَ أَهْلِ الْإِنْجِيلِ بِالْإِنْجِيلِ وَبَيْنَ أَهْلِ الزَّبُورِ بِالزَّبُورِ وَبَيْنَ أَهْلِ الْفُرْقَانِ بِالْفُرْقَانِ (صدوق، ۱۳۸۵: ۱ / ۱۶۱)؛

از آن رو مهدی نامیده شده که به امری نهان، راهنمایی می‌کند. تورات و دیگر کتاب‌های آسمانی را از غاری در (انطاکیه) بیرون می‌کشد و میان اهل تورات، با تورات، میان اهل انجیل، با انجیل، میان اهل زبور، با زبور و میان اهل فرقان (قرآن)، با فرقان حکم می‌کند.

با توجه به این حدیث در می‌یابیم، سیاست قضائی امام مهدی علیه السلام همان سیاست قضائی امام علی علیه السلام است که حاکی از رفتار مسالمت‌آمیز دین‌مبین اسلام با پیروان سایر ادیان آسمانی است. یکی از دانشمندان می‌نویسد:

با توجه به افزایش بینش عمومی، علم و آگاهی و برخورد منطقی دولت امام مهدی علیه السلام

با ادیان و مذاهب مختلف و آگاهی یافتن و استفاده آنان از کتب اصیل و تحریف نشده از دلایلی است که سبب می شود به تدریج همه یا اکثر قاطع پیروان ادیان به آیین اسلام گرایش پیدا کنند و جامعه بشر به آرمان وحدت ادیان دست یابد. (محمدی ری شهری، ۱۳۹۳: ۲۶۷)

در بعضی از روایات، حضرت مهدی علیه السلام انتقام گیرنده خون همه امامان و مظلومان است: امام زمان علیه السلام همانند جد بزرگوارش امیرالمومنین علیه السلام بسیار بر موضوع امنیت و سلامت جامعه تأکید می کند. (عظیمی، ۱۴۰۲: ۷۵۷) امیرمومنان علیه السلام وقتی که در حکومتش، خلخال از پای پیرزن یهودی کردند، فرمود:

فَلَوْ أَنَّ امْرَأَةً مُسْلِمًا مَاتَ مِنْ بَعْدِ هَذَا أَسَفًا مَا كَانَ بِهٍ مَلُومًا بَلْ كَانَ بِهٍ عِنْدِي جَدِيرًا. (نهج البلاغه: خطبه ۲۷)

اگر برای این حادثه تلخ، مسلمانی از روی تأسف بمیرد ملامت نخواهد شد و از نظر من سزاوار است.

نتیجه گیری

تحقیق در مورد معنای عدالت در حکومت مهدوی بر اساس آموزه های علوی، نشان دهنده اهمیت و ضرورت این مفهوم در زندگی اجتماعی و فردی انسان ها است. عدالت به عنوان یکی از اصول بنیادین اسلام، نه تنها در متون دینی بلکه در سیره عملی ائمه معصومین، به ویژه امام علی علیه السلام به وضوح تبیین شده است.

امام علی علیه السلام با تأکید بر رعایت حقوق افراد و توزیع عادلانه منابع، الگویی از حکومت عادلانه را ارائه داده است که می تواند به عنوان راهنمایی برای تحقق عدالت در عصر ظهور امام مهدی علیه السلام مورد استفاده قرار گیرد. در آموزه های ایشان، عدالت نه تنها به معنای برقراری توازن و انصاف در جامعه، بلکه شامل ابعاد مختلفی چون عدالت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نیز می شود.

ظهور امام مهدی علیه السلام به عنوان منجی آخرالزمان، نویدبخش تحقق عدالت جهانی است. با اجرای عدالت در حکومت مهدوی، زمینه های امنیت اجتماعی و رفاه عمومی فراهم خواهد شد. این امر نه تنها موجب رفع فقر و مشکلات اقتصادی می شود، بلکه با ارتقاء سطح علم و معرفت مردم، یک جامعه توحیدی و همدل را شکل خواهد داد.



آموزه‌های علوی حاکی از آن است که مواردی همچون ایجاد امنیت، رفع جهل، رفع فقر، ایجاد جامعه یکپارچه توحیدی، ارتقای سطح معرفتی مردم، فراگیری فرهنگ قرآنی در میان مردم و زدودن قضاوت‌های نادرست از جامعه که در توصیف عصر ظهور در سخنان علوی آمده است مهم‌ترین بسترهای افزایش ظرفیت پذیرش و استقبال عمومی مردم از عدالت همگانی در عصر ظهور است چون معمولاً در کنار تأکید بر مشخصه عدالت مهدوی آمده است.

همچنین روشن شد علاوه بر تفقه در روایات رسیده از امام علی (ع) مطالعه سیره حکومت علوی می‌تواند عدالت مهدوی را به تصویر کشد و یا لاقلاً تا حدودی معنا و زمینه لازم برای اقبال عمومی از آن و گسترش آن را در روی زمین روشن کند. چنان که تعامل محترمانه و منطقی با پیروان ادیان ابراهیمی در روایات تبیین سیره دو امام مشاهده شد. عدالت در حکومت مهدوی نه تنها یک هدف آرمانی بلکه یک ضرورت عملی برای تحقق جامعه‌ای سالم و پیشرفته است.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
۲. نهج البلاغه، نسخه صبحی صالح.
۳. ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق). الغیبة. تحقیق علی اکبر غفاری. تهران: صدوق.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲ش). الخصال. تحقیق علی اکبر غفاری. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۵. ابن شعبه حرانی. حسین بن علی (۱۴۰۴ق). تحف العقول. تصحیح علی اکبر غفاری. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۶. ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۲۲ق). معجم مقاییس اللغة. تصحیح عبدالسلام محمد هارون. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۷. ابن منادی، احمد بن جعفر (۱۴۱۸ق). الملاحم. قم: دار السيرة.
۸. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دار الفکر.
۹. تمیمی الآمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق). غرر الحکم و درر الکلم. قم: دار الکتب الاسلامی.
۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه. قم: مؤسسة آل البيت (ع).

۱۱. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۲۵ق). *اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات*. بیروت: اعلمی.
۱۲. حکیمی، محمد (۱۳۹۲ش). *عصر زندگی و چگونگی آینده انسان و اسلام: پژوهشی در انقلاب جهانی مهدی (عج)*. قم: بوستان کتاب.
۱۳. حلی، حسن بن سلیمان بن محمد (۱۴۲۱ق). *مختصر البصائر*. قم: موسسه النشر الاسلامی.
۱۴. خرمشاهی، بهاء الدین (۱۳۷۷ش). *دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی*. تهران: ناهید.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *مفردات الفاظ القرآن*. تحقیق صفوان عدنان داوودی. بیروت و دمشق: دار القلم و الدار الشامیة.
۱۶. سلیمیان، خدامراد (۱۳۹۸ش). *درسنامه مهدویت*. قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج).
۱۷. شعیری، محمد بن محمد (بی تا). *جامع الاخبار*. نجف: مطبعة حیدریة.
۱۸. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴ش). *تفسیر المیزان*. ترجمه سید محمد باقر موسوی، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۳ق). *الإحتجاج علی أهل اللجاج*. تحقیق محمد باقر خراسان. مشهد: نشر مرتضی.
۲۰. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵ش). *مجمع البحرين*. تصحیح احمد حسینی اشکوری. تهران: مرتضوی.
۲۱. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). *تهذیب الاحکام*. تحقیق حسن الموسوی خراسان، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
۲۲. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق). *الغیبة / کتاب الغیبة للحجة*. تصحیح عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح. قم: دار المعارف الاسلامیة.
۲۳. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). *الامالی*. تحقیق موسسه البعثة. قم: دار الثقافة.
۲۴. عظیمی، پوریا (۱۴۰۲ش). *دارالمهدی*. تهران: لاهوت.
۲۵. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق). *کتاب التفسیر*. سید هاشم رسولی محلاتی. تهران: المطبعة العلمیة.
۲۶. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق). *کتاب العین*. قم: هجرت.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*. تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دار الکتب الإسلامیة.



۲۸. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار* علیهم السلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۹. محمدی ری شهری، محمد (بی تا). *دانشنامه امیرالمومنین علیهم السلام بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ*. قم: دار الحدیث.
۳۰. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸ش). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۱. مصطفی ابراهیم (مجمع اللغة العربية بالقاهرة) (۱۳۸۷ق). *معجم الوسیط*. صادق.
۳۲. مطهری، مرتضی (۱۳۷۶ش). *عدل الهی*. تهران: صدرا.
۳۳. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). *الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*. قم: کنگره شیخ مفید.
۳۴. مقدسی شافعی سلمی، یوسف بن یحیی (۱۴۲۸ق). *عقد الدرر فی اخبار المنتظر* علیهم السلام. قم: مسجد مقدس جمکران.
۳۵. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۸۵ش). *یکصد موضوع اخلاقی در قرآن و حدیث*. دار الکتب الاسلامیة.
۳۶. هاشمیان فرد، زاهد (۱۳۸۸ش). *امنیت در اسلام*. تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.

نقش تاثیرگذاری زنان در ترویج نسل مهدوی

کبری آذرnia کرکوق،^۱ خدیجه صفری^۲

چکیده

تحقیق حاضر با هدف نقش تاثیرگذاری زنان در ترویج نسل مهدوی، می باشد که جایگاه ارزنده مادران را در راستای تربیت نسل انقلابی و هم تراز با ارزش های مهدویت را بررسی نموده است لذا اهمیت این مقاله به واسطه نقش ارزنده زن در اسلام به عنوان بهترین مربی و تربیت کننده فرزندان است که می توانند فرامین دینی و مهدویت را سرلوحه تربیتی خود قرار دهند در این زمینه روش این تحقیق توصیفی و تحلیلی بر اساس مقالات علمی پژوهشی و کتب دینی و تربیت اسلامی و... می باشد که با ابزار فیش نویسی تهیه شده است. بنابراین یافته های مقاله به نقش تاثیرگذار زنان در تربیت نسل مهدوی اشاره دارد که می تواند در مکتب دینی و عقیدتی با تمرکز بر مادران مومنه جایگاه آن ها در نظر داشت.

کلمات کلیدی

زن، جامعه مهدوی، عصر غیبت.

۱. دانشجویی دکتری فقه و حقوق، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Zahra.azarniaa94@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد مدیریت، واحد پرند، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Safari113@gmail.com.

مقدمه

مهم‌ترین و اساسی‌ترین آرزوی هر خانواده مسلمانی داشتن فرزندانی دین‌دار و صالح است و فرهنگ انتظار یکی از محورهای سبک زندگی ایرانی اسلامی است. امروزه الگوهای متفاوت غربی و شرقی زندگی کودکان را محاصره کرده است و در صورتی غفلت جامعه ایران از این موضوع، زمینه تربیت فرزندان با فرهنگی غیر دینی و اسلامی به وجود خواهد آمد و آرمان سبک زندگی مهدوی به فراموشی سپرده خواهد شد. در این میان نقش مادران در تربیت دینی فرزندان پررنگ‌تر از سایر عوامل است و تربیت نسلی مهدی‌باور و مهدی‌یاور، یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین کارهایی است که زنان و مادران مهدوی می‌توانند برای حفظ دین داری فرزندان‌شان انجام دهند و با توجه به اینکه اوج کمال و تربیتی که در آیات و روایات برای انسان در نظر گرفته شده، پیاده‌سازی جریان توحید و حمایت از دین خدا برای یک فرد است؛ به نحوی که برای تحقق آن می‌طلبند، انسان از تمام هستی خود نیز بگذرد؛ همان‌گونه که ابا عبدالله الحسین از تمام هستی خود گذشتند تا جریان حق و حقیقت بر روی زمین جاری گردد. زنان در رسیدن افراد به این مقامات و کمک به همراهی آنان با امام و ولی جامعه، به عنوان یک مربی و زمینه‌ساز، می‌توانند بسیار تاثیرگذار عمل کنند. آنچه که این مقاله به دنبال آن است شناخت جایگاه تربیتی زنان و نیز بایسته‌ها و معیارهای رفتاری آنان بر اساس آیات قرآن است که در نتیجه‌ی عمل به آن نسلی پرورش می‌یابد که تجلی‌دهنده ولایت و خلافت الهی بر روی زمین و زمینه‌ساز ظهور هستند. (معارف وند، ۱۴۰۲)

طرح مسئله

در فرهنگ اسلامی، موضوع مهدویت و انتظار فرج و ظهور و تشکیل حکومت آن حضرت، یکی از افق‌های روشن، انسان‌ساز و تعالی‌بخشی است. تحقق عینی و عملی این موضوع نیازمند انسان‌های تربیت شده‌ای است که از هر حیث آمادگی یاری و حضور خالصانه تحت نظر امام عصر خود را داشته باشد. در طول تاریخ تشیع، یکی از نقش‌های بی‌بدیل زنان، دفاع از ولایت و تلاش برای حفظ این ارزش الهی بوده است و زنان فعالانه برای حفظ فرهنگ مهدویت در جامعه نقش آفرینی کرده‌اند. بین تمام نقش‌های مختلف زنان در حفظ این ارزش، تربیت نسل ولایی و زنده نگه داشتن محبت اهل بیت (علیهم‌السلام)، به ویژه یاد و اندیشه مهدوی، نقشی بسیار موثر و غیرقابل انکار بوده است. لذا در عصر حاضر، تربیت انسان دین‌دار، پویا، کارآمد و عاشق ولایت، از



اهمیت و جایگاه والایی برخوردار است. مهدی باوری و مهدی یآوری دو شاخصه اصلی نسلی است که باید زمینه ساز حکومت مهدوی باشد. این دو شاخصه در شاکله نسلی جدید که با سهمگین ترین طوفان های بنیان برانداز دین و دین داری مواجه هستند، تنها با تربیت دینی اصولی و همراه بینش و آگاهی شکل می گیرد و سکان دار این مهم نیز مادران و زنان هستند. با توجه به اینکه ارتباط مناسب بین مادر و فرزند از نظر اسلام و تربیت صحیح دینی فرزند از جمله خواسته های هر مادری است، این پژوهش در نظر دارد تا به نقش مادر در تربیت معنوی کودک پرداخته و روش ها و راهکارهای چنین تربیتی را تبیین کند.

در نظام تربیتی اسلام، دوره هفت سال دوم، دوران اطاعت است. در این دوره، باید آموزه های دینی، به صورت آمیزه ای از احساس و عقل به فرزندان ارائه شود؛ زیرا در این دوره، فرزندان، نه احساس و عواطف محض هستند و نه برخوردار از قدرت عقلانی کامل؛ از این رو تربیت باید با آمیختن عقل و احساس و گره زدن اندیشه و عاطفه و محبت، همراه باشد. در مقابل دوره هفت سال سوم دوره وزارت و همراهی است. در این مرحله تکامل، قوانین حاکم بر رفتار اخلاقی از درون فرد سرچشمه می گیرد. جوانی که تحت تربیت اصول صحیح قرار گرفته است، به مرحله ای می رسد که به صورت خودجوش و با الهام درونی، به دنبال ولی خدا حرکت می کند؛ زیرا وجود صفات پسندیده، مانند مهربانی با ضعیفان و همچنین دانش در دین و اصالت شخصیت و قدرت معنوی، جاذبه و کششی درونی به سوی انسان کامل در او ایجاد می کند در این راستا باید توجه داشت که در امر تربیت، باید تمام مراحل زندگی یک فرد مورد توجه قرار گیرد. متأسفانه برخی مادران تنها به بخشی از مراحل تربیت توجه می کنند، اما باید دانست تمام این مراحل کنار یکدیگر است که منجر به تربیت فرزندی شایسته، ولایت مدار و زمینه ساز ظهور واقعی می شود.

اهداف تحقیق

۱. بررسی تأثیر زنان در تربیت مهدویت فرزندان در راستای زمینه سازی ظهور؛
۲. بررسی نقش مادران در تربیت مهدویت فرزندان در دوره غیبت حضرت ولی عصر (عج)؛
۳. بررسی تأثیر زنان در تربیت اسلامی با آموزه های مهدویت کودکان.

سوال های تحقیق

۱. تأثیر زنان در تربیت مهدویت فرزندان در راستای زمینه سازی ظهور چگونه است؟
۲. نقش مادران در تربیت مهدویت فرزندان در دوره غیبت حضرت ولی عصر (عج) چگونه است؟

۳. تاثیر زنان در تربیت اسلامی با آموزه‌های مهدویت کودکان چگونه است؟

افق روشن زمینه‌ساز ظهور

در فرهنگ اسلامی موضوع مهدویت و انتظار فرج و ظهور و تشکیل حکومت آن حضرت، یکی از افق‌های روشن، انسان ساز و تعالی بخشی است. در این میان نقش مادران بسیار پررنگ است. با توجه به اینکه ارتباط مناسب بین مادر و فرزند از نظر اسلام و تربیت صحیح دینی فرزند از جمله خواسته‌های هر مادری است، این پژوهش به بررسی نقش مادر در تربیت معنوی کودک پرداخته و روش‌ها و راهکارهای چنین تربیتی را تبیین کرده است. به منظور تربیت نسلی مهدی باور و مهدی‌یاور، در تمامی مراحل زندگی یک فرد به تربیت توجه داشت که از پیش از تولد آغاز می‌شود و تا مرحله جوانی ادامه دارد. این مراحل از انتخاب همسری شایسته از طرف زوجین آغاز می‌شود، با توجهات به آموزه‌های دینی پیش از تولد ادامه یافته و به القا و ترویج محبت اولیای الهی در دل فرزند ختم می‌شود. در این میان نکاتی که اولیای تربیتی باید بدانند این است که خود، نیازمند یادگیری در حوزه ارزش‌ها و اخلاقیات هستند؛ زیرا باید در جایگاه یک مدیر و تسهیل کننده در این گونه امور عمل کنند و برای تربیت فرزندی شایسته باید به تربیت در تمامی مراحل زندگی او توجه کنند. (آفرینش، ۱۴۰۲)

نسل منتظر و رسالت زنان عصر مهدویت

از آنجا که انقلاب جهانی امام مهدی علیه السلام همچون هر نهضت و انقلاب دیگر، بدون مقدمه و زمینه‌سازی به پیروزی نخواهد رسید؛ زیرا انقلاب جهانی حضرت مهم‌ترین انقلاب‌های جهانی است. در جامعه مهدوی، تمام نگاه‌ها به سمت نسلی است که بار مهدوی بودن جامعه در آینده بر دوش آن‌هاست. نخستین معلم این نسل نیز مادران هستند. در حقیقت، عمده‌ترین نقش‌آفرینی زن منتظر، منتظر پروری است که مهم‌ترین وظیفه زنان با ایمان به شمار می‌آید؛ زنانی که تنها به آماده شدن خود برای استقبال از امام عصر علیه السلام کفایت نمی‌کند؛ بلکه خود را موظف به ایجاد زمینه‌سازی در دیگران نیز می‌دانند و به تربیت منتظران واقعی می‌پردازند. آنان در این مسیر، با احساس تکلیف نسبت به این وظیفه بزرگ، به بهانه ادامه تحصیل و اشتغال، از مسئولیت شانه خالی نمی‌کنند. زنان منتظر راستین با ادای چنین تکلیفی راه یاری رساندن به امام خویش در زمان غیبت را می‌یابند. اگر همه بانوان در انجام این هدف کوشا و پرتلاش باشند، افزون بر اینکه خود، جزء یاران امام علیه السلام قرار می‌گیرند، صف یاران حضرت را نیز پرشمارتر می‌کنند



و رهبر معظم انقلاب اسلامی در این باره فرموده‌اند: این (پرورش فرزند) جایگزین ندارد، زن اگر بچه خود را در خانه تربیت نکرد، یا اگر بچه نیاورد، یا اگر تارهای فوق‌العاده ظریف عواطف او را که از نخ‌های ابریشم ظریف تراست با سرانگشتان خود باز نکرد تا دچار عقده (عاطفی) نشود، هیچ کسی نمی‌تواند این کار را بکند؛ حتی دیگران، این فقط کار مادر است. بنابراین اولویت با این کاریست که بدیل ندارد و تعیین با این است و با توجه به این صحیح، یک زن منتظر وظایف سنگینی در تعلیم و تربیت فرزندان به خصوص از نظر دینی و مذهبی دارد. او باید فرزندانشان را مهدوی و مهدی‌ی‌آور تربیت کند.

آشناسازی فرزندان با مهدویت

از راه‌های تربیت دینی فرزندان، آشناسازی آنان با مهدویت است که خود شامل بخش‌هایی می‌شود از جمله:

تکیه بر امام شناسی و مهدی شناسی

یکی از راه‌های نهاده سازی باورهای اسلامی و مهدوی، تعلیم احکام و معارف اسلامی است. در عرصه تعلیم معارف اسلامی، چنان که پیشوایان معصوم آموزش داده‌اند، ۵۵ درصد از تعلیم می‌بایست به آموزش امامت و مهدویت اختصاص یابد و ۵۵ درصد از تعلیم می‌بایست به آموزش تمام معارف اسلامی از جمله قرآن و تفسیر، احکام، و شناخت حلال و حرام، اخلاق و ... اختصاص می‌یابد و آشنا ساختن فرزندان با محبت و مهربانی امام زمان (عج) نسبت به آنان، آشنایی عملی با مفهوم انتظار و احساس انس و الفت را در فرزندان ایجاد می‌کند و زمینه تجربه عملی را برای آنان در کنار خانواده فراهم می‌آورد. افزون بر این، والدین همگام با آموزش اصول اخلاقی و مفاهیم مرتبط با حوزه مهدویت، باید بکوشند در فرزندان انگیزه ایجاد کنند تا خود آنان نسبت به آن اصول احساس تعهد نمایند. آنان باید فرزندانشان را یاری کنند که نسبت به خود احساس خوبی داشته باشند و زمینه تجربیات اخلاقی موفق برای آنان فراهم کنند و با تمرکز بر نکات وجودی مثبت آنان و پرهیز از سرزنش و انتقاد بی‌فایده، زمینه علاقه‌مندی بیشتر آن‌ها را به موضوعات اخلاق انتظار فراهم آورند.

بنابراین اگر چنین کاری توسط زن انجام گردد، منظور تربیت با الگوی مهدویت ایمان به آن حضرت در قلب فرزندان نهاده می‌شود؛ زیرا زنان باتوجه به نفوذ کلامی که دارند و از اعتبار بالایی نزد فرزندان برخوردار است، می‌توانند معارف اهل بیت (ع) و به خصوص اطلاعات لازم

برای شناخت امام زمان علیه السلام را در اختیار آنان قرار دهند. بنابراین با شناخت این فضایل می‌توان فرزندان را با مهدویت آشنا ساخت و پس از تناسب وجودی و اخلاقی باوجود آن حضرت آنها را به سیر و سلوک عاشقانه و عارفانه در ارتباط ولایی با امام هدایت و تربیت نائل کنند. (عوافی، ۱۴۰۲)

تربیت ولایی و تحقق جامعه مهدوی

در این راستا مهدی باوری و مهدی یاوری دو شاخصه اصلی نسلی است که باید زمینه‌ساز حکومت مهدوی باشد. روشن است که جز با تربیت فرزندان، براساس اصول تربیتی اسلام محقق نمی‌شود. یکی از عناصر مهم در تحقق جامعه مهدوی تربیت نسلی است که زمینه تحقق چنین جامعه‌ای را فراهم نماید همین باور ابعاد گوناگونی دارد که بعد تربیتی از جنبه‌های مهم آن است زیرا مهدی باوری، صرفاً یک مسأله بلکه تحولات گوناگون هیجانی عاطفی احساسی و رفتاری در فرد ایجاد می‌کند و او را برمی‌انگیزد تا خود را برای یاوری امام مهدی علیه السلام مهیا سازد؛ چرا که یک منتظر واقعی، به لحاظ روحی و روانی هر لحظه آماده حرکت و قرار گرفتن در کنار حضرت مهدی است تا تحت فرمان آن امام بزرگوار خدمت کند بنابراین، مهدویت تربیت از دو جهت ارتباطی نزدیک و پیوندی عمیق باهم دارند.

نقش مادران در تربیت مهدوی فرزندان

خانواده اصلی‌ترین رکن برای شکل‌گیری و تربیت فرزندان مهدوی است و مهدی باوری عنصری است که انسان را رهنمون می‌کند به فرزند آوری و تولید نسل مهدوی که بتواند امام غایب خود را در تشکیل جامعه‌ای مهدوی یاری گرداند. با توجه به نقش پدر در تربیت فرزند، مادرانی که طالب تربیت یک نسل مهدوی هستند می‌بایست در هنگام انتخاب همسر، دقیقاً به این مسئولیت تربیتی توجه داشته باشند و هنگام همسرگزینی، فردی را برگزینند که ولایتمدار و از خانواده‌ای اصیل باشد و عشق و محبت به امام زمان علیه السلام در او نهادینه شده باشد؛ زیرا پدری که خود برخوردار از عشق و محبت نسبت به امام زمانش نباشد، نمی‌تواند در ایفای رسالت تربیت نسل مهدوی توفیقی داشته باشد و از سوی دیگر، تقید پدر در عمل به واجبات و به حلال و حرام الهی، بالخصوص تقید او به آوردن لقمه‌ای حلال بر سر سفره خانواده در دیندار کردن فرزندان و تربیت نسل ولایی فوق العاده مؤثر است. (زاهدی، ۱۴۰۱)

ایجاد فضای مهدویت و نقش زنان

از امور ضروری در به عمق رساندن باورهای اصیل مهدوی، نهادینه سازی اخلاق و آداب مهدوی در نهاد پاک فرزندان خانه است. موفقیت در فرآیند تربیت مهدوی در فرزندان و آشنایی آن‌ها با مهدویت، مستلزم آشنایی والدین و اعضای خانواده، با ارزش‌های اصیل انسانی، آداب و سنن اسلامی و اصیل تربیت کریمانه‌ی مهدوی است. بنابراین زن می‌تواند در فضای خانه به عنوان مادر، رنگ و بوی مهدوی بدهد؛ چراکه در تربیت مهدوی فرزندان، فضا سازی جمعی مهم‌تر و اثرگذارتر از پیام‌های مستقیم فردی است. فرزند وقتی در فضای ویژه‌ی مهدوی قرار بگیرد بیشتر تحت تأثیر مهدویت قرار می‌گیرد و مطابق آن در فضا حرکت خواهد کرد. از آن جا وقتی که فرزند تکریم و تجلیل مادر خود را در احترام به نام امام زمان (عج) با چشمان خویش ببیند، وقتی اشک شوق مادر را در خواندن دعای ندبه صبحگاهان جمعه ببیند، وقتی که فرزند خانه را در زنده سازی نام و یاد حضرت هم سو بیاید، در یک فضای هماهنگ برای دریافت گرایش‌ها، نگرش‌ها و منش‌های مهدوی آماده می‌گردد. کارشناسان مسائل تربیت در بیان اهمیت و فضا سازی و نقش فضای مناسب در تربیت انسان گفته اند است. (آشتیانی، ۱۳۹۲)

بنابراین توجه به مراسم‌های ویژه محرم و صفر که نوعی مجالس ذکر اهل بیت (ع) و مصائب و مدح آنان است، باید در نظر منتظر، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار باشد؛ چرا که این محافل نوعی ذکر محسوب می‌گردد، ندبه بر مسایل اهل بیت (ع)، زنگار قلب‌ها را می‌زداید و تیرگی‌های عصر غیبت را زائل می‌کند و دل‌ها را صفا می‌بخشد. در زیارت ناحیه مقدسه آمده است: «صبح و شام در مصیبت امام حسین (ع) گریه سر می‌دهم؛ که این گریه‌ها خود مقدمه‌ای برای کسب معرفت است پس با توجه به این راه کارها زنان می‌توانند از این طریق فرزندان خود را با مهدویت و حضرت مهدی (عج) آشنا سازند. زیرا کودکان معمولاً از مادر تأثیر می‌پذیرند، چون او از نظر محبت افزون‌تر به فرزند دارد. (احسانی، ۱۳۹۳)

تحلیل نقش زنان در تربیت نسل مهدوی

تربیت نسل مهدی باور و زمینه ساز ظهور از جمله دغدغه‌های والدین ولایت مدار در جایگاه متولیان اصلی تربیت است. در سده حاضر، والدین برای تربیت معنوی فرزندان خود با چالش‌های جدی روبه‌رو هستند؛ چرا که مدعیان جهانی سازی، حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) را تنها معارض تحقق همسان سازی فرهنگی جهان با فرهنگ غرب می‌دانند و با

بهره‌گیری از هنر و تبلیغات، سعی در تخریب این فرهنگ دارند، از این رو صهیونیست‌ها با سیطره کامل بر صنعت سینما و رسانه‌ها و با بهره‌گیری از هنر و تبلیغات، یکی از محورهای اساسی فعالیت خود را مبارزه با اعتقاد به ظهور منجی الهی قرار داده‌اند آن‌ها در محاسبات خود به این نتیجه رسیده‌اند که اعتقاد به ظهور منجی الهی، همواره موجب امید برای مقابله با ستم‌گران است. از سوی دیگر، آنان به خوبی دریافته‌اند تا زمانی که فرهنگ انتظار زنده است، شیعه که قوام دین به او است، پابرجا است و گره خوردن نسل جدید با فرهنگ مهدویت، خط بطلان بر تمام دسیسه‌های مهاجمان ناتوی فرهنگی است؛ از این رو است که برای تخریب فرهنگ انتظار در منظر نسل جدید، از هیچ تلاشی فروگذار نکرده‌اند آنان در تلاش‌اند مهدویت را به گونه‌ای به تصویر بکشند که جز تخریب، دلهره و نابودی برای دنیا به ارمغان نخواهد آورد که برخلاف همه این چالش‌ها، مبانی تربیت ولایی و هم‌چنین نظام تربیتی آن که از آب‌شخور مبانی غنی و ناب وحیانی سرچشمه می‌گیرد، می‌تواند بهترین سرمایه برای متولیان امر تربیت دینی - به ویژه مادران - باشد. مادران، باید با به کارگیری اصول و شیوه‌های صحیح تربیت ولایی و شکوفایی فطرت، درصدد تقویت عواطف و احساسات فرزندان خود درباره امام زمان‌شان باشند؛ چرا که آنها در درون خود، از گرایش به سوی انسان کامل برخوردارند. (بهشتیان، ۱۴۰۱)

بنابراین زنان جامعه ما اگر بخواهند حرکتی در تحقق جامعه مهدوی داشته باشند، باید در تمام زمان‌ها برای رسیدن به هدفشان به دنبال فرصتی مناسب برای تحقق این این مسأله باشند. لذا زنان مسلمان باید مهارت لازم را برای مدیریت خانه به دست بیاورند، تاب‌توانند بهترین استفاده‌ها را از هر فرصتی کرده باشند. به عنوان نمونه: زنی که سنت حسنه ازدواج را آسان برگزار می‌کند و مهریه خود را حفظ چند جزء از قرآن کریم یا مطالعه یک دور تفسیر قرآن یا کتاب‌های اخلاق یک استاد برجسته اخلاق اسلامی قرار می‌دهد، با شناخت مهدی (عج) و شناساندن او به دیگران را بر همسر خویش الزام می‌کند و از اهلیت داماد در پرداخت خمس و زکات و حق امام پرس و جو می‌نماید، بیش از زنی که مهریه خود را به تعداد یاران امام عصر قرار داده و جست و جو در دارایی همسر و ترغیب او به پرداخت شرعیات را وظیفه خود نمی‌داند، زمینه ساز ظهور مهدی موعود (عج) است و همچنین زن زمینه‌ساز به جای وا داشتن همسر به هزینه کردن در بر پای جشن‌های باشکوه هر ساله به مناسبت میلاد امام عصر (عج) ثروت او را در راه سیر کردن گرسنگان و پوشاندن برهنگان و عیادت از بیماران صرف کند، چرا که مهدی موعود (عج) بیش از هر چیز نیازمند یارانی است که دست خود را به جزء به کار خیر نگشوده و با زبان خود جز به خیر



نگویند لذا زنان مدیر و آگاه در زندگی مشترکشان حتی در هنگام، مواقع خاص (بحث در مورد مهدویت) سعی می کنند جهت بحث را به مسیری صحیح هدایت کنند تا موجب کاهش تنش شوند. زیرا این عمل باعث می شود که به طرفین فرصت دهند، که بتوانند روی این مسأله تمرکز و تلاش جدی داشته باشند. یکی از راه تاثیرگذاری زنان بر همسرانشان؛ محبت خالصانه می باشد؛ چرا که زنان متدین خود را باور دارند. توانمندی های خود را می شناسند، مسئولیت و سهم خود را در ایجاد خوشبختی زندگی دنیوی و اخروی، درک کرده و آن را با عشق و علاقه پذیرفته است. (بهشتیان، همان)

پیشینه تحقیق

داداش زاده، ۱۴۰۲ در مقاله ای با عنوان «ضرورت تربیت کودکان بر اساس آموزه های دینی مهدویت» نظر دارد نظام جمهوری اسلامی نظام زمینه ساز ظهور به شمار می رود و رزوی غایی آن رسیدن به ظهور منجی بشریت حضرت مهدی علیه السلام است. خانواده یکی از مهم ترین آرکان جامعه اسلامی و نظام اجتماعی است. خانواده اولین سنگ بنای اجتماع است و هراندازه این بنا محکم باشد جامعه استوار خواهد بود. آمادگی برای ظهور حکومت مهدوی نیازمند جذب نیرو و تعلیم تربیت آن ها است. درواقع نظام خانواده محوری ترین عامل در زمینه سازی ظهور به شمار می آید. مهم ترین رکن زمینه سازی برای ظهور و تغییر جامعه به سمت آمادگی برای ظهور حجت الهی ؑ توجه به عوامل فرهنگی، اهتمام به رشد، توسعه و ارتقای شخصیت انسان ها و تعلیم و تربیت مهدوی است.

مقاله ای از احسانی «زمینه سازی تربیتی مهدویت» و عبدالحی «نهادینه های آموزه های مهدوی در کودکان» نگاشته شده است؛ و پژوهش حاضر به بررسی ضرورت تربیت مهدوی کودکان با تاکید بر نقش خانواده در تربیت نسل منتظر و درنهایت «ایجاد آمادگی و زمینه سازی بستر مناسب برای ظهور منجی بشریت حضرت مهدی علیه السلام تبیین شده است. نوشتار پیش رو به شیوه کتابخانه ای و با روش توصیفی - تحلیلی و استفاده از روش مصاحبه با خانواده ها و فیش برداری انجام یافته و در نهایت راهکارهایی روشمند را جهت تحقق باورهای کودکان در مورد زمینه سازی ظهور ارائه نموده است.

انصاری، ۱۴۰۲، در مقاله ای با عنوان «نقش تربیت مهدوی در روحیه نسل مهدیت»، اعلام می دارد که این پژوهش با هدف بررسی نقش تربیت مهدوی در پرورش روحیه انتظار دانش آموزان

انجام گرفت. روش تحقیق توصیفی بود. جامعه پژوهش، معلمان مدارس ابتدایی ناحیه ۵ شهر اصفهان بودند که تعداد ۵۰ نفر از آنان به صورت تصادفی انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات مصاحبه و پرسش نامه محقق ساخته بود که پنج خرده مقیاس تربیت مهدوی را شامل شد. روایی محتوایی پرسش نامه توسط اساتید دانشگاه تأیید شد و پایایی کل مقیاس ۰/۸۳ به دست آمد. برای تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی و برای تحلیل مصاحبه از مقوله‌بندی استفاده شد. یافته‌ها نشان داد همبستگی مثبت و متوسطی بین متغیرها وجود داشت. سطوح بالایی از مؤلفه‌های تربیت مهدوی (تربیت دینی، کیفیت تدریس دینی معلمان، تعمیق فرهنگ انتظار در دانش‌آموزان، تقویت ابعاد عقیدتی و ارزشی دانش‌آموزان، تقویت ابعاد فکری و اعتقادی دانش‌آموزان و تثبیت بینش و بصیرت آنان) با سطوح بالایی از ابعاد شخصیتی و روحی دانش‌آموزان از لحاظ آماده‌سازی آنان برای حضوری همه جانبه و سازنده در دوران ظهور امام زمان (عج) در ارتباط مستقیم بود. تربیت مهدوی با تثبیت بینش و بصیرت دانش‌آموزان در آخرالزمان بیشترین و کیفیت تدریس دینی معلمان با نگرش مذهبی دانش‌آموزان کمترین میزان همبستگی را داشت.

حسینی پور ۱۴۰۰، در مقاله‌ای با موضوع «مروری بر نقش مادران در تربیت نسل منتظر» مهدی باوری و مهدی یآوری دو شاخصه اصلی نسلی است که باید زمینه‌ساز حکومت مهدوی باشد. روشن است که این دو شاخصه جز با تربیت فرزند بر اساس اصول تربیتی اسلام محقق نمی‌شود. یکی از عناصر مهم در تربیت فرزند، مربی است و در سنت اسلامی مادران بهترین مربی در این عرصه قلمداد می‌شوند. در این مقاله سعی شده با روش تحلیلی به مساله نقش مادر در تربیت نسل منتظر پرداخته شود. با بررسی‌های انجام شده این نتیجه حاصل شد که مادران می‌توانند با برداشتن گام‌هایی موثر، نقش بی‌بدیلی در تربیت نسل منتظر داشته باشند. بنابراین با توجه به پیشینه تحقیق با توجه به بررسی‌های انجام شده توسط محققان در این زمینه مشخص گردید که بین موضوع این مقاله و نتایج حاصله از پیشینه تحقیق توافق و تأیید وجود دارد.

نتیجه‌گیری

پس با داشتن چنین روایاتی و دانستن وجود حکومت مهدی (عج) بر مبنای اخلاق اسلامی می‌توان نتیجه گرفت که زنان در جامعه فعلی، بیش از هر دوره دیگر، در معرض آزمایش هستند. امروزه زن به مثابه یک منتظر می‌تواند به نکوترین شخصیت اخلاقی خود بپردازد و شخصیت



خود را براساس آن رنگ دهد تا بتواند در سازندگی نسل منتظر، سهم بزرگی داشته باشد. زیرا یک منتظر واقعی، باید آن چنان آماده باشد که لیاقت حضور در حکومت منتظر را که شاخصه‌ی آن بر مبنای اخلاق اسلامی و دینی است داشته باشد. پس زنان با انتقال اخلاق مهدوی و اسلامی که جامع اخلاق پیامبران و اوصیای آن‌هاست و آماده کردن آنان برای حضور در دولت کریمه حضرت مهدی علیه السلام، بهترین ساز معنوی برای ظهور و تحقق جامعه آرمانی خواهد بود.

آنان با پاک سازی محیط خانواده از رذایل اخلاقی و با نمایش عملی زیبایی‌های آموزه‌های دین و اخلاق در اعمال و روابط سالم خود در خانه با یگدیگر و با استفاده از تکنیک‌های مناسب روان‌شناسی و رفتارشناسی عامل تربیتی دیگران که نسل‌های آینده خواهند شد، تربیت نمایند. همچنین مجهز شدن به معلومات لازم در حیطه تربیت و برخورد مناسب با عوامل خارجی محل تربیت نیز، لازمه تربیت سالم و صحیح فرزندان است به طوری که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله کمیل فضایل اخلاق و الهی را یکی از اهداف عالی رسالت خود می‌دانست. بنابراین زنان جامعه ما اگر بخواهند حرکتی در تحقق جامعه مهدوی داشته باشند، باید در تمام زمان‌ها برای رسیدن به هدفشان به دنبال فرصتی مناسب برای تحقق این مسأله باشند.

لذا افزایش محبت حضرت در قلوب و وجود منتظران حقیقی راهکارهای متعددی دارد که مهم‌ترین آن افزایش معرفت و شناخت نسبت به حضرت است. فقیهی تصریح کرد: انجام کارهایی که رضایت و علاقه حضرت در آن‌هاست و ترک کارهایی که ناراحتی ایشان را در پی دارد، دعا برای سلامت و فرج، سلام روزانه و مستمر، انجام کارهای خیر به نیابت از ایشان و ارتباط با مکان‌هایی که متعلق به حضرت است مانند مسجد مقدس جمکران نیز می‌تواند موجب افزایش آگاهی در منتظران حقیقی شود.

پیشنهادهای

۱. داشتن اعتقاد راسخ به معارف مهدویت موجب ایجاد امید در افراد می‌شود، غیرت و شجاعت دینی آنها را در مبارزه با نفس و مظاهر فریبنده دنیوی افزایش می‌دهد و بالمال این تفکر زمینه‌ساز تربیت نسل پویایی خواهد شد که بیش از همه میل به کمال و رشد و رویش دارد.
۲. داشتن نقش تفکر مهدوی در پرورش و تکوین نسل جدید، بسیار مهم است و به یقین تربیت سربازان این تفکر از کانون تربیتی خانواده آغاز می‌شود و هرچه تقویت این باورها و تعالیم دینی در خانواده‌ها عمیق‌تر و پررنگ‌تر باشد، تربیت نسل مهدوی هم آسانتر و پُرثمرتر خواهد بود.

منابع و مآخذ

۱. ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۳۸۲ش). *کمال الدین و تمام النعمة*. قم: مسجد جمکران.
۲. ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۳۸۳ش). *علل الشرائع*. قم: مکتب الحیدریة.
۳. ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۳۸۸ش). *توحید*. قم: علویون.
۴. احسانی، محمد (۱۳۹۵ش). *معرفت*. ش ۶، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۵. احمد بن حنبل. *مسند احمد*.
۶. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ش). *کشف الغمة*. تبریز.
۷. امینی، ابراهیم (۱۳۸۴ش). *اسلام و تعلیم و تربیت*. قم: بوستان کتاب.
۸. آشتیانی، احمد (۱۳۸۴ش). *طرائف الحكم (اندرزهای ممتاز)*. تهران: کتابخانه صدر.
۹. آقا تهرانی، مرتضی (۱۳۸۹ش). *خانواده و تربیت مهدوی*. تهران: کتاب یوسف.
۱۰. پاک نیا، عبد الکریم (۱۳۹۵ش). *عفاف سرچشمه زیبایی ها*. قم: نور الزهراء علیها السلام.
۱۱. تهرانی، مجتبی (۱۳۹۱ش). *تربیت فرزند*. تهران: مؤسسه فرهنگی پژوهشی مصابیح الهدی.
۱۲. تهرانی، مجتبی (۱۳۸۵ش). *اخلاق الهی*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۳. حسین زاده، علی (۱۳۸۵ش). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۴. حسین زاده، علی. *همسرن سازگار*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب (بی تا). *الکافی*. تهران: دار الکتب الاسلامیة.

ویژگی‌های یاران امام مهدی (عج) و مأموریت آن‌ها

بهبخت السادات معاون افشاری^۱

چکیده

مقابله با بی‌عدالتی‌ها و محو ظلم و ستم و کفر و کبر و شرک و نفاق و حاکمیت حکومت الهی و برپایی عدالت در جهان با داشتن رهبری شایسته و معصوم که زمینه‌ساز این شرایط باشد وعده‌ای است که فقط با آمدن منجی عالم بشریت؛ یعنی امام مهدی (عج) عملی می‌گردد. حضرت مهدی (عج) با اعوان و انصار و یاران عام و خاص خود؛ یعنی یارانی که ویژگی‌هایی در حد مطلوب دارند تا بتوانند منویات امام و مقتدای خود را در گستره گیتی جامه عمل بپوشانند. ویژگی‌هایی چون اولیاء الله واقعی بودن، ایمان به خداوند، زهد و تقوای الهی، اخلاص و معنویت و معرفت و بصیرت و سادگی و جدیت و ... از جمله ویژگی‌های آنها می‌باشد و صفات و ماهیت آنان را که برای حکومت جهانی به رهبری امام مهدی (عج) لازم است و مأموریت آخر الزمانی آنان را مورد بحث قرار داده است.

کلمات کلیدی

حضرت مهدی (عج)، یاران حضرت مهدی (عج)، ویژگی یاران امام زمان (عج)، منجی، بصیرت.

۱. کارشناسی ارشد تاریخ تمدن ملل اسلام.

مقدمه

در جهان امروز که تبلیغ با بی دینی و افکار انحرافی و تیر باران اذهان توسط مدعیان جهان و مستکبران و سکولارها با بهره از حقوق بشر دروغین و جوانان مسلمان و دیگر ادیان را به بیراهه می کشند، امید به منجی موعود و مهدی منتظر^{علیه السلام} چراغ هدایت پویندگان راه حق و حقیقت خواهد بود. در ایامی که جهان در تب ستمگری و گرفتاری ها و جنگ و خونریزی می سوزد و امواج سهمگین بلا سرازیر شده و حیرت و غوغا برپا ساخته و تاریکی جهل بر همه جا سایه افکنده، ظالمان گرگ صفت بر حلقوم مستضعفان چنگ انداخته اند و از هر سو ناله مددخواهی و التماس کمک جویی شنیده می شود، انتظار موعودی که ناجی او از این تنگناهای روزگار کنونی باشد. راه بیرون شدن و آزاد گشتن از این حصار جهنمی ظلم و بیداد و معصیت و فساد را، دعای خالصانه برای فرج و آشکار شدن آن حجت بزرگ الهی و تنها مصلح و نجات بخش آرمانی و یکتا بازمانده کاروان مردان ربانی حضرت مهدی^{علیه السلام}، مولانا صاحب الزمان الحجة بن الحسن العسكري ارواحنا له الفداء می دانند.

نیاز مردم به اجراکننده قرآن به خاطر قصورشان در علم و عمل، دچار مشکلات و خطاهایشان نیز آنها را چشم انتظار این منجی نموده است. منجی معصوم و عالم و بصیر که هم مجری احکام قرآن و هم حافظ و نگهبان آن باشد. چنین منجی و مصلحی که تمام شرایط در او باشد از جانب خداوند و برای رفع ظلم و برهم زدن دستگاه باطل گرایان و مستکبران معرفی شده و زمانی که آمادگی لازم برای برقراری حکومت عدل الهی فراهم شود، به اذن خدا از پس پرده غیبت درمی آید تا زمین را پر از عدل و داد نماید و وعده الهی را تحقق بخشد. یکی از عوامل کمک کار حضرت مهدی^{علیه السلام} در این مهم یاران شایسته و قابل و کارآمدی هستند که چون جبل راسخ ایشان را همراهی می نمایند. یاران خاصی که ویژگی هایشان آنها را شایسته بودن در این مقام نموده و فرماندهی افراد نیکوکاری را در این راستا برعهده می گیرند. علاوه بر ویژگی های جسمی و توانایی های فردی، اینان افرادی هستند که با ایمان و متقی و خالص و عالم و شجاع و عارف و کوشا و... می باشند. همچنین برنامه مأموریت شان مشخص است. به علاوه از این همراهی و ورود به این مأموریت ترس و ابایی ندارند.

طرح مسئله

بشر هنوز منتظر ظهور منجی و عدالت گستر واقعی جهانی است که پر از ظلم و استکبار است

تا با آمدنش نشاط و خرمی به انسان ها هدیه دهد. با آمدن حضرتش حاکمیت و نظام سیاسی جهان دگرگون شود و کفر و شرک و نفاق ریشه کن گردند و آیین محمدی در جهان مستقر گردد. بدیهی است که این همه با کرامت و معجزه صورت نمی گیرد بلکه علاوه بر مدیریت و رهبری معصوم به یک کادر اجرایی کاردان و لایق و توانمند نیاز دارد تا این هدف را محقق سازد. به تعبیر امام علی (ع): «أَفْلَحَ مَنْ نَهَضَ بِنَجَاحٍ؛ پیروز است کسی که یار و یاور داشته باشد.»

در این مقاله به اجمال صفات و ویژگی های یاوران کارگزاران و کادر اجرایی امام زمان (عج) و مأموریت آنها بیان گردیده است تا ضمن آشنایی با صفات آنها، ما هم درس گرفته و آن صفات را در خود ایجاد نموده یا اگر به فضل الهی، دارا هستیم آنها را ارتقاء بخشیم.

پیشینه بحث

کتاب ها و مقالاتی که در مورد ائمه (ع) به خصوص امام زمان (عج) نوشته شده اند به ویژگی ها و صفات یاران آنها اشاره دارند. در رابطه با این مقاله، ویژگی های یاران خاص امام زمان (عج) و مأموریت آنها سعی شده به این مقوله پرداخته شود، چنانچه در برخی کتاب ها چون الغیبه نوشته نعمانی و موعود نوشته خلیل منتظر قائم و بنایع الموده نوشته قندوزی و کمال الدین نوشته شیخ صدوق و در مقالاتی چون: «یاران خاص امام زمان (عج)» تحقیق نعمت الله یوسفیان و «صفات و ویژگی های امام زمان (عج)» توسط دانشنامه مهدویت به این موضوع اشاره شده است. این مقاله پس از بیان مقدماتی به ویژگی های یاران امام مهدی (عج) و فرماندهی آنان بر افراد تحت فرمانشان هستند. همچنین به مأموریت این یاران پرداخته شده است. امید است که آمادگی لازم را در وجدان ها بیدار سازد و بی تفاوتی آزاردهنده و کم استعدادی در مسیر درک این مهم را به حداقل تقلیل دهد.

ویژگی های یاران حضرت مهدی (عج)

بنابر آنچه در روایات آمده، امام زمان (عج) را گروهی از انسان های مخلص در جهت اصلاح امت جهانی یاری خواهند کرد. این افراد با حضرت مهدی (عج) در صف مقدم جبهه قرار دارند و از فعالان اجتماعی بوده و از چنان نظم و ترتیبی برخوردارند که تحسین هر بیننده ای را برمی انگیزند. طبق روایات، انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج) از امدادهای الهی بهره مند است و همزمان با لشکر غیبی که به امر خداوند آن امام همام را یاری می کنند ولی در عین حال حرکت حضرت مهدی (عج) نهضتی انسانی است که شیعیان و یاران باوفای به اسلام در آن نقشی بنیادین دارند.

هر چند آمادگی آنان و بیداری توده‌های مردمی برای ظهور و امداد تاییدات الهی است و چون لشکر رسول خدا ﷺ در نبرد با کافران از امدادهای غیبی نیز بهره‌مند می‌باشند.

در روایات از یاران حضرت مهدی ﷺ با عناوین «رجال الهیون»، «رجال مسوّمه»، «اصحاب الولاية»، «امراء»، «وزراء»، «خير الامة»، «ذخر الله»، «نقباء»، «خواص»، «اولی قوه»، «حکام الله فی ارضه علی خلقه»، «الحکام علی الناس» و ... نام برده شده است. (مجلسی، ۱۳۸۶: ۳۱۰)

پیامبر ﷺ فرمود: «خوشا به حال کسانی که قائم اهل بیت مرا می‌بینند و پیش از قیامش به او اقتدا کنند. آنان دوستان من‌اند که بدانان محبت و رزم و تا قیامت گرامی‌ترین افراد امت نزد من هستند.» (مجلسی، ۱۳۸۶: ۵۲/ ۱۳۹)

همچنین فرمود: «مَثَلُ آنان در زمین چون مسک است که هوا را خوشبو سازد و خود هرگز تغییر نکنند و مَثَلُ آنان چون ماه تابان است که هرگز به تاریکی نمی‌گراید.» (همان: ۱۳)

یاران حضرت مهدی ﷺ در وهله نخست مانند دیگر مومنان پارسا دارای ایمان و عمل صالحند. به علاوه ویژگی‌های خاصی که آنها را از سایر مومنان متمایز می‌سازد. چنانچه حضرت علی ﷺ فرمود: «لَمْ يَسْبِقْهَا الْاَوَّلُونَ وَلَا يُدْرِكُهُمُ الْآخِرُونَ» (سید بن طاووس، ۱۴۰۹: ۵۸۱/ ۲)؛ نه از نسل‌های گذشته کسی از آنها پیشی گرفته و نه از آیندگان کسی به مقام والای آنها می‌رسد. امام صادق ﷺ: ویژگی کلی و برنامه یاران حضرت مهدی ﷺ را چنین بیان فرمود: «ثُمَّ قَالَ مَنْ سَرَّهٗ اَنْ يَكُونَ مِنْ اَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرُوا لِيَعْمَلَ بِالْوَرَعِ وَمَحَاسِنِ الْاَخْلَاقِ.» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۰۰)

هرکه دوست دارد از یاران او باشد باید سه ویژگی داشته باشد:

۱. منتظر بودن؛ که اولین ویژگی یاران امام مهدی ﷺ است.
۲. ورع داشتن؛ به معنای تهذیب نفس و خودسازی و دوری از گناه و در مقابل رعایت تقوا و دوری از مکروهات.
۳. داشتن اخلاق نیکو و کریمانه؛ که ویژگی مهم دیگر است.

در روایات دیگر نیز صفات و ویژگی‌های روحی و ظاهری برای این یاران ذکر گردیده است که در ذیل به آن می‌پردازیم.

ویژگی‌های روحی

ابتدا به ویژگی‌های روحی یاران حضرت مهدی ﷺ می‌پردازیم:

۱. مصداق کامل اولیاء الله

طبق آیات، اولیاء الله خوف و ترس و نگرانی ندارند:

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (یونس / ۶۲)

آگاه باشید که دوستان خدا را بیمی نیست و غمگین نمی شوند.

راه ندادن ترس و اندوه به دل فقط در مورد کسانی امکان پذیر است که جز خدا نبینند و این اوج کمال آدمی است و بالاترین مرتبه ای است که انسان می تواند به آن برسد. امام صادق (ع) می فرماید: یا ابابصیر! طوبی لشیعه قائمینا المنتظرین لظهوره فی غیبته والمطیعین له فی ظهوره اولئک اولیاء الله الذین لا خوف علیهم ولا هم یحزنون؛

خوشا به حال شیعیان قائم که در زمان غیبتش منتظر ظهور او و فرمانبرداری هستند. آنها اولیای خدا هستند. همانا که ترس آنها را فرا نگیرد و اندوهگین نشوند. (صدوق،

۱۳۸۳: ۲ / ۳۵۷)

۲. ایمان به خداوند

ایمان به معنای جاگیر شدن اعتقاد در قلب و از ماده امن است گویا مومن به آنچه بدان ایمان پیدا کرده امنیت و مصونیت نمی دهد که در مورد آن دچار شک و تردید گردد؛ زیرا شک و تردید آفت اعتقادند. (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۱ / ۷۲) بنابراین یاران حضرت مهدی (ع) یقیناً با ایمان و مومند. امام باقر (ع) فرمود:

«الاهم المومنون الحق؛ یقیناً با ایمانند.» (مجلسی، ۱۳۸۶: ۵۲ / ۲۱۷)

امام صادق (ع) می فرماید:

هُم رِجَالٌ كَانَ قُلُوبُهُمْ زُبُرَ الْحَدِيدِ لَا يَشُوبُهَا شَكٌّ فِي ذَاتِ اللَّهِ مِنَ الْحَجَرِ. (همان: ۳۰۸)

مردانی که دل هایشان چون پاره های آهن هیچ گونه تردیدی در آنها راه ندارد و در اعتقاد به خدا از صخره و سنگ سخت ترند.

۳. زهد و تقوا

رکن مطلوب مدیریت همان پاکیزگی در عمل و اجتناب از هر اختلاف با اهداف غیر مشروع و غیر مقبول و غیر اخلاقی است. امام حسن عسکری (ع) فرمود:

رَاهِمَ اللَّهُ فِي طَهَارَةِ الْوِلَادَةِ وَنَفَاسَةِ التُّرْبَةِ، مُقَدَّسَةً قُلُوبُهُمْ مِنْ دَنَسِ النِّفَاقِ، مُهَذَّبَةً

أَفْتَدَيْتَهُمْ مِنْ رَجْسِ الشَّقَاقِ ... يُدِينُونَ بِدِينِ الْحَقِّ. (همان: ۳۵)

خداوند آنها را از نطفه پاک سرشته و دل هایشان را از آلودگی اختلاف پاک کرده ... آنها به آیین حق گرویده و در میان اهل حق گام نهاده‌اند.

امام علی علیه السلام در وصف یاران حضرت مهدی علیه السلام فرمود: او از یارانش بیعت گیرد که طلا و نقره‌ای نیندوزند و گندم و جو ذخیره ننمایند؛ زیرا آنها اهداف بلندی دارند و برای آرمانی بزرگ برخاسته‌اند. پس مادیات دنیا نباید آنها را از اهداف و آرمان‌ها باز دارند و پس آنها که با دیدن زرق و برق دنیا چشم هایشان خیره شود و دل هایشان می‌لرزد و در میان یاران ویژه امام مهدی علیه السلام جایی ندارند. (صافی گلپایگانی، ۱۳۷۸: ۵۸۱)

۴. علم و آگاهی

تاکید اسلام بر علم‌آموزی و اهمیت دادن به جایگاه علمی افراد، ارزش آگاهی فردی و اجتماعی را می‌رساند. علی علیه السلام می‌فرماید:

أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِهَذَا الْأَمْرِ أَقْوَاهُمْ عَلَيْهِ وَأَعْلَمُهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ. (نهج البلاغه: خطبه ۱۷۳)

ای مردم! سزاوارترین افراد در امر حکومت و مدیریت، قوی‌ترین آنها و آگاه‌ترین آنان به امر خداست.

و ادامه دهد که آنها در فتنه‌های آخر الزمان صیقلی شوند مانند صیقل دادن آهنگر شمشیر را، دیده‌های آنها به نور قرآن جلاداده و تفسیر در گوش هایشان جا گرفته شده. در شب جام حکمت را به آنها بنوشانند بعد از اینکه در بامداد هم نوشیده باشند. (ابن ابی الحدید، ۱۳۶۳: ۹/ ۱۲۶)

۵. خداشناسی و معرفت

فطرت خداجویی و خداپرستی، ذاتی انسان و از مباحث مهم در حوزه عرفان است. انسان با فنا از وجود مقید خود به ذات حق می‌رسد و شاهد اتصال به آن ذات مطلق است. امامان صادقین علیهم السلام از قول امام علی علیه السلام در توصیف آنها می‌فرماید:

رِجَالٌ عَرَفُوا اللَّهَ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ وَهُمْ أَنْصَارُ الْمَهْدِيِّ فِي آخِرِ الزَّمَانِ. (مجلسی، ۱۳۸۶: ۵۱ / ۸۷)

مردانی که خداوند را چنانچه شایسته شناختن اوست می‌شناسند. همان‌ها یاران مهدی در آخر الزمان‌اند.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

يُبَايِعُهُ الْعَارِفُونَ بِاللَّهِ تَعَالَى مِنْ أَهْلِ الْحَقَائِقِ عَنْ شُهُودٍ وَكَشَفٍ بِتَعْرِيفِ الْهِ. (قندوزی، ۱۴۱۶: ۳ / ۲۲۱)

عارفان به خدای متعال از اهل حقایق که از روی کشف و شهود ربانی عارف به خدا هستند با او بیعت کنند.

طبق روایات معصومان علیهم السلام، حضرت مهدی علیه السلام از زمان ظهور به صراحت مردم را به یاری خود فرا می خواند و البته که اهل معرفت سریع تر از آن دعوت را اجابت می نمایند. امام رضا علیه السلام فرمود: شیعیان او از اطراف و اکناف به سوی او می شتابند و زمین زیر پایشان طی می شود تا به محضر حضرتش رسیده و بیعت نمایند. (صافی، ۱۳۷۸: ۴۶۵)

۶. تعهد دینی و معنویت

همراهی معنویت با علم یا تعهد در کنار تخصص تضمین پیشرفت و ترقی فرد و اجتماع است. چنانچه افتراق این دو نتایج مصیبت باری را به وجود می آورد. امام باقر علیه السلام می فرماید:

حَتَّى إِذَا أَصْعَدَ النَّجْفَ قَالَ لِأَصْحَابِهِ: تَعْبُدُوا لِيَلْتَكُمُ يَبِيتُونَ بَيْنَ رَاكِعٍ وَ سَاجِدٍ وَ يَتَفَرَّعُونَ إِلَى اللَّهِ. (مجلسی، ۱۳۸۶: ۵۲ / ۳۰۸)

چون حضرت مهدی علیه السلام بر فراز نجف برآید به یارانش خطاب نماید که امشب را به عبادت به روز آورید و آنان، برخی در رکوع و برخی در سجده شب با زاری سحر کنند و به درگاه خداوند تضرع نمایند.

در روایتی دیگر، امام باقر علیه السلام می فرماید:

رِجَالٌ لَا يَنَامُونَ اللَّيْلَ لَهُمْ دَوِيٌّ فِي صَلَوَاتِهِمْ كَدَوِيِّ النَّحْلِ يَبِيتُونَ قِيَامًا عَلَى أَطْرَافِهِمْ. (همان)

آنان مردان سلحشور و سخت کوش در عبادت خداوند. مردانی که شب نخوابند و زمزمه نمازشان چون نغمه زنبوران از کندو به گوش رسد؛ زیرا مشغول شب زنده داری اند.

۷. بینش و بصیرت

بینش عقلانی و مآل اندیشی یا بصیرت با هدف درک معقولات و عاقبت اندیشی سبب معلوم شدن باطن اشیا برای فرد می شود. در روایات معصومان علیهم السلام این ویژگی یاران حضرت مهدی علیه السلام

چنین بیان شده که: «كَانَ قُلُوبُهُمُ الْقَنَادِيلَ (همان)؛ یعنی آنقدر مسائل برایشان روشن و واضح است که انگار قلب هایشان چراغ است که مجهولات برایشان مشکلی ایجاد نمی کنند و به راحتی درک می شوند. به طوری که: «لَا يَسْتَوْجِشُونَ إِلَى أَحَدٍ وَلَا يَفْرَحُونَ أَحَدًا دَخَلَ فِيهِمْ (صافی، ۱۳۷۸: ۱۶۶)؛ نه کسی را به وحشت اندازند و نه کسی با پیوستن به آنها سرشار از خوشحالی شود؛ یعنی رفتاری متعادل دارند و دچار افراط و تفریط نگردند.

۸. صبر و بردباری

صبر و شکیبایی و بردباری مطالب بسیاری در متون روایی را به خود اختصاص داده است. چنانکه در روایات آمده: «قَوْمٌ لَمْ يَمْنُوا عَلَى اللَّهِ بِالصَّبْرِ (قندوزی، ۱۳۰۱: ۳ / ۹۵) امتی هستند که به خاطر صبرشان منتهی بر خدا نمی نهند و توقعی ندارند؛ یعنی حلیم اند و پاداشی در مقابل صبرشان نمی خواهند. مولوی گوید:

اهل صبر از جمله عالم برترند صابران از اوج گردون بگذرند

هرکه کارد تخم صبر اندر جهان بدرود محصول عیش جاودان

(مولوی، ۱۳۸۶: بیت ۲۷۲۵)

حق تعالی به نحو کامل فرماید: «اصْبِرُوا وَصَابِرُوا» (آل عمران / ۲۰۰)؛ یعنی نه تنها خود صبر پیشه سازید که دیگران را نیز به صبر راهنمایی کنید.

۹. ایثارگری و شهادت

یکی از نشانه های آرمان خواهی اسلامی، روحیه شهادت طلبی و ایثارگری است. از جمله غایت و هدف نهایی یاران حضرت مهدی علیه السلام نیز تمنای شهادت و رسیدن به این فوز اکبر است. چنانچه در روایات وارد شده که می فرماید: «يَتَمَنُونَ أَنْ يَقْتُلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ (مجلسی، ۱۳۸۶: ۱ / ۸۱)؛ آرزوی شان این است که در راه خدا کشته شوند.» تا سعادت شهادت را دریافت نمایند.

۱۰. عدالت طلبی

عدالت طلبی یک گرایش قوی فطری است و از مقوله های کمال طلبی است و انسان چون ذاتا کمال طلب است، پس عدالت طلب نیز هست. عدالت از منظر اسلام، زمینه تعالی روحانی را فراهم می آورد و مقصد نهایی تلقی نمی شود. در کل برنامه اسلام فراهم سازی میدان تحقق قسط و عدل است و این مهم در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام به دست یارانش محقق می شود. (فکرت نت) امام کاظم علیه السلام در تفسیر آیه «يَسْتَحْيِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا» (حدید / ۷) می فرماید: «نه که

خداوند زمین را با این یاران زنده کند بلکه مردانی را بر انگیزد تا عدالت را زنده کنند؛ یعنی زمین با عدالت زنده شود. (موسوی اصفهانی، ۱۳۸۶: ۸۱/۱)

۱۱. اتحاد و همدلی

یکدلی و اتحاد سبب می شود که خودخواهی و خواسته های شخصی از وجود فرد خارج شوند بلکه افراد یک اجتماع با اعتقاد صحیح در زیر یک پرچم و برای یک هدف، قیام می کنند و این خود یکی از عوامل پیروزی یاران حضرت مهدی علیه السلام در مقابل دشمنانشان می باشد تا آنجا که می فرماید: «انما المومنون اخوة» (حجرات / ۱۰)

جایگاه ارزشی افراد در اسلام هم براساس همین لیاقت های دینی - ایمانی آنها برآورد می شود. (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۲۷۵) در روایات چنین بیان شود که: «يُولَفُ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ» (صافی، ۱۳۷۸: ۱۶۶) یا اینکه می فرماید: «يُولَفُ اللَّهُ بَيْنَهُمْ». (کاظمی، ۱۳۸۲: ۶۷) در جایی فرماید که: «كَانَ مَا رَبَّاهُمْ أَبٌ وَاحِدٌ وَأُمٌّ وَاحِدَةٌ، قُلُوبُهُمْ مُجْتَمِعَةٌ الْمَحَبَّةِ وَالنَّصِيحَةِ» (صدوق، ۱۴۰۰: ۱۳۰) گویی یک پدر و مادر واحد آنان را پرورش داده است. قلوبشان در محبت و نصیحت به هم هماهنگ است و حتی شعارهایشان یکی است و همگی یا لثارات الحسین را بیان کنند.

۱۲. ولایت محوری

ولایت باطنی یا تکوینی، همان قرب معنوی و کمال روحی است که اکتسابی بوده و در پرتو عمل به تعالیم اسلام و طی صراط مستقیم هدایت به دست می آید. به بیان علامه طباطبایی: «ولایت واقعیتی است که در نتیجه عمل به فرآورده های نبوت و نوامیس خدایی در انسان به وجود می آید». امام صادق علیه السلام در این خصوص می فرماید:

فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ» (فاطر / ۱۰) «وَلَا يَتَنَا أَهْلُ الْبَيْتِ» (وَ أَهْوَى بِبَيْدِهِ إِلَى صَدْرِهِ) «فَمَنْ لَمْ يَتَوَلَّنَا لَمْ يَرْفَعْ اللَّهُ لَهُ عَمَلًا» (حویزی، ۱۴۱۵: ۴ / ۳۵۳)

ولایت ما اهل بیت مایه عروج عمل است (سپس به سینه خود اشاره نموده) فرمود: کسی که ولایت ما را ندارد، خداوند هیچ عملی را از او بالا نمی برد.

در روایات دیگر آمده که: «يَتَمَسَّحُونَ سِرَجَ الْإِمَامِ يَطْلُبُونَ بِذَلِكَ الْبِرَّكَ يَحْتَوْنَ بِهِ بِأَنْفُسِهِمْ فِي الْحَرْبِ» (مجلسی، ۱۳۸۶: ۵۲ / ۳۰۸) یعنی، برای تبرک دست بر زین امام می کشند و در نبرد چون پروانه دور شمع وجودش می چرخند و در میان گرفته و محافظتش نمایند. در واقع یعنی هرچه

امام دستور دهد عمل می‌کنند و در برابر امامشان از کنیز زر خرید مطیع‌ترند (وَهُمْ أَطَوَّعَ مِنَ الْأَمَّةِ لِسَيِّدِهَا) یعنی قرائتی جدا از امامشان ندارند.

۱۳. شجاعت و دلیری

براساس روایات می‌فهمیم که اینها در چه حد از آمادگی روحی برای پیشبرد مبارزات خود قرار دارند. در روایتی چنین توضیف کرده‌اند: «جِيشُ الْغَضَبِ قَوْمٌ يَأْتُونَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ.» (همان) لشکری که در آخر الزمان می‌آیند غضبناک و خشمگین هستند.

در روایتی می‌فرماید: «هُمُ كَرَّارُونَ (یزدی حائری، ۱۳۸۳: ۱۷۸)؛ بسیار حمله‌کننده‌اند.» در جای دیگر می‌فرماید:

هُمْ لَيُوثٌ قَدْ خَرَجُوا مِنْ غَابَاتِهِمْ لَوْ أَنَّهُمْ هَمُّوا بِإِزَالَةِ الْجَبَلِ لَأَزَالُوهَا مِنْ مَوَاضِعِهَا.
(قندوزی، ۱۳۰۱: ۳ / ۹۵)

چون شیرانی که از بیشه بیرون آمده باشند چیزی جلودارشان نیست. اگر اراده کنند از مواضع می‌گذرند و خاکریز دشمن را یکی یکی فتح می‌کنند.

در جایی دیگر آمده: «هُمُ خَيْرُ فَوَارِسٍ عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ (یزدی حائری، ۱۳۸۳: ۱۷۸) آنها بهترین سوارکاران یا از بهترین سوارکاران روی زمین هستند.»

۱۴. ساده زیستی

یاران حضرت مهدی عج قانع‌اند، با کم می‌سازند، وسیله نقلیه معمولی دارند، لباس ساده می‌پوشند. زندگی متوسطی داشته و غذایی ساده می‌خورند. امام صادق عج می‌فرماید:

فَوَاللَّهِ مَا لِبَاسُهُ إِلَّا الْغَلِيظُ وَلَا طَعَامُهُ إِلَّا الْخَشَبُ (نعمانی، ۱۳۵۹: ۲۳۳)؛

به خدا قسم که جز لباس درشت و خشن نپوشند و جز غذای خشک و ناگوار نخورند.

امام علی ع فرمود:

يُجَاهِدُ فِي اللَّهِ قَوْمٌ أَذَلَّةٌ عِنْدَ الْمُتَكَبِّرِينَ فِي الْأَرْضِ مَجْهُولُونَ وَ فِي السَّمَاءِ مَعْرُوفُونَ؛
(نهج البلاغه: خطبه ۱۰۱)

گروهی‌اند که با متکبران در راه خدا جهاد می‌کنند که در نظر مستکبران خوار و زبون و در زمین ناشناخته و در آسمان معروفند.

۱۵. تلاش و کوشش

تلاش و کوشش برای رسیدن به هدف همیشه پسندیده و مورد تایید بوده به خصوص وقتی به دنبال ذهنیتی مثبت باشد که نتیجه بهتری می دهد. امام صادق علیه السلام به مفضل فرمود: «ای مفضل! بدان که اگر حکومت دست ما بود جز سیاست شب (حراست مردم، عبادت، اقامه حدود الهی) و سیاست روز (رسیدگی به مشکلات مردم) چیزی در کار نبود. (همان: ۲۸۵) از روایات دیگر این اشارات را می فهمیم که: «رِجَالٌ لَا يَنَامُونَ بِاللَّيْلِ (مجلسی، ۱۳۸۶: ۵۲ / ۳۸) مردانی که شب ها نمی خوابند.»

۱۶. مسئولیت پذیری

مسئولیت پذیری، تعهد درونی برای انجام درست وظایف فرد و پاسخگویی او در برابر خودش یا دیگری است. یاران حضرت مهدی علیه السلام طبق این وصف افرادی اند که مسئولیت برقراری قسط و عدل را در آن عصر پذیرفته اند. در وصف این ویژگی گفته شده:

لَهُ رِجَالٌ الْهَيَّوْنَ يُقِيمُونَ دَعْوَتَهُ وَيَنْصُرُونَهُ. هُمُ الْوُزَرَاءُ لَهُ يَحْتَمِلُونَ أَثْقَالَ الْمَمْلَكَةِ عِنْدَ يُعِينُونَهُ (قندوزی، ۱۳۷۵: ۳ / ۹۵)؛

حضرت مهدی علیه السلام مردانی را در خدمت دارند که دعوت ایشان را برایش اقامه نموده و یاریشان می دهند. آنها همان وزیران حضرت اند که سنگینی بار مملکت از سوی حضرتش بر دوش آنهاست و او را کمک می کنند.

امام صادق علیه السلام فرمود: «هُمُ التُّجَبَاءُ وَالْقُضَاءُ وَالْحُكَّامُ وَالْفُقَهَاءُ فِي الدِّينِ (صافی، ۱۳۷۸: ۴۸۵)؛ آن فرماندهان نجیب، همان قاضیان و حاکمان شرع و فقیهان دینند.»

ویژگی های ظاهری

پس از بیان ویژگی های روحی به بیان ویژگی های ظاهری می پردازیم که در شناخت یاران حضرت مهدی علیه السلام می توانند راهگشا بوده و ما را به حضرتش رهنمون سازند.

۱. جوانی

نقش موثر جوانان در زمینه سازی ظهور حضرت مهدی علیه السلام و تشکیل حکومت آن حضرت به مراتب کارآمدتر از گذشته و چشمگیرتر از امروز خواهد شد و جانبازی آنها در این مسیر به اوج نهایی خود خواهد رسید. روایات معصومین علیهم السلام نیز تاکید دارند که یکی از ویژگی های ظاهری یاران امام عصر علیه السلام جوان بودن آنهاست.

اصحاب القائم شبابٌ لا كهولٌ فيهم إلا مثل الكحل في العين والملح في الزاد وأقل الزاد المِلح (نعمانی، ۱۳۵۹: ۳۱۶).

یاران قائم علیه السلام جوانند و پیری میانشان نیست مگر چون سرمه در چشم یا نمک در غذا و کمترین طعام نمک است.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

بينا شبابُ الشيعة على ظهور سطوحهم نياماً إذا توافوا إلى صاحبهم في ليلة واحدة على غير ميعاد فيصبحون بمكة (مجلسی: ۵۲ / ۳۷۰؛ نعمانی: ۳۱۶).

هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام، جوانان شیعه در حالی که روی پشت بام خانه هایشان در خواب به سر می برند، همگی در یک شب به ندای آسمانی آن حضرت لبیک می گویند و در همان شب بدون وعده قبلی به سوی مکه می شتابند، در بامداد خود را به شهر می رسانند و به زیارت امام و رهبر خویش نایل می شوند و در خدمت آن حضرت قرار می گیرند. یعنی علاوه بر پیشگام بودن در لبیک به حضرتش، حالت انتظار و گوش به زنگی آنها قبل از ظهور قابل توجه است. چنانچه قرائن و شواهد بسیاری در تاریخ و تجربه های عینی معاصر چون شرکت در انقلاب اسلامی و هشت سال دفاع مقدس این مهم را بر همگان اثبات نموده است.

۲. قدرت

یاران حضرت مهدی علیه السلام که سنگینی مسائل جامعه آن زمان را بر عهده می گیرند و در واقع مسئولیت بزرگی بر عهده شان گذاشته شده است از نظر جسمی نیز برای انجام این مهم آمادگی لازم را دارند. در روایات معصومان نقل شده است که:

إِنَّهُ لَوْ قَدْ كَانَ ذَلِكَ أَعْطَى الرَّجُلَ مِنْكُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا (کلینی، ۱۴۰۷: ۸ / ۲۹۴)

همانا وقتی این اتفاق بیفتد به هر کدام از شما مردان (یاران) قدرت چهل مرد داده می شود.

۳. انضباط و روحیه تشکیلاتی

به قول رهبر معظم انقلاب اسلامی، آیت الله العظمی خامنه ای: «کار باید تشکیلاتی باشد و تشکیلات یکی از فرایض هر گروه مردمی است که یک هدفی را دنبال می کنند.» (زارعی، ۱۳۹۳: ۲۱۸). بیانات در تاریخ ۱۳۶۱/۹/۱۸ یعنی همه چیز از قبل برنامه ریزی شده و مسئولیت ها به

وضوح تعریف شده باشند. این روش کار کردن به افزایش بهره‌وری، کاهش تداخل و اختلافات و بهبود هماهنگی بین اعضای تیم کمک می‌کند. چنانچه پیامبر اسلام و ائمه نیز از ابتدا برای رسیدن به اهداف عالی خود، کارها را به صورت تشکیلاتی پیش بردند. امام علی علیه السلام در وصف یاران حضرت مهدی علیه السلام فرمود:

كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْهِمْ وَالزَّيُّ وَاحِدٌ وَالْقَدْ وَاحِدٌ وَالْجَمَالُ وَاحِدٌ وَاللِّبَاسُ وَاحِدٌ (ابن طاووس، بی تا: ۱۴۸)؛

گویا آنها را می‌نگرم که هیئتی یکسان و در قد و قامت برابرند و جمال و برزندگی لباسشان یکی است؛

یعنی در ابتدایی‌ترین امور نیز انضباط و تشکیلاتی بودن را رعایت می‌نمایند چه رسد در امور مهم و مدیریتی.

۴. تعداد مشخص

تعداد یاران حضرت مهدی علیه السلام طبق قول مشهور و با مراجعه به احادیث مأثور، ۳۱۳ نفر ذکر شده است. امام صادق علیه السلام فرمود: «مثل این است که قائم را بر منبر مسجد کوفه می‌بینم در حالی که ۳۱۳ مرد به عدد اهل بدر گرد او را گرفته‌اند.» (مجلسی، ۱۳۸۶: ۵۲/۳۲۶)

در روایت ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل شده که: «قائم از مکه خارج نشود مگر که تعداد انسانی که گرد او جمع شوند تکمیل شود. پرسیدم: این تعداد چند نفرند؟ فرمود: دو هزار نفر در حالی که جبریل در طرف راست و میکائیل در طرف چپ او حرکت می‌کنند.» (همان: ۳۶۷)

امام باقر علیه السلام فرمود:

إِذَا قَامَ عَلَيْهِ السَّلَام تَجَمَّعَ إِلَيْهِ أَصْحَابُهُ عَلَى عِدَّةِ أَهْلِ بَدْرٍ يَا أَصْحَابُ طَالُوتَ وَهُمْ ثَلَاثَ مِئَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا وَخَمْسِينَ امْرَأَةً. (همان: ۲۳۳)

چون مهدی علیه السلام هنگام ظهور از خداوند و مسلمانان یاری خواهد؛ ۳۱۳ مرد و ۵۰ زن به یاریش می‌شتابند.

امام جواد علیه السلام به نقل از پدر بزرگوارشان فرمود: «همراه قائم علیه السلام صحیفه مهرشده‌ای هست که اسامی یارانش همراه با ویژگی‌ها، شهر، زینت و کنیه‌هایشان در آن نوشته شده است. تعداد یاران خاص ۳۱۳ نفر به تعداد اصحاب بدر و اصحاب حضرت طالوت علیه السلام ذکر شده‌اند و آنها هنگامی که حضرت قیام کند به دور او گرد می‌آیند.» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۳۲۰)

۵. مأموریت یاران حضرت مهدی (عج)

لفظ مأموریت غالباً این معنا را در ذهن تداعی می‌کند که از خارج امری صورت گرفته و ما موظف به انجام آن می‌باشیم ولی در مورد یاران امام زمان (عج) این کلمه فقط بیانگر رسالت آنان را در اجرای مسئولیت‌هایشان تا رسیدن به هدف والایشان می‌باشد. در واقع، هرکدام خود را یک حلقه از زنجیره عواملی دانند که آنها را به نتیجه مطلوب می‌رساند. در کل کسی که کلمه رسالت یا مأموریت را به کار می‌برد، احتمالاً نگاهی مذهبی یا شبه مذهبی به دنیا دارد و خود را قطعه‌ای از یک پازل طراحی شده می‌پندارد. در واقع انتخاب این کلمه به جهان بینی آنها مرتبط می‌شود و نشان دهد که نگاه نواندیشانه‌ای همراه با ریشه‌های مذهبی دارد. نگاهی جمعی را که مسئولیت فرد را در قبال دیگران تعیین می‌نماید و نشانی از انگیزه و اساس درونی افراد است. با این وصف است که یاران حضرت مهدی (عج) وارد این وادی می‌شوند و مأموریت‌هایشان مطرح می‌شود.

۶. برقراری عدالت

عدالت ورزی یک تکلیف قطعی الهی است و همه بدون استثنا موظفند تا برای آراستگی خود به عدالت عمل نمایند و از همه ظرفیت خود برای بسط عدالت در جامعه بکوشند. جامعه‌ای که آراسته به این خصیصه شود، شاهد تحولی عظیم در تمام جوامع به خصوص دنیای اسلام و کشور اسلامی خواهد بود. البته باید حق را شناخت تا به آن آراسته شود و این وظیفه‌ای در سطوح فردی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی و ... است. عدالت میوه شیرین اجرای حق است و حق برآمده از نظام هستی است. نظام و مدیر اسلامی باید حقوق را بشناسند تا بتوانند در مسیر آن قدم بردارند.

با ظهور حضرت مهدی (عج) عدالت اجتماعی فراگیر شده و مردم طعم شیرین عدالت را با نظارت حضرتش و اقدامات یاران حضرت می‌چشند. امام زمان (عج) بعد از تولدشان چنین دعا کردند:

... اَللّهُمَّ اَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي وَ اَتِمِّمْ لِي اَمْرِي وَ ثَبِّتْ لِي وَطْأَتِي وَ اَمْلِكْ لِي اَرْضًا عَدْلًا وَ

قِسْطًا. (صدوق، ۱۳۸۳: ۱ / ۴۲۸؛ مجلسی، ۱۳۸۶: ۵۱ / ۱۳)

خداوندا! آنچه را که به من وعده دادی محقق ساز و امر (حکومت عدالت گستر جهانی) مرا به کمال برسان و گام‌های مرا استوار بدار و زمین را به وسیله من از عدل و داد پر ساز.

امام حسین علیه السلام می فرماید:

لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِنْ وَلَدِي فَيَمْلَأَهَا
عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا. كَذَلِكَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ. (صدوق، ۱۳۸۳: ۳۱۸ / ۱)

در دعای ندبه و بسیاری متون روایی دیگر هم به این وجه حکومت حضرت مهدی علیه السلام و مأموریت یارانش در این راستا اشاره شده است.

۷. مبارزه با ظلم و ستم

یکی از اهداف بعثت پیامبران، در طول تاریخ مبارزه با ظلم و ستم بوده است. رسالت پیامبران الهی، ناسازگار با روحیه ظلم و ستم و ناسازگار با منافع سران جبار و سرکش بوده است. در صدر اسلام مسلمانان به ظلم ستیزی تشویق شده و یاد می گرفتند که لازمه جامعه‌ای عدالت پرور آن است که پیکان مبارزه را متوجه کانون‌های اصلی ظلم و ستم در جامعه سازند. مسلمانان مستضعف صدر اسلام نیز خواستار فرمانده و نیروهای انسانی از جانب خداوند برای رهایی از ستم کفرپیشگان بوده‌اند. اصولاً مومنان اهل ایستادگی و مقاومت و مقابله با ظلم و تجاوزند و نیروی انسانی و فرماندهی از شرایط اساسی برای این مبارزه است.

یاران حضرت مهدی علیه السلام نیز از این قاعده مستثنی نبوده بلکه جدیت و پشتکار بیشتری برای ادای این وظیفه دارند؛ زیرا اولویت اول حضرت مهدی علیه السلام جنگ تمام عیار با مستکبران عالم است. بنابراین یاران حضرتش در بعد اندیشه، تئوریسین‌های انقلاب و در بعد عمل، سربازانی شجاع و فداکار در رکاب او و گوش به فرمانند. (صدوق، ۱۳۸۳: ۳۲۷ / ۱)

۸. مبارزه با انحراف و تحریف و برداشت نادرست از دین

یکی از وظایف پیامبران و امامان مبارزه و مقابله با انحراف و تحریف و برداشت‌های نادرست از دین بوده و نحوه این مبارزه را با توجه به مقتضیات زمانشان اجرا می نمودند. معیار آن هم عقل و خردمندی است؛ یعنی همان موهبتی که خداوند به انسان عطا نمود تا اشرف مخلوقات گردد و بتواند با آن طی طریق نماید. حتی وحی هم با عقل درک می شود. بنابراین راه دینداری در دوران خاتمیت، مراجعه به عقل است. البته عقلی که در مکتب اهل بیت علیهم السلام تربیت یافته و رشد یافته باشد. آسیب کج‌اندیشان برای دین بیشتر و بدتر از کسانی است که درست می‌اندیشند و جامعه در برابر آنها هشیار باشد. چنانچه امام رضا علیه السلام برادر خود را که افکار و باورهای غلط داشت، زید

النار نامیدند؛ یعنی کسی که غارت کرده و آتش می‌زند و رفتارهای تند دارد. همه ائمه علیهم‌السلام و یارانشان به شدت با این جریان مخالف بوده و مبارزه دائمی با آن را سرلوحه کار خود قرار دادند. یاران حضرت مهدی علیه‌السلام نیز از این رویه مستثنی نبوده بلکه با شدت و حدت بیشتری این روش را طی کرده و بر آن تاکید نموده‌اند و عوامل اصلی این انحراف را سه دسته دانسته‌اند:

(۱) صاحبان زر (سرمایه‌داران و اشراف)؛

(۲) صاحبان زور (حکومت‌های غیر اسلامی و به ظاهر اسلامی)؛

(۳) صاحبان تزویر (روحانیون وابسته و دنیاگرایان و جیره‌خواران حکومت‌ها و طبقات اشراف).
یعنی این صاحبان زر و زور و تزویر هستند که تحریف‌ها و برداشت‌های غلطی را در نظر داشته و آنها را اجرایی و عملیاتی می‌کنند. (نعمانی، ۱۳۵۹: ۲۹۷)

امروزه نمونه‌های فراوانی از تحریف و شبهه جود دارند که البته شیعه پژوهان یکایک آنها را پاسخ داده‌اند ولی چون جامعه آگاهی لازم را ندارد و تحت تاثیر فضای مجازی است باید کسانی باشند که معیارهایی در اختیار جامعه قرار دهند تا چون شاقولی در دست بنا به دست اقشار مختلف بیفتد و با آن بتوانند سره از ناسره و درست از غلط را تشخیص دهند. مبارزه با انحرافات چون ریشه در جهل مرکب دارند سخت‌تر است؛ زیرا فرد نمی‌داند و به این ندانستن هم آگاه نیست. این رسالت در یاران حضرت مهدی علیه‌السلام با جدیت دنبال می‌شود به طوری که یکی از جهات ماموریت آنها به این امر اختصاص داده شده است.

۹. عمران و آبادی

فلسفه آفرینش انسان و ماموریت و اهدافی که در مدت حضورش در زمین در نظر گرفته شده؛ گاه ماموریت‌های چندگانه‌ای هستند که هریک می‌تواند در طول دیگری قرار گیرد و مکمل هم باشند. از جمله ماموریت‌های انسان می‌توان به عبودیت، خلافت و عمران زمین توسط انسان اشاره نمود. خداوند عمران و آبادی را از نعمت‌های ارزشمند الهی به بشر معرفی می‌نماید (اعراف / ۷۴ و سبا / ۱۵ و ۱۸) و آبادانی زمین را از آثار رحمت خود معرفی می‌کند (روم / ۴۸) حتی وظیفه آبادسازی زمین را به عنوان ماموریت اصلی اسان معرفی می‌نماید.

«هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» (هود / ۶۱) آن خدایی که شما را از زمین ایجاد کرده و توانایی آبادسازی آن را به شما بخشیده و از شما خواسته در آن به آبادانی بپردازید. (طبرسی: ۵ و ۶ / ۲۶۴. زمخشری: ۲ / ۴۰۷)

در روایات نیز آمده است که:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ بَعَثَ فِي أَقَالِيمِ الْأَرْضِ فِي كُلِّ إِقْلِيمٍ رَجُلًا ثُمَّ يَقُولُ: عَهْدُكَ فِي كَفِّكَ
فَإِذَا وَرَدَ عَلَيْكَ مَالًا تَفْهَمُهُ وَلَا تَعْرِفُ الْقَضَاءَ فِيهِ فَانْظُرْ فِي كَفِّكَ وَاعْمَلْ بِهَا
(مجلسی، ۱۳۸۶: ۲ / ۳۶۵)؛

وقتی قائم قیام کند برای هر کشوری فرمانروایی برگزیند و به او گوید: دستورالعمل تو در کف دست توست. هرگاه حادثه‌ای بر تو رو آورد که حکم آن را ندانستی و طرز داوری در آن را نمی‌دانی به کف دست بنگر و هر چه در آن منعکس باشد، بر اساس آن عمل کن.

یعنی حضرتش با این تدبیر، با انتصاب یارانش اوضاع اقالیم و کشورها را سامان دهد و به آبادانی و عمران آنها توجه دارد تا امر خداوند به بهترین وجهش در زمان حضرتش و با نظارت ایشان اجرا گردد.

نتیجه‌گیری

۱. از مطالب گفته شده می‌توان نتیجه گرفت که یاران حضرت مهدی عج: ویژگی‌های روحی و ظاهری‌ای دارند که سبب شناخت آنها می‌شود.
۲. امر حضرتش را خداوند نه با معجزه که با یارانی که برای نصرتش ذخیره نموده پیش می‌برد.
۳. قدرت اجرایی بالا در حد اداره مملکت را دارند.
۴. آماده مقابله با ظلم و انحراف در رکاب حضرتش می‌باشند.
۵. در همه ویژگی‌ها، بی‌نظیر و بی‌همتا هستند.
۶. در عرصه جهانی تحولاتی بنیادین ایجاد می‌کنند و به امت واحده و مدینه فاضله معنا می‌بخشند.

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن ابی الحدید، عبدالحمید (۱۳۶۳ش). شرح نهج البلاغه. قم: مکتبه آیت الله المرعشی نجفی.
۴. ابن طاووس. علی بن موسی (۱۴۰۹ق). الاقبال بالاعمال الحسنة. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۵. ابن طاووس، علی بن موسی (بی تا). الملائم و الفتن. تهران: کتابفروشی اسلامیه.

۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱ش). **مفاتیح الحیة**. قم: اسراء.
۷. زارعی، محمود (۱۳۹۳ش). **کار باید تشکیلاتی باشد**. قم: نشر کاظمی.
۸. زمخشری، محمود بن عمر (۱۳۹۱ش). **الکشاف**. تهران: ققنوس.
۹. صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۳۷۸ش). **منتخب الاثر**. قم: آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام.
۱۰. صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۰ق). **الامالی**. بیروت: اعلمی.
۱۱. صدوق، محمد بن علی. **کمال الدین و اکمال النعمة**. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۲. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۷۸ش). **تفسیر المیزان**. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. تهران: امیرکبیر.
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۸ق). **تفسیر مجمع البیان**. بیروت: دارالمعرفة.
۱۴. عروسی حویزی، عبدالعلی بن جمعه (۱۴۱۵ق). **تفسیر نورالثقلین**. قم: اسماعیلیان.
۱۵. غلامی، رضا (۱۳۹۹ش). جریان شناسی گروه‌های عدالت طلب. **روزنامه فرهیختگان**. ش ۲۷، ۱۴/۳.
۱۶. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم (۱۴۱۶ق). **ینایع المودة**. قم: دار الاسوة.
۱۷. کاظمی، مصطفی (۱۳۸۶ش). **بشارة الاسلام**. تهران: موسسه البلاغ.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). **الکافی**. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۹. مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۶ش). **بحار الانوار**. تهران: الاسلامیه.
۲۰. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۶ش). **رهبری در اسلام**. قم: دار الحديث.
۲۱. موسوی اصفهانی، محمدتقی (۱۳۸۶ش). **مکیال المکارم**. قم: مسجد مقدس جمکران.
۲۲. مولوی بلخی، جلال الدین محمد (۱۳۸۶ش). **مثنوی مولوی**. تهران: چاپ رینولد نیکسون.
۲۳. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۵۹ش). **الغیبة**. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۴. یزدی حائری، علی (۱۳۸۳ش). **الزام الناصب**. قم: انوارالمهدی علیه السلام.

نگاهی بر مدعیان دروغین مهدویت در عصر معاصر

فهیمة معتضدیان^۱، سارا السادات کارگر^۲

چکیده

مسلمانان معتقدند مهدی موعود شخصیتی نجات بخش است که پیش از قیامت ظهور خواهد کرد و جهان را از ظلم و بی عدالتی نجات خواهد داد. جریان شناسی مدعیان دروغین مهدویت یک موضوع مهم و قابل توجه در تاریخ اسلام است که نیازمند مطالعه دقیق و تحلیل عمیق است. مدعیان دروغین نبوت، امامت و مهدویت در همه دوران ها و بسیاری از نقاط جغرافیایی وجود داشته اند. آن ها با شگردهای تبلیغاتی متعدد سعی در جلب و نگهداری مخاطب داشته اند. در این پژوهش تلاش شده است با روش توصیفی و تحلیلی با استناد به منابع مکتوب منتشر شده، به موضوع مدعیان مهدویت در دوران معاصر پرداخته شود و با مطالعات کتابخانه ای شگردهای تبلیغاتی آنها، دلایل شکل گیری آن ها و علت پذیرش آن ها از سمت مردم مورد واکاوی قرار گیرد.

کلمات کلیدی

مدعیان دروغین، مهدویت، عصر معاصر، شگرد تبلیغاتی

۱. استادیار گروه معماری، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول مکاتبات)
fa.motazedian@pardisiau.ac.ir

۲. استادیار گروه معماری، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

یکی از مسائل مهم که همیشه مورد بحث بین مسلمانان و مذاهب مختلف و همچنین ادیان دیگر بوده بحث مهدویت است (هادی، ۱۴۰۲). اعتقاد بر این است که مهدی، موعود تمام بشر است، فرمانطقه‌ای، فرانژادی، فرازبانی و فرادینی است. مدعیان مهدویت همواره از دیرباز تاکنون وجود داشته‌اند و به طور خاص در این دوران با ظهور فناوری‌های نوین، این مسأله ابعاد جدیدی به خود گرفته است. افرادی که ادعا می‌کنند نماینده یا مهدی موعود علیه السلام هستند، معمولاً با جلب توجه عمومی به اعتقادات مذهبی و ایجاد تغییرات اجتماعی و سیاسی وارد میدان می‌شوند. مدعیان مهدویت در ابعاد مختلف به این اصل اصیل دینی و آموزه مهم آسیب وارد کردند و می‌کنند. ضرورت پرداختن به این مسیله از جنبه‌های اعتقادی، تنش‌های سیاسی و چالش‌های حکومتی و... قابل بررسی است. مهم‌ترین آسیب انکار مهدویت و تخریب و ایجاد تنفر از آن است. اما برخی از پژوهشگران ادعای مهدویت از سوی افراد در دوره‌های مختلف را نشانگر اصالت اندیشه مهدویت می‌دانند (ری شهری، ۱۳۹۳).

باید توجه داشته باشیم که در عصر ارتباطات و پیشتازی رقبای دینی ما در عرصه منجی و موعود باوری، دیگر نباید در مباحثی مثل مدعیان دروغین فریب بخوریم، دشمنان ما و بیگانگان، رقبای دینی ما از مدعیان دروغین حمایت می‌کنند. (عرفان، ۱۳۹۲). این مقاله به بررسی تاریخی، ویژگی‌ها، و به طور مبسوط‌تر در خصوص شگردهای تبلیغاتی مدعیان مهدویت در عصر حاضر می‌پردازد.

مهدویت

مهدویت در اصطلاح یعنی روش، رفتار، فکر و عقیده‌ای که به حضرت مهدی علیه السلام انتساب داشته باشد. پس مهدویت؛ یعنی معتقد بودن به وجود حضرت مهدی علیه السلام (عمید، ۱۳۸۱: ۲۳۳). مهدویت به عنوان یک گرایش الهیاتی در دین اسلام، به اعتقاد به وجود مهدی موعود علیه السلام اشاره دارد که در آخر الزمان ظهور خواهد کرد و عدالت را در جهان برقرار خواهد نمود. این باور در میان مسلمانان، به ویژه شیعیان، به شدت ریشه‌دار است و منبع امید و انتظار برای بسیاری از افراد است.

تاریخچه مدعیان مهدویت (مُتْمَهِدیان)

مدعیان مهدویت، افرادی هستند که در تاریخ اسلام ادعا کرده‌اند که مهدی موعود یا نماینده او هستند. مدعیان مهدویت در تاریخ اسلام، از زمان پیامبر اسلام ﷺ تاکنون، وجود داشته‌اند. این موارد در سراسر دنیای اسلام — در جنوب آسیا، آفریقا و خاورمیانه — اتفاق افتاده است. به افرادی گفته می‌شود که خود را به عنوان مهدی موعود معرفی کرده‌اند یا اینکه خودشان ادعایی نداشته‌اند اما دیگران آنها را مهدی می‌پنداشتند. از قرن نخست قمری تاکنون (قرن پانزدهم قمری) افراد بسیاری ادعای مهدویت نموده‌اند. قدرت طلبی، مبارزه با ظلم و ستم و فریب دشمنان اسلام از انگیزه‌های مدعیان مهدویت دانسته شده است. عبیدالله المهدی بنیانگذار حکومت فاطمیان، سید علی محمد باب، بنیانگذار فرقه بابیه و غلام احمد قادیانی از افرادی اند که ادعای مهدویت داشته‌اند. اعتقاد به منجی آخرالزمان یکی از وجوه مشترک ادیان و آیین‌هاست (شعبانی و عباسی رمی، ۱۴۰۱).

در این میان برخی خود ادعای مهدویت داشته‌اند و برخی نیز از سوی مردم مهدی خوانده شده‌اند. ادعای مهدویت از سوی خود مدعی، به طرق متفاوتی وجود داشته است که در تصویر شماره ۱ برخی از آن‌ها را مشاهده می‌نمایید:

۱. ادعای مهدویت؛	} تنوعات مدعیان دروغین به لحاظ نوع ادعا
۲. ادعای وکالت، نیابت و سفارت؛	
۳. ادعای ملاقات، مشاهده و رؤیت؛	
۴. ادعای ارتباط (خواب، رؤیا و...)	
۵. ادعای مکاتبه؛	
۶. تطبیق نشانه‌های ظهور بر خود (مدل‌سازی براساس نشانه‌های ظهور)؛	
۷. ادعای همسری.	

تصویر ۱: تنوعات مدعیان دروغین به لحاظ نوع ادعا (صفری فروشانی و عرفان، ۱۳۹۳).

اولین و شناخته شده‌ترین مدعیان دروغین مهدویت در دوران معاصر، علی محمد باب (۱۸۱۹ - ۱۸۵۰) است. وی ادعای پیامبری و مهدویت کرد و دینی جدید به نام بابیسم را بنیاد گذاشت. او در سال ۱۸۴۴ میلادی، خود را به عنوان مهدی موعود معرفی کرد. بابیسم به مدت کوتاهی در ایران نفوذ چشمگیری داشت، اما به شدت سرکوب گردید. او خود را باب، یا دروازه امام مهدی ﷺ معرفی کرد و به ترویج افکار مذهبی‌اش پرداخت. بعداً، بهاءالله، یکی از پیروان او، ادعای پیامبری و مهدویت را مطرح کرد و دین بهائیت را بنیان‌گذاری کرد.

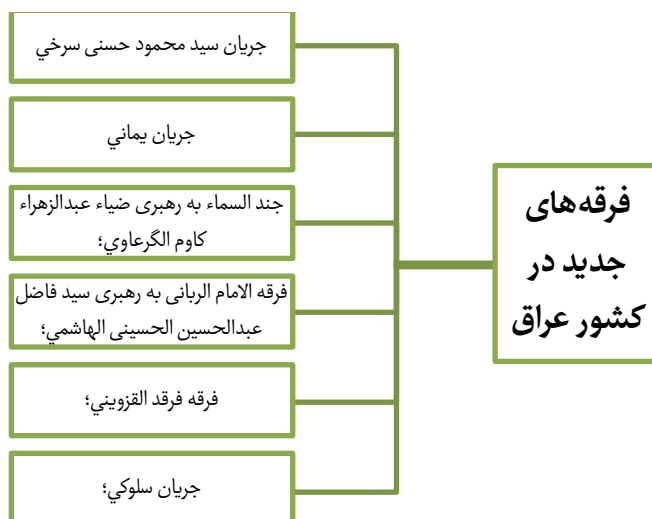
بعد از علی محمد باب، سید علی محمد شیرازی، بهاء الله (۱۸۱۷ - ۱۸۹۲) ادعای جدیدتری را مطرح کرد. او به مهدویت و نزدیکی به امام مهدی (عج) اشاره کرد و خود را مظهر خدا و ادامه دهنده رسالت های پیامبران پیشین دانست. بهاء الله بر این باور بود که او وظیفه دارد تا بشریت را به امید و وحدت فراخواند. علی محمد شیرازی که خود را ابتدا باب امام زمان معرفی کرده بود با کمال تعجب مدعی مهدویت شد و خود را امام زمان مهدی موعود (عج) خواند. او چنین اعلام کرد: من همان قائم موعودی هستم که هزار سال منتظر او هستید (هاجر، ۱۹۸۴).

میرزا غلام احمد قادیانی (۱۸۳۵ - ۱۹۰۸) بنیانگذار فرقه احمدیه یا قادیانیه است. او ابتدا ادعای مهدویت کرد و سپس خود را مسیح موعود و پیامبر خواند. قادیانی با بهره گیری از شرایط سیاسی هند تحت استعمار بریتانیا، توانست پیروان زیادی جذب کند. روش تبلیغاتی قادیانی از چاپ کتاب و نشریه برای گسترش افکارش استفاده می کرد. او همچنین با ادعای الهامات غیبی و معجزات، سعی در جلب توجه مردم داشت. جنبش احمدیه با حمایت استعمار بریتانیا رشد کرد و به عنوان ابزاری برای تضعیف وحدت مسلمانان عمل نمود.

احمد بن اسماعیل معروف به احمد حسن، یکی از مدعیانی است که در سال های اخیر به ادعای اینکه امام مفترض الطاعه، مهدی، قائم، وصی امام مهدی، نوه آن حضرت و یمانی است (آیتی، ۱۳۹۲). وی متولد بصره جنوب عراق، در دوره معاصر (سال ۲۰۰۷) ادعای مهدویت کرد و خود را نماینده مهدی موعود نامید. احمد الحسن منتسب به جریانی به نام «یمنی» است و ادعاهایی مبنی بر بازگشت مهدی موعود و نسبتش با حجت بن الحسن مهدی دارد. این مدعی عراقی از سال ۱۹۹۹ ادعای نمایندگی امام مهدی را مطرح کرد. جنبش او به «انصار الامام المهدی» معروف شد.

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مسئله مهدویت در کانون توجهات قرار گرفت و فعالیت های فراوانی را به منظور ترویج این اندیشه شاهد هستیم؛ اما سوگمندانه با توجه به عدم عرضه مباحث دقیق مهدوی و عدم نظارت از سوی متولیان فرهنگی و از طرفی دیگر، دلدادگی مردم به حضرت ولی عصر، فرصتی برای سوء استفاده مدعیان فراهم گردید که حجم فراوان پرونده های قضایی مرتبط با مهدویت، گواه این ادعا است. مولف کتاب مهدیان دروغین ادعا کرده است که بالغ بر سه هزار نفر مدعی مهدویت در زندان ها به سر می برند (جعفریان). آنچه این دوران را از دوران قبل متمایز می کند، تنوع ادعاها است. به عنوان نمونه، در این دوران می توان به مدعیان فرزندى حضرت، ملاقات و تشرفات پیاپی، یاری حضرت، انتفاع خاصه از امام زمان و تطبیق های فراوان

نشانه‌ها بر افراد گوناگون اشاره کرد.



سیاح و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهش خود جریان‌های فعال فعلی مدعی آخرالزمان و مهدویت را بهائیت و بابیت، احمد الحسن و سایر مدعیان نیابت و بابیت، وهابیت و سلفیت سنتی، وهابیت و سلفیت اخوانی (جهیمان) و جهادی، القاعده و داعش، اخوان المسلمین و وهابیت مدرن، مسیحیت تبشیری اوانجلیست و کلیساهای خانگی، صهیونیسم، عرفان کاذب و شیطان گرا، سوپرناسیونالیسم و ضد دین، شبه دینی یا بی دین را معرفی می‌کنند.

تاسیس مذهب قادیانی در پاکستان، بابیت و بهائیت در ایران، و وهابیات در عربستان، نمونه‌هایی از این فرقه‌ها و جریانات دینی است. همراهی، بلکه سرسپردگی این فرقه‌ها به آمریکا، انگلیس و صهیونیست‌ها در این زمان بر همگان آفتابی شده است. بر این اساس، اخیراً دولت‌های استعماری که به بهانه مبارزه با تروریسم، کشورهای مسلمان افغانستان و عراق را اشغال کرده‌اند، پروژه تأسیس آن‌گونه فرقه‌ها و پشتیبانی از آنها را به ویژه در عراق در رأس برنامه‌های خود قرار داده‌اند. در این کشور، به دنبال اشغال عراق، ده‌ها فرقه بروز و ظهور نموده‌اند؛ از قبیل: موارد زیر: (حیدری آل کثیری و حیدری چراتی، ۱۳۹۰)

اغلب جریانات فوق، مدّعی مهدویت یا ارتباط با امام زمان شده‌اند. بیشتر آنها با جریانات بعثی و دستگاه‌های جاسوسی استعماری، کشف و احراز گردیده است. هدف اصلی این فرقه‌ها مبارزه با حوزه، مرجعیت و روحانیت شیعه قرار گرفته است؛

توضیحات	انگیزه
شایع‌ترین و مهم‌ترین انگیزه ادّعای مهدویت و یا نیابت خاص، قدرت طلبی و تسلّط بر امور سیاسی جامعه است؛ چرا که اساساً مهدویت، مفهومی دینی-سیاسی است و کسی که مدّعی مهدویت می‌شود، کمترین نتیجه‌ای که در ذهن دارد، به دست گرفتن رهبری و قدرت سیاسی است. بنا بر این، فراوانی مدّعیان مهدویت، در درجه اول، معطوف به این انگیزه است. البتّه در میان بسیاری از این افراد که قدرت دارند و به دنبال قدرت و مشروعیت بیشترند، برخی با برنامه‌ریزی و تلاش، به آن رسیده‌اند و بسیاری نیز در مواجهه با قدرت‌های دیگر، سرکوب و نابود شده‌اند.	قدرت طلبی
انگیزه‌های اقتصادی نیز می‌توانند به عنوان انگیزه‌ای مهم مطرح باشند؛ چرا که افرادی هستند که تصوّر می‌کنند با تحمیق مردم می‌توانند به نان و نوایی برسند.	موقعیت اقتصادی
زمانی که مهدویت به مفهوم «قطب» در نزد مشایخ صوفیه نزدیک می‌شود، انگیزه‌های مراد و مریدی و تقویت خانقاه مربوطه و جذب توده‌ها نیز اهمّیت می‌یابند. این مسئله در مقطعی از تاریخ ایران و شمال آفریقا، نقش مهمّی در پیدایش مدّعیان مهدویت داشته است. به سبب قداست مفهوم مهدویت در میان مسلمانان، این انگیزه در میان دیگر گروه‌ها نیز قوی بوده است.	موقعیت اجتماعی
شماری از ادّعاهای مهدویت، ناشی از بیماری روانی «توهّم درونی» اند. برخی از افراد که بعضاً با ریاضت‌های فراوان نیز زندگی را سپری کرده‌اند، ممکن است این تصوّر و توهّم برایشان پدید آمده باشد که خودشان همان مهدی موعود هستند، همچنان که مشکلات اجتماعی و سیاسی، گاه سبب پدید آمدن این توهّم می‌گردند. نمونه‌های افراد متوهّم این گونه، حتّی در دوره معاصر نیز فراوانند؛ ولی معمولاً به جنبش اجتماعی تبدیل نمی‌شوند و استمرار ندارند.	توهّم درونی
برخی مدّعیان، ممکن است انگیزه‌های اجتماعی – انقلابی داشته باشند، به این معنا که قصد ظلم‌ستیزی و شورش بر حاکم ستمگری را دارند؛ ولی با طرح ادّعای مهدویت، تلاش می‌کنند که شماری از توده‌های مردم را در اطراف خویش گرد آورند. آنچه برای این افراد مهم است، مبارزه سیاسی و نظامی است، نه مهدویت. به همین دلیل، گاهی به يك طرح کلّی از ماجرا بسنده می‌کنند. مهدی سودانی یکی از بزرگ‌ترین مدّعیان مهدویت است که از این ابزار برای برخورد با نیروهای انگلیسی و مصری اشغالگر در کشورش استفاده کرد.	بسیج توده‌ها بر ضدّ ستمگران

شگردهای تبلیغاتی

مدعیان دروغین مهدویت در دوران مدرن از روش‌ها و شگردهای متنوعی برای جذب مخاطبان و پیروان استفاده می‌کنند. این شگردها در کنار یکدیگر، به مدعیان کمک می‌کند تا نفوذ بیشتری بر روی جامعه داشته باشند و پیروان جدیدی جذب کنند. این روش‌ها به طور خاص به نیازها و احساسات مختلف جامعه پاسخ می‌دهند و می‌توانند به صورت زیر دسته‌بندی شوند:

توضیح	شگرد تبلیغاتی
رسانه‌های اجتماعی به عنوان بستر اصلی برای تبلیغ اعتقادات مدعیان مهدویت در دنیای امروز نقش بسزایی دارند. این بسترها به آنان این امکان را می‌دهند که در کوتاه‌ترین زمان ممکن پیام‌های خود را به گوش مخاطبان برسانند. این مدعیان با استفاده از ابزارهای دیجیتال به راحتی می‌توانند ویدیوهایی را منتشر کنند یا به پرسش‌های پیروان خود پاسخ دهند. این نوع ارتباط مستقیم و بی‌واسطه امکان برقراری ارتباطی عاطفی و نزدیک‌تر را فراهم می‌آورد و می‌تواند به تقویت پیوستگی جامعه خود کمک کند. مدعیان مهدویت غالباً از رسانه‌های جمعی نظیر تلویزیون و پلتفرم‌های دیجیتال نظیر وب‌سایت‌ها، شبکه‌های اجتماعی و حتی ویدیوهای یوتیوب برای تبلیغ خود استفاده می‌کنند. این رسانه‌ها به آن‌ها این امکان را می‌دهند که بدون محدودیت زمانی و مکانی پیام‌های خود را به جاهای مختلف ارسال کنند و با استفاده از تکنیک‌های بصری و صوتی، جذابیت بیشتری ایجاد کنند. با این روش به انتشار ادعاهای خود می‌پردازند و پایگاه‌های اجتماعی خود را به سرعت گسترش می‌دهند.	استفاده از رسانه‌های جمعی و رسانه‌های نوین
بسیاری از مدعیان با ارائه نشانه‌هایی از مهدویت یا معجزاتی که خود را وابسته به مهدی موعود می‌دانند، سعی در جلب توجه و جذب پیروان دارند. این نشانه‌ها می‌تواند شامل پیش‌بینی‌های	جلب توجه به طریق ارائه نشانه‌ها و معجزات

خاص و یا تجربیات شخصی باشد که به نوعی با مفاهیم مهدوی همسو می شوند این افراد خود را به عنوان انسان هایی خاص و متفاوت معرفی کرده و ادعاهایی ماورایی مانند شفای بیماران و غیب گویی را مطرح می کنند. مدعیان از روش های مختلف (هیپنوتیزم، تکنیک های تغییر باور، سحر و جادو و تله پاتی) برای القای باورهای خود استفاده می کنند.	
مدعیان مهدویت طعمه های خودشان را از بین خداجویان و منتظران شناسایی می کنند (پرهیزکار، ۱۴۰۳). مدعیان معمولاً بر روی احساسات و نیازهای دینی مردم کار می کنند و معمولاً بر پایه آموزه های اسلامی و قرآنی تلاش می کنند تا برای ادعاهای خود مستندات و شواهدی فراهم آورند. در روزگار کنونی خطر قرار گرفتن در دام مدعیان دروغین درباره تمامی اقشار جامعه قابل تصور است و دور از ذهن نیست، اما اقشار مذهبی بخاطر علقه های اعتقادی بیشتر در معرض خطر قرار دارند (صفری فروشانی و عرفان، ۱۳۹۳) مدعیان مهدویت غالباً بر اساس تفاسیر خاصی از آیات قرآن و احادیث دست به تبیین نظریات خود می زنند. آن ها با استفاده از تفسیرهای تحریف شده، باورهایی را مطرح می کنند که به سادگی می توانند بر باورهای عمومی تأثیر بگذارند و خود را به عنوان مهدی موعود معرفی نمایند. مدعیان با تأویل گرایی آیات قرآن و ادعای خسران ائمه معصومین علیهم السلام، استناد به روایات جعلی، تحریف و تقطیع آیات قرآن، استفاده از استخاره و... از اعتقادات مذهبی مردم سواستفاده می کنند (شهبازیان، ۱۳۹۸).	سوء استفاده از نیازهای دینی و گرایشات مردم به معنویات (تعبیر و تفسیرهای خاص دینی)

ایجاد گروه‌های مجازی و شبکه‌های اجتماعی، محیطی را برای مباحثات، نشر اطلاعات و تقویت ارتباطات میان پیروان فراهم می‌آورد. این گروه‌ها می‌توانند نقش مهمی در تداوم و گسترش اعتقادات خود ایفا کنند (رضوی، ۱۴۰۲). مدعیان به تشکیل گروه‌ها و محافل خاص می‌پردازند و در این محیط‌ها به تبادل نظر و بحث می‌پردازند. این تجمعات می‌توانند به تقویت روابط اجتماعی و افزایش حس تعلق بین افراد کمک کنند. بسیاری از افراد به دنبال جستجوی هویت و جامعه‌ای هستند که به آن‌ها احساس تعلق بدهد، و این مدعیان با ایجاد چنین فضایی به جذب پیروان بیشتر می‌پردازند (خراسانی، ۱۴۰۱).	ایجاد شبکه‌های اجتماعی و محیط‌های حمایتی
مدعیان معمولاً با پیش‌بینی‌های خاص و غالباً تاریک درباره آینده، سعی در جلب توجه می‌کنند. این پیش‌بینی‌ها معمولاً بر مبنای شرایط کنونی و بحران‌ها مطرح می‌شود. با ایجاد ترس از آینده، مردم بیشتر تمایل به پذیرش یک نجات‌دهنده دارند که می‌توانند او را مهدی موعود تلقی کنند (موسوی، ۱۴۰۲). غالب مدعیان دروغین سده‌های میانه اسلامی در راستای جلب و جذب اذهان عمومی و به خصوص طبقات پائین جامعه، سعی بر آن داشتند تا با برجسته سازی گذشته تاریخی و درد و رنج جامعه از یکسو و نوید آینده‌ای درخشان، آرمانی، موفقیت بیشتری در جذب پیروان و در مسیر دشوار نیل به قدرت از منظر دعاوی دینی — مذهبی کسب کنند (شعبانی و عباسی رمی، ۱۴۰۱).	تحلیل و تفسیر آینده (تردید در گذشته و نوید آینده روشن)
مدعیان با استفاده از داستان‌بافی و ساختن اسطوره‌های شخصی، خود را به عنوان شخصیت‌های برجسته مذهبی معرفی می‌کنند. این داستان‌ها می‌توانند حاوی نمادهایی از موفقیت، رنج و نجات باشند، که موجب می‌شود که پیروان بالقوه به راحتی	اسطوره‌سازی و روایت‌سازی

با آن‌ها ارتباط برقرار کنند (سبزواری، ۱۳۹۹).	
مدعیان دروغین مهدویت با تبارسازی به تسهیل جذب افراد مذهبی و جلب توجه عمومی به می‌پردازند. تبارسازی یکی از شیوه‌های مدعیان دروغین مهدویت است که با هدف مشروعیت بخشی به ادعاهای خود به استفاده از نسب‌های خیالی و ارتباطات خانوادگی با امامان می‌پردازند. این مدعیان غالباً خود را به عنوان نوادگان امامان معرفی کرده و با استناد به روایات ضعیف و ساختگی، سعی در جلب پیروان دارند. به عنوان مثال پیروان احمد حسن معتقدند وی پنجمین فرزند با واسطه حضرت مهدی است. احمد الحسن الیمانی با این که سید نیست و اصل و نسب او از طایفه «صیامر» است، مدعی فرزندی امام زمان و هاشمی بودن شده است و خود را بر اساس برخی روایات وصی امام زمان معرفی می‌کند (حسینی، ۱۴۰۱).	تبارسازی
بحران‌های اقتصادی و نارضایتی عمومی می‌تواند موجب ظهور مدعیانی شود که ادعای توانایی در حل مشکلات را دارند. این افراد معمولاً خود را به عنوان منجیانی معرفی می‌کنند که می‌توانند تغییرات مثبتی ایجاد کنند. زمان‌هایی که مردم در شرایط نامناسب اجتماعی یا سیاسی قرار دارند، معمولاً به دنبال یک رهبر الهیاتی هستند که وعده نجات و عدالت را بدهد. این مدعیان اغلب با رویکردهای خاصی به مسأله مهدویت می‌نگرند و سعی دارند ارتباطاتی بین خود و مشکلات اجتماعی موجود برقرار کنند. آن‌ها معمولاً در زمان بحران‌های اجتماعی و سیاسی به میدان می‌آیند و با ارائه خود به عنوان یک نجات‌دهنده، تلاش می‌کنند تا توجه جامعه را جلب کنند. در طول تاریخ اسلام افرادی از فضا‌های آشفته سیاسی و فشارهای اجتماعی و اقتصادی که نارضایتی مردم را به دنبال داشته بهره برده و خود را مهدی موعود دانسته‌اند (علیزاده، ۱۳۹۵).	تکیه بر بحران‌های اجتماعی سیاسی و اقتصادی

این استراتژی‌ها غالباً شامل ریشه‌یابی تنگناهای اجتماعی و پیشنهاد راه‌حلی‌هایی عالی و روحانی می‌باشد مدعیان دروغین مهدویت به شدت از احساسات و عواطف مردم سوء استفاده می‌کنند. آن‌ها در زمان بحران‌های اجتماعی، اقتصادی یا سیاسی با ارائه پیام‌های نجات‌بخش و امیدواری، سعی در جلب توجه و حمایت مردم دارند. در واقع، آن‌ها خود را به عنوان پاسخی به مشکلات اجتماعی معرفی می‌کنند و این امر باعث ایجاد پیوند عاطفی میان آن‌ها و مخاطبان می‌شود.

استفاده از نارضایتی جوامع شیعی از دولت‌هایشان برای جذب نیرو و بسط قدرت خویش یکی از این شگردهاست (سیاح و همکاران، ۱۳۹۹).

در زمان‌های بحرانی، جامعه معمولاً به دنبال امید جدید و راه‌حل برای مشکلات خود می‌گردد، و مدعیان با امید جدید به میدان می‌آیند. علاوه بر این، مدعیان مهدویت به نوعی به نقد وضع موجود می‌پردازند و خود را به عنوان نماینده‌ای در جهت تحقق تغییرات ضروری معرفی می‌کنند. این رویکرد نه تنها بر روی شخصیت‌های مذهبی بلکه بر روی نهادهای سیاسی و اجتماعی نیز فشار می‌گذارد.

بسیاری از مدعیان دروغین با تبلیغ انجام کارهای خارق عادات جهت قداست بخشی و باور الوهی در صدد جذب افکار عمومی جامعه بودند. در همین راستا ادعای برخورداری از معجزات و البته با استفاده از ترفندهای چون سحر، جادو و شعبده بازی در دستور کار مدعیان بوده است (شعبانی و عباسی رمی، ۱۴۰۱).

بهره‌گیری از سحر و جادو و شعبده

برخورداری از قدرت معنوی فوق‌العاده و انجام کارها و اقدامات خارق‌العاده به واسطه ارتباط با جهان ماوراء از شگردهای تبلیغی مدعیان دروغین ایران بوده است (شعبانی و عباسی رمی،

ادعای ارتباط با جهان ماورا

	۱۴۰۱). مدعی، خود را انسانی ویژه و متفاوت با انسان‌های دیگر معرفی کند که دستی در عالم ملکوت دارد و دارای قدرتی برتر و ویژه است! این القاب به دلیل سهل بودن، به طور فراوان در میان مدعیان مشاهده شده است و آن، در واقع نوعی عوام فریبی است. غیب‌گویی، شاگردی نزد معصومان، ارتباط با عوالم ملکوت نمونه‌ای از این القایات است (وحیدی، ۱۳۹۹)
شبیه‌سازی پیامبران و امامان و برخورداری از حمایت آنها	شبیه‌سازی با پیامبران و ائمه و ادعای استمداد جستن از آنان در این مسیر خطیر و همراهیشان با مدعیان از طریق نمایش کرامات و معجزات و در حقیقت برای اثبات برخورداری از عنایات خداوند و منشاء الهی، در راس شگردهای تبلیغاتی مدعیان دروغین سده‌های میانه ایران اسلامی قرار داشته است. این شگرد تبلیغی در منظر توده‌های جامعه خود می‌توانست آنان را برخوردار از یک نیروی فوق بشری و نامحدود و مهم‌تر از آن قدسی و معنوی معرفی نماید (شعبانی و عباسی رمی، ۱۴۰۱).
مخفی‌کاری و رمزآلود بودن	بسیاری از مدعیان مهدویت به دلیل عدم استقبال عمومی، ممکن است از تکنیک‌های مخفی‌کاری و رمزآلود بودن استفاده کنند. آنها با ارائه اطلاعات ناقص و مبهم، مخاطبان را ترغیب به پی‌گیری و بررسی بیشتر می‌کنند. این روش می‌تواند برای ایجاد جذابیت و کنجکاوی در افراد مؤثر باشد. رازآمیز نشان دادن فضای شخصیت ساخته شده به منظور جذاب جلوه دادن آن از بعد رسانه‌ای (سیاح و همکاران، ۱۳۹۹).
تقدس بخشی	مصور نکردن چهره تا جای ممکن به منظور تقدس بخشی و ادامه نهان روشی (سیاح و همکاران، ۱۳۹۹).

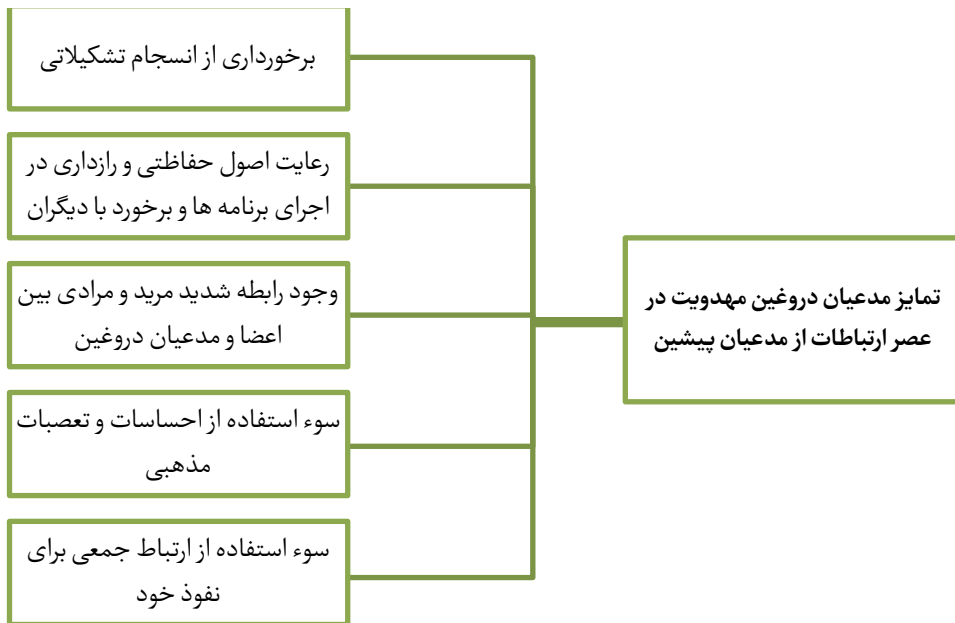
تفاوت مدعیان دروغین مهدویت در دوران معاصر با زمان قبل

برهه‌های تاریخی طرح ادعای مدعیان دروغین را می‌توان چنین تبیین کرد: روزگار حضور امامان معصوم، روزگار غیبت صغرا و روزگار غیبت کبرا (صفری فروشانی و عرفان، ۱۳۹۳). که دوران غیبت کبرا به قرون ابتدایی دوران کبرا و عصر ارتباطات تقسیم می‌شود. در دنیای معاصر، ویژگی‌های مدعیان مهدویت تغییرات زیادی کرده‌اند. در گذشته ادعاهای مهدویت بیشتر به انگیزه‌های سیاسی و اجتماعی مرتبط بود، مانند قدرت طلبی و مبارزه با ظلم (صفری فروشانی و عرفان، ۱۳۹۳).

امروزه انگیزه‌ها شامل سواستفاده از باورهای مذهبی و ناآگاهی عمومی است. مدعیان با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و رسانه‌ها، به جذب پیروان می‌پردازند و بیشتر بر روی مسایل اقتصادی و اجتماعی تاکید دارند. در دوره‌های اولیه ادعاها غالباً به صورت قیام‌های نظامی مطرح می‌شد. اما در قرون اخیر مدعیان بیشتر از شگردهای تبلیغاتی و رسانه‌ای استفاده کرده‌اند.

وفور، تنوع و در دسترس بودن رسانه‌ها توسط همگان و نقش موثری که در ترویج مطالب با سرعت بالا و در زمان کوتاه دارند و همچنین قدرت بالایی که رسانه‌ها در اختیار دارند، به ویژه رسانه‌های معاند که خیلی از دسیسه‌ها را با تدبیر ترویج می‌دهند، تبلیغات این مدعیان ساده‌تر است. در دوران معاصر اغلب منابعی که در روز توسط مردم مطالعه می‌شود از بار علمی عمیق و معتمدی برخوردار نیست و سطحی‌نگری و برداشت‌های سریع از تبعات آن است.

رسانه‌ها بسیاری از اطلاعات نادرست را خواسته یا ناخواسته ترویج می‌دهند. می‌توانند به مدعیان کمک کنند تا خود را معتبر معرفی کنند که به جذب پیروان بیشتر منجر می‌شود. همچنین قابلیت ایجاد تولید محتوای جذاب، حتی به دروغ توسط رسانه‌ها می‌تواند کمک بزرگی در جهت جذب مخاطبان ساده‌انگار داشته باشد. بنابراین در عصر معاصر مدعیان با استفاده از فناوری‌های جدید و ارتباطات گسترده‌تر، به راحتی می‌توانند ادعاهای خود را منتشر کنند.



تصویر ۱: صفری فروشانی و عرفان، ۱۳۹۳

زمینه‌های پذیرش ادعای مدعیان دروغین

در تصویر زیر به طور خلاصه زمینه پذیرش ادعاهای این مدعیان توسط مردم ذکر شده است:



تصویر ۲: زمینه‌های پذیرش ادعای مدعیان دروغین بطور خلاصه (برگرفته از عبدالاحدی

مقدم و میرتبار، ۱۳۹۹)

نتیجه‌گیری

مدعیان دروغین مهدویت در دنیای معاصر، با ویژگی‌ها و روش‌های نوین، پدیده‌ای پیچیده و چندوجهی هستند. این ادعاها نه تنها بازتابی از نیازهای اجتماعی و فرهنگی جامعه، بلکه نشانه‌ای از بحران‌ها و چالش‌های عمیق‌تر در سطح دینی نیز هستند. درک و تحلیل این پدیده‌ها نیاز به تحقیق جامع و استفاده از رویکردهای بین‌رشته‌ای دارد تا بتوان علل و پیامدهای این ادعاها را به درستی شناخت و در نهایت به تقویت آگاهی‌سازی عمومی کمک کرد.

مدعیان دروغین مهدویت در دوران مدرن و معاصر نشان‌دهنده نیازهای عمیق انسانی به امید، تغییر و نجات هستند. آنها با توجه به زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و مذهبی مختلف به فعالیت پرداخته و تلاش می‌کنند تا با جذب پیروان به مقاصد خود برسند. آن‌ها از شگردهای مختلف و متنوعی برای اقناع افکار عمومی، مشروع‌سازی، توجیه اقدامات، رفتارها و عملکردهایشان استفاده کردند.

در این پژوهش مروری بر شگردهای تبلیغات مدعیان در عصر حاضر شد و تفاوت‌های مدعیان در عصر معاصر با گذشته مطرح شد. می‌توان گفت فعالیت مدعیان نسبت به قبل کمتر شده است و یا می‌توان احتمال داد که اینها شیوه خودشان را تغییر دادند و به پنهان‌کاری روی آوردند.

نهادهای دینی، علمی و اجتماعی به طور معمول با احتیاط به ادعاهای مهدویت واکنش نشان می‌دهند. بسیاری از این نهادها سعی دارند با نشر اطلاعات صحیح و تأکید بر مبانی اسلامی، این گونه ادعاها را زیر سوال ببرند و از گسترش آن‌ها جلوگیری کنند. برخی نهادهای دینی، با تأسیس گروه‌ها و مؤسسات بررسی شایعات مهدویت، تلاش می‌کنند تا آگاهی عمومی را افزایش دهند و اطلاعات نادرست را از بین ببرند. همچنین، تربیت روحانیون با آگاهی از شیوه‌های جدید تبلیغ و روش‌های اجتماعی، از دیگر اقدامات این نهادها محسوب می‌شود. درواقع در بخش پیشگیری مهم‌ترین مسئله بالا بردن سطح بینش و اطلاعات افراد و جامعه در حوزه مهدویت و مسائل دینی است.

منابع و مآخذ

۱. آیتی، نصرت‌الله (۱۳۹۲ش). نقد و بررسی آراء مدعیان مهدویت: با تکیه بر آراء احمد الحسن. *مشرق موعود*. سال ۷. ش ۲۵. ص ۵۴۹.
۲. پرهیزکار، (۱۵ مرداد ۱۴۰۳). *خبرگزاری مهر*. فرهنگ مهدویت. مدعیان دروغین با تغییر شیوه به پنهان‌کاری روی آورده‌اند. برگرفته از مدعیان دروغین مهدویت با تغییر شیوه خود، به

- پنهان کاری روی آورده اند/ چگونه در مقابل آنها فریب نخوریم؟ - خبرگزاری مهر | اخبار ایران و جهان | Mehr News Agency در تاریخ ۲۵ آذرماه ۱۴۰۳.
۳. جعفریان، رسول (۱۳۹۴ش). *مهدیان دروغین*. تهران: نشر علم.
۴. حسینی (طاها)، سید محمد (۱۴۰۱ش). *مهدویت و نقد و بررسی احمد الحسن الیمانی. مطالعات فلسفی کلامی*. ش ۲۱. ص ۲۴-۵۰.
۵. حیدری آل کثیری، محسن و حیدری چراتی، حجت. (۱۳۹۰ش). *بررسی جریان های جدید مدعی یمانی (احمد الحسن)*. *انتظار موعود*. دوره ۱۱. ش ۳۴. ص ۲۰۹-۱۷۵.
۶. عبدالاحدی مقدم، علی اکبر و میرتبار، سید مرتضی (۱۳۹۹). *چرایی گرایش مردم به مدعیان دروغین مهدویت و راهکارهای رویارویی با آن. مطالعات معنوی*. ش ۲۹. ص ۱۲۳-۹۵.
۷. عرفان، امیرمحسن. (۱۱ تیرماه ۱۳۹۲). *مدعیان دروغین مهدویت در عصر ارتباطات. پرسمان*. برگرفته از مدعیان دروغین مهدویت در عصر ارتباطات - پرسمان در تاریخ ۲۶ آذرماه ۱۴۰۳ش.
۸. علیزاده، خدیجه (۱۳۹۵ش). *مدعیان مهدویت چالشی فراروی فرهنگ انتظار*. کنگره پیشگامان پیشرفت.
۹. عمید، حسن (۱۳۸۱). *فرهنگ فارسی عمید*. ج ۱. تهران: امیرکبیر. شرکت کتاب های جیبی فرانکلین.
۱۰. سیاح، احمد، زارعی متین، حسن، هاشمیان، سید محمد حسین؛ شرف الدین، سید حسین. (۱۳۹۹). *الزامات رسانه ای تصویرسازی از منجی آخرالزمان: نفی بدیل سازی های باطل و شیطانی مدعیان. پژوهش نامه امامیه*. سال ۶. ش ۱۱. ص ۹۵-۶۴.
۱۱. شهبازیان، محمد. (۲۷ فروردین ۱۳۹۸ش). *شگردهای مدعیان دروغین مهدویت. ایکن*. برگرفته از شگردهای مدعیان دروغین مهدویت در تاریخ ۲۵ آذرماه ۱۴۰۳ش.
۱۲. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۹۳ش). *دانشنامه امام مهدی (عج)*.
۱۳. هاچر، ویلیام. (۱۹۸۴م). *دیانت بهایی*. ترجمه سمندری. موسسه معارف بهایی به لسان فارسی
۱۴. هادی، شکیبا. (۱۴۰۲ش). *مهدویت از دیدگاه اسلام. پژوهش های مطالعات اسلامی معاصر*. دوره ۱. ش ۵. ص ۵۸-۴۵.



بخش پنجم: امامت، علوم، فنون و شرایط عصر جدید

موعودباوری در سینما: نقد و بررسی فیلم‌های دوگانه تل ماسه ۱ و ۲ (۲۰۲۲ - ۲۰۲۴)

عارفه گودرزوند چگینی^۱

چکیده

مقاله پیش رو، تلاشی است برای تحلیل، نقد و بررسی فیلم تل ماسه ۱ و ۲، اثری که در سال ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴ موفق به دریافت شش جایزه اسکار شد. دنی ویلنوو، کارگردان این فیلم، با بهره‌گیری از سبک خلاقانه‌ای در استفاده از عناصر زیبایی‌شناختی، ترکیب رنگ‌های چشم‌نواز، خلق تصاویری از آینده‌ای تخیلی، طراحی مناظر فضایی، موسیقی تأثیرگذار، مهندسی صدای پیشرفته و بازی‌های شگفت‌انگیز، اثری ماندگار خلق کرده است. در مرکز داستان، شخصیتی به نام پل از خاندان آتردیس قرار دارد که نتیجه اصلاح نژادی فرقه بنی جزیریت است. او در بین فرمان‌ها، که به عنوان نمادی از جوامع مسلمان شناخته می‌شوند، به لقب‌هایی چون مهدی و لسان الغیب شناخته می‌شود. در ابتدا، روایت فیلم و شخصیت‌پردازی پل این تصور را در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند که او همان موعودی است که در سنت‌های دینی وعده داده شده است. اما با پیشرفت داستان، پرده از حقیقت دیگری برداشته می‌شود؛ پل با دستیابی به قدرت و نفوذ بر فرمان‌ها، از نقش موعود رهایی بخش فاصله گرفته و به یک ضدمنجی تبدیل می‌شود. بر اساس دیدگاه منتقدان، این فیلم برخلاف انتظار رایج از ژانرهای حماسی و قهرمان‌محور، به شکلی نوآورانه، روایتی ضدمنجی و ضدابرقهرمانی ارائه می‌دهد. دنی ویلنوو، با الهام از جهان‌بینی فرانک هربرت، نویسنده رمان تل ماسه، تلاش کرده است تا تصویری از یک «مسیح‌ای انسانی» به نمایش بگذارد که فراتر از ایده‌آل‌های کلیشه‌ای منجی است. نگارنده در این مقاله، با به‌کارگیری روش تحلیل محتوا، به بررسی عمیق موضوعات محوری فیلم پرداخته و تأثیرگذاری مفاهیم دینی، فلسفی و فرهنگی آن را مورد واکاوی قرار داده است.

کلمات کلیدی

سینما، موعودباوری، مهدی، منجی، لسان الغیب، تل ماسه، اسلام، مسیحیت.

۱. استادیار گروه معارف اسلامی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

فیلم به عنوان رسانه‌ای پویا و مؤثر، نقشی فراتر از ابزار سرگرمی ایفا می‌کند. این رسانه، همچون منبر و موعظه و حتی در بسیاری موارد مؤثرتر از آن، می‌تواند بستری برای انتقال مفاهیم دینی، اجتماعی و فلسفی فراهم آورد. تفاسیر الاهیاتی که فیلم‌ها ارائه می‌دهند، به دلیل ماهیت بصری و داستان‌سرایی قوی، برای مدت‌ها در ذهن مخاطب باقی می‌مانند. این پدیده چالشی برای نهادهای دینی محسوب می‌شود، چراکه مرجعیت انحصاری خود در تفسیر آموزه‌های دینی را در معرض تهدید می‌بینند. سینما، با خلق جهانی خیالی که تنها ذهن انسان توان ورود به آن را دارد، ابزاری قدرتمند برای بازنمایی مفاهیمی پیچیده است. پویایی سینما و توانایی بی‌حد و مرزش در بازآفرینی زمان، مکان و حرکت، آن را به رسانه‌ای چندبعدی بدل کرده است. سینما نه تنها رسانه‌ای اجتماعی، تاریخی، و صنعتی است، بلکه ابعاد فناورانه، زیباشناختی، روان‌شناختی و حتی الاهیاتی دارد. قدرت سینما در قصه‌گویی و استفاده از فناوری‌های پیشرفته، مانند جلوه‌های ویژه، امکان تصویرسازی مفاهیم ماورایی و خیال‌انگیز را فراهم می‌آورد. (گودرزوند، ۱۴۰۲)

یکی از موضوعاتی که همواره توجه فیلم‌سازان را به خود جلب کرده، مفهوم منجی و مضامین آخرالزمانی است. تاریخ هالیوود نشان می‌دهد که از دهه ۱۹۵۰ تاکنون، بیش از ۱۷۰ فیلم با محوریت آخرالزمان و رستگاری تولید شده است. در این آثار، تصویری که از منجی ارائه می‌شود، به طور قابل توجهی از آموزه‌های سنتی و دینی فاصله گرفته و به سمت روایتی سکولار و انسانی گرایش پیدا کرده است. در نسخه‌های جدید، رستگاری بشر نه از طریق راه‌حل‌های آسمانی و آموزه‌های کتاب مقدس، بلکه از طریق راه‌حل‌هایی زمینی، غیرآسمانی و توسط یک منجی سکولار تحقق می‌یابد.

مقاله حاضر به نقد و بررسی فیلم جنجال‌برانگیز تل‌ماسه یک و دو، ساخته دنی ویلنوو، می‌پردازد. ویلنوو، کارگردانی مطرح در عرصه سینما، کارنامه‌ای درخشان در ساخت فیلم‌های موفق دارد. او با فیلم کوتاه طبقه بعدی جایزه بهترین فیلم کوتاه جشنواره فیلم کن را کسب کرد و با فیلم ویران شده نامزد اسکار بهترین فیلم غیرانگلیسی شد. از سال ۲۰۱۳، ویلنوو با ساخت آثاری چون زندانیان و دشمن وارد سینمای آمریکا شد و توجه منتقدان را به خود جلب کرد. فیلم‌های سیکاریو، ورود و بلید رانر ۲۰۴۹، که بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷ ساخته شدند، جایگاه او را در سینمای جهان تثبیت کردند و فیلم ورود نامزدی اسکار بهترین کارگردانی را برایش به ارمغان آورد.



مجموعه‌های فیلم‌های دوگانه تل ماسه ۱ و ۲ (۲۰۲۲-۲۰۲۴)

فیلم تل ماسه، یکی از برندگان شاخص جوایز اسکار ۲۰۲۲، با بهره‌گیری از توانایی‌های علمی-تخیلی ویلنوو موفق به کسب شش جایزه اسکار شد. در این فیلم، هانس زیمر آهنگساز برجسته، دومین اسکار خود را دریافت کرد و همچنین گریگ فریزر (فیلم‌برداری)، جو واکر (تدوین)، و پاتریس ورم (طراحی صحنه) اولین اسکارهای خود را کسب کردند.

تل ماسه اقتباسی است از رمان مشهور فرانک هربرت که در سال ۱۹۶۳ منتشر شد. این رمان که با افزودن بخش دوم تحت عنوان مسیح تل ماسه در سال ۱۹۶۵ کامل شد، به اثری ماندگار در ژانر علمی-تخیلی تبدیل گشت. هربرت بیست سال از عمر خود را صرف نگارش مجموعه شش جلدی تل ماسه کرد. پس از درگذشت او، پسرش این مجموعه را با افزودن دو جلد دیگر کامل کرد. این رمان به دلیل تأثیرپذیری گسترده از فرهنگ‌های خاورمیانه‌ای و اسلام، اثری منحصر به فرد در ژانر علمی-تخیلی محسوب می‌شود و بسیاری آن را یکی از برترین داستان‌های این ژانر می‌دانند. تاکنون چهار اقتباس سینمایی و تلویزیونی از تل ماسه انجام شده است. اولین اقتباس در سال ۱۹۷۵ به کارگردانی الخاندرو جودوروفسکی ساخته شد. سپس در سال ۱۹۸۴، دیوید لینچ نسخه دیگری از آن را به روی پرده برد که با شکست تجاری و نقدهای منفی روبه‌رو شد. دو مینی سریال تحت عنوان‌های تل ماسه و فرزندان تل ماسه در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۳ تولید شدند که با موفقیتی نسبی همراه بودند. آخرین و موفق‌ترین اقتباس، در سال ۲۰۲۲ به کارگردانی دنی ویلنوو ساخته شد. بر اساس نظر منتقدان، دشواری اقتباس از رمان هربرت، که به دلیل پیچیدگی و استفاده گسترده از نمادها و سمبل‌ها مشهور است، سبب شده بود تا این اثر «غیر قابل اقتباس» خوانده شود. اما ویلنوو، پس از دو دهه، توانست این چالش را به سرانجام رسانده و اقتباسی موفق ارائه دهد که هم از نظر هنری و هم تجاری مورد تحسین قرار گرفت.

روایت فیلم تل ماسه

فیلم تل ماسه داستانی حماسی و پیچیده را در سال ۱۰۱۹۱ میلادی روایت می‌کند؛ یعنی بیش از ۲۱ هزار سال در آینده. جهان فیلم بر چهار طایفه اصلی استوار است: خاندان آتریدیس، خاندان هارکونن، امپراتور کهکشان، و فرمان‌ها. هر یک از این طوایف در سیارات جداگانه‌ای زندگی می‌کنند. سیاره آراکیس، محل زندگی فرمان‌ها، مرکز داستان است. آراکیس سرزمینی خشک و بیابانی است که ارزشمندترین ماده در جهان؛ یعنی اسپایس، از آن استخراج می‌شود. اسپایس ماده‌ای استراتژیک که نه تنها طول عمر را افزایش می‌دهد،

بلکه امکان سفرهای بین سیاره ای را فراهم می‌کند. به همین دلیل، جنگ‌ها و رقابت‌ها بر سر کنترل این ماده ارزشمند در جریان است. هر چهار طایفه در انتظار ظهور یک منجی هستند. فرمان‌ها، این منجی را «مهدی» یا «لسان‌الغیب» می‌نامند و او را کسی می‌دانند که نجات بخش جهان و پایان دهنده ظلم و ستم خواهد بود.

خطر و خیانت

دوک لتو آتریدیس، رهبر خاندان آتریدیس، با محبوبیت فراوانش در میان قبایل و مردمان، به تهدیدی جدی برای امپراتور تبدیل می‌شود. امپراتور که با خاندان هارکونن هم‌پیمان است، به این خاندان دستور می‌دهد آتریدیس‌ها را نابود کنند. از سوی دیگر، برای از بین بردن کامل آتریدیس، امپراتور آنان را وادار می‌کند به آراکیس نقل مکان کنند و به ظاهر اداره سیاره را بر عهده گیرند، اما در پشت پرده، حمله‌ای همه‌جانبه از سوی هارکونن‌ها طراحی می‌شود. جسیکا، معشوقه دوک و مادر پسرش پل، یکی از اعضای فرقه اسرارآمیز بنی جزیریت است. این فرقه که تنها اعضای زن دارد، هزاران سال است که با دست‌کاری ژنتیکی و برنامه‌ریزی دقیق در تلاش است تا منجی پیشگویی شده را به دنیا بیاورد. جسیکا، برخلاف دستور فرقه که او را موظف به داشتن فرزند دختر کرده بود، پسری به دنیا می‌آورد به امید اینکه پل همان منجی موعود باشد. در ادامه، جسیکا از رهبر روحانی فرقه می‌خواهد پل را آزمایش کند. این آزمایش شامل مواجهه با دستگاهی است که تنها انسان‌های ویژه می‌توانند از آن جان سالم به در ببرند. پل از این آزمون سخت سربلند بیرون می‌آید و جسیکا امیدوار می‌شود که او همان منجی پیش‌گویی شده است. (Abbate, 2022)

با ورود خاندان آتریدیس به آراکیس، پل و جسیکا با فرمان‌ها روبه‌رو می‌شوند. فرمان‌ها، که چشمانی آبی‌رنگ و پوشش خاصی برای حفظ آب بدنشان دارند، با دیدن پل، او را لسان‌الغیب می‌خوانند و در وجودش نشانه‌های منجی را می‌بینند. دوک لتو، در تلاش برای متحد کردن فرمان‌ها و مقابله با هارکونن‌ها، آداب و رسوم آن‌ها را محترم می‌شمارد و سعی می‌کند اعتمادشان را جلب کند. اما استیلاگارد، رهبر فرمان‌ها، پیشنهاد اتحاد او را نمی‌پذیرد. خیانت پزشک خاندان آتریدیس، دکتر یوئه، منجر به کشته شدن دوک لتو و تسلط هارکونن‌ها بر آراکیس می‌شود. پل و جسیکا اسیر می‌شوند اما جسیکا با استفاده از توانایی صوتی ویژه‌ای که از فرقه بنی جزیریت آموخته است، نگهبانان را وادار به آزاد کردن خود می‌کند و همراه پل فرار می‌کند.



پناهگاه فرمان‌ها و نمادهای اسلامی

پل و جسیکا به کمک دانکن و دکتر کینز به پناهگاه فرمان‌ها می‌رسند. در این پناهگاه، که فضایی شبیه به مسجد دارد، فرمان‌ها با لباس‌هایی شبیه به پوشش عرب‌های بادیه‌نشین در حال عبادت و تلاوت قرآن دیده می‌شوند. آن‌ها با دیدن پل نجوا می‌کنند که آیا او همان مهدی موعود است؟ این لحظه، اولین جایی است که نام «مهدی» در فیلم آورده می‌شود. نیروهای امپراتور متوجه حضور آن‌ها می‌شوند و به پناهگاه حمله می‌کنند. دانکن و دکتر کینز جان خود را فدا می‌کنند تا پل و جسیکا بتوانند فرار کنند. در فرار خود، پل و جسیکا با کرم‌های عظیم‌الجثه شنی مواجه می‌شوند که با شنیدن صداهای ریتم‌دار به‌سوی صاحب صدا حمله‌ور می‌شوند. این کرم‌ها، که قطری بالغ بر ۴۰۰ متر دارند، نمادی از طبیعت وحشی و غیرقابل کنترل آراکس هستند. پل و جسیکا در نهایت به گروه فرمان‌ها به رهبری استیلگارد می‌پیوندند. در اینجا پل برای اولین بار با چانی، دختری از فرمان‌ها که پیش‌تر در رویاهایش دیده بود، ملاقات می‌کند. چانی در دیدار نخست می‌گوید: «همه معتقدند تو مهدی هستی، اما بیشتر شبیه یک پسر بچه‌ای». در ادامه، پل در مراسمی آئینی مجبور به دوئل با جامیس، یکی از مبارزان باتجربه فرمان‌ها، می‌شود. او در نبردی نفس‌گیر جامیس را شکست داده و می‌کشد. این پیروزی باعث می‌شود فرمان‌ها با او بیعت کنند و یقین بیشتری به منجی بودن او پیدا کنند. این نقطه، آغاز مسیر پل برای تبدیل شدن به رهبر فرمان‌ها و مواجهه با چالش‌های بزرگ‌تر است. با این حال، تردیدهایی در دل داستان باقی می‌ماند: آیا پل همان منجی واقعی است یا صرفاً ابزاری در دست قدرت‌های بزرگ؟

تحلیل روایی فیلم تل‌ماسه

فیلم تل‌ماسه، اثری چندژانری است که با تکیه بر مضامین علمی-تخیلی، اسطوره‌ای و فلسفی، مفاهیمی فراتر از یک روایت سرگرم‌کننده را به مخاطب عرضه می‌کند. این فیلم، علاوه بر جذابیت بصری و داستانی، بستری است برای تحلیل‌های عمیق درباره استعمار، منجی‌گرایی، و نقد ساختارهای قدرت. در ادامه، جنبه‌های مختلف فیلم از منظر روایی، زیبایی‌شناسی، و مفاهیم فلسفی بررسی می‌شود.

۱. ژانر و روایت داستانی: تل‌ماسه را می‌توان اثری با ژانرهای متقاطع درام، اکشن، ماجراجویی، و علمی-تخیلی دانست که در عین حال، روایتی تاریخی و اسطوره‌محور دارد:

زمان و مکان: هرچند داستان در آینده‌ای دور روایت می‌شود، فیلم بیشتر بر انسانیت، سنت‌ها، و کهن‌الگوهای اساطیری متمرکز است تا فناوری‌های پیچیده. غیاب ربات‌ها و تمرکز بر مناسبات اجتماعی، دینی و سیاسی در این جهان، احساس مواجهه با یک جامعه باستانی در بستری آینده‌نگرانه را القا می‌کند.

ساختار روایی: فیلم داستان رقابت سه قدرت بزرگ، خاندان آتریدیس، خاندان هارکونن، و امپراتور کهکشانی برای کنترل سیاره آراکیس و منابع ارزشمند آن (اسپایس) را روایت می‌کند. در این میان، شخصیت اصلی، پل آتریدیس، به عنوان یک منجی پیشگویی شده، درگیر سرنوشت خود و تحولات سیاسی و اجتماعی پیرامونش می‌شود.

۲. تحلیل زیبایی‌شناسی: ویلنوو در فیلم تل‌ماسه از عناصر بصری برای القای مفاهیم عمیق داستانی استفاده می‌کند:

طراحی صحنه و لباس: طراحی لباس‌های فرم‌ها با الهام از سنت‌های بادیه‌نشینی و تطابق با شرایط سخت بیابان، پیوندی ملموس میان داستان و واقعیت ایجاد کرده است. لباس‌های سرد و فلزی خاندان هارکونن و امپراتور، در تقابل با رنگ‌های گرم و خاکی فرم‌ها، به خوبی تنش میان فرهنگ‌ها و طبقات اجتماعی را نشان می‌دهد.

رنگ و نورپردازی: استفاده از رنگ‌های گرم برای سیاره آراکیس و نور شدید خورشید، حس خشونت و خطر محیط را تقویت می‌کند. در مقابل، سیارات هارکونن و امپراتور با رنگ‌های سرد و طراحی‌های صنعتی، نمایانگر بی‌روحي و تسلط ماشین‌وار هستند. فضاسازی محیطی: نمایش کشتی‌ها و ساختمان‌های غول‌پیکر در دل مناظری گسترده، تلاش برای بیان کوچک بودن انسان در برابر طبیعت و تاریخ است.

۳. تحلیل استعاره‌ای و نمادین: تل‌ماسه از نمادها و استعاره‌های متعددی برای پرداخت مفاهیم اجتماعی و سیاسی استفاده می‌کند:

آراکیس و اسپایس: سیاره آراکیس به عنوان منبع اصلی اسپایس، نمایانگر خاورمیانه و منابع نفتی آن است. اسپایس نماد وابستگی تمدن‌ها به منابع طبیعی است و رقابت برای کنترل آن، بازتاب استعمارگری و منازعات تاریخی قدرت‌های جهانی است.

فرم‌ها: فرم‌ها نماد جوامع ستم‌دیده و استعمارزده هستند که در عین مقاومت، با استفاده از اسطوره‌ها و باورهای دینی تلاش می‌کنند هویت و بقای خود را حفظ کنند.

بنی جزیریت: این سازمان مادرسالارانه که با مهندسی ژنتیک و کنترل باورها، منجی‌گرایی را

تقویت می‌کند، نمادی از نهادهای قدرتی است که با استفاده از مذهب و اسطوره، جوامع را تحت سلطه نگه می‌دارند.

آب به عنوان نماد زندگی: در فرهنگ فرمن‌ها، آب مقدس‌ترین دارایی است. صحنه‌هایی چون ریختن آب دهان استیلگارد در برابر دوک، نشان دهنده اهمیت این عنصر است.

۴. نقد منجی‌گرایی: یکی از لایه‌های اصلی فیلم، نقد منجی‌گرایی است. پل آتریدیس که به عنوان لسان‌الغیب و منجی پیشگویی شده معرفی می‌شود، به مرور از شخصیت یک قهرمان نجات‌بخش فاصله می‌گیرد و تبدیل به نمادی از پیامدهای فاجعه‌بار قدرت‌های کاریزماتیک می‌شود. ایده موعودگرایی و منجی در فیلم، ساخته و پرداخته بنی‌جزیریت است که با استفاده از باورهای فرمن‌ها، تلاش می‌کنند قدرت خود را تحکیم کنند. این مفهوم، نقدی آشکار به ایده‌های مذهبی و سیاسی درباره منجی در فرهنگ‌ها و ادیان مختلف است. رویاهای پل که روایت داستان را پیش می‌برند، نه تنها وحی‌گونه، بلکه هشداردهنده‌اند. این رویاها از آینده‌ای تاریک حکایت دارند که پل ناخواسته آن را رقم می‌زند.

برای روشن شدن هدف هربرت از نگارش رمان تل‌ماسه، اشاره‌ای مختصر به مصاحبه‌های او درباره رمانش خواهد شد. در مصاحبه‌ای مجری از هربرت می‌پرسد پیام کتاب تو چیست؟ هربرت پاسخ می‌دهد: «انگیزه اولیه هر رمان علمی تخیلی ایجاد سرگرمی برای مخاطب است. اما در واقع با نگارش کتاب در صدد بیان این واقعیت بودم که فکر نکنید همیشه رهبران، کار درست را انجام می‌دهند. من تلاش کردم یک رهبر خلق کنم با شخصیتی جذاب و کاریزماتیک و با نیتی خیرخواهانه، سپس با قدرتی که به دست می‌آورد و تصمیماتی که برای میلیون‌ها نفر می‌گیرد، نتیجه فاجعه‌باری رقم می‌زند. رهبران انسانند و گاه اشتباه می‌کنند و به اندازه تعداد انسان‌هایی که او را دنبال می‌کنند، آن اشتباه بزرگ می‌شود. تمام رهبران باید مورد پرسش قرار گیرند. انسان برای نجات خود به منجی نیاز ندارد، در هر دینی که باشد، پس ناجی‌ای وجود ندارد. آیا پل به مردم آراکیس کمک می‌کند؟ قطعاً نه. پل به فرمن‌ها کمک می‌کند تا آراکیس را به سرزمینی سرسبز تبدیل و فرمن‌ها نیز کاملاً از او تبعیت می‌کنند. اما پل شیوه زندگی فرمن‌ها را تغییر می‌دهد. موجب کاهش جمعیت آن‌ها شده و جنگ و وحشت به بار می‌آورد.» این جمله هربرت را می‌توان در صحنه‌ای از فیلم نیز مشاهده نمود، آنجا که چانی دختری از فرمن‌ها با خارج شدن هارکونن‌ها از آراکیس می‌گوید: «ستمگران بعدی سرزمین ما چه کسانی خواهند بود؟» (Asher, 2022)

هربرت در جایی دیگر می‌گوید: «من در این کتاب، سندروم ابرقهرمانی و منجی باوری و مشارکت مردم باورمند را به تصویر کشیده‌ام. تل ماسه توصیف روشنی است به بی‌اعتمادی به منجی، ابرقهرمان و رهبرانی که توده‌های مردم را تحت تاثیر قرار می‌دهند.» پل آتریدیس تبدیل به یک خدا می‌شود و مردم خود را به نام مذهب به ورطه نابودی می‌کشاند. روشن است که روایت فیلم نقدی بر منجی باوری است. تصمیم هربرت برای تبدیل کردن پل به مهدی فرم‌ها، امری اتفاقی نیست. او در صدد بیان آن است که مهدی موعود نیز زائیده ذهن مسلمانان برای تسکین ظلم‌هایی است که در طول تاریخ بدان‌ها روا داشته شده است.

هربرت در ۱۹۸۰ در مجله Omni می‌نویسد: «می‌خواهم با آشوب منجی‌گرایی که به گونه‌ای دوره‌ای ما را احاطه کرده است، مقابله کنم. عوام فریبی، تعصب، تماشاچیان نه چندان بی‌گناه همه در این درام نقش دارند. ابرقهرمان‌ها و منجی‌ها برای نوع بشر فاجعه بار هستند. اگر یک قهرمان واقعی پیدا کنیم (هر که باشد)، در نهایت انسان‌های فانی خطاپذیر، ساختارهای قدرت را که همیشه در اطراف چنین رهبری هستند تسخیر می‌کنند.» (Tengyue, 2022) در نهایت می‌توان گفت منجی در روایت هربرت و ویلنوو فانی و خطاپذیر و انسانی عادی است و فردی الاهی نیست. ویلنوو تحت تاثیر رمان هربرت سعی داشته «مسیحایی انسانی» به تصویر بکشد. (Marano, 2021)

الف) پائول آتریدیس: منجی یا موعود طراحی شده؟

پائول آتریدیس به عنوان شخصیت محوری داستان، در جایگاه یک منجی قرار می‌گیرد که پیش‌گویی‌ها درباره او در میان فرم‌ها (بومیان آراکیس) شایع شده است. این پیش‌گویی‌ها تا حد زیادی نتیجه دست‌کاری‌های سازمان مذهبی - سیاسی بنی جزیریت است که باورهای دینی فرم‌ها را برای رسیدن به اهداف خود طراحی و هدایت کرده‌اند. ویژگی‌های پائول که او را به یک موعود دینی تبدیل می‌کند عبارت‌اند از:

توانایی پیش‌بینی آینده: پائول از طریق «اسپایس» به قدرت‌هایی دست می‌یابد که به او امکان می‌دهند آینده را پیش‌بینی کند. این ویژگی یادآور نقش‌های پیامبرانه در بسیاری از ادیان است. رهبری معنوی و سیاسی: او علاوه بر رهبری نظامی، به عنوان رهبر معنوی فرم‌ها عمل می‌کند، چیزی که یادآور تلفیق دین و سیاست در تاریخ است.

سرنوشت موعودگونه: پائول از طریق پیش‌گویی‌ها و باورهای فرم‌ها به موعود آنان تبدیل می‌شود، اما به تدریج درمی‌یابد که این نقش با مسئولیت‌های سنگینی همراه است که ممکن

است به فجایی ناخواسته منجر شود.

تل ماسه و مهدی موعود

در فیلم تل ماسه و کتاب‌های اصلی نوشته‌ی فرانک هربرت، اشاره مستقیمی به مهدی موعود شیعیان به معنای اسلامی آن وجود ندارد، اما الهاماتی از مفهوم منجی و موعودگرایی در فرهنگ‌های مختلف، از جمله مفاهیم آشنا در اسلام و به ویژه تشیع، به وضوح دیده می‌شود. هربرت هنگام نگارش تل ماسه از عناصر مذهبی و فرهنگی بسیاری الهام گرفت که برخی از آنها، عمداً یا به شکل ضمنی، به ایده‌های اسلامی شباهت دارند.

تأثیرات فرهنگ اسلامی و ایده‌های مرتبط با منجی‌گرایی

در دنیای تل ماسه، استفاده از واژه‌ها و اصطلاحاتی با ریشه‌ی عربی و اسلامی کاملاً آشکار است. برای مثال، نام سیاره «آراکیس» و کلمات دیگری مانند «مهدی» و «جهاد» به نوعی اشاره به مفاهیم فرهنگی و دینی منطقه‌ای دارند که از کشورهای خاورمیانه و اسلام الهام گرفته‌اند. همچنین، شخصیت پل آتریدیس به عنوان منجی و موعود برای مردم فریمن‌ها تا حدی یادآور تصویر منجی موعود در فرهنگ اسلامی و شیعی است که قرار است عدالت و آزادی را بازگرداند. شباهت‌ها و تفاوت‌ها با مهدی موعود شیعیان: در مذهب تشیع، مهدی موعود (حضرت مهدی علیه السلام) به عنوان منجی‌ای شناخته می‌شود که با ظهورش جهان را از ظلم و ستم نجات می‌دهد و عدالت را برقرار می‌سازد.

برخی ویژگی‌های پل آتریدیس، مانند هدایت مردم فریمن‌ها برای مقاومت علیه امپراتوری و آوردن امید به آن‌ها، تا حدودی با نقش مهدی در مذهب شیعه شباهت دارد. اما باید توجه داشت که تل ماسه به طور مستقیم به حضرت مهدی شیعیان اشاره نمی‌کند و داستان آن بیشتر به گونه‌ای فلسفی و عمومی به موضوع منجی‌گرایی و پیامدهای قدرت می‌پردازد. پل آتریدیس اگرچه مانند یک منجی رفتار می‌کند و فریمن‌ها او را به عنوان موعود خود می‌پذیرند، اما خودش نیز دچار تردیدها و چالش‌های زیادی است و داستان او پیچیده‌تر از شخصیت‌های مذهبی سنتی است. برخلاف مهدی موعود که نقشش در برقراری عدالت مطلق است، شخصیت پل با تضادها و جاه‌طلبی‌های درونی خودش نیز درگیر است، و خطرات احتمالی ناشی از قدرت او نیز یکی از محورهای داستان است. (Cruasberg, 2015)

تحلیل الاهیات و دینی فیلم تل ماسه

فیلم‌های تل ماسه ۱ و تل ماسه ۲ که اقتباسی سینمایی از رمان علمی-تخیلی فرانک هربرت هستند، به طور عمیق با مفاهیم دینی، مذهبی و الاهیاتی در ارتباط‌اند. داستان فیلم به شکلی ماهرانه، مفهوم موعودگرایی، پیشگویی‌ها و رهبری دینی را در قالب داستانی علمی-تخیلی ارائه می‌دهد که به تحلیل‌های دینی و فلسفی زیادی دامن می‌زند. در این تحلیل، سعی می‌کنیم که جنبه‌های دینی و الاهیاتی این فیلم‌ها را بررسی کنیم و به چگونگی بازتاب مفاهیم مذهبی در داستان و شخصیت‌ها بپردازیم.

۱. موعودگرایی و دین در تل ماسه

یکی از محوری‌ترین مفاهیم دینی و الاهیاتی که در تل ماسه ۱ و تل ماسه ۲ مورد توجه قرار می‌گیرد، موعودگرایی است. در دنیای تل ماسه، شخصیت اصلی، پائول آتریدیس، به طور ضمنی به عنوان یک موعود دینی شناخته می‌شود. او به عنوان یک پیشوای دینی و سیاسی معرفی می‌شود که قدرت پیشگویی و هدایت مردم را در خود دارد.

الف) پائول و جایگاه موعود: پائول آتریدیس با ویژگی‌هایی چون توانایی پیش‌بینی آینده، قدرت رهبری و ارتباط با نیروهای ماورایی به عنوان یک موعود دینی در داستان ظهور می‌کند. مفهوم «موعود» در ادیان مختلف، به ویژه در مسیحیت، اسلام و یهودیت، به فردی اطلاق می‌شود که قرار است دنیا را نجات دهد و عدالت را برقرار کند. پائول در فیلم تل ماسه دقیقاً در چنین موقعیتی قرار دارد؛ او به عنوان فردی که سرنوشت مردم بیابانی آراکیس به او وابسته است، باید نقش رهبر نجات‌دهنده را ایفا کند. پائول در طول داستان به این باور می‌رسد که سرنوشت او این است که دنیا را تغییر دهد و در این مسیر، به طور فزاینده‌ای با قدرت‌های دینی و مذهبی درگیر می‌شود. او، به عنوان یک پیشوای دینی، نه تنها باید در جنگ‌های سیاسی پیروز شود، بلکه باید تغییرات اساسی در جامعه‌اش ایجاد کند. در واقع، پائول به یک نماد از رستگاری و تغییر جهان تبدیل می‌شود که با مفاهیم دینی زیادی هم‌راستا است. (Greer, 2011)

ب) دین و سیاست در تل ماسه: در تل ماسه، رابطه دین و سیاست به طور جدی بررسی می‌شود. در دنیای تل ماسه، سیاست و دین به طور نامحسوس و پیوسته در هم تنیده‌اند. خاندان آتریدیس، که پائول عضو آن است، با توجه به ویژگی‌های مذهبی و سیاسی‌اش، به طور خاص در برابر خاندان‌های دیگر قرار می‌گیرد. در این داستان، Spice که یک منبع حیاتی و

مقدس است، علاوه بر اینکه ارزش اقتصادی بالایی دارد، در واقع به عنوان عنصری دینی و معنوی در نظر گرفته می‌شود. این ماده که تأثیرات معنوی بر کاربران خود دارد، مشابه به مفاهیم قدسی و تقدس در بسیاری از دین‌ها است. این سیستم سیاسی و مذهبی که در آن قدرت از طریق موعودگرایی و معنویت به دست می‌آید، نقدی است به چگونگی استفاده از مفاهیم دینی برای ایجاد و حفظ سلطه. از این رو، دین در تل ماسه نه تنها عامل معنوی بلکه ابزاری برای کنترل و قدرت است.

۲. مفاهیم الاهیاتی در فیلم تل ماسه

یکی از جنبه‌های برجسته در فیلم‌های تل ماسه، حضور فلسفه‌های مذهبی و الاهیاتی مختلف است که در قالب ساختارهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی فیلم تجلی می‌یابند.

الف) تقدیر و اراده آزاد: در بسیاری از بخش‌های تل ماسه یک و تل ماسه دو، سوالات فلسفی بزرگی در مورد تقدیر و اراده آزاد مطرح می‌شود. پائول از زمانی که متوجه می‌شود یک موعود است، به طور فزاینده‌ای با مفهوم «تقدیر» روبه‌رو می‌شود. او باید تصمیم بگیرد که آیا باید سرنوشت خود را به طور کامل بپذیرد یا اینکه تلاش کند مسیر دیگری را برای زندگی خود برگزیند. این درگیری درونی میان پذیرش تقدیر و حفظ اراده آزاد، به ویژه در فیلم تل ماسه دوم برجسته‌تر می‌شود. در این فیلم‌ها، پائول با قدرت‌های ماورایی‌ای مواجه می‌شود که او را به سمت تغییر سرنوشت می‌برند. اما در عین حال، او باید تصمیمات اخلاقی و انسانی پیچیده‌ای بگیرد که نشان‌دهنده مرز میان اراده آزاد و تقدیر است. این تضاد با مفاهیم مذهبی کلاسیک مثل «اختیار انسان» و «اراده الهی» در بسیاری از دین‌ها هماهنگ است. این فیلم به طور خاص به چالش‌های اخلاقی و دینی انسان در مواجهه با سرنوشت و موعود پرداخته است. (Garsia, 2016)

ب) تأثیر ایمان و رهبری دینی: یکی از جنبه‌های اساسی فیلم‌های تل ماسه در دنیای دینی و الاهیاتی آن، اهمیت ایمان است. در این دنیای بیابانی، مردم به طور گسترده‌ای به قدرت‌های فراطبیعی ایمان دارند و این ایمان به رهبری دینی و پیشگویی‌ها شکل می‌دهد. مردم آراکس به دنبال یک رهبر هستند که آنها را از ظلم و فساد نجات دهد و پائول خود را به عنوان موعود آنها معرفی می‌کند. این ایمان به موعود، نه تنها به دنیای اجتماعی و سیاسی اثر می‌گذارد، بلکه بُعد روحانی و دینی نیز دارد. پائول، با پذیرش مسئولیت‌های خود به عنوان موعود، باید نه تنها در میدان جنگ پیروز شود، بلکه باید روحیه مردم را نیز هدایت کند و آنها

را به یک جامعه دینی و معنوی رهنمون سازد.

ج) دین به عنوان ابزار قدرت: همان طور که در داستان های مذهبی و فلسفی دیده می شود، دین به عنوان ابزاری برای قدرت در تل ماسه نیز نقشی کلیدی ایفا می کند. خانواده ها و گروه های مختلف در این فیلم ها از دین به عنوان ابزاری برای تحکیم قدرت خود استفاده می کنند. این تصویر از دین به عنوان ابزاری برای سلطه، نقدی است به چگونگی سوء استفاده از مفاهیم مذهبی در دنیای واقعی.

۳. رستگاری و تغییر در تل ماسه

در نهایت، سوال اساسی فیلم های تل ماسه که به نوعی به تحلیل های دینی و الاهیاتی مربوط می شود، مفهوم رستگاری و تغییر است. پائول نه تنها باید سرنوشت خود را پذیرفته و به رهبری دینی تبدیل شود، بلکه باید جهان را از ظلم و فساد نجات دهد. این نقش او مشابه به شخصیت های دینی و پیامبران در بسیاری از مذاهب است که به مردم بشارت می دهند و مسیر رستگاری را نشان می دهند. (King, 2021)

فیلم های تل ماسه در لایه های مختلف خود، مفاهیم دینی و الاهیاتی عمیقی را مطرح می کنند. از موعودگرایی و پیشگویی ها گرفته تا قدرت دین در شکل دهی به سیاست و جامعه، این فیلم ها ابزاری قدرتمند برای بررسی چگونگی تاثیرگذاری دین بر سرنوشت انسان ها و جوامع هستند. آنچه در این داستان ها به ویژه برجسته است، درگیری درونی شخصیت اصلی (پائول) با مفاهیم اخلاقی، دینی و فلسفی است که در نهایت او را به موعود تبدیل می کند و سرنوشت دنیای بیابانی را تغییر می دهد.

نقد پنهان یا بازتاب مفاهیم دینی؟

اگرچه تل ماسه به طور مستقیم نقدی بر موعودباوری ندارد، اما می تواند نقدی غیرمستقیم بر استفاده از مفاهیم موعودگرایانه برای کسب قدرت سیاسی و اجتماعی باشد. در داستان تل ماسه، پائول آتریدیس به عنوان یک موعود مورد تایید برخی از فرقه ها و گروه ها قرار می گیرد، اما به طور همزمان، به عنوان فردی که در پی تسلط بر قدرت و جنگ است، از مشکلات اخلاقی و معنوی رنج می برد. در این مسیر، او به سرنوشت هایی می رسد که نشان دهنده خطرات موعودگرایی و سوء استفاده از آن در زمینه های سیاسی و اجتماعی است. بنابراین، فیلم به نوعی می تواند به عنوان انتقادی به چگونگی استفاده از مفاهیم دینی و موعودگرایانه در دنیای واقعی،



مخصوصاً در سیاست و قدرت، مشاهده شود. در حقیقت، مفهوم رهبری مذهبی در تل ماسه نه تنها به عنوان یک امر معنوی و الهی، بلکه به عنوان ابزاری برای اعمال سلطه و تغییرات سیاسی به تصویر کشیده می‌شود. (Luie, 2012) فیلم تل ماسه به طور غیرمستقیم و از طریق داستان و شخصیت‌ها، به نقد و بررسی مفاهیم موعودگرایی و رهبری دینی پرداخته و پیچیدگی‌ها و خطرات استفاده از چنین باورهایی در دنیای واقعی را نشان می‌دهد.

۱. موعودگرایی و خطرات آن: در تل ماسه، مفهوم موعودگرایی به طور جدی و پیچیده به تصویر کشیده می‌شود. شخصیت اصلی فیلم، پائول آتریدیس، به عنوان یک فرد موعود شناخته می‌شود که قرار است مردم بیابانی آراکیس را از ظلم و فساد نجات دهد. این موعودگرایی نه تنها به رهبری سیاسی بلکه به رهبری دینی نیز دلالت دارد. اما چیزی که فیلم به آن توجه می‌کند، این است که موعودگرایی به طور مطلق نمی‌تواند راه حل همه مشکلات باشد. در حالی که پائول به عنوان یک موعود شناخته می‌شود، داستان نشان می‌دهد که مسیر او پر از تناقضات اخلاقی و سیاسی است. پائول به ویژه در تل ماسه دو، با مشکلات زیادی روبرو می‌شود و مجبور است تصمیمات دشوار و گاهی غم‌انگیزی بگیرد. این نشان‌دهنده این است که مفهوم موعودگرایی می‌تواند منجر به سوءاستفاده از قدرت و در نهایت به ایجاد مشکلات بیشتر شود.

۲. نقد موعودگرایی به عنوان ابزاری برای سلطه: در فیلم، این حقیقت که موعودگرایی می‌تواند به ابزاری برای سلطه تبدیل شود، یکی از نکات برجسته است. در دنیای تل ماسه، پیشگویی‌ها و باورهای مذهبی به ابزاری برای کنترل مردم تبدیل می‌شوند. گروه‌ها و فرقه‌های مختلف به دنبال بهره‌برداری از این باورها برای رسیدن به اهداف سیاسی و اجتماعی خود هستند. به عبارت دیگر، فیلم به خطرات استفاده ابزاری از موعودگرایی و دین به عنوان ابزاری برای کسب قدرت اشاره دارد. برای مثال، وقتی که مردم آراکیس به پائول به عنوان یک موعود نگاه می‌کنند، او به طور فزاینده‌ای به عنوان فردی که قرار است آنها را از ظلم نجات دهد شناخته می‌شود. اما در این فرآیند، او با فشارهای سیاسی و اخلاقی مواجه است که نه تنها او را به سمت تصمیمات سخت سوق می‌دهد، بلکه به تماشاگر این پیام را می‌دهد که باورهای دینی و موعودگرایانه در دنیای پیچیده سیاسی و اجتماعی می‌توانند به طور منفی اثرگذار باشند. (Reeves, 1999)

۳. پیچیدگی و مخالفت‌های درونی شخصیت‌ها: پائول آتریدیس خود نیز در درون خود با شک و تردید درباره نقش موعودگرایانه‌اش مواجه است. او می‌داند که مردم به او به عنوان یک موعود دینی نگاه می‌کنند، اما از همان ابتدا، او دچار تضادهای درونی است که او را به عنوان

یک شخصیت پیچیده و غیرقطعی معرفی می‌کند. این شک و تردیدهای پائول به طور ضمنی اشاره به این دارد که موعودگرایی تنها به عنوان یک مفهوم الهی و نجات بخش نیست و می‌تواند پیامدهای منفی، پیچیده و گاهی ویرانگر برای خود فرد و جامعه به همراه داشته باشد.

۴. تحلیل فیلم به عنوان نقد موعودباوری: در مجموع، فیلم تل ماسه به طور غیرمستقیم به تحلیل موعودگرایی می‌پردازد و جنبه‌های تاریک و پیچیده آن را بررسی می‌کند. فیلم از موعودباوری به عنوان یک ابزار قدرتمند (که می‌تواند به طور مثبت یا منفی استفاده شود) به تصویر می‌کشد. در این داستان، موعودگرایی بیشتر به عنوان یک مفهوم دینی و اجتماعی نقد می‌شود که می‌تواند در دنیای پیچیده سیاست و قدرت، به ابزاری برای سلطه و سوءاستفاده تبدیل شود. فیلم تل ماسه در پرداخت به موعودگرایی جنبه‌های مثبت و منفی مختلفی دارد که از طریق شخصیت‌ها و داستان فیلم به طور پیچیده‌ای به نمایش درمی‌آید:

جنبه‌های مثبت موعودباوری در تل ماسه

۱. امید به تغییر و نجات جامعه: یکی از جنبه‌های مثبت موعودگرایی که در تل ماسه دیده می‌شود، امید به نجات و تغییر است. پائول آتریدیس به عنوان موعود، نمادی از تغییر و نوید دنیای بهتر است. او قرار است مردم بیابانی آراکیس را از ظلم و فساد نجات دهد و با آمدن او، جامعه‌ای جدید و پر از امید برای آینده شکل خواهد گرفت. این جنبه، موعودگرایی را به عنوان نیرویی مثبت که می‌تواند باعث تغییرات اجتماعی و بهبود وضعیت مردم شود، نشان می‌دهد.

۲. ایجاد وحدت و همبستگی: در دنیای فیلم، مردم آراکیس به پائول به عنوان یک موعود نگاه می‌کنند، و این امر به ایجاد همبستگی و اتحاد میان آنها کمک می‌کند. برای بسیاری از مردم بیابانی که در وضعیت نابرابر و ظالمانه زندگی می‌کنند، ظهور پائول به عنوان موعود، امید به تغییر و عدالت اجتماعی می‌آورد. در نتیجه، این ایمان به موعود می‌تواند یک نیروی محرک قوی برای سازماندهی و اتحاد مردم در جهت یک هدف مشترک باشد.

۳. توجه به مفاهیم معنوی و اخلاقی: یکی دیگر از جنبه‌های مثبت موعودگرایی در فیلم، پیوند آن با مفاهیم معنوی و اخلاقی است. پائول، هرچند در دنیای واقعیت‌های سیاسی و جنگی گرفتار است، به طور مداوم به ارزش‌های اخلاقی، معنوی و دینی فکر می‌کند و در تلاش است تا تصمیماتش با اصول معنوی هم‌خوانی داشته باشد. این پیوند میان موعودگرایی و ارزش‌های اخلاقی می‌تواند به عنوان یک عامل مثبت در جهت پیشبرد اهداف انسان‌دوستانه در نظر گرفته شود.

جنبه‌های منفی موعودباوری در تل ماسه

۱. سوءاستفاده از ایمان مردم: یکی از جنبه‌های منفی موعودگرایی که در تل ماسه مطرح می‌شود، سوءاستفاده از ایمان مردم برای تحکیم قدرت است. در داستان، گروه‌ها و فرقه‌های مختلف از موعودگرایی به عنوان ابزاری برای به دست آوردن قدرت و سلطه استفاده می‌کنند. پائول آتریدیس، به عنوان فردی که به عنوان موعود شناخته می‌شود، ممکن است به طور ناخودآگاه تبدیل به ابزاری برای بهره‌برداری از این ایمان شود. این موضوع، نقدی است به چگونگی استفاده ابزاری از مفاهیم دینی و موعودگرایانه در سیاست و جنگ.

۲. بار سنگین مسئولیت‌ها و تناقضات اخلاقی: در حالی که موعودگرایی می‌تواند منبع امید باشد، در تل ماسه، این بار سنگین مسئولیت‌ها و تناقضات اخلاقی بسیاری را به همراه می‌آورد. پائول که در ابتدا یک فرد موعود به نظر می‌رسد، در طول داستان با مشکلات جدی اخلاقی مواجه می‌شود. او مجبور است تصمیماتی بگیرد که ممکن است به طور مستقیم منجر به خشونت، جنگ و حتی مرگ انسان‌ها شود. این نشان می‌دهد که ایمان به یک موعود می‌تواند گاهی فرد را در مسیر تصمیمات غیراخلاقی یا غیرانسانی قرار دهد.

۳. تصویر پیچیده و منفی از موعودگرایی در سیاست: یکی از نقدهای اصلی فیلم به چگونگی تبدیل موعودگرایی به یک ابزار برای سلطه سیاسی است. در دنیای تل ماسه، پائول به عنوان یک موعود، در نهایت به عنوان فردی قدرتمند و جنگجو ظهور می‌کند که می‌خواهد دنیای آراکیس را تحت کنترل خود درآورد. این نشان می‌دهد که موعودگرایی، اگر به طور نادرست یا به طور افراطی دنبال شود، می‌تواند به عنوان ابزاری برای تحمیل قدرت و ایجاد جنگ‌های بی‌پایان استفاده شود. این نگرش به موعودگرایی می‌تواند به طور ضمنی نقدی به چگونگی استفاده از موعودهای دینی برای اهداف سیاسی و سلطه‌طلبانه باشد.

در مجموع، فیلم تل ماسه هم جنبه‌های مثبت و هم جنبه‌های منفی موعودگرایی را به طور عمیق و پیچیده به نمایش می‌گذارد. از یک سو، موعودگرایی می‌تواند به عنوان یک نیروی مثبت برای تغییر و نجات جامعه و ایجاد امید در دل مردم عمل کند. از سوی دیگر، این باور می‌تواند به ابزاری برای سوءاستفاده از قدرت، تناقضات اخلاقی و تبدیل شدن به یک نیروی تخریبی در سیاست و جامعه بدل شود. این توازن در پرداخت به موعودگرایی در تل ماسه به فیلم عمق و پیچیدگی می‌بخشد و آن را از سادگی نقد و قضاوت صرف بر موعودگرایی فراتر می‌برد.

نتیجه‌گیری

فیلم تل‌ماسه به کارگردانی دنی ویلنوو، بدون تردید یکی از موفق‌ترین اقتباس‌ها از رمان فرانک هربرت به شمار می‌رود. ویلنوو توانسته با ترکیب هنرمندانه سنت و تکنولوژی، جهانی باورپذیر، عمیق و چندلایه خلق کند که هم جذابیت بصری دارد و هم محملی است برای پرسش‌های فلسفی و اجتماعی. روایت فیلم داستان پسر جوانی به نام پل آتریدیس است که تداعی‌گر منجی در ادیان گوناگون است. شخصیت کاریزماتیک و آینده‌نگر او، در کنار رؤیاهایی که به حقیقت می‌پیوندند، زمینه‌ساز باور فرمن‌ها به او به عنوان موعود است. اما همان‌طور که در خوانش فرانک هربرت و تفسیر ویلنوو می‌بینیم، این منجی، به مرور از یک نجات‌دهنده به شخصیتی تبدیل می‌شود که قدرت، او را به مسیری تاریک سوق می‌دهد — جایی که نه تنها نجات‌بخش نیست، بلکه به ضدمنجی بدل می‌شود.

در نگاه فرمن‌ها، منجی می‌تواند «مهدی» یا «مسیح» باشد — مهم آن است که کسی باشد تا آنان را از چنگال شر (هارکونن‌ها) برهاند و سرزمین خشکشان را آباد کند. با این حال، این منجی دینی در طول روایت، ماهیت خود را از دست می‌دهد و جای خود را به مفهومی جهان‌شمول‌تر و غیرمذهبی‌تر می‌دهد. انتخاب عنوان جلد دوم رمان، *Dune Messiah*، نیز تأکیدی است بر همین تحول تدریجی در درک منجی.

هربرت در رمان خود از ارجاع مستقیم به مفاهیم خاص دینی پرهیز می‌کند و در عوض، مفاهیم منجی‌گرایانه را از منظر انتقادی بررسی می‌کند. او با خلق پل آتریدیس، به جای تحسین یک رهبر نجات‌بخش، خطرات اعتماد بیش‌ازحد به رهبران کاریزماتیک را به تصویر می‌کشد. از دیدگاه هربرت، واگذاری سرنوشت جمعی به فردی خاص، هرچند نیت خیر داشته باشد، می‌تواند فاجعه‌بار باشد. در نهایت، تل‌ماسه بیش از آنکه تجلی امید به یک منجی باشد، دعوتی است به آگاهی، نقد قدرت، و دوری از ساده‌انگاری در باور به نجات از بیرون. در جهان هربرت و ویلنوو، منجی انسانی است؛ خطاپذیر، فانی، و تابع ساختارهای قدرتی که خود می‌تواند قربانی آن شود.



منابع و مآخذ

۱. گودرزوند چگینی، عارفه (۱۴۰۲). الاهیات مسیحی در سینما. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

2. Cruasberg, David, *The Messiah in Hollywood: Depictions of the Chosen One in Cinema*, Journal of Religion and Film, 2015.
3. Emmet Asher, *Why It's Important to Consider Whether Dune Is a White Savior Narrative*, Tor.com website, 2022.
4. Greer, Stuart, *Cinematic Savior: Hollywood's Making of the American Christ*, Oxford University Press, New York, 2011.
5. Garsia, Marry, *The Hero's Journey and the Chosen One: Mythic Archetypes in Modern Cinema*, Mythological Studies Journal, 2016.
6. Jake, Abbate, *Early Dune Reviews Question Narrative Choices Amid Dazzling Visual Spectacle*, Flick side website, 2021.
7. King, Michael, *Dune and the Messianic Imagination: A Study of Religion in Science Fiction*, jurnal Theology and Film Review, 2021.
8. Luie, James, *Apocalypse, Utopia, and the Savior Figure in Film*, Journal of Popular Culture, 2012.
9. Michael Marano, *a glimpse of the landscape in 2021's Dune*, Superheroes Critiqued websit, 2021.
10. Reeves, Nicholas, *The Power of Film Propaganda: Myth or Reality?* Continuum, London, 1999.
11. Tengyue Xu, *Research on Soft Science Fiction Films Based on the Movie Dune*, Frontiers in Art Research, ISSN 2618-1568, 2022, Vol: 4.

گونه‌شناسی دشمنان آخرالزمانی جمهوری اسلامی ایران در مسیر زمینه‌سازی برای ظهور بر اساس قرآن، روایات و شرایط معاصر

محمود مطهری نیا^۱

چکیده

در نگاه امروزمین گاه از دین چهره‌ای خشن، خشک و متصلب به تصویر کشیده می‌شود و گاه در نهایت لطافت و نرمی تصویر که تحت هیچ شرایطی نباید با احدی برخورد شود؛ این تصویر که در حد ادعاست و معمولاً در فرقه‌هایی خاص و غیر اجتماعی ارائه می‌شود. اسلام از ابتدا بنای خود را بر ارائه و اصرار بر هر دو اصل جاذبه و دافعه نهاد و از این رو هماره با تمام رقبای خویش ممتاز به نظر می‌رسید. در دین مبین اسلام از جاذبه به تولی و از دافعه به تبری یاد شده است. «تولی و تبری» دو اصطلاح قرآنی است که از دیدگاه شیعه از جمله فروع دین و از واجبات اسلام شمرده می‌شود. این دو واژه، به ترتیب، به معنای دوستی با دوستان خدا و نزدیکی به اهل حق و دشمنی با دشمنان خدا و دوری از اهل باطل است. درباره انتظار دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد و عده‌ای از آن با حالتی قلبی یاد می‌کنند که صرفاً در عرصه فردی و شخصی آن را تعریف می‌کنند و عده‌ای آن را به مراتب فراتر از این عرصه می‌دانند. سردسته و شاخص‌ترین متفکران این عرصه که اندیشه‌های خود را به بوته آزمون در عرصه اجتماعی سپرد امام خمینی (ره) بود. دولت زمینه‌ساز تعبیر دیگری از دولت و جامعه منتظر است که خود را مہیای پذیرایی از ظهور امام عصر (عج) نموده است. امام قیامی عظیم را رقم زد برای زمینه‌سازی ظهور امام عصر (عج). در این نوشتار پس از برشمردن دشمنان و دشمنی‌های آنان درباره نظام ایران اسلامی به وظایف دولت اسلامی در عرصه تولی پرداخته شده است.

کلمات کلیدی

مهدویت، دولت زمینه‌ساز، انتظار، تولی، تبری، دشمن شناسی.

۱. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

مقدمه

در نگاه امروزین گاه از دین چهره‌ای خشن، خشک و متصلب به تصویر کشیده می‌شود و گاه در نهایت لطافت و نرمی تصویر که تحت هیچ شرایطی نباید با احدی برخورد شود؛ این تصویر که در حد ادعاست و معمولاً در فرقه‌هایی خاص و غیر اجتماعی ارائه می‌شود. اسلام از ابتدا بنای خود را بر ارائه و اصرار بر هر دو اصل جاذبه و دافعه نهاد و از این رو همواره با تمام رقبای خویش ممتاز به نظر می‌رسید. مسیحیت که به ظاهر دینی سراسر صلح و محبت است و چنین تصویری از آن در اذهان ما نقش بسته‌اند؛ از این دین جریانی خشن و بی رحم چون مسیحیت صهیونیستی درآمده که به خون تمام موجودات و نه انسان‌ها تشنه است و به دنبال برپایی جنگی عظیم در منطقه خاورمیانه به نام آرمگدون است که در ضمن آن جنگ امتی میلیون‌ها میلیون انسان و موجودات موجود در منطقه نابود خواهند شد.

در دین مبین اسلام از جاذبه به تولی و از دافعه به تبری یاد شده است. «تولی و تبری» دو اصطلاح قرآنی است که از دیدگاه شیعه از جمله فروع دین و از واجبات اسلام شمرده می‌شود. این دو واژه، به ترتیب، به معنای دوستی با دوستان خدا و نزدیکی به اهل حق و دشمنی با دشمنان خدا و دوری از اهل باطل است. در اصطلاح «تولی» به معنای اعتقاد به امامت و خلافت ائمه اطهار (علیهم‌السلام) و اظهار دوستی و علاقه نسبت به ایشان و تبری به معنای دشمنی و بیزاری از دشمنان آنان و لعن و نفرین بر آنهاست.

تولی و تبری دو امر ضروری دین اسلام و از جمله واجبات الهی است و هر مسلمان وظیفه دارد تا با استفاده از دلایل عقلی و نقلی به این دو موضوع همانند سایر واجبات الهی اعتقاد پیدا کند. تولی در ۵۷ سوره از قرآن و ۲۳۳ بار، و تبری در ۲۰ سوره و ۳۰ بار به کار رفته است. آنچه که در فرهنگ اهل بیت (علیهم‌السلام) و سیره عملی آنان در روایات وارد شده و عبارات فراوانی که در کتب ادعیه و زیارات از ایشان نقل شده است خود گواه دیگری بر اهمیت و جایگاه والای تبری و تولی در مکتب تشیع و اسلام راستین است. در روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) بر این دو اصل تاکید بسیاری شده است، در توصیف این اصل مهم کتاب جاذبه و دافعه شهید مطهری ارائه شده است.

اختلاف انسان‌ها در جذب و دفع

شهید مطهری در ابتدای اثر انسان‌ها را به چهار دسته تقسیم می‌کند. افراد از لحاظ جاذبه و دافعه نسبت به افراد دیگر انسان، یکسان نیستند بلکه به طبقات مختلفی تقسیم می‌شوند:

۱. افرادی که نه جاذبه دارند و نه دافعه؛ نه کسی آنها را دوست و نه کسی دشمن دارد، نه عشق و علاقه و ارادت [کسی] را برمی‌انگیزند و نه عداوت و حسادت و کینه و نفرت کسی را، بی تفاوت در بین مردم راه می‌روند، مثل این است که يك سنگ در میان مردم راه برود.

این، يك موجود ساقط و بی اثر است. آدمی که هیچ گونه نقطه مثبتی در او وجود ندارد (مقصود از مثبت تنها جهت فضیلت نیست، بلکه شقاوتها نیز در اینجا مقصود است) نه از نظر فضیلت و نه از نظر رذیلت، حیوانی است، غذایی می‌خورد و خوابی می‌رود و در میان مردم می‌گردد همچون گوسفندی که نه دوست کسی است و نه دشمن کسی، و اگر هم به او رسیدگی کنند و آب و علفش دهند برای این است که در موقع از گوشتش استفاده کنند. او نه موج موافق ایجاد می‌کند و نه موج مخالف. اینها يك دسته هستند: موجودات بی ارزش و انسان‌های پوچ و تهی؛ زیرا انسان نیاز دارد که دوست بدارد و او را دوست بدارند و هم می‌توانیم بگوییم نیاز دارد که دشمن بدارد و او را دشمن بدارند.

۲. مردمی که جاذبه دارند اما دافعه ندارند؛ با همه می‌جوشند و گرم می‌گیرند و همه مردم از همه طبقات را مرید خود می‌کنند؛ در زندگی همه کس آنها را دوست دارد و کسی منکر آنان نیست، وقتی هم که بمیزند مسلمان با زمزمشان می‌شوید و هندو بدن آنها را می‌سوزاند.

۳. مردمی که دافعه دارند اما جاذبه ندارند، دشمن سازند اما دوست ساز نیستند. اینها نیز افراد ناقصی هستند، و این دلیل بر این است که فاقد خصایل مثبت انسانی می‌باشند زیرا اگر از خصایل انسانی بهره‌مند بودند گروهی ولو عده خیلی طرفدار و علاقه‌مند داشتند؛ زیرا در میان مردم همواره آدم خوب وجود دارد هر چند عددشان کم باشد. اگر همه مردم باطل و ستم پیشه بودند این دشمنی‌ها دلیل حقیقت و عدالت بود اما هیچ وقت همه مردم بد نیستند، همچنانکه در هیچ زمانی همه مردم خوب نیستند. قهراً کسی که همه دشمن او هستند، خرابی از ناحیه خود اوست و الا چگونه ممکن است در روح انسان خوبی‌ها وجود داشته باشد و هیچ دوستی نداشته باشد. این گونه اشخاص در وجودشان جهات مثبت وجود ندارد حتی در جهات شقاوت. وجود اینها سرتاسر تلخ است و برای همه هم تلخ است. چیزی که لااقل برای بعضی‌ها شیرین باشد [در آن] وجود ندارد.

۴. مردمی که هم جاذبه دارند و هم دافعه. انسان‌های با مسلک که در راه عقیده و مسلک خود فعالیت می‌کنند، گروه‌هایی را به سوی خود می‌کشند، در دل‌هایی به عنوان محبوب و مراد جای می‌گیرند و گروه‌هایی را هم از خود دفع می‌کنند و می‌رانند؛ هم دوست سازند و هم دشمن ساز؛

هم موافق پرور و هم مخالف پرور.

اینها نیز چندگونه‌اند؛ زیرا گاهی جاذبه و دافعه هر دو قوی است و گاهی هر دو ضعیف و گاهی با تفاوت. افراد با شخصیت‌انهایی هستند که جاذبه و دافعه‌شان هر دو قوی باشد، و این بستگی دارد به اینکه پایگاه‌های مثبت و پایگاه‌های منفی در روح آنها چه اندازه نیرومند باشد. البته قوت نیز مراتب دارد تا می‌رسد به جایی که دوستان مجذوب، جان را فدا می‌کنند و در راه او از خود می‌گذرند و دشمنان هم آنقدر سرسخت می‌شوند که جان خود را در این راه از کف می‌دهند، و تا آنجا قوت می‌گیرند که حتی بعد از مرگ قرن‌ها جذب و دفعشان در روح‌ها کارگر واقع می‌شود و سطح وسیعی را اشغال می‌کند. و این جذب و دفع‌های سه بعدی از مختصات اولیاست، همچنانکه دعوت‌های سه بعدی مخصوص سلسله پیامبران است از طرفی باید دید چه عناصری را جذب و چه عناصری را دفع می‌کنند. مثلاً گاهی عنصر دانا را جذب و عنصر نادان را دفع [می‌کنند] و گاهی برعکس است.

گاهی عناصر شریف و نجیب را جذب و عناصر پلید و خبیث را دفع [می‌کنند] و گاهی بر عکس است. لهذا دوستان و دشمنان، مجذوبین و مطرودین هر کسی دلیل قاطعی بر ماهیت اوست (مطهری، ۱۳۸۹: ۱۶/۲۲۷).

در روایات اهل بیت علیهم‌السلام بر این دو اصل تاکید بسیاری شده است، از جمله:

۱. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «استوارترین دستگیره ایمان، دوستی و دشمنی برای خدا، ارتباط با دوستان خدا و گسستن از دشمنان اوست».

۲. «قال الرضا علیه‌السلام: کمال الدین و لایتنا و البرائة من عدونا؛ کمال دین ولایت ماست و برائت از دشمنان ما».

۳. به امام صادق علیه‌السلام عرض شد که شخصی شما را دوست دارد اما در برائت از دشمن شما ضعیف است. در ادامه حضرت فرمود: «هیئات کذب من ادعی محبتنا و لم یتبرء من عدونا؛ هرگز چنین نیست؛ دروغ می‌گوید هر کس که ادعا می‌کند دوست ماست ولی از دشمن ما بی‌زاری نجوید.» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۷/۵۸، ح ۱۹).

۴. نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به اصحابش فرمود: «ای بنده خدا دوست بدار به خاطر خدا و دشمن بدار به خاطر خدا و دوست بگیر به خاطر خدا و دشمن بگیر به خاطر خدا؛ پس به درستی که به ولایت خدا به کسی نمی‌رسد مگر از این راه و کسی طعم ایمان را نمی‌چشد اگر چه نماز و روزه زیاد به جا آورد مگر از راه تولی و تبری و امروز بیشترین دوستی‌ها و دشمنی‌های مردم به خاطر



دنیاست و این دوستی و دشمنی دنیایی ذره‌ای پیش خداوند تعالی ارزش ندارد. راوی عرض کرد: چگونه بدانم دوستی و دشمنی من به خاطر خداست؛ دوست خدا کیست تا او را دوست بدارم و دشمن خدا کیست تا او را دشمن بدارم؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به سوی مولای ما امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام اشاره و فرمود: آیا علی را می‌بینی؟ راوی گفت: بله. پس فرمود: دوست بدار دوست علی علیه السلام را چون دوست علی علیه السلام ولی الله است و دشمن بدار دشمن علی علیه السلام را چرا که دشمن علی علیه السلام عدو الله است. سپس در ادامه فرمود: «وال ولی هذا و لوانه قاتل ابیک و ولدک و عاد عدو هذا و لوانه ابوک و ولدک؛ دوست بدار دوست مولا علی را هر چند آنکه قاتل پدر و فرزندان تو باشد و دشمن بدار دشمن مولا علی را هر چند او پدر و فرزندان باشد» (صدوق، بی تا: ۱/ باب ۱۱۹).

دولت زمینه ساز

ظهور حضرت مهدی علیه السلام امری محتوم و قطعی است که در روایات متعدد از حتمیت و قطیت آن سخن به میان آمده است. در عرصه فردی و اجتماعی به افراد و مجموعه‌هایی که خود را مهیای پذیرایی از این رخداد عظیم تاریخ حیات بشریت می‌کنند منتظر گفته می‌شود. درباره انتظار دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد و عده‌ای از آن با حالتی قلبی یاد می‌کنند که صرفاً در عرصه فردی و شخصی آن را تعریف می‌کنند و عده‌ای آن را به مراتب فراتر از این عرصه می‌دانند. سردسته و شاخص‌ترین متفکران این عرصه که اندیشه‌های خود را به بوته آزمون در عرصه اجتماعی سپرد امام خمینی رحمه الله بود. دولت زمینه ساز تعبیر دیگری از دولت و جامعه منتظر است که خود را مهیای پذیرایی از ظهور امام عصر علیه السلام نموده است. امام قیامی عظیم را رقم زد برای زمینه‌سازی ظهور امام عصر علیه السلام. بنابر آنچه از روایات برمی آید این امر در لسان روایات پیشگویی شده بود. در اینجا نمونه‌هایی از این احادیث شریفه را از مدارکی که در نزد شیعه و سنی معتبرند، نقل می‌کنیم:

۱. ابن ماجه، ترمذی و بیهقی در کتاب سنن خود، طبرانی در معجم وسیط، قرطبی در تذکره خود، ابن کثیر در فتن خود، هیثمی در مجمع الزوائد، سیوطی در حاوی، ابن حجر در قول المختصر و در الصواعق المحرقة، متقی هندی در کنز العمال و در البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان و... از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده‌اند که فرمود: «مردمی از مشرق خروج می‌کنند و زمینه حکومت مهدی را فراهم می‌آورند.» با توجه به لحن اخبار و متون قدیم چنین اثبات می‌شود که مشرق به

ایران امروزی گفته می‌شود. همچنین در روایات دیگر تصریح شده است که چنین مردمی اهل خراسان، یا قم یا طالقان می‌باشد. و همه اینها به ایران امروزی اشاره دارد، البته با ذکر نام مهم‌ترین مناطق آباد و شهرهای متمدن ایران آن روز (جمعی از مولفان: ۱/ ۳۸۷).

۲. ابو داود و نسائی در کتاب سنن خود و ابن المنادی در ملاحم، قرطبی در تذکره خود، ابن کثیر در فتن خود و حمیدی در الجمع بین الصحیحین و بسیاری دیگر با سند صحیح از امام علی (ع) از رسول خدا (ص) نقل کرده‌اند که فرمود: «مردی از ما وراء النهر قیام می‌کند که به او حارث ابن حراث می‌گویند و در پیشاپیش او مردی است که به او منصور گفته می‌شود و زمینه را برای آل محمد فراهم می‌سازد، همان طور که قریش زمینه را برای رسول خدا (ص) فراهم نمود و یاری او بر هر مومنی واجب است، (یا فرمود: اجابت و پاسخ مثبت به او بر هر مومنی واجب است (همو، ۱۳۸۶: ۱/ ۳۹۴ به بعد). نام‌هایی که در روایت فوق، به آن اشاره شده است، رمزی می‌باشد، همان طور که در بسیاری از اخبار ملاحم نیز چنین است و مراد از آن یا فرد خبیر است، یا کسی که عمل مفید دارد؛ یعنی کارش به نتیجه می‌رسد.

۳. خطیب بغدادی و دیلمی از ابن عباس و ابوهیرره روایت کرده‌اند که هنگامی که پرچم‌های سیاه به اهتزاز درآمدند، به قوم فارس احترام کنید؛ زیرا دولت شما با آنها است (همو، ۱۳۸۶: ۳۹۳). در اینجا تعبیر «دولتکم» به دولت مهدوی اسلامی اشاره دارد.

۴. ابن حماد، ابن ابی شیبہ، ابن ماجه، عقیلی و هیثم ابن کلب در مسند صحابه، ابن المنادی و حاکم در مستدرک خود، دانی در سنن خود، ابن حبان و ابو نعیم و ابن طلحة الكنجدی شافعی و مقدسی و ابن قیم در المنار المنیف، ذهبی در میزان الاعتدلال، ابن کثیر در فتن، سیوطی در الحاوی و خصائص و جمع الجوامع و الدر المنثور، ابن حجر در صواعق و متقی هندی در البرهان و کنز العمال و شوکانی در التوضیح، و... از ابن مسعود روایت کرده‌اند که به حضور رسول خدا (ص) رسیدیم آن حضرت در حالی به نزد ما تشریف فرما شدند. که آثار خوشحالی در چهره‌اش نمایان بود، به طوری که هر سوالی می‌کردیم جواب می‌داد و حتی اگر سوال نمی‌کردیم خود ایشان شروع به صحبت می‌کردند، تا اینکه گروهی از جوانان بنی‌هاشم که حسن و حسین (ع) نیز در میان آنها بودند از آنجا گذشتند، رسول خدا (ص) با دیدن آنها حسن و حسین را به آغوش کشید و چشمانش پر از اشک شد؛ گفتیم: ای رسول خدا (ص) چه چیزی باعث ناراحتی شما شد که ما را نیز ناراحت نمود. فرمود: ما اهل بیتی هستیم که خداوند برای ما آخرت را بر دنیا برگزید و بعد از من اهل بیت من با سرگردانی و آوارگی روبه رو خواهند شد، تا آنکه گروهی با پرچم‌های سیاه از

مشرق قیام می‌کنند و حق را طلب می‌کنند، ولی به آنها داده نمی‌شود سپس بار دیگر حق را طلب می‌کنند و در راه آن نبرد می‌کنند و پیروز می‌شوند؛ پس هر کدام از شما و یا نسل آینده شما آنها را درک کرد باید به امام اهل بیت من بپیوندد حتی اگر با سینه خیز رفتن روی برف باشد؛ زیرا آنها پرچم‌های هدایت را به دست مردی از اهل بیت می‌دهند... که او زمین را با عدل و داد پر می‌کند، همان گونه که با جور و ظلم پر شده است (همو، ۱۳۸۶: ۳۸۱-۳۸۶). این روایت، اشاره دارد به اینکه به حرکت درآمدن پرچم‌ها، قبل از ظهور حضرت مهدی می‌باشد و پرچم‌ها با نام او به حرکت درمی‌آیند و مردم را به سوی او فرا می‌خوانند. البته در تعدادی از احادیثی که حافظان اهل سنت آنها را از حضرت علی علیه السلام و از برخی از امامان دیگر روایت کرده‌اند مضمون این اخبار نقل شده است همچنین از پیروان و شیعیان آنها نیز مضمون این اخبار نقل شده که در ذیل نمونه‌هایی از آن را ذکر می‌کنیم.

۵. نعمانی در کتاب الغیبة به سند خود از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمود: گویا گروهی را می‌بینم که از مشرق قیام کرده‌اند و حق را طلب می‌کنند که به آنها داده نمی‌شود و دوباره طلب می‌کنند باز هم به آنها داده نمی‌شود وقتی وضع را چنین دیدند اسلحه به دست گرفته و نبرد می‌کنند و دشمنانشان به خواسته‌های آنها تن می‌دهند، ولی آنها قبول نمی‌کنند تا اینکه خودشان به حکومت برسند و دولت تشکیل دهند و آن حکومت را به کسی مگر به صاحب شما (یعنی امام زمان علیه السلام) واگذار نمی‌کنند و کشته‌های آنها شهیدند. بدانید که اگر من آن زمان را درک می‌کردم خود را در خدمت و اختیار رهبر آنها قرار می‌دادم (نعمانی، ۱۳۹۷: ۶/۱۴، ح ۲۷۳/۵).

۶. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: به زودی کوفه از مومنان خالی می‌شود و همان طور که مار در لانه خود به دور خود می‌پیچد و نهان می‌شود و قدرت تحرک ندارد، علم و دانش نیز در گوشه‌ای پنهان و محدود می‌شود. (یعنی در کوفه علم و دانش منتشر نمی‌شود و اگر هم وجود داشته باشد، در گوشه‌ای بی‌اثر مخفی می‌شود). پس از آن علم در شهر دیگری که به آن قم گفته می‌شود، ظاهر می‌شود و معدن فضل و علم می‌گردد، به طوری که در روی زمین کسی که مستضعف در دین باشد و یا دین را نفهمد، باقی نمی‌ماند؛ حتی زن‌هایی که در حجله‌ها و پشت پرده‌ها هستند؛ و این زمان ظهور قائم ما خواهد بود و خدا قم و اهل آن را جانشینان حضرت حجت قرار می‌دهد و اگر چنین نباشد زمین اهل خود را فرومی‌برد و در زمین حجتی باقی نمی‌ماند و علم از آنجا به سایر کشورها و شهرها در شرق و غرب سرازیر می‌شود و حجت

خدا بر مردم کامل می‌شود، به طوری که کسی در زمین نمی‌ماند که دین و علم به او نرسیده باشد، پس از آن حضرت قائم علیه السلام ظهور می‌کند و سبب انتقام خدا و عذاب او بر چنین بندگان می‌شود؛ زیرا خدا از بندگان انتقام نمی‌کشد مگر بعد از آنکه آنها حجت خدا را انکار کنند (مجلسی، ۱۴۰۴: ۶۰ / ۲۱۳).

مسلمانان از ستمگران نیز گرفته خواهد شد؛ زیرا حجت بر آنها تمام شده آنها حجت خدا را انکار کرده‌اند و برای غیر ستمگران ظهور حضرت مهدی علیه السلام رحمت است.

۷. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: مردی از اهل قم، مردم را به سوی حق فرا می‌خواند و همراهان او مانند آهن و پولاد آبدیده هستند که تند بادهای آنها را نمی‌لرزاند و از جنگ خسته نمی‌شوند و نمی‌ترسند و به خدا توکل می‌کنند و عاقبت از آن تقوایندگان است (قمی: ۴۴۶).

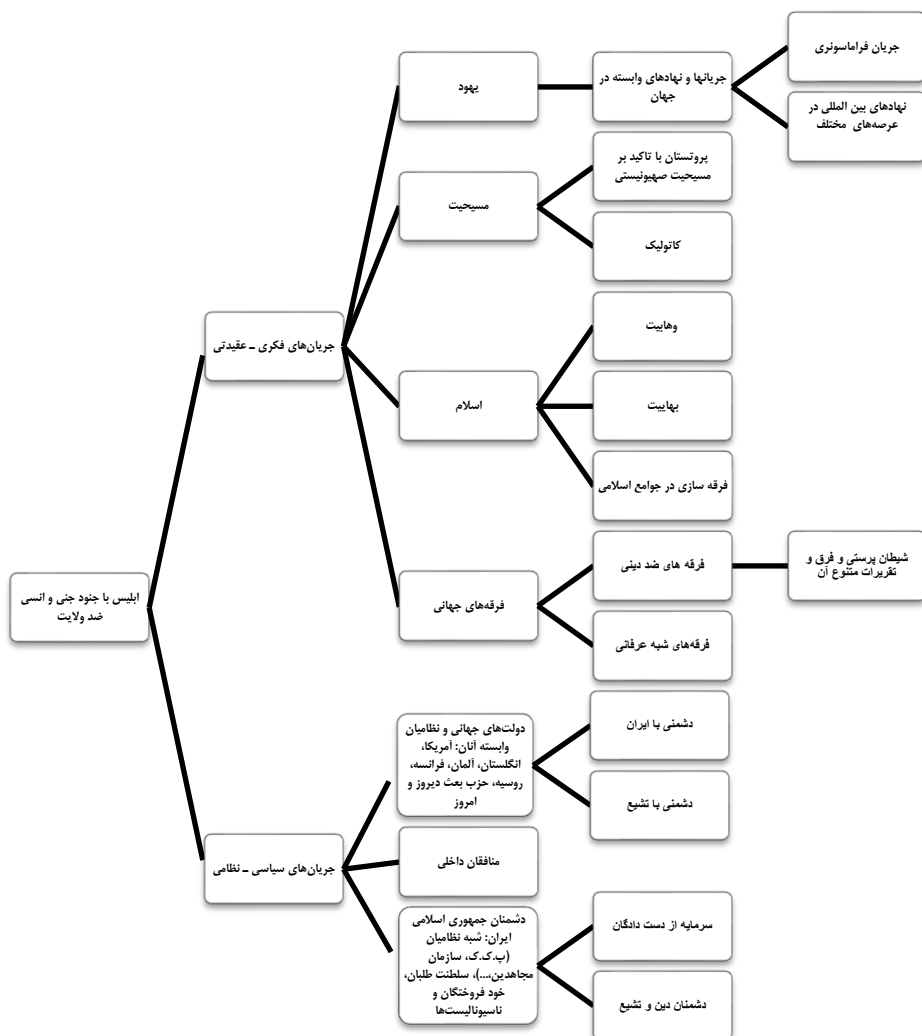
۸. ابن حماد و ... از حافظان اهل سنت از امام علی علیه السلام روایت کرده‌اند که فرمود: پرچم‌های سیاه ظاهر می‌شوند (یعنی مردمی با پرچم‌های سیاه قیام می‌کنند) و لشکریان سفیانی شکست خورده و فرار می‌کنند در آن هنگام مردم جهان مهدی را آرزو و طلب می‌کنند (جمعی از مولفان، ۱۳۸۶: ۳ / ۷۷).

۹. سید ابن طاووس در اقبال از ملاحم بطنانی در حدیثی از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: مادامی که برای فرزندان فلانی حکومت و سلطنت است، امت محمد صلی الله علیه و آله هرگز روی آسایش نخواهد دید، مگر اینکه حکومت آنها منقرض گردد. وقتی حکومت آنها منقرض شد، خداوند برای فرج و آسایش امت محمد صلی الله علیه و آله فرج مردی از ما را می‌رساند که مردم را به تقوا راهنمایی می‌کند و به هدایت رفتار می‌کند و در حکومت خود رشوه نمی‌گیرد؛ به خدا قسم من او را به نام و نام پدرش می‌شناسم؛ پس از آن مردی که نیرومند و قوی است و کمر باریک و دارای خال در پیشانی و گونه‌ها است، برای برپایی عدالت قیام می‌کند و او نگهبان هر چیزی است که پیش او به ودیعه گذاشته شده است و زمین را با عدالت پر می‌کند، همان طور که ستمگران و گناهکاران آن را با جور و ستم پر کرده بودند (حر عاملی، ۱۳۷۰: ۳ / ۵۸۱، ۵۸۲).

با توجه به این روایات متعدد یا باید جمهوری اسلامی ایران را تنها مصداق دولت زمینه‌ساز در آستانه ظهور امام عصر علیه السلام بدانیم یا آن را الگوی دولت‌های زمینه‌ساز آستانه ظهور؛ از همین رو آنچه در ادامه می‌آید بیش از هر چیز ناظر به این حکومت است.

دشمن شناسی دولت زمینه ساز جهت بروز و ظهور تبری

در چند مورد از ادعیه همانند دعای افتتاح صحبت از وفور دشمنان (کشره عدونا) به میان آمده است؛ بنا برآنچه در ادامه خواهیم دید چه از حیث تعداد، چه از حیث امکانات، روش ها و ابزارها دشمنی ها و دشمنان متعددی داریم و جامعه شیعی و به تنها دولت و نظام شیعی به طور جدی با آنان باید به ناچار به مقابله برخیزد:



ابلیس با جنود جنی و انسی ضد ولایت

موضوع ابلیس نزد ما امری ساده و پیش پا افتاده است به گونه ای که روزی چندبار او را لعنت کرده و از شر آن به خدا پناه می بریم. و بعضی افکار پریشان خود را به این دلیل که از ناحیه اوست تقبیح می کنیم. اما باید دانست که این موضوع بسیار قابل تامل و شایان دقت است. شایسته است منظر قرآن کریم را درباره حقیقت آن که موجودی عجیب و در عین حال از حواس ما غایب است ولی تصرفات عجیبی در عالم انسانیت دارد، جويا شویم؛ دشمنی که از روز پیدایش بشر تا آنگاه که دست او از دامان هستی کوتاه شود به دنبال اوست! دشمنی که در عین حال که از آشکار همه باخبر است، از نهان آنان نیز اطلاع دارد و حتی از نهفته ترین افکاری که در زوایای ذهن و فکر آدمی جا دارد باخبر است. علاوه بر این که با خبر است، در پی دسیسه و گمراه ساختن صاحب آن نیز هست.

ما فرزندان آدم، در معرض خطر انحراف از سوی «ابلیس» قرار گرفته ایم؛ او از ابتدا آدم و حوا علیهما السلام وعده نصح و خیرخواهی داد و سوگند وفاداری یاد کرد: «و قاسمهما انی لکما لمن الناصحین» (اعراف / ۲۱). و برای آن دو قسم خورد که من از خیرخواهان و نصیحت کنندگان شمایم، اما با این همه، آن خیانت درباره آن ها روا داشت که سبب خروجشان از بهشت و هبوطشان به زمین و مبتلا شدنشان به زندگی پرمحنت ارضی گردید. حال، همان شیاد پر مکر و فریب با فرزندان بنی آدم نیز همان می کند. چون ما را با کمال صراحت و شدت، تهدید به خیانت و راهزنی نموده که «لا قعدن لهم صراطک المستقیم» (اعراف / ۱۶)، و به یقین در سر راه مستقیم تو، برای گمراه سازی آنان می نشینم. و اکیدا سوگند بر «اغواء» بنی آدم یاد کرده است که «فبعزتک لا غوینهم اجمعین» (ص، آیه ۸۲) به عزت سوگند، همه آن ها را اغواء خواهم کرد و به گمراهی خواهم کشانید. آری آنجا که وعده «امانت» داده بود، آن گونه خیانت کرد، پس اینجا که صریحا وعده «خیانت» داده است چه خواهد کرد؟

جالب است بدانیم، عبارت عدو مبین (دشمن آشکار) در توصیف شیطان، در ۷ جای قرآن تکرار شده است و فراموش نکنیم که عدد ۷ در زبان عربی نماد کثرت است:

بقره، ۱۶۸: يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ؛

بقره / ۲۰۸: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ.

انعام / ۱۴۲: وَمِنَ الْأَنْعَامِ حَمُولَةٌ وَفَرَشَاءُ كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ

عَدُوٌّ مُبِينٌ.

اعراف / ۲۲: فَدَلَّاهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَنْ تِلْكَمَا الشَّجَرَةِ وَأَقُلْتُ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُبِينٌ.

یوسف / ۵: قَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَى إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُبِينٌ.

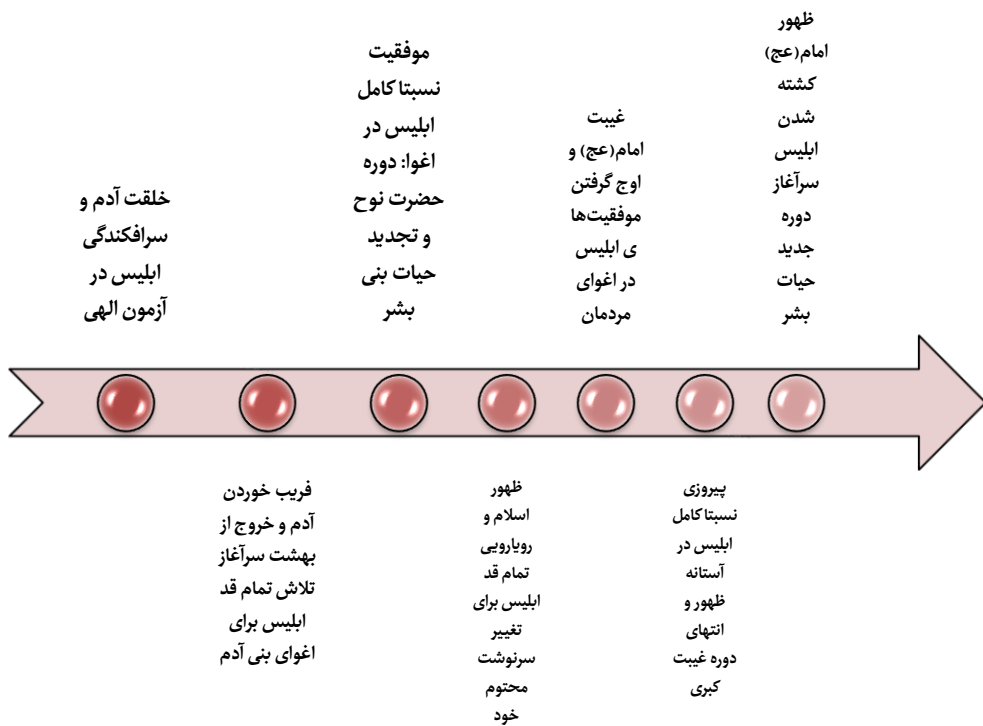
یس / ۶۰: أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ.

زخرف / ۶۲: وَلَا يَصُدَّنَّكُمْ الشَّيْطَانُ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ.

تا کنون به موضوع شیطان از زوایای مختلفی پرداخته شده است اما نکته بسیار مهمی که عموماً مغفول می ماند این است که ابلیس پس از آنکه در ماجرای خلقت حضرت آدم علیه السلام بر او سجده نکرد و از درگاه الهی رانده شد درصدد انتقام از این مخلوق تازه خداوند برآمد. او با توجه به معرفتی که به خداوند داشت به عزت او قسم خورد که به جز مخلصان، دیگر انسان ها را گمراه کند و برای همین امر از خداوند تا روز قیامت مهلت خواست. خداوند تا موعد مشخصی «یوم الوقت المعلوم» (حجر / ۳۸) به او مهلت داد. در روایات متعددی که ذیل این آیه آمده، آن موعد مشخص را ظهور امام عصر علیه السلام بیان نموده اند. پس از ظهور امام عصر علیه السلام طی نبردی ابلیس به همراه اعوان و انصار جنی و انسی اش در برابر امام و یارانشان صف آرایی می کنند. نتیجه این نبرد نیز شکست شیطان و یاران اوست و در پایان این جنگ، ابلیس در مسجد کوفه به دست امام زمان علیه السلام کشته می شود (ر.ک: طبرسی، ۱۳۹۰: ۴۳۴). از همین روست که نوع مشکلات و آزارهایی که دوستداران و پیروان و مبلغان امام عصر علیه السلام در دوره غیبت از شیاطین جن و انس می بینند به مراتب بیش از دیگران است. از این مقطع به بعد میزان سنجش افراد بر اساس نحوه برخورد با نفس اماره شان است؛ زیرا دیگر وسوسه کننده ای از بیرون وجود ندارد و افراد تنها از درون وسوسه را تجربه می کنند.

شیطان از آنجا که می داند قاتل او امام عصر علیه السلام است با هر نوع قدم و قلمی که در مسیر ایشان باشد به مقابله می پردازد و هر چقدر این اقدام از حیث کمیت و کیفیت بالاتر و موثرتر باشد با اقدام متقابل بیشتری از ناحیه شیطان روبرو خواهد شد. جا دارد پرسیم آیا اقدامی بزرگتر و موثرتر از تاسیس حکومتی اسلامی و شیعی و منتظر و از همه مهم تر زمینه ساز ظهور قاتل شیطان می توان تصور کرد؟

نمودار مضور ابلیس در تاریخ حیات بشریت





چهارمین همایش علمی و فرهنگی
استاد و معتمد

شیطان در راستای نیل به اهداف خنثی سازی خود از دو قالب سیاسی و دینی بهره می جوید که باید برای اظهار تبری آن را مد نظر داشت:

جریان های فکری - عقیدتی

۱. یهود

نظام و سازمان یهود مهم ترین بازوی فکری و عملیاتی ابلیس به شمار می رود. قرآن کریم در این رابطه می فرماید:

لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُم مَّوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى ذَلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قِسِيَسِينَ وَرُهْبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ (مائده / ۸۲)؛

مسلمانان یهودیان و کسانی را که شرک ورزیده اند، دشمن ترین مردم نسبت به مؤمنان خواهی یافت؛ و قطعاً کسانی را که گفتند: «ما نصرانی هستیم»، نزدیک ترین مردم در دوستی با مؤمنان خواهی یافت؛ زیرا برخی از آنان دانشمندان و رهبانانی اند که تکبر نمی ورزند.

جریان ها و نهادهای وابسته در جهان

- جریان فراماسونری

کلمه ماسون (mason) یعنی بتا، فراماسون (Freemason) یعنی بتای آزاد. ماسونری یک تشکیلات منظم جهانی است که بر ارکان دولت های جهان و اکثر وجوه زندگی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جوامع، سلطه یافته است و بسیار هم آزادانه عمل می کند. کسی که عضو فراماسونری است، ماسون یا فراماسون نامیده می شود. ساختمانی که مرکز فعالیت ماسون هاست لژ نام دارد. یکی از بزرگ ترین اهداف گروه های ماسونی این است که زمینه را برای حکومت فردی از بین ماسون ها با عنوان نمادین ضد مسیح (Antichrist = دجال)، یا به تعبیر بعضی از گروه های ماسونی، فرعون جدید (New Pharaoh) آماده کنند. فراماسونری جمعیتی سری است که کسی به راحتی نمی تواند در حریم آن نفوذ کند و اگر هم راه یافت، مکلف است اسرار آن را مکتوم نگه دارد؛ اما با این وجود، کسانی توانستند به حریم آن نفوذ کنند و به اسناد و مدارک مهمی دست یابند و موفق به کشف و افشای اسرار آنها شوند. همه ی این افراد متفق الرأی هستند که: «مسئله یک توطئه است که این توطئه از اواخر قرن هجدهم آغاز شده و تا به امروز هم با موفقیت تمام ادامه دارد و هدف نهائی آن ایجاد یک حکومت جهانی «شیطانی» است و

برای پیاده کردن آن در سراسر عالم، به یک مبارزه وسیع و بی امان دست زده‌اند.»

نهادهای بین المللی در عرصه‌های مختلف

یهود از جمله ثروتمندترین اقلیت‌های جهان هستند، با این حال فقط بر ۱۰ تا ۱۳ درصد اقتصاد آمریکا حاکم هستند و نفوذ آنها به‌ویژه در صنایع سبک و مواد مصرفی متمرکز است. به همین دلیل قدرت آنها در اقتصاد نهفته نیست؛ بلکه در سیاست و تبلیغات سرمایه‌گذاری شده است. آنها تأمین‌کننده بزرگ‌ترین حملات انتخابات ریاست جمهوری آمریکا به شمار می‌آیند. به گونه‌ای که ۶۰ درصد هزینه‌های این انتخابات را به‌ویژه در حزب دمکرات تأمین می‌کنند و این قدرتی مساوی ۳۰ برابر جمعیت ایشان است و از آنجا که حملات انتخابات ریاست جمهوری آمریکا بسیار سنگین و هزینه‌بردار است (صدها میلیون دلار) به همین دلیل هر کاندیدایی که خواهان به دست آوردن حمایت ایشان باشد، باید بتواند رضایت آنها را نیز جلب نماید. این موضوع بر کاندیداهای مجلس سنا و نمایندگان نیز منطبق است، اگرچه هزینه کمتری را در بردارد.

مسیحیت

- کاتولیک

از ابتدای ظهور اسلام جریان سنتی مسیحیت اسلام را رقیبی برای خود در نظر گرفته بود و همواره تلاش داشته که هم از سویی در برابر جذب پیروان خود به اسلام مقاومت کند و هم از سوی دیگر از پیروان اسلام به سمت خود جذب نماید و این ماجرا با شدت و حدت روبه صعودی در این روزها پی گرفته شده و قابل مشاهده است.

- پروتستان با تأکید بر مسیحیت صهیونیستی

در مقابل جریان سنتی مسیحیت جریانی چند سال قبل توسط مارتین لوتر حامی یهود شکل گرفت که به پروتستان مشهور شد و تحولی بنیادین در مسیحیت به وجود آورد. این جریان در عرصه سیاسی وارد شده و به مسیحیت صهیونیستی و انجیل‌گرا شهرت یافت. توضیح مفصل درباره این جریان در این مجال مختصر نمی‌گنجد لیکن به همین اکتفا می‌شود که اینان رهبر سپاه شر را در نبرد بزرگ آخرالزمانی آرمگدون بر عهده ایران می‌دانند. مهم‌ترین علت مخالفت با هسته‌ای شدن ایران هم این است که آنان آرمگدون را نبردی هسته‌ای می‌دانند و برای مقابله پیشگیرانه برای پیروزی ایران در آن نبرد تلاش می‌کنند که ایران را پیشاپیش خلع سلاح کنند تا

در آن نبرد به پیروزی سریع‌تری دست یابند.

لندسی گراهام، سناتور جمهوری خواه از ایالت کارولینای جنوبی روز یکشنبه در مصاحبه با شبکه تلویزیونی «سی بی اس» آمریکا نسبت به خطر دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای هشدار داد. این سناتور جمهوری خواه گفت: مشخص است ایران در پی دستیابی به سلاح هسته‌ای است و اگر ایالات متحده در استراتژی خود در قبال ایران و افغانستان جدی نباشد و طالبان افغانستان و حکومت ایران را مهار نکند شاهد جنگ آخر زمان (آرماگدون) خواهیم بود.

این سناتور آمریکایی افزود: دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای تلاش اعراب سنی منطقه را برای دستیابی به این سلاح را در پی خواهد داشت و این کار خطرات بسیار بیشتری برای اسرائیل خلق خواهد کرد و برآیند این اتفاقات؛ یعنی قرار گرفتن در راه جنگ آخر زمان آرماگدون. آرماگدون در کتب مذهبی مسیحیت منطقه‌ای در نزدیکی اورشلیم است که در آن جنگی تعیین‌کننده در آخر زمان به وقوع خواهد پیوست.^۱

اسلام

یکی از مشهورترین سیاست‌های دشمن برای تضعیف سپاه مقابل این شعار بوده که تفرق بینداز و حکومت کن. در عرصه دینی این سیاست با فرقه سازی دنبال می‌شود. برخی از فرقه‌ها مانند وهابیت در جحان تسنن به وجود می‌آید لیکن تمام جهان اسلام را با زر و زور و تزویر خود دچار بحران می‌کند و گاه مانند بهائیت و قادیانیه در عالم تشیع جریان گرایش به مهدویت و آخرالزمان را دچار انحراف می‌نماید. در کنار این جریان‌های شاخص می‌توان شاهد ظهور و بروز روزانه فرقه‌های متعدد در راستای ایجاد تفرقه در سپاه اسلامی باشیم.

فرقه‌های جهانی

اگر دوره کنونی را دوره ظهور و بروز فرقه‌ها بنامیم سخن به گزاف نگفته‌ایم؛ زیرا هزاران فرقه در جای جای جهان مردم را به خویش مشغول ساخته و صدها و هزاران مورد از این فرقه‌ها در ایران نیز به جذب نیرو و پیرو مشغولند.

1. <http://mouood.org/content/view/2/9465>

فرقه‌های ضد دینی

- شیطان‌پرستی و فرق و تقریرات متنوع آن

از جمله پدیده‌های عجیب عصر کنونی این است که مردم به پرستش دشمن‌ترین دشمنان خویش می‌پردازند. این فرقه‌ها را باید در راس جریانات ضد دینی دانست هرچند جریانات و گروهک‌های دین ستیز به این محدود نمی‌شود. محققان بسترهای ظهور شیطان‌پرستی در غرب را در پنج عامل می‌دانند. فلسفه یونانی، پروتستانتیزم (اصلاح دینی)، معرفت‌شناسی یهودی از شیطان، افول معنویت و ظهور مکاتب فلسفی پوچ‌گرا در عصر حاضر غرب و رمانس‌گرایی به عنوان کپی دروغین از اسطوره‌گرایی در جهان اسلام و آئین‌های شرقی برای پاسخ‌گویی به خلا ناشی از احساس نیاز به وجود قهرمان، ۵ عامل جاری در فرهنگ غربی هستند که زمینه را برای ظهور و گسترش شیطان‌پرستی در سرزمین‌های حامل این فرهنگ فراهم ساخته است. اما نکته جالب توجه اینجاست که به طور مرتب اخبار ظهور، بروز و دستگیری پیروان فرقه‌های شیطان‌پرستی در شهرهای مختلف ایران همه را مبهوت خویش می‌سازد.

- فرقه‌های شبه عرفانی

نگاهی به پیدایش و تطور عرفان در جوامع مسلمان نشان می‌دهد که آن چه نام عرفان را با خود به یدک می‌کشد، تنها آبشخور آن، دین نبوده است و ریشه پاره‌ای از آموزه‌های عارفانه را باید در آن سوی مرزهای دین جست و جو کرد. بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد که گاه آنچه تصوف و عرفانش خوانده‌اند؛ متأثر از فرهنگ‌های بیگانه بوده است؛ مثلاً در اوایل حکومت بنی عباس، گروهی از تارکین دنیا و دوره‌گردان‌های هندی و مانوی در عراق و ممالک دیگر اسلامی عقاید خاص خود را نشر دادند. خرقة پوشیدن هم از رسوم هندی‌ها است. البته بوداییان نیز بر آن تاثیر گذاشتند. سیاحان بودایی سرگذشت بودا را منتشر و او را سرمشق زهد و ترک دنیا معرفی کردند.

جریان‌های سیاسی - نظامی

جریان‌های مختلف دولت‌های جهانی و نظامیان وابسته آنان؛ آمریکا، انگلستان، آلمان، فرانسه، روسیه، حزب بعث دیروز و امروز و ... که به انگیزه دشمنی با ایران یا دشمنی با تشیع از هیچ خصومتی دریغ نمی‌کنند، مطلبی نیست که نیازمند شرح و بسط و توضیحی داشته باشد.



- منافقان داخلی

اینان با انحاء روش‌ها و درلباس‌های مختلف بازوان فعال و پرکار دشمنان خارجی در داخل به شمار می‌آیند و برای نیل به مطامع مادی و دنیوی از کمتر دستوری است که تمرد کنند و با توجه به آنکه در حد امکان قابل شناسایی و دنبال شدن هستند و تفصیل بیشتر درباره آنان در مجال این نوشته نمی‌گنجد به همین مقدار توضیح درباره آنان اکتفا می‌کنیم.

دشمنان جمهوری اسلامی ایران: شبه نظامیان (پ.ک.ک، سازمان مجاهدین، ...)، سلطنت‌طلبان، خود فروختگان و ناسیونالیست‌ها.

اینان را باید سرمایه از دست‌دادگان یا هموطنان دشمن دین و تشیع بدانیم که روزانه اخبار ظلم و جور و جنایات آنان را در مناطق مختلف کشور و به خصوص مرزها به گوشمان می‌رسد و البته در خارج از کشور نیز از هر اقدامی در راستای تضعیف نظام و تشیع کوتاهی نمی‌کنند؛ هر چند از حیث اثر بخشی نمی‌توان اینان را در حد رقبا و یا به تعبیر بهتر دوستان و هم‌قطاران آنان در سپاهیان شیطان دانست.

آنچه تا کنون ارائه شد فهرستی از دشمنان نظام جمهوری اسلامی و تشیع بود که در مقام اجمال مطلق بیان شده و هر کدام از عناوین فوق جهت تفصیل نیازمند نگارش یک یا چند کتاب مستقل است.

نکته‌ای که پس از مطالعه و مرور فهرست بالا ممکن است به ذهن خطور نماید این است که به تعبیری اکثر مردم جهان دشمنان ما هستند اما تعبیر دقیق‌تر این است که اینان در عرصه سیاست‌گذاری و فرماندهی هستند و در لایه‌های مردمی و سطوح پایین‌تر تعداد اعوان و انصار آنان چندان نگران‌کننده نیست و البته با اتخاذ تصمیم‌های درست می‌توان به راحتی به جذب قلوب آنان همت گمارد؛ همان‌گونه که این موضوع در راس و از اهم فعالیت‌های امام عصر علیه السلام پس از ظهور خواهد بود.

دولت زمینه‌ساز و تولی

تعبیر عجیب و متحیرکننده حضرت علی علیه السلام در منشور مالک اشتر و عهدنامه‌ای که برای رهبری مصر به دستش دادند می‌بایست الگوی دولت زمینه‌ساز در امر تولی باشد:

مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده، و با همه دوست و مهربان باش. مبدا هرگز، چونان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی؛ زیرا مردم دو دسته‌اند، دسته‌ای

برادر دینی تو، و دسته دیگر همانند تو در آفرینش می باشند. اگر گناهی از آنان سر می زند یا علّت هایی بر آنان عارض می شود، یا خواسته و ناخواسته، اشتباهی مرتکب می گردند، آنان را ببخشای و بر آنان آسان گیر، آن گونه که دوست داری خدا تو را ببخشاید و بر تو آسان گیرد. همانا تو از آنان برتر، و امام تو از تو برتر، و خدا بر آن کس که تو را فرمانداری مصر داد والاتر است، که انجام امور مردم مصر را به تو واگذارده، و آنان را وسیله آزمون تو قرار داده است. هرگز با خدا مستیز، که تو را از کیفر او نجاتی نیست، و از بخشش و رحمت او بی نیاز نخواهی بود. بر بخشش دیگران پشیمان مباش، و از کیفر کردن شادی مکن، و از خشمی که توانی از آن رها گردی شتاب نداشته باش. به مردم نگو، به من فرمان دادند و من نیز فرمان می دهم، پس باید اطاعت شود، که این گونه خود بزرگ بینی دل را فاسد، و دین را پژمرده، و موجب زوال نعمت هاست. و اگر با مقام و قدرتی که داری، دچار تکبر یا خود بزرگ بینی شدی به بزرگی حکومت پروردگار که برتر از تو است بنگر، که تو را از آن سرکشی نجات می دهد، و تند روی تو را فرو می نشاند، و عقل و اندیشه ات را به جایگاه اصلی باز می گرداند (نهج البلاغه: ۴۷).

اگر نظام اسلامی این مطلب را سرلوحه اقدامات خویش قرار دهد تمام تلاش و هم خود را صرف این مطلب خواهد کرد که بر عده و عده سپاه حق بیفزاید و در مقابل از تعداد سپاهیان مقابل بکاهد و الا با نگاهی تنگ نظرانه می توان همه را به جرم شیعه نمودن از تیغ بی مهری گذراند و همه را به یکباره دشمن خواند. آنچه در بالا آمد در سطح حاکمان قابل تعریف است و اگر اقدام نابجا یا نابهنگام داشته باشیم مردم را همراه آنان خواهیم دید و اگر در زمان مناسب ضربه بجا را به دشمن وارد کنیم شاهد نتیجه ای معکوس خواهیم بود.

مشکلات در جبهه خودی

البته در مواردی که در ادعیه و روایات از کثرت عدو سخن به میان آمده بی درنگ پس از آن صحبت از قلت عددنا و کمی سپاه خودی چشم نوازی می کند. برای شناسایی دقیق سپاه و جبهه خودی لازم است این موارد را در نظر داشته باشیم:

- کمبود نیروهای فعال در جبهه حق از حیث عده و عده؛
- اشتغال و دغدغه مندی عموم به حطام دنیا برای رفع حوائج اولیه یا تکاثر و تفاخر؛
- تفرقه شدید و نبود روحیه اتحاد در برابر دشمنان؛
- سلطه جدی هواهای نفسانی در نبرد با دشمن و حضور «من» در تمام مناسبات

فردی و اجتماعی ما؛

- غفلت و تغافل نسبت به دشمن؛
- فقدان شجاعت و تعلق خاطر به دنیا؛
- غفلت جدی نسبت به نقش تاریخی امروز ما در ادامه گذشته و در مسیر آینده؛
- وجود منافقان در سپاه حق؛
- تقریر خنثی و سوء برداشت از اسلام و تشیع مبتنی بر جهاد و شهادت.

بایسته‌های دولت زمینه‌ساز

انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام برای تحقق عدالت جهانی به معنای اعم و اتم آن است و با رخداد آن هر حقی با صاحب آن حق داده می‌شود و استعداد های همگان شکوفا می‌گردد؛ از همین رو دولت زمینه‌ساز باید در همین راستا گام برداشته و مقدمات آن انقلاب بزرگ را فراهم آورد. برخی از این اقدامات را چنین می‌توان برشمرد:

۱. لزوم دقت و بازنگری در شرایط تاریخی و زمانی که در آن به سر می‌بریم؛
۲. لزوم دقت و بازنگری در وضعیت روانی و عاطفی شکننده جمعی مردم ساکن در این جغرافیای خاکی؛
۳. ضرورت ایجاد بستر مناسب روحی در مردم در مقابله جمعی با توطئه‌های بالفعل و بالقوه امپریالیسم جهانی؛
۴. بازسازی فکری و اخلاقی جوانان در عصر بحران هویت و هویت مبتنی بر آخرین و بزرگترین سرمایه‌های فرهنگی این دیار؛
۵. انجام تکلیف بزرگ مبتنی بر آموزه‌های دینی در عصر غیبت و غفلت؛
۶. ضرورت آگاهی بخشی بزرگ برای در امان ماندن مردم از گرداب شبهات و تردیدهای آستانه ظهور (شفیعی سروستانی، ۱۳۸۶: ۲۱۵)؛
۷. زنده کردن نقش اسلام در عصر کنونی؛
۸. تشکیل دولت نوین اسلامی؛
۹. آینده نگری و ایجاد آگاهی عمومی نسبت به اسلام؛
۱۰. عرضه کردن اسلام به عنوان تمدن نوین برای جوامع بشری؛
۱۱. نبرد با وابستگی‌ها و برانگیختن روح همبستگی اسلامی؛

۱۲. آگاه کردن مردم از فتنه‌ها برای زمینه‌سازی ظهور حضرت ولی عصر (عج)؛
۱۳. برانگیختن روح فداکاری و پرورش خیل منتظران؛
۱۴. بازسازی و بازنگری در تمام مناسبات نظری و عملی با رویکرد انتظار؛
۱۵. گسترش احساس مظلومیت حق و مبارزه تمام قد و با تمام توان در برابر ظالمان؛
۱۶. مبارزه با ستمگران و مقاومت در برابر مکاید آنان؛
۱۷. عمومی کردن عرفان اصیل توحیدی؛
۱۸. عرضه کردن اسلام ناب محمدی؛
۱۹. به وجود آوردن حالت انتظار برای ظهور مهدی موعود (عج).

نتیجه‌گیری

در دین مبین اسلام از جاذبه به تولی و از دافعه به تبری یاد شده است. «تولی و تبری» دو اصطلاح قرآنی است که از دیدگاه شیعه از جمله فروع دین و از واجبات اسلام شمرده می‌شود. این دو واژه، به ترتیب، به معنای دوستی با دوستان خدا و نزدیکی به اهل حق و دشمنی با دشمنان خدا و دوری از اهل باطل است. در اصطلاح «تولی» به معنای اعتقاد به امامت و خلافت ائمه اطهار (ع) و اظهار دوستی و علاقه نسبت به ایشان و تبری به معنای دشمنی و بیزاری از دشمنان آنان و لعن و نفرین بر آن‌هاست. در نگاه سنتی تبری مصداق محدود و کوچکی داشته است و غالباً در لعن و نفرین خلاصه می‌شد؛ لیکن در دوره کنونی با توجه به تعدد فوق العاده دشمنان و کثرت روش‌ها و ابزار دشمنی‌ها برای هر نوع مقابله و اقدام بجایی می‌بایست پیش از هر چیز دشمن و راه دشمنی او را شناخت تا بتوان به نحو احسن با او مقابله نمود. به همین منوال تولی نیز دچار تحول در نحوه برنامه‌ریزی شده؛ زیرا با توجه به دشمنان بیشتر و قویتر طبیعتاً باید سپاه خودی در تمام میادین فکری و عملی چنان رشد و ارتقایی بیابد که بتواند با همه دشمنان مقابله نموده و در برابر دشمنی‌های آنان تاب مقاومت داشته باشد و الا با غفلت یا تغافل تنها و تنها نسبت یکی از این همه دشمن آسیب خواهد دید. بنا بر روایات تولی بی‌تبری معنا ندارد و دولت منتظر و زمینه ساز هم باید به خوبی دشمنان را رصد نموده و هم تمام تلاش خود را برای افزودن به خیل یاران امام عصر (عج) بنماید و زمینه‌های ظهور ایشان را در تمام جهان مهیا سازد.

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. جمعی از مولفان (۱۳۸۶ش). *معجم احادیث الامام المهدی (ع)*. قم: مسجد مقدس جمکران.
۴. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۷۰ش). *اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات*. قم: حوزه علمیه.
۵. شفیعی سروستانی، اسماعیل (۱۳۸۶ش). *از اینجا تا دولت کریمه*. تهران: موعود عصر (ع).
۶. صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۴۲۲ق). *منتخب الاثر*. قم: مکتب المولف.
۷. صدوق، محمد بن علی (بی تا). *علل الشرائع*. قم: مکتبه الداوری.
۸. طبرسی، (۱۳۹۰ق). *إعلام الوری بأعلام الهدی*. تهران: اسلامیه.
۹. قمی، عباس (۱۴۱۶ق). *سفینه البحار و مدینه الحکم والآثار*. تقدیم و اشراف: علی اکبر الهی خراسانی. مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
۱۰. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق). *بحار الأنوار*. بیروت: مؤسسة الوفاء.
۱۱. مطهری، مرتضی (۱۳۸۹ش). *مجموعه آثار*. تهران: صدرا.
۱۲. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق). *الغیبه*. تهران: صدوق.

13. <http://mouood.org>

کارکرد فنون فضای مجازی در ترویج امامت و مهدویت

سید محمود اسماعیلی^۱

چکیده

در عصر حاضر فضای مجازی موجب شده بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی و تبادلات اطلاعاتی در بستر فضای مجازی انجام شود، ظرفیت فضای مجازی که یکی از ابزارهای مهم ارتباطی در بستر انتقال اطلاعات می‌باشند و هم‌زمان، دو حس بینایی و شنوایی را متأثر می‌کند و همین ویژگی، آن را در جایگاهی برتر از سایر رسانه‌ها قرار می‌دهد، که همین موضوع باعث شده تا فضای مجازی، بخشی از اوقات مخاطبان را به خود اختصاص دهد، بر این اساس افراد با ورود به شبکه‌های مجازی وارد جامعه‌ی جدیدی به نام جامعه مجازی می‌شوند که از آن تأثیر می‌گیرند، با اینکه فضای مجازی آسیب‌هایی را به همراه دارد، اما جنبه‌های مثبتی نیز دارد که با به کارگیری صحیح از فضای مجازی می‌توان از ظرفیت آن به درستی استفاده نمود، یکی از این ظرفیت‌ها آگاهی بخشی به مخاطبان در ترویج امامت و مهدویت است، در عصر حاضر که زمان غیبت امام زمان علیه السلام است، وظیفه مومنان، فراهم‌سازی مقدمات ظهور حضرت می‌باشد، یکی از مهم‌ترین وظایف منتظران ظهور ترویج امامت و مهدویت است، که با توجه به قابلیت و کارکرد فضای مجازی، می‌توان در سطح وسیعی به ترویج فرهنگ مهدویت پرداخت. در این تحقیق به سه مورد از کارکردهای فضای مجازی در ترویج امامت و مهدویت پرداخته شده که عبارت‌اند از: آگاهی بخشی در شناخت امامت و مهدویت، تقویت باور مهدویت، الگودهی فرهنگ امامت و مهدویت. روش تحقیق در این پژوهش به صورت تحلیلی - توصیفی است که با مراجعه به کتاب‌ها، مقالات و سایت‌های مرتبط استفاده شده است.

کلمات کلیدی

فضای مجازی، امامت، مهدویت، فرهنگ‌سازی.

۱. طلبه سطح چهار حوزه علمیه؛ عضو هیأت علمی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه. ایران.
sayedmahmodesmaeili@gmail.com

مقدمه

باتوجه به اینکه ظهور منجی از اعتقادات ادیان آسمانی است، خدای متعال همواره پیامبران و امامان معصوم علیهم السلام را به عنوان راهنمایان بشر قرار داده است که آمدن منجی را که فرزندی از فرزندان پیامبر خاتم است را بشارت داده‌اند، شیعیان معتقدند، امام دوازدهم، حضرت مهدی علیه السلام که از فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله است هم اکنون غایب است و زمانی فرا می‌رسد که ظهور می‌کند و زمین را پر از عدل و داد می‌کند. کامل‌ترین فرهنگی که می‌تواند افکار انسان را به سوی نور و روشنایی هدایت کند و از ظلمت‌ها و تاریکی برهاند و زندگی سالم همراه با امنیت و آرامش حقیقی را به وجود آورد فرهنگ اسلام است که تضمین‌کننده سعادت و کمال انسان‌ها و جوامع بشری است که برای رسیدن به این منظور باید در جامعه زمینه‌هایی را فراهم کرد که عقاید، باورها، ارزش‌ها، آداب و رسوم فردی و اجتماعی به سمت آموزه‌های قرآن کریم و سنت معصومین علیهم السلام رهنمون شود.

در عصر حاضر که دشمنان اسلام، بودجه‌های زیادی را برای انحراف جوانان خرج می‌کنند و آلات فساد، مانند ماهواره به وفور در جامعه پیدا می‌شود و زمینه‌ی فساد برای جامعه خصوصاً جوانان فراهم شده و هجمه فرهنگی به باورها و اصول اعتقادات دینی و ارزش‌ها توسط مستکبران علیه جوامع شکل گرفته است، بنابراین نهادهای فرهنگی در جوامع اسلامی موظف‌اند به مقابله با تهاجم فرهنگی بپردازند، فرهنگ‌سازی، در جامعه اسلامی از ضروری‌ترین مسائلی است که باید مورد اهمیت قرار بگیرد، و با فراگیری فنون و کارکرد فضای مجازی می‌توانیم از این قابلیت برای ترویج فرهنگ مهدویت بهره‌مند شویم. شناخت وجود مقدس امام زمان علیه السلام بسیار مهم و ارزشمند است برای یاری حضرت باید امام زمان علیه السلام را بشناسیم زیرا تا امام زمان را نشناسیم، نمی‌توانیم ایشان را یاری کنیم، تنها هنگامی انسان در انتظار کسی می‌نشیند که او را خوب بشناسد، اما اگر انسان، کسی را شناسد و بداند که آن شخص خواهد آمد برایش اهمیتی نخواهد داشت و منتظر او نخواهد ماند. در مورد انتظار امام زمان علیه السلام هم چنین است. کسانی که آن حضرت را نمی‌شناسند، مانند کفار و یا اهل ادیان دیگر، هرگز انتظار او را نمی‌کشند، اما کسانی که او را می‌شناسند و ارزش او را می‌شناسند و مقام او را می‌دانند، منتظر او می‌مانند، بنابراین با استفاده از کارکرد و فنون فضای مجازی می‌توان به ترویج مهدویت پرداخت.

مفاهیم

فضای مجازی

فضای مجازی که در مقابل فضای واقعی و حقیقی است، یک مفهوم عام برای توصیف فناوری دیجیتال به هم پیوسته و گسترده است. (جلیلی: مفهوم سایبر در تبیین و خلق فضای معماری) فضای مجازی شامل انواع شبکه‌های اجتماعی است، که از گروه‌هایی که عموماً فردی یا سازمانی هستند، تشکیل شده است و به واسطه یک یا چند نوع از وابستگی‌ها به هم متصلند، که در فضای اینترنت فعالیت دارند و با اهداف و انگیزه‌های مختلف وارد این شبکه‌ها می‌شوند مانند: شبکه‌های داخلی، و خارجی. (فقیه آرام و همکاران، ۱۳۹۴: ۵) اینترنت، سیستمی جهانی از شبکه‌هایی از کامپیوترهای به هم پیوسته است که توسط تکنولوژی‌های الکترونیکی، بی‌سیم، و نوری به یکدیگر، متصل شده‌اند و محدوده وسیعی از منابع اطلاعاتی را در خود جای داده است». (آذر کمند، احسان، سایت pajuhesh.irc.ir).

مهدویت

«مَهْدَوِیت» واژه‌ای عربی و از ریشه «مهدی» است که به صورت مصدر، با اضافه شدن «ت» به «مَهْدَوِی» ساخته شده است، مهدوی به معنای مربوط بودن به مهدی است، مانند واژه عَلَوِی و حَسَنِی. «ت» در واژه «مهدویت»، تای تأیید است و به واسطه حذف شدن موصوف آمده است؛ یعنی در اصل «طریقه مهدویه» یا مانند آن بوده است. (طریحی: ۴۷۵/۱) فرهنگ عمید نیز در این باره می‌نویسد: مهدویت در لغت به معنای روش، رفتار، فکر و عقیده‌ای که به حضرت مهدی (عج) انتساب داشته باشد. (عمید: ۲۳۳/۱). پس مهدویت به معنای معتقد بودن به وجود حضرت مهدی (عج)، یا طریقه و رفتاری که منتسب به حضرت مهدی (عج) می‌باشد.

مهدویت در اصطلاح نیز متناسب با معنای لغوی آن یعنی اعتقاد و باور به وجود حضرت مهدی (عج) و مجموعه‌ای از قوانین و خط مشی‌ها که افراد جامعه را به سوی پیروی از امام زمان (عج) فرا می‌خواند و راه و رسم انتظار را به آنان می‌آموزد. (حسین، جاسم: ۳۴)

مهدویت در قرآن

برخی از آیات قرآن کریم نیز اشاره به مسئله مهدویت دارد که به چند نمونه از آن اشاره می‌شود:

۱. آیتی که بر ضرورت وجود امام تاکید دارد: از دیدگاه قرآن کریم، خدای متعال برای هر امتی امامی را انتخاب فرموده تا آنها را هدایت کند: «وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ»، (رعد / ۷) «و برای هر جامعه

راهنمایی هست.» امام صادق (ع) در تفسیر آیه فوق فرمود: «در هر زمانی امامی از خاندان ما وجود دارد که مردم را به آنچه رسول خدا (ص) آورده هدایت می‌کند.» (طباطبایی: ۱۱/۴۱۶)

۲. آیاتی که بشارت به حکومت صالحان و مؤمنان بر روی زمین می‌دهد: مثل آیه شریفه: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء/ ۱۰۵) در روایات زیادی این آیات را به مسئله ظهور و مهدویت نسبت داده‌اند. در آیه‌ای دیگر خداوند حکومت و جانشینی مومنان و صالحان را به عنوان وعده الهی بر بندگان مومن خود بیان می‌کند و امنیت و آرامش را مژده می‌دهد: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا» (نور/ ۵۵) روایات صادر شده از امامان شیعه این آیات را بر امام زمان و اصحاب او منطبق کرده‌اند. (حویزی: ۳/۶۱۷)

با توجه به اینکه ظرفیت فضای مجازی به گونه‌ای است که مرز زمان و مکان را درنور دیده و اطلاع رسانی به مخاطبان در کمترین زمان ممکن انجام می‌شود، یکی از مهم‌ترین وظایف منتظران ظهور ترویج امامت و مهدویت است، در روایتی از امام رضا (ع) آمده است که حضرت می‌فرماید: «رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرَنَا» فَقُلْتُ لَهُ: «فَكَيْفَ يُحْيِي أَمْرَكُمْ؟ قَالَ: يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَيُعَلِّمُهَا النَّاسَ، فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا» (محمدی ری شهری: ۸/ح ۱۳۷۹۷) «امام رضا (ع) فرمود: خداوند، رحمت کند آن بنده‌ای را که امر ما را زنده کند، شخصی سوال کرد چگونه امر شما را زنده کند؟ حضرت فرمود: علوم ما را فراگیرد و به مردم بیاموزد، که اگر مردم زیبایی‌های گفتار ما را می‌دانستند، از ما پیروی می‌کردند.»

بنابراین با توجه به قابلیت و کارکرد فضای مجازی، می‌توان در سطح وسیعی به ترویج فرهنگ امامت و مهدویت پرداخت و زیبایی کلام اهل بیت (ع) را بر همگان آشکار کرد، در این تحقیق به سه مورد از کارکردهای فضای مجازی در ترویج امامت و مهدویت پرداخته شده که عبارت‌اند از: (۱) آگاهی بخشی در شناخت امامت و مهدویت (۲) تقویت باور مهدویت (۳) الگودهی فرهنگ امامت و مهدویت.

به سه مورد از مهم‌ترین کارکردهای فضای مجازی برای ترویج امامت و مهدویت اشاره می‌شود:

۱. آگاهی بخشی در شناخت امامت و مهدویت

یکی از مهم‌ترین کارکردهای، مهم فضای مجازی برای ترویج امامت و مهدویت آگاهی بخشی است که فضای مجازی، ظرفیت بسیار خوبی برای این منظور است، چنانچه رهبر معظم انقلاب همواره از ظرفیت فضای مجازی برای آگاهی بخشی به افراد جامعه در اقصای نقاط جهان

استفاده می‌کند (رهبر معظم انقلاب، در نامه‌ای خطاب به دانشجویان باوجدان حامی مردم فلسطین در دانشگاه‌های آمریکا، ضمن ابراز همدلی و همبستگی با اعتراضات ضد صهیونیستی این دانشجویان، آنان را بخشی از جبهه مقاومت دانستند جوانان عزیز دانشجو در ایالات متحده آمریکا! این، پیام همدلی و همبستگی ما با شما است. شما اکنون در طرف درست تاریخ که در حال ورق خوردن است ایستاده‌اید.) با توجه به اینکه، معرفت و شناخت امامت، از ضروریات زندگی هر انسانی است، چرا که از یک سو معرفت صحیح امام بر هر فردی واجب بوده و نبود آن، مرگ جاهلیت را به دنبال دارد، چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» (مجلسی: ۳۲/ ۳۳۱)؛ هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مردن جاهلیت از دنیا رفته است».

قیام حضرت مهدی علیه السلام نهضتی جهانی و فراگیر است که شیعیان و یاران باوفای امامان معصوم علیهم السلام در آن نقشی بنیادی دارند، یکی از راه‌های یاری نمودن امام زمان علیه السلام نیز ترویج فرهنگ مهدویت و عدالت جهانی توسط حضرت مهدی علیه السلام است که هر فردی می‌تواند با استفاده از فضای مجازی در این امر مهم سهیم باشد خصوصاً اقشار فرهنگی جامعه، نهادهای فرهنگی، باید با استفاده از امکانات و فناوری فضای مجازی به این موضوع مهم بپردازند زیرا شناخت امام زمان علیه السلام و مصلح جهانی و آگاهی از زندگانی او، نقش مهم و تعیین کننده‌ای در زندگی افراد دارد و حرکت آنان را تنظیم می‌کند. این شناخت دو جنبه دارد، اول معرفی امام زمان علیه السلام که او کیست و زندگانی او به چه صورت است؟ دوم معرفت شخصیت ایشان که جایگاه آن حضرت در نظام هستی کجاست و چه آثاری بر آن مترتب است و ما چه وظایفی در قبال امام داریم؟ روایت است از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله که فرمود: بالاترین جهاد امت من انتظار فرج است، بنابراین باید با فرهنگ‌سازی در فضای مجازی، موضوع مهدویت و انتظار فرج را در جامعه نهادینه کنیم، امروز خیلی از افراد هنوز با موضوع مهدویت بیگانه و نا آشنا هستند بنابراین یکی از اصلی‌ترین وظایف در باب مهدویت این است که یک منتظر واقعی در بعد علمی، عقلی و رفتاری پیرو واقعی امام باشد و ایمان و فضایل را در وجودش تقویت کند و در وهله اول به ولایت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام تمسک بجوید. از حضرت امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: خوشا به حال شیعیان ما، همان کسانی که تمسک می‌جویند به محبت ما در زمان غیبت قائم ما».

امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ ثَبَتَ عَلَى مَوَالِئِنَا فِي غِيَبَةِ قَائِمِنَا أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَجْرَ الْفِ شَهِيدٍ

من شهداء بدر و أحد (صدوق: ۳۲۳)؛ هر کس که در زمان غیبت امام زمان (عج) در ولایت ما اهل بیت (ع) ثابت قدم باشد پاداش هزار شهید از شهدای جنگ بدر و احد را به او می‌دهند.

بنابراین ترویج فرهنگ امامت و مهدویت در فضای مجازی، برای هدایت‌بندگان الهی برای ثابت قدم ماندن در مسیر امامت و مهدویت یکی از راه‌های زمینه‌سازی ظهور امام زمان (عج) است، پس هر کس به توفیق الهی بتواند وسیله‌ی هدایت افرادی را فراهم آورد، در حقیقت آن حضرت را در امر ترویج و تبلیغ دین یاری کرده و با این عمل نصرت الهی را محقق نموده است. بهره‌گیری از فنون و کارکردهای فضای مجازی به گونه‌ای است که می‌توان از این ظرفیت در معرفی امام زمان (عج) برای جهانیان هر کس به هر شکلی که برای او ممکن است باید در راهنمایی افراد گمراه و نادان تلاش کند که این شیوه، از بهترین عبادت‌ها و باعث نزدیکی به پروردگار است و مقصود از زنده کردن [نفس] در این آیه شریفه «وَمِنْ أَحْيَاها فَكأنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعاً»^۴ هر کس نفسی را زنده کند، گویا تمام مردم را زنده کرده است.

بنابراین ترویج فرهنگ امامت و مهدویت در درجه اول بر عهده دانشمندان و عالمان دینی و نهادهای فرهنگی است که با ترویج فرهنگ مهدویت در فضای مجازی و بهره‌گیری از این ظرفیت می‌توان جامعه را به رشد فکری و معرفتی رساند و افراد جامعه را به جایگاه و مقام امام زمان (عج) بصیر و نمود، بعد از پیامبر اکرم (ص) عدم بصیرت و آگاهی، مردم نسبت به نعمت ولایت و امامت، موجب غفلت و یاری نکردن معصومین (ع) شد و آنها نتوانستند حکومت عدل الهی را تشکیل دهند، در نتیجه در دنیا و آخرت دچار خسران و زیان شدند، اگر مردم به این بصیرت و آگاهی برسند که تشکیل حکومت امام معصوم (ع) در درجه اول به نفع آنهاست، و منصب، مقام و حکومت نزد ائمه معصومین (ع)، پست و بی‌ارزش است، چنانچه امیر مؤمنان (ع) در این باره می‌فرماید: مقام و حکومت نزد من از کفش وصله زده‌ای بی‌ارزش‌تر است، «عن ابن عباس، دَخَلْتُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع) بِذِي قَارٍ وَهُوَ يَخْصِفُ حَدِيثَ نَعْلِهِ، فَقَالَ لِي: مَا قِيَمَةُ هَذَا النَّعْلِ؟ فَقُلْتُ: لَا قِيَمَةَ لَهَا! فَقَالَ (ع): وَاللَّهِ لَهِيَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ إِمْرَتِكُمْ، إِلَّا أَنْ أُقِيمَ حَقًّا أَوْ أُدْفَعَ بِاطِلَالٍ». (نهج البلاغه: خطبه ۳۳).

ابن عباس نقل می‌کند: در مکانی به نام ذی قار، نزد امیر مؤمنان (ع) آمدم که مشغول وصله کردن کفش خویش بود به من فرمود: این کفش، چند می‌ارزد؟ گفتم: ارزشی ندارد فرمود: به خدا سوگند که این کفش در نزد من، محبوب‌تر از فرمان‌روایی بر شماست، مگر آن که حقی را به پا دارم، یا باطلی را از میان بردارم.

بصیرت و آگاهی نسبت به مقام و جایگاه امام زمان (عج) زمینه را برای تشکیل حکومت



جهانی امام زمان (عج) فراهم می‌کند، و با یاری نمودن امام زمان (عج) خیرات و برکات دنیوی و اخروی شامل حال همگان می‌شود بنابراین با وجود بصیرت و آگاهی، مردم دیگر امام زمان (عج) را تنها نمی‌گذارند، و زمینه را برای قیام جهانی حضرت مهدی (عج) که برپایی حکومت شایستگان بر پایه عدل و قسط است، آماده می‌کنند، در روایت است که پیامبر اسلام (ص) به یاران حضرت مهدی (عج) درود می‌فرستد و می‌فرماید: «خوشا به حال کسانی که قائم اهل بیت مرا ببینند و پیش از قیامش بدو اقتدا کنند، آنان دوستان من هستند که به آنان محبت می‌ورزم و تا قیامت گرامی‌ترین افراد امت نزد من اند.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۲ / ۱۳۰) و در روایتی دیگر می‌فرماید: «مثل آنان در زمین، مُشک است که هوا را خوشبو می‌کند و خود هرگز تغییر نمی‌کند و مثل آنان ماه تابان است که هرگز به تاریکی نمی‌گراید.» (همان: ۳۱۱)

اگر این روایات در فضای مجازی نشر پیدا کند قطعاً در بصیرت و آگاهی بخشی افراد جامعه بسیار موثر می‌باشد، امروزه با توجه به، اطلاع‌رسانی سریع اخبار و اطلاعات و تاثیرگذاری آن بر مخاطب، سلطه‌گران و دشمنان اسلام به خاطر منافع استکباری خود سعی در جلوگیری از ترویج مهدویت و شناخت امام زمان (عج) دارند و از طریق امکانات فضای مجازی تلاش می‌کنند به اهداف شوم خود برسند زیرا فهمیده‌اند که بهترین راه نفوذ در سایر کشورها نفوذ در فرهنگ آنان و استحاله درونی آن است آنان می‌خواهند ارزش‌های مورد پسند خود را ارزش‌های متمدنی جلوه دهند تا بتوانند آن را جایگزین معیارهای بومی و ملی ملت‌ها سازند که در فرهنگ ملت‌ها از این اقدامات به هجوم فرهنگی تعبیر می‌کنند و جایگزینی فرهنگ بیگانه با فرهنگ خودی به شکلی هوشیارانه است که بتوانند یک ملت و جامعه را نسبت به فرهنگ خود بیگانه و مطیع بیگانگان کنند، بنابراین اصحاب رسانه و فضای مجازی لازم است در جوامع اسلامی مراقب توطئه‌های دشمنان باشند و تمام تلاش و توان خود را برای ترویج فرهنگ امامت و مهدویت که مایه‌ی سعادت جهانیان و جامعه بشری است به کار گیرند به همین خاطر، پیامبران الهی، برای ترویج فرهنگ توحیدی، جدیت و تلاش خستگی‌ناپذیری را از خود نشان می‌دادند، این موضوع بیانگر اهمیت کار فرهنگی و فرهنگ‌سازی را می‌رساند که همه افراد اجتماع، خصوصاً نهادهای فرهنگی، با استفاده از فنون و کارکردهای فضای مجازی باید به این موضوع بپردازند.

۲. تقویت باور مهدویت

دومین کارکرد فضای مجازی برای ترویج امامت و مهدویت، تقویت باورهای مهدویت است، با توجه به تأثیرگذاری فضای مجازی بر فرهنگ جامعه، افرادی که با فضای مجازی سر و کار دارند خصوصاً اصحاب رسانه، می‌توانند ویژگی‌های عدالت جهانی که توسط حضرت مهدی (عج) فراهم می‌شود و مایه سعادت زندگی دنیوی و اخروی است را در فضای مجازی ترویج کنند و به تقویت باور مهدوی برای فرج و ظهور حضرت مهدی (عج) بپردازند و با فرهنگ سازی صحیح در فضای مجازی، باور مهدوی، را در جامعه نهادینه کنند، تقویت گسترش فرهنگ توحیدی، امدادهای الهی به مؤمنان، سرگذشت پیامبران و مبارزه با مستکبران، استقامت و پایداری در برابر مستکبران، از جمله اموری هستند که موجب تقویت باور مهدوی در افراد نسبت به فرهنگ دینی می‌شود که مؤمنان در این راه ترس و هراسی به دل راه ندهند و برای تحقق رسالت انبیای الهی و رسیدن به جامعه ایده آل و از بین بردن شبهات و شایعات و دروغ پردازی‌های فضای مجازی باید قیام نمود و به فرموده قرآن کریم: «قُلْ إِنَّمَا أَعْظُمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَىٰ وَفُرَادَىٰ... (سبأ / ۴۶) بگو: شما را تنها به یک چیز اندرز می‌دهم، و آن اینکه: دو نفر دو نفر یا یک نفر یک نفر برای خدا قیام کنید...». در تفسیر آیه شریفه امام صادق (ع) فرمود: برای یاری ولایت قیام کنید: «قَالَ بِالْوَلَايَةِ... أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَىٰ وَفُرَادَىٰ الْأَئِمَّةَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِمَا». (کوفی: ۳۴۵ / ۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۳ / ۳۹۱).

در روایت دیگری شبیه به همین مضمون آمده که از امام صادق (ع) در تفسیر آیه شریفه سوال شد حضرت فرمود: «منظور، توصیه به ولایت است». و منظور از مثنی (دوتایی)، اطاعت از رسول خدا (و امیرالمؤمنین (و منظور از فرادی (تنهایی و تکی)، اطاعت از امامانی است که از نسل آن دو، پس از آن دو می‌آیند، سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ [بْنَ مُحَمَّدٍ] (ع) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى قُلْ إِنَّمَا أَعْظُمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ قَالَ يَعْنِي بِالْوَلَايَةِ... أَمَّا مَثْنَىٰ فَيَعْنِي طَاعَةَ رَسُولِ اللَّهِ (ﷺ) وَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع) [وَأَمَّا قَوْلُهُ] وَ فُرَادَى فَيَعْنِي طَاعَةَ الْإِمَامِ مِنْ ذُرِّيَّتِهِمَا مِنْ بَعْدِهِمَا». (کوفی: ۳۴۶ / ۱)

دفاع از ارزش‌ها به عنوان رسالت فضای مجازی، برخاسته از همان ولایتی است که بر اساس آن، مؤمنان همدیگر را به ارزش‌ها فرمان می‌دهند و از ضد ارزش‌ها بازمی‌دارند، (طباطبایی: ۹ / ۳۸۸) «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ... (توبه / ۷۱) مردان و زنان باایمان، ولی (و یار و یاور) یکدیگرند؛ امر به معروف، و نهی از منکر می‌کنند». امروزه فضای مجازی از مهم‌ترین ابزارها هستند، حاصل اینکه فضای مجازی در عرصه دینی



نباید از حق نظارت الهی خود در مسیر دفاع از ارزش‌ها و تقویت باور توحیدی، غافل شود، بنابراین فضای مجازی با تبلیغ فرهنگ توحیدی و دفاع از ارزش‌ها نقش به سزایی در تقویت باورها دارد زیرا اعتقاد و باور انسان، زیربنای همه جهت‌گیری‌های او را تشکیل می‌دهد، بر اساس آموزه‌های قرآن کریم، فرهنگ توحید در رأس همه امور است، اگر فرهنگ توحیدی در جامعه رواج یابد و مؤمنین به بینش و آگاهی کافی برسند، زمینه برای ظهور امام زمان (عج) فراهم می‌شود و جهانیان آمادگی ظهور منجی عالم بشریت حضرت مهدی (عج) را پیدا می‌کنند.

همانطور که گفته شد یکی از مهم‌ترین کاربردهای فضای مجازی، انتقال خبر و اطلاعات است، در عصر حاضر که فضای مجازی وسعت زیاد و دامنه داری پیدا کرده است، مستکبران با دروغ پردازی و نیرنگ، آن را ابزاری برای رسیدن به خواسته‌های خود در نظر گرفته‌اند، و با القای شبهات و اخبار کذب در فضای مجازی، فرهنگ خود را به جوامع دیگر القا می‌کنند و اغراض سلطه جویانه‌ی خود را پیش می‌برند.

امروزه مستکبران با استفاده از فضای مجازی و شبکه‌های ماهواره‌ای در سراسر جهان، برای سیطره افکار و فرهنگ خود بر سایر جوامع در حال فعالیت و کتمان فرهنگ امامت و مهدویت هستند اگر جوامع اسلامی بتوانند از این فناوری به درستی استفاده کنند و از فنون فضای مجازی در جهت ترویج فرهنگ مهدویت استفاده کنند می‌توانند به تقویت باورها و فرهنگ مهدوی بپردازند و نقش مؤثری در زمینه سازی ظهور داشته باشند، دشمنان اسلام بسیاری از اهداف خود را از طریق شایعه پراکنی و القای شبهه در فضای مجازی پیش می‌برد که همان راه اغفال ملت‌ها و تبلیغات نادرست است و در بین ملت‌های مسلمان ایجاد شبهه و اختلاف می‌نماید و از این طریق سیطره فکری خود را بر کشورهای اسلامی تحمیل می‌کند، دشمنان اسلام و فرهنگ مهدوی در تلاش‌اند تا ذهن و اندیشه ملت‌ها به ویژه مسلمانان و خانواده‌های آن‌ها را مورد هدف قرار دهند، یکی از اهداف دشمنان تضعیف و تخریب هویت خانواده مسلمان است؛ زیرا از بین رفتن هویت خانواده سبب می‌شود اعضای آن نسبت به یکدیگر و جامعه احساس تعلق نکنند و مسئولیتی را نیز در قبال آن به عهده نمی‌گیرند، تبلیغ و ترویج بی‌بندوباری و هرزگی به وسیله شبکه‌های ماهواره‌ای در میان خانواده‌ها، شکستن قبح ارتباط دختر و پسر و زن و مرد از دسیسه‌های دشمنان است تا روابط غربی و غیر اسلامی را در جامعه ایران رواج دهند و با ایجاد ابهام و تردید در اذهان خانواده‌ها مانند: اجباری نشان دادن حجاب آنان بدون اینکه از حقوق زن در نظام خانواده در اسلام مطلع باشند یا از فلسفه حجاب آگاهی

داشته باشند، حجاب زن را مانع رشد او می‌دانند و با ارائه اخبار و اطلاعات ناقص در جهت منافع استکباری خود تلاش می‌کنند نکات مثبت و ارزشمند فرهنگ اسلام را منفور جلوه دهند و با از بین بردن مسائل معنوی مانند: شکستن اعتقاد معنوی خانواده‌ها، تضعیف جهاد و شهادت، تخریب اخلاق اسلامی، ترویج مصرف‌گرایی، به اهداف خود برسند و جوامع اسلامی را به سوی انحراف و نابودی بکشانند، در این میان اگر بخش‌های مسئول در عرصه فضای مجازی با آگاهی بخشی به افراد جامعه را نسبت شبهات و شایعات برحذر دارند، در این زمینه افرادی که در زمینه فضای مجازی فعالیت دارند می‌توانند با آگاهی بخشی مردم را از حقایق آگاه کنند قرآن کریم یکی از دسیسه‌های کفار در مقابل حقانیت قرآن را آمیخته کردن امور باطل به حقایق، بیان می‌فرماید: «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَبُونَ» (فصلت / ۲۶) و کسانی که کافر شدند گفتند: به این قرآن گوش ندهید و سخن لغو در آن داخل کنید، شاید بر آن غلبه کنید».

نکته‌ای که از آیه شریفه به دست می‌آید این است که کفار همواره سعی می‌کنند با آمیخته کردن امور باطل به حقایق، اعتقادات و باور افراد جامعه را به انحراف بکشانند، این يك روش قدیمی برای مبارزه در برابر نفوذ حق است که امروز نیز به صورت گسترده‌تر و خطرناک‌تری ادامه دارد که برای منحرف ساختن افکار مردم و خفه کردن صدای منادیان حق و عدالت، محیط را آن چنان پر از جنجال می‌کنند، که هیچکس صدای آنها را نشنود، با توجه به اینکه «لغو» معنی گسترده‌ای دارد هر گونه کلام بیهوده‌ای را شامل می‌شود، وسعت این برنامه روشن خواهد شد. (مکارم شیرازی: ۲۰ / ۲۶۵)

در عصر حاضر نیز دشمنان اسلام با استفاده از رسانه‌ها و فضای مجازی مانند همین شیوه که امروز به نام «جنگ نرم» مطرح می‌شود سعی می‌کنند حقایق را دچار انحراف کنند و با از بین بردن فرهنگ مهدویت که امید تمام مستضعفان جهان و بشریت است اعتقادات افراد جامعه را تضعیف کنند، بنابراین با جهت‌دهی صحیح استفاده از امکانات فضای مجازی می‌توان شبهات دشمنان را خنثی کرد و باور مهدویت، و فرهنگ مهدوی را برای افراد تقویت نمود.

۳. الگودهی فرهنگ امامت و مهدویت

سومین کارکرد فضای مجازی در ترویج امامت و مهدویت، الگودهی صحیح به مخاطبان است، فضای مجازی در تعیین گروه‌های مرجع؛ یعنی افراد یا گروه‌هایی که معیار ارزیابی رفتار افراد



هستند، نقش موثری دارد، بنابراین با استفاده از ظرفیت فضای مجازی می‌توان با الگودهی فرهنگ امامت و مهدویت، برای افراد جامعه به ترویج فرهنگ مهدویت، پرداخت، با توجه به اینکه روش الگویی پایه و اساس بسیاری از یادگیری‌های انسان به شمار می‌رود. (قائمی مقدم، ۱۳۸۹: ۲۵) بهره‌گیری از الگو در منابع اسلامی نیز مورد اهمیت قرار گرفته است زیرا در تمام امور و مراحل زندگی کاربرد دارد و از آنجا که محتوای تربیت را به صورت عینی و عملی ارائه می‌دهد، در انتقال مفاهیم و آموزش برنامه‌های تربیتی بسیار مؤثر است، با توجه به قابلیت ارتباطی وسیع فضای مجازی و تأثیرگذاری آن بر جامعه، الگودهی فرهنگ ارزشی توسط فضای مجازی بر جامعه‌پذیری بسیار مؤثر است، بنابراین با بهره‌مندی از کارکرد و فنون فضای مجازی و ظرفیت بسیار بالایی که در تأثیرگذاری و اقناع مخاطبین، دارد می‌توان با معرفی سیره و روش امام زمان علیه السلام به عنوان الگوی نیکو در تمام زمینه‌ها نقش به سزایی در الگودهی فرهنگ اسلامی در جامعه ایفا کنیم، مخاطبین نیز به دلیل فطرت کمال خواهی، زمانی که با الگویی روبرو می‌شود و کمال مطلوبشان را با آن مطابق می‌بینند از نظر عاطفی نوعی قرابت و هماهنگی بین خود و الگو برقرار می‌کنند، از سوی دیگر، احساس نیاز به آن کمال که در الگو هست سراسر وجود الگوپذیر را می‌گیرد و این دو عامل؛ یعنی هماهنگی عاطفی با الگو و احساس نیاز به او، باعث می‌شود که الگوپذیر به دنبال الگو برود و الگو را مصداقی خارجی و عینی برای اهداف و آرزوهای خویش، می‌بیند تا با بهره‌گیری از الگو به کمال مطلوب خود دست پیدا کند، بنابراین هر قدر الگوها از کمال بیش‌تری برخوردار باشند، دایره تأثیر آن‌ها در الگوپذیر بودن بیشتر است با توجه به ظرفیت فضای مجازی می‌توان امام زمان را به عنوان الگوی تمام آزادی‌خواهان جهان معرفی نمود تا اقشار مختلف جامعه خصوصاً جوانان از الگوهای غربی که موجب تهاجم فرهنگی است پیروی نکنند. امام خمینی علیه السلام در خصوص اهمیت رسانه و مدیریت ارزشی رسانه که مرتبط با بستر فضای مجازی است می‌فرماید:

تلویزیون و رادیو برای آموزندگی، پرورش ملت باشد و به جوان‌های ما قدرت بدهد و از مطالب غیرمفید بپرهیزد، اگر این رسانه‌ها آموخته باشند، یک دستگاهی باشد که آن تباهی‌ها، چیزهایی که جوان‌های ما را به تباهی کشید و می‌کشد، حذف بشود و به جای آن آموزندگی باشد، امور اخلاقی باشد، امور فرهنگی باشد، چیزهایی که به درد جوان‌های ما می‌خورد و جوان‌های ما را تربیت می‌کند جامعه به سوی تعالی و پیشرفت

سوق پیدا می‌کند». (امام خمینی، ۱۳۸۹: ۱۲ / ۲۸۰)

از این رو، براسلامی شدن برنامه های آن تأکید دارد و افزون برآن، به سبب سرعت انتقال مطالب و اخبار و دسترسی همه مردم به آن، وجود هرگونه بدآموزی در برنامه های صداوسیما را گناهی نابخشودنی معرفی می کند.

اهمیت نقل احادیث، و بیان معارف و رساندن کلمات و علوم ائمه طاهریین علیهم السلام به مردم که به احیاء امر آنها تعبیر شده است، به این است که سخنان و علوم و معارف ایشان، نشر، داده شود و فضای مجازی بهترین ظرفیت برای این کار است، احادیث و سخنان جامع و دعاهائی که از اهل بیت علیهم السلام به یادگار مانده است، همه پس از کتاب خدا، در اوج فصاحت قرار دارد که نمونه بارز آن، نهج البلاغه حضرت امیرمومنان علی علیه السلام است که «كَلَامُهُ دُونَ كَلَامِ الْخَالِقِ وَفَوْقَ كَلَامِ الْمَخْلُوقِينَ» (ابن ابی الحدید: ۱/۱۲) می باشد و بزرگ ترین فصحاء اعصار در برابر آن فروتنی و خضوع خود، و عظمت آن را اظهار کرده اند، و هم چنین صحیفه سجادیه که به انجیل اهل بیت، و زبور آل محمد علیهم السلام نامیده شده است، این زیبایی ها و جاذبه های لفظی و ادبی قرآن و کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله، و ائمه طاهریین علیهم السلام، موجب جذب فطرت های پاک می شود که بهره مندی از فضای مجازی برای بینش و آگاهی بخشی به مخاطبان بسیار مؤثر است.

نتیجه گیری

یکی از مسائل مهمی که در عصر حاضر با آن مواجه هستیم مساله غیبت امام زمان علیه السلام است، که فراهم سازی مقدمات ظهور وظیفه ای همگانی است، طبق تعالیم اسلامی، یک منتظر واقعی، باید آداب و اصولی را رعایت کند تا بتواند امام زمان علیه السلام را یاری کند، با توجه به قابلیت و کارکرد فضای مجازی، می توان در سطح وسیعی به ترویج فرهنگ مهدویت پرداخت، بنابراین ضرورت دارد نهادهای فرهنگی با فراگیری فنون و کارکرد فضای مجازی از این قابلیت برای ترویج فرهنگ امامت و مهدویت بهره بگیرند.

از آنجا که شناخت وجود مقدس امام زمان علیه السلام بسیار مهم و ارزشمند است برای شناخت امام زمان علیه السلام و معرفی حضرت به جهانیان می‌توانیم از ظرفیت فضای مجازی برای این موضوع بهره‌گیریم؛ زیرا تا امام زمان را نشناسیم، نمی‌توانیم ایشان را یاری کنیم، تنها هنگامی انسان در انتظار کسی می‌نشیند که او را خوب بشناسد، اما اگر انسان، کسی را نشناسد و بداند که آن شخص خواهد آمد برایش اهمیتی نخواهد داشت و منتظر او نخواهد ماند. کسانی که آن حضرت را نمی‌شناسند، مانند کفار و یا اهل ادیان دیگر، هرگز انتظار او را نمی‌کشند، اما کسانی



که او را می‌شناسند و ارزش او را می‌شناسند و مقام او را می‌دانند، منتظر او می‌مانند، در نتیجه با استفاده از کارکرد و فنون فضای مجازی می‌توان به ترویج مهدویت پرداخت. در این مقاله به سه مورد از کارکردها و فنون فضای مجازی در جهت ترویج امامت و مهدویت اشاره شد که عبارتند از: (۱) آگاهی بخشی در شناخت امامت و مهدویت (۲) تقویت باور مهدویت (۳) الگودهی فرهنگ امامت و مهدویت.

یکی از مهم‌ترین کارکردهای، مهم فضای مجازی برای ترویج امامت و مهدویت آگاهی بخشی است که فضای مجازی، ظرفیت بسیار خوبی برای این منظور است، چنانچه رهبر معظم انقلاب همواره از این ظرفیت برای آگاهی بخشی به افراد جامعه در اقصی نقاط جهان، استفاده می‌کند با توجه به اینکه، معرفت و شناخت امامت، از ضروریات زندگی هر انسانی است، با استفاده از قابلیت فضای مجازی می‌توان به راحتی و در کمترین زمان ممکن به امامت و مهدویت پرداخت. دومین کارکرد فضای مجازی برای ترویج امامت و مهدویت، تقویت باورهای مهدویت است، با توجه به تأثیرگذاری فضای مجازی بر فرهنگ جامعه، افرادی که با فضای مجازی سرو کار دارند خصوصاً اصحاب رسانه، می‌توانند ویژگی‌های عدالت جهانی که توسط حضرت مهدی (عج) فراهم می‌شود و مایه سعادت زندگی دنیوی و اخروی است را در فضای مجازی ترویج کنند و به تقویت باور مهدوی برای فرج و ظهور حضرت مهدی (عج) بپردازند و با فرهنگ سازی صحیح در فضای مجازی، باور مهدوی، را در جامعه نهادینه کنند. سومین کارکرد فضای مجازی در ترویج امامت و مهدویت، الگودهی صحیح به مخاطبان است، با استفاده از ظرفیت فضای مجازی می‌توان با الگودهی فرهنگ امامت و مهدویت، برای افراد جامعه به ترویج فرهنگ مهدویت، پرداخت، با توجه به قابلیت ارتباطی وسیع فضای مجازی و تأثیرگذاری آن بر جامعه، با بهره‌مندی از کارکرد و فنون فضای مجازی و ظرفیت بسیار بالایی که در تأثیرگذاری و اقناع مخاطبین دارد می‌توان با معرفی سیره و روش امام زمان (عج) به عنوان الگوی نیکو در تمام زمینه‌ها به ترویج فرهنگ امامت و مهدویت، پرداخت.

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن فارس، ابوالحسن احمد بن فارس (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة. قم: مکتب الإعلام الإسلامی.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دار الفکر.
۵. امام خمینی، سید روح اله (۱۳۸۹ش). صحیفه نور. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۶. راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ القرآن الکریم. بیروت: دارالعلم.
۷. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: موسسه الاعلمی.
۸. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش). مجمع البیان لعلوم القرآن. تهران: ناصر خسرو.
۹. عمید، حسن (۱۳۶۵ش). فرهنگ عمید. تهران: امیر کبیر.
۱۰. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق). کتاب العین. قم: نشر هجرت.
۱۱. کوفی، فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰ق). تفسیر فرات الکوفی. طهران: وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی.
۱۲. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الانوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۳. معین، محمد (۱۳۹۱ش). فرهنگ معین. تهران: امیرکبیر.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۱ش). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

سایت‌ها:

۱. سایت pajuhesh.irc.ir. آذر کمند، احسان، رسانه و جنگ نرم.
۲. سایت: Khamenei.ir — سخنرانی رهبری، جهاد تبیین مقدمه‌ای برای اصلاح، تحول و مطالبه، ۱۴۰۰/۱۱/۱۹ش.
۳. سایت تسنیم نیوز؛ فضای مجازی، تهدید یا فرصت؟
<https://www.tasnimnews.com> tasnimnews.com › news



اهدای نوشتاری ارزشمند از امامت پژوه ارجمند به همایش در آستان نهج البلاغه

عبدالحسین طالعی^۱

چکیده

هر چه زمان می‌گذرد زیبایی و عظمت محتوای نهج البلاغه بیشتر روشن می‌شود و دانشوران رشته‌های گوناگون و علاقمندان مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) بیش از پیش در مورد نهج البلاغه ابراز نظر می‌کنند. بی‌شک بررسی دیدگاه‌های گوناگون پیرامون این میراث حدیثی و ادبی می‌تواند افق‌های تازه‌ای از شناخت نهج البلاغه به روی پژوهشگران باز کند. در این مقاله، پانزده یادداشت از بزرگان عرصه‌های مختلف دانش‌های دینی که اغلب از دوره معاصر هستند در مورد نهج البلاغه بیان شده که تعدادی از آنها برای نخستین بار منتشر می‌شود (شماره ۲ تا ۴) و بعضی هم برای نخستین بار از روی اصل دستخط بازخوانی شده است. (شماره ۵ تا ۱۴).

کلمات کلیدی

نهج البلاغه، شروح نهج البلاغه، نسخه شناسی، باز خوانی، معاصران.

مقدمه

در باره کتاب شریف نهج البلاغه از بدو پیدایش آن تا کنون که بیش از ده قرن می‌گذرد، بسیار گفته و نوشته‌اند. فهرست آثار مکتوب در این زمینه خود موضوع چندین کتابنامه است که در جای خود باید بررسی شود. علاوه بر این یادداشت‌های زیادی از بزرگان می‌توان یافت که هر یک به نوعی در آستانه این کتاب بی‌مانند سر تعظیم فرود آورده و نسبت به آن عرض ارادت کرده و یافته‌هایی بیان کرده‌اند.

دانستنی است که علامه محقق سید عبدالعزیز طباطبایی کتابی پر برگ و بار با عنوان فی رحاب نهج البلاغه نوشته است که متن کتاب در دست انتشار است، ولی بخش‌هایی از آن در زمان حیاتشان در مجله تراثنا منتشر شد. این یادداشت‌ها می‌تواند به نوعی در راستای آن کتاب باشد. در این گفتار، پانزده یادداشت کوتاه و بلند، از بزرگان عرصه‌های مختلف دانش‌های دینی در این مورد گرد آمده است که بعضی برای نخستین بار منتشر می‌شود (شماره ۲ تا ۴) و بعضی دیگر برای نخستین بار از روی اصل دستخط بازخوانی شده است. (شماره ۵ تا ۱۴).

توضیح کوتاه در مورد این یادداشت‌ها چنین است:

۱. نوشتاری از آیت الله سید علی سیستانی که در پاسخ به پرسشی نوشته و در عین ایجاز نکاتی مهم در بر دارد. این یادداشت از سایت رسمی معظم له نقل شده است.
۲. نوشتاری از آیت الله حسن حسن زاده آملی که در آغاز نسخه خطی نهج البلاغه موجود در کتابخانه شخصی خود نوشته‌اند. تصویر این نسخه در مرکز احیای میراث اسلامی به شماره ۸۶ عکسی نگهداری می‌شود. این بنده آن را از عکس نسخه یادشده موجود در کتابخانه تخصصی امیرالمؤمنین علی علیه السلام در مشهد مقدس نقل کرده‌ام.
۳. نوشتاری از استاد کتابشناس فقید مرحوم حجت الاسلام سید محمد جزایری در آغاز نسخه‌ای از نهج البلاغه که اکنون به شماره ۱۶۲۳۲-۵ در کتابخانه ملی نگهداری می‌شود.
۴. وقفنامه نسخه پیشین که در صفحه ۳۳ آن آمده است. واقف، علامه سید نعمه الله جزایری صاحب کتاب الأنوار النعمانیة و دیگر آثار ارزشمند است که در قرن دوازدهم آن را وقف کرده است. توضیح اینکه به دلیل آسیب دیدن نسخه کلماتی از آن محو شده است. ولی با این همه متن موجود ارزش تاریخی خود را دارد.

۵ تا ۱۴. یادداشت‌هایی در مورد نهج البلاغه که جمعی از فقها و مراجع در حدود سال ۱۳۹۳ قمری/ ۱۳۵۲ شمسی به درخواست آقای محمد مقیمی نوشته‌اند و او در آغاز ترجمه خود از



نهج البلاغه به خط آن بزرگان آورده است. به ترتیب حضرات آیات:

سید محمد هادی میلانی، سید محمود شاهرودی، سید ابوالقاسم خویی، سید محمد حسین طباطبایی، سید حسن بجنوردی، میرزا احمد آشتیانی، سید علی فانی اصفهانی، سید محمد صادق روحانی، شیخ بهاء الدین محلاتی، سید عبدالاعلی سبزواری.

۱۵. نوشتاری از رهبر معظم انقلاب، آیت الله سید علی خامنه‌ای که در آغاز نسخه خطی نهج البلاغه آورده‌اند. این نسخه به خط محمد بن حسین معروف به برهان نظامی است که تاریخ ذی الحجه ۶۷۴ هجری قمری دارد و معظم له پس از تملک، آن را به کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی اهدا کرده‌اند که اکنون به شماره ۲۵۰۸۴ در آن مرکز نورانی نگاهداری می‌شود. مانند شماره ۲ این یادداشت ارزشمند را از عکس نسخه یادشده موجود در کتابخانه تخصصی امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در مشهد مقدس نقل کرده‌ام.

امید است تدوین و بازخوانی این نوشتارها پژوهش‌های مربوط به نهج البلاغه را گامی به پیش ببرد و دل و جان ما را در آستان بلند وارث حکمت علوی در این روزگار، امام السرّ و العلن، حضرت حجة بن الحسن (علیه السلام) گامی نزدیکتر گرداند. آمین.

بسم الله الرحمن الرحيم

سماحة المرجع الديني الأعلى السيد السيستاني (دام ظله)

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

يرجى التفضل بذكر كلمة حول كتاب نهج البلاغة ودمتم ذخراً للإسلام والمسلمين.

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

ان ما تضمنه هذا الكتاب الشريف من كلام مولانا اميرالمؤمنين (علیه السلام) يعدّ في ذروة الكلام — بعد كلام الله تعالى و كلام نبيّه المصطفى (صلی الله علیه و آله) — لما فيه من بيان للمنهج الفطري للتفكر و التأمل في الكون و حقائقه، و بيان لاصول الإسلام و معارفه، و إيضاح لحكم الحياة و السنن التي يبتنى عليها، و تبیین لسبل تزكية النفس و ترويضها، و توضيح لمقاصد الشريعة و ما بنى عليها من الاحكام، و تذكير بأداب الحكم و شروطه و استحقاقاته، و تعليم لاسلوب الثناء على الله تعالى و الدعاء بين يديه و غير ذلك كثير.

كما انه من جهة اخرى مرآة صادقة للتاريخ الاسلامي و ما وقع فيه من الحوادث بعد النبي (صلی الله علیه و آله) خاصة في زمن خلافة الامام (علیه السلام)، و يتضمن جانباً مهماً من سيرته و خلقه و سجایاه و علمه و فقهه.

وحرى بالمسلمين عامة أن يستنبروا في أمور دينهم تعلموا وتزكية بهذا الكتاب ويهتموا - ولا سيما الشباب منهم - بمطالعتهم والتدبر فيه وحفظ طرف منه، كما يجدر بمن يدعون محبة الامام عليه السلام، ويتمنون انهم لو كانوا في عصره ليستمعوا إلى مواعظه ويهتدوا بهداه ويسيروا على نهجه أن يفعلوا ذلك في ضوء ما ورد في هذا الكتاب، ولقد قال عليه السلام في حرب الجمل انه حضره في هذه الحرب قوم من الناس لم يزالوا في اصلاب الرجال وارجام النساء. وانما عنى بذلك الذين علم الله منهم صدق النية فيما يتمنونه من الحضور في زمانه والاقتداء به في أفعاله، وهم الذين سيحشرون مع اوليائه.

يوم يحشر كل انسان خلف امامه، وذلك لانهم عملوا بما علموه من الحق من غير ان يعتذروا عن ذلك بالشبهات ويزينوا انتماءهم اليه عليه السلام بالأمانى. وينبغي لرجال الحكم من المسلمين أن يطبقوا ما بينه من وظائف امثالهم ويقتفوا اثره، و يتبعوا خطاه في سلوكهم واعمالهم، وليقدروا في انفسهم انهم بمثابة ولاته وعماله ليظهر لهم مقدار التزامهم بنهجه وتأسيهم به.

نسأل الله العلى القدير أن يأخذ بأيدي الجميع إلى إتباع الهدى واجتناب الهوى انه ولى التوفيق.

على الحسينى السيستانى

٢٦ / رجب / ١٤٣٣ هـ

[الأول]

وفي نسخة الرضى رضى الله عنه بعد قوله عليه السلام: <فارقه>:

وهذا حين انتهاء الغاية بنا إلى قطع المختار (المنتزع - خ ل) من كلام امير المؤمنين على بن ابي طالب صلوات الله عليه، حامدين الله (لله) سبحانه على ما من به من توفيقنا لضم ما انتشر من أطرافه وتقريب ما بعد من أقطاره ومقررين العزم كما شرطنا أولاً على تفصيل أوراق من البياض فى آخر باب من الأبواب لتكون الإقتناص الشارد واستلحاق الوارد، وما عساه أن يظهر لنا بعد الغموض، ويقع لنا بعد الشذوذ.

وما توفيقنا إلا بالله، عليه توكلنا وهو حسبنا ونعم الوكيل (نعم المولى ونعم النصير - نسخه). وذلك فى رجب من سنة اربعمائة والحمد لله و صلواته على سيدنا محمد وآله أجمعين. انتهى.

وقد فرغ من مقابلته بالنسخة التى قوبلت بنسخة السيد الرضى رضى الله عنه خادماً الشريعة المحمدية خادم الدين الحسن بن عبد الله الطبرى الأملئ ليلة الإثنين لأربع خلون من ذى الحجة من



سنة خمس وثمانين و ثلاثمائة بعد الألف [۱۳۸۵] من هجرة خاتم الأنبياء ﷺ القمرية في دارالعلم قم.

و سنتلو عليك الرموز التي اخترناها في هذه النسخة و الأوصاف التي كانت النسخة الأصل في الأوراق التالية به.

[الثاني]

بسم الله الرحمن الرحيم و له الحمد.

اعلم أنّ هذا الراجي رحمة ربه خادم الدين الحسن بن عبد الله الطبري الآملي المعروف بحسن زاده آملي، قد تشرف بمقابلة هذه النسخة بالنسخة التي عورضت على نسخة السيد الإمام الرضى رضى الله عنه. و قد تفضّل علينا صديقنا الفاضل السيد مهدي الحسيني اللاجوردى بالإطلاع عليها و الإستفادة منها و النسخة من جملة كتب مكتبته في دار العلم مدينة قم.

و كانت في هذه النسخة الحاضرة بالحمرة و عليها <صح> أو بالسواد نادرة و عليها علامة <صح> أيضاً. فهي نسخة السيد الرضى رحمه الله سواء نصّ بأنها نسخة السيد الرضى أم لا.

و ما كانت بالسواد او بالحمرة نادرة و عليها علامة <صح خ ل> أو <صح نسخة> أو <صح خ> فهي ليست نسخة الرضى سواء نصّ بأنها ليست من نسخة الرضى ام لا.

و كلما بلغت المقابلة في كل يوم و ليلة حدّاً كتبنا في هامشها: <بلغ قبلاً>. و لم آل جهداً في الدقّة في تصحيحها و مقابلتها.

فاعرف قدر هذه النسخة الشريفة النفيسة القيّمة.

و دونك صورة ما كانت مكتوبة في خاتمة النسخة التي عورضت على نسخة السيد الرضى:

۱. و فيه: بلغت المقابلة بنسخة السيد الإمام رضى الله عنه^۱ و الحمد لله على ذلك و صلواته

على سيدنا محمد و آله الطاهرين

۲. و فيه: كل ما هو بالحمرة على حواشى هذا الكتاب و في متنه فهو نسخة السيد الرضى

رضى الله عنه و ارضاه و جعل الجنة مثواه. و بحمد الله و حسن توفيقه و جزيل نعمائه و شمول عواطفه نقلت ما في المنتسخ عنه من الحواشى في نسختي هذه على الهيئة التي كانت فيه سواد او حمرة بعد ما كتبت اصلها منه، مراعيّاً لما كتب فيه بالحمرة كذلك متناً الا خمسة كرايس اشرت إليها في آخر كلّ كراس لما عرضتها عليه كما راعيته حاشية.

۱. و هو السيد ضياء الدين، الآتى ذكره.

وبذلت جهدى فى مطابقة نسختى لتلك النسخة متناً وحاشيةً فى أثناء كتابتى. وأنا أقلّ الأقلين ابن بابا جان الشيرازى غفر الله له ولوالديه بعلى وحسنه عليه السلام.

ثم عرضت نسختى هذه متناً عليها وقد كتب فى آخر كل كراس عورض و صحح و قرئ بالحمرة و السواد كما كتبته هنا، إشارة إلى أنها عرضت ... السيد بعد تصحيحها بنسخة غيره و ... نسختى عليها فى مجالس ... و الحمد لله ...

٣. فى آخر المنتسخ منه المنقول عنه: فرغت من قرائته على مولاي و سيدى الإمام الكبير العالم التحرير زين الدين جمال الإسلام فريد العصر محمد بن أبى نصر أدام الله ظلّه و كثر فى أهل الإسلام و الفضل مثله فى شهر ربيع الأول من شهور سنة سبع و ثمانين و خمسمائة هجرية. و بعد القراءة عرضت هذه النسخة على نسخة المقرؤة على السيد الكبير العلامة ضياء الدين علم الهدى قدس الله روحه و نور ضريحه و نقلت إليها ما وجدته فيها من النكت الغريبة و النتف العجيبة و صححتها غاية التصحيح، فصحت إلا ما زلّ عن النظر أو تهاب عن إدراك البصر. و لله الحمد و المنة و هو حسبي و نعم الحبيب.

٤. صورة ما فى المنتسخ كتبت أمامه قبل الشروع إلى أصله أحببت إيرادها و نقلها ليعرف الناظر البصير قدر نسختى التى نقلتها منه و هو حسبي و نعم الوكيل. و هى هذه:

قرأ و سمع على كتاب نهج البلاغة الأجلّ الإمام العالم الولد الأخصّ الأفضل جمال الدين زين الإسلام شرف الأئمة على بن محمد بن الحسين المتطبّب أدام الله جماله و بلّغه فى الدارين آماله قراءة و سماعاً يقتضيها فضله. و أجزت له أن يرويه عنى عن المولى السعيد والدى سقاه الله صوب الرضوان عن أبى معبد الحسنى عن الإمام أبى جعفر الطوسى عن السيد الرضى رضى الله عنه.

و رويته له عن الشيخ الإمام عبدالرحيم بن الإخوة البغدادى عن الشيخ أبى المفضل محمد بن يحيى الناقلى عن أبى نصر عبدالكريم بن محمد سبط بشر الديباجى عن السيد الرضى. و روى لى السيد الإمام ضياء الدين علم الهدى سقى الله ثراه عن الشيخ مكّى بن أحمد المخلطى عن أبى الفضل الثانى عن أبى نصر عن الرضى رحمهم الله.

و رواه لى أبى قدس الله روحه عن الشيخ الإمام أبى جعفر محمد بن على بن الحسن المقرئ النيسابورى عن الحسن بن يعقوب الأديب عمّن سمعه من الرضى رضى الله عنه.

كتبه على بن فضل الله الحسنى حامداً مصلياً فى رجب سنة تسع و ثمانين و خمسمائة. و فيه:



قرأ على الولد الأعزّ الأنجب جمال الدين أبونصر علي بن محمد بن الحسين المتطبّب أبقاه الله طويلاً وأتاه من فضله جزيلاً كتاب نهج البلاغة نسخته هذه من أولها إلى آخرها. وأجرت له روايته عنى عن السيد الإمام العالم العارف ضياء الدين تاج الإسلام علم الهدى ابى الرضا فضل الله بن على بن عبدالله الحسنى الراوندى بؤاه الله فى جرارة جنانه و نقل بالحسنات ميزانه، قراءة عليه عن ابن معبد عن ابى جعفر محمد بن الحسن بن على الطوسى عن الرضى الموسوى رضى الله عنه.

وعنى عن الأستاذ السعيد امين الدين ابى القاسم المرزبان بن الحسين المدعو ابن كميح و عن خال أبوى الأديب ابى الحسن محمد بن الأديب ابى محمد الحسن بن إبراهيم عن الشيخ جعفر الدورى عن الرضى رضى الله عنه و عنهم و عتّا جميعاً.

وكتب محمد بن ابى نصر بن محمد بن على سلخ شهر الله المرجّب رجب سنة سبع و ثمانين و خمسمائة هجرية نبوية حامدا و مصليا و مسلما على نبيه محمد و عترته أجمعين.

٦. و فيه: يقول العبد الضعيف أبونصر على بن ابى سعد بن الحسن بن ابى سعد الطبيب أسعده الله فى الدارين بحق النبى محمد سيد الثقلين عليه و على أهل بيته أفضل الصلوات و أمثل التحيات أجاز لى السيد الإمام الكبير ضياء الدين علم الهدى كتاب نهج البلاغة للسيد الإمام الرضى ذى الحسين ابى الحسن محمد بن الحسين بن موسى بن محمد بن موسى بن إبراهيم بن موسى بن جعفر بن محمد بن على بن الحسين بن على بن ابى طالب (عليه السلام) عن السيد المرتضى بن الداعى الحسنى عن الشيخ ابى عبدالله جعفر بن محمد الدورى عن رضى الله عنه؛

و الغريبين عن الشيخ زاهر بن طاهر النيسابورى المستملى عن ابى عثمان الصابونى عن ابى عبيد الهروى المؤدّب مصتفه (عليه السلام)؛

و غرر الفوائد و درر القلائد عن السيد حمزة بن ابى الأغزّ نقيب مشهد الحسين صلوات الله عليه عن ابن قدامة عن علم الهدى (رض)

و غريب الحديث لأبى عبيد القاسم بن سلام البغدادى عن أبى على الحسن بن أحمد بن الحسن الحدّاد عن ابى نُعيم الحافظ عن سليمان الطبرانى الشامى عن على بن عبدالعزيز البغوى عن ابى عبيد (عليه السلام).

و كذلك أجاز لى رواية جميع ما له روايته من منقول أو مقول.

وكتب فى رجب سنة سبع و ثمانين و خمسمائة هجرية محمدية حامداً لله تعالى مصلياً

على سيدنا محمد وآله الطاهرين وهو حسبي ونعم الحسيب.

٧. وفيه لكتابها العبد الضعيف، الراجي عفوره، الخائف من عظيم ذنبه ابي نصر على بن ابي سعد الطيب أسعده الله في الدارين:

نهج البلاغة مشرع الفصحاء	و معشعش البلغاء والعلماء
دُرج عقود رقاب أرباب التقى	في درجه من غير ما استثناء
في طيّه كلّ العلوم كأنه ال	جفر المشار إليه في الأنباء
من كان يسلك نهجه متشمرّاً	من العثار و فاز بالعلياء
غرر من العلم الإلهي أنجلت	منظومة ضياء ذكاء
و يفوح منها عبقة نبوية	لا غرو قد أمّن أديم سناء
روض من الحكم الأنيفة جاده	جود من الأنوار لا الأنواء
أنوار علم خليفة الله الذي	هو عصمة الأموات والأحياء
و جذيلها و عذيقها مترحّباً	و محككا جدا بغير مرأ
مشكاة نور الله خازن علمه	مختاره من سيد البطحاء
و هو ابن بجدته عليه تهذّلت	أغصانه من جملة الأمراء
و وصيّ خير الأنبياء اختاره	رغمّاً لتيم ازل الأعداء
صلّى الإله عليهما ما ينطوي	برد الظلام بنشر كفّ ضياء
و على سليلهما الرضّى محمد	قطب السباق جرى من الفصحاء

٨. وفيه: للسيد الإمام عز الدين سيد الأئمة المرتضى بن السيد الإمام العلامة ضياء الدين علم الهدى قدس الله روحهما:

نهج البلاغة لذوى البلاغة واضح	و كلامه لكلام الفصاحة فاصح
العلم فيه زاجر و الفضل فيه راجح	و غوامض التوحيد فيه جميعها لك لائح
و وعيده مع وعده للناس طراً ناصح	تحظى به هذى البريّة صالح او طالح
لا كالعريب و مالها كالمال حاوٍ رائج	هيئات لا يعلى أعلى مرقى ذرا مادح
إنّ الرضّى الموسوى لما به هو مايح	لاقت به و بجمعه عدد القطار مدائح



۹. وفيه: اللهم ارحم عبدك العاصي يوم يؤخذ بالنواصي، حسبى الله جلّ جلاله.

يقول العبد الضعيف المسيء الى نفسه فى يومه وأمسه أبونصر على بن أبى سعد محمد بن الحسن بن أبى سعد الطيب أسعده الله فى الدارين بمحمد سيد الثقلين وآله مصابيح الملوك عليه وعلينهم أفضل الصلوات وأمثل التحيات:

عرضت هذه النسخة بعد القراءة على الإمام الكبير العلامة التحرير زين الدين سيد الأئمة فريد العصر محمد بن أبى نصر سقاه الله شأبيب رضوانه وكساه جلايب غفرانه على نسخة السيد الإمام الكبير السعيد ضياء الدين علم الهدى تعمده الله برحمته وتوج معرقه بتيجان مغفرته.

و صحتها غاية التصحيح و وثقتها نهاية التوشيح بحسب وقوفى على حقائقها وإحاطتى بدقائقها و شئت أذان حواشيها بالدرر التى وجدت فيها.

ثم بعد ذلك قرأته على ابنه السيد الإمام الكبير عزّ الدين المرتضى رضى الله عنه وأرضاه و جعل الجنة مأواه و سمعته عليه قراءة ... عن معانيه و سماعاً استكشفت عن مبانيه.

ثم ما اقتصرت على تشنيف آذانها، بل سمطتها بالجواهر و قلّدتها بالدرر الزواهر التى استخرجتها بالغياسة فى بحار مصنفات العلماء واستنبطتها من معادن مؤلفات الفضلاء و انتزعت أكثرها من منهاج البراعة فى شرح نهج البلاغة من كلام الإمام السعيد قطب الدين الراوندى بيّض الله غرته و نور حضرته.

و كابدت فى تصحيح كل ورق إحدى نبات طبق و لقيت من توشيح كل سفر نبات برح و أم و فر. فصحت إلا ما زلّ عن النظر أو تهارب عن إدراك البصر. ولا يعرف ذلك إلا من تسلّم قلل شواهد هذه الصناعة بحق و جرى فى ميدانها اشواطاً على عرق.

و ذلك فى شهر ربيع الأول سنة إحدى و ستمائة هجرية. والله الحمد و المنة. و على النبى الصلوة بقدر المنة، و هو حسبى و نعم الحسيب.

انتهى

بسمه تعالی

این نسخه نفیس که متأسفانه به این صورت در آمده، کتاب شریف نهج البلاغه است که در حاشیه آن کتاب الحواشی الصافیة تألیف جدّ اعلیٰ مرحوم آقا سید نعمت الله جزایری قدس سره نوشته شده. این کتاب کمیاب است و این نسخه با وصفی که دارد، باز هم به اهمیت خود باقی است؛ زیرا که بیش از این یک نسخه از این کتاب سراغ ندارم که صاحب الذریعه ۷: ۱۱۱ یاد کرده و نگارنده آن را در کتاب نابغه فقه و حدیث: ۳۵ تذکر داده.

این نسخه از روی نسخه اصل نعمت الله موسوی ص ۳۳ منقول از خط مؤلف به خط شاگردش شیخ فهد جزایری نوشته شده که مردی فاضل بوده و کتب بسیاری نوشته و شرح حال او را در آن کتاب ص ۲۰۴ نوشته‌ام.

در اوائل نسخه مقداری از نوادر الآثار سید را نقل کرده، آنگاه مجلد فتن و ملاحم بحار الانوار علامه مجلسی را ملخص کرده و بعد از آن نهج البلاغه و حواشی است و اجازه مجلسی به سید نعمت الله.

سید محمد جزایری ۱۹ جمادی الاولی ۹۶ [۱۳]

کتبت نسختی هذه من نسخة قاضی نعمة الله رحمه الله، و کتب استادنا السید المرحوم المغفور السید نعمة الله قدس سره ما هذا صورته:

بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله الواقف على السراير، العالم بما فى الضمائر. والصلاة على رسوله و اهل بيته الهادين الى الطريق المستقيم.

و بعد، فإن الشاب السعيد الحميد والفاضل الذكى الألمعى القاضى نعمة الله قد وفق لكتابة هذا الكتاب المنجى ... و لكتابة حواشيه فى اثناء سماعه يقرأ على من نسختى المعمولة على هذا الطريق، ثم عنّ له بعد هذا ... يتقرّب الى الله سبحانه و الى معدن هذا الحكم المودعة فيه، مولانا و مولى ... امير المؤمنين عليه و على ابن عمّه و زوجته و اولاده من التحيات ... اجزلها فوقفه على الطائفة المحقة الإمامية وقفا صحيحا ... فى الوقف شارطاً على من أخذه من المتولّى ان لا يعظله ... ارجعه اليه و جعل المتولّى عليه اخاه الروحانى الفاضل ... الزجاجى الشوشترى ثم من بعده صالح اولاده ما تناسلوا ... بعد عقب فإن انقرضوا و العياذ بالله فالى العالم ... الى ان يرث الله الأرض و من عليها.

و کتب هذه الكلمات ... نعمة الله الموسوى الحسينى الجزايرى عفى الله تعالى عنه ... عشر ذى القعدة

الحرام من شهور عام العاشر بعد المائة ...



بسمه تعالی شأنه

السلام علیکم

این کتاب مستطاب مانند کتاب کافی و سایر کتب حدیث همانا به نحو اجمال متواتر است از حیث تلقی به قبول جامعه اسلامی. و نوع کلمات مبارکه این کتاب خودش شهادت بر خودش می دهد که از آن بزرگوار صلوات الله تعالی علیه صادر شده است.

المیلانی

درباره نهج البلاغه امیرالمؤمنین علیه الصلوة و السلام می توان گفت: «فوق کلام المخلوق و دون کلام الخالق».

محمود الحسینی الشاهرودی ۲۱ ذیقعدہ ۱۳۹۳

کتاب مستطاب نهج البلاغه که دون کلام الخالق و فوق کلام المخلوق است، و یکی از مفاخر شیعه محسوب می شود، و اشتهاش به حدی است که احتیاج به اظهار نظر و تحقیق در اطرافش نیست، کلمات خطبش تماماً متین و رصین و مفید، و معانی اش دقیق و نکاتش پر ارزش است. تشکیک در او بسیار بی مورد است. امیدواریم مسلمانان جهان این کتاب مستطاب را سرمشق خود قرار داده و از مواعظ شافیه و کافیه اش پیروی و استفاده نمایند.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

الخوئی غره ماه ذی الحجه سنه ۱۳۹۳

نهج البلاغه کتابی است معتبر و تقریباً هفتاد و پنج در صد از خطبه هایش مسند و اسناد آنها در دست است. و مابقی آنها نیز به واسطه احادیث دیگری که از اهل بیت طهارت در دست است، تأیید و تصحیح می شود. و السلام علیکم.

محمد حسین طباطبائی

کتاب نهج البلاغه مولا امیرالمؤمنین علیه السلام بالاتر از آن است که از کسی در باره آن اظهار نظر بشود، چون از حیث الفاظ و کلمات در نهایت فصاحت، و از حیث مطابقت با مقتضای حال در کمال بلاغت، و از حیث معانی و مطالبی که در آن مندرج است، مملو است از معارف الهیه

و بیان توحید ذات و صفات حق جلّ و علا، و مشتمل است بر مواعظ و انواع نصائح و ذکر ملکات و صفات فضیله‌ای که انسان کامل باید متحلّی به آنها بشود، و شرح و ایضاح صفات رذیله‌ای که باید از آنها اجتناب نماید تا به درجات کمال نائل گردد.

البته چنین کتابی بعد از کتاب الهی؛ یعنی قرآن بهترین کتب است و صادر شده است از لسان بهترین خلایق بعد از خیر الخلائق اجمعین محمد صلی الله علیه و آله الطاهرين المعصومین.

و السلام علیکم و علی جمیع اخواننا المؤمنین و رحمة الله و برکاته

حسن الموسوی البجنوردی ۱۶ شوال المکرم ۱۳۹۳

بسمه تعالی شأنه

به قراری که شخص فاضل متبّع جناب مستطاب عمدة الاختیار و الافاضل ... که حقیقهً تتبع تامّ در خطب و کلمات شریفه حضرت آیه الله العظمی امیرمؤمنان نموده‌اند، یکی از متبّعین تامّ هم به نام ابن ابی الحدید که از جمله فصحاء کاملین و بلغاء عارفین اهل سنت و شراح نهج البلاغه می‌باشد، تصریح نموده‌اند که کلام حضرت امیرالمؤمنین در فصاحت و بلاغت، فوق کلام مخلوق و دون کلام خداوند است.

احمد الآشتیانی

از دیباجه نهج البلاغه و از استنادات اجلّ علماء شیعه أنار الله برهانهم به این کتاب شریف ظاهر می‌شود کتاب مذکور از خطب مشهوره و کلمات مأثوره مولی الموالی حضرت امیر المؤمنین علیه السلام تدوین شده و با در نظر گرفتن اینکه بحث سندی نسبت به غیر از اخبار مربوط به احکام شرعیّه فائده چندان ندارد، بر اهل دانش [است که] عمق در معانی کتاب را مقدّم بر بحث سندی بنمایند.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

علی الحسینی الاصفهانی العلامة الفانی ۱۵ ذیقعه ۱۳۹۳

کتاب شریف نهج البلاغه که مشتمل است بر خطب و مواعظ و کلمات مولی الموالی امیرالمؤمنین علیه آلاف التحية و الثناء جامع آن سید رضی که از مفاخری که اسلام و مردان کم نظیر در علم و تقوا و فضیلت می‌باشد به اعتراف فریقین و کسی تا به حال دیده نشده که در مقامات علمی و معنوی و روحانی آن بزرگوار تردید نماید مسلماً و بدون هیچ شبهه تمام آن



خطب و مواعظ و کلمات صادر از مولی است. و قطع نظر از اینکه خود آن خطب که واقعاً فوق کلام المخلوق و دون کلام خالق است ظاهر است که صادر از آن مقام رفیع است.

به مرور مختصری به کتب قضیه روشن می شود:

اولاً تا به حال هشتاد شرح بر آن نوشته شده و عموماً شهادت به این جهت می دهند.

ثانیاً در اجازات علماء که سابق رسم بوده است هر طبقه به طبقه بعد اجازه نقل حدیث می دادند در زیادی از آنها تعبیر شده است از آن به اخ القرآن.

و ثالثاً آنچه از تاریخ ظاهر است از همان زمان سید رضی تا حال علماء بزرگ زیاد اهتمام به حفظ آن می دادند.

خلاصه در نظر حقیر صدور آن از امام علیه السلام قطعی است و هیچ جای انکار نیست. و اگر بعضی منحرفین خدشه بکنند، آنها از کتب بعضی مخالفین مانند میزان الاعتدال و دائرة المعارف بستانی و تاریخ آداب اللغة است. و بزرگان جواب آن توهّمات را داده اند.

خداوند جامعه اسلامی را از شرّ این معاندین حفظ بفرماید.

والسلام علی من اتبع الهدی

محمد صادق الحسینی الروحانی - ۱ شوال سنه ۹۳

بسمه تعالی

اما از حیث فصاحت و بلاغت که چنان است که گفته اند تحت کلام الخالق یا دون کلام الخالق و فوق کلام المخلوق.

اما از حیث صحت انتساب خطب و جملش به امیرالمؤمنین که کافی است که جامعش سید شریف رضی است که تقوا و اباء نفس شریفش مانع است که قبل از تحقیق صدق نسبت، آن خطب و جمله ها را بی تردید از مختارات کلام علی علیه السلام بشمارد.

ابن ابی الحدید که دنبال مفری می گردد که در نسبت مضامین خطبه شقشقیه که صریح در انتقاد از خلفای ثلاثه است به علی علیه السلام که خلاف مذهب اوست خلاص شود، تردید در نسبت یا تکذیب در نسبت آن خطبه را به علی علیه السلام جدا با براهین قطعی رد می کند و توجیه خنکی برای تحریف به معنای آن خطبه شریفه می نماید که هیچ آدم زبان دان عربی زیر بار آن نمی رود.

خلاصه نه در نسبت این کتاب شریف تردید روا است نه در صحت و حقانیت مضامینش.

بهاء الدین محلاتی

بسم الله الرحمن الرحيم وله الحمد

ما جمعه السيد الرضي عليه السلام عن أمير المؤمنين عليه السلام في نهج البلاغة قد ضبطها العامة و الخاصة طرق استنادها إليه عليه السلام في المواضع المعدة لذلك؛ واعتمد على هذا الكتاب خبراء المحدثين (ره) ونقلوا عنه وعن جمع كثير من الفقهاء (ره) الاعتماد على هذا الكتاب أيضاً؛ مع أنّ البحث عن صحّة السند في مثل هذا الكتاب الشريف ساقط رأساً؛

أمّا أولاً فلإجماع الفقهاء (ره) على عدم البحث في سند دليل التكليف الغير الإلزامي نفسياً كان أو غيرتياً، والتكليف الإلزامي في هذا الكتاب قليل جداً. وأما ثانياً فلأنّ متن الكتاب يشهد بصدوره عن علي عليه السلام.

فهذا الكتاب ممّا لا بدّ وأن يصحّح سنده بمتنه لا العكس؛ فالخطب والكلمات المجموعة فيه تشهد صدقاً بأنّها صدرت عن رجل إلهي مؤيّد بالتأييدات السبحانيّة مرتبط بالعوالم الغيبية؛ وهو منحصر بباب مدينة علم الرسول عليه السلام.

و يمتنع عادة صدورها عن غيره، إذ الخطب والكلمات المنقولة عن غيره عليه السلام فيما بين أيدينا ونرى أنّ نسبتها إلى كلماته عليه السلام نسبة الثرى إلى الثرياء.

فالخطب المشتملة على المعارف الربوبية ذاتاً و صفة و فعلاً، والخطب المشتملة على إتمام الحجّة من الله جلّ جلاله على العباد من العقل والنبوة والإمامة، والخطب المشتملة على تشريح المعاد وتفصيل النشأة الآخرة وأحوال البرزخ قد فتحت على البشر أبواب علوم كثيرة.

والبيان بيان من حضر تلك العوالم وأخبر عنها ولا يكن عادة صدورها إلّا عن إنسان ملكوتي ربّي في حجر الرسول عليه السلام وأفيض عليه أكمل الأرواح والعقول.

فلا مثاله إلّا وهو محتاج إليها، ولا حكيم إلّا وهو يستمدّ منها، ولا متكلم إلّا وهو يتعلّم منها، ولا فقيه إلّا وهو يتفقه منها، ولا محدّث إلّا وهو يتحدّث منها، وعقل إلّا وهو رضيّعها، ولا عاقل إلّا وهو الفقير إليها.

والخطب المشتملة على الأحكام والسياسيات الإلهية ومكارم الأخلاق وعنايات حضرة الخالق إلى خلقه وكيفية إرتباط الخلق مع حضرة الخالق لا يمكن أن يصدر إلّا ممّن يدعى في ملكوت السماوات عظيماً. وقد جاهد في الله تعالى حق الجهاد بجميع شؤونته وإمكانيته وذلك منحصر به عليه السلام بعد مقام الختمية المحمدية عليه السلام.

والخطب المشتملة على المواعظ والزهد والإنسلاخ عن الدنيا الدنيّة ليست إلّا حاكية عن حالة علي عليه السلام و مرآة لإراءة شخصه عليه السلام.



و الخطب المشتملة على الإنقطاع إلى الله جلّ جلاله و الخلو و الإخلاص لدى حضرته العليّا جلّت عظمته لا يمكن أن يصدر إلّا عن عليّ عليه السلام بعد النبوة الختميّة الذي أعمل كمال إقتداره في الإنقطاع التامّ الكامل إلى الحضرة الأحديّة و التفاني المحض في الساحة الربويّة. و ما أقول في كلام هو خلاصة معارف الأنبياء و المرسلين و نتيجة علوم الأوصياء و الصّديقين نطق به لسان امير المؤمنين عليه السلام.

اللهم ألهم المسلمين التدبّر فيه و العمل به بعد القرآن

عبد الأعلى الموسوي السبزواري ۱۴ شوال ۹۳

بسم الله الرحمن الرحيم

لا يخفى أنّ العثور على هذه النسخة القديمة الشريفة من كتاب نهج البلاغة العظيم الذي هو تالي كتاب الله العزيز الحميد و فوق ما صدر عن الآدميين بعد رسول الله الاعظم صلى الله عليه و آله و سلّم من الكتاب و الحكمة و الوصيّة، كان من أجمل و أجلى ما منّ الله به على هذا العبد الضعيف في ساحة المعارف الدينية و الآثار الخالدة عن أهل بيت الوحي و الرسالة. و قد نصّ كاتبه بانتهاء الكتاب في آخر سنة اربع و سبعين و سبعين و ستمائة هجرية.

و قد جعله تحت يدنا بعض الأخوة الفضلاء حفظه الله في حالة للكتاب مثيرة للحن و الأسف من كثرة ما طغى عليه التمزيق و التفكك و الإندراس في طيّ الأزمان؛ و لذلك عمدنا أولاً إلى علاج هذا الداء الذي كان قد أشرفه على الفناء، و طلبنا من بعض الأخوة الموظّفين لأمثال ذلك بمعالجته مهما أمكن في مؤسسة «الترميم» التابعة لمصلحة الأسناد التاريخية و غيرها. فظهر الكتاب ببركة جهدهم و عملهم الجادّ المتواصل بهذه الصورة المقبولة المرضيّة و الحمد لله. ثم رأيت من الواجب حفظ هذه الجوهرة الفريدة في أتقن و أحفظ خزانات الكتب في البلاد؛ ألا و هي خزانة كتب مولانا و مولی الكونين، الإمام الشهيد بأرض طوس و المشرف بجثمانه الطاهرة الزكيّة أرض خراسان بل جميع بلاد إيران، الإمام الهمام ابي الحسن عليّ بن موسى الرضا عليه و على آبائه و ابنائه المعصومين آلاف الوف التحيّة و السلام و الشناء راجياً منه القبول.

و أنا العبد الفقير على بن الجواد الحسيني الخامنئي عفى عنه و عن والديه

و كان ذلك في ليلة النصف من شهر شعبان سنة ۱۴۱۹ الهجرية^۱

۱. این متن در کتاب/جائزات علماء نوشته براتعلی غلامی مقدم (مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی، ۱۴۰۱/۲/۸۲۸)؛ نیز، البته با اغلاط چندی نقل شده است.



فصل دوم: چکیده مقالات

یاری و نصرت اهل بیت (علیهم‌السلام)؛ معنا و شیوه‌ها

الینا عزیزی^۱، محمد مهدی علی‌نژاد^۲

چکیده

در این مقاله به بررسی مفهوم یاری و نصرت اهل بیت (علیهم‌السلام)، با تمرکز بر معنای نصرت در دو بُعد مذموم و پسندیده می‌پردازد. در بخش نصرت مذموم، یاری خواهی از غیر خداوند که با نگرش استقلالی همراه است و به گونه‌ای گمان می‌شود که غیر خداوند می‌تواند به تنهایی قدرت کمک و یاری داشته باشد، به شدت مذموم و با اصول توحیدی در تضاد دانسته شده است. این نوع یاری خواهی در ادعیه نیز مورد نکوهش قرار گرفته و بر وحدانیت خداوند در مقام ناصر و یاری‌دهنده تأکید شده است. در بخش نصرت پسندیده، گونه‌ای از یاری خواهی بیان می‌شود که با شایبه شرک همراه نیست؛ زیرا در این رویکرد، یاری‌دهندگان به عنوان وسیله‌ای در تحقق اراده الهی در نظر گرفته می‌شوند و خود استقلالی ندارند. این تحلیل نشان می‌دهد که در سنت اهل بیت (علیهم‌السلام) مفهوم نصرت و یاری باید همواره با دید توحیدی و وابسته به قدرت مطلق الهی تفسیر شود، تا از هر گونه شبهه شرک جلوگیری شود و یاری‌رسانی در مسیر الهی و با نیت خالص تحقق یابد.

کلمات کلیدی

نصرت و یاری، اهل بیت، استنصار (کمک خواهی)، تایید قرآن، معنا و شیوه‌ها، ارتباط با مخلوقات، شفاعت.

۱. دانشجوی کارشناسی مهندسی کامپیوتر، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲. دانشجوی کارشناسی مهندسی کامپیوتر، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

جایگاه امامت و امام شناسی در دین اسلام

وحیده مزینانی

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تبیین مفهوم امام و امامت و ارائه نظرات و دیدگاه‌های معصومان علیهم‌السلام و علمای امامیه و عامّه درباره واژه امام و امامت و ارتباط امامت و نبوّت در قرآن نگاشته شده است. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و کتابخانه‌ای است. از مهم‌ترین یافته‌های پژوهش حاضر این است که امام پیشوا و رهبر معصوم الهی است که حجّت و خلیفه خدا در زمین بوده و امامت، ریاست عمومی در امر دین و دنیا است و مقامی دینی است در ادامه مناصب پیامبری که مشتمل بر تربیت مردم در حفظ مصالح دینی و دنیوی آنها می‌باشد. نظر علمای عامّه این است که امام، جانشین پیامبر در اقامه دین و حفظ شریعت بوده و رهبری عمومی در مسائل دینی و دنیوی را بر عهده دارد و شامل نبی، خلیفه، حاکم، امام جماعت و هر کسی که به او اقتدا شود ولو باطل می‌شود، امامت از فروع دین بوده و دارای مراتب مختلفی است و علما، خلفا، حکام، قضات و امام جماعت هر کدام در مرتبه‌ای از مراتب امامت قرار دارند و نصب امام بر عهده مردم گذاشته شده است اما دیدگاه معصومان علیهم‌السلام و علمای امامیه این است که امام پیشوای معصوم و منصوب از طرف خداوند است و دارای روحیه صبر، یقین، رحمت، کشف و شهودات است و علاوه بر این که مقتدای مردم در گفتار و عمل کرد خود است به تدبیر امور جامعه و اجرای مقررات نیز می‌پردازد و با تشکیل حکومت الهی و به دست آوردن قدرت‌های لازم سعی می‌کند احکام خدا را عملاً اجرا نماید و اگر نتواند رسماً تشکیل حکومت دهد تا آن جا که در توان دارد در اجرای احکام الهی و تربیت و پرورش تحقق بخشیدن به برنامه‌های الهی اعم از حکومت و اجرای احکام الهی و تربیت و پرورش نفوس انسانی در ظاهر و باطن است و بالاتر از نبوّت بوده و هر دو به نصب الهی می‌باشند.

کلمات کلیدی

امامت، امام شناسی، علم حقوق، مفهوم شناسی.

آثار یاری ائمه در زندگی

مبین نوری^۱، عباس لاهوتی نیا^۲، پیام طباطبائی خیری^۳

چکیده

بر اساس آموزه‌های اسلامی پیروی از امامان حق، به خصوص امام علی علیه السلام که به عنوان امام اول شیعیان شناخته می‌شود، موجب تقویت ایمان و تقوا در زندگی فردی می‌شود. امامان بر اهمیت تقوای شخصی، پاکیزگی در اخلاق و قرب به خدا تأکید می‌کنند. رشد جامعه اسلامی و انسجام اجتماعی: امامان همیشه در پی اتحاد مسلمانان و ایجاد همبستگی اجتماعی بودند. امام علی علیه السلام در زمان خود همواره برای برقراری عدالت اجتماعی تلاش می‌کرد و به پیروان خود آموزش می‌داد که چگونه در برابر ظلم و فساد ایستادگی کنند. امامان نمونه‌های برجسته‌ای از اخلاق انسانی بودند. ویژگی‌هایی چون صداقت، شجاعت، فداکاری، بخشش، و مهربانی در زندگی آن‌ها به طور بارز نمایان است. پیروان این بزرگواران می‌توانند با پیروی از این ویژگی‌ها در زندگی خود، به فردی با ویژگی‌های اخلاقی والا تبدیل شوند.

کلمات کلیدی

امامان حق، اهل بیت علیهم السلام، پیروی، یاری، نصرت.

-
۱. دانشجوی کارشناسی مهندسی کامپیوتر، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
 ۲. دانشجوی کارشناسی مهندسی کامپیوتر، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
 ۳. دانشجوی کارشناسی مهندسی کامپیوتر، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

امامت و مردم‌شناسی: پیوندی میان دین و جامعه

علی اصغر احسان فر^۱

چکیده

امامت به عنوان یکی از اصول اساسی در تفکر شیعه، نه تنها یک مسئله الهیاتی است، بلکه تأثیرات عمیقی بر جامعه‌شناسی و روابط انسانی نیز دارد. این مقاله با تأکید بر نقش امامان در هدایت معنوی و اجتماعی، به بررسی ارتباط میان امامت و مردم‌شناسی می‌پردازد. از یک سو، امامان به عنوان الگوهای اخلاقی و راهبران دینی، نقش مهمی در شکل‌دهی به هویت‌های فردی و جمعی دارند و از سوی دیگر، مردم‌شناسی به مطالعه رفتارها، فرهنگ‌ها و ساختارهای اجتماعی جامعه می‌پردازد که زمینه‌ساز تعامل میان مردم و رهبران دینی است. این مقاله تلاش دارد با ارائه یک نگاه میان‌رشته‌ای، پیوند میان این دو حوزه را روشن سازد.

واژگان کلیدی

امامت، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی دینی، هویت جمعی، هدایت معنوی.

۱. دانشجوی کارشناسی مهندسی عمران، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.



امامت، علوم قرآنی و تفسیر؛

بررسی نقش امامان معصوم علیهم السلام در تبیین و تفسیر قرآن کریم

سامان شمس^۱

چکیده

این مقاله به بررسی جایگاه امامت در علوم قرآنی و نقش ائمه معصوم علیهم السلام در تبیین و تفسیر آیات قرآن کریم می‌پردازد. با توجه به روایات متعدد و منابع معتبر، امامان شیعه نقش بی‌بدیلی در حفظ، تبیین و تفسیر معارف قرآنی داشته‌اند. در این پژوهش تلاش شده است تا با استناد به منابع اصیل اسلامی، این جایگاه رفیع مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. همچنین به بررسی روش‌های تفسیری، میراث علمی و تأثیرات عمیق مکتب اهل بیت علیهم السلام در حوزه علوم قرآنی پرداخته شده است.

کلمات کلیدی

دوازده امام علیهم السلام، پیوند قرآن و عترت، روایات تفسیری، حدیث ثقلین.

۱. دانشجوی کارشناسی حقوق، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

احادیث امام حسن مجتبیٰ (علیه السلام) به عنوان رسانه ای قدرتمند در اخلاق و زندگی

آناهیتا تاجیک^۱

چکیده

مسجدها، مکتبها، تکیه‌ها، حسینیه‌ها، مراسم‌های تعزیه و احادیث از جمله رسانه‌های دینی سنتی هستند. مخاطبان این رسانه‌ها عموم مردم هستند و اصولاً آنها را باید رسانه‌های دینی سنتی بنامیم. با توجه به رسالت دین اسلام مبنی بر اینکه برای همه انسان‌ها و به منظور هدایت آنها آمده است ارتباط‌گران سنتی با روی باز همه علاقه‌مندان اسلام را پذیرفته‌اند. در پژوهش حاضر حدیث به مانند یک رسانه در بردارنده پیام‌هایی قابل انتقال محسوب شده است. هدف فرستنده - که در اینجا امام معصوم (علیه السلام) است - از ایجاد ارتباط تنها با انتقال پیام صورت می‌گیرد و پیام مورد نظر، مفاهیم و گزاره‌های دینی است. هدف اصلی پژوهش، شناخت مضامین اخلاقی و اجتماعی در احادیث امام حسن مجتبیٰ (علیه السلام) و سوال اصلی این است که امام حسن مجتبیٰ (علیه السلام) در احادیث خود بیشتر بر چه مضامینی تاکید داشته است؟ چارچوب نظری بر مبنای نظریه برجسته‌سازی رسانه در جامعه اسلامی است. پژوهش با روش اسنادی و روش تحلیل محتوا انجام شده است. با توجه به نتایج پژوهش نیکی به دیگران، مسائل مربوط به حسن خلق شکسته نفسی و عزت نفس و همچنین کنترل خشم بیشترین بازتاب اخلاقی و اجتماعی را داشته است.

کلمات کلیدی

امام حسن (علیه السلام)، مدیریت رسانه، اخلاق امام (علیه السلام)، احادیث امام (علیه السلام).

۱. دانشجوی کارشناسی حقوق، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

تأثیر امام شناسی بر سلامت معنوی و سعادت انسان

یاس مهدی پور^۱

چکیده

امام شناسی یکی از اصول مهم و محوری در اندیشه اسلامی است که به عمق و وسعت درک معنویات و ارزش های انسانی کمک می کند. این مقاله مدعی است که امام شناسی به عنوان یک محور ارزشی و معنوی می تواند بر سلامت معنوی و سعادت انسان تأثیر مستقیم داشته باشد. مبنای تحلیل های این مقاله متون اسلامی و منابع معتبر دینی است. با بررسی مفاهیم مرتبط با امام شناسی و تحلیل اندیشه امامان شیعه، نقش امامان در هدایت و سلامت معنوی برجسته می شود.

کلمات کلیدی

امام شناسی، سلامت معنوی، سعادت انسان، اندیشه اسلامی، امامان شیعه.

۱. دانشجوی کارشناسی مهندسی نرم افزار کامپیوتر، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

تحلیل چگونگی اعطای عصمت از جانب خدا به پیامبران و امامان

ایمان عباسی^۱

چکیده

آموزه «عصمت» هیچ‌گاه تازگی خود را از دست نداده است. در این میان یکی از حوزه‌های مسئله عصمت، حوزه «عصمت از گناه است درباره حقیقت «عصمت از گناه دیدگاه‌های متنوعی ارائه شده است. اگرچه غالب متکلمان شیعه بر موهبتی بودن مقوله عصمت پیامبران و امامان تأکید کرده‌اند، اما به چگونگی هبه این موهبت از سوی خداوند کمتر توجه شده است. آیا خدای متعال یکبار این موهبت را به پیامبر و امام می‌دهد و او خود از این موهبت بهره برده خود را از گناه مصون می‌دارد؟ یا آنکه خدای متعال دمادم این موهبت را ارزانی می‌دارد؟ این نوشتار در پی بررسی چگونگی هبه عصمت از سوی خداوند بر مبنای آیات و روایات است. آیات و روایات مرتبط با این موضوع نشان می‌دهد خدای متعال همواره پیامبران و امامان را زیر چتر حمایت خویش نگه داشته و چنین نیست که یک بار عصمت را به ایشان هبه کند و آنها از آن پس بتوانند خودشان از گناه بپرهیزند.

کلمات کلیدی

عصمت، پیامبران و امامان، هبه، عصمت.

۱. دانشجوی کاردانی نرم افزار کامپیوتر، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

بررسی و نقد فیلم‌های جدید با محوریت فیلم تلماسه

ریحانه زند،^۱ صبریه دلفانی‌گودرزی^۲

چکیده

فیلم‌های سینمایی مدرن علاوه بر ارائه آثار بصری خیره‌کننده، بستری مناسب برای بررسی و تحلیل مسائل فرهنگی، فلسفی و اجتماعی فراهم کرده‌اند. یکی از این آثار، فیلم «تلماسه» به کارگردانی دنی ویلنوو، اقتباسی از رمان مشهور فرانک هربرت، است که مفاهیمی مانند نقش دین، قدرت، منابع طبیعی و تعامل فناوری با زندگی بشر را بررسی می‌کند. این مقاله با رویکردی میان‌رشته‌ای، جنبه‌های فلسفی، هنری و سینمایی این اثر را واکاوی کرده و ارتباط آن با چالش‌های دنیای مدرن را برجسته می‌سازد.

کلمات کلیدی

تلماسه، دین و قدرت، منابع طبیعی، فناوری، سینمای مدرن.

-
۱. دانشجوی کارشناسی حقوق، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
 ۲. دانشجوی کارشناسی حقوق، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

کارکرد فنون فضای مجازی در ترویج امامت و مهدویت

لیلا حیدری^۱، محمد علی حیدری^۲

چکیده

در عصر دیجیتال فضای مجازی به عنوان یک بستر نوین و قدرتمند به ابزاری کلیدی برای ترویج معارف دینی به ویژه مفاهیم امامت و مهدویت تبدیل شده است. این مقاله به بررسی کارکرد فنون متنوع فضای مجازی در ارتقاء آگاهی عمومی و تبیین اصول امامت و مهدویت می پردازد. با بهره گیری از ابزارهای نوین مانند شبکه های اجتماعی و وبسایت های تخصصی و محتوای چندرسانه ای می توان به شکل مؤثری به نشر معارف دینی پرداخته و نسل جوان را با این مفاهیم عمیق آشنا کرد. تولید محتوای جذاب و تعاملی پاسخگویی سریع به شبهات و ایجاد جوامع مجازی از جمله استراتژی هایی هستند، که می توانند به تقویت اعتقادات دینی و افزایش اعتماد عمومی نسبت به نظام های دینی کمک کنند. این مقاله همچنین به چالش های موجود در فضای مجازی، از جمله گمراهی ناشی از اطلاعات نادرست و نفوذ فرهنگ های غیر اسلامی اشاره می کند. نتیجه گیری این پژوهش بر لزوم بهره برداری هوشمندانه از ظرفیت های فضای مجازی تأکید دارد؛ به گونه ای که با آموزش مبلغان دینی و استفاده از فنون نوین ارتباطی بتوانیم نه تنها معارف امامت و مهدویت را ترویج دهیم؛ بلکه نسلی و متعهد پرورش دهیم که در برابر چالش های زمانه خود ایستادگی کند. این رویکرد می تواند منجر به ایجاد یک جامعه اسلامی پویا و همبسته شود که در آن آموزه های اهل بیت علیهم السلام در کانون توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی

امامت، مهدویت، فضای مجازی، ترویج معارف دینی، آگاهی.

۱. دانشجوی کارشناسی حقوق، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Lila.he@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، دانشگاه پیام نور غرب تهران، تهران، ایران.

Heydarimohammadali1365@gmail.com

فایده امام غائب در عصر غیبت

فرهاد روغنگران یزدی^۱

چکیده

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه و نوره در بین مردم حضور دارد، اما قابل شناسایی نیست. گفته شده که مردم او را نمی بینند ولی او مردم را می بیند و نظارت دارد. حضور ایشان به معنای ادامه هدایت غیرمستقیم در زمان غیبت است. علم انسان محدود است و بسیاری از امور الهی مانند غیبت امام فراتر از درک او است. بشر نمی تواند بر اساس معلومات اندک خود درباره حکمت الهی قضاوت کند. غیبت امام مهدی امری بی سابقه نیست و در تاریخ، بسیاری از اولیای الهی در دوران هایی پنهان بوده اند اما همچنان در امور مردم تصرف می کردند. پیامبر و ائمه توضیح داده اند که شیعیان از نور ولایت امام مهدی در زمان غیبت بهره مند می شوند، همانند استفاده از خورشید پشت ابر. غیبت امام، محرومیت از هدایت ظاهری است اما هدایت با واسطه و اثرات معنوی او همچنان باقی است. وجود ایشان در نظام آفرینش ضروری و باعث ادامه حیات موجودات است. باور به وجود امام زنده، امید به آینده ای روشن را در دل شیعیان زنده نگه می دارد و آنان را از ناامیدی و سقوط دور می کند. وجود امام، مانند فرمانده در میدان نبرد، باعث انگیزه، پویایی و تلاش بیشتر در بین پیروانش می شود، حتی اگر حضور او مستقیم نباشد.

کلمات کلیدی

امام غایب، عصر غیبت، بهره مندی.

۱. دانشجوی کارشناسی مهندسی کامپیوتر، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

تفاوت نبوت و امامت (مقایسه ویژگی‌های پیامبران و امامان)

مریم ناظم زاده،^۱ سارا یاری^۲

چکیده

مقاله حاضر به بررسی تفاوت‌های میان مقام نبوت و امامت در اسلام پرداخته است. این تفاوت‌ها در دیدگاه‌های مختلف مفسران و فلاسفه اسلامی مورد بحث قرار گرفته و به مقایسه ویژگی‌های پیامبران و امامان پرداخته شده است. نویسندگان به بررسی آیات قرآن و نظرات مختلف علما چون فخر رازی، علامه طباطبایی، شهید مطهری و امام خمینی رحمته‌الله پرداخته‌اند و در نهایت نتیجه گرفته‌اند که امامت یک مقام بالاتر از نبوت است که شامل رهبری اجتماعی، معنوی و هدایت تکوینی است.

کلمات کلیدی

امامت، نبوت، رسالت، مناصب الهی.

۱. دانشجوی کارشناسی حقوق، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲. دانشجوی کارشناسی حقوق، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

جایگاه امامت و امام شناسی در دین اسلام

زهرا ماهروی^۱، هستی رضایی^۲، گندم قدر^۳

چکیده

امامت یکی از ارکان اساسی اعتقادی در مکتب تشیع دوازده امامی است که به عنوان تداوم هدایت الهی پس از نبوت شناخته می شود. بر اساس این اعتقاد، امامان معصوم، علاوه بر برخورداری از علم لدنی و عصمت، مسئولیت حفظ شریعت و هدایت امت اسلامی را بر عهده دارند. این مقاله با استناد به آیات قرآن، همچون: آیه اولی الامر و آیه تطهیر، و احادیث معتبر پیامبر اسلام ﷺ مانند: حدیث ثقلین و حدیث غدیر، جایگاه امامت را مورد بررسی قرار می دهد. همچنین دلایل عقلی و نقلی بر ضرورت وجود امامان، نقش آن ها در تفسیر قرآن، مقابله با انحرافات فکری و عقیدتی، و حفظ وحدت امت اسلامی تشریح شده است. علاوه بر این، تفاوت دیدگاه های شیعه و اهل سنت درباره نصب الهی امامان و خلافت بررسی شده و به برخی از شبهات رایج در این زمینه، همچون نقش غیبت امام دوازدهم ﷺ، پاسخ داده شده است. در نهایت، مقاله به اهمیت امامت در حفظ اصالت دین و هدایت معنوی و اجتماعی جامعه اسلامی تأکید دارد.

کلمات کلیدی

امامت، غیبت و ظهور، دین اسلام، خلافت، اهل بیت، وصی، نبوت، نص و اجتماع.

-
۱. دانشجوی کارشناسی مدیریت مالی، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
 ۲. دانشجوی کارشناسی مدیریت مالی، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
 ۳. دانشجوی کارشناسی مدیریت مالی، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

جایگاه واقعه غدیر خم در اثبات امامت

رامتین مدنی فر^۱، علی کارآموزیان^۲

چکیده

واقعه غدیر خم یکی از مهم‌ترین رویدادهای تاریخ اسلام است که در آن پیامبر اسلام حضرت محمد ﷺ، ولایت و رهبری امیرمؤمنان علی ﷺ را به طور رسمی و با دستور الهی به مسلمانان ابلاغ کردند. این واقعه در سال دهم هجری و در بازگشت از حج بزرگ پیامبر اسلام به مدینه رخ داد و به عنوان نقطه عطفی در تاریخ اسلام شناخته می‌شود. این مقاله به تحلیل این واقعه مهم پرداخته و با استفاده از منابع معتبر اسلامی، تلاش دارد تا جایگاه واقعه غدیر را در اثبات امامت علی ﷺ نشان دهد. همچنین، در این مقاله ارتباط واقعه غدیر با آیات قرآن کریم و روایات تاریخی بررسی می‌شود و به شبهات مختلف پیرامون این واقعه پاسخ داده می‌شود. هدف اصلی مقاله تحلیل علمی و فکری در مورد معنای واقعه غدیر و جایگاه آن در تاریخ اسلام و امامت است.

کلمات کلیدی

غدیر خم، ولایت، امامت، پیامبر اسلام، امیرمؤمنان علی ﷺ، ابلاغ، اکمال دین، بیعت عمومی، رهبری اسلامی، تاریخ اسلام، جانشینی پیامبر ﷺ.

۱. دانشجوی کارشناسی مهندسی کامپیوتر، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲. دانشجوی کارشناسی مهندسی کامپیوتر، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

جریان‌شناسی مدعیان دروغین مهدویت در دنیای مدرن

آیدا افروز^۱، نرگس وقری^۲، حنا نه براتی^۳

چکیده

هدف از تدوین این نوشتار بررسی جریان مدعیان دروغین دروغین مهدویت در دنیای مدرن است. پدیده مدعیان مهدویت از زمان‌های دور در تاریخ اسلام وجود داشته است به دلیل اهمیتی که مسئله مهدویت در جامعه اسلامی دارد همواره مورد توجه قرار داشته است. در برخی دوره‌ها عواملی مانند ضعف حکومت‌ها ضعف آگاهی سیاسی جامعه ضعف اعتقادی و فرهنگی موجود در میان مسلمین موجب شیوع بیشتر مدعیان دروغین مهدویت گشته است. نویسندگان در این مقاله به بررسی این جریان و عواقب آن می‌پردازند.

کلمات کلیدی

دنیای مدرن، مهدویت، مدعیان دروغین.

-
۱. دانشجوی کارشناسی مدیریت مالی، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
 ۲. دانشجوی کارشناسی حقوق، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
 ۳. دانشجوی کارشناسی معماری داخلی، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

حقوق بشر در زیارت جامعه کبیره

حانیه وحیدی مطلق، آتنا وفایی سرشت

چکیده

حقوق بشر یک اصطلاح نسبتاً جدید که پس از جنگ جهانی دوم و تاسیس سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ م. وارد محاورات روزمره شده و با توجه به نظریه‌هایی در معانی ماهیت حقوق، معنای حقوق بشر هم متفاوت خواهد بود. شاید بتوان اینگونه معنا کرد که حقوق بشر، آن دسته از حقوقی است که انسان به دلیل انسان بودن و فارغ از اوضاع و احوال متغیر اجتماعی یا میزان قابلیت و صلاحیت فردی او، از آن برخوردار است. این عبارت جایگزین اصطلاح «حقوق طبیعی» و «حقوق انسان» گردیده که قدمتی بیشتر دارند. زیارت جامعه کبیره، توسط علی بن محمد الهادی علیه السلام بنا به درخواست یکی از اصحاب حضرتش در وصف و شناخت از امام معصوم علیه السلام ایراد فرمود. زیارت‌های جامعه گونه‌ای از آثار دعایی مذهب شیعه است که در تقابل با زیارت‌های خاصه قرار می‌گیرد. در این گونه از ادعیه، زیارت می‌تواند برای هر کدام از امامان مذهب شیعه به‌تنهایی یا همگی آن‌ها خوانده شود. محمدباقر مجلسی شمار ۱۴ زیارت‌نامه را با عنوان جامعه گردآوری کرده است. دلایل بسیاری برای وصف این‌گونه زیارت‌ها به‌عنوان «جامعه» ذکر شده است. این معیارها عبارتند از: جامعیت کاربردی، جامعیت زمانی و مکانی، و جامعیت مضمونی. بر اساس جامعیت کاربردی، این زیارت به‌عنوان جامعه توصیف شده چرا که در مقام زیارت مقام هر امامی قابل استفاده است. بر اساس جامعیت زمانی - مکانی، این زیارت به‌عنوان جامعه توصیف شده است، چرا که به زمان و مکان یا امام خاصی اختصاص ندارد. بر اساس جامعیت مضمونی، این دعا شامل تمامی صفات ائمه و توصیف مفصل فضائل ایشان است. سید بن طاووس معیار وصف این نوع زیارت به واژه «جامعه» را، نام بردن نام یکایک اهل بیت می‌داند. اصطلاح «زیارت جامعه» را برای اولین بار شیخ صدوق معروف به ابن بابویه برای اشاره به زیارت جامعه کبیره به‌کار برده است.

کلمات کلیدی

حقوق بشر، امامت، زیارت جامعه کبیره، شیخ صدوق.

دلایل موفقیت امام حسین (ع) و اصحابش در امتحان بزرگ عاشورا

نگین صفری، کوثر معینیان^۱، مینا الهی پور^۲، شبنم روشنائی^۳

چکیده

یاران امام حسین (ع) در عاشورا با دلایل متعددی موفق به گذر از امتحان بزرگ خود شدند. یاران امام حسین (ع) دارای ایمانی عمیق و اعتقادی محکم به اصول دین بودند. این ایمان به آنها قدرتی مضاعف بخشید تا در برابر فشارها و تهدیدات ایستادگی کنند. یاران امام حسین (ع) با شناخت دقیق از وضعیت زمانه و ظلم‌هایی که بر جامعه می‌رفت، تصمیم به حمایت از امام گرفتند. این آگاهی به آنها کمک کرد تا هدف نهایی را درک کنند و برای آن فداکاری کنند. وفاداری یاران به امام حسین (ع) و آرمان‌های ایشان از دیگر عوامل مهم موفقیت آنها بود. این وفاداری باعث شد که در سخت‌ترین شرایط نیز از امام خود دست نکشند. یاران امام حسین (ع) با روحیه‌ای فداکارانه حاضر به جان فشانی شدند. آنها با آغوش باز به استقبال شهادت رفتند و این ایثارگری در تاریخ ماندگار شد. رهبری حکیمانه و الهی امام حسین (ع) نیز نقش کلیدی در موفقیت یاران داشت. ایشان با صبر و شجاعت، یاران خود را در مسیر درست هدایت کردند. این عوامل دست به دست هم دادند تا یاران امام حسین (ع) در امتحان عاشورا با افتخار و شجاعت بایستند و تاریخ را رقم بزنند.

کلمات کلیدی

کوفه، شهادت، کربلا، امام حسین (ع)، روز عاشورا، رسول خدا (ص)، امام حسین (ع) در کربلا، یار امام حسین (ع).

۱. دانشجوی کارشناسی حقوق، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲. دانشجوی کارشناسی حقوق، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۳. دانشجوی کارشناسی حقوق، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

راهکارهای ترویج فرهنگ زیارت در میان مردم

ارشیا شهابی^۱

چکیده

زیارت به عنوان یک سنت فرهنگی و معنوی در بسیاری از ادیان و جوامع شناخته شده است. در این مقاله، به بررسی راهکارهای ترویج فرهنگ زیارت میان مردم پرداخته شده است. ابتدا اهمیت آموزشی و آگاهی بخشی در ترویج فرهنگ زیارت مورد بررسی قرار می گیرد، سپس به نقش فناوری و رسانه های اجتماعی در دسترسی بیشتر به مکان های مقدس و برگزاری رویدادهای فرهنگی و مذهبی اشاره می شود. این مقاله به دنبال یافتن راه هایی است که می تواند به حفظ و تقویت فرهنگ زیارت در جامعه معاصر کمک کند.

کلمات کلیدی

زیارت، آموزش، آگاهی بخشی، فناوری، رسانه های اجتماعی، رویدادهای فرهنگی و مذهبی، زیارت های مجازی، تورهای زیارتی، فرهنگ، توسعه معنوی.

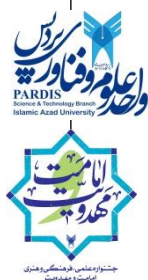
۱. دانشجوی کارشناسی مهندسی کامپیوتر، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

امامت در اسلام، به ویژه در مذهب شیعه، مفهومی بنیادی است که علاوه بر ابعاد دینی و اجتماعی، تأثیرات عمیقی بر روانشناسی فردی و اجتماعی انسان‌ها دارد. امامان معصوم علیهم‌السلام به عنوان رهبران دینی و معنوی، ویژگی‌هایی چون عصمت، علم لدنی، شجاعت، صبر، محبت و مسئولیت‌پذیری دارند که می‌توان آنها را از جنبه‌های روانشناختی تحلیل کرد. این ویژگی‌ها موجب می‌شود که امامان نه تنها به عنوان الگوهای اخلاقی معنوی، بلکه به عنوان منابع آرامش روانی و رشد اجتماعی برای پیروان خود عمل کنند. از نظر روانشناسی، تأثیرات امامت بر فرد شامل ایجاد حس اعتماد به نفس، مسئولیت‌پذیری، رشد اخلاقی و معنوی و تقویت همبستگی اجتماعی است. در سطح اجتماعی، رهبری امامان به تقویت عدالت، همبستگی و کاهش تنش‌های اجتماعی منجر می‌شود. به طور کلی، آموزه‌های امامان می‌تواند به بهبود وضعیت روانی و اجتماعی افراد کمک کند و جامعه‌ای عادلانه و سالم ایجاد کند.

کلمات کلیدی

امامت، روانشناسی، اهل بیت، دین، رفتار.



زندگی امام محور و کسب آرامش

یاسمن افشار^۱، نفیسه غفاری^۲

چکیده

زندگی امام محور به معنای قرار دادن امام معصوم علیه السلام به عنوان الگو و محور اصلی زندگی است. این نوع زندگی بر اساس آموزه‌های اسلامی و به ویژه سیره ائمه معصومین علیهم السلام استوار است. بسیاری از پژوهشگران و اندیشمندان زندگی امام محور را کلید رسیدن به آرامش درونی و سعادت دنیوی و اخروی می‌دانند. نویسندگان در این مقاله به بررسی ابعاد مختلف زندگی امام محور و تاثیر آن بر دست‌یابی به آرامش می‌پردازند.

کلمات کلیدی

امامت، زندگی امام محور، آرامش و سعادت.

۱. دانشجوی کارشناسی مهندسی برق، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲. دانشجوی کارشناسی مدیریت مالی، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.



نقش امامان اهل بیت در هدایت و تربیت جامعه اسلامی

محمد رضا وحیدی کهن^۱

چکیده

امامت یکی از اصول اساسی در مذهب شیعه و دینی اسلام است. این اصل بیانگر نقش و مسئولیت ویژه‌ای است که امامان در هدایت و راهنمایی امت اسلامی دارند. اهل بیت پیامبر ﷺ به عنوان منبعی غنی از علم، اخلاق و هدایت دینی، نقش کلیدی در حفظ و ترویج اسلام داشته‌اند. امامان نه تنها در دوران زندگیشان بلکه در طول تاریخ، راهنمایان و مربیان ارزشمندی برای امت اسلامی بوده‌اند. این مقاله به بررسی نقش امامان در هدایت امت اسلامی از زوایای مختلف می‌پردازد و اهمیت پیروی از تعالیم آنان را در جامعه امروز مورد بحث قرار می‌دهد.

کلمات کلیدی

تربیت، جامعه اسلامی، اهل بیت، مذهب شیعه.

۱. دانشجوی واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

نقش محبت ائمه علیهم السلام در زندگی انسان

عارفه بیقرار عارفی^۱

چکیده

سبک زندگی شیعه با سایر سبک‌ها متفاوت است. نگرش شیعه که ناشی از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله است و با گناه کردن درباب جایگاه اهل بیت پیامبر ناسازگار است. نگرش شیعه مبتنی بر دو معیار اساسی اعتدال و عقلانیت است و با معرفی اهل بیت پیامبر به عنوان هادیان الی الله، مجاری لطف، صاحبان ولایت تکوینی، ولایت تشریعی، ولایت سیاسی و نعمت‌های الهی، اسوه‌های حسنه و مربیان باطنی انسان هستند و شیعه بایستی زندگی خویش را در سه محور معرفت، محبت و اطاعت با سنت اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله تطبیق بدهد.

کلمات کلیدی

سبک زندگی، نگرش شیعی، سنت اهل بیت.

۱. دانشجوی کارشناسی حسابداری، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

نقش پیشوایان الهی در هدایت جامعه

امیرحسین جاویدپور^۱

چکیده

پیشوایان الهی در تاریخ بشر به‌ویژه در دین اسلام، نقش ویژه‌ای در هدایت فردی و اجتماعی انسان‌ها ایفا کرده‌اند. این پیشوایان، از پیامبر اسلام ﷺ تا امام علی علیه السلام و سایر امامان معصوم علیهم السلام، با تعالیم دینی و اخلاقی خود، انسان‌ها را به سوی رشد معنوی، اجتماعی و فرهنگی هدایت کردند. هدایت فردی در اسلام به معنای راهنمایی انسان‌ها برای رسیدن به کمالات روحی و معنوی است که از طریق پیروی از آموزه‌های دینی امکان‌پذیر می‌شود. پیشوایان الهی با تأسیس اصول عدالت، صداقت، و اخلاق نیکو، نه تنها فردی سالم بلکه جامعه‌ای سالم را شکل دادند. این مقاله به بررسی نقش پیشوایان الهی در هدایت فردی و اجتماعی می‌پردازد و بر تأثیر آنها در ایجاد جوامع متعالی و فرهنگ‌سازی دینی تأکید دارد. همچنین، تأثیر آموزه‌های پیشوایان الهی در راستای تحقق عدالت اجتماعی، گسترش معنویت و رشد اخلاقی در جوامع مختلف مورد بررسی قرار گرفته است.

کلمات کلیدی

هدایت فردی، پیشوایان الهی، عدالت اجتماعی، امام علی علیه السلام، پیامبر اسلام ﷺ، اخلاق اسلامی، رشد معنوی، قرآن کریم، نهج البلاغه، رشد اجتماعی، آموزه‌های دینی، اصلاح جامعه.

۱. دانشجوی کارشناسی مدیریت مالی، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

نقش پیشوایان الهی در هدایت جامعه

ریحانه ناصرالاسلامی^۱، ستاره کباشمشکی^۲، سوگند رجبی^۳

چکیده

پیامبران و امامان (علیهم‌السلام) همواره در طول تاریخ با هدایت تشریعی و ارائه طریق، گنجینه‌های عقل بشری را شکوفا کرده‌اند و آنان را به سوی سعادت و کمال رهنمون ساخته‌اند. یکی از اهداف آنان در این مسیر تشکیل مدینه فاضله یا جامعه آرمانی است که افراد جامعه در آن، فارغ از هرگونه ظلم و بی‌عدالتی، به سوی کمال حقیقی و معرفت الهی پیش روند، اما امام علاوه بر هدایت تشریعی با هدایت تکوینی و باطنی خود نیز دل‌های مستعد را هدایت و ایصال به مطلوب می‌کند و این شأن از شئون امام در پیشبرد مردم به سوی آن حیات طیبه، نقشی مهم و اساسی را ایفا می‌کند. در این مقاله به این پرسش اصلی پرداخته می‌شود که «نقش هدایت به امر امام در شکل‌گیری جامعه آرمانی چیست؟» بر اساس تحقیق به عمل آمده برای رسیدن به چنین جامعه‌ای، زمینه‌سازی، هدایت و تربیتی دایمی لازم است که از عهده بشر عادی برنیامده، بلکه باید پیشوا و رهبری که از همه کمالات انسانی و فضایل اخلاقی برخوردار است، این وظیفه را به عهده گرفته تا بتواند فطرت تشنه بشری را سیراب سازد. امام شخصیت یگانه‌ای است که به عنوان فردی معصوم و منصوب پروردگار و وابسته به علم الهی با دارا بودن تمام این صفات می‌تواند به تربیت و هدایت مردم پردازد و آنان را ایصال به مطلوب نماید. به همین دلیل شأن هدایت به امر امام نقشی اساسی را در تحقق این آرزوی دیرینه بشر ایفا می‌کند. روش تحقیق در این مقاله، تحلیلی-توصیفی و شیوه جمع‌آوری اطلاعات، کتابخانه‌ای است.

کلمات کلیدی

هدایت، هدایت به امر، امام، جامعه آرمانی.

۱. دانشجوی کارشناسی مهندسی کامپیوتر، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲. دانشجوی کارشناسی مهندسی کامپیوتر، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۳. دانشجوی کارشناسی مهندسی کامپیوتر، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.



پنجشنبه ۱۳۹۷/۰۵/۰۵
اصفهان - مهدویت

وظایف منتظران ظهور در عصر غیبت امام مهدی

علی اصغر زردی،^۱ رضا خسروی^۲

چکیده

در این تحقیق به مبحث منتظران ظهور امام زمان (عج) پرداختیم. در فرهنگ مهدویت، منتظر به انسانی گفته می‌شود که با تمام وجود، در انتظار آمدن آخرین حجت الهی به سر می‌برد. در دوران کنونی که زمان غیبت امام زمان (عج) است، ولایتمداری افراد می‌تواند از نشانه‌های بارز یک منتظر حقیقی امام غایب (عج) باشد. کسی که منتظر و چشم به راه ظهور و قیام جهانی نجات‌دهنده بزرگ و موعد امت‌هاست. باید از نظر عملی، فکری و اعتقادی نیز انتظار و آمادگی خود را نشان دهد. تنها با لقلقه زبان و ادعای چشم به راه بودن، نمی‌توان خود را منتظر واقعی دانست! البته مرحله نخست «انتظار سازنده» باور به وجود منجی و اعتقاد به ظهور او و برپاداشت انقلاب جهانی به دست اوست. سپس نوبت به اصلاح و همسوسازی رفتارها، گفتار و پندارها با این اعتقاد و باور است.

کلمات کلیدی

امام مهدی (عج)، منتظران، وظایف منتظران، غیبت، ظهور.

۱. دانشجوی کارشناسی عمران، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. دانشجوی کارشناسی معماری، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چالش‌ها و شبهات اعتقاد به امامت در دنیای مدرن

بینا عیوضی^۱

چکیده

در جهان معاصر، ادیان مختلف با ماهیت‌ها و آموزه‌های گوناگون وجود دارند. برخی از ادیان برای عقل حرمت و شأنی قائل نیستند و مردم را به دین داری کورکورانه و بی‌اعتنایی به عقل بشری و عقل‌گریزی فرا می‌خوانند و پذیرش دین و آموزه‌های قدسی و ازلی دین را به درک و تأیید عقل وابسته نمی‌دانند. آنان بر این باورند که ماهیت دین با رمزگرایی و معناگرایی و اسطوره‌آمیخته است، و بر این اساس، پای عقل در این ساحت، لنگ است. پس مراد ما از «رابطه دین» در بحث رابطه دین و مدرنیسم (تجدّد طلبی)، دین‌های عقل‌گرای یا عقل‌ستیز و اسطوره‌ای نیست، بلکه مراد دینی است که برای ادراکات آدمی، به ویژه عقل او، شأن و ارزش و اعتبار قایل است و عقل را در کنار دین، یکی از منابع شناخت خیر و شر و حسن و قبح و بایدها و نبایدها می‌شمارد. بنابراین، مراد از «دین»، دینی است که با عقلانیت و خردورزی سرسازش و تعامل دارد و عقل را تأیید و تقویت می‌کند و اساس دین‌داری و پذیرش دین را خردورزی می‌داند. همچنین مراد دینی است که از اصالت و جایگاه قدسی و وحیانی خود دور نشده و از گزند بدعت و تحریف و تأویل‌های بشری مصون مانده است. تعریف «مدرنیته» از نظر فیلسوفان مدرن، «مدرنیته» به معنای «نوآوری، ابداع، ابتکار، خلاقیت، پیشرفت، ترقی، رشد خودآگاهی تاریخی بشر» و همچنین به معنای «خردباوری و تلاش برای عقلانی کردن هر چیز، شکستن و ویران کردن عادت‌های اجتماعی و باورهای سنتی، همراه با پشت سر نهادن ارزش‌های سنتی و باور به اصالت علم تجربی، و عقلانیت بشری و محوریت انسان و اعتقاد به ایده‌ی پیشرفت»، تعریف و توصیف شده است. به طور کلی، می‌توان گفت: مدرنیته بر مبانی خاص علمی و فلسفی و معرفت‌شناختی مبتنی است. در معرفت‌شناسی، واقع‌گراست و بر عقلانیت و علم تأکید می‌کند. در سیاست، پیشرو و مترقی است. از نظر علمی، تجربه‌گراست. و از نظر انسان‌شناسی، انسان محور است و انسان را در خدمت ارزش‌های فرهنگ مدرن قرار می‌دهد.

کلمات کلیدی

چالش‌ها، شبهات اعتقادات، امامت در دوره مدرن.

۱. دانشجوی کارشناسی حقوق، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

کارکرد سیره اخلاقی و تربیتی اهل بیت علیهم‌السلام در دنیای مدرن

هانیه دلش،^۱ ستایش علیون،^۲ مریم میرزائی^۳

چکیده

هدف از نگارش این مقاله آن است که سیره‌های اخلاقی و تربیتی اهل بیت علیهم‌السلام در دنیای مدرن مورد مطالعه و بررسی قرار بگیرد. دنیای معاصر، دنیای مدرن و متجدد شمرده شده است. با پیشرفت علوم و فنون مختلف جهان معاصر تمایل به نو شدن، کنار نهادن سنت‌های کهنه و قدیمی دارد. در این میان اصول اخلاقی و تربیتی از یک ثبات منطقی برخوردار است. اصول اخلاقی در تمام دوره‌های روزگار حیات بشری بر اساس تعالیم فطری یکسان می‌باشد. تعالیم و حیانی مکتب اسلام با کارکردهای تربیتی و اخلاقی اهل بیت علیهم‌السلام این موضوع را مهم نشان می‌دهند. نویسندگان با بهره‌برداری از آیات قرآن کریم و روایات معصومان علیهم‌السلام و کتاب‌های مربوط به دنیای مدرن این امر را مورد مطالعه و بررسی قرار داده‌اند.

کلمات کلیدی

دنیای مدرن، اخلاق و تربیت، اهل بیت علیهم‌السلام، سیره اهل بیت علیهم‌السلام.

-
۱. دانشجوی کارشناسی مهندسی نرم افزار کامپیوتر، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
 ۲. دانشجوی کارشناسی مهندسی نرم افزار کامپیوتر، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
 ۳. دانشجوی کارشناسی مهندسی نرم افزار کامپیوتر، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

زندگی امام‌محور و دستیابی به آرامش

آتنا فروغی^۱

چکیده

آرامش به عنوان یکی از اساسی‌ترین نیازهای انسانی همواره در معرض تهدید مشکلات و چالش‌های زندگی مدرن بوده است. سبک زندگی امام‌محور، که بر پایه آموزه‌های اخلاقی و معنوی ائمه اطهار علیهم‌السلام شکل گرفته است، می‌تواند الگویی جامع برای دستیابی به آرامش درونی ارائه دهد. این مقاله به بررسی جایگاه آرامش در آموزه‌های اسلامی، تأثیرات معنویت در کاهش اضطراب و استرس و نقش سبک زندگی امام‌محور در بهبود کیفیت زندگی می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد که توجه به این سبک زندگی، راهکاری عملی و اخلاقی برای غلبه بر چالش‌های روانی و معنوی زندگی معاصر است.

کلمات کلیدی

زندگی امام‌محور، آرامش، معنویت، سبک زندگی اسلامی، تعالیم ائمه اطهار علیهم‌السلام.

۱. دانشجوی کارشناسی مهندسی نرم افزار کامپیوتر، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

زیارت جامعه کبیره و هدایتگری اهل بیت علیهم السلام

«اسناد زیارت جامعه کبیره در بین منابع حدیثی شیعه»

محمد جواد سعیدیان^۱

چکیده

زیارت جامعه کبیره یکی از زیارت‌نامه‌های مشهور و مهم در فرهنگ شیعه به‌شمار می‌آید که به‌ویژه در ایام مخصوصی از سال مانند ایام عاشورا و مراسم‌های مذهبی دیگر خوانده می‌شود. این زیارت‌نامه توسط امام هادی علیه السلام روایت شده و به امام علی علیه السلام و دیگر ائمه معصوم علیهم السلام تعلق دارد و به بیان مقام و منزلت آنها پرداخته است. یکی از ویژگی‌های بارز زیارت جامعه کبیره، زبان بلاغی و فلسفی آن است که به عمیق‌ترین معارف دین اشاره می‌کند و برای زائر، درک عمیقی از مقام اهل بیت علیهم السلام و توحید الهی فراهم می‌آورد. اسناد زیارت جامعه کبیره در میان منابع حدیثی شیعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بررسی این اسناد و شواهد، از یک سو، به درک تاریخی و دینی این زیارت‌نامه کمک می‌کند و از سوی دیگر، بنیادهای اعتقادی و فرهنگی شیعه را روشن می‌سازد. در این مقاله، به تحلیل و بررسی اسناد و روایات مرتبط با زیارت جامعه کبیره در منابع حدیثی شیعه خواهیم پرداخت. همچنین، تأثیر این زیارت‌نامه بر ادبیات دینی و فرهنگ شیعه و جایگاه آن در آثار مختلف فقهی و کلامی بررسی خواهد شد. تعمیق در ابعاد مختلف زیارت جامعه کبیره و بررسی اسناد آن در منابع معتبر حدیثی شیعه، نه تنها به درک درست‌تری از مفاهیم نهفته در این زیارت می‌انجامد بلکه به ما کمک می‌کند تا به جوانب تاریخی و اجتماعی جامعه شیعه در قرون اولیه اسلام نیز پی ببریم. هدف این مقاله، کشف و تبیین این ابعاد متنوع و معنوی است که زیارت جامعه کبیره به همراه خود دارد و جایگاه آن را در فرهنگ و معارف شیعه روشن می‌سازد.

کلمات کلیدی

زیارت جامعه کبیره، امام هادی علیه السلام، شیخ صدوق رحمته الله، سند زیارت، محتوای زیارت.

۱. دانشجوی کارشناسی مهندسی کامپیوتر، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

زیارت مشاهد مشرفه

مریم شکوفه نژاد^۱، نازنین کریمی^۲، مرضیه آقامحمدی^۳

چکیده

این تحقیق به بررسی زیارت مشاهد مشرفه از جنبه‌های مختلف آداب، آثار فردی و اجتماعی، راهکارهای ترویج فرهنگ زیارت و عوامل ارتقای معرفت زائران می‌پردازد. ضمن تحلیل نقش زیارت امام حسین (ع) و تأثیر زیارت اربعین بر باورداشت امامت، به آسیب‌شناسی این موضوعات و ارائه راهکارهای رفع چالش‌ها پرداخته شده است. همچنین، تاریخچه فرهنگ زیارت و جایگاه زیارت از راه دور در متون حدیثی و سیره بزرگان بررسی می‌شود. این مقاله نشان می‌دهد که زیارت مشاهد مشرفه، علاوه بر رشد معنوی و فردی، تأثیرات اجتماعی گسترده‌ای در تقویت همبستگی، عدالت‌خواهی و ترویج مفاهیم امامت دارد.

کلمات کلیدی

زیارت مشاهد مشرفه، امام حسین (ع)، زیارت اربعین، فرهنگ زیارت، معرفت زائران، آثار اجتماعی زیارت، آسیب‌شناسی زیارت.

-
۱. دانشجوی کارشناسی حقوق، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
 ۲. دانشجوی کارشناسی حقوق، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
 ۳. دانشجوی کارشناسی حقوق، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

حدیث غدیر جزو مهم‌ترین احادیثی است که در تاریخ اسلام نقش اساسی داشته و موضوع ولایت و رهبری امام علی علیه السلام بعد از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را تبیین کرده است. این حدیث در روز ۱۸ ذی‌الحجه سال دهم هجری در مکانی به نام «غدیر خم» و در جریان بازگشت پیامبر از حجة الوداع ایراد شده است. با توجه به اهمیت این حدیث در معرفی ولایت امام علی علیه السلام و تشریح جایگاه ایشان به عنوان جانشین پیامبر، این واقعه همواره موضوع بحث‌ها و مطالعات بسیاری در میان علما و محققان اسلامی بوده است. موضوع غدیرخم از مهم‌ترین نقطه‌های عطف در تاریخ رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. واقعه عظیم غدیر، شامل مراحل مقدمات قبل از خطبه و متن خطبه و وقایع که همزمان با خطبه اتفاق افتاد. هر یک از حاضران در غدیر، گوشه‌هایی از مراسم یا قطعه‌ای از سخنان حضرت را نقل نموده‌اند. البته قسمت‌های از این جریان به صورت متواتر به دست ما رسیده است و خطبه غدیر نیز به صورت کامل در کتب حدیث حفظ شده است. کتب مفصلی در زمینه بحث‌های رجالی و تاریخی مربوط به سند حدیث غدیر تألیف شده است که بهترین نمونه آن کتاب الغدير تألیف علامه شیخ عبدالحسین امینی نجفی از علمای شیعه در قرن حاضر است که در اثبات جانشینی و ولایت علی بن ابی‌طالب بعد از پیامبر اسلام نوشته است. این مجموعه در ۲۰ جلد به نگارش درآمده است.

کلمات کلیدی

غدیر، حضرت محمد صلی الله علیه و آله، حضرت علی علیه السلام، علامه امینی.

۱. دانشجوی کارشناسی مهندسی کامپیوتر، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

اگرچه وجود امام در هر حالی برای تحقق یک انقلاب همه جانبه در سطح جهان در هر برهه‌ای از زمان و مکان از ضروریات دین محسوب می‌شود. وجود امام واقعیّتی مسلّم و پذیرفته شده است، چرا که با توجه به متون روایی و آیات مختلف زمین هیچ گاه از حجت الهی خالی نخواهد ماند. یکی از مباحثی که همیشه و در همه زمان‌ها مطرح بوده است، بحث از غیبت و پنهان زیستی حضرت مهدی موعود (عج) است و آن اینکه اگر وجود امام در همه‌ی زمان‌ها ضروری است، پس چه فایده‌ای بر وجود امام غایب از نظر مترتب است. امام در جایگاه بلندی در عالم هستی قرار دارد و کسی که به این جایگاه پی ببرد علاوه بر اصلاح خویشتن به اصلاح جامعه نیز پرداخته و با کسب معرفت و بینش بیشتر نسبت به این امام فرزانه در زمره منتظران واقعی قرار خواهد گرفت. در حیات فردی و اجتماعی انسان‌ها سنت‌های گوناگونی وجود دارد و یکی از این سنت‌ها، سنت غیبت است و بحث از غیبت امام مهدی (عج) بحث جدیدی نیست بلکه در میان انبیاء گذشته نیز موارد بسیاری دیده شده است و ریشه‌ی عمیق تاریخی دارد. در این غیبت حکمت‌هایی نهفته است و هر چند همه‌ی آنها بر ما آشکار نیست اما مجهول بودن این حکمت‌ها در ایمان به آخرین منجی عالم بشریت تأثیری نخواهد داشت. هر چند با توجه به متون روایی به حکمت‌ها و فواید ظاهری از غیبت ایشان پی برده شده است و خداوند حکیم هرگز کار عبث و بیهوده انجام نخواهد داد که به یاری خدای متعال با ظهور آن امام عزیز این فواید بر همگان آشکار خواهد شد.

کلمات کلیدی

امام مهدی (عج)، فواید غیبت، عصر غیبت، حکمت غیبت.

۱. دانشجوی کارشناسی حقوق، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.



چهارمین همایش ملی فرهنگ و هنر
اسلام و معنویت

مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام در دنیای مدرن

مهدیه میرکاظمی حسینی^۱، مرضیه پیرزاده^۲، فاطمه علیدوست^۳

چکیده

جایگاه رفیع اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام که خاندان منصوب به پیامبر اسلام و همان امامان معصوم علیهم السلام می باشند، بر کسی پوشیده نیست. هدف از تدوین این نوشتار آن است که مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام در دنیای معاصر و دنیای مدرن مورد بررسی قرار گیرد و این مسئله تبیین گردد که جهان معاصر با تمام پیشرفت در علوم و فن آوری نیازمند راهنمایی های این بزرگواران است.

کلمات کلیدی

دنیای مدرن، اهل بیت علیهم السلام، مرجعیت علمی.

-
۱. دانشجوی کارشناسی حسابداری، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
 ۲. دانشجوی کارشناسی حسابداری، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
 ۳. دانشجوی کارشناسی حقوق، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام در دنیای مدرن

مبینا خالقی فر^۱، عسل پادگانه^۲، یکتا ملا افضل^۳

چکیده

هدف از نوشتن این مقاله، بررسی مرجعیت علمی اهل بیت، امامان معصوم علیهم السلام در دنیای مدرن است. نظام هستی، جوامع انسانی همواره در حال نوشتن است. اساسی‌ترین ویژگی دنیای مدرن تغییر و تحول است. در این راستا آنچه از علوم - به امامان معصوم علیهم السلام نسب داده شده و از آنها صادر شده است، دنیای مدرن را نقض نکرده است. قرآن کریم روایات منسوب به امامان معصوم علیهم السلام با گذشت سالیان سال از طراوت و تازگی برخوردارند. نویسندگان در این نوشتار درصدد هستند تا به روز بودن معارف اسلامی و معارف نبوی و اهل بیت علیهم السلام را در دنیای مدرن تبیین نموده و ترسیم کنند.

کلمات کلیدی

دنیای مدرن، اهل بیت علیهم السلام، مرجعیت علمی.

-
۱. دانشجویان کارشناسی حقوق، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
 ۲. دانشجویان کارشناسی حقوق، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
 ۳. دانشجویان کارشناسی حقوق، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

زندگی امام محور و کسب آرامش

عطیه ورمزیار،^۱ رضوانه گلشنی،^۲ شهرزاد رحمانی اصل،^۳ زهرا نصراله کاشانی،^۴

چکیده

یکی از دغدغه‌هایی که معمولاً در بین جامعه و اعضای خانواده حکم فرماست، عدم امنیت و آرامش می‌باشد، تا جایی که در مقاله بیان شد بسیاری از زندگی‌ها دارای آسایش و حتی تجملات و رفاهیات بسیار شدیدی هستند اما در آن جامعه آسایش و امنیت ابداً حکم فرما نیست. اساساً در زندگی؛ چه فردی و چه اجتماعی انسان‌ها بایستی خدا محور باشند تا بتوانند به آرامش دست یابند به‌طور کلی آرامش در پناه یاد خدا به دست می‌آید یعنی کسانی که از یاد حضرت باری تعالی فاصله گرفته‌اند معمولاً در زندگی خود مضطرب و نگران به نظر می‌آیند. در این نوشتار بیان داشتیم که خانواده هسته مرکزی جامعه است و شکل‌گیری جامعه از خانواده آغاز می‌شود خانواده به گروهی خاص از خویشاوندان اطلاق می‌شود که در برآوردن نیازهای اساسی، اعضا، مسئولیت اصلی را عهده دار است این گروه، ترکیبی از افرادند که از طریق خون، ازدواج یا فرزند خواندگی (در غیر حوزه اسلام) به هم مربوط می‌شوند. ما در این نوشتار بر آن شدیم که اولاً آرامش را به فراخور مقاله معنا نمائیم و پس از آن با اقتباس آیات و روایات در این زمینه برخی از عواملی که از نگاه قرآن برای جامعه و حتی خانواده برای امنیت و آسایش کاربرد اجتماعی و فرهنگی بسیار شدیدی دارد یاد آور شویم.

کلمات کلیدی

آرامش، آسایش، سکینه، یاد خدا، ازدواج، نظم باعث امنیت، نظم و انضباط، تلاش و کوشش.

۱. دانشجوی کارشناسی حقوق، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲. دانشجوی کارشناسی حقوق، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۳. دانشجوی کارشناسی حقوق، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۴. دانشجوی کارشناسی حقوق، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

ارتباط میان علم و دین و علم دینی؛

مروری بر سیر تحول علم و فلسفه علم با استفاده از بیانات امام علی (ع) در نهج البلاغه

مسیح سبحانی^۱، علی باهک^۲

چکیده

در این مقاله به بررسی جایگاه علم در دین مبین اسلام و کتاب قرآن و همچنین دیدگاه حضرت علی (ع) و ابن هیثم در مورد علم پرداخته‌ایم و سیر تحول علم را بررسی کرده‌ایم و همواره در پی این بودیم که علم چه جایگاهی دارد و آیا ارتباطی میان علم و دین وجود دارد؟ از ابتدای طلوع خورشید دین اسلام تاکید به فراگیری علم و دانش به حدی بوده است که خدای متعال به قلم آنچه که می‌نویسد در سوره علق آیات ۱ تا ۵ سوگند خورده است. همچنین در کتاب کشکول بحرانی به نقل از امیرمومنان (ع)، حضرت به ده دلیل علم را برتر از ثروت می‌داند. از نظر قرآن کریم قوام و پایداری دین بر اساس تعلیم و آموزش است به همین سبب خدای متعال در ۲۷ مورد از جمله آیات ۲۰۹، ۲۰۳، ۲۲۳، ۲۳۱ سوره بقره با لفظ «اعلموا» مردم را به صورت آشکار به فراگیری و شناخت علم دعوت نموده است.

کلمات کلیدی

علم و دین، حضرت علی (ع)، قرآن کریم، اهل بیت (ع)، متافیزیک.

۱. دانشجوی کارشناسی مهندسی برق، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. دانشجوی کارشناسی مهندسی برق، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

تأثیر زیارت اربعین بر ترویج باورداشت امامت در جهان

امیرعلی غلامی^۱

چکیده

هدف از زیارت، قصد کردن، توجه کامل و حضور قلب نسبت به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام و در خدمت آن بزرگواران بودن است و در واقع، افراد با زیارت خود را هم مسیر ائمه و امام حسین علیه السلام می‌کنند. زیارت اربعین از مهم‌ترین زیارات امام حسین علیه السلام است و امام حسن عسکری علیه السلام در این مورد فرمود: خواندن این زیارت نه فقط در روز اربعین، بلکه در همه ایام سفارش زیادی شده است. مفاهیم و مضامین عالی در این زیارت، بر حقانیت و مظلومیت امام حسین علیه السلام دلالت دارد و اینکه این امام با آگاهی کامل قدم در مسیر از بین بردن ظلم و نفاق همچنین گسترش عدل در جامعه گذاشتند و در این راه تمام اهل و خانواده و دوستان خویش را فدا کردند و اگر قیام عاشورا در کربلا نبود، بساط دین اسلام برای همیشه برچیده می‌شد. امام صادق علیه السلام در فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام فرمود زیارت حسین بن علی علیه السلام بر هر که اقرار به امامت حسین علیه السلام از جانب خدای عزوجل دارد، واجب است.

کلمات کلیدی

زیارت اربعین، امام حسین علیه السلام، عاشورا، زائران، عدالت.

۱. دانشجوی کارشناسی مهندسی پزشکی، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

